حماسه تلخ

روایتی متفاوت از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸

نویسنده: سید امیر سیاح

سیاح، سیدامیر، ۱۳۴۴ـ
حماسه تلخ / نویسنده: سیدامیر سیاح.
تهران، موسسه جام‌جم، ۱۳۸۹.
۶۰۰ ص. مصور، جدول
ISBN: ۹۷۸ـ۶۰۰ـ۵۶۶۲ـ۰۴ـ۷

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا
۱. انتخابات ــ ایران.
۲. روسای جمهور ــ ایران ــ انتخابات ــ ۱۳۸۸.
۳. ایران ــ سیاست و حکومت ــ ۱۳۸۸.
۴. ایران ــ تاریخ ــ قرن ۱۴ ــ جناح‌های سیاسی
الف. موسسه جام‌جم.
۸۷ س ۵ آ / JQ ۱۷۸۹
۱۳۸۹
۳۲۴/۹۵۵
کتابخانه ملی
۲۰۴۶۷۷۹



حماسه تلخ روایتی متفاوت از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸

نویسنده: سید امیر سیاح
ناشر: مؤسسه جام‌جم
چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۹
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
صفحه‌آرا: سهیلا عسکری
چاپ و لیتوگرافی: مؤسسه جام‌جم
نشانی: خیابان میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۴۵ قدیم - ۱۲۹ جدید
تلفن: ۲۲۹۲۰۷۸۰ - نمابر: ۲۲۹۲۰۷۸۳
نشانی الکترونیکی: www.jamejamonline.ir
صندوق پستی: ۵۱۹۹ - ۱۹۳۹۵
پست الکترونیکی: Entesharat@jamejamonline.ir
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۶۲-۰۴-۷

فهرست

سخن ناشر

به‌نام آنکه جان را فکرت آموخت

محوری‌ترین فعالیت موسسه فرهنگی ـ مطبوعاتی جام‌جم، انتشار روزنامه جام‌جم است اما از آنجا که بین فعالیت‌های مطبوعاتی و انتشاراتی، پیوندی وثیق و عمیق وجود دارد، سازمان دادن به فعالیت انتشاراتی نیز ضرورت پیدا می‌کند. کار مطبوعاتی، همان کار انتشاراتی است اما به شکل روزانه و برای عامه با هدف عمومی کردن یک سلسله از مباحث که در ذات خود ممکن است جنبه تخصصی و کارشناسی داشته باشند. کار انتشاراتی نیز ماندگار کردن مباحث و مطالبی است که ممکن است در طول انتشار یک روزنامه، به وفور یافت شوند اما طول عمرشان، بیش از آن است که با یک بار انتشار، دیگر کسی به سراغشان نیاید. بنابراین ضروری است که بسیاری از مطالب ماندنی و مفید روزنامه در قالب کتاب هم منتشر شوند تا مراجعه یکجا و دسترسی کامل به آنها میسر شود. همین یک دلیل یعنی پوشش دادن به مطالب ماندگارتر روزنامه و انتشار آنها به‌صورت کتاب، لزوم فعالیت انتشاراتی را در کنار فعالیت مطبوعاتی منطقی می‌نماید.

در عین حال انتشارات جام‌جم، سعی دارد نشر کتاب‌های دیگری را نیز مورد توجه قرار دهد. انتشار تحقیقات صورت گرفته از سوی اعضای تحریریه روزنامه و نیز نویسندگان مرتبط با جام‌جم، از دیگر اولویت‌های انتشارات جام‌جم را تشکیل می‌دهد. در عین حال دیگر نویسندگان و مترجمان و صاحبان تالیف و

اثر نیز می‌توانند نوشته‌های خود را در اختیار ما قرار دهند تا در صورت تایید محتوا، از سوی انتشارات جام‌جم، منتشر شوند.

***

بی‌تردید انتخابات ریاست‌جمهوری دهم که در سال ۸۸ برگزار شد، یکی از مهم‌ترین وقایع ۳۰ ساله انقلاب اسلامی تلقی می‌گردد.

انتخاباتی که هم در شروع و مقدمات آن متفاوت بود، هم در پایان و آثار و تبعات پس از آن، به نحوی که با گذشت بیش از یک سال از برگزاری آن همچنان مورد بحث و گفت‌وگوی صاحب‌نظران و رسانه‌های داخلی و خارجی قرار دارد.

دامنه این انتخابات به رخدادهای تلخی انجامید که برخی، از آن به «کودتای مخملی»، «فتنه» و «اقدام به براندازی نظام جمهوری اسلامی» یاد کردند.

تحلیل ابعاد مختلف این رویداد بی‌نظیر می‌تواند به بصیرت و روشنگری نسل جوان امروز و آینده کمک شایانی نماید. انتخاب ۸۸ سرشار از آموزه‌ها و عبرت‌ها، ریزش و رویش‌ها بود.

آنچه در کتاب «حماسه تلخ» آمده، روایتی است متفاوت از همه آنچه درباره این انتخابات رخ داد. انتشارات «جام‌جم» امیدوار است این مجموعه برای اهل نظر و خواندگان فهیم آن مفید واقع شود.

لازم است از نویسنده محترم جناب آقای سیدامیرسیاح که با حوصله، دقت و رعایت انصاف و واقع‌گرایی به تحلیل اخبار و رخدادهای این مقطع تاریخی پرداختند و همچنین جناب آقای مهدی فضائلی که مسوولیت نظارت بر انجام این پروژه را برعهده داشتند تشکر و قدردانی نمائیم.

زمستان ۱۳۸۹

انتشارات جام‌جم

فصل ۱

فضای سیاسی ایران در سال منتهی به انتخابات ۸۸

با آغاز آخرین سال از دوره چهارساله دولت نهم، فضای سیاسی کشور به‌تدریج رنگ و بوی انتخابات ریاست جمهوری می‌گرفت و هر حرکت چهره‌های سیاسی و دولتمردان، در محافل سیاسی ـ رسانه‌ای، به نوعی با انتخابات مربوط دانسته و از زوایه انتخاباتی تحلیل و ارزیابی می‌شد.

در طلیعه سال ۱۳۸۷، رهبر انقلاب این سال را سال نوآوری و شکوفایی نامیدند و اظهار امیدواری کردند نتیجه تلاش‌های سه ساله دولت نهم برای مردم ملموس شود و در همه تلاش‌ها و خدمات شاهد نوآوری باشیم.

یکی از تحولات سیاسی مهم این سال، آغاز به‌کار مجلس هشتم بود؛ مجلسی که در پی پیروزی نسبتا قاطع جبهه متحد اصول‌گرایان (شامل طرفداران دولت، جبهه پیروان خط امام و رهبری و اصول‌گرایان تحول‌خواه) در انتخابات اسفند ۸۶ تشکیل می‌شد. هر چند اصلاح‌طلبان با یادآوری رد صلاحیت نامزدهای اصلاح طلب توسط شورای نگهبان، شکست خود را در این انتخابات توجیه می‌کردند اما به هر حال آنها در اغلب حوزه‌هایی که نامزدهای سرشناس هم داشتند (از جمله تهران)، حتی اکثریت نسبی آرا را هم به‌دست نیاورده بودند. از جمله تحولات ناشی از آغاز به‌کار مجلس هشتم، انتخاب دکتر علی لاریجانی به

ریاست این دوره مجلس به‌جای دکتر حداد عادل بود. اصول‌گرایان تحول‌خواه که از ادامه ریاست حداد در مجلس دفاع می‌کردند، انتخاب لاریجانی را ناشی از زد و بند اصول‌گرایان سنتی با دولتی‌ها (رایحه خوش خدمت) می‌دانستند. در طول مجلس هفتم، مقاومت حداد در برابر برخی خواسته‌های دولت احمدی‌نژاد باعث کدورت نسبتا شدید دولت از رئیس مجلس هفتم شده بود و رسانه‌های هوادار و تحت پوشش دولتمردان به شدت از مدیریت حداد عادل در مجلس انتقاد و آن‌را چوب گذاشتن لای چرخ دولت تلقی می‌کردند. به همین دلیل هواداران دولت از کنار زدن حداد توسط لاریجانی استقبال کردند اما این شرایط، دیری نپایید و از نیمه سال ۸۷، با ماجرای تحقیق و تفحص از مدرک تحصیلی مرحوم علی کردان و استیضاح منجر به عزل وی، دوستی رایحه خوش خدمت با علی لاریجانی در مجلس هشتم به پایان رسید. چند ماه بعد با مقاومت لاریجانی در برابر درخواست‌های رئیس‌جمهور درباره لایحه بودجه ۸۸ و به ویژه حمایت لاریجانی از گزارش دیوان محاسبات علیه برخی بی‌انضباطی‌های مالی دولت، لاریجانی هم شرایطی نظیر حداد عادل پیدا کرد.

سال ۸۷ سال جابه‌جایی‌های پر سروصدا در کابینه هم بود. فروردین این سال، دانش جعفری و پورمحمدی سکانداران اقتصاد و سیاست داخلی دولت، با دلخوری و تلخی کابینه را ترک کردند. دانش‌جعفری مراسم تودیعش را به محاکمه تمام عیار سیاست‌های اقتصادی ـ سیاسی دولت نهم تبدیل کرد و یک سال بعد، رئیس ستاد انتخاباتی رضایی شد. پورمحمدی نیز مدتی بعد از سوی آیت‌الله هاشمی شاهرودی، رئیس وقت قوه قضاییه، به ریاست سازمان بازرسی کل کشور گمارده شد تا مطابق قانون اساسی بر عملکرد دستگاه‌های دولتی نظارت کند.

جالب آنکه نه فقط عزل و رفتن این دو مهره کلیدی کابینه برای شخص احمدی‌نژاد دردسرساز شد، بلکه جانشینان آنان نیز برای مدتی دولت و کشور

را با مشکل مواجه کردند به طوری که به درازا کشیدن یافتن وزیر اقتصاد جدید، نیازمند حکم حکومتی رهبر انقلاب در تمدید سرپرستی صمصامی بر وزارت اقتصاد شد و انتخاب مرحوم علی کردان به جانشینی پورمحمدی در وزارت کشور و ماجراهای بعدی‌اش نیز برای دولت نهم بسیار گران تمام شد.

استعفای اعتراض‌آمیز داوود احمدی‌نژاد از بازرسی ویژه نهاد ریاست جمهوری، سخنرانی جنجالی شخصی به‌نام عباس پالیزدار، سخنان اسفندیار رحیم‌مشایی (معاون سازمان گردشگری و صنایع‌دستی وقت رئیس‌جمهوری) درباره دوستی با مردم اسرائیل از دیگر تحولات صحنه سیاسی داخلی کشور در سال قبل از انتخابات ۸۸ بود.

در سال ۸۷ دغدغه اصلاح‌طلبان، وحدت در نامزد نهایی و یافتن کسی بود که بتواند در مبارزات انتخاباتی از پس احمدی‌نژاد برآید. رسیدن به این وحدت البته چندان ساده نبود چرا که اصلاح‌طلبان در این سال طیفی متنوع داشتند که از چپ‌های قدیمی تا لیبرال‌های جدید را در بر می‌گرفت. سابقه نه چندان کهنه دعوای درون گروهی و نسبت دادن دلایل ناکامی جریان دوم خرداد و شکست‌های پی‌درپی انتخاباتی از سال ۸۱ تا ۸٦ به همدیگر، رسیدن به وحدت در اردوگاه اصلاح طلبان را پیچیده‌تر می‌کرد. با این حال نکته‌ای که امید به وحدت را درمیان اصلاح‌طلبان زنده نگه می‌داشت این بود که همه گروه‌ها و چهره‌های اصلاح‌طلب در یک نکته اتفاق نظر داشتند: «احمدی‌نژاد باید برود».

در سال ۸۷ وضعیت اصول‌گرایان از نظر وحدت، بسیار پیچیده‌تر و بغرنج‌تر بود. بعد از تشکیل مجلس هشتم، جبهه متحد اصول‌گرایان خیلی سریع فروپاشید و سه گروه اصلی اصول‌گرا، دلایل زیادی برای بدبینی نسبت به هم داشتند. اصول‌گرایان سنتی (جبهه پیروان خط امام و رهبری با محوریت حبیب‌الله عسکراولادی و محمدرضا باهنر)، از دولت به‌خاطر برخی یکدندگی‌ها و روابط تیره‌اش با علما گلایه داشتند. اصول‌گرایان تحول‌خواه (با محوریت توکلی، فدایی

و زاکانی) از برخی سیاست‌های اقتصادی و به‌کارگیری افرادی نظیر رحیمی، مشایی و کردان در دولت انتقاد می‌کردند. رایحه خوش خدمت و طرفداران آقای احمدی‌نژاد نیز هر دو گروه دیگر اصول‌گرا را به سهم خواهی، عقده‌گشایی (تعابیر سایت رجانیوز) و کارشکنی علیه دولت متهم می‌کرد. در این فضا گاهی از فعالیت محمدباقر قالیباف، شهردار تهران برای تشکیل زودهنگام ستادهای انتخاباتی و یا تمایل افرادی نظیر علی لاریجانی، احمد توکلی، عزت‌الله ضرغامی، مظاهری، پورمحمدی و... برای نامزدی در انتخابات آتی شایعاتی پخش و زود تکذیب می‌شد. چهره‌های شاخص و گروه‌های اصول‌گرا (بجز رایحه خوش خدمت) هر چند کم و بیش از احمدی‌نژاد دلخور بودند، اما هیچ‌کدام خود را یارای رقابت با وی نمی‌دیدند یا این کار را به نفع جریان اصول‌گرا نمی‌دانستند.

از نظر سیاست خارجی، سال ۸۷ سالی نسبتا موفق برای دولت بود چراکه موفق شده بود انرژی هسته‌ای را حداقل در داخل کشور به عنوان موضوعی تثبیت شده و قطعی جا بیندازد و با بهره‌گیری از فرصت اختلاف چین، روسیه با دیگر طرف‌های اروپایی بر فشارها و تحریم‌های غرب غلبه کند. پیروزی اوباما در اواخر سال ۸۷ و وعده نرمش با ایران در شعارهای انتخاباتی وی، چشم‌انداز گشایش در روابط ایران و آمریکا را امیدبخش کرده بود. در این سال برگزاری اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر در تهران با حضور پوتین موفقیت دیگری برای دولت در عرصه سیاست خارجی قلمداد می‌شد.

بر عکس سیاست خارجی، اوضاع اقتصادی در سال ۸۷ چندان امیدبخش نبود. هر چند دولت موفق شده بود از بهار آن سال، بعد از دو سال جهش کم‌سابقه قیمت مسکن، آرامش را به بازار مسکن برگرداند اما بر اثر سه سال رشد شدید نقدینگی، تورم در سال ۸۷ شیب صعودی گرفت و به ۲۵/٤ رسید که از ۱۳۷٤ به این سو بی‌سابقه بود.

استعفا یا عزل طهماسب مظاهری به عنوان دومین تعویض رئیس کل بانک

مرکزی در دولت نهم از دیگر تحولات اقتصادی سال ۸۷ بود. مظاهری در پی سه‌سال جهش کم‌سابقه در رشد نقدینگی، خزانه بانک‌ها را به قول خودش سه‌قفله کرده بود اما کشیدن ترمز نقدینگی به مذاق وزرای کار و صنایع چندان خوش‌نیامد به طوری که جهرمی ، وزیر کار مکررا در رسانه‌ها از عدم همکاری نظام‌بانکی در ارائه تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده انتقاد می‌کرد. سرانجام سی‌ام شهریور ۸۷ مظاهری بر کنار شد و جای خود را به محمود بهمنی سپرد.

مظاهری به هنگام خداحافظی، با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به رئیس‌جمهور، از سیاست‌های اقتصادی دولت انتقاد کرد و به احمدی‌نژاد تذکر داد که گزارش کار خود را به مقام معظم رهبری هم ارسال کرده و می‌داند این کار به معنی پایان همکاری‌اش در بانک مرکزی خواهد بود. (ایسنا، ٤مهر)

سال ۸۷ در اقتصاد جهانی سالی پر نوسان بود. ابتدا در بهار ۸۷ قیمت انواع کالاها و محصولات خوراکی در جهان به شدت افزایش پیدا کرد ولی از تابستان این سال با ظهور بحران در اقتصاد آمریکا، کل اقتصاد جهانی به رکود رفت که باعث شد قیمت جهانی نفت در این سال به کمتر از ٤٠ دلار (سبد نفتی اوپک در آذر ۸۷) برسد. اعلام تصمیم قطعی دولت برای هدفمند کردن یارانه‌ها و تدارک مقدمات آن، خبر دیگر اقتصادی سال ۸۷ بود که در محافل رسانه‌ای و سیاسی بلافاصله به موضوع انتخابات ربط داده شد.

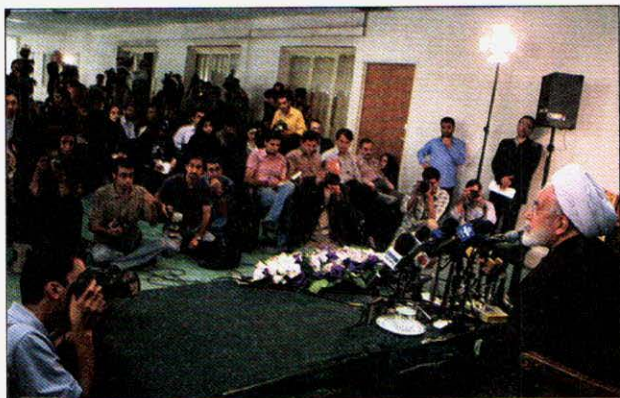
سال ۸۷سفرهای استانی دولت به دور دوم رسید و با هر سفر استانی، موضوع کمتر یا بیشتر شدن استقبال مردمی از احمدی‌نژاد در محافل سیاسی ــ رسانه‌ای به بحث گذاشته می‌شد. تیرماه ۸۷وزارت کشور رسما به آغاز زودهنگام مباحث انتخاباتی اعتراض کرد اما این اعتراض کار ساز نبود چرا که همه چیز از تدارک صف‌آرایی بزرگ اصلاح‌طلبان در برابر احمدی نژاد در انتخابات سال بعد خبر می‌داد...

فصل ۲

مهرماه ۸۷، ورود شیخ اصلاحات

نیمه سال ۸۷ و در شرایطی که اخبار نامزدهای احتمالی انتخابات آتی در حد شایعات و حدسیات بود، شورای مرکزی حزب اعتماد ملی ، کاندیداتوری دبیرکل خود را تصویب و تصمیم نهایی را در این مورد به وی واگذار کرد. (ایسنا، ۱۰شهریور) ٤۲ روز بعد و در اتفاقی نه چندان غافلگیرکننده، مهدی کروبی خبرنگاران را به دفترش دعوت کرد و از نامزدی قطعی خود در انتخابات ریاست جمهوری دهم خبرداد.

نامزدی کروبی شوکی به محافل سیاسی وارد نکرد چرا که همه می‌دانستند بعد از انتخابات نهم ریاست‌جمهوری، کروبی با تاسیس حزب اعتماد ملی و حضور مستمر در صحنه سیاست، انتخابات سال ۸۸ و شکست احمدی‌نژاد را هدف گرفته است. در این چهار سال، کروبی نه تنها حزب و روزنامه‌ای نسبتا فعال راه انداخته‌بود بلکه حتی قصد داشت شبکه‌ای تلویزیونی در خارج از کشور تاسیس کند. این شبکه که صبا نام داشت و کارهایش را بهروز افخمی، کارگردان سینما و نماینده مجلس ششم پیگیری می‌کرد، قرار بود بهار ٨٤ افتتاح شود اما آغاز به‌کار آن تا شب یلدای همان سال به تعویق افتاد و سرانجام به دلایلی که هیچ‌گاه اعلام نشد، به بایگانی رفت.



۲۱ مهرماه۸۷: مهدی کروبی با دعوت خبرنگاران به دفتر خود، رسما اعلام نامزدی کرد

اولین نکته‌ای که کروبی پس از اعلام رسمی نامزدی با خبرنگاران درمیان گذاشت، درخواست جدی برای پرهیز از فعالیت‌های تخریبی اصلاح‌طلبان علیه همدیگر بود. گو اینکه شیخ اصلاحات، خاطرات تلخ سال ٨٤ و فشارها و کنایه‌های قبل و بعد از انتخابات نهم را هنوز به خاطر داشت که از سوی جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب «غضنفر اصلاحات»، و عامل شکست اصلاح‌طلبان در انتخابات‌های پس از سال ۱۳۸۱ معرفی می‌شد.

اعلام حضور کروبی هر چند برای محافل اصول گرا چندان غیرمنتظره نبود و سروصدایی نکرد اما در اردوگاه اصلاح‌طلبان کاملا جدی گرفته شد چرا که شیخ اصلاحات می‌توانست بخشی از آرای اصلاح‌طلبان را به‌سوی خود جمع کند و در عین حال با توجه به اختلاف کهنه و عمیق میان کروبی و جبهه مشارکت، امکان ائتلاف این دو غیرممکن به نظر می‌رسید. به همین دلیل پس از اعلام حضور قطعی کروبی ، اظهارنظر انتقادی برخی اصلاح‌طلبان از تصمیم وی آغاز شد.

عمده انتقاد اصلاح‌طلبان از کروبی، تعجیل وی در اعلام نامزدی و همراهی نکردن با تلاش‌های ریش‌سفیدان اصلاحات برای حکمیت و ائتلاف بود.

دراین‌میان، رسانه‌های متمایل به اصول‌گرایان هم با انجام مصاحبه‌های متعدد با چهره‌های اصلاح‌طلب، سعی می‌کردند بر آتش این اختلافات دامن بزنند و طبق معمول خبرگزاری فارس در این راه فعال‌تر عمل می‌کرد. (برای مثال آرشیو اخبار سیاسی خبرگزاری فارس در پاییز ۸۷ را نگاه کنید.)

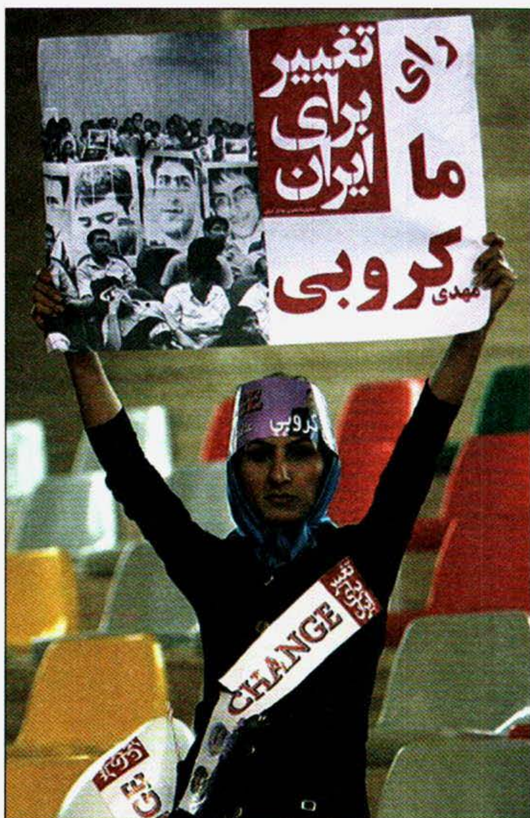
پاسخ متعارف کروبی به منتقدان اصلاح‌طلبش، این بود که هر کدام برنامه‌هایمان را ارائه می‌کنیم و از تخریب همدیگر می‌پرهیزیم. وی در عین حال تاکید می‌کرد که مستقل عمل می‌کند و با حزب مشارکت ائتلاف نخواهد کرد. (پاسخ به سوالات خبرنگاران در جلسه ۲۱مهر)

برخی چهره‌های اصلاح‌طلب که از سرسختی کروبی خبر داشتند، برای کم‌اهمیت نشان دادن حضور کروبی، دائم تکرار می‌کردند که وی تا آخر نخواهد ماند و انصراف می‌دهد. کروبی هم مکررا این ادعا را رد می‌کرد و این بگو مگو به جایی رسید که در دوم اردیبهشت ماه گفت: «اگر سنگبارانم کنند، باز هم در صحنه می‌مانم.» (روزنامه اعتماد، ۳اردیبهشت ۸۸)

کروبی به لحاظ اینکه زودتر از بقیه نامزدها اعلام حضور کرده بود، بیشتر از بقیه هم امکان سخنرانی و فعالیت به عنوان نامزد انتخابات آتی داشت. در فاصله هشت ماهه تا رای‌گیری، کروبی فرصت داشت تا طیف گسترده‌ای از وعده‌ها و شعارهای متنوع و بعضا متضاد را در سخنرانی‌های خود مطرح کند؛ از تاکید بر شعار «تغییر» گرفته تا تصریح بر «تداوم» راه انقلاب. علاوه بر این دو ترجیع‌بند او در سخنانش دائما حرف‌های جوان‌پسند و جذاب برای دانشجویان مطرح می‌کرد. از ایجاد نشاط فرهنگی اجتماعی تا ارائه برنامه‌های بی‌سابقه برای زنان. (فارس، ١٦آذر)

«تغییر» که شعار محوری و متمایز کروبی در انتخابات ۸۸ شد، تقلیدی از شعار باراک اوباما در مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۸ آمریکا بود. ستاد کروبی نه تنها این شباهت را انکار نمی‌کرد، بلکه پلاکاردهایی حاوی

شعار (CHANGE) نیز منتشر کرد که در تبلیغات خرداد ۸۸ توسط هواداران کروبی استفاده می‌شد.

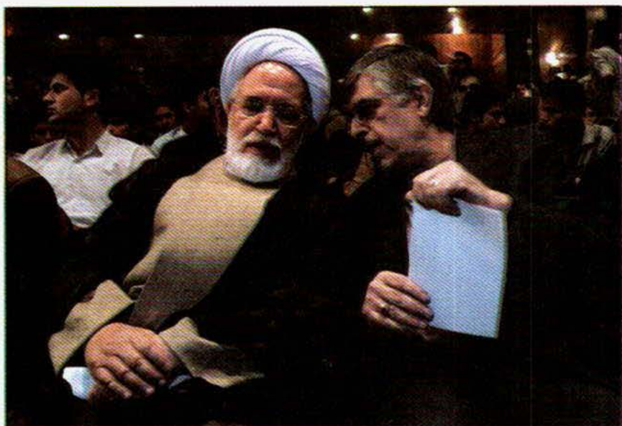


ستاد کروبی شباهت شعار تبلیغاتی خود با شعار تبلیغاتی باراک اوباما در انتخابات سال ۲۰۰۸ آمریکا را انکار نمی‌کرد. حاشیه یکی از تجمعات انتخاباتی کروبی، خرداد ۸۸

از قرار معلوم، ستاد کروبی که ظاهراً از بابت روستاها و قشر ضعیف خیالش راحت بود، با تمرکز تبلیغات خود بر جوانان و دانشجویان، تلاش داشت پتانسیل هواداران دوم خرداد را به نفع شیخ اصلاحات به میدان بیاورد. این تدبیر البته

هشت ماه بعد، تاریخ درس تلخی به شیخ اصلاحات داد و در انتخاباتی شدیدا دوقطبی، کروبی با ۳۳۳هزار رای آخر شد. برخی منتقدین وی با احتساب ٤۰۹ هزار رای باطله و اعتراض شیخ اصلاحات به نتیجه انتخابات، با کنایه به وی یادآوری می‌کردند که تعداد آرای باطله هم از آرای وی بیشتر بوده و در واقع شیخ اصلاحات در میان ٤ نفر، پنجم شده است. در تابستان داغ ۸۸، کروبی رفتاری از خود بروز داد که پس از چهل سال فعالیت‌های انقلابی، به شخصیت محبوب رسانه‌های ضد انقلاب تبدیل شد.

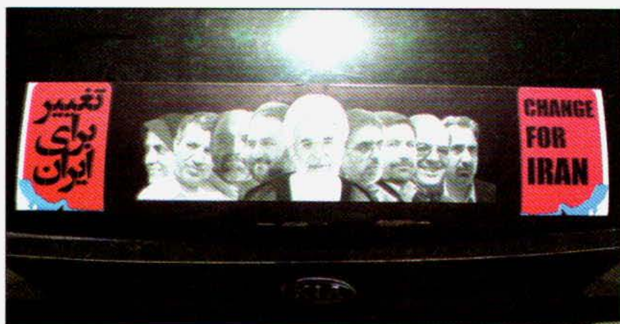
کروبی نه تنها اولین نامزدی بود که اعلام حضور کرد بلکه تنها نامزدی هم بود که معاون اول خود را پیش از انتخابات معرفی کرد. اوایل اسفندماه ۸۷غلامحسین کرباسچی به عنوان رئیس ستاد انتخاباتی کروبی معرفی شد. بعدها در دوم خرداد ۸۸ کروبی رسما اعلام کرد که در صورت برنده شدن در انتخابات، کرباسچی را به عنوان معاون اول رئیس جمهور بر خواهد گزید.



کروبی همواره به مشاوران سرشناسش می‌بالید و از نظرات آنها استفاده می کرد سخنرانی در دانشگاه شریف، ۷ اردیبهشت ۸۸

پایان سال ۸۷، در شرایطی که خاتمی و موسوی هنوز درباره حضور خود ابراز تردید می‌کردند و در حال رایزنی بودند، مهدی کروبی ستاد خود را کامل کرده، با حرارت مشغول تبلیغ بود. برخی چهره‌های دوم خردادی با یادآوری رتبه پایین کروبی در نظرسنجی‌های سال ۸۷ و نیز شکست مطلق حزب اعتماد ملی در انتخابات مجلس هشتم، ناامیدانه برای ایجاد ائتلاف در جبهه اصلاحات تلاش می‌کردند اما کروبی نتیجه غیرمنتظره انتخابات سال ۸٤ (رتبه سوم وی پس از هاشمی و احمدی‌نژاد در مرحله اول) را به‌خاطر آنها می‌آورد و نتایج نظرسنجی‌ها را از اساس بی‌اعتبار می‌دانست.





نمونه‌هایی از پوسترهای تبلیغاتی ستاد کروبی در انتخابات ۸۸

هرچند حامیان سرشناس کروبی در انتخابات ۸۸ از سطح تخصص و تنوع مناسبی برخوردار بودند اما وزن چهره‌های دگراندیش و منتقدان حکومت دینی، سنگینی می‌کرد. مشکل کار آنجا بروز کرد که برخی از هواداران کروبی از سال‌ها پیش ساکن اروپا و آمریکا شده بودند و به دلایل مختلف نمی‌توانستند در داخل کشور به کمک وی بیایند. چنین بود که در بهار ۸۸، برخلاف ستاد موسوی که از نظر اعزام سخنران، بسیار فعال بود، در ستاد کروبی، اغلب شخص شیخ باید بار سفرها و سخنرانی‌ها را به دوش می‌کشید.

هوشمندانه طراحی شده بود اما در بهار ۸۸ وضع به گونه‌ای پیش رفت که بدنه بیدار و گرم شده دوم خرداد، آرمان‌هایش را در چهره نسبتا نوظهور موسوی دید تا چهره کهنه کروبی.

اعلام حضور کروبی در انتخابات، چهره‌های ذی نفوذ جبهه اصلاح‌طلب را به شکلی جدی‌تر به فکر ائتلاف و پیشگیری از تقسیم آرای اصلاح‌طلبان انداخت. بعد از کش و قوس‌های فراوان قرار شد ۲۰ آذر موعد و ضرب‌الاجل اصلاح‌طلبان برای تفاهم و معرفی نامزد واحد باشد اما این موعد هم به سر رسید و دود سفیدی از اردوگاه اصلاح‌طلبان به هوا بر نخاست. چنین بود که کروبی در ۲۰ آذر گفت: «دیگر حاضر نیستم از عرصه کنار بکشم و دیگر وارد گفت‌وگو با هیچ‌کس نخواهم شد».

از میان احزاب و تشکل‌های متنوع اصلاح‌طلب، بجز حزب اعتماد ملی، تنها سازمان ادوار تحکیم وحدت از کروبی حمایت کرد و سایر احزاب و تشکل‌ها منتظر حضور نامزد دیگر ماندند و نهایتا از موسوی حمایت کردند. هر چند کروبی از نظر احزاب و تشکل‌های اصلاح‌طلب، پشتش خالی ماند اما تعدادی از چهره‌های برجسته دوم خردادی به حمایت از او برخاستند و از نزدیک به وی کمک کردند و البته شخص کروبی نیز همه جا و به ویژه در فیلم‌های مستند و مناظره تلویزیونی‌اش بارها و با افتخار به حضور این چهره‌ها در اطراف خود می‌بالید: غلامحسین کرباسچی، محمدعلی نجفی، عبدالله نوری، عطاءالله مهاجرانی، محسن و جمیله کدیور، عبدالکریم سروش، محسن الویری، عباس عبدی، عمادالدین باقی، محسن رهامی، احمد زیدآبادی، مسعود نیلی، محمدعلی ابطحی، رسول منتجب‌نیا، محمد قوچانی و...

حماسه تلخ

روایتی متفاوت از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸

نویسنده: سید امیر سیاح

سیاح، سیدامیر، ۱۳۴۴ـ
حماسه تلخ / نویسنده: سیدامیر سیاح.
تهران، موسسه جام‌جم، ۱۳۸۹.
۶۰۰ ص. مصور، جدول
ISBN: ۹۷۸ـ۶۰۰ـ۵۶۶۲ـ۰۴ـ۷

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا
۱. انتخابات ــ ایران.
۲. روسای جمهور ــ ایران ــ انتخابات ــ ۱۳۸۸.
۳. ایران ــ سیاست و حکومت ــ ۱۳۸۸.
۴. ایران ــ تاریخ ــ قرن ۱۴ ــ جناح‌های سیاسی
الف. موسسه جام‌جم.
۸۷ س ۵ آ / JQ ۱۷۸۹
۱۳۸۹
۳۲۴/۹۵۵
کتابخانه ملی
۲۰۴۶۷۷۹



حماسه تلخ روایتی متفاوت از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸

نویسنده: سید امیر سیاح
ناشر: مؤسسه جام‌جم
چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۹
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
صفحه‌آرا: سهیلا عسکری
چاپ و لیتوگرافی: مؤسسه جام‌جم
نشانی: خیابان میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱٤٥ قدیم - ۱۲۹ جدید
تلفن: ۲۲۹۲۰۷۸۰ - نمابر: ۲۲۹۲۰۷۸۳
نشانی الکترونیکی: www.jamejamonline.ir
صندوق پستی: ۱۹۳۹۵ - ۵۱۹۹
پست الکترونیکی: Entesharat@jamejamonline.ir
شابک: ۹۷۸-٦۰۰-٥٦٦۲-۰٤-۷

فهرست

سخن ناشر

به‌نام آنکه جان را فکرت آموخت

محوری‌ترین فعالیت موسسه فرهنگی ـ مطبوعاتی جام‌جم، انتشار روزنامه جام‌جم است اما از آنجا که بین فعالیت‌های مطبوعاتی و انتشاراتی، پیوندی وثیق و عمیق وجود دارد، سازمان دادن به فعالیت انتشاراتی نیز ضرورت پیدا می‌کند. کار مطبوعاتی، همان کار انتشاراتی است اما به شکل روزانه و برای عامه با هدف عمومی کردن یک سلسله از مباحث که در ذات خود ممکن است جنبه تخصصی و کارشناسی داشته باشند. کار انتشاراتی نیز ماندگار کردن مباحث و مطالبی است که ممکن است در طول انتشار یک روزنامه، به وفور یافت شوند اما طول عمرشان، بیش از آن است که با یک بار انتشار، دیگر کسی به سراغشان نیاید. بنابراین ضروری است که بسیاری از مطالب ماندنی و مفید روزنامه در قالب کتاب هم منتشر شوند تا مراجعه یکجا و دسترسی کامل به آنها میسر شود. همین یک دلیل یعنی پوشش دادن به مطالب ماندگارتر روزنامه و انتشار آنها به‌صورت کتاب، لزوم فعالیت انتشاراتی را در کنار فعالیت مطبوعاتی منطقی می‌نماید.

در عین حال انتشارات جام‌جم، سعی دارد نشر کتاب‌های دیگری را نیز مورد توجه قرار دهد. انتشار تحقیقات صورت گرفته از سوی اعضای تحریریه روزنامه و نیز نویسندگان مرتبط با جام‌جم، از دیگر اولویت‌های انتشارات جام‌جم را تشکیل می‌دهد. در عین حال دیگر نویسندگان و مترجمان و صاحبان تالیف و

اثر نیز می‌توانند نوشته‌های خود را در اختیار ما قرار دهند تا در صورت تایید محتوا، از سوی انتشارات جام‌جم، منتشر شوند.

***

بی‌تردید انتخابات ریاست‌جمهوری دهم که در سال ۸۸ برگزار شد، یکی از مهم‌ترین وقایع ۳۰ ساله انقلاب اسلامی تلقی می‌گردد.

انتخاباتی که هم در شروع و مقدمات آن متفاوت بود، هم در پایان و آثار و تبعات پس از آن، به نحوی که با گذشت بیش از یک سال از برگزاری آن همچنان مورد بحث و گفت‌وگوی صاحب‌نظران و رسانه‌های داخلی و خارجی قرار دارد.

دامنه این انتخابات به رخدادهای تلخی انجامید که برخی، از آن به «کودتای مخملی»، «فتنه» و «اقدام به براندازی نظام جمهوری اسلامی» یاد کردند.

تحلیل ابعاد مختلف این رویداد بی‌نظیر می‌تواند به بصیرت و روشنگری نسل جوان امروز و آینده کمک شایانی نماید. انتخاب ۸۸ سرشار از آموزه‌ها و عبرت‌ها، ریزش و رویش‌ها بود.

آنچه در کتاب «حماسه تلخ» آمده، روایتی است متفاوت از همه آنچه درباره این انتخابات رخ داد. انتشارات «جام‌جم» امیدوار است این مجموعه برای اهل نظر و خوانندگان فهیم آن مفید واقع شود.

لازم است از نویسنده محترم جناب آقای سیدامیرسیاح که با حوصله، دقت و رعایت انصاف و واقع‌گرایی به تحلیل اخبار و رخدادهای این مقطع تاریخی پرداختند و همچنین جناب آقای مهدی فضائلی که مسوولیت نظارت بر انجام این پروژه را برعهده داشتند تشکر و قدردانی نمائیم.

زمستان ۱۳۸۹

انتشارات جام‌جم

سخن ناشر

به‌نام آنکه جان را فکرت آموخت

محوری‌ترین فعالیت موسسه فرهنگی ـ مطبوعاتی جام‌جم، انتشار روزنامه جام‌جم است اما از آنجا که بین فعالیت‌های مطبوعاتی و انتشاراتی، پیوندی وثیق و عمیق وجود دارد، سازمان دادن به فعالیت انتشاراتی نیز ضرورت پیدا می‌کند. کار مطبوعاتی، همان کار انتشاراتی است اما به شکل روزانه و برای عامه با هدف عمومی کردن یک سلسله از مباحث که در ذات خود ممکن است جنبه تخصصی و کارشناسی داشته باشند. کار انتشاراتی نیز ماندگار کردن مباحث و مطالبی است که ممکن است در طول انتشار یک روزنامه، به وفور یافت شوند اما طول عمرشان، بیش از آن است که با یک بار انتشار، دیگر کسی به سراغشان نیاید. بنابراین ضروری است که بسیاری از مطالب ماندنی و مفید روزنامه در قالب کتاب هم منتشر شوند تا مراجعه یکجا و دسترسی کامل به آنها میسر شود. همین یک دلیل یعنی پوشش دادن به مطالب ماندگارتر روزنامه و انتشار آنها به‌صورت کتاب، لزوم فعالیت انتشاراتی را در کنار فعالیت مطبوعاتی منطقی می‌نماید.

در عین حال انتشارات جام‌جم، سعی دارد نشر کتاب‌های دیگری را نیز مورد توجه قرار دهد. انتشار تحقیقات صورت گرفته از سوی اعضای تحریریه روزنامه و نیز نویسندگان مرتبط با جام‌جم، از دیگر اولویت‌های انتشارات جام‌جم را تشکیل می‌دهد. در عین حال دیگر نویسندگان و مترجمان و صاحبان تالیف و

فصل ۱

فضای سیاسی ایران در سال منتهی به انتخابات ۸۸

با آغاز آخرین سال از دوره چهارساله دولت نهم، فضای سیاسی کشور به‌تدریج رنگ و بوی انتخابات ریاست جمهوری می‌گرفت و هر حرکت چهره‌های سیاسی و دولتمردان، در محافل سیاسی ــ رسانه‌ای، به نوعی با انتخابات مربوط دانسته و از زوایه انتخاباتی تحلیل و ارزیابی می‌شد.

در طلیعه سال ۱۳۸۷، رهبر انقلاب این سال را سال نوآوری و شکوفایی نامیدند و اظهار امیدواری کردند نتیجه تلاش‌های سه ساله دولت نهم برای مردم ملموس شود و در همه تلاش‌ها و خدمات شاهد نوآوری باشیم.

یکی از تحولات سیاسی مهم این سال، آغاز به‌کار مجلس هشتم بود؛ مجلسی که در پی پیروزی نسبتا قاطع جبهه متحد اصول‌گرایان (شامل طرفداران دولت، جبهه پیروان خط امام و رهبری و اصول‌گرایان تحول‌خواه) در انتخابات اسفند ۸۶ تشکیل می‌شد. هر چند اصلاح‌طلبان با یادآوری رد صلاحیت نامزدهای اصلاح طلب توسط شورای نگهبان، شکست خود را در این انتخابات توجیه می‌کردند اما به هر حال آنها در اغلب حوزه‌هایی که نامزدهای سرشناس هم داشتند (از جمله تهران)، حتی اکثریت نسبی آرا را هم به‌دست نیاورده بودند. از جمله تحولات ناشی از آغاز به‌کار مجلس هشتم، انتخاب دکتر علی لاریجانی به

ریاست این دوره مجلس به‌جای دکتر حداد عادل بود. اصول‌گرایان تحول‌خواه که از ادامه ریاست حداد در مجلس دفاع می‌کردند، انتخاب لاریجانی را ناشی از زد و بند اصول‌گرایان سنتی با دولتی‌ها (رایحه خوش خدمت) می‌دانستند. در طول مجلس هفتم، مقاومت حداد در برابر برخی خواسته‌های دولت احمدی‌نژاد باعث کدورت نسبتا شدید دولت از رئیس مجلس هفتم شده بود و رسانه‌های هوادار و تحت پوشش دولتمردان به شدت از مدیریت حداد عادل در مجلس انتقاد و آن‌را چوب گذاشتن لای چرخ دولت تلقی می‌کردند. به همین دلیل هواداران دولت از کنار زدن حداد توسط لاریجانی استقبال کردند اما این شرایط، دیری نپایید و از نیمه سال ۸۷، با ماجرای تحقیق و تفحص از مدرک تحصیلی مرحوم علی کردان و استیضاح منجر به عزل وی، دوستی رایحه خوش خدمت با علی لاریجانی در مجلس هشتم به پایان رسید. چند ماه بعد با مقاومت لاریجانی در برابر درخواست‌های رئیس‌جمهور درباره لایحه بودجه ۸۸ و به ویژه حمایت لاریجانی از گزارش دیوان محاسبات علیه برخی بی‌انضباطی‌های مالی دولت، لاریجانی هم شرایطی نظیر حداد عادل پیدا کرد.

سال ۸۷ سال جابه‌جایی‌های پر سروصدا در کابینه هم بود. فروردین این سال، دانش جعفری و پورمحمدی سکانداران اقتصاد و سیاست داخلی دولت، با دلخوری و تلخی کابینه را ترک کردند. دانش‌جعفری مراسم تودیعش را به محاکمه تمام عیار سیاست‌های اقتصادی ــ سیاسی دولت نهم تبدیل کرد و یک سال بعد، رئیس ستاد انتخاباتی رضایی شد. پورمحمدی نیز مدتی بعد از سوی آیت‌الله هاشمی شاهرودی، رئیس وقت قوه قضاییه، به ریاست سازمان بازرسی کل کشور گمارده شد تا مطابق قانون اساسی بر عملکرد دستگاه‌های دولتی نظارت کند.

جالب آنکه نه فقط عزل و رفتن این دو مهره کلیدی کابینه برای شخص احمدی‌نژاد دردسرساز شد، بلکه جانشینان آنان نیز برای مدتی دولت و کشور

را با مشکل مواجه کردند به طوری که به درازا کشیدن یافتن وزیر اقتصاد جدید، نیازمند حکم حکومتی رهبر انقلاب در تمدید سرپرستی صمصامی بر وزارت اقتصاد شد و انتخاب مرحوم علی کردان به جانشینی پورمحمدی در وزارت کشور و ماجراهای بعدی‌اش نیز برای دولت نهم بسیار گران تمام شد.

استعفای اعتراض‌آمیز داوود احمدی‌نژاد از بازرسی ویژه نهاد ریاست جمهوری، سخنرانی جنجالی شخصی به‌نام عباس پالیزدار، سخنان اسفندیار رحیم‌مشایی (معاون سازمان گردشگری و صنایع‌دستی وقت رئیس‌جمهوری) درباره دوستی با مردم اسرائیل از دیگر تحولات صحنه سیاسی داخلی کشور در سال قبل از انتخابات ۸۸ بود.

در سال ۸۷ دغدغه اصلاح‌طلبان، وحدت در نامزد نهایی و یافتن کسی بود که بتواند در مبارزات انتخاباتی از پس احمدی‌نژاد برآید. رسیدن به این وحدت البته چندان ساده نبود چرا که اصلاح‌طلبان در این سال طیفی متنوع داشتند که از چپ‌های قدیمی تا لیبرال‌های جدید را در بر می‌گرفت. سابقه نه چندان کهنه دعوای درون گروهی و نسبت دادن دلایل ناکامی جریان دوم خرداد و شکست‌های پی‌درپی انتخاباتی از سال ۸۱ تا ۸٦ به همدیگر، رسیدن به وحدت در اردوگاه اصلاح طلبان را پیچیده‌تر می‌کرد. با این حال نکته‌ای که امید به وحدت را درمیان اصلاح‌طلبان زنده نگه می‌داشت این بود که همه گروه‌ها و چهره‌های اصلاح‌طلب در یک نکته اتفاق نظر داشتند: «احمدی‌نژاد باید برود».

در سال ۸۷ وضعیت اصول‌گرایان از نظر وحدت، بسیار پیچیده‌تر و بغرنج‌تر بود. بعد از تشکیل مجلس هشتم، جبهه متحد اصول‌گرایان خیلی سریع فروپاشید و سه گروه اصلی اصول‌گرا، دلایل زیادی برای بدبینی نسبت به هم داشتند. اصول‌گرایان سنتی (جبهه پیروان خط امام و رهبری با محوریت حبیب‌الله عسکراولادی و محمدرضا باهنر)، از دولت به‌خاطر برخی یکدندگی‌ها و روابط تیره‌اش با علما گلایه داشتند. اصول‌گرایان تحول‌خواه (با محوریت توکلی، فدایی

ریاست این دوره مجلس به‌جای دکتر حداد عادل بود. اصول‌گرایان تحول‌خواه که از ادامه ریاست حداد در مجلس دفاع می‌کردند، انتخاب لاریجانی را ناشی از زد و بند اصول‌گرایان سنتی با دولتی‌ها (رایحه خوش خدمت) می‌دانستند. در طول مجلس هفتم، مقاومت حداد در برابر برخی خواسته‌های دولت احمدی‌نژاد باعث کدورت نسبتا شدید دولت از رئیس مجلس هفتم شده بود و رسانه‌های هوادار و تحت پوشش دولتمردان به شدت از مدیریت حداد عادل در مجلس انتقاد و آن‌را چوب گذاشتن لای چرخ دولت تلقی می‌کردند. به همین دلیل هواداران دولت از کنار زدن حداد توسط لاریجانی استقبال کردند اما این شرایط، دیری نپایید و از نیمه سال ۸۷، با ماجرای تحقیق و تفحص از مدرک تحصیلی مرحوم علی کردان و استیضاح منجر به عزل وی، دوستی رایحه خوش خدمت با علی لاریجانی در مجلس هشتم به پایان رسید. چند ماه بعد با مقاومت لاریجانی در برابر درخواست‌های رئیس جمهور درباره لایحه بودجه ۸۸ و به ویژه حمایت لاریجانی از گزارش دیوان محاسبات علیه برخی بی‌انضباطی‌های مالی دولت، لاریجانی هم شرایطی نظیر حداد عادل پیدا کرد.

سال ۸۷ سال جابه‌جایی‌های پر سروصدا در کابینه هم بود. فروردین این سال، دانش جعفری و پورمحمدی سکانداران اقتصاد و سیاست داخلی دولت، با دلخوری و تلخی کابینه را ترک کردند. دانش‌جعفری مراسم تودیعش را به محاکمه تمام عیار سیاست‌های اقتصادی ـ سیاسی دولت نهم تبدیل کرد و یک سال بعد، رئیس ستاد انتخاباتی رضایی شد. پورمحمدی نیز مدتی بعد از سوی آیت‌الله هاشمی شاهرودی، رئیس وقت قوه قضاییه، به ریاست سازمان بازرسی کل کشور گمارده شد تا مطابق قانون اساسی بر عملکرد دستگاه‌های دولتی نظارت کند.

جالب آنکه نه فقط عزل و رفتن این دو مهره کلیدی کابینه برای شخص احمدی‌نژاد دردسرساز شد، بلکه جانشینان آنان نیز برای مدتی دولت و کشور

و زاکانی) از برخی سیاست‌های اقتصادی و به‌کارگیری افرادی نظیر رحیمی، مشایی و کردان در دولت انتقاد می‌کردند. رایحه خوش خدمت و طرفداران آقای احمدی‌نژاد نیز هر دو گروه دیگر اصول‌گرا را به سهم خواهی، عقده‌گشایی (تعابیر سایت رجانیوز) و کارشکنی علیه دولت متهم می‌کرد. در این فضا گاهی از فعالیت محمدباقر قالیباف، شهردار تهران برای تشکیل زودهنگام ستادهای انتخاباتی و یا تمایل افرادی نظیر علی لاریجانی، احمد توکلی، عزت‌الله ضرغامی، مظاهری، پورمحمدی و... برای نامزدی در انتخابات آتی شایعاتی پخش و زود تکذیب می‌شد. چهره‌های شاخص و گروه‌های اصول‌گرا (بجز رایحه خوش خدمت) هر چند کم و بیش از احمدی‌نژاد دلخور بودند، اما هیچ‌کدام خود را یارای رقابت با وی نمی‌دیدند یا این کار را به نفع جریان اصول‌گرا نمی‌دانستند.

از نظر سیاست خارجی، سال ۸۷ سالی نسبتا موفق برای دولت بود چراکه موفق شده بود انرژی هسته‌ای را حداقل در داخل کشور به عنوان موضوعی تثبیت شده و قطعی جا بیندازد و با بهره‌گیری از فرصت اختلاف چین، روسیه با دیگر طرف‌های اروپایی برفشارها و تحریم‌های غرب غلبه کند. پیروزی اوباما در اواخر سال ۸۷ و وعده نرمش با ایران در شعارهای انتخاباتی وی، چشم‌انداز گشایش در روابط ایران و آمریکا را امیدبخش کرده بود. در این سال برگزاری اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر در تهران با حضور پوتین موفقیت دیگری برای دولت در عرصه سیاست خارجی قلمداد می‌شد.

بر عکس سیاست خارجی، اوضاع اقتصادی در سال ۸۷ چندان امیدبخش نبود. هر چند دولت موفق شده بود از بهار آن سال، بعد از دو سال جهش کم‌سابقه قیمت مسکن، آرامش را به بازار مسکن برگرداند اما بر اثر سه سال رشد شدید نقدینگی، تورم در سال ۸۷ شیب صعودی گرفت و به ۲۵/٤ رسید که از ۱۳۷٤ به این سو بی‌سابقه بود.

استعفا یا عزل طهماسب مظاهری به عنوان دومین تعویض رئیس کل بانک

مرکزی در دولت نهم از دیگر تحولات اقتصادی سال ۸۷ بود. مظاهری در پی سه‌سال جهش کم‌سابقه در رشد نقدینگی، خزانه بانک‌ها را به قول خودش سه‌قفله کرده بود اما کشیدن ترمز نقدینگی به مذاق وزرای کار و صنایع چندان خوش‌نیامد به طوری که جهرمی ، وزیر کار مکررا در رسانه‌ها از عدم همکاری نظام‌بانکی در ارائه تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده انتقاد می‌کرد. سرانجام سی‌ام شهریور ۸۷ مظاهری بر کنار شد و جای خود را به محمود بهمنی سپرد.

مظاهری به هنگام خداحافظی، با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به رئیس‌جمهور، از سیاست‌های اقتصادی دولت انتقاد کرد و به احمدی‌نژاد تذکر داد که گزارش کار خود را به مقام معظم رهبری هم ارسال کرده و می‌داند این کار به معنی پایان همکاری‌اش در بانک مرکزی خواهد بود. (ایسنا، ٤مهر)

سال ۸۷ در اقتصاد جهانی سالی پر نوسان بود. ابتدا در بهار ۸۷ قیمت انواع کالاها و محصولات خوراکی در جهان به شدت افزایش پیدا کرد ولی از تابستان این سال با ظهور بحران در اقتصاد آمریکا، کل اقتصاد جهانی به رکود رفت که باعث شد قیمت جهانی نفت در این سال به کمتر از ٤۰ دلار (سبد نفتی اوپک در آذر ۸۷) برسد. اعلام تصمیم قطعی دولت برای هدفمند کردن یارانه‌ها و تدارک مقدمات آن، خبر دیگر اقتصادی سال ۸۷ بود که در محافل رسانه‌ای و سیاسی بلافاصله به موضوع انتخابات ربط داده شد.

سال ۸۷سفرهای استانی دولت به دور دوم رسید و با هر سفر استانی، موضوع کمتر یا بیشتر شدن استقبال مردمی از احمدی‌نژاد در محافل سیاسی ــ رسانه‌ای به بحث گذاشته می‌شد. تیرماه ۸۷وزارت کشور رسما به آغاز زودهنگام مباحث انتخاباتی اعتراض کرد اما این اعتراض کار ساز نبود چرا که همه چیز از تدارک صف‌آرایی بزرگ اصلاح‌طلبان در برابر احمدی نژاد در انتخابات سال بعد خبر می‌داد...

مرکزی در دولت نهم از دیگر تحولات اقتصادی سال ۸۷ بود. مظاهری در پی سه‌سال جهش کم‌سابقه در رشد نقدینگی، خزانه بانک‌ها را به قول خودش سه‌قفله کرده بود اما کشیدن ترمز نقدینگی به مذاق وزرای کار و صنایع چندان خوش‌نیامد به طوری که جهرمی ، وزیر کار مکررا در رسانه‌ها از عدم همکاری نظام‌بانکی در ارائه تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده انتقاد می‌کرد. سرانجام سی‌ام شهریور ۸۷ مظاهری بر کنار شد و جای خود را به محمود بهمنی سپرد.

مظاهری به هنگام خداحافظی، با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به رئیس‌جمهور، از سیاست‌های اقتصادی دولت انتقاد کرد و به احمدی‌نژاد تذکر داد که گزارش کار خود را به مقام معظم رهبری هم ارسال کرده و می‌داند این کار به معنی پایان همکاری‌اش در بانک مرکزی خواهد بود. (ایسنا، ٤مهر)

سال ۸۷ در اقتصاد جهانی سالی پر نوسان بود. ابتدا در بهار ۸۷ قیمت انواع کالاها و محصولات خوراکی در جهان به شدت افزایش پیدا کرد ولی از تابستان این سال با ظهور بحران در اقتصاد آمریکا، کل اقتصاد جهانی به رکود رفت که باعث شد قیمت جهانی نفت در این سال به کمتر از ٤۰ دلار (سبد نفتی اوپک در آذر ۸۷) برسد. اعلام تصمیم قطعی دولت برای هدفمند کردن یارانه‌ها و تدارک مقدمات آن، خبر دیگر اقتصادی سال ۸۷ بود که در محافل رسانه‌ای و سیاسی بلافاصله به موضوع انتخابات ربط داده شد.

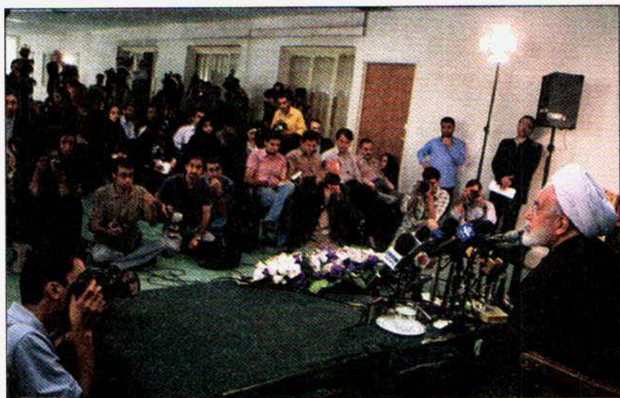
سال ۸۷سفرهای استانی دولت به دور دوم رسید و با هر سفر استانی، موضوع کمتر یا بیشتر شدن استقبال مردمی از احمدی‌نژاد در محافل سیاسی ـــ رسانه‌ای به بحث گذاشته می‌شد. تیرماه ۸۷وزارت کشور رسما به آغاز زودهنگام مباحث انتخاباتی اعتراض کرد اما این اعتراض کار ساز نبود چرا که همه چیز از تدارک صف‌آرایی بزرگ اصلاح‌طلبان در برابر احمدی نژاد در انتخابات سال بعد خبر می‌داد...

فصل ۲

مهرماه ۸۷، ورود شیخ اصلاحات

نیمه سال ۸۷ و در شرایطی که اخبار نامزدهای احتمالی انتخابات آتی در حد شایعات و حدسیات بود، شورای مرکزی حزب اعتماد ملی ، کاندیداتوری دبیرکل خود را تصویب و تصمیم نهایی را در این مورد به وی واگذار کرد. (ایسنا، ۱۰شهریور) ٤۲ روز بعد و در اتفاقی نه چندان غافلگیرکننده، مهدی کروبی خبرنگاران را به دفترش دعوت کرد و از نامزدی قطعی خود در انتخابات ریاست جمهوری دهم خبرداد.

نامزدی کروبی شوکی به محافل سیاسی وارد نکرد چرا که همه می‌دانستند بعد از انتخابات نهم ریاست‌جمهوری، کروبی با تاسیس حزب اعتماد ملی و حضور مستمر در صحنه سیاست، انتخابات سال ۸۸ و شکست احمدی‌نژاد را هدف گرفته است. در این چهار سال، کروبی نه تنها حزب و روزنامه‌ای نسبتا فعال راه انداخته‌بود بلکه حتی قصد داشت شبکه‌ای تلویزیونی در خارج از کشور تاسیس کند. این شبکه که صبا نام داشت و کارهایش را بهروز افخمی، کارگردان سینما و نماینده مجلس ششم پیگیری می‌کرد، قرار بود بهار ٨٤ افتتاح شود اما آغاز به‌کار آن تا شب یلدای همان سال به تعویق افتاد و سرانجام به دلایلی که هیچ‌گاه اعلام نشد، به بایگانی رفت.



۲۱ مهرماه ۸۷: مهدی کروبی با دعوت خبرنگاران به دفتر خود، رسما اعلام نامزدی کرد

اولین نکته‌ای که کروبی پس از اعلام رسمی نامزدی با خبرنگاران درمیان گذاشت، درخواست جدی برای پرهیز از فعالیت‌های تخریبی اصلاح طلبان علیه همدیگر بود. گو اینکه شیخ اصلاحات، خاطرات تلخ سال ۸٤ و فشارها و کنایه‌های قبل و بعد از انتخابات نهم را هنوز به خاطر داشت که از سوی جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب «غضنفر اصلاحات»، و عامل شکست اصلاح‌طلبان در انتخابات‌های پس از سال ۱۳۸۱ معرفی می‌شد.

اعلام حضور کروبی هر چند برای محافل اصول گرا چندان غیرمنتظره نبود و سروصدایی نکرد اما در اردوگاه اصلاح‌طلبان کاملا جدی گرفته شد چرا که شیخ اصلاحات می‌توانست بخشی از آرای اصلاح‌طلبان را به‌سوی خود جمع کند و درعین حال با توجه به اختلاف کهنه و عمیق میان کروبی و جبهه مشارکت، امکان ائتلاف این دو غیرممکن به نظر می‌رسید. به همین دلیل پس از اعلام حضور قطعی کروبی، اظهارنظر انتقادی برخی اصلاح‌طلبان از تصمیم وی آغاز شد.

عمده انتقاد اصلاح‌طلبان از کروبی، تعجیل وی در اعلام نامزدی و همراهی نکردن با تلاش‌های ریش‌سفیدان اصلاحات برای حکمیت و ائتلاف بود.

دراین‌میان، رسانه‌های متمایل به اصول گرایان هم با انجام مصاحبه‌های متعدد با چهره‌های اصلاح‌طلب، سعی می‌کردند بر آتش این اختلافات دامن بزنند و طبق معمول خبرگزاری فارس در این راه فعال‌تر عمل می‌کرد. (برای مثال آرشیو اخبار سیاسی خبرگزاری فارس در پاییز ۸۷ را نگاه کنید.)

پاسخ متعارف کروبی به منتقدان اصلاح‌طلبش، این بود که هر کدام برنامه‌هایمان را ارائه می‌کنیم و از تخریب همدیگر می‌پرهیزیم. وی در عین حال تاکید می‌کرد که مستقل عمل می‌کند و با حزب مشارکت ائتلاف نخواهد کرد. (پاسخ به سوالات خبرنگاران در جلسه ۲۱مهر)

برخی چهره‌های اصلاح‌طلب که از سرسختی کروبی خبر داشتند، برای کم‌اهمیت نشان دادن حضور کروبی، دائم تکرار می‌کردند که وی تا آخر نخواهد ماند و انصراف می‌دهد. کروبی هم مکررا این ادعا را رد می‌کرد و این بگو مگو به جایی رسید که در دوم اردیبهشت ماه گفت: «اگر سنگبارانم کنند، باز هم در صحنه می‌مانم.» (روزنامه اعتماد، ۳اردیبهشت ۸۸)

کروبی به لحاظ اینکه زودتر از بقیه نامزدها اعلام حضور کرده بود، بیشتر از بقیه هم امکان سخنرانی و فعالیت به عنوان نامزد انتخابات آتی داشت. در فاصله هشت ماهه تا رای‌گیری، کروبی فرصت داشت تا طیف گسترده‌ای از وعده‌ها و شعارهای متنوع و بعضا متضاد را در سخنرانی‌های خود مطرح کند؛ از تاکید بر شعار «تغییر» گرفته تا تصریح بر «تداوم» راه انقلاب. علاوه بر این دو ترجیع‌بند او در سخنانش دائما حرف‌های جوان‌پسند و جذاب برای دانشجویان مطرح می‌کرد. از ایجاد نشاط فرهنگی اجتماعی تا ارائه برنامه‌های بی‌سابقه برای زنان. (فارس، ۱٦آذر)

«تغییر» که شعار محوری و متمایز کروبی در انتخابات ۸۸ شد، تقلیدی از شعار باراک اوباما در مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۸ آمریکا بود. ستاد کروبی نه تنها این شباهت را انکار نمی‌کرد، بلکه پلاکاردهایی حاوی

حماسه تلخ

روایتی متفاوت از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸

نویسنده: سید امیر سیاح

سیاح، سیدامیر، ۱۳۴۴ـ
حماسه تلخ / نویسنده: سیدامیر سیاح.
تهران، موسسه جام‌جم، ۱۳۸۹.
۶۰۰ ص. مصور، جدول
ISBN: ۹۷۸ـ۶۰۰ـ۵۶۶۲ـ۰۴ـ۷

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا
۱. انتخابات ــ ایران.
۲. روسای جمهور ــ ایران ــ انتخابات ــ ۱۳۸۸.
۳. ایران ــ سیاست و حکومت ــ ۱۳۸۸.
۴. ایران ــ تاریخ ــ قرن ۱۴ ــ جناح‌های سیاسی
الف. موسسه جام‌جم.
۸۷ س ۵ آ / JQ ۱۷۸۹
۱۳۸۹
۳۲۴/۹۵۵
کتابخانه ملی
۲۰۴۶۷۷۹



حماسه تلخ روایتی متفاوت از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸

نویسنده: سید امیر سیاح

ناشر: مؤسسه جام‌جم

چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۹

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

صفحه‌آرا: سهیلا عسکری

چاپ و لیتوگرافی: مؤسسه جام‌جم

نشانی: خیابان میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱٤٥ قدیم - ۱۲۹ جدید

تلفن: ۲۲۹۲۰۷۸۰ - نمابر: ۲۲۹۲۰۷۸۳

نشانی الکترونیکی: www.jamejamonline.ir

صندوق پستی: ۵۱۹۹ - ۱۹۳۹۵

پست الکترونیکی: Entesharat@jamejamonline.ir

شابک: ۹۷۸-٦۰۰-٥٦٦۲-۰٤-۷

فهرست

حماسه تلخ

روایتی متفاوت از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸

نویسنده: سید امیر سیاح

سیاح، سیدامیر، ۱۳۴۴ـ
حماسه تلخ / نویسنده: سیدامیر سیاح.
تهران، موسسه جام‌جم، ۱۳۸۹.
۶۰۰ ص. مصور، جدول
ISBN :۹۷۸ـ۶۰۰ـ۵۶۶۲ـ۰۴ـ۷

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا
۱. انتخابات ــ ایران.
۲. روسای جمهور ــ ایران ــ انتخابات ــ ۱۳۸۸.
۳. ایران ــ سیاست و حکومت ــ ۱۳۸۸.
۴. ایران ــ تاریخ ــ قرن ۱۴ ــ جناح‌های سیاسی
الف. موسسه جام‌جم.
۸۷ س ۵ آ / JQ ۱۷۸۹
۱۳۸۹
۳۲۴/۹۵۵
کتابخانه ملی
۲۰۴۶۷۷۹



حماسه تلخ روایتی متفاوت از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸

نویسنده: سید امیر سیاح
ناشر: مؤسسه جام‌جم
چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۹
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
صفحه‌آرا: سهیلا عسکری
چاپ و لیتوگرافی: مؤسسه جام‌جم
نشانی: خیابان میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱٤٥ قدیم - ۱۲۹ جدید
تلفن: ۲۲۹۲۰۷۸۰ - نمابر: ۲۲۹۲۰۷۸۳
نشانی الکترونیکی: www.jamejamonline.ir
صندوق پستی: ۵۱۹۹ - ۱۹۳۹۵
پست الکترونیکی: Entesharat@jamejamonline.ir
شابک: ۹۷۸-٦۰۰-٥٦٦٢-۰٤-۷

فهرست

سخن ناشر

به‌نام آنکه جان را فکرت آموخت

محوری‌ترین فعالیت موسسه فرهنگی ـ مطبوعاتی جام‌جم، انتشار روزنامه جام‌جم است اما از آنجا که بین فعالیت‌های مطبوعاتی و انتشاراتی، پیوندی وثیق و عمیق وجود دارد، سازمان دادن به فعالیت انتشاراتی نیز ضرورت پیدا می‌کند. کار مطبوعاتی، همان کار انتشاراتی است اما به شکل روزانه و برای عامه با هدف عمومی کردن یک سلسله از مباحث که در ذات خود ممکن است جنبه تخصصی و کارشناسی داشته باشند. کار انتشاراتی نیز ماندگار کردن مباحث و مطالبی است که ممکن است در طول انتشار یک روزنامه، به وفور یافت شوند اما طول عمرشان، بیش از آن است که با یک بار انتشار، دیگر کسی به سراغشان نیاید. بنابراین ضروری است که بسیاری از مطالب ماندنی و مفید روزنامه در قالب کتاب هم منتشر شوند تا مراجعه یکجا و دسترسی کامل به آنها میسر شود. همین یک دلیل یعنی پوشش دادن به مطالب ماندگارتر روزنامه و انتشار آنها به‌صورت کتاب، لزوم فعالیت انتشاراتی را در کنار فعالیت مطبوعاتی منطقی می‌نماید.

در عین حال انتشارات جام‌جم، سعی دارد نشر کتاب‌های دیگری را نیز مورد توجه قرار دهد. انتشار تحقیقات صورت گرفته از سوی اعضای تحریریه روزنامه و نیز نویسندگان مرتبط با جام‌جم، از دیگر اولویت‌های انتشارات جام‌جم را تشکیل می‌دهد. در عین حال دیگر نویسندگان و مترجمان و صاحبان تالیف و

اثر نیز می‌توانند نوشته‌های خود را در اختیار ما قرار دهند تا در صورت تایید محتوا، از سوی انتشارات جام‌جم، منتشر شوند.

***

بی‌تردید انتخابات ریاست‌جمهوری دهم که در سال ۸۸ برگزار شد، یکی از مهم‌ترین وقایع ۳۰ ساله انقلاب اسلامی تلقی می‌گردد.

انتخاباتی که هم در شروع و مقدمات آن متفاوت بود، هم در پایان و آثار و تبعات پس از آن، به نحوی که با گذشت بیش از یک سال از برگزاری آن همچنان مورد بحث و گفت‌وگوی صاحب‌نظران و رسانه‌های داخلی و خارجی قرار دارد.

دامنه این انتخابات به رخدادهای تلخی انجامید که برخی، از آن به «کودتای مخملی»، «فتنه» و «اقدام به براندازی نظام جمهوری اسلامی» یاد کردند.

تحلیل ابعاد مختلف این رویداد بی‌نظیر می‌تواند به بصیرت و روشنگری نسل جوان امروز و آینده کمک شایانی نماید. انتخاب ۸۸ سرشار از آموزه‌ها و عبرت‌ها، ریزش و رویش‌ها بود.

آنچه در کتاب «حماسه تلخ» آمده، روایتی است متفاوت از همه آنچه درباره این انتخابات رخ داد. انتشارات «جام‌جم» امیدوار است این مجموعه برای اهل نظر و خوانندگان فهیم آن مفید واقع شود.

لازم است از نویسنده محترم جناب آقای سیدامیرسیاح که با حوصله، دقت و رعایت انصاف و واقع‌گرایی به تحلیل اخبار و رخدادهای این مقطع تاریخی پرداختند و همچنین جناب آقای مهدی فضائلی که مسوولیت نظارت بر انجام این پروژه را برعهده داشتند تشکر و قدردانی نمائیم.

زمستان ۱۳۸۹

انتشارات جام‌جم

حماسه تلخ

روایتی متفاوت از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸

نویسنده: سید امیر سیاح

سیاح، سیدامیر، ۱۳۴۴ -
حماسه تلخ / نویسنده: سیدامیر سیاح.
تهران، موسسه جام‌جم، ۱۳۸۹.
۶۰۰ ص. مصور، جدول
ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۶۲-۰۴-۷

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا
۱. انتخابات -- ایران.
۲. روسای جمهور -- ایران -- انتخابات -- ۱۳۸۸.
۳. ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۸۸.
۴. ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴ -- جناح‌های سیاسی
الف. موسسه جام‌جم.
۸۷ س ۵ آ / JQ ۱۷۸۹
۱۳۸۹
۳۲۴/۹۵۵
کتابخانه ملی
۲۰۴۶۷۷۹



حماسه تلخ روایتی متفاوت از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸

نویسنده: سید امیر سیاح
ناشر: مؤسسه جام‌جم
چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۹
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
صفحه‌آرا: سهیلا عسکری
چاپ و لیتوگرافی: مؤسسه جام‌جم
نشانی: خیابان میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱٤٥ قدیم - ۱۲۹ جدید
تلفن: ۲۲۹۲۰۷۸۰ - نمابر: ۲۲۹۲۰۷۸۳
نشانی الکترونیکی: www.jamejamonline.ir
صندوق پستی: ۱۹۳۹۵ - ۵۱۹۹
پست الکترونیکی: Entesharat@jamejamonline.ir
شابک: ۹۷۸-٦۰۰-٥٦٦۲-۰٤-۷

فهرست

سخن ناشر

به‌نام آنکه جان را فکرت آموخت

محوری‌ترین فعالیت موسسه فرهنگی ـ مطبوعاتی جام‌جم، انتشار روزنامه جام‌جم است اما از آنجا که بین فعالیت‌های مطبوعاتی و انتشاراتی، پیوندی وثیق و عمیق وجود دارد، سازمان دادن به فعالیت انتشاراتی نیز ضرورت پیدا می‌کند. کار مطبوعاتی، همان کار انتشاراتی است اما به شکل روزانه و برای عامه با هدف عمومی کردن یک سلسله از مباحث که در ذات خود ممکن است جنبه تخصصی و کارشناسی داشته باشند. کار انتشاراتی نیز ماندگار کردن مباحث و مطالبی است که ممکن است در طول انتشار یک روزنامه، به وفور یافت شوند اما طول عمرشان، بیش از آن است که با یک بار انتشار، دیگر کسی به سراغشان نیاید. بنابراین ضروری است که بسیاری از مطالب ماندنی و مفید روزنامه در قالب کتاب هم منتشر شوند تا مراجعه یکجا و دسترسی کامل به آنها میسر شود. همین یک دلیل یعنی پوشش دادن به مطالب ماندگارتر روزنامه و انتشار آنها به‌صورت کتاب، لزوم فعالیت انتشاراتی را در کنار فعالیت مطبوعاتی منطقی می‌نماید.

در عین حال انتشارات جام‌جم، سعی دارد نشر کتاب‌های دیگری را نیز مورد توجه قرار دهد. انتشار تحقیقات صورت گرفته از سوی اعضای تحریریه روزنامه و نیز نویسندگان مرتبط با جام‌جم، از دیگر اولویت‌های انتشارات جام‌جم را تشکیل می‌دهد. در عین حال دیگر نویسندگان و مترجمان و صاحبان تالیف و

اثر نیز می‌توانند نوشته‌های خود را در اختیار ما قرار دهند تا در صورت تایید محتوا، از سوی انتشارات جام‌جم، منتشر شوند.

***

بی‌تردید انتخابات ریاست‌جمهوری دهم که در سال ۸۸ برگزار شد، یکی از مهم‌ترین وقایع ۳۰ ساله انقلاب اسلامی تلقی می‌گردد.

انتخاباتی که هم در شروع و مقدمات آن متفاوت بود، هم در پایان و آثار و تبعات پس از آن، به نحوی که با گذشت بیش از یک سال از برگزاری آن همچنان مورد بحث و گفت‌وگوی صاحب‌نظران و رسانه‌های داخلی و خارجی قرار دارد.

دامنه این انتخابات به رخدادهای تلخی انجامید که برخی، از آن به «کودتای مخملی»، «فتنه» و «اقدام به براندازی نظام جمهوری اسلامی» یاد کردند.

تحلیل ابعاد مختلف این رویداد بی‌نظیر می‌تواند به بصیرت و روشنگری نسل جوان امروز و آینده کمک شایانی نماید. انتخاب ۸۸ سرشار از آموزه‌ها و عبرت‌ها، ریزش و رویش‌ها بود.

آنچه در کتاب «حماسه تلخ» آمده، روایتی است متفاوت از همه آنچه درباره این انتخابات رخ داد. انتشارات «جام‌جم» امیدوار است این مجموعه برای اهل نظر و خوانندگان فهیم آن مفید واقع شود.

لازم است از نویسنده محترم جناب آقای سیدامیرسیاح که با حوصله، دقت و رعایت انصاف و واقع‌گرایی به تحلیل اخبار و رخدادهای این مقطع تاریخی پرداختند و همچنین جناب آقای مهدی فضائلی که مسوولیت نظارت بر انجام این پروژه را برعهده داشتند تشکر و قدردانی نمائیم.

زمستان ۱۳۸۹

انتشارات جام‌جم

فصل ۱

فضای سیاسی ایران در سال منتهی به انتخابات ۸۸

با آغاز آخرین سال از دوره چهارساله دولت نهم، فضای سیاسی کشور به‌تدریج رنگ و بوی انتخابات ریاست جمهوری می‌گرفت و هر حرکت چهره‌های سیاسی و دولتمردان، در محافل سیاسی ــ رسانه‌ای، به نوعی با انتخابات مربوط دانسته و از زوایه انتخاباتی تحلیل و ارزیابی می‌شد.

در طلیعه سال ۱۳۸۷، رهبر انقلاب این سال را سال نوآوری و شکوفایی نامیدند و اظهار امیدواری کردند نتیجه تلاش‌های سه ساله دولت نهم برای مردم ملموس شود و در همه تلاش‌ها و خدمات شاهد نوآوری باشیم.

یکی از تحولات سیاسی مهم این سال، آغاز به‌کار مجلس هشتم بود؛ مجلسی که در پی پیروزی نسبتا قاطع جبهه متحد اصول‌گرایان (شامل طرفداران دولت، جبهه پیروان خط امام و رهبری و اصول‌گرایان تحول‌خواه) در انتخابات اسفند ۸۶ تشکیل می‌شد. هر چند اصلاح‌طلبان با یادآوری رد صلاحیت نامزدهای اصلاح طلب توسط شورای نگهبان، شکست خود را در این انتخابات توجیه می‌کردند اما به هر حال آنها در اغلب حوزه‌هایی که نامزدهای سرشناس هم داشتند (از جمله تهران)، حتی اکثریت نسبی آرا را هم به‌دست نیاورده بودند. از جمله تحولات ناشی از آغاز به‌کار مجلس هشتم، انتخاب دکتر علی لاریجانی به

ریاست این دوره مجلس به‌جای دکتر حداد عادل بود. اصول‌گرایان تحول‌خواه که از ادامه ریاست حداد در مجلس دفاع می‌کردند، انتخاب لاریجانی را ناشی از زد و بند اصول‌گرایان سنتی با دولتی‌ها (رایحه خوش خدمت) می‌دانستند. در طول مجلس هفتم، مقاومت حداد در برابر برخی خواسته‌های دولت احمدی‌نژاد باعث کدورت نسبتا شدید دولت از رئیس مجلس هفتم شده بود و رسانه‌های هوادار و تحت پوشش دولتمردان به شدت از مدیریت حداد عادل در مجلس انتقاد و آن‌را چوب گذاشتن لای چرخ دولت تلقی می‌کردند. به همین دلیل هواداران دولت از کنار زدن حداد توسط لاریجانی استقبال کردند اما این شرایط، دیری نپایید و از نیمه سال ۸۷، با ماجرای تحقیق و تفحص از مدرک تحصیلی مرحوم علی کردان و استیضاح منجر به عزل وی، دوستی رایحه خوش خدمت با علی لاریجانی در مجلس هشتم به پایان رسید. چند ماه بعد با مقاومت لاریجانی در برابر درخواست‌های رئیس‌جمهور درباره لایحه بودجه ۸۸ و به ویژه حمایت لاریجانی از گزارش دیوان محاسبات علیه برخی بی‌انضباطی‌های مالی دولت، لاریجانی هم شرایطی نظیر حداد عادل پیدا کرد.

سال ۸۷ سال جابه‌جایی‌های پر سروصدا در کابینه هم بود. فروردین این سال، دانش جعفری و پورمحمدی سکانداران اقتصاد و سیاست داخلی دولت، با دلخوری و تلخی کابینه را ترک کردند. دانش‌جعفری مراسم تودیعش را به محاکمه تمام عیار سیاست‌های اقتصادی ـ سیاسی دولت نهم تبدیل کرد و یک سال بعد، رئیس ستاد انتخاباتی رضایی شد. پورمحمدی نیز مدتی بعد از سوی آیت‌الله هاشمی شاهرودی، رئیس وقت قوه قضاییه، به ریاست سازمان بازرسی کل کشور گمارده شد تا مطابق قانون اساسی بر عملکرد دستگاه‌های دولتی نظارت کند.

جالب آنکه نه فقط عزل و رفتن این دو مهره کلیدی کابینه برای شخص احمدی‌نژاد دردسرساز شد، بلکه جانشینان آنان نیز برای مدتی دولت و کشور

را با مشکل مواجه کردند به طوری که به درازا کشیدن یافتن وزیر اقتصاد جدید، نیازمند حکم حکومتی رهبر انقلاب در تمدید سرپرستی صمصامی بر وزارت اقتصاد شد و انتخاب مرحوم علی کردان به جانشینی پورمحمدی در وزارت کشور و ماجراهای بعدی‌اش نیز برای دولت نهم بسیار گران تمام شد.

استعفای اعتراض‌آمیز داوود احمدی‌نژاد از بازرسی ویژه نهاد ریاست جمهوری، سخنرانی جنجالی شخصی به‌نام عباس پالیزدار، سخنان اسفندیار رحیم‌مشایی (معاون سازمان گردشگری و صنایع‌دستی وقت رئیس‌جمهوری) درباره دوستی با مردم اسرائیل از دیگر تحولات صحنه سیاسی داخلی کشور در سال قبل از انتخابات ۸۸ بود.

در سال ۸۷ دغدغه اصلاح‌طلبان، وحدت در نامزد نهایی و یافتن کسی بود که بتواند در مبارزات انتخاباتی از پس احمدی‌نژاد برآید. رسیدن به این وحدت البته چندان ساده نبود چرا که اصلاح‌طلبان در این سال طیفی متنوع داشتند که از چپ‌های قدیمی تا لیبرال‌های جدید را در بر می‌گرفت. سابقه نه چندان کهنه دعوای درون گروهی و نسبت دادن دلایل ناکامی جریان دوم خرداد و شکست‌های پی‌درپی انتخاباتی از سال ۸۱ تا ۸٦ به همدیگر، رسیدن به وحدت در اردوگاه اصلاح طلبان را پیچیده‌تر می‌کرد. با این حال نکته‌ای که امید به وحدت را درمیان اصلاح‌طلبان زنده نگه می‌داشت این بود که همه گروه‌ها و چهره‌های اصلاح‌طلب در یک نکته اتفاق نظر داشتند: «احمدی‌نژاد باید برود».

در سال ۸۷ وضعیت اصول‌گرایان از نظر وحدت، بسیار پیچیده‌تر و بغرنج‌تر بود. بعد از تشکیل مجلس هشتم، جبهه متحد اصول‌گرایان خیلی سریع فروپاشید و سه گروه اصلی اصول‌گرا، دلایل زیادی برای بدبینی نسبت به هم داشتند. اصول‌گرایان سنتی (جبهه پیروان خط امام و رهبری با محوریت حبیب‌الله عسکراولادی و محمدرضا باهنر)، از دولت به‌خاطر برخی یکدندگی‌ها و روابط تیره‌اش با علما گلایه داشتند. اصول‌گرایان تحول‌خواه (با محوریت توکلی، فدایی

و زاکانی) از برخی سیاست‌های اقتصادی و به‌کارگیری افرادی نظیر رحیمی، مشایی و کردان در دولت انتقاد می‌کردند. رایحه خوش خدمت و طرفداران آقای احمدی‌نژاد نیز هر دو گروه دیگر اصول‌گرا را به سهم خواهی، عقده‌گشایی (تعابیر سایت رجانیوز) و کارشکنی علیه دولت متهم می‌کرد. در این فضا گاهی از فعالیت محمدباقر قالیباف، شهردار تهران برای تشکیل زودهنگام ستادهای انتخاباتی و یا تمایل افرادی نظیر علی لاریجانی، احمد توکلی، عزت‌الله ضرغامی، مظاهری، پورمحمدی و... برای نامزدی در انتخابات آتی شایعاتی پخش و زود تکذیب می‌شد. چهره‌های شاخص و گروه‌های اصول‌گرا (بجز رایحه خوش خدمت) هر چند کم و بیش از احمدی‌نژاد دلخور بودند، اما هیچ‌کدام خود را یارای رقابت با وی نمی‌دیدند یا این کار را به نفع جریان اصول‌گرا نمی‌دانستند.

از نظر سیاست خارجی، سال ۸۷ سالی نسبتا موفق برای دولت بود چراکه موفق شده بود انرژی هسته‌ای را حداقل در داخل کشور به عنوان موضوعی تثبیت شده و قطعی جا بیندازد و با بهره‌گیری از فرصت اختلاف چین، روسیه با دیگر طرف‌های اروپایی برفشارها و تحریم‌های غرب غلبه کند. پیروزی اوباما در اواخر سال ۸۷ و وعده نرمش با ایران در شعارهای انتخاباتی وی، چشم‌انداز گشایش در روابط ایران و آمریکا را امیدبخش کرده بود. در این سال برگزاری اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر در تهران با حضور پوتین موفقیت دیگری برای دولت در عرصه سیاست خارجی قلمداد می‌شد.

بر عکس سیاست خارجی، اوضاع اقتصادی در سال ۸۷ چندان امیدبخش نبود. هر چند دولت موفق شده بود از بهار آن سال، بعد از دو سال جهش کم‌سابقه قیمت مسکن، آرامش را به بازار مسکن برگرداند اما بر اثر سه سال رشد شدید نقدینگی، تورم در سال ۸۷ شیب صعودی گرفت و به ۲۵/٤ رسید که از ۱۳۷٤ به این سو بی‌سابقه بود.

استعفا یا عزل طهماسب مظاهری به عنوان دومین تعویض رئیس کل بانک

مرکزی در دولت نهم از دیگر تحولات اقتصادی سال ۸۷ بود. مظاهری در پی سه‌سال جهش کم‌سابقه در رشد نقدینگی، خزانه بانک‌ها را به قول خودش سه‌قفله کرده بود اما کشیدن ترمز نقدینگی به مذاق وزرای کار و صنایع چندان خوش‌نیامد به طوری که جهرمی ، وزیر کار مکررا در رسانه‌ها از عدم همکاری نظام‌بانکی در ارائه تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده انتقاد می‌کرد. سرانجام سی‌ام شهریور ۸۷ مظاهری بر کنار شد و جای خود را به محمود بهمنی سپرد.

مظاهری به هنگام خداحافظی، با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به رئیس‌جمهور، از سیاست‌های اقتصادی دولت انتقاد کرد و به احمدی‌نژاد تذکر داد که گزارش کار خود را به مقام معظم رهبری هم ارسال کرده و می‌داند این کار به معنی پایان همکاری‌اش در بانک مرکزی خواهد بود. (ایسنا، ٤مهر)

سال ۸۷ در اقتصاد جهانی سالی پر نوسان بود. ابتدا در بهار ۸۷ قیمت انواع کالاها و محصولات خوراکی در جهان به شدت افزایش پیدا کرد ولی از تابستان این سال با ظهور بحران در اقتصاد آمریکا، کل اقتصاد جهانی به رکود رفت که باعث شد قیمت جهانی نفت در این سال به کمتر از ٤۰ دلار (سبد نفتی اوپک در آذر ۸۷) برسد. اعلام تصمیم قطعی دولت برای هدفمند کردن یارانه‌ها و تدارک مقدمات آن، خبر دیگر اقتصادی سال ۸۷ بود که در محافل رسانه‌ای و سیاسی بلافاصله به موضوع انتخابات ربط داده شد.

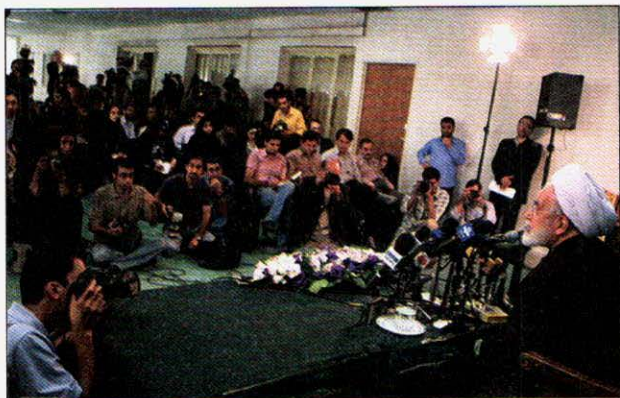
سال ۸۷سفرهای استانی دولت به دور دوم رسید و با هر سفر استانی، موضوع کمتر یا بیشتر شدن استقبال مردمی از احمدی‌نژاد در محافل سیاسی ــ رسانه‌ای به بحث گذاشته می‌شد. تیرماه ۸۷وزارت کشور رسما به آغاز زودهنگام مباحث انتخاباتی اعتراض کرد اما این اعتراض کار ساز نبود چرا که همه چیز از تدارک صف‌آرایی بزرگ اصلاح‌طلبان در برابر احمدی نژاد در انتخابات سال بعد خبر می‌داد...

فصل ۲

مهرماه ۸۷، ورود شیخ اصلاحات

نیمه سال ۸۷ و در شرایطی که اخبار نامزدهای احتمالی انتخابات آتی در حد شایعات و حدسیات بود، شورای مرکزی حزب اعتماد ملی ، کاندیداتوری دبیرکل خود را تصویب و تصمیم نهایی را در این مورد به وی واگذار کرد. (ایسنا، ۱۰شهریور) ٤۲ روز بعد و در اتفاقی نه چندان غافلگیرکننده، مهدی کروبی خبرنگاران را به دفترش دعوت کرد و از نامزدی قطعی خود در انتخابات ریاست جمهوری دهم خبرداد.

نامزدی کروبی شوکی به محافل سیاسی وارد نکرد چرا که همه می‌دانستند بعد از انتخابات نهم ریاست‌جمهوری، کروبی با تاسیس حزب اعتماد ملی و حضور مستمر در صحنه سیاست، انتخابات سال ۸۸ و شکست احمدی‌نژاد را هدف گرفته است. در این چهار سال، کروبی نه تنها حزب و روزنامه‌ای نسبتا فعال راه انداخته‌بود بلکه حتی قصد داشت شبکه‌ای تلویزیونی در خارج از کشور تاسیس کند. این شبکه که صبا نام داشت و کارهایش را بهروز افخمی، کارگردان سینما و نماینده مجلس ششم پیگیری می‌کرد، قرار بود بهار ٨٤ افتتاح شود اما آغاز به‌کار آن تا شب یلدای همان سال به تعویق افتاد و سرانجام به دلایلی که هیچ‌گاه اعلام نشد، به بایگانی رفت.



۲۱ مهرماه۸۷ : مهدی کروبی با دعوت خبرنگاران به دفتر خود، رسما اعلام نامزدی کرد

اولین نکته‌ای که کروبی پس از اعلام رسمی نامزدی با خبرنگاران درمیان گذاشت، درخواست جدی برای پرهیز از فعالیت‌های تخریبی اصلاح‌طلبان علیه همدیگر بود. گو اینکه شیخ اصلاحات، خاطرات تلخ سال ۸٤ و فشارها و کنایه‌های قبل و بعد از انتخابات نهم را هنوز به خاطر داشت که از سوی جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب «غضنفر اصلاحات»، و عامل شکست اصلاح‌طلبان در انتخابات‌های پس از سال ۱۳۸۱ معرفی می‌شد.

اعلام حضور کروبی هر چند برای محافل اصول‌گرا چندان غیرمنتظره نبود و سروصدایی نکرد اما در اردوگاه اصلاح‌طلبان کاملا جدی گرفته شد چرا که شیخ اصلاحات می‌توانست بخشی از آرای اصلاح‌طلبان را به‌سوی خود جمع کند و در عین حال با توجه به اختلاف کهنه و عمیق میان کروبی و جبهه مشارکت، امکان ائتلاف این دو غیرممکن به نظر می‌رسید. به همین دلیل پس از اعلام حضور قطعی کروبی ، اظهارنظر انتقادی برخی اصلاح‌طلبان از تصمیم وی آغاز شد.

عمده انتقاد اصلاح‌طلبان از کروبی، تعجیل وی در اعلام نامزدی و همراهی نکردن با تلاش‌های ریش‌سفیدان اصلاحات برای حکمیت و ائتلاف بود.

دراین‌میان، رسانه‌های متمایل به اصول‌گرایان هم با انجام مصاحبه‌های متعدد با چهره‌های اصلاح‌طلب، سعی می‌کردند بر آتش این اختلافات دامن بزنند و طبق معمول خبرگزاری فارس در این راه فعال‌تر عمل می‌کرد. (برای مثال آرشیو اخبار سیاسی خبرگزاری فارس در پاییز ۸۷ را نگاه کنید.)

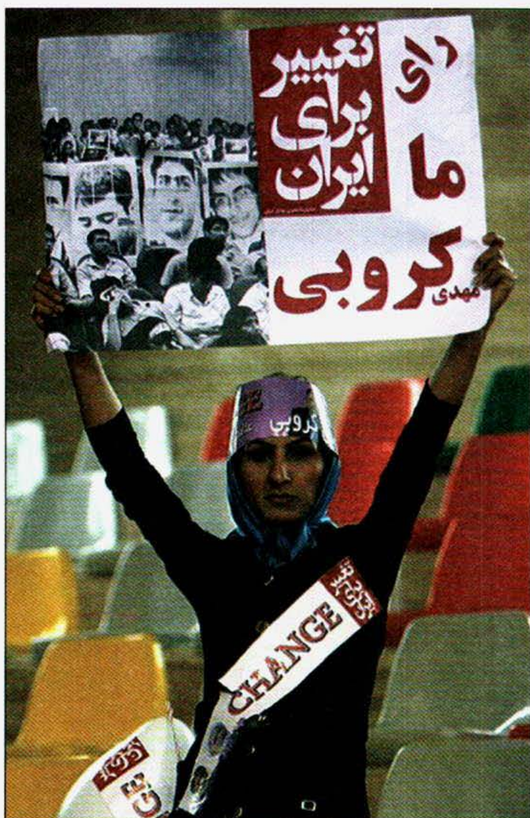
پاسخ متعارف کروبی به منتقدان اصلاح‌طلبش، این بود که هر کدام برنامه‌هایمان را ارائه می‌کنیم و از تخریب همدیگر می‌پرهیزیم. وی در عین حال تاکید می‌کرد که مستقل عمل می‌کند و با حزب مشارکت ائتلاف نخواهد کرد. (پاسخ به سوالات خبرنگاران در جلسه ۲۱مهر)

برخی چهره‌های اصلاح‌طلب که از سرسختی کروبی خبر داشتند، برای کم‌اهمیت نشان دادن حضور کروبی، دائم تکرار می‌کردند که وی تا آخر نخواهد ماند و انصراف می‌دهد. کروبی هم مکررا این ادعا را رد می‌کرد و این بگو مگو به جایی رسید که در دوم اردیبهشت ماه گفت: «اگر سنگبارانم کنند، باز هم در صحنه می‌مانم.» (روزنامه اعتماد، ۳اردیبهشت ۸۸)

کروبی به لحاظ اینکه زودتر از بقیه نامزدها اعلام حضور کرده بود، بیشتر از بقیه هم امکان سخنرانی و فعالیت به عنوان نامزد انتخابات آتی داشت. در فاصله هشت ماهه تا رای‌گیری، کروبی فرصت داشت تا طیف گسترده‌ای از وعده‌ها و شعارهای متنوع و بعضا متضاد را در سخنرانی‌های خود مطرح کند؛ از تاکید بر شعار «تغییر» گرفته تا تصریح بر «تداوم» راه انقلاب. علاوه بر این دو ترجیع‌بند او در سخنانش دائما حرف‌های جوان‌پسند و جذاب برای دانشجویان مطرح می‌کرد. از ایجاد نشاط فرهنگی اجتماعی تا ارائه برنامه‌های بی‌سابقه برای زنان. (فارس، ۱۶آذر)

«تغییر» که شعار محوری و متمایز کروبی در انتخابات ۸۸ شد، تقلیدی از شعار باراک اوباما در مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۸ آمریکا بود. ستاد کروبی نه تنها این شباهت را انکار نمی‌کرد، بلکه پلاکاردهایی حاوی

شعار (CHANGE) نیز منتشر کرد که در تبلیغات خرداد ۸۸ توسط هواداران کروبی استفاده می‌شد.

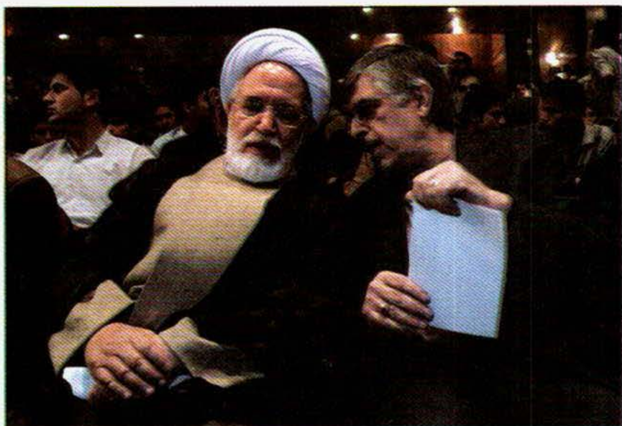


ستاد کروبی شباهت شعار تبلیغاتی خود با شعار تبلیغاتی باراک اوباما در انتخابات سال ۲۰۰۸ آمریکا را انکار نمی‌کرد. حاشیه یکی از تجمعات انتخاباتی کروبی، خرداد۸۸

از قرار معلوم، ستاد کروبی که ظاهرا از بابت روستاها و قشر ضعیف خیالش راحت بود، با تمرکز تبلیغات خود بر جوانان و دانشجویان، تلاش داشت پتانسیل هواداران دوم خرداد را به نفع شیخ اصلاحات به میدان بیاورد. این تدبیر البته

هشت ماه بعد، تاریخ درس تلخی به شیخ اصلاحات داد و در انتخاباتی شدیدا دوقطبی، کروبی با ۳۳۳هزار رای آخر شد. برخی منتقدین وی با احتساب ٤۰۹ هزار رای باطله و اعتراض شیخ اصلاحات به نتیجه انتخابات، با کنایه به وی یادآوری می‌کردند که تعداد آرای باطله هم از آرای وی بیشتر بوده و در واقع شیخ اصلاحات در میان ٤ نفر، پنجم شده است. در تابستان داغ ۸۸، کروبی رفتاری از خود بروز داد که پس از چهل سال فعالیت‌های انقلابی، به شخصیت محبوب رسانه‌های ضد انقلاب تبدیل شد.

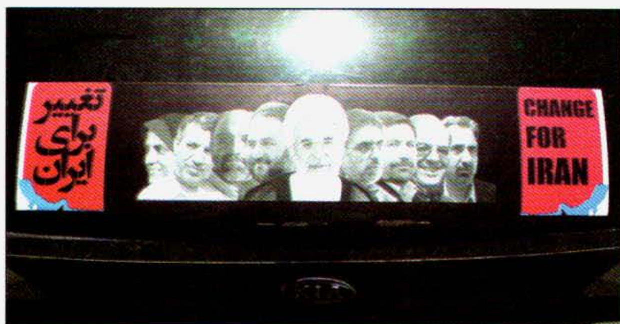
کروبی نه تنها اولین نامزدی بود که اعلام حضور کرد بلکه تنها نامزدی هم بود که معاون اول خود را پیش از انتخابات معرفی کرد. اوایل اسفندماه ۸۷ غلامحسین کرباسچی به عنوان رئیس ستاد انتخاباتی کروبی معرفی شد. بعدها در دوم خرداد ۸۸ کروبی رسما اعلام کرد که در صورت برنده شدن در انتخابات، کرباسچی را به عنوان معاون اول رئیس جمهور بر خواهد گزید.



کروبی همواره به مشاوران سرشناسش می‌بالید و از نظرات آنها استفاده می کرد
سخنرانی در دانشگاه شریف، ۷ اردیبهشت ۸۸

پایان سال ۸۷، در شرایطی که خاتمی و موسوی هنوز درباره حضور خود ابراز تردید می‌کردند و در حال رایزنی بودند، مهدی کروبی ستاد خود را کامل کرده، با حرارت مشغول تبلیغ بود. برخی چهره‌های دوم خردادی با یادآوری رتبه پایین کروبی در نظرسنجی‌های سال ۸۷ و نیز شکست مطلق حزب اعتماد ملی در انتخابات مجلس هشتم، ناامیدانه برای ایجاد ائتلاف در جبهه اصلاحات تلاش می‌کردند اما کروبی نتیجه غیرمنتظره انتخابات سال ۸٤ (رتبه سوم وی پس از هاشمی و احمدی‌نژاد در مرحله اول) را به‌خاطر آنها می‌آورد و نتایج نظرسنجی‌ها را از اساس بی‌اعتبار می‌دانست.





نمونه‌هایی از پوسترهای تبلیغاتی ستاد کروبی در انتخابات ۸۸

هرچند حامیان سرشناس کروبی در انتخابات ۸۸ از سطح تخصص و تنوع مناسبی برخوردار بودند اما وزن چهره‌های دگراندیش و منتقدان حکومت دینی، سنگینی می‌کرد. مشکل کار آنجا بروز کرد که برخی از هواداران کروبی از سال‌ها پیش ساکن اروپا و آمریکا شده بودند و به دلایل مختلف نمی‌توانستند در داخل کشور به کمک وی بیایند. چنین بود که در بهار ۸۸، برخلاف ستاد موسوی که از نظر اعزام سخنران، بسیار فعال بود، در ستاد کروبی، اغلب شخص شیخ باید بار سفرها و سخنرانی‌ها را به دوش می‌کشید.

هوشمندانه طراحی شده بود اما در بهار ۸۸ وضع به گونه‌ای پیش رفت که بدنه بیدار و گرم شده دوم خرداد، آرمان‌هایش را در چهره نسبتا نوظهور موسوی دید تا چهره کهنه کروبی.

اعلام حضور کروبی در انتخابات، چهره‌های ذی نفوذ جبهه اصلاح‌طلب را به شکلی جدی‌تر به فکر ائتلاف و پیشگیری از تقسیم آرای اصلاح‌طلبان انداخت. بعد از کش و قوس‌های فراوان قرار شد ۲۰ آذر موعد و ضرب‌الاجل اصلاح‌طلبان برای تفاهم و معرفی نامزد واحد باشد اما این موعد هم به سر رسید و دود سفیدی از اردوگاه اصلاح‌طلبان به هوا بر نخاست. چنین بود که کروبی در ۲۰ آذر گفت: «دیگر حاضر نیستم از عرصه کنار بکشم و دیگر وارد گفت‌وگو با هیچ‌کس نخواهم شد».

از میان احزاب و تشکل‌های متنوع اصلاح‌طلب، بجز حزب اعتماد ملی، تنها سازمان ادوار تحکیم وحدت از کروبی حمایت کرد و سایر احزاب و تشکل‌ها منتظر حضور نامزد دیگر ماندند و نهایتا از موسوی حمایت کردند. هر چند کروبی از نظر احزاب و تشکل‌های اصلاح‌طلب، پشتش خالی ماند اما تعدادی از چهره‌های برجسته دوم خردادی به حمایت از او برخاستند و از نزدیک به وی کمک کردند و البته شخص کروبی نیز همه جا و به ویژه در فیلم‌های مستند و مناظره تلویزیونی‌اش بارها و با افتخار به حضور این چهره‌ها در اطراف خود می‌بالید: غلامحسین کرباسچی، محمدعلی نجفی، عبدالله نوری، عطاءالله مهاجرانی، محسن و جمیله کدیور، عبدالکریم سروش، محسن الویری، عباس عبدی، عمادالدین باقی، محسن رهامی، احمد زیدآبادی، مسعود نیلی، محمدعلی ابطحی، رسول منتجب‌نیا، محمد قوچانی و...

فصل ۳

آبان ۸۷، اردوگاه اصول‌گرایان از استیضاح تا اتحاد

آبان ماه ۸۷ برای وزارت کشور به عنوان مجری انتخابات، ماه پرنوسانی بود. در چهاردهم این ماه، علی کردان وزیر کشور پس از ۹۰ روز جنجالی، در یکی از روزهای تاریخی مجلس هشتم استیضاح و به دلیل ارائه مدرک تحصیلی غیرمعتبر ، برکنار شد. پیش ازاین استیضاح، اقدام معاونت پارلمانی ریاست جمهوری در ارائه چک‌های ۵ میلیون تومانی برای تعمیر مساجد به نمایندگان امضا کننده استیضاح، توسط سایت‌های اصول‌گرا افشا شده و چالشی جدید برای دولت به بار آورده بود. به این ترتیب با عزل مرحوم کردان، وزارت کشور ۱۵ روز دیگر بی‌وزیر ماند تا در سالی که وزارت کشور مرحله دوم انتخابات مجلس هشتم را برگزار کرد و برای انتخابات بزرگ سال ۸۸ آماده می‌شد، شاهد حضور سه وزیر (پورمحمدی، کردان و محصولی) و یک سرپرست (سید مهدی هاشمی) باشد و ۹۸ روز از سال را بدون وزیر بماند.



روزهایی که اصلاح طلبان در تدارک وحدت و نامزد واحد بودند، مجلس اصول گرای هشتم، وزیر کشور را برکنار کرد. مرحوم علی کردان در جلسه استیضاح، ۱۴ آبان ۸۷

استیضاح و عزل مرحوم کردان، صرفا عزل وزیر کشور از کابینه نبود بلکه تاثیر بزرگی در جبهه اصول گرایان بر جای گذاشت.

انتقاد تند احمدی‌نژاد از مجلس به‌خاطر استیضاح علی کردان- در حالی که نهم مرداد ماه،ایشان طی نامه‌ای به رئیس جمهور تقلبی بودن مدرک تحصیلی‌اش را پذیرفته بود- باعث شد تعداد بیشتری از اصول گرایان در این موضوع در صف مقابل احمدی‌نژاد قرار بگیرند که مهم‌ترین آنها علی مطهری، روح‌الله حسینیان و بیژن نوباوه از گروه رایحه خوش‌خدمت (حامیان اصلی احمدی‌نژاد در مجلس هشتم و سهمیه‌این جریان در فهرست جبهه متحد اصول گرایان برای انتخابات مجلس هشتم در ۲٤ اسفند ۸٦) بودند. در واقع استیضاح مرحوم کردان باعث شد عمر ائتلاف دولت ساخته «رایحه خوش خدمت» در مجلس هشتم حتی به ٦ ماه هم نرسد.

اصول گرایان در وحدت و ائتلاف، تجربیات متنوعی داشتند که گاهی کاملا موفق بود مانند انتخابات شوراهای دوم، مجلس هفتم و هشتم و گاهی کاملا

ناموفق بود مانند انتخابات ریاست جمهوری نهم در سال ۱۳۸٤.

جدیدترین ائتلاف اصول‌گرایان درآن زمان، مربوط به مجلس هشتم بود. جایی که «جهبه متحد اصول‌گرایان» از سه ضلع جبهه پیروان خط امام و رهبری (موتلفه و ۱۳ تشکل مشهور به راست سنتی)، اصول‌گرایان تحول‌خواه (شامل جمعیت‌ایثارگران، جمعیت رهپویان و حداد و توکلی) و بالاخره گروه رایحه خوش خدمت (طرفداران احمدی‌نژاد) تشکیل و موفق شد در انتخابات مجلس هشتم در تهران و تقریبا سراسر کشور، اصلاح‌طلبان را شکست دهد.

در نیمه دوم سال ۸۷ و آغاز گمانه‌زنی‌ها درباره نامزدهای انتخابات آتی، جبهه متحد اصول‌گرایان به درخواست اعضا در اردیبهشت ماه ۸۸منحل شده بود و احمدی‌نژاد و طرفدارانش نیز برای بحث درباره نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری دهم دلیلی نمی‌دیدند. به همین دلیل در اردوگاه اصول‌گرایان، نگاه‌ها معطوف به چهره‌های قدیمی‌تر به‌خصوص علی‌اکبر ناطق‌نوری شد. کسی که سال ۸۲ بامدیریت «شورای هماهنگی نیروهای اصول‌گرا» موفق شده‌بود مجلس هفتم را از آن اصول‌گرایان کند. هر چند گام بعدی شورای هماهنگی در معرفی نامزد واحد اصول‌گرایان برای انتخابات نهم ریاست جمهوری (سال ۱۳۸٤)، کاملا شکست خورده بود اما ناطق می‌توانست خلأ محوریت‌ائتلاف در اردوگاه اصول‌گرایان را پر کند. البته در این زمان ناطق بیشتر از اینکه به فکر وحدت اصول‌گرایان باشد، به «دولت وحدت ملی» و احتمالا «عبور از احمدی‌نژاد» می‌اندیشید و انگیزه‌ای برای‌ایجاد ائتلاف میان اصول‌گرایان نداشت. چنین بود که در پاییز ۸۷«جبهه پیروان خط امام و رهبری» و حزب شاخص آن یعنی موتلفه، ریش سفیدان اصول‌گرایی پرچمدار وحدت و ائتلاف اصول‌گرایان شدند اما در این زمان نامزدهای احتمالی اصول‌گرا برای انتخابات ۸۸ آنقدر زیاد بودند که به قول عسکر اولادی، اصول‌گرایان به اندازه «یک دور تسبیح» نامزد داشتند. (خبرگزاری‌ایلنا، ۲۱ آبان ۸۷)

تلاش‌ها برای‌ایجاد ائتلاف در جبهه اصول‌گرایان با تلاش «اصول‌گرایان تحول‌خواه» برای ایجاد وحدت در پاییز ۸۷ جدی‌تر شد. ضلع دیگر جبهه متحد اصول‌گرایان در انتخابات سال گذشته (رایجه خوش خدمت)، از این تلاش‌ها چندان استقبال نمی‌کرد چرا که معتقد بود تکلیف نامزد نهایی اصول‌گرایان مشخص است و بحث وحدت اصول‌گرایان موضوعیت ندارد.

طی پاییز و زمستان ۸۷، سه عامل در تلاش‌های جبهه پیروان و اصول‌گرایان تحول‌خواه در رسیدن به احمدی نژاد به عنوان « نامزد نهایی اصول‌گرایان» موثر بود.

عامل اول تلاش‌های ناطق نوری، علی لاریجانی، محسن رضایی و احتمالا هاشمی‌رفسنجانی برای تشکیل «دولت وحدت ملی» بود.این پیشنهاد با مخالفت اغلب چهره‌ها و گروه‌های اصول‌گرا روبه‌رو شد و عملا وزنه‌های سنگینی نظیر ناطق‌نوری، علی لاریجانی و محمدرضا باهنر را تنها گذاشت و از صحنه خارج کرد.

عامل دوم، سرسختی و اعتماد به نفس فوق‌العاده احمدی‌نژاد در برخورد با تلاش‌های جاری درباره وحدت اصول‌گرایان بود. در نیمه دوم سال ۸۷ ، احمدی‌نژاد و طرفداران نزدیکش طرح وحدت اصول‌گرایان را از اساس منتفی و طرح بحث دراین باره را نوعی سهم‌خواهی از کابینه آینده می‌دانستند. اواخر بهمن‌ماه، سران جبهه پیروان امام و رهبری از جمله حبیب‌الله عسکراولادی و حبیبی به دیدار احمدی‌نژاد رفتند و دغدغه‌های خود را درباره عملکرد و کارآمدی دولت و ائتلاف اصول‌گرایان با رئیس جمهور در میان گذاشتند. هر چند ازاین دیدار خبری رسمی منتشر نشد اما در محافل اصول‌گرا شایع بود که احمدی‌نژاد در موضوع انتخابات، آب پاکی را روی دست ریش سفید اصول‌گرایان ریخته است.

زمستان ۸۸، تشکل‌ها و چهره‌های مختلف اصول‌گرا هر کدام منتظر معجزه‌ای

بودند تا چهره‌ای بهتر و از نظر آنها کم دردسرتر از احمدی‌نژاد وارد صحنه شود اما چهره‌های پرنفوذ اصول‌گرا که در معرض نامزدی بودند، ترجیح می‌دادند وارد رقابت با احمدی‌نژاد نشوند و یک به یک کنار کشیدند. علی لاریجانی در اول اسفند و محمدباقر قالیباف در اوایل بهار از کاندیداتوری انصراف دادند. ولایتی و توکلی و حداد و پورمحمدی هم پیش از آن حضور خود را منتفی دانسته بودند. تقریبا همه چهره‌های موجه اصول‌گرا که به نوعی در معرض نامزدی انتخابات ریاست جمهوری بودند، هر یک طی ٤ سال گذشته توسط اطرافیان احمدی‌نژاد تخریب یا ناکارآمد معرفی شده بودند.این نکته‌ای بود که داوود دانش‌جعفری در سخنرانی تودیعش در بهار ۸۷ مطرح کرد و هیچ‌گاه هم تکذیب نشد. در این‌میان، گروه‌ها و رسانه‌های اصلاح‌طلب، خوشحالی خود را از سردرگمی و تاخیر اصول‌گرایان در رسیدن به نامزد واحد ، کتمان نمی‌کردند. ۲٤ فروردین ماه «روزنامه اعتماد» از تزلزل اصول‌گرایان در انتخاب نامزد واحد خبرداد. در این زمان، نتایج نظرسنجی‌های سراسری هم که به طور مرتب توسط مرکز سنجش افکار صداوسیما، مرکز نظرسنجی جهاددانشگاهی (ایسپا) و چند موسسه خصوصی یا وابسته به نهادهای نظامی ــ امنیتی به طور محرمانه منتشر می‌شد، همگی احمدی‌نژاد را با فاصله زیادی از رقبای احتمالی درصدر نشان می‌داد؛ نتیجه‌ای که اغلب گروه‌های اصول‌گرا را علی‌رغم میلشان، به پذیرش احمدی‌نژاد به عنوان نامزد نهایی ناچار می‌کرد. علی مطهری هم که روابطش با احمدی نژاد در این ماه‌ها به ویژه بعد از ماجرای کردان به شدت تیره شده بود، مدلی برای وحدت اصول‌گرایان تهیه و مشغول رایزنی درباره آن بود. (ایلنا، ۲۸دی) و البته تلاش وی نیز بی‌نتیجه رها شد.

زمستان ۸۷ به سرعت می‌گذشت و امیدها در اردوگاه اصول‌گرایان برای ظهور معجزه‌آسای «کاندیدای نجات بخش» به یاس تبدیل می‌شد. در این زمان، چهارمین عامل هدایت تشکل‌های اصلی اصول‌گرا به‌سوی حمایت از احمدی‌نژاد

نقش خود را ایفا کرد: اعلام رسمی نامزدی خاتمی و سپس نامزدی غیرمنتظره موسوی.

هر چند از اردوگاه اصلاح‌طلبان، کروبی خیلی زود وارد گود شده بود اما کسی نامزدی او را جدی نمی‌گرفت و همه منتظر خاتمی یا ظهور معجزه‌ای در آن میدان بودند. در محافل سیاسی شایع شده بود که اصلاح‌طلبان معرفی نامزد اصلی خود را عمدا به تاخیر انداخته‌اند تا اصول‌گرایان را به سردرگمی بیندازند و وقت را از آنها بگیرند. اجرای این ایده که به «انجماد اصول‌گرایان» معروف شد، بیش از هرکس به نفع احمدی‌نژاد تمام شد چرا که اواخر بهمن‌ماه با کاندیداتوری خاتمی و سپس موسوی، تشکل‌های اصلی اصول‌گرا به سرعت پشت سر احمدی‌نژاد متحد شدند. به‌این ترتیب پیش‌بینی حبیبی دبیر کل حزب موتلفه که «اگر خاتمی بیاید، اصول‌گرایان متحد می‌شوند.» (ایرنا ، ٤ دی ماه)، خیلی سریع محقق شد.

از تشکل‌های اصلی اصول‌گرا، ١٤ حزب و گروه عضو «جبهه پیروان خط امام و رهبری» به همراه جمعیت ایثارگران و جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی اوایل اردیبهشت با ملاحظه انسجام دوم خرداد پشت سر موسوی، از ظهور کاندیدای رای‌آور دیگری ناامید شدند و رسما حمایت خود را از احمدی‌نژاد اعلام کردند. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز تهران (اصطلاحا جامعتین)، مهم‌ترین تشکل‌هایی که نظرشان برای گروه‌ها و طرفداران اصول‌گرا به نوعی محل رجوع محسوب می‌شد تا به آخر از احمدی‌نژاد حمایت نکردند. در دومی، هاشمی‌رفسنجانی، حسن روحانی و ناطق نوری مانع بزرگی بودند و در جامعه مدرسین هم، تیرگی روابط دولت با مراجع و علمای قم به‌ویژه در موضوع اظهارات جنجالی اسفندیار رحیم‌مشایی، مانع حمایت این دو نهاد پرنفوذ از احمدی‌نژاد می‌شد.

هرچند هم در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و هم در جامعه روحانیت

مبارز تهران، افراد برجسته و پرتعدادی، از احمدی‌نژاد حمایت کردند که مشهورترین‌شان محمد یزدی، احمد جنتی، محمدتقی مصباح یزدی، ابوالقاسم خزعلی و محمدرضا مهدوی‌کنی بودند. به گفته مهدوی‌کنی، اوایل اردیبهشت ماه در جامعه روحانیت مبارز تهران برای حمایت از احمدی‌نژاد رای‌گیری به عمل آمد اما حد نصاب دو سوم آرا برای تصویب این حمایت حاصل نشد (فارس، ٤خرداد ۸۸).

از میان چهره‌های اصول‌گرا، برخی به حمایت رسمی از احمدی‌نژاد پرداختند، برخی سکوت اختیار کردند و برخی رسما به حمایت از رضایی یا موسوی پرداختند.

حدادعادل، جواد لاریجانی، عسکراولادی و کثیری از چهره‌های نزدیک به تشکل‌های اصول‌گرا رسما از احمدی‌نژاد حمایت و به نفع وی سخنرانی یا بیانیه منتشر کردند. احمد توکلی از احمدی‌نژاد حمایت نکرد ولی گفت اضطرارا به وی رای می‌دهد. علی مطهری در آخرین روزها محسن رضایی را برگزید. ناطق نوری، علی لاریجانی و محمدرضا باهنر سکوت اختیار کردند. البته شایعات زیادی درباره حمایت آنها از موسوی و حتی کمک آنها به ستاد وی منتشر می‌شد که هیچ‌گاه تایید یا اثبات نشد.

فراکسیون اصول‌گرایان مجلس هم که به ریاست لاریجانی اداره می‌شد، با اکثریت ضعیفی فقط پذیرفت که در بیانیه انتخاباتی‌اش نام احمدی‌نژاد گنجانده شود. (الف، ۳خرداد ۸۸)

علاوه بر تشکل‌های اصلی اصول‌گرا ، برخی تشکل‌های جدیدالتاسیس و کوچک‌تر هم که در سال‌های اخیر متولد شده بودند، هر یک از احمدی‌نژاد یا موسوی حمایت کردند، از جمله اصول‌گرایان اصلاح‌طلب، اصول‌گرایان مستقل(خوش‌چهره)، اصول‌گرایان مترقی (فلاحیان)، آبادگران جهادی، ائتلاف حزب الله، ائتلاف فراگیر اصول‌گرایان و...

همایش ۳۰ سال قانونگذاری و نظارت، ادامه تلاش‌هایی بود که از اوایل آن سال ظاهرا به ابتکار ناطق‌نوری شروع شده بود و دو مدافع جدی داشت: محسن رضایی و علی لاریجانی. لاریجانی با برگزاری همایش ۳۰ سال قانونگذاری و نظارت و گردآوری گروهی از سیاستمداران همه دوران‌های پس از انقلاب، سهم خود را برای جا انداختن این پیشنهاد ادا کرد. محسن رضایی هم ۲۳ مهرماه با ارسال نامه‌ای حاوی مانیفست دولت ائتلاف برای سران قوا و روسای احزاب، گامی جدی برای تحقق این هدف برداشت.

پیشنهاد «دولت وحدت ملی» با استقبال سرد اکثر اصول‌گرایان همراه شد. چه منتقدین دولت نظیر توکلی، افروغ و پورمحمدی و چه مدافعان دولت، علیه آن صف‌آرایی کردند.

توکلی، دولت وحدت ملی و ائتلافی را نه مقدور دانست و نه مطلوب (فارس، ۱۷آذر)، دبیر کل حزب موتلفه دولت ائتلافی را بازی کردن با رای ملت ارزیابی کرد (رسالت، ۲۰آذر)، افروغ آن‌را عوام‌فریبی دانست (فارس، ۲۱آذر)، جمعیت ایثارگران، طرح را «نه به احمدی‌نژاد» ارزیابی کرد و نسبت به عبور از خط قرمز دوم خرداد به طراحان اصول‌گرای آن (ناطق‌نوری، لاریجانی و باهنر) هشدار داد (ایسنا، ۲۱ آذر)، حسین شریعتمداری هم یادآوری کرد که دولت وحدت ملی هنگامی مطرح می‌شود که خطری کشور را تهدید کند اما اکنون چنین شرایطی نداریم. (خبرگزاری مهر، ۲۲ آذر)

واکنش به ایده دولت وحدت ملی، چالشی هویتی برای اصول‌گرایان ایجاد و آنها را به دو دسته کرد: اقلیتی که وحدت با دوم خردادی‌ها را ممکن یا حتی مطلوب می‌دانستند (لاریجانی، باهنر و ناطق‌نوری) و اکثریتی که خط فکر و اصول دوم خرداد را خط قرمز خود می‌دانستند.

واکنش منفی اکثر اصول‌گرایان به طرح دولت وحدت ملی آنقدر یکپارچه، محکم و منفی بود که ناطق‌نوری و لاریجانی را به انفعال واداشت. ناطق‌نوری

فصل ٤

آذر ۸۷، دولت وحدت ملی

دوازدهم آذرماه ۸۷ ، صحن پارلمان در بهارستان ، شاهد حضور روسا و نمایندگان دور اول تا هشتم مجلس شورای اسلامی بود که به دعوت علی لاریجانی برای «همایش ۳۰سال قانونگذاری و نظارت» مهمان خانه ملت بودند. هاشمی‌رفسنجانی، مهدی کروبی، ناطق‌نوری، حداد عادل و علی لاریجانی سخنرانان همایشی بودند که مهمانان متنوعی نظیر محمد خاتمی، محمدی گلپایگانی (رئیس دفتر رهبر انقلاب)، عزت‌الله سحابی، هاشم صباغیان، محمد یزدی، دری نجف‌آبادی و غایب بزرگی به‌نام «محمود احمدی‌نژاد» داشت.



همایش ۳۰سال قانونگذاری و نظارت، به میزبانی علی لاریجانی
با حضور طیف متنوعی از فعالان سیاسی، مجلس شورای اسلامی، ۱۲ آذر ۸۷

زودتر از همه شکست این ایده را احساس کرده بود و سوم شهریور ماه در حاشیه مراسم بزرگداشت شهید لاجوردی گفت: «پیگیری طرح وحدت ملی را رها کرده‌ام و به دلیل عدم استقبال گروه‌های سیاسی و شخصیت‌ها فکر نمی‌کنم دیگر جایی داشته باشد ... هر گروهی آتش را برای نان خود می‌خواهد» (ایسنا، ۳ شهریور). ناطق‌نوری در زمستان ۸۷ هم با تاکید به اینکه «یک جناح نمی‌تواند کشور را اداره کند» (اعتماد، ۲۱ دی)، گفت: «طرح وحدت ملی فراتر از عبور از احمدی‌نژاد بوده است» (آفتاب‌یزد، ۵ بهمن). علی لاریجانی هم در پاسخ کسانی که این طرح را ائتلاف ناطق و لاریجانی با دوم خردادی‌ها برای حذف احمدی‌نژاد می‌دانستند، گفت: «تئوری وحدت ملی به معنای حذف احمدی‌نژاد و نامزدی لاریجانی نیست» (فارس، ۹ آذر).

مرزبندی جدی اکثر چهره‌ها و تشکل‌های اصول‌گرا با دوم خردادی‌ها و مخالفت تندشان با ایده دولت وحدت ملی و ائتلافی، باعث شد حتی درباره اینکه اصولا چه کسی اولین بار این ایده را مطرح کرد، در محافل سیاسی بگومگو ایجاد شود.

کیهان دهم اسفند ماه از قول هدایت‌الله آقایی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران نوشت: «طرح وحدت ملی مال ما (کارگزاران) بود» اما ۲۰ آذرماه مرعشی سخنگوی کارگزاران در روزنامه این حزب نوشت: «عسکراولادی و حبیبی و باهنر به جامعه روحانیت رفته و گفته‌اند نه کشور با این سیاست‌ها قابل اداره کردن است و نه احمدی‌نژاد قابل اصلاح». دبیر کل حزب موتلفه این خبر را به شدت تکذیب و اعلام کرد علیه مرعشی به جرم افترا شکایت می‌کند. حبیبی حتی گفت: «سخنگوی کارگزاران این جملات دروغ را برای جا انداختن طرح دولت وحدت ملی مطرح کرده است» (فارس، ۲۰آذر)

اواخر پاییز، هنوز لاریجانی و رضایی از طرح وحدت ملی دفاع می‌کردند و چند چهره اصلاح طلب هم به آنان پیوسته بودند. در نتیجه، حملات اصول‌گرایان

حامی دولت به ویژه موتلفه و جمعیت ایثارگران علیه این طرح شدت گرفت و آن‌را توطئه دوم خردادی‌ها و هاشمی برای حذف احمدی‌نژاد دانستند.

شدت این حملات، شخص هاشمی‌رفسنجانی را به واکنش واداشت تا ثابت کند طرح دولت وحدت ملی، ربطی به او و اصلاح‌طلبان ندارد. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، روز ۲۰ آذر ماه در حاشیه همایش اصل ٤٤ به خبرنگاران گفت: «طرح وحدت ملی را اول آقای ناطق‌نوری مطرح کرد که جزء اصلاح‌طلبان نیست. فقط وقتی آقای کرباسچی آن را قبول کرد، موج برگشت و گفتند اصلاح‌طلبان این را مطرح کرده‌اند، در حالی که اصلاح‌طلبان با این طرح مخالف هستند چرا که این طرح به این معنی است که رئیس‌جمهور اصول‌گرا و کابینه مشترک باشد. این طرح آقای ناطق است. آن را وارونه نکنید.» (خبرگزاری‌ها، ۲۰آذر)

بهار ۸۸، از طرح وحدت ملی و دولت ائتلافی فقط اسمی باقی مانده بود اما محسن رضایی یک تنه می‌خواست آن‌را اجرایی کند. رضایی تا روز اعلام نامزدی (۹اردیبهشت)، همچنان از دولت وحدت ملی و ائتلافی صحبت می‌کرد و آن‌را سازگار با مردمسالاری می‌دانست. (سخنان محسن رضایی در همایش استانی حزب توسعه و عدالت، ۲۳ اسفند) . او در جریان انتخابات حتی برای اینکه نشان دهد چقدر به وحدت و ائتلاف پایبند است، طیفی از چهره‌های متنوع وابسته به احزاب گوناگون را به عنوان مشاوران خود برگزید (صادق طباطبایی، زیاری و فروزش) و حتی وعده داد در صورت پیروزی، از احمدی‌نژاد در یکی از وزارتخانه‌ها استفاده کند. (خبرگزاری مهر، ۱۳ اردیبهشت۸۸)

۲۵ اسفندماه رضایی بیانیه شماره یک «دولت ائتلافی کارآمد و متعهد» را منتشر کرد اما در این زمان کمتر کسی روی خوش به چنین مباحثی نشان می‌داد چرا که ظهور میرحسین موسوی، همه نگاه‌ها را به‌سوی اصلاح‌طلبان جلب کرده بود.

بعدها محسن رضایی در گفت‌وگو با هفته‌نامه پنجره گفت که ایده «دولت ائتلافی همراه با تعهد و کارآمدی»، متعلق به او بود و حتی قصد داشت از طریق لاریجانی، احمدی‌نژاد را هم در طرح مشارکت دهد. رضایی در این گفت‌وگو توضیح داد که لاریجانی، ولایتی، ناطق‌نوری و قالیباف در جریان این طرح بودند اما هریک از نامزدی انصراف دادند و او ناچار به حضور در صحنه در چارچوب این طرح شد و از اینکه آنها علنا از وی حمایت نکرده‌اند، گلایه‌مند بوده است. (هفته‌نامه پنجره، شماره ۲۱، هشتم آذر ۱۳۸۸)

فصل ۵

دی‌ماه ۸۷، تلاش اصلاح طلبان برای ائتلاف

دی‌ماه ۸۷ اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان دغدغه مشترکی به‌نام وحدت و ائتلاف داشتند و جالب اینکه هریک دیگری را دورتر از وحدت می‌دانست. رسانه‌های طرفین هم در این زمان با انتشار اخباری از موانع بی‌شمار اجماع در اردوگاه مقابل و انجام مصاحبه با نامزدهای احتمالی و طرح احتمال کاندیداتوری آنها، فرآیند ائتلاف در گروه مقابل را پیچیده‌تر می‌کردند.

در این انتخابات، تشکل‌های اصول‌گرا برای ائتلاف با مشکلی به‌نام «محمود احمدی‌نژاد» روبه‌رو بودند، در اردوگاه اصلاح‌طلبان هم مشکلی به‌نام «مهدی کروبی» وجود داشت. تشکل‌های اصلاح‌طلب، افق‌های وحدت و ائتلاف را چندان تیره نمی‌دیدند اما ریش‌سفیدان اصلاح‌طلب که سال ۸۷ به وحدت نامزد واحد در انتخابات آتی می‌اندیشیدند، امیدوار بودند به نحوی شیخ اصلاحات را به وحدت و ائتلاف با دیگر گروه‌های اصلاح‌طلب راضی کنند. البته آنها می‌دانستند که کار ساده‌ای پیش‌رو ندارند چرا که کروبی همواره برخی اصلاح‌طلبان تندرو را مایه دردسر می‌دانست و از اینکه همیشه سرسفره آماده می‌رسند و نتایج زحمات اورا تصاحب می‌کنند، گلایه داشت. شیخ اصلاحات احتمالا به همین دلیل از فردای انتخابات ۸۴، حزب اعتماد ملی را تشکیل داده

بود تا سفره‌اش را از اصلاح‌طلبان حاضر آماده خور، کاملاً جدا کرده باشد.

دی ماه ۸۷ شرایط عملی ائتلاف در هر دو گروه اصلاح‌طلب و اصول‌گرا به اوج پیچیدگی و بلاتکلیفی رسیده بود. خاتمی در این ماه علامت‌هایی از علاقه‌اش به کاندیداتوری می‌فرستاد اما اظهار نظر قطعی نمی‌کرد. در عین حال، طرح نام‌هایی برای سنجش بازخوردها نظیر محمد هاشمی، عبدالله نوری، کمال خرازی، محمدرضا عارف و حسین کمالی، بیش از پیش به بلا تکلیفی هواداران و تشکل‌های اصلاح‌طلب دامن می‌زد.

برخی تشکل‌ها و چهره‌های اصلاح‌طلب از تعلل خاتمی گلایه می‌کردند. محمد هاشمی ۳۰ دی ماه تهدید کرد که دیگر تاب وقت‌کشی در جبهه اصلاحات را ندارد و اگر این جبهه با کاندیدای واحد به صحنه نیاید، اعلام کاندیداتوری خواهد کرد. (خبرگزاری مهر، ۳۰دی). پیش از این محمدرضا عارف هم رسماً برای کاندیداتوری اعلام آمادگی کرده و حتی یزد را مقصد اولین سفر استانی خود اعلام کرده بود. (خبرگزاری مهر، ۲دی)

پاسخ‌های دو پهلوی خاتمی به سوالات درباره حضورش در انتخابات باعث شد برخی نگاه‌ها در جبهه اصلاحات به هاشمی‌رفسنجانی معطوف شود اما هاشمی که تجربه تلخ زورآزمایی با احمدی‌نژاد هنوز در کامش تازه بود، به خبرنگاری که در این مورد نظرش را پرسید، قاطعانه جواب داد: «قطعاً در انتخابات ریاست‌جمهوری کاندیدا نخواهم شد» (خبرگزاری مهر، اول دی)

تردیدهای خاتمی در میان اصلاح‌طلبان، فقط برای کروبی و حامیانش خوشایند بود. شیخ اصلاحات نهم دی ماه به فارس گفت: «اگر آقای خاتمی درباره حضور یا عدم‌حضورش از من مشورت بخواهد، به او مشورت نمی‌دهم.» (فارس، ۹دی) طرفداران کروبی هم با ملاحظه تعلل خاتمی، به توافق اصلاح‌طلبان با رهبر اعتماد ملی امید داشتند. یکی از اعضای شورای مرکزی این حزب در هشتم بهمن ماه گفت: «اجماع اصلاح‌طلبان روی کروبی است.» (خبرگزاری مهر، ۸ بهمن)

تحولات ماه‌های بعد نشان داد که هرچند چنین اجماعی حاصل نشد اما شیخ اصلاحات در این دوره موفق شد از چهره‌های اصلاح‌طلب به شکل موثری یارگیری کند.

طرفداران موسوی و کروبی در انتخابات ۱۳۸۸

طرفداران کروبی	طرفداران موسوی
حزب اعتماد ملی	حزب مشارکت
ادوار تحکیم وحدت	سازمان مجاهدین انقلاب
رسول منتجب نیا	حزب کارگزاران سازندگی
غلامحسین کرباسچی	حزب مردمسالاری
عطاءالله مهاجرانی	حزب همبستگی
عبدالکریم سروش	مجمع روحانیون مبارز
جمیله و محسن کدیور	حزب اسلامی کار
محمد علی ابطحی	خانه کارگر
عبدالله نوری	جمعیت زنان انقلاب اسلامی
عباس عبدی	حزب اعتدال و توسعه
محمد قوچانی	سید محمد خاتمی
مرتضی الویری	محمدموسوی خوئینی ها
احمد علی نجفی	علی اکبر محتشمی پور
مسعود نیلی	مجید انصاری
الیاس حضرتی	عبدالواحد موسوی لاری
ابراهیم اصغرزاده	سعید حجاریان
محمدرضا خباز	بهزاد نبوی
	محمدرضا عارف
	محسن صفایی فراهانی
	محسن میردامادی
	عبدالله رمضان زاده
	محمد عطریانفر
	محمد، مهدی و فائزه هاشمی
	حسین مرعشی
	حمیدرضا جلایی پور
	علی ربیعی
	علیرضا محجوب
	مصطفی کواکبیان

احزاب کوچک‌تر اردوگاه اصلاح‌طلب به ویژه خانه‌کارگر، همبستگی و مردمسالاری که هر کدام از خاتمی و مشارکت خاطرات چندان دلچسبی نداشتند، در آرزوی حضور موسوی بودند. یکی از اعضای شورای مرکزی مردمسالاری به فارس گفت: «هدف مشارکت از مطرح کردن عارف، کاهش از انگیزه‌های موسوی است.» (فارس، ۲دی) با این حال حزب مشارکت نظر قطعی درباره میرحسین ابراز نمی‌کرد ولی بیشتر به حضور خاتمی تمایل نشان می‌داد.

اواخر دی‌ماه تلاش اصلاح‌طلبان برای قبولاندن کاندیداتوری به خاتمی یا موسوی شدت گرفت. ملاقات‌ها با موسوی و خاتمی به اوج رسید و خاتمی را ناچار به بیان وعده‌ای کرد که در سرنوشت انتخابات و تحولات ماه‌های بعد سرنوشت‌ساز بود: «یا من می‌آیم یا آقای میرحسین موسوی» (خبرگزاری‌ها، ۲۳دی ۱۳۸۷)

اوایل اسفند و با وجود قطعی شدن حضور خاتمی، حملات به کروبی شدید بود. کرباسچی که در این زمان دست راست شیخ اصلاحات شده بود، گفت: «حملات به کروبی از ناحیه اصول‌گرایان نیست» (فارس، ۱٤اسفند) خود کروبی که برای استعفا و تن دادن به ائتلاف تحت فشار قرار گرفته بود، پیشنهاد کرد برای اجماع نهایی اصلاح‌طلبان سنجش مقبولیت صورت بگیرد. (اعتماد، ۵ اسفند) اما در این زمان در اردوگاه اصلاح‌طلبان (بنیاد باران، حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب)، همه از اعلام نامزدی خاتمی چنان به وجد آمده بودند که برای اجماع، به راهی جز کنار کشیدن کروبی فکر نمی‌کردند. از نظر آنها کروبی با اعلام زودهنگام کاندیداتوری‌اش، می‌خواست اصلاح‌طلبان را در مقابل کار انجام شده قرار دهد اما در عمل فقط بازی اجماع را پیچیده‌تر کرده بود. پس باید با کنار کشیدن به نفع خاتمی، تاوان اشتباهش را پس می‌داد. البته کروبی کسی نبود که به فشارها برای انصراف تن دهد.

در ماهی که توجه افکار عمومی و رسانه‌های ایران به جنایات بی‌سابقه ارتش

اسرائیل در غزه (جنگ ۲۲روزه) معطوف بود، گروه‌های سیاسی داخلی بیش از هر زمان دیگر برای ائتلاف و رسیدن به نامزد واحد در انتخابات سال آینده تلاش می‌کردند.

فصل ۶

بهمن ۸۷، تردیدهای سید

ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه شنبه نهم خردادماه ۸۸، هواپیمای کیش ایر، فرودگاه اهواز را طبق برنامه به مقصد تهران ترک کرد اما ۱۵ دقیقه بعد با کشف یک بمب دست‌ساز در هواپیما، خلبان به اهواز بازگشت. پس از فرود اضطراری، مامور امنیت پرواز بمب کشف شده را در بغل گرفت و خود را به بیرون هواپیما پرتاب کرد و لحظاتی بعد بمب منفجر شد. در این ماجرا مامور امنیت پرواز زخمی شد ولی هواپیما و مسافران آسیب ندیدند. این حادثه می‌توانست یک عملیات تروریستی متعارف نظیر آنچه گروه ریگی در آن زمان تهدید می‌کرد باشد اما مشاهده فهرست بلیت‌های صادر شده برای آن پرواز، نفس ماموران را در سینه حبس کرد.

قرار بود سیدمحمد خاتمی که صبح آن روز برای سخنرانی در جمع حامیان میرحسین موسوی به آبادان و خرمشهر سفر کرده بود، با آن هواپیما به تهران مراجعت کند اما هنگام ورود به فرودگاه اهواز، محافظانش اطلاع یافتند هواپیمای دیگری نیم ساعت زودتر به تهران خواهد رفت. چنین بود که رئیس جمهور سابق تصادفا سوار هواپیمای حامل بمب نشد و با کشف بمب، انتخابات ۸۸ از خطر یک فتنه هولناک جان به در برد. خود او در کوران مبارزات انتخاباتی خودش گفته بود: «ترور را جدی نمی‌گیرم، اگر شد فدای سر مردم» (آفتاب یزد، ۱۸ اسفند۱۳۸۷) مسوولان اطلاعاتی و امنیتی کشور علی‌رغم اعلام سر نخ‌هایی از

عاملان این بمبگذاری، بعدها اطلاعات بیشتری از هویت طراحان، آمران و عاملان این عملیات ارائه نکردند. روشن شدن این موضوع شاید بتواند در تحلیل بهتر حوادث بعد از انتخابات کمک کند. سیدمحمد خاتمی در طول سال ۸۷ از سوی دوستان و علاقه‌مندانش تحت فشار شدیدی برای اعلام کاندیداتوری بود. برخی اصلاح‌طلبان وی را نامزد نهایی اصلاح‌طلبان و تنها کسی می‌دانستند که قابلیت غلبه بر احمدی‌نژاد را دارد. اواخر دی ماه، خاتمی در حاشیه یک همایش به خبرنگاران گفت: «نمی‌آیم ولی دوستان می گویند فعلا نگو.» (الف، ٢٦ شهریور ١٣٨٧)

۲۱ مهر ماه، هفته‌نامه شهروند امروز (به سردبیری محمد قوچانی) از برگزاری جشن تولد خاتمی در حاشیه همایشی در موسسه اطلاعات خبر داد که در آن خاتمی برای کاندیداتوری دو شرط گذاشته بود:

۱ - با ملت بر سر خواسته‌هایشان به تفاهم برسم.

۲ - امکان عملی کردن این خواسته‌ها وجود داشته باشد (شهروند امروز، شماره ٦٧)



جشن تولد خاتمی در موسسه اطلاعات با حضور مهمانان خارجی، ۲۱ مهرماه ۸۷

یک عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران درباره این شروط گفت: «مردم باید برای خاتمی شرط بگذارند نه خاتمی برای مردم» (تابناک، ٤ آذر)

از اوایل پاییز، برخی اصلاح‌طلبان، پویش (کمپین) حمایت از خاتمی را تشکیل دادند. ۱٦ آبان‌ماه، این پویش، همایش موج سوم را در تالار مسجد امیرالمومنین با حضور تعدادی از هنرمندان و چهره‌های اصلاح طلب برگزار کرد. شعر بلندی که نیما دهقانی با مطلع «سلام آقا محمد با ارادت ... و عرض احترام از روی عادت» در این همایش خواند و در آن با لحن طنز و گزنده‌ای دولت را به باد انتقاد گرفت و خاتمی را به حضور در انتخابات تشویق می‌کرد، به‌سرعت با بلوتوث میان موبایل‌ها رد و بدل می‌شد اما شخص خاتمی همچنان می‌گفت: «مشغول فکر کردن هستم.» (ایسنا، ۱۸آبان)



سخنرانی محمدعلی ابطحی در پویش موج سوم برای حمایت از خاتمی، ۱۶آبان ۸۷

تا اواخر دی ماه انتشار نقل‌قول‌های متناقض از خاتمی با موضوع می‌آیم ــ نمی‌آیم، اصلاح‌طلبان را کلافه کرده بود. از اواسط دی ماه رسانه‌ها از جلسات خاتمی و میرحسین موسوی برای قبولاندن نامزدی به میرحسین خبر می‌دادند. هفته‌نامه «شهروند امروز» با یادآوری رفتار خاتمی در زمستان ۱۳۷۵ نوشت: «آن زمان هم با امتناع میرحسین، خاتمی با استفاده از قحط الرجالی در جناح چپ ناز می‌کرد و می‌گفت بروید دنبال شخص دیگری بگردید.» (شهروند امروز، شماره ٦٧)

از نیمه دی ماه فشار اصلاح‌طلبانی که به کروبی امید نداشتند اما شاهد یارگیری او بودند، بر خاتمی چنان سنگین شد که رئیس جمهور سابق را ناچار به ادای وعده‌ای تاریخی کرد: «یا من می‌آیم یا میرحسین موسوی» (خبرگزاری‌ها، ۲۳ دی)

خاتمی چند روز بعد گفت: «تردید ندارم، دغدغه دارم» (۲۷ دی) چند روز دیگر هم در پاسخ به اصلاح‌طلبانی که دیگر بی‌تاب شده بودند، گفت: «موقعیت سختی دارم، امیدوارم در روزهای آینده تصمیم نهایی را بگیرم. (خبرگزاری‌مهر، اول بهمن) در این میان موضع موسوی همچنان سکوت بود اما در اول بهمن‌ماه بالاخره سکوت خود را شکست ولی گفت: «سخنان من صرفا برای گفتن تجربیات دهه اول انقلاب است» (فارس، اول اسفند) خاتمی ششم بهمن‌ماه و در روزهایی که مرتب با موسوی ملاقات می‌کرد، به خبرنگاری گفت: «امیدوارم موسوی بیشتر سخن بگوید» (ایلنا، ٦ بهمن)



از اوایل بهمن‌ماه، فشار بر خاتمی در رسانه‌ها، اینترنت و محافل اصلاح طلب غیرقابل تحمل شده بود

برخی جوانان حامی خاتمی در ستادی با عنوان ستاد ۸۸ ساماندهی شدند. «پویش دعوت از خاتمی» اینترنت و فضای رسانه‌ای اصلاح‌طلبان را فراگرفته‌بود. شورای مرکزی حزب مشارکت اخطار داد در صورت حضور نیافتن خاتمی از

نامزدی موسوی استقبال خواهد کرد. از اوایل بهمن‌ماه فشار بر خاتمی شدت بیشتری یافته بود. مدیران بنیاد باران هر روز برای خاتمی برنامه دیداری تدارک می‌دیدند که در آن خواسته مهمانان یک کلمه بود:«بیا». در شانزدهم بهمن ماه خاتمی در جمع دبیران سازمان‌های غیردولتی گفت: «تلاش من این بود آقای میرحسین موسوی را قانع کنم که به طور قاطع در دهه فجر اعلام کاندیداتوری کند و در عرصه حضور یابد. به هر حال مردم انتظاراتی از ما دارند و طبیعی است به قولی که داده‌ام باید عمل کنم و آمادگی خود را علی‌رغم میل شخصی برای حضور اعلام دارم» (آفتاب نیوز، ١٦بهمن)

سرانجام خاتمی بیستم بهمن‌ماه در محل مجمع روحانیون مبارز، تشکلی که ریاست آن‌را به عهده داشت؛ رسما نامزدی خود را برای انتخابات دهم ریاست جمهوری اعلام و تاکید کرد. حضورم جا را برای هیچ‌کس تنگ نمی‌کند (خبرگزاری‌ها، ۲۰بهمن)

حضور خاتمی برخلاف حضور کروبی حرارت خاصی به فضای سیاسی- انتخاباتی بخشید. طی ده روز آینده خبرگزاری فارس تقریبا با همه نزدیکان کروبی و بزرگان اعتماد ملی مصاحبه کرد و از قول آنها از انصراف خاتمی، عدم اجماع روی وی و نامزدی میرحسین موسوی با وجود حضور خاتمی نظراتی منتشر کرد.

فارس همچنین از کار ستادهای خاتمی «بدون ذکر نام وی» خبر داد تا درصورت کناره‌گیری خاتمی، ستادهای وی بتوانند با نام نامزد نهایی اصلاح‌طلبان فعالیت کنند (فارس، ۲۱بهمن).

در این زمان ، برخی اصول‌گرایان موسوی را به خاتمی ترجیح می‌دادند و امیدوار بودند موسوی با دوستان تندرو خاتمی از مشارکت و مجاهدین انقلاب میانه خوبی نداشته باشد. خبرگزاری فارس حتی از نامه گلایه‌آمیز موسوی به خاتمی خبر داد (فارس، ۲۱بهمن) اما خاتمی به این خبر واکنش نشان داد و آن‌را

تکذیب کرد. (فارس، ۲۲ بهمن) او ۲٦ بهمن نیز در واکنش به فشار گاز انبری اصول‌گرایان و اعتماد ملی گفت: «دوستان زحمت نکشند، تخریب نتیجه عکس دارد» (اعتماد، ۲۷بهمن).

خاتمی در دام حرکت‌های ایذایی رسانه‌ای، خود را گرفتار نمی‌کرد و به خبرهای تخریبی واکنش تند نشان نمی‌داد. بر عکس کروبی که هرگاه کسی از او درباره انصرافش می‌پرسید، با قاطعیت محکم‌تری می‌گفت قطعا به هر شکل شده تا آخر در صحنه خواهد ماند و در انتخابات با خاتمی رقابت خواهد کرد. (فارس، ۱ اسفند ۸۷)

حضور خاتمی تا چند روز ، محل بحث محافل سیاسی بود. اصول‌گرایان از تداوم حضور چهره‌های تندرو مشارکت در اطراف خاتمی اظهار نگرانی می‌کردند. احمد خرم وزیر راه سابق با خوشحالی گفت: «حضور خاتمی نقشه اصول‌گرایان را نقش بر آب کرد» (ایلنا، ۳ اسفند)

تجهیز و تدارک ستاد خاتمی چندان طول نکشید چرا که حداقل دو ستاد با محوریت بنیاد باران از قبل مهیا شده بود. ۲۷ بهمن محمدرضا عارف رئیس ستاد شد و اولین سفر استانی خاتمی را برای چهارم اسفند به بوشهر و شیراز برنامه‌ریزی کرد.

۳۰ روز بعد از اعلام حضور خاتمی و در شرایطی که خاتمی در سفر استانی به سر می‌برد و برنامه‌های تبلیغاتی‌اش تازه گرم شده بود، میرحسین موسوی در بیانیه‌ای غیرمنتظره کاندیداتوری خود را در انتخابات آتی اعلام کرد (خبرگزاری‌ها، ۲۰ اسفندماه)

رفتار موسوی با خاتمی چندان محترمانه و با تواضع نبود چرا که همه شاهد بودند خاتمی برای به صحنه کشیدن موسوی تلاش زیادی می‌کرد و تحت فشار غیرقابل تحمل اصلاح‌طلبان و برای از دست ندادن وقت تبلیغات، نامزدی خود را اعلام کرده بود. برخی اطرافیان نزدیک خاتمی تلاش کردند او را در صحنه

نگه‌دارند و فرمولی برای ائتلاف او و موسوی بیابند (اعتماد، ۲٦ اسفند). چند روز بعد، یک روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب (غلامعلی رجایی) که به دیدار خاتمی رفته بود از قول وی گلایه‌هایی نسبت به رفتار میرحسین نقل کرد که در سایت‌های خبری منتشر شد و خاتمی آن‌را تکذیب نکرد. (تابناک، ۲۸ اسفند ۸۷)

موسوی ۲۷ اسفندماه با انتشار نامه‌ای خطاب به خاتمی از وی دلجویی کرد. (ایسنا، ۲۷ اسفند) خاتمی هم البته رفتار میرحسین را نادیده گرفت و همه ستادها و امکاناتش را پشت سر موسوی بسیج کرد. خود نیز ۲٦ اسفندماه با اعلام انصراف از نامزدی، برای سخنرانی های انتخاباتی به نفع میرحسین از بهار ۸۸ عازم استان‌ها شد؛ سفرهایی که در یک مورد می‌توانست با یک سوء قصد مشکوک، به قیمت جانش تمام شود.

فصل ۷

اسفند ۸۷، پایان سکوت ۲۰ساله

قبل از اسفند ۸۷، آخرین تصویر باقی مانده از میرحسین موسوی در ذهن مردم مربوط به ۲۰سال پیش بود؛ زمانی که به عنوان آخرین نخست وزیر ایران، دولت را تحویل آقای هاشمی رفسنجانی داد.

هرچند عملکرد میرحسین موسوی از نظر تورم و سطح رفاه اقتصادی، چندان جالب نبود، اما سطح تورم بالا با درگیری کشورمان در جنگ توجیه می‌شد و اینکه وی در سخت‌ترین سال‌ها از نظر درآمدهای نفتی، ریاست دولت را به عهده داشت.

جدول- متوسط نرخ تورم در دولت‌های مختلف

	متوسط نرخ تورم
دولت اول آقای موسوی ٦٠ تا ٦٣	١٦.٩
دولت دوم آقای موسوی ٦٤ تا ٦٧	١٨.٢
دولت اول آقای هاشمی ٦٨ تا ٧١	١٦.٨
دولت دوم آقای هاشمی ٧٢ تا ٧٥	٣١
دولت اول آقای خاتمی ٧٦ تا ٧٩	١٦.٨
دولت دوم آقای خاتمی ٨٠ تا ٨٣	١٤.٣
دولت اول آقای احمدی نژاد ٨٤ تا ٨٧	١٥.٥

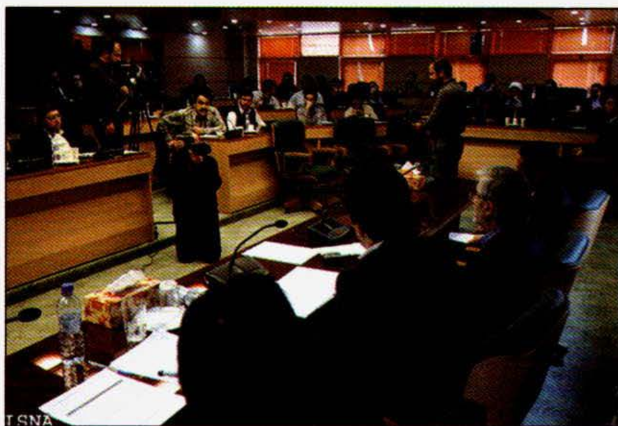
ماخذ: آمارهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

خاطرات نسبتاً خوب در افکار عمومی از عملکرد میرحسین موسوی علی‌رغم تورم نسبتاً شدید در آن دوره را می‌توان به پدیده‌ای به‌نام «سرخوردگی» ربط داد. آلبرت هیرشمن، اقتصاددان توسعه درباره این مفهوم در کتاب «دگردیسی مشغولیت‌ها» استدلال می‌کند پس از یک دوره کمبود، گسترش کالاها و رشد مصرف‌گرایی باعث رشد فردگرایی، حرص و نهایتاً کاهش رضایت عمومی می‌شود. احتمالا به همین دلیل هم طرفداران حضور موسوی در مبارزات انتخاباتی سال ۸۸ برای زمینه‌سازی حضور وی در صحنه مکرراً رضایت نسبی مردم از دوره نخست وزیری وی را به یاد می‌آورند (به عنوان مثال اخبار ایلنا در ۲۸دی ۱۳۸۷).

میرحسین موسوی از اوایل زمستان ۸۸ پس از ۲۰سال سکوت و گوشه‌گیری سیاسی و دوری‌گزینی از رسانه‌ها، به‌تدریج لب به سخن گشود و درباره مسائل روز کشور اظهارنظر کرد. سخنان موسوی معمولاً حاوی انتقاد از وضعیت اداره کشور با ذکر خیر از دهه دوران نخست‌وزیری خود بود که در جمع دیدارکنندگان ــ و نه در پاسخ به سوال خبرنگاری ــ بیان می‌شد. با تقویت احتمال کاندیداتوری موسوی از بهمن ماه و در نشست‌های وی با خاتمی، به‌تدریج سخنان وی در محافل سیاسی و رسانه‌ها حساسیت بیشتری برمی‌انگیخت و توجه بیشتری به خود جلب می‌کرد. بیستم بهمن ماه، خاتمی که پیش از آن از قطعی شدن حضور خودش یا موسوی سخن گفته بود، از راضی کردن موسوی برای حضور ناامید شد و تحت فشار شدید نزدیکان و هوادارانش، اعلام کاندیداتوری کرد.

با کاندیداتوری خاتمی، نگاه‌ها برای مدتی از موسوی به سوی خاتمی معطوف شد و رئیس‌جمهور سابق با تجهیز ستاد انتخاباتی خود، به برنامه‌ریزی سفرهای استانی و فعالیت‌های تبلیغاتی مشغول شد اما از اواسط دی ماه موسوی با انتقادهای تندوتیز از دولت، مجدداً توجه‌ها را جلب کرد.

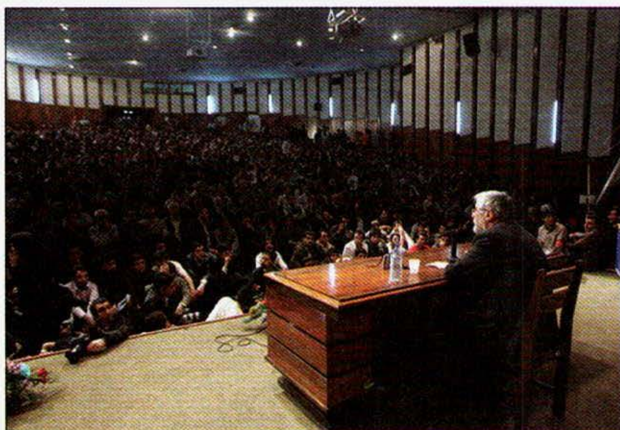
در این دوره، به دلایل مختلف و از سوی گروه‌های متمایز، از سخنان و حضور موسوی در صحنه استقبال می‌شد؛ اصول‌گرایانی که نگران برنده شدن خاتمی و افتادن مجدد دولت به دست تندروهای حزب مشارکت و سازمان مجاهدین بودند و دیگر، اصلاح‌طلبانی که به دلایل مختلف از خاتمی چندان دل‌خوشی نداشتند و گفتمان «مستضعف گراتر» موسوی به کامشان شیرین‌تر بود، نظیر خانه‌کارگر و حزب مردمسالاری.



دیدار جمعی از جوانان و دانشجویان با موسوی در فرهنگستان هنر، ۱۰ اسفند۸۷

در میانه اسفندماه، تحرکات سیاسی موسوی ریتم سریع‌تری پیدا کرد. روز دهم اسفند موسوی تعدادی از دانشجویان نخبه را به دفتر کار خود دعوت کرد و با آنها درباره مسائل جاری روز به گفت‌وگو پرداخت. روز دوازدهم اسفند وزارت ارشاد مجوز انتشار روزنامه «کلمه سبز» به صاحب امتیازی میرحسین موسوی را صادر کرد. در همین روزها، سایت‌های خبری کلمه و قلم وابسته به میرحسین موسوی افتتاح و فعال شدند. سیزدهم اسفندماه موسوی برای اولین بار بعد از ۲۰سال به عنوان سخنران در یک تجمع دانشجویی شرکت کرد و

درشصت‌وششمین‌سالگرد تاسیس انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران، دولت احمدی‌نژاد را به باد انتقاد گرفت (ایسنا، ۱۳اسفند). دو روز بعد برای کنگره خانه‌کارگر پیام فرستاد (ایلنا، ۱۵ اسفند).



موسوی برای اولین بار بعد از ۲۰سال به عنوان سخنران در یک تجمع دانشجویی شرکت کرد
دانشگاه تهران، ۱۳ اسفند۸۷

اطرافیان و مسوولان ستاد خاتمی، این رفتار موسوی را گرم‌کردن فضا تلقی می‌کردند و اطمینان می‌دادند، خاتمی تا آخر در صحنه خواهد ماند. محافل اصول‌گرا هم تصور می‌کردند خاتمی نامزد نهایی اصلاح‌طلبان است و موسوی مانند ۲۰سال گذشته به درخواست‌ها برای کاندیداتوری پاسخ منفی داده است، ضمن اینکه بیان خاتمی هم درباره اینکه نتوانست موسوی را به کاندیداتوری راضی کند و براساس قول «یا من یا موسوی»، ناچار به حضور شده، صادقانه به‌نظر می‌رسید. در این ایام در محافل اصول‌گرا شایع بود که موسوی قصد نامزدی ندارد اما می‌خواهد انتقادات خود را با جامعه درمیان بگذارد.

بیستم اسفندماه، موسوی با انتشار بیانیه غیرمنتظره‌ای، رسماً حضور خود را در انتخابات آتی اعلام کرد. بیانیه موسوی با ادبیاتی شورانگیز، به‌شدت از نحوه

مدیریت کشور انتقاد می‌کرد و علائمی قوی و صریح از ادبیات اصول‌گرایانه و متمایل به امام (ره) داشت و حتی تاکید می‌کرد عکس مرا چاپ نکنید. بیانیه اعلام حضور موسوی، نه اشاره‌ای به حضور کروبی داشت نه خاتمی. (متن کامل این بیانیه در ضمایم کتاب ارائه شده است) در آن روز خاتمی تازه از سفر انتخاباتی به فارس و بوشهر بازگشته بود و خود را برای شرکت در همایش «ستاد جوانان حامی خاتمی» آماده می کرد.

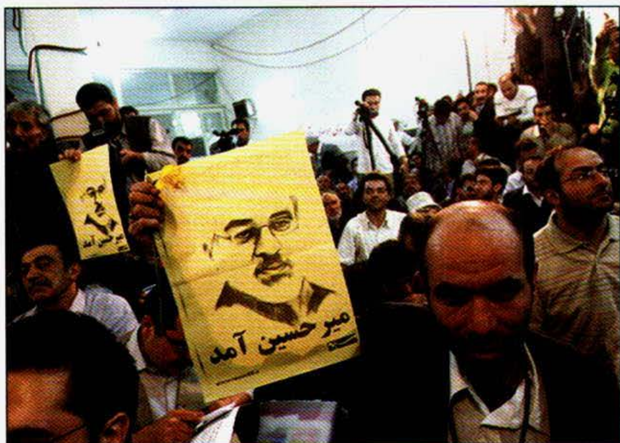
بیانیه کاندیداتوری موسوی، ستاد خاتمی را تا چند روز بهت زده کرد. عارف، رئیس ستاد خاتمی گفت: «خاتمی تا آخرین لحظه در عرصه انتخابات حضور خواهد داشت و اگر قرار بود به هر دلیلی کناره‌گیری کند، هرگز وارد عرصه انتخابات نمی‌شد.» (فارس، ۲۲اسفند) طباطبایی، از نزدیکان خاتمی هم گفت: «خاتمی اگر قرار بر نیامدن داشت، نمی‌آمد و حالا که آمده نیز جایی نمی‌رود.» (فارس، ۲۲اسفند) اما کنار رفتن خاتمی به یک هفته هم نرسید. ۲۶ اسفندماه خاتمی با انتشار بیانیه‌ای نجیبانه، رسماً از نامزدی کناره‌گیری و اعلام کرد: «به حکم اخلاق کنار می‌کشم. موسوی مدیری شایسته است. » (خبرگزاری‌ها، ۲۶اسفند)

فردای آن روز، میرحسین موسوی در پیامی به خاتمی از وی دلجویی کرد و خاتمی پاسخ داد: «آمادگی شما برای حضور در عرصه انتخابات را مبارک می‌دانم. » (خبرگزاری‌ها، ۲۸اسفند) همان روز خاتمی در دیدار با تعدادی از روزنامه‌نگاران از نقض عهد موسوی گلایه کرد (تابناک، ۲۸ اسفند) و برای شرکت در یک همایش به استرالیا رفت.

حضور موسوی، اردوگاه اصلاح‌طلبان را خیلی سریع منسجم کرد چراکه بالاخره تکلیف روشن شده بود و اصلاح‌طلبان از خاتمی مردد و کمرو راحت شدند و به چهره‌ای مصمم دل بستند که با توپ پر به میان آمده و با شدیدترین الفاظ به دولت حمله می‌کرد. در ابتدای راه، دو مشکل اساسی وجود داشت: سابقه دولتی‌گرایی موسوی در اقتصاد -که با حال و هوای کاپیتالیستی اواخر دهه ۸۰

جور در نمی‌آمد- و دیگر، ناشناخته بودن موسوی برای نسل جوان. مشکل دوم را شخص خاتمی با در اختیار قراردادن همه ستادها و توان و اعتبارش در خدمت میرحسین حل کرد. مشکل اول را هم اصلاح‌طلبان سعی کردند با مصاحبه‌ها و سخنرانی های متعدد حل کنند: «دیدگاه‌های اقتصادی موسوی با دیدگاه‌های وی در زمان جنگ متفاوت است.» این جمله ترجیع‌بند همه مصاحبه‌ها و سخنرانی های اصلاح‌طلبان در این روزها بود. حتی علیرضا محجوب در ۱۵ بهمن از احتمال آمدن موسوی چنان ذوق‌زده شده بود که گفت: «خصوصی‌سازی در دولت موسوی بیشتر از دولت‌های دیگر بود» (ایلنا، ۱۵ بهمن)

۲۵ بهمن موسوی برای اولین بار پس از اعلام کاندیداتوری در یک تجمع عمومی حضور یافت و در شب میلاد پیامبر اعظم(ص) در حسینیه حجت نازی‌آباد سخنرانی کرد. محتوا و ادبیات سخنرانی موسوی چنان انقلابی و اصول‌گرایانه بود که حاضران، او را فردی کاملاً اصول‌گرا ارزیابی می‌کردند (گفت‌وگوی نویسنده با حاضران در مراسم حسینیه حجت، ۲۵ اسفند ۱۳۸۷)



اولین سخنرانی عمومی موسوی پس از اعلام کاندیداتوری
شب میلاد پیامبر(ص)، ۲۵ اسفند ۸۷، حسینیه حجت نازی‌آباد در جنوب تهران

موسوی اوایل کار با وضوح بیشتری از ادبیات و رویکردهای اصول گرایانه و خط امامی استفاده می کرد. این وضوح چنان بود که باعث شد یکی از اصول گرایان مجلس با خوشحالی بگوید: «حضور میرحسین در انتخابات برای اصول گرایان یک بازی برد ـ برد است» (خبرگزاری مهر، ۲۱اسفند) حتی شنیده شد که بهزاد نبوی عضو کهنه کار سازمان مجاهدین انقلاب نسبت به حمایت از موسوی مردد شده است. (آفتاب نیوز، ۱۲اردیبهشت) موسوی در سخنرانی‌هایش کمتر حرف اثباتی و ایجابی می‌زد و بیشتر محتوای صحبت‌هایش به انتقاد از وضع موجود و عملکرد دولت اختصاص داشت اما از همان اندک جملات اثباتی‌اش هم می‌شد فهمید که برخلاف دوستانش هنوز نسبت به غرب بدبین است و از اقتصاد لیبرالیستی بیزاری می جوید.



روزی که موسوی در جمع مردم نازی آباد، اولین سخنرانی انتخاباتی اش را ایراد می کرد، احمدی نژاد مشغول نگارش نامه ای به شدت انتقاد آمیز درباره مصوبات مجلس به لاریجانی بود

اواخر اسفند که موسوی با شدت، عملکرد چندساله اصول گرایان را زیر سوال می‌برد، اصول‌گرایان که هم مجلس و هم دولت را در اختیار داشتند، مشغول مجادله‌ای شدید درباره لایحه بودجه ۸۸ بودند. احمدی‌نژاد طبق معمول از

مجلس انتظار داشت دست او را در هزینه کردن‌ها کاملا و فراتر از رویه‌های جاری باز بگذارد اما مجلس اصرار داشت بودجه را در چارچوب قانون اساسی تصویب کند. روزی که موسوی در جمع مردم نازی‌آباد اولین سخنرانی انتخاباتی‌اش را ایراد می‌کرد، احمدی‌نژاد مشغول نگارش نامه‌ای به‌شدت انتقادآمیز تحت عنوان «اخطار قانون اساسی» به رئیس مجلس بود. فردای آن روز علی لاریجانی در جواب نامه رئیس‌جمهور با رد انتقادهای وی نوشت: «نامه شما اقدامی ندارد.» (خبرگزاری‌ها، ۲۶اسفند ۸۷)

سال ۱۳۸۷ در شرایطی به پایان می‌رسید که اردوگاه اصلاح‌طلبان شاهد امید و تحرک و اردوگاه اصول‌گرایان، شاهد دعوای داخلی و سردرگمی هواداران بود.

فصل ۸

فروردین ۸۸، مشارکت حداکثری

سال سرنوشت‌ساز ۸۸ با دعوت رهبر انقلاب به «اصلاح الگوی مصرف» به همین عنوان نامیده شد. در اولین جلسه دولت در سال جدید احمدی‌نژاد به برخی وزرا دستور داد به طور ضربتی برای اصلاح الگوی مصرف اقدام کنند و برنامه بیاورند. رهبر انقلاب اندکی بعد توضیح دادند که اصلاح الگوی مصرف کار ضربتی نیست و امسال سال آغاز اصلاح الگوی مصرف است.

خبر سیاسی خاص نوروز ۸۸، پیام تبریک اوباما به مردم و رهبران ایران بود که در آن با لحنی تملق‌آمیز از فرهنگ ایران تقدیر و به رهبران ایران هشدار می‌داد در مقابل درخواست آمریکا و به تعبیر وی «جامعه جهانی» ایستادگی نکنند. پاسخ رهبر انقلاب سریع و صریح بود که در جمع زائران در آستان قدس رضوی در اول فروردین بیان شد: «ملت ایران را نه می‌شود فریب داد و نه تهدید کرد.» (سایت رهبری، اول فروردین ۱۳۸۸)

در این سخنرانی مهم، رهبر انقلاب مطالب مهمی هم درباره انتخابات پیش‌رو بیان کردند که محورهای اصلی آن چنین بود:

۱- انتخابات ریاست‌جمهوری سرنوشت کشور را تعیین می‌کند و هر رایی از مردم اهمیت دارد و مانند سرمایه‌گذاری است.

۲- خطاب به نامزدها: انتخابات ابزار قدرت‌طلبی نیست بلکه وسیله‌ای است برای بالابردن توان کشور. مبادا نامزدها رفتاری بکنند یا حرفی بزنند که دشمن به طمع بیفتد. میدان برای همه باز است. بیایند خود را به مردم عرضه کنند. اختیار با مردم است. مردم هر جوری که فهمیدند، رای می‌دهند.

۳- به مسوولان انتخابات سفارش می‌کنم انتخاباتی پرشور، سالم و با امانت کامل برگزار کنند. دست همه نامزدها باز باشد و مردم آزادانه بتوانند انتخاب کنند.

٤- درباره موضع رهبری، شایعه و گمانه‌زنی همیشه بوده و خواهد بود. من یک رای دارم و آن‌را به هیچ‌کس نخواهم گفت و نخواهم گفت به کی رای بدهید، به کی رای ندهید. این تشخیص خود مردم است. بنده گاهی از دولت دفاع یا حمایت می‌کنم. بعضی سعی می‌کنند برای این کار معنای نادرستی جعل و ابداع کنند. من همیشه از دولت‌ها دفاع می‌کنم ولی اگر دولتی بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت و احساس کردم حملات غیرمنصفانه‌ای می‌شود، بیشتر دفاع می‌کنم. این مربوط به اعلام موضع انتخاباتی نیست.

رهبر انقلاب تا روز انتخابات ۱۳ مرتبه دیگر در اجتماعات عمومی مردمی یا قشرهای خاصی از مردم سخنرانی کردند که در اغلب آنها به موضوع انتخابات هم می‌پرداختند که در مجموع آنها سه مساله برجسته‌تر بود: ضرورت «مشارکت حداکثری» در انتخابات پیش‌رو، «شاخصه‌ها»ی مناسب برای رئیس‌جمهور و پرهیز از منازعه و درگیری نامزدها و طرفداران آنها. مطبوعات و سایت‌ها هم بسته به جهت‌گیری سیاسی خود، بخش‌هایی از بیانات رهبر انقلاب را منعکس و تیتر می‌کردند.

فروردین ماه ۸۸، علاوه بر پیام و سخنرانی مهم رهبر انقلاب، شاهد تحولات دیگری هم بود. در تعطیلات نوروز ۸۸ از میان برنامه‌های تلویزیون، سریال مرد دو هزار چهره مهران مدیری و کلاه قرمزی بیشتر جلب توجه کرد

که البته سیاسی نبود اما در بهار ۸۸، دنیای فیلم و سریال شاهد دو مورد خاص بود که هر دو در تبلیغات انتخاباتی ۸۸ دستمایه طنز و کاریکاتورهای انتخاباتی و البته تخریبی شد:

فیلم سینمایی اخراجی‌های ۲ (مسعود ده‌نمکی) که رکورد غیرقابل تصور و بی‌سابقه‌ای از فروش در اکران به‌جا گذاشت و سریال یوسف پیامبر (فرج‌الله سلحشور). از آنجا که سلحشور به احمدی‌نژاد تمایل نشان داده بود، محافل اصلاح‌طلب ، صحنه‌های سفرهای یوزارسیف را تبلیغی برای سفرهای استانی احمدی‌نژاد قلمداد می‌کردند. طرف مقابل هم البته بیکار نبود و چهره‌های اصلی اصلاح‌طلب و حامیان‌شان را با «کاهنان معبد آمون» مشابهت می‌داد که دستشان توسط یوزارسیف از اموال عمومی کوتاه شده بود. نام فیلم «اخراجی‌ها» هم توسط هواداران دو طرف برای تخریب رقیب استفاده شد و هریک دیگری را اخراجی‌های سال ۸۸ می‌نامید.



تصویر برخی شخصیت‌های سیاسی که از سوی مخالفان با نام «اخراجی‌ها» درحال نصب است

اواسط فروردین ماه، ارائه گزارش دیوان محاسبات به مجلس از تفریغ بودجه ۸۶ و انعکاس اغراق‌آمیز بخش‌هایی از این گزارش، رسانه‌ها و محافل سیاسی را به خود مشغول کرد و دستاویز بزرگی به موسوی و کروبی برای حمله به احمدی‌نژاد داد:

یک میلیارد دلار چه شد؟

سه میلیارد دلار چه شد؟

۲۷۰ میلیارد دلار چه شد؟

این جملات با برداشت‌هایی تحریف شده از گزارش دیوان محاسبات ، تا روز انتخابات بارها توسط شخص موسوی و کروبی و هوادارانشان تکرار شد. جالب اینکه محسن رضایی که از این دو نامزد به مسائل اقتصادی روز مسلط تر بود، این جملات را به‌کار نمی‌برد و انتقادهایی دقیق‌تر و واقعی‌تر از دولت مطرح می‌کرد.

در جلسه علنی ۲۳ فروردین، گزارش دیوان محاسبات با حمایت لاریجانی در صحن علنی مجلس قرائت شد. در روزهای بعد، رسانه‌های موافق و مخالف دولت، اخباری ضد و نقیض از ناقص یا کامل‌بودن گزارش دیوان منتشر کردند. در میان این بگو مگوها برخی اصول‌گراهای مخالف احمدی‌نژاد هنوز امید داشتند افرادی مثل ولایتی یا ناطق را به صحنه بکشند. روزهای پایانی فروردین ماه در شرایطی که احزاب و تشکل‌های اصلی اصول‌گرا به‌تدریج به حمایت از احمدی‌نژاد رضایت می‌دادند، علی مطهری گفت «ولایتی برای انتخابات پاسخ منفی نداده است.» (ایلنا، ۲۹فروردین) این جمله توجه کسی را جلب نکرد چراکه همه می‌دانستند شخصیت با وقاری مثل ولایتی مرد این میدان نیست. البته نظرسنجی‌های آن روزها هم نشان می‌داد که افرادی مانند ولایتی یا لاریجانی، شانسی هم برای رای آوردن ندارند. تنها نامزد اصول‌گرا که وضع نسبتا بهتری داشت، قالیباف بود که با وجود تدارکات نسبتا وسیع، ریسک نکرد و همان فروردین ماه انصراف داد.

۲۲ فروردین ماه حسین شریعتمداری در سرمقاله‌ای توفانی از تلاش برخی مقامات قوه قضاییه برای آزادی شهرام جزایری خبر داد و برخی مسوولان آن‌را متهم به تطمیع و سستی در مبارزه با فساد کرد. به نوشته کیهان، رئیسی معاون اول قوه قضاییه در آخرین لحظات و با مسوولیت خود جلوی آزادی شهرام جزایری

را گرفته و او را به زندان بازگردانده است. (کیهان، ۲۲ فروردین)

اولین ماه سال تاریخی ۸۸در شرایطی به پایان رسید که میرحسین موسوی در نظرسنجی‌های سراسری به تدریج بالا می‌آمد اما همچنان احمدی‌نژاد با فاصله قابل ملاحظه‌ای اول بود.

نظرسنجی کشوری (مراکز استان‌ها) ایسپا

	احمدی‌نژاد	خاتمی	موسوی	قالیباف	لاریجانی	کروبی	رضایی
نیمه اسفند ۸۷	٤٤/٥	٢٠/٥	٨/٢	٦/٣	١	١	٠
٢٠ و ٢١ فروردین ۸۸	٤٦/٩	-	١٥/٧	١٢/٩	٤/٤	١/٤	٠/٩

نظرسنجی انتخابات مرکز تحقیقات صدا و سیما (جام جم آنلاین، ۲۷خرداد)

	احمدی نژاد	رضایی	کروبی	موسوی
۲۳ فروردین۸۸، شهر تهران	٤٦/٨	٢/٧	٢/٥	٢١/٩
۲۳ فروردین۸۸، سراسری	٥٢/٨	١/٦	٢/٦	١٨/٧
۳۰ فروردین۸۸، شهر تهران	٤٠/٢	١/٤	٣/٧	٢٦/٨
۳۰ فروردین۸۸، سراسری	٥٦/٢	١/٦	٢	١٨/٤

نتایج نظرسنجی‌های مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) که از سوی ریاست این مرکز در اختیار نویسنده کتاب قرار گرفته و نتایج نظرسنجی‌های مرکز افکارسنجی صداوسیما (منتشرشده در روزنامه جام‌جم در ۲۷خرداد۱۳۸۸) درباره انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، در ضمائم پایان کتاب ارائه شده است.

در آخرین روز فروردین ماه و در حالی که موسوی و کروبی سرگرم سفرهای انتخاباتی بودند و روزانه در چندین جلسه سخنرانی و مصاحبه داشتند، احمدی‌نژاد برای سخنرانی در اجلاس ضد نژادپرستی سازمان‌های غیردولتی (دوربان۲) به ژنو رفت و به عنوان تنها رئیس جمهور و اولین سخنران، مثل همیشه همه توجه‌ها را به خود جلب کرد. ابتدای سخنرانی احمدی‌نژاد، یک جوان طرفدار صهیونیسم

به‌طرف تریبون رفت و جسمی قرمز رنگ به‌طرف وی پرتاب کرد و بلافاصله از سوی پلیس دستگیر شد. بعدها موسوی و کروبی در مناظره‌های تلویزیونی نیمه خرداد ماه با احمدی نژاد، این موضوع را وهن رئیس جمهور ایران دانستند و دستمایه انتقاد از سیاست خارجی دولت وی قرار دادند. سخنرانی ضد صهیونیستی احمدی‌نژاد با استقبال گرم شرکت‌کنندگان که اغلب جهان سومی بودند روبه‌رو شد و چنان تاثیرگذار بود که رسانه‌های غربی به کنایه گفتند رئیس‌جمهور ایران به تنهایی اجلاس «ضد نژاد پرستی» ژنو را به اجلاس «ضد اسرائیلی» تبدیل کرد.



کاریکاتور هفته نامه تایم، آوریل ۲۰۰۹

پراقبال‌ترین نامزد ریاست‌جمهوری ۸۸ طبق نظرسنجی‌ها، آخرین ماه قبل از شروع تبلیغات رسمی، انتخابات را با یک حرکت رسانه‌ای پرسروصدا در خارج از مرزها آغاز کرد.

فصل ۹

اردیبهشت ۸۸، حال و هوای احمدی‌نژاد

با وجودی که احمدی‌نژاد تبلیغات انتخاباتی‌اش را دیرتر از کروبی و موسوی شروع کرد اما در طول ٤ سال گذشته آنقدر کار تبلیغاتی رسانه‌ای کرده بود که با خیالی راحت منتظر روز ۲۲ خرداد باشد. او حتی اعلام کرد ستادی نخواهد داشت و پولی بابت این کار ندارد . (ایلنا، ۹خرداد به نقل از وبلاگ محمود احمدی نژاد).

احمدی‌نژاد بیشتر از هر رئیس‌جمهور دیگری بعد از انقلاب احتمالا بیشتر از هر رئیس دولتی در تاریخ ایران، طی ٤ سال به اقصی نقاط ایران سفر و با مردم از نزدیک ملاقات و گفت‌وگو کرده بود.

احمدی‌نژاد فروردین و اردیبهشت ماه ۸۸هم سفرهای استانی‌اش را ادامه داد و به اصفهان، کرمان، شهرستان‌های استان تهران، فارس، قزوین و سمنان سفر کرد و تعداد سفرهای استانی را به ٦۰ سفر با دو دور کامل سرکشی از همه استان‌ها و یک‌بار سرکشی شخصی به همه شهرستان‌ها به پایان برد. در سفرهای استانی دولت طی زمستان و بهار منتهی به انتخابات، تعداد مستقبلین از احمدی‌نژاد در رسانه‌ها و محافل سیاسی بحث‌انگیز می‌شد به‌ویژه استقبال بسیار پرجمعیت مردم یزد از رئیس‌جمهور ، خیره‌کننده بود چرا که رسانه‌های اصلاح‌طلب ، یزد

را خاستگاه اصلاح‌طلبان معرفی می‌کردند. یک نویسنده اصلاح‌طلب در سایت یاری نیوز (پویش دعوت از خاتمی)، انبوه جمعیت استقبال کننده از احمدی‌نژاد در یزد را الشکر قابلمه به دستان نامید که از سر گرسنگی برای خوردن صبحانه و ناهار و شام به استقبال احمدی‌نژاد آمده بودند (یاری نیوز، ۲۷بهمن ۸۷)



استقبال مردمی از سفرهای استانی دولت تا آخرین ماه‌های دولت نهم بسیار خوب بود
احمدی نژاد در سفر استانی یزد، ۱۱بهمن ۸۷

اخبار صداوسیما سفرهای استانی را نسبتا وسیع منعکس می‌کرد و طول جمعیت استقبال‌کننده از احمدی‌نژاد و پیمودن چند ساعته مسیری کوتاه توسط کاروان رئیس‌جمهور به دلیل ازدحام مستقبلین را به تصویر می‌کشید.

واکنش اصلاح‌طلبان به سفرهای استانی، انفعالی بود و معمولا این سفرها را پرهزینه و بی‌فایده ارزیابی می‌کردند. البته بسیاری از وعده‌های احمدی‌نژاد در سخنرانی‌هایش در استان‌ها و نیز مصوبات این سفرها خارج از چارچوب بودجه بود و منابع آن در لایحه بودجه سال آینده لحاظ می‌شد یا از محل ردیف‌های خاص یا منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران تامین مالی می‌شد. اغلب نماینده‌ها و حتی نمایندگان اقلیت و اصلاح‌طلب، از تصویب طرح‌های عمرانی گسترده

در سفرهای استانی احمدی‌نژاد حمایت می‌کردند. آن معدودی هم که این روش را مخالف قانون بودجه و انضباط مالی دولت می‌دانستند، جرات مخالفت علنی با این مصوبات را نداشتند چرا که وعده‌های استانی احمدی‌نژاد معمولا در تجمعات عمومی و با شور و حرارت بالایی بیان می‌شد و با هورا و تشویق جمعیت همراه بود.

تداوم سفرهای استانی دولت در اردیبهشت ماه، اعتراض اصلاح‌طلبان را برانگیخت؛ حتی شایع شد شورای نگهبان در این باره به دولت تذکر داده است (آینده، ۲۱ اردیبهشت) اما رئیس دفتر رئیس‌جمهور این خبر را تکذیب کرد. (فارس، ۲۲ اردیبهشت) آیت‌الله کعبی عضو شورای نگهبان نیز گفت: «سفرهای استانی رئیس‌جمهور تخلف انتخاباتی محسوب نمی‌شود و طبق قانون، افراد در معرض کاندیداتوری که دارای مسوولیت رسمی هستند، می‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند.» (فارس، ۳۰ فروردین)

اردیبهشت ماه، ٤ سفر پی‌درپی استانی حسابی صدای اصلاح طلبان را درآورد. آنها این تعداد سفر استانی احمدی‌نژاد را غیرعادی می‌دانستند اما مروری بر تعداد سفرهای استانی در ٤سال گذشته نشان می‌داد در بهار ۸۸ سفرهای استانی دولت از نظر تعداد غیرعادی نبوده است.

پراکندگی ٦۲ سفر استانی در اولین دولت محمود احمدی‌نژاد

	۱۳۸٤	۱۳۸۵	۱۳۸٦	۱۳۸۷	۱۳۸۸
بهار	-	۱/٦ کهگیلویه و بویر احمد ۱/۲۱ خراسان رضوی ۲/۵ زنجان ۲/۲۷ مرکزی ۳/۱۸ قزوین ۳/۳۱ همدان	۱/۲۷ فارس ۲/۱۲ کرمان ۳/۳ اصفهان ۳/۲۲ سمنان **(آخرین سفر دور اول)**	۱/۲۱ خراسان رضوی ۱/۲۸ قم ۲/٤ همدان ۲/۲۵ گلستان ۳/۳۲ چهارمحال‌وبختیاری	۱/۱۹ اصفهان ۱/۲۷ کرمان ۲/۳ تهران ۲/۹ فارس ۲/۱٦ قزوین ۲/۳۰ سمنان
تابستان	٦/۳ خراسان رضوی	٤/۲۰ آذربایجان شرقی ۵/۱۰ خراسان شمالی ۵/۲٤ اردبیل ٦/۹ آذربایجان غربی		۵/۲ کهگیلویه و بویر احمد ٦/۲ مرکزی	
پاییز	۸/۱۹ خراسان جنوبی ۹/۹ ایلام ۹/۲۳ سیستان و بلوچستان	۸/۷ تهران ۸/۲٤ کردستان ۹/۱۵ مازندران ۹/۲۸ کرمانشاه	**(آغاز دور دوم)** ۸/۱٦ خراسان جنوبی ۸/۳۰ اردبیل ۹/۱٤ ایلام	۷/۱۷ خراسان شمالی ۷/۲٤ گیلان ۸/۸ لرستان ۸/۲۲ مازندران ۸/۳۰ زنجان ۹/۱۳ آذربایجان شرقی ۹/۲۸ خوزستان	-
زمستان	۱۰/۱۵ قم ۱۰/۲۱ هرمزگان ۱۱/۱۲ بوشهر ۱۲/۳ چهارمحال‌وبختیاری ۱۲/۱۷ لرستان ۱۲/۲۳ گلستان	۱۰/۱۲ خوزستان ۱۲/۱ گیلان ۱۲/۲۳ یزد	۱۱/۱۰ بوشهر ۱۲/۱۱ هرمزگان	۱۰/۸ سیستان و بلوچستان ۱۱/۱۰ کرمانشاه ۱۱/۳۰ یزد ۱۲/۱٤ آذربایجان غربی ۱۲/۲٦ کردستان	

خود احمدی نژاد هم با اعتماد به‌نفس خاص گفت: «مدعیان حتی نتوانستند یک تصمیم در سفرهای استانی را از نظر کارشناسی زیر سوال ببرند» (فارس، ۲۳اردیبهشت)

انتقادها فقط به قانونی بودن بودجه مصوبات نبود. برخی اصلاح‌طلبان دولت را متهم می‌کردند که برای افزایش مستقبلین از احمدی‌نژاد در سفرهای استانی از ادارات دولتی هزینه صرف می‌کنند. حتی نامه‌ای از فرمانداری فیروزآباد به

استانداری فارس در اینترنت منتشر شد که وزارت کشور آن‌را تکذیب نکرد (الف، ۲۱ تیر ۸۸)

وزارت کشور
استانداری فارس
فرمانداری شهرستان فیروزآباد

بسمه تعالی

شماره [illegible]
تاریخ [illegible]
پیوست

جناب آقای مهندس رضا زاده
استاندار محترم و محبوب استان فارس
موضوع: هزینه اعزام مستقبلین سفر ریاست محترم جمهوری

سلام علیکم
احتراماً همانگونه که مستحضرید چند روز گذشته استان سرافراز و شهید پرور فارس شاهد خلق حماسه و شکوهی وصف ناپذیر در استقبال از ریاست محترم محبوب و مکتبی جمهوری اسلامی ایران بود که بحمدالله بدرایت و تلاشهای خالصانه و مدبرانه حضرتعالی و همکاران شریف و سایر دستگاه های ذیربط به بهترین نحو ممکن به منصه ظهور نشست که یقیناً در خلق این حماسه غرور آفرین و بیاد ماندنی نقش شهرستانها بی تاثیر نبوده و شهرستان فیروزآباد نیز در حد توان و بضاعت خود علی رغم برخی کمبودها قریب ۲۵۰۰ نفر از مشتاقان دیدار ایشان را با ایجاد بستر مناسب ضمن ساماندهی و برنامه ریزی با همکاری و تعامل دستگاه های شهرستان به مرکز استان اعزام و بحمدالله علی رغم ازدحام جمعیت و ترافیک موجود ایاب وذهاب این عزیزان بدون هیچ گونه خطر جانی و مالی و رضایتمندی ایشان انجام گرفت که این موضوع خود مؤید عشق و علاقه مردم قدرشناس به خادمان خود بوده و خواهد بود.

ضمناً در جریان این سفر پر خیر و برکت با وجود برخی مشکلات مالی تعداد ۴۰ دستگاه اتوبوس ویژه و ۱۰ دستگاه مینی بوس و تعدادی خودرو سبک پشتیبان با نیروهای کار آمد و متخصص این عزیزان را همراهی که هزینه ای بالغ بر ۱۶۰۰۰۰۰۰۰ ۱۶۰ میلیون ریال در بر داشته و عن قریب می بایست مطالبات افراد پرداخت گردد در حالیکه با مضایق مالی فرمانداری و سایر دستگاه های شهرستان با توجه به محدودیت اعتباری امکان پرداخت آن مقدور نبوده و جای بسی امیدواری است که این مشکل مالی بدست توانمند و با کفایت حضرت عالی که به اوضاع مالی اشرافیت کامل دارید حل و فصل و نگرانی فرمانداریها از این بابت مرتفع شود.
لذا از محضر آن بزرگوار استدعا دارد بطریق صلاحدید نسبت به تامین و پرداخت هزینه های مورد اشاره دستور به مساعدت صادر و نتیجه امر به ابلاغ فرمایند.

[illegible]
فرماندار شهرستان فیروزآباد

رونوشت:
معاونت محترم سیاسی، امنیتی و توسعه منابع انسانی استانداری جهت استحضار و دستور مساعدت لازم
مدیر کل محترم سیاسی و انتظامی استانداری جهت استحضار
امور اداری و مالی فرمانداری جهت اطلاع و پی گیری.

عکس: نامه فرماندار فیروزآباد فارس به استاندار برای تامین هزینه مستقبلین از رئیس‌جمهور در سفر استانی هیات دولت به استان فارس، اردیبهشت ۸۸

هفته اول اردیبهشت ماه تشکل‌های اصلی اصول‌گرا سرانجام تردید را کنار گذاشتند و یکی یکی از احمدی‌نژاد حمایت می‌کردند. شخص احمدی‌نژاد

نسبت به این حمایت‌ها بی‌تفاوت بود ، کما اینکه قبلا هم به نوعی از فعالیت احزاب بیزاری جسته بود. همان‌روزها دولت حرکت دیگری کرد که گلایه و دلخوری اصول‌گراها و علما و مراجع را تازه و تشدید کرد.

چهارم اردیبهشت ماه هیات دولت تصویب کرد که سازمان حج‌وزیارت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به سازمان گردشگری و میراث فرهنگی انتقال یابد. اسفندیار رحیم‌مشایی هم بلافاصله یکی از مدیران معتمد خود به‌نام علی لیایی را به سرپرستی سازمان حج‌وزیارت منصوب کرد.

آیت‌الله ری‌شهری از این تصمیم دولت به شدت انتقاد کرد و به تدریج صدای اعتراض مراجع هم بلند شد و موضع گیری کردند. (فارس، ۷اردیبهشت) مشایی و دولت موضوع را تمام شده دانستند و شایع شد آیت‌الله ری‌شهری از نمایندگی ولی‌فقیه و سرپرستی حجاج ایرانی و بعثه مقام معظم رهبری استعفا داده است.

فشار مراجع و رسانه‌های اصول‌گرا درباره این تصمیم مشایی بر دولت بیشتر شد اما دولت کوتاه نمی‌آمد. سرانجام رهبر انقلاب وارد شدند و با حکمی حکومتی که از رسانه‌ها خوانده شد، به احمدی‌نژاد دستور دادند مصوبه انتقال سازمان حج و زیارت به معاونت گردشگری رئیس‌جمهور منتفی شود.

دوازدهم اردیبهشت و در پی تشکیل دیرهنگام ستاد انتخاباتی احمدی‌نژاد، اولین نشست خبری مسوولان «ستادهای هماهنگی کمک‌های مردمی به احمدی‌نژاد» به ریاست هاشمی ثمره، مشاور ارشد وی که به خاطر فعالیت‌های انتخاباتی استعفا داده بود با حضور دو نماینده تهران (زارعی و رسایی) از فراکسیون رایحه خوش‌خدمت- که به انقلاب اسلامی تغییر نام یافته بود- تشکیل شد.

پنجم اردیبهشت، دولت لایحه‌ای دو فوریتی را برای اصلاح قانون انتخابات ریاست‌جمهوری و کاهش سن رای‌دهنده‌ها به ۱۵ سال به مجلس فرستاد. وزیر کشور هم برای رای‌گیری از ۱۵ ساله‌ها اعلام آمادگی کرد. (فارس، ۵اردیبهشت)

الهام سخنگوی دولت هم گفت: «عدم کاهش سن رای‌دهنده‌ها، بلوغ سیاسی را به تاخیر می‌اندازد.» (خبرگزاری مهر، ۵ اردیبهشت) اما مجلس در حضور ۲۰۰ نماینده اصول‌گرا، با اکثریت قاطعی لایحه دولت را رد کرد.

سیزدهم اردیبهشت ماه کروبی و موسوی پس از نشستی مشترک، به آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان نامه نوشتند و خواستار صیانت از آرا شدند. (خبرگزاری‌ها، ۱۳اردیبهشت) بعدها برخی اصول‌گرایان ادعا کردند که در دیدار موسوی و کروبی برای تشکیل کمیته صیانت از آرا، آقایان هاشمی‌رفسنجانی، خاتمی و موسوی خوئینی‌ها هم شرکت داشته‌اند. (روزنامه ایران، ۸ بهمن ۸۸) واکنش دولت و شورای نگهبان به تشکیل کمیته صیانت از آرا بیشتر انفعالی و انتقادی بود. کروبی و موسوی و اصلاح‌طلبان هم از موضوع کمیته صیانت از آرا بیشتر استفاده تبلیغاتی و مظلوم نمایی می‌کردند تا عملیات واقعی برای صیانت از آرا. بعدها وزارت کشور اعلام کرد ستادهای این دو نامزد حتی برای همه ٤٨ هزار صندوق اخذ رای نماینده ناظر معرفی نکردند و مدارک نمایندگان‌شان را هم دیرتر از مهلت قانونی و گاهی ناقص تحویل فرمانداری‌ها دادند. (پاسخ وزارت کشور به نامه موسوی به شورای نگهبان، ۳۰خرداد۱۳۸۸) در این زمان، نگرانی از سلامت انتخابات و پیشگویی درباره تقلب در انتخابات، ترجیع‌بند سخنان برخی اصلاح‌طلبان بود. درباره القای شبهه تقلب در انتخابات، رهبر انقلاب در حرم رضوی گفتند: «من می‌بینم بعضی‌ها در ا نتخاباتی که دو سه‌ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده‌اند به خدشه کردن، این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟ این همه انتخابات در طول این سی سال انجام گرفته ــ در حدود سی انتخابات ــ مسوولان وقت در هر دوره‌ای رسما متعهد شده‌اند و صحت انتخابات را تضمین کرده‌اند و انتخابات صحیح بوده است؛ چرا بیخود خدشه می‌کنند، مردم را متزلزل می‌کنند، تردید ایجاد می‌کنند؟ که البته در ذهن مردم عزیز ما با این حرف‌ها تردید ایجاد نخواهد شد.

من به مسوولین انتخابات هم سفارش می‌کنم؛ به طور حتم بایستی انتخابات را جوری برگزار کنند که پرشور باشد؛ دست همه نامزدها باز باشد؛ مردم آزادانه بتوانند انتخاب کنند و انتخابات، سالم و با امانت کامل ان‌شاءالله انجام بگیرد و انجام خواهد گرفت.» (سایت رهبری، اول فروردین ۸۸)

احمدی‌نژاد به طور مکرر با خبرنگاران داخلی و خارجی مصاحبه می‌کرد و کنفرانس مطبوعاتی تشکیل می‌داد و به قول مشاورش (حمید مولانا)، خود یک رسانه بود. در ماه‌های منتهی به انتخابات۸۸، چهره‌های اصلاح‌طلب در مقابل اقدامات دولت معمولا واکنشی انفعالی نشان می‌دادند. از جمله دستور افزایش حقوق و مزایای کارکنان دولت و مستمری بازنشسته‌های لشکری و کشوری- که احمدی نژاد در اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری در ۱۴ اسفندماه ابلاغ کرد- و نیز مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های مکرر وی درباره پرداخت نقدی یارانه‌ها معمولا حساسیت و اعتراض اصلاح‌طلبان را برمی‌انگیخت. حتی خاتمی در بهمن ماه۸۷ با اعتراض ضمنی به مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های متعدد احمدی نژاد درباره طرح هدفمندکردن یارانه‌ها گفته بود: «ما بانی طرح تحول اقتصادی بودیم» (خبرگزاری مهر، ۶ بهمن ۸۷)

خبر انتخاباتی دیگر اردیبهشت ماه، توزیع سیب‌زمینی‌های رایگان در برخی شهرها بود. بارندگی مناسب سال ۸۷باعث شده بود محصول سیب‌زمینی آن سال بسیار بیشتر از حد متعارف باشد. دولت نیز طبق قانون موظف بود این محصول را به قیمت تضمینی اعلام شده (هرکیلو ۱۳۵ تومان) بخرد. از اواخر زمستان، انبارها مملو از سیب‌زمینی بود. قیمت سیب‌زمینی هم دربازار به حدود ۱۰۰ تومان کاهش یافته بود. دولت تصمیم گرفت برای جلوگیری از خراب شدن ۳۰۰ هزار تن سیب‌زمینی انبار شده، آنها را حراج کند یا در شهرها و محله‌های کم درآمد به طور رایگان در اختیار نیازمندان قرار دهد. (جام جم، ۲۴فروردین ۸۸). این تصمیم وزارت کشاورزی با اعتراض شدید اصلاح‌طلبان روبه‌رو و

یک حربه انتخاباتی معرفی شد.(مردمسالاری، ۲٤فروردین) و حتی میرحسین موسوی هم در اولین کنفرانس خبری خود، توزیع سیب‌زمینی رایگان را تحقیر مردم دانست و به آن اعتراض کرد. (خبرگزاری‌ها، ۱۷فروردین).



توزیع رایگان سیب زمینی مازاد خریداری شده از کشاورزان در نوروز۸۸ جنجال ساز شد

توزیع سیب‌زمینی‌های رایگان در جریان تبلیغات انتخاباتی هم به کار اصلاح‌طلبان آمد و برخی طرفداران موسوی و کروبی، در تجمعات و نوشته‌هایشان در اینترنت، رای‌دهندگان به احمدی‌نژاد را «سیب‌زمینی‌خور» معرفی می‌کردند. موضوع توزیع سیب‌زمینی‌های رایگان حتی به رسانه‌های خارجی هم کشید و روزنامه فاینِنشیال تایمز از انتخابات ایران به کنایه باعنوان «سیاست سیب‌زمینی» دولت ایران یاد کرد. (آفتاب، ۵ اردیبهشت)

ماه اردیبهشت در شرایطی به پایان می‌رسید که کروبی و رضایی در نظرسنجی‌ها همچنان در ارقام یک و دو درصد درجا می‌زدند اما آرای میرحسین موسوی در تهران به شکل چشمگیری رشد کرده بود و تا اواخر اردیبهشت به

نزدیکی احمدی‌نژاد رسید و زنگ خطر را برای رئیس‌جمهور معتمد به‌نفس، به‌صدا درآورد. البته احمدی‌نژاد در نظرسنجی های سراسر کشور (مراکز استان‌ها و حداکثر یک شهر از هر استان)، همچنان با فاصله نسبتا زیادی از موسوی پیشتاز بود.

روز ۲۷ اردیبهشت ارتحال مرجع بزرگوار آیت‌الله بهجت ، فضای تند و جنجالی انتخابات را تا حدودی تحت تاثیر قرار داد و معنوی کرد. سی‌ام اردیبهشت ماه شورای نگهبان نام ٤ نامزد تایید صلاحیت شده را اعلام کرد و قرعه‌کشی نوبت برنامه‌های تلویزیونی همان روز با حضور نمایندگان نامزدها در دفتر رئیس سازمان صدا و سیما برگزار شد. صداوسیما برای اجرای ماموریت «مشارکت حداکثری» تدارک مفصلی دیده بود.

فصل ۱۰

خرداد۸۸، آغاز تبلیغات

بلافاصله پس از اعلام رسمی اسامی نامزدها، تبلیغات انتخاباتی شروع شد. در میان ٤٧١ نفری که نتوانستند شرایط نامزدی انتخابات ریاست‌جمهوری را احراز کنند، نام‌هایی مثل رفعت بیات و اکبر اعلمی هم بودند و اعتراض هم کردند اما صف‌آرایی کاندیداهای اصلی در اردوگاه دوم خرداد چنان پرهیبت و پرسروصدا بود که اعتراض‌های تند اعلمی توجهی را جلب نکرد.

بلافاصله پس از اعلام اسامی چهار کاندیدای نهایی انتخابات (احمدی‌نژاد، موسوی،کروبی ورضایی)، رئیس رسانه ملی نمایندگان هر چهار کاندیدا را به دفتر خود دعوت کرد تا ضمن معرفی برنامه‌های متنوع رادیویی و تلویزیونی تدارک دیده شده برای کاندیداها، ترتیب ضبط و پخش مناظره‌ها و برنامه‌ها قرعه‌کشی شود. قرعه‌کشی براساس گوی‌های رنگی انجام شد. احمدی‌نژاد قرمز، موسوی سبز، رضایی آبی و کروبی زرد. ضرغامی پیش از آن گفته بود: «به‌طور جدی به دنبال برگزاری انتخابات پرشور ریاست‌جمهوری در رسانه ملی بوده و ستادی برای این موضوع تشکیل داده‌ایم.» (فارس، ۲ تیر ۱۳۸۷)

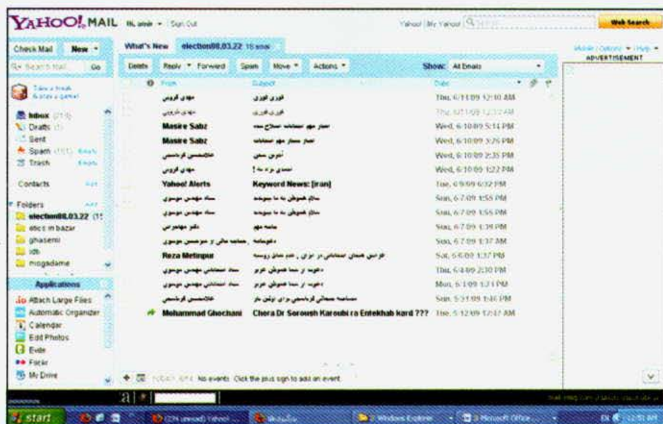


حضور نمایندگان چهار کاندیدای انتخابات در دفتر ضرغامی و مراسم قرعه‌کشی برنامه‌ها بلافاصله پس از اعلام اسامی چهار کاندیدای نهایی توسط وزارت کشور، ۳۰ اردیبهشت ۸۸، جام‌جم

اولین تبلیغات رسمی انتخابات، ساعت ۲۱:٤٥ جمعه اول خردادماه با پخش صحبت‌های میرحسین موسوی خطاب به مردم شروع شد. یک ماه پیش از آن، موسوی از عملکرد صداوسیما در قبال انتخابات به‌شدت انتقاد کرده و گفته بود: «در همه جای دنیا با شروع فعالیت‌های انتخاباتی رسانه‌ها سعی می‌کنند فضای عمومی را گرم کنند اما آنچه که من در رسانه‌ای که نام ملی بر روی آن نهاده شده است، می‌بینم، خلاف این جریان است.» (ایلنا، اول اردیبهشت)

در این دوره برای هر نامزد مجموعا هشت‌ساعت و نیم برنامه اختصاصی رادیویی و هفت‌ساعت ونیم برنامه تلویزیونی در نظر گرفته شده بود. برنامه‌های تلویزیونی شامل سی‌دقیقه صحبت هر نامزد با دوربین، دو مستند تولیدی ستاد هر کاندیدا هرکدام سی‌دقیقه، سه‌مناظره چهل‌وپنج دقیقه‌ای، مصاحبه یک ساعته با کارشناسان، چهل‌وپنج دقیقه‌حضور در گفت‌وگوی ویژه خبری و نود دقیقه برنامه برای ایرانیان خارج از کشور بود. در این دوره از انتخابات، روش‌های تبلیغاتی به‌شکل بی‌سابقه‌ای متنوع شده بود. انواع پوسترها و بنرها، پیامک‌ها،

سایت‌های اینترنتی و پیام‌های با پست تصویری (ایمیل) بیش از هر انتخابات دیگری به‌کار گرفته شد. در اینترنت، فعالیت ستاد کروبی چشمگیر بود، ستاد او نه تنها چندین سایت در اینترنت به راه انداخت بلکه به‌نام کروبی یا کرباسچی برای برخی شهروندان، ایمیل (نامه الکترونیکی) می‌فرستاد و از آنها برای یاری کروبی دعوت می‌کرد. ستاد موسوی هم از این نظر فعال بود.



ستادهای کروبی و موسوی در تبلیغات اینترنتی فعال بودند و حتی به‌نام نامزدشان برای برخی شهروندان ایمیل می‌فرستادند. بخشی از صندوق پست الکترونیکی نویسنده در ایام انتخابات

از اوایل خردادماه، ستادهای موسوی نماد سبز و دختران فیروزه‌ای را به خیابان‌ها فرستادند و پدیده این دوره از انتخابات را معرفی کردند. طی دو هفته اول خرداد ۸۸ ، استفاده از نماد سبز به صورت مچ‌بند و بازوبند پارچه‌ای میان هواداران موسوی رواج یافت. صاحبان برخی خودروهای حامی موسوی هم با بستن و آویزان کردن پارچه‌های سبز روی آیینه، دستگیره، آنتن و حتی سپرهای خودروی خود، ضمن اعلام نظر سیاسی، در تبلیغات انتخاباتی مشارکت می‌کردند. نمادهای سبز رنگ تا پایان روز تبلیغات به تدریج متنوع‌تر هم شد و انواع تیشرت، شال، روسری، مانتو، کلاه و حتی ماسک‌های چراغدار در تجمعات هواداران موسوی رواج یافت.



در هفته دوم خرداد۸۸، نماد سبز خیلی زود در شهرها رواج یافت و به اشکال بسیار متنوعی عرضه شد

برخی اصول گراها این کار ستاد موسوی را سوءاستفاده از نماد دینی (رنگ سبز سیادت) دانستند و به آن اعتراض کردند، به‌خصوص استفاده‌های خاص دختران بدحجاب از نمادهای سبز، اعتراض هایی برانگیخت. برخی اصول گرایان با یادآوری اعتراض موسوی و اصلاح طلبان نسبت به حرکت های پوپولیستی و نمادگرایی دینی-شیعی احمدی نژاد، سوءاستفاده از نماد و رنگ دینی در تبلیغات موسوی را منافقانه ارزیابی می کردند؛ از جمله حسین شریعتمداری که نوشت: «در صدر اسلام قرآن ها را هم برای فریب بر نیزه می کردند. نباید تعجب کرد که امروز کسانی باز هم برای فریب مردم شال سبز را بر نیزه کنند؟ شال سبز که مقدس تر از قرآن نیست.» (کیهان، ۹خرداد) بعدها درجریان آشوب های پس از انتخابات، استفاده از نماد سبز به تجمعات طرفداران ضدانقلاب، سلطنت‌طلبان، مجاهدین خلق، کمونیست‌ها و حتی مانکن‌های خارجی هم تعمیم یافت و اعتراضات بیشتری در داخل برانگیخت.



استفاده طرفداران موسوی از نمادمذهبی به عنوان ابزار تبلیغات، اعتراض برخی اصول گرایان را برانگیخت

در سوی دیگر میدان، ستاد رضایی به‌طور محسوسی از نظر تبلیغات محیطی و پوستر و بنر از سه نامزد دیگر عقب افتاده بود. ستاد کروبی هم که ابتدا پرهزینه و پرقدرت وارد میدان شده بود، روزهای آخر از نظر توزیع پوستر از دو نامزد پیشتاز عقب ماند، حداقل از نظر خودروهایی که عکس شیخ اصلاحات را با خود حمل می‌کردند. شایع بود که ستاد کروبی برای جبران این نقطه ضعف، به رانندگان تاکسی برای نصب عکس کروبی پول هم می‌پرداخته است. ستادهای موسوی و احمدی‌نژاد از نظر نصب و حمل پوستر توسط خودروها و نیز داوطلبانه چسباندن پوستر، مشکل زیادی نداشتند چرا که هر دو از هواداران پرشوری برخوردار بودند که برای کار در ستاد نامزد محبوب خود انگیزه غیرمادی قوی داشتند.

درباره هزینه‌های تبلیغات و ستادهای انتخاباتی، هر دو نامزد پیشتاز در تبلیغات، صحبت‌های متناقضی با عملکرد ستادهای خود بیان کرده بودند. موسوی در بیانیه اعلام حضور انتخاباتی‌اش با تاکید بر پرهیز از اسراف در تبلیغات انتخاباتی گفته بود کسی حق ندارد عکس وی را منتشر کند. (خبرگزاری‌ها، ۲۰ اسفند ۸۷) احمدی‌نژاد هم گفته بود پولی برای تبلیغات ندارد. ستاد اصلی تشکیل شده از سوی نزدیکان احمدی‌نژاد هم احتمالا به دلیل همین گفته رئیس جمهور، «ستاد هماهنگی کمک‌های مردمی به احمدی‌نژاد» نام گرفت.

با وجود ادعاهای اسراف گریزی و بی‌پولی هر دو نامزد پرخرج، هزینه‌های ستاد موسوی و احمدی‌نژاد بسیار بالا و گاهی ده‌ها میلیارد تومان تخمین زده می‌شد. چاپ و نصب صدها هزار بنر بزرگ در میادین و خیابان‌های اصلی شهرها و راه‌های بین‌شهری، توزیع ده‌ها میلیون پوستر رنگی در ابعاد مختلف و تدارک طراحی و خرید کاغذ و چاپ و حمل و توزیع آنها کارهایی نبود که با ادعای بی پولی نامزدها سازگار باشد. منتقدان احمدی‌نژاد علاوه بر اینکه سفرهای استانی وی را جزئی از تبلیغات انتخاباتی عنوان می‌کردند، به استفاده

رئیس جمهور از هواپیماهای دولتی در دو سفر کاملا انتخاباتی و غیراداری به مازندران و خوزستان در روز ۲۰ خرداد اعتراض کردند. پاسخ دولت و هواداران احمدی‌نژاد این بود که روسای جمهور قبلی هم در زمان تبلیغات انتخاباتی دور دوم خود از امکانات دولتی استفاده می‌کرده‌اند (پاسخ‌های وزارت کشور به نامه موسوی به شورای نگهبان، ۳۰خرداد). از سوی دیگر، طرفداران احمدی‌نژاد، موسوی را متهم می‌کردند که برای تبلیغات انتخاباتی خود از اموال دانشگاه آزاد استفاده می‌کند. موسوی عضو هیات موسس و هیات امنای دانشگاه آزاد بود. قربان بهزادیان‌نژاد، رئیس ستاد موسوی در جریان انتخابات، در گفت‌وگو با سایت انتخاب ۱۰ (طرفداران مردمی میرحسین موسوی) اعلام کرد جاسبی کمتر از ۲ میلیارد تومان و ۵ هزار لپ تاپ به هزینه‌های انتخاباتی موسوی کمک کرده است. دانشگاه آزاد، ۱۷خرداد با ارسال جوابیه‌ای برای روزنامه ایران اعلام کرد: «حتی یک ریال از اموال و سرمایه دانشگاه آزاد له یا علیه هیچ کاندیدایی هزینه نمی‌شود.» (روزنامه ایران، ۱۷خرداد۱۳۸۸)

برخی فعالان ستادهای انتخاباتی و هواداران نامزدها، در حالی ستاد نامزد رقیب را به هزینه‌های هنگفت و دریافت پول از محل‌های نامشروع متهم می‌کردند و متقابلا تهمت‌های مشابه دریافت می‌کردند که هیچ‌کدام از ادعاهایشان مستند و قابل اثبات نبود اما به هر حال هزینه‌های بسیار هنگفت و از منابعی که همیشه مخفی نگه داشته می‌شود، در این دوره از انتخابات هم نمود چشمگیری داشت. باوجودی که نامزدها و ستادهایشان برای تبلیغات محیطی هزینه هنگفتی پرداختند اما در انتخابات ۸۸ این «تلویزیون» بود که در معرفی نامزدها و گرم کردن تنور انتخابات نقش اول را ایفا کرد.

فصل ۱۱

مستندهای تلویزیونی کاندیداها

در میان انبوه برنامه‌هایی که رسانه ملی برای معرفی کاندیداها تدارک دیده بود، صحبت‌های چهره‌به‌چهره آنها با دوربین و نیز مصاحبه‌های کارشناسی و مصاحبه با خبر شبکه۲ سیما بیننده زیادی داشت اما توجه اصلی را فیلم‌های مستند تولیدی ستاد کاندیداها و از آن مهم‌تر، مناظره‌های رو در روی آنها به خود جلب کرد و تاثیر غیرقابل انکاری در سرنوشت انتخابات گذاشت.

در این دوره هر کاندیدا دو مستند ۳۰ دقیقه‌ای تهیه کردند. مستندهای نامزدها در دو قسمت ابتدا از جمعه ۸ خرداد تا دوشنبه ۱۱ خرداد و نیز از شنبه ۱۶ خرداد تا سه‌شنبه ۱۹ خرداد پخش شد.

طبق قرعه‌کشی، پخش مستند اختصاصی نامزدها با احمدی‌نژاد شروع شد و با رضایی خاتمه یافت. مستندهای احمدی‌نژاد را جواد شمقدری که در کابینه دهم به معاونت سینمایی رسید، ساخت. در مستند اول احمدی‌نژاد، بر سفرهای استانی و ارتباط نزدیک و صمیمی رئیس جمهور با مردم تاکید شده بود. سخنان احساسی یک دختر شهید خطاب به احمدی‌نژاد، نقطه اوج تاثیرگذاری فیلم بود. روز بعد از پخش اولین مستند احمدی‌نژاد، سایت‌های حامی موسوی با تمسخر پرسیدند: ۲۰ سال پس از جنگ، چطور دختر شهید هشت ساله‌ای می‌تواند وجود داشته باشد؟!

رسانه‌های حامی احمدی‌نژاد هم پاسخ دادند پدر آن دختر جانبازی بود که مدتی پیش به دوستان شهیدش پیوسته است. مجموعا فیلم اول احمدی‌نژاد موفق شد هدف ستاد وی در نشان دادن شعار «مردی از جنس مردم» را محقق کند.

فیلم دوم احمدی‌نژاد با نام «محدوده ممنوعه» را باز هم شمقدری ساخته بود. مصاحبه با رئیس جمهور در حیاط منزل ساده‌اش در حال گلکاری با یک تی‌شرت آستین کوتاه و شلوار ورزشی، بخش مهم این فیلم را تشکیل می‌داد. محور محتوایی حرف‌های احمدی‌نژاد هم همچنان که از نام فیلم بر می‌آمد، مبارزه با مفسدان و رانت‌خواران بود. علاوه بر این، ساده‌زیستی احمدی‌نژاد، تاثیر مناظره توفانی ۱۳خرداد در افکار عمومی و استقبال فوق‌العاده از وی در سفرهای استانی، بخش‌های دیگر مستند دوم شمقدری برای احمدی‌نژاد بود. سخنرانی شورانگیز احمدی‌نژاد در همایش ایرانیان فرهیخته و نخبه مقیم خارج- که در ۲۷ فروردین ۸۸ برگزار شده بود -به همراه ابراز احساسات پرشور حضار و مصاحبه با تعدادی از آنها درباره تعریف از شخصیت و شجاعت احمدی‌نژاد، از جمله نکات تاثیر گذار مستند دوم احمدی‌نژاد محسوب می‌شد.

دومین مستند پخش شده طبق قرعه‌کشی متعلق به ستاد موسوی بود که امضای کارگردان بزرگ «مجید مجیدی» را برخود داشت. سایت‌های طرفدار موسوی درباره فیلم مجیدی تبلیغات زیادی می‌کردند و از قول ابوالفضل فاتح، مشاور موسوی گفته بودند مستند مجیدی درباره موسوی نفس‌ها را در سینه حبس می‌کند. (وبلاگ ابوالفضل فاتح، ۳خرداد)

فیلم مجیدی با عیادت موسوی از احمد عزیزی شاعر اهل بیت که در کما به‌سر می‌برد شروع شد و در آن احمد عزیزی با مچ‌بند سبز برای موسوی ابراز احساسات کرد. مصاحبه با میرحسین به همراه تصاویری مستند از سفرهای انتخاباتی موسوی با یک اتوبوس، دیگر بخش‌های مستند مجیدی بود. موسوی در این مصاحبه لبخندی نسبتا مصنوعی داشت که به قوت کار ضربه می‌زد اما صحنه‌ای که در

مستند اول موسوی بحث‌انگیز شد، حضور یک خانم در میان مستقبلین از موسوی در سفر انتخاباتی اش به مازندران بود.

ماجرا از این قرار بود که در جریان سفر انتخاباتی موسوی و تیم همراهش با یک اتوبوس به بابل، یک خانم از بیرون اتوبوس موسوی را خطاب قرار داد و از مشکلات اعتیاد فرزندانش شکایت کرد. موسوی نشسته در اتوبوس به فریاد زن - که در میان همهمه مستقبلین بلندتر بود - واکنش نشان داد و گفت: یک نفر با آن خانم صحبت کند. خلاصه اینکه زن سوار اتوبوس شد و با لحنی بغض آور از مشکلات اعتیاد پسرش صحبت کرد و موسوی را با گریه قسم داد که به مشکل اعتیاد جوان‌ها رسیدگی کند و نهایتا گفت: «انرژی هسته‌ای نمی خواهیم. من بچه‌ام رو می خوام.»

سایت‌های طرفدار احمدی نژاد این بخش از فیلم موسوی را غیر مستند و نمایشی از قبل نوشته و تمرین شده دانستند و حتی نام و نشانی خانم بازیگر را هم اعلام کردند. در مقابل هواداران موسوی این صحنه را کاملا طبیعی و تصادفی دانستند و متقابلا دو جوان موتورسوار را که در فیلم احمدی‌نژاد به وی ابراز ارادت می کردند، بازیگر خواندند. مجید مجیدی چند ماه بعد در دیدار هنرمندان با رهبر انقلاب (۲٤ شهریور ۸۸) با لحنی متاثر و بغض آلود قسم خورد که آن خانم هنرپیشه نبوده است.



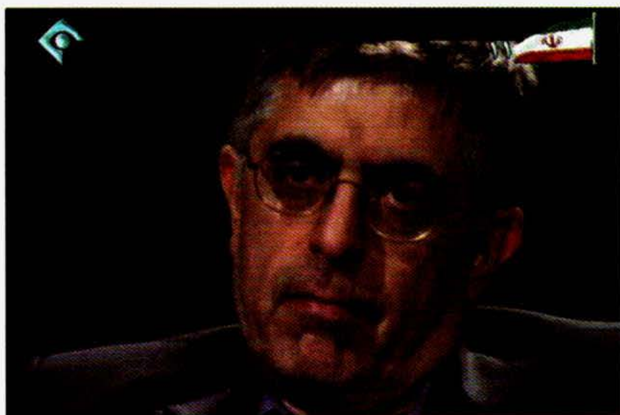
صحنه ای از فیلم اول موسوی که بحث انگیز شد

نکته دیگر مستند اول موسوی، حضور پررنگ مراجع در فیلم و دیدارهای موسوی با ایشان بود. بخش خبری ۲۰:۳۰ شبکه دو سیما، فردای پخش مستند اول موسوی به شکل ناشیانه‌ای اعلام کرد، مراجع عظام تقلید به فیلم موسوی اعتراض کرده‌اند. سایت‌های هوادار موسوی هم با انتشار اطلاعیه‌ها و مصاحبه‌های مسوولان دفاتر مراجع، خبر صدا و سیما را تکذیب کردند. بخش خبری ۲۰:۳۰ روز بعد، از بابت آن خبر به طور تلویحی عذرخواهی کرد. حضور ناچیز خاتمی در حد چند لحظه تصویر بدون صدا از دیگر ویژگی‌های مستند اول موسوی بود. مستند دوم موسوی را احمدرضا درویش ساخته بود. قبلا شایع شده بود داریوش مهرجویی آن‌را ساخته است. مستند دوم موسوی از ریتم و جذابیت بصری قوی‌تری برخوردار بود و برخلاف فیلم اول که بیشتر بخش مذهبی طرفداران موسوی را اقناع می‌کرد، فیلم دوم با حضور و اظهار نظر بازیگر مشهور و دختران فیروزه‌ای درباره موسوی در مراسم سالگرد دوم خرداد در ورزشگاه آزادی، جوان‌پسندتر و امروزی‌تر بود.

سومین مستند تولیدی کاندیداها در روز یکشنبه دهم خردادماه پخش شد و توسط محمدعلی فارسی برای محسن رضایی تهیه شده و سبزوار نام داشت. نام این فیلم، گویای نام قبلی محسن رضایی قبل از تعویض شناسنامه‌اش بود. فیلم فارسی، به لحنی ساده و مستند، ویژگی‌های مورد نظر ستاد رضایی را منعکس می‌کرد: شجاعت، برخاسته از قوم لر و بختیاری، خانواده‌دوست و زندگی ساده، پدر و مادر سالخورده و از همه مهم‌تر با برنامه‌بودن رضایی. استفاده از دوبلور حرفه‌ای (نادر طهماسب و داوود نماینده)، مستند اول رضایی را جذاب‌تر کرده بود. در فیلم دوم رضایی هم بر همرزمان شهید این نامزد، خانواده وی و با برنامه بودنش تاکید شده بود.

فیلم‌های کروبی حتی از فیلم‌های موسوی هم بحث انگیزتر و از نظر محتوا برای اصلاح‌طلبان تندرو ، جذاب‌تر بود. نکات مهم مستندهای بهروز افخمی

برای کروبی یکی مصاحبه غلامحسین کرباسچی، محمد علی نجفی، جمیله کدیور و محمد علی ابطحی با کروبی درباره مسائل روز بود که در آن پرسشگرها به‌جای طرح سوال از کروبی بیشتر نظر خودشان را مطرح می‌کردند. کنایه‌های تند ابطحی به احمدی‌نژاد در این فیلم تا چند روز نقل محافل و سایت‌های تندرو اصلاح‌طلب بود و گریه‌های کرباسچی برای وضع معیشت مردم فقیر در جریان طرح سوال از کروبی، واکنش محافل و سایت‌های اصول‌گرا را به‌دنبال آورد.



اشک ریختن کرباسچی برای معیشت سخت مردم فقیر در فیلم تبلیغاتی کروبی، توجه زیادی جلب کرد

نکته دیگر مستندهای کروبی، غیبت نزدیکان کروبی در حزب اعتماد ملی و مانور مکرر بر چهره‌های تندرو و ساختارشکن اصلاح‌طلب نظیر سروش، کدیور و مهاجرانی بود. جالب آنکه کروبی اصولا به دلیل «تندروی» جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب که آنها را اطرافیان خاتمی می‌نامید، راه خود را از خاتمی سوا کرده و جبهه دوم خرداد را دو پاره کرده بود اما در تبلیغات انتخاباتی خود، تندروترین چهره‌های اصلاح‌طلب از نظر عقیدتی و فکری را به‌کار گرفت. کسانی که موسوی را به دلیل اینکه رنگ و بوی دهه ۶۰ و امام داشت،

نمی‌پسندیدند. (نگاه کنید به دلایل حمایت سروش از کروبی در گفت‌وگو با روز آنلاین، ۱۹ اردیبهشت که موسوی را تلویحا و صریحا در اقدامات انقلاب فرهنگی و پیگیری راه امام مقصر دانست و از اینکه خاتمی از موسوی حمایت می‌کند، ابراز تعجب کرد.) در فیلم کروبی، وعده پرداخت ۷۰هزار تومان به هر ایرانی بالای ۱۸ سال، تقسیم سهام نفت بین مردم و صحنه پرتاب گل رز توسط شیخ ۷۲ ساله اصلاحات به‌سوی دختران بدحجاب از دیگر نکات قابل توجه بود. روز بعد از پخش اولین فیلم کروبی، بازتاب‌های گسترده آن شروع شد. علی مطهری نماینده تهران نامه‌ای سرگشاده به کروبی نوشت: «مستند تبلیغاتی جنابعالی را دیدم و متاسف شدم. نشانه‌های غربزدگی و خودباختگی در مقابل فرهنگ غربی در آن موج می‌زد. ظاهرا مصمم هستید که به هر قیمت، ولو انکار احکام مسلم اسلام، آرای بخشی از جامعه را به‌سوی خود جلب کنید...» (ایرنا، ۱۲خرداد)

ستاد کروبی و روزنامه اعتماد ملی از حذف برخی صحنه‌های فیلم توسط صداوسیما و حتی قطع برق در برخی استان‌ها در زمان پخش فیلم مستند کروبی خبر دادند. (اعتمادملی، ۱۲خرداد). ضرغامی بعدها ادعای حذف بخش‌هایی از فیلم کروبی را تکذیب کرد. (جام‌جم، ۲۱ آبان) و چند ماه بعد هم در نشست ماهانه جامعه اسلامی مهندسین گفت: «در مورد بخش‌های ساختارشکنانه فیلم‌های کروبی از رهبری سوال کردیم، فرمودند انتخابات است پخش شود همه باید حرفشان را بزنند» (جام جم، ۳ اسفند) مجموعا فیلم‌های کروبی، بخش تندرو طیف هواداران اصلاحات را شدیدا شارژ کرد و شیخ‌اصلاحات را از چشم طبقات متدین انداخت. نظرسنجی‌های پس از پخش فیلم‌های کروبی هم نشان داد که فیلم‌های مستند شیخ اصلاحات با وجود استفاده زیاد از عناصر جنجالی و پرسروصدا، نتوانستند وضعیت شیخ اصلاحات را در نظرسنجی‌ها بهتر کنند. (به نتایج نظرسنجی‌های ایسپا و صداوسیما در بهار ۸۸ در پیوست این کتاب مراجعه شود.)

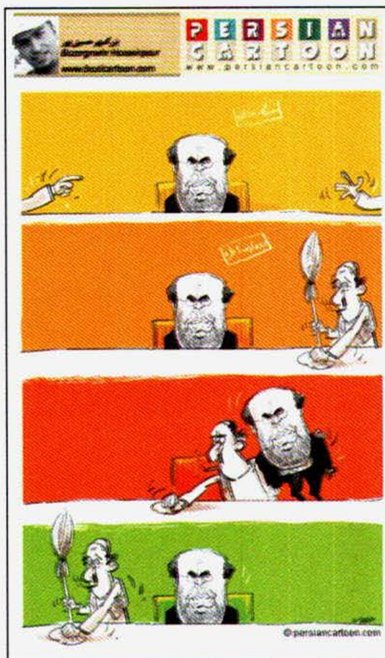
فصل ۱۲

مناظره ها، انفجار تنور انتخابات

هر چند پخش فیلم‌های مستند نامزدها، تنور انتخابات را داغ کرد اما مناظره‌های زنده تلویزیونی که طی ۱۲ تا ۱۸ خرداد از ساعت ده‌ونیم تا ۱۲ شب از شبکه سه سیما پخش شد، فضای انتخابات را از شدت حرارت و هیجان، منفجر کرد. بعدها رئیس سازمان پدافند غیرعامل درباره این مناظره‌ها گفت: «در اولین شب پخش مناظرات انتخاباتی در نتیجه اقدامات صورت گرفته که ریشه در سازمان بیگانه داشت در ۱۳ استان برنامه مناظره از طریق امواج ماهواره‌ای قطع شد اما در شب‌های بعدی توانستیم این موضوع را کنترل کنیم.» (ایلنا، ٤مهر) قطع برنامه مناظره‌ها از طریق ارسال پارازیت از خارج از کشور برای تشدید اختلافات نامزدها وحمله به صداوسیما هدف‌گذاری شده بود.

اجرای مناظره‌ها به عهده دکتر پورحسین، روان‌شناس و مدیر با تجربه شبکه چهارسیما گذاشته شد. پورحسین مجموعا از اجرای هرشش مناظره سربلند بیرون آمد و توانست وجهه بی‌طرفی صداوسیما را به‌خوبی نشان دهد. البته خیلی‌ها از انفعال وی انتقاد کردند اما در جوی که کوچک‌ترین حرکتی له یا علیه یک نامزد، می‌توانست توفانی از اعتراض ستادهای رقیب را برانگیزد، ضرغامی و پورحسین ریسک نکردند و عمدا وآگاهانه اجرایی منفعل و در حد وقت نگه‌دار

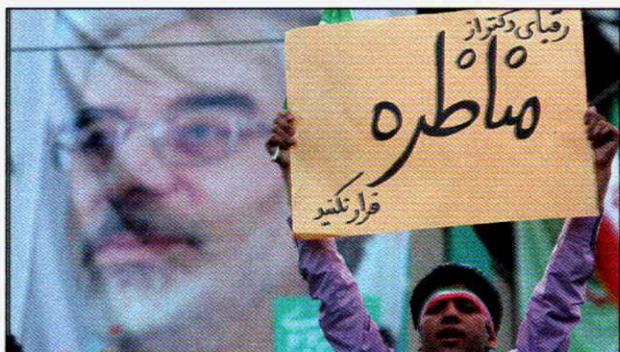
برای مناظره‌ها در نظر گرفتند.



اداره جلسات مناظره توسط پورحسین، انتقادهایی به همراه داشت. البته ضرغامی ترجیح داد مجری مناظره‌ها عملا منفعل باشد تا هیچ گونه شائبه‌ای مبنی بر جانبداری صداوسیما از نامزدها باقی نماند

اولین مناظره میان کروبی و رضایی برگزار شد و بسیار بی‌روح و کسل‌کننده از کار درآمد و طی آن هر دو عملکرد دولت را زیر سوال بردند. البته رضایی بابرنامه‌تر نشان داد و ایجابی‌تر صحبت کرد. در هفته منتهی به چهارشنبه ۱۳خرداد که قرار بود مناظره احمدی‌نژاد ــ موسوی برگزار شود، طرفداران دو طرف در رسانه‌ها، سایت‌ها و حتی تجمعات خیابانی برای همدیگر رجز می‌خواندند و این مناظره را تعیین‌کننده نتیجه انتخابات می‌دانستند. به‌خصوص طرفداران

احمدی‌نژاد امیدوار بودند این مناظره چنین اثری بگذارد چرا که تا آن روز، «موج سبز» طرفداران موسوی به‌طور چشمگیری افزایش یافته بود و برخی سایت‌ها از پیشی گرفتن موسوی از احمدی‌نژاد در نظر سنجی‌های تهران خبر می‌دادند.



با توجه به رشد ملموس طرفداران موسوی در تهران، طرفداران احمدی‌نژاد به مناظره تاریخی ۱۳ خرداد امید زیادی بسته بودند و از چند روز پیش در تجمعات خیابانی درباره آن سخن می‌گفتند. تهران، ۱۱ خرداد ۸۸

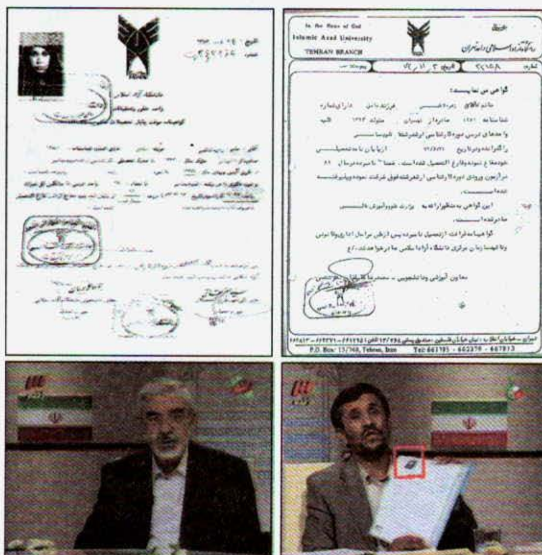
پیش از شروع مناظره عده زیادی مقابل در صداوسیما در خیابان ولی‌عصر تجمع کردند تا در نزدیک‌ترین مکان ممکن و از طریق تلویزیون‌های بزرگ قرار داده شده در آن محل، مناظره و در واقع دوئل تاریخی را تماشا کنند. عده دیگری هم در میادین دیگر تهران جمع شده بودند تا از طریق تلویزیون‌های بزرگ تبلیغاتی مناظره را ببینند و در جریان تاثیر مناظره بر مخاطبان و حس‌وحال مردم قرار بگیرند.

مناظره در یکی از استودیوهای ساختمان سیما در جام‌جم برگزار می‌شد و اطرافیان هر نامزد در سالن نزدیک به استودیو از طریق چند تلویزیون، مناظره را تماشا می‌کردند. رئیس ستاد هر نامزد طبق توافق اجازه داشت دوبار در طول یک ساعت‌ونیم برای وی یادداشت ارسال کند. طبق قرعه قرار شد مناظره تاریخی ۱۳ خرداد را احمدی‌نژاد شروع و موسوی تمام کند. احمدی‌نژاد توفانی

شروع کرد و با صریح ترین لحن ممکن، رقیب اصلی خود را هاشمی دانست که موسوی و کروبی و رضایی را برای شکست دادن او فرستاده است. احمدی‌نژاد طبق وعده‌ای که داده بود، نام مفسدین اقتصادی از نظر خود را هم به زبان آورد و موسوی را تلویحا متهم کرد که هزینه تبلیغاتی‌اش را کرباسچی، قبه، همسر کرباسچی، همسر قبه، پسر ناطق‌نوری و پسر هاشمی‌رفسنجانی از محل مفاسد مالی‌شان تامین می کنند. بعدها رهبر انقلاب در نمازجمعه ۲۹خرداد ، از اتهام زدن احمدی‌نژاد در این مناظره به افراد غایب و خارج از محیط دادگاه، انتقاد و از هاشمی و ناطق‌نوری اعاده حیثیت کردند. فردای آن‌روز هم تلویحا به مناظره شب گذشته اشاره کردند و از نامزدها خواستند تبلیغات و مناظره در چارچوب‌های درست شرعی و دینی انجام شود و برای اثبات خود به نفی نامزد دیگر متوسل نشوند. (سایت رهبری ، ١٤خرداد)

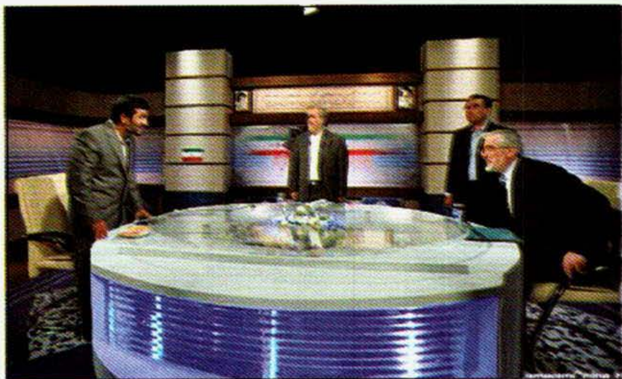
واکنش موسوی به سخنان احمدی‌نژاد با حمله‌ای متقابل و تند بود و دولت را به بی‌تدبیری، قانون‌گریزی، کارهای هیجانی و غیرکارشناسی، خیالبافی در سیاست خارجی به ویژه طرح بی جای مساله هولوکاست، ایجاد تورم ۲۵ درصدی و نیز وزیر کشور (صادق محصولی) را به رانت‌خواری در جریان پرونده سواپ نفت در اردبیل در دوران استانداری احمدی‌نژاد متهم کرد. موسوی همچنین تهمت‌های احمدی‌نژاد درباره فرزندان هاشمی و ناطق را بی‌ارتباط با خود دانست و گفت آنها خودشان باید جواب کارهایشان را بدهند. وی تاکید کرد، یک روشنفکر است که از این وضعیت احساس خطر کرده و برای احیای فرمان هشت ماده‌ای امام (در موضوع عدم دخالت حکومت در احوالات شخصی شهروندان) و برای نجات کشور به صحنه آمده است. مناظره ادامه یافت و دو طرف تلاش می کردند اتهامات جدیدی به یکدیگر نسبت دهند. البته بعد از شروع توفانی احمدی‌نژاد، این نوبت موسوی بود که حمله کند. حملات موسوی تند و پی در پی بود اما احمدی‌نژاد کسی نبود که از پس زبان موسوی برنیاید. همه اتهامات موسوی را تکذیب می کرد یا با دلایلی جواب می داد و متقابلا

اتهام جدیدی به موسوی و عملکردش وارد می‌کرد. (متن کامل این مناظره به لحاظ اهمیت تاریخی آن در پایان کتاب ارائه شده است) در آخرین نوبت احمدی‌نژاد برای صحبت وقت آن بود که ضربه آخرش را وارد کند: «من اینجا پرونده‌ای دارم برای یک خانم. شما می‌شناسید. در تبلیغات انتخاباتی کنار شما می‌نشیند.» احمدی‌نژاد مدرک تحصیلی زهره کاظمی (زهرا رهنورد) را به موسوی نشان داد و از شروع دوره دکتری بدون اتمام دوره کارشناسی ارشد وی و استخدام و ارتقا در هیات علمی دانشگاه به‌طور غیرقانونی در رشته‌ای غیرمرتبط انتقاد کرد و این کارها را رانت‌بازی و باندبازی دانست. موسوی در مقابل از مدرک دکتری همسرش دفاع کرد و در حالی که اندکی عصبی شده بود، احمدی‌نژاد را به پرونده‌سازی برای شهروندان متهم و تاکید کرد برای مقابله با این روحیه و این کارها نامزد شده است.



مدرکی که احمدی‌نژاد در مناظره تاریخی ۱۳ خرداد نشان موسوی داد، حاکی از این بود که زهرا رهنورد بدون آزمون ورودی و قبل از تمام کردن دوره کارشناسی ارشد وارد دوره دکتری شده و به شکلی غیرقانونی در رشته‌ای غیر مرتبط با تحصیلش به عضویت هیات علمی دانشگاه درآمده است.

کار پایانی احمدی‌نژاد در نزد برخی مردم به ویژه خانم‌ها چندان جالب نیامد. طرفداران موسوی هم روی آن دست گذاشتند و از اینکه احمدی‌نژاد «عکس ناموس» طرف مناظره‌اش را به دست گرفته و نشان داده انتقاد کردند و حتی موضوع غیرت‌آذری موسوی را هم پیش کشیدند. « بگم ...بگم ... » احمدی‌نژاد به زودی دستمایه طنزها و لطیفه‌ها شد. در مقابل طرفداران احمدی‌نژاد، استفاده مکرر موسوی از واژه «چیز» در این مناظره را به باد تمسخر گرفتند و برایش لطیفه‌ها ساختند.



پایان مناظره احمدی‌نژاد ــ موسوی. گفته شد این مناظره ۲۰۰ میلیون نفر بیننده در سراسر جهان داشت

مناظره موسوی - احمدی‌نژاد، نقطه عطف مبارزات انتخاباتی سال ۸۸ بود. پس از این مناظره طرفداران دو نامزد تا نزدیک صبح در خیابان ولی‌عصر و میدان‌های مرکزی تهران ماندند و درباره فرد پیروز درآن بحث کردند. طرفداران موسوی از حملات تند وی به عملکرد احمدی‌نژاد بسیار مشعوف شده بودند و او را مظهر مظلومیت، اخلاق، متانت و غیرت معرفی می‌کردند و نسبت‌های معکوس را نثار احمدی‌نژاد می‌کردند. در مقابل طرفداران احمدی‌نژاد از شنیدن نام متهمان به فساد از زبان احمدی‌نژاد آنقدر به وجد آمده بودند که کار انتخابات را تمام شده و نامزد محبوب خود را پیروز بلامنازع مناظره تاریخی می‌دانستند. نتایج

نظرسنجی کشوری ۱٤ خرداد و روزهای بعد نشان داد حق با آنها بوده است.



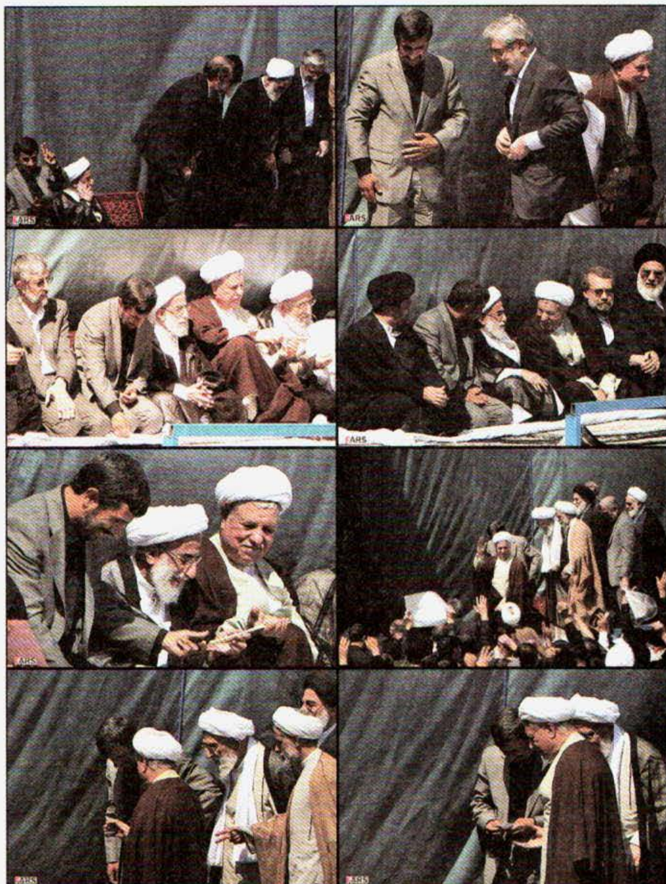
محمود احمدی‌نژاد پس از مناظره تاریخی ۱۳ خرداد سوار بر وانت به تجمع هواداران به وجدآمده خود رفت و به ابراز احساسات پرشور آنها پاسخ داد، خیابان ولی‌عصر، ساعت یک بامداد پنجشنبه، ۱۴ خرداد ۸۸

مناظره موسوی - احمدی‌نژاد چنان تاثیری گذاشت که تا چند روز سرور اغلب سایت‌های خبری بر اثر هجوم کاربران، از کار افتاد. همه می‌خواستند درباره واکنش‌ها به این مناظره بی‌سابقه و تاریخی، اطلاعات جدیدی به دست بیاورند.

روز بعد از مناظره تاریخی ۱۳ خرداد، مسوولان ارشد کشور در مراسم سالگرد ارتحال امام‌خمینی (ره) در مرقد مطهر شرکت کردند. جمعیت روبه‌روی جایگاه را اکثرا طرفداران احمدی‌نژاد تشکیل می‌دادند ولی تعدادی از طرفداران موسوی هم حضور داشتند و دو طرف با تمام توان برای جایگاه و دوربین‌های تلویزیون که به طور زنده مراسم را پخش می‌کردند، ابراز احساسات می‌کردند.

رهبر انقلاب در این مراسم به موضوع انتخابات و تبلیغات انتخاباتی هم اشاره کردند و گفتند: «درباره حضور جوانان علاقه‌مند به نامزدها در خیابان‌ها حرفی

نمی‌زنم اما مبادا این مساله به مجادله و درگیری و اغتشاش بینجامد که اگر کسی اصرار به این مساله داشته باشد، حتما یا خائن است یا بسیار غافل» ایشان یک‌بار دیگر تاکید کردند به کسی نمی گویند که به چه نامزدی رای بدهد یا ندهد چرا که این مساله به خود مردم مربوط و متعلق به ملت است». (سایت رهبری، ١٤خرداد)



بعد از مناظره تاریخی ۱۳ خرداد، مواجهه احمدی‌نژاد با هاشمی و موسوی
در حاشیه مراسم ارتحال امام (ره) در مرقد مطهر، مورد توجه افکار عمومی و رسانه‌ها قرار گرفت

معرفی می شد. پس از انتخابات، مرکز افکار سنجی سازمان صداوسیما به عنوان یکی از معتبرترین مراکز نظرسنجی کشور، نتایج رسمی نظرسنجی های کشوری، روستایی و تهران خود را منتشر کرد که نشان می داد از اول فروردین آرای احمدی نژاد در تهران و سراسر کشور از موسوی بیشتر بود ولی تا اوایل خرداد آرای موسوی در تهران رشد کرد و از احمدی نژاد پیشی گرفته بود و در بیستم خرداد همچنان با اختلاف کمی از احمدی نژاد پیش بوده است اما در سراسر کشور و روستاها آرای احمدی نژاد با فاصله زیادی بیشتر از موسوی بوده است. (جام جم، ۲۷ خرداد ۸۸)

نتایج نظرسنجی های مرکز افکارسنجی های دانشجویان ایران ـــ ایسپا- نیز که به درخواست نویسنده رسما از سوی مدیریت این مرکز برای درج در این کتاب ارسال شده، با نتایج نظرسنجی های مرکز افکارسنجی صداوسیما و نتیجه واقعی انتخابات بسیار نزدیک است. خلاصه نتایج رسمی نظرسنجی های مرکز سنجش افکار صداوسیما و دانشجویان ایران (ایسپا) درباره انتخابات سال ۸۸ در پایان این کتاب ارائه شده است. براساس اظهارات مسوولان ایسپا، این نظرسنجی ها در همان مقطع در اختیار مراکز مختلف نظام از جمله نامزدها قرار گرفته است. سخنان سعید حجاریان نیز نشان می دهد که حامیان موسوی و کروبی و خود آقایان از واقعیت جامعه و میزان رای نامزدها اطلاع داشتند اما بنابراین بوده که نسبت به آن بی تفاوت بمانند.

سعید حجاریان در بخشی از اعترافات خود که در متن کیفرخواست به آن اشاره شده، می گوید: «قبل از انتخابات آقای گودرزی، آماری را از ایسپا آورده بود و حاکی از آن بود که اختلاف آنقدر فاحش است که احمدی نژاد نیازی به تقلب ندارد.» وی با اشاره به صدور اطلاعیه غیر قانونی و تحریک آمیز و سایر اطلاعیه ها و اظهارات عناصر حزب مشارکت و گروه های هم پیمان گفت: «این بیانیه موجب شد تا عده ای تحریک شوند، شعار بدهند، بلوا درست کنند، شیشه بشکنند و هر کار غیرقانونی دیگر و اغتشاشات را پدید آورند و رسانه ها و بیگانگان، موضع گیری

عصر آن روز، انتشار نامه سرگشاده هاشمی‌رفسنجانی به رهبر انقلاب مانند بمبی صدا کرد و فضای رسانه‌ای و انتخاباتی کشور را تحت تاثیر قرار داد. هاشمی در این نامه، بدون سلام به مخاطب نامه، از تهمت‌های احمدی‌نژاد به‌شدت انتقاد و از سکوت رهبری در برابر این وضع گلایه کرد و نوشت: «از جناب عالی با توجه به مقام و مسوولیت و شخصیت‌تان انتظار است، برای حل این مشکل و برای رفع فتنه‌های خطرناک و خاموش کردن آتشی که هم اکنون دودش در فضا قابل مشاهده است، هر گونه که صلاح می دانید اقدام موثری بنمایید و مانع شعله‌ورتر شدن این آتش در جریان انتخابات و پس از آن شوید.» (خبرگزاری‌ها، ۱۹ خرداد) نظر به اهمیت تاریخی این نامه، متن کامل آن در پایان این کتاب ارائه شده است.

نامه هاشمی با واکنش چهره‌ها و گروه‌های اصول‌گرا روبه‌رو شد. آیت‌الله محمد یزدی، رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفت: « (از شرایط امروز جامعه) ماچیزی به عنوان دود و آتش و این چیزها نمی‌فهمیم، مگر خدای نکرده کسانی بخواهند فتنه‌ای بر پا کنند. فتنه بر پا کردن غیر از این است که انسان بخواهد تبلیغ فتنه بکند.» (فارس، ۲۱ خرداد) جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی هم با ارسال رنجنامه‌ای خطاب به هاشمی نوشت: «آیا نوشتن از آتشفشان‌های درون سینه‌های سوزان و اجتماعات انتخاباتی در میدان‌ها و خیابان‌ها و آتشی که دود آن هم اکنون در فضا در حال مشاهده است، چراغ سبزی به بحرانی کردن شرایط نیست؟... با چه حجتی سرنوشت انقلاب را با سرنوشت فرزندان خود یکی دانسته‌اید؟» (فارس، ۲۰ خرداد) علاوه‌براین، چندین تشکل دانشجویی هم در نامه به هاشمی از وی خواستند، انقلاب را فدای فرزندانش نکند. بیستم خرداد ماه، آخرین روز تبلیغات، طرفداران موسوی و احمدی‌نژاد هر دو قرار گذاشتند در مسیر خیابان آزادی تجمع انتخاباتی برگزار کنند. مرکز تهران تقریبا به حالت نیمه تعطیل درآمده بود و بحث‌های انتخاباتی همه جا شنیده می‌شد. رسانه‌های طرفدار موسوی و احمدی‌نژاد خبر از رشد کاندیدای محبوب خود در آخرین نظرسنجی‌ها می‌دادند؛ نظرسنجی‌هایی که سامان دهنده‌اش همیشه مبهم

و تبلیغات پرشور آن قرار گرفته و تردد در بخش های مرکزی تهران کاملا مختل شده بود. روز ۱۹ خرداد نوبت ستاد موسوی بود که در تهران مانور قدرت راه بیندازد. در آن روز علاوه بر تجمع متعارف طرفداران موسوی در خیابان ولی عصر، دو همایش انتخاباتی هم برگزار شد؛ صبح در سالن اریکه ایرانیان واقع در شهرک غرب به دعوت حزب اعتدال و توسعه با حضور جوانان حامی موسوی و سخنرانی زهرا رهنورد و عصر، در ورزشگاه شهید حیدرنیا واقع در پل حافظ با سخنرانی جمعی از چهره های اصلاح طلب. رهنورد در سخنرانی مراسم صبح با شدت هر چه تمام تر به احمدی نژاد و عملکردش حمله کرد و گفت: «دولت نهم محیط پلیسی و امنیتی ایجاد کرده و برای مردم پرونده سازی می کند، برای جوانان ما گشت امنیتی گذاشته و به جوانان و زنان ما اعتماد ندارد.» (ایلنا، ۱۹ خرداد) این سخنان با ابراز احساسات پرشور مستمعین که اغلب جوان و از طبقه نسبتا مرفه بودند و توهین به احمدی نژاد همراه شد. تاکید بر پیروزی قطعی موسوی و هشدار نسبت به سلامت انتخابات، موضوع همیشگی سخنرانی های همایش های طرفداران موسوی در این روزها بود.

شعارهای این مراسم ها هم که معمولا با شور و هیجان از سوی حاضران تکرار می شد، از این قرار بود:

رای ما ... یک کلام ... نخست وزیر امام
موسوی... موسوی... پرچم ایران ما رو پس بگیر
احمدی کم میاره ... ناموس وسط میاره
سید ما دلیره ... حق ما رو می گیره
آزادی اندیشه ... بی موسوی نمی شه
اگر تقلب نشه ... موسوی اول می شه
تقلبم اگر بشه ... موسوی اول می شه
احمدی بای بای ... احمدی بای بای

میتینگ های پرشور طرفداران موسوی، مهم ترین خبر روز ۱۹ خرداد نبود.



سخنرانی شورانگیز غلامحسین الهام، وزیر دادگستری و عضو شورای نگهبان
در همایش انتخاباتی طرفداران احمدی‌نژاد، مصلای بزرگ تهران، ۱۸ خرداد ۸۸. این سخنرانی کاملا مغایر قانون بود و بعدها از جمله مهم‌ترین دلایل موسوی برای ابطال انتخابات عنوان شد

برخی ازشعارهای حاضران در همایش انتخاباتی مصلای تهران از این قرار بود:

مرگ بر غارتگر بیت‌المال

مناظره به پا شد ... خاندانی بر ملا شد

آدم آمریکایی ... نمی‌خوایم، نمی‌خوایم

عشقه عشقه ... احمدی رو عشقه

آزادی اندیشه .... با چیز و چیز نمی‌شه

مناظره به پا شد ... چیز برگر افتتاح شد

مالک اشتر علی ... تو انتخاب اولی

و شعارهای تندتر و بی‌سابقه علیه رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و خانواده‌اش. رسانه‌های طرفدار موسوی و کروبی، دولت نهم را متهم کردند که برای گردآوری جمعیت مراسم مصلا از امکانات دولتی استفاده کرده و با وعده ناهار و برقراری سرویس رفت و برگشت آن افراد را از اطراف تهران به مصلا آورده است.

همزمان با همایش طرفداران احمدی‌نژاد در مصلا، طرفداران موسوی زنجیره انسانی از تجریش تا میدان راه‌آهن را ترتیب دادند و تا سحرگاه فردا در خیابان‌ها ماندند. در این روزها همه فعالیت‌ها در پایتخت تحت تاثیر انتخابات

شد.» با این سخنان جمعیت از شدت هیجان منفجر شد و شعارهای تند علیه هاشمی اوج گرفت. فرج‌الله سلحشور، محمد مایلی کهن، حمید استیلی، فرشاد پیوس و جمعی از وزرا از جمله حاضران در جایگاه بودند. سعید حدادیان و محمود کریمی هم ضمن نوحه سرایی، در حمایت از احمدی‌نژاد مطالبی بیان کردند. در دقایق پایانی مراسم و زمانی که برگزارکنندگان مراسم از رسیدن احمدی‌نژاد به جایگاه ناامید شدند، غلامحسین الهام پشت تریبون قرار گرفت و در سخنان پرشوری از هواداران احمدی‌نژاد تقدیر کرد و گفت: «احمدی‌نژاد با پشتوانه مردم دست زیاده‌خواهان را قطع می‌کند». حضور و سخنرانی الهام در این مراسم، صریحا منع قانونی داشت و بعدها دستمایه انتقادات شدید از وی و شورای نگهبان شد. طبق ماده ٦٨ قانون انتخابات، مقامات دولتی نمی‌توانند در فعالیت‌های انتخاباتی حاضر شوند. البته داشتن شغل دولتی تنها مشکل حضور الهام در این مراسم نبود. در همایش بزرگ مصلا، بجز الهام چند وزیر دیگر از جمله بهبهانی، وزیر راه و اسکندری، وزیر کشاورزی هم حاضر بودند. مشکل حضور و سخنرانی الهام این بود که وی نه تنها وزیر کابینه، بلکه عضو شورای نگهبان (نهاد ناظر بر سلامت انتخابات) هم بود. بعدها عباسعلی کدخدایی، سخنگو و معاون اجرایی شورای نگهبان حضور و سخنرانی الهام در میتینگ انتخاباتی احمدی‌نژاد را تلویحا تقبیح کرد و گفت: «ان‌شاءالله این مورد دیگر تکرار نخواهد شد» (خبرگزاری مهر، ٢٢ اسفند٨٨) خود الهام هم هشت ماه پس از برگزاری انتخابات از حضور و سخنرانی خود در میتینگ انتخاباتی احمدی‌نژاد ابراز پشیمانی کرد. (اعتماد، ٨ بهمن) بعدها وقتی میرحسین موسوی برای ارائه اسناد تقلب در انتخابات تحت فشار قرار گرفت، سخنرانی حمایت‌آمیز الهام به طرفداری از احمدی‌نژاد را تخلفی آشکار اعلام کرد و به همین بهانه، سلامت انتخابات را مخدوش دانست و خواستار ابطال آن شد.



روزی که بازی ضعیف تیم ایران، امیدها را برای صعود به جام جهانی آفریقای جنوبی کمرنگ تر از همیشه کرد، استفاده از مچ‌بند سبز توسط چند ستاره فوتبال در نیمه اول مسابقه با کره شمالی توجه و حرف و حدیث زیادی برانگیخت. پیونگ‌یانگ، ۱۶خرداد ۸۸

رسانه‌های حامی موسوی مخالفت با برگزاری این همایش را سیاسی ــ جناحی اعلام و ازآن شدیدا انتقاد کردند. ستاد احمدی‌نژاد هم اعلام کرد همایش مردمی خود را به‌جای ورزشگاه آزادی روز ۱۸ خرداد در مصلای تهران برگزار می کند.

عصر روز دوشنبه ۱۸خرداد حامیان احمدی‌نژاد به‌سوی مصلای تهران سرازیر و حامیان موسوی در خیابان ولی عصر تجمع کردند تا زنجیره انسانی از میدان راه‌آهن تا تجریش را تشکیل دهند. پس از چند شب و روز رجزخوانی و خط‌ونشان کشیدن در سایت‌ها و تجمعات شبانه، هر دو تجمع برای طرفین بسیار مهم تلقی می‌شد.

با وجودی که متروی تهران در ساعتی از سرویس‌دهی بازماند اما در مصلای تهران جمعیت انبوهی حامل پرچم و مچ‌بند به رنگ پرچم ایران گرد آمدند به حدی که احمدی‌نژاد بر اثر فشردگی جمعیت تا آخر مراسم موفق نشد خود را به جایگاه برساند. اجرای این برنامه را فرزاد جمشیدی، مجری مشهور صداوسیما به عهده داشت و افراد سرشناسی از هنرمندان و ورزشکاران و سیاستمداران در جایگاه حاضر شدند و به نفع احمدی‌نژاد سخنرانی کردند. از جمله حسین رضازاده گفت: «امروز احمدی‌نژاد قوی‌ترین مرد سیاست جهان است». در این همایش منصور ارضی، مداح مشهور تهران هم گفت: «از احمدی‌نژاد می خواهیم با راستگویی بیان کند که دزد کیست و امروز خوشحالم که انتقام امام و رهبری با سیلی مناظره گرفته

۱۵ خرداد احمدی‌نژاد به اصفهان رفت و در تجمع انبوه هواداران خود در میدان نقش‌جهان سخنرانی کرد. ۵ روز بعد یعنی بیستم خرداد و آخرین روز تبلیغات، خاتمی هم به اصفهان رفت و در تجمع انبوه هواداران موسوی سخنرانی کرد. رسانه‌های طرفدار موسوی و احمدی‌نژاد هر دو جمعیت استقبال‌کننده از خاتمی و احمدی‌نژاد را مقایسه و طرفداران کاندیدای محبوب خود را بیشتر و طرفداران نامزد رقیب را ناچیز و کم تعداد معرفی می‌کردند. هر چند انتشار اخبار ضد و نقیض از یک واقعه توسط رسانه‌های هوادار کاندیداهای رقیب در انتخابات سال ۸۴ هم رایج بود ولی این وضع در این دوره به اوج رسید. گویی سایت‌ها، روزنامه‌ها و حتی خبرگزاری‌های بزرگ و معتبر، همه آبروی خود را برای برنده شدن کاندیدای محبوب خود در قمار مرگ و زندگی گذاشته بودند.

روز ۱۶ خرداد ماه مسابقه فوتبال مهم ایران و کره شمالی در پیونگ‌یانگ با نتیجه بدون گل مساوی شد و شانس ایران برای کسب سهمیه حضور در جام جهانی ۲۰۱۰ بسیار کاهش یافت . نکته قابل توجه در این مسابقه، استفاده چند تن از فوتبالیست‌های سرشناس از جمله علی کریمی، مهدی مهدوی‌کیا و جواد نکونام از مچ‌بند سبز (نماد متعارف طرفداران موسوی) بود؛ مچ‌بندهایی که در نیمه دوم استفاده نشد. در تجمعات خیابانی برخی طرفداران موسوی عکس‌هایی از ستاره‌های فوتبال ایران با مچ‌بند سبز در دست گرفتند و در مقابل طرفداران احمدی‌نژاد، سوءاستفاده تبلیغاتی ــ جناحی از یک بازی ملی را تقبیح می‌کردند و معتقد بودند سوءاستفاده سیاسی از بازیکنان تیم ملی در آن شرایط حساس برای رسیدن به جام جهانی، فرصت‌طلبی زشت سبزها بوده است.

ستادهای موسوی و احمدی‌نژاد برای گردهمایی انتخاباتی در روز ۱۷ خرداد در ورزشگاه آزادی درخواست مجوز کرده بودند اما با برگزاری این گردهمایی‌ها در ورزشگاه آزادی مخالفت شد چرا که قرار بود مسابقه فوتبال ایران و امارات روز بیستم خردادماه در ورزشگاه آزادی برگزار شود.

فصل ۱۳

شب‌هایی که تهران نمی‌خوابید

در روزهای پایانی تبلیغات، هیجان به حداکثر خود رسیده بود. در تجمعات انتخاباتی با حضور احمدی‌نژاد، موسوی و خاتمی، جمعیت به قدر بی‌سابقه‌ای انبوه و فشرده می‌شد. طرفداران موسوی تجمعات خیابانی را به عصر هر روز تعمیم داده بودند و در طول خیابان ولی‌عصر از میدان تجریش تا میدان راه‌آهن زنجیره انسانی تشکیل می‌دادند. نمادهای سبز نخ تسبیح این زنجیره انسانی بود که قطر و تراکم آن در برخی نقاط چند لایه می‌شد.



زنجیره انسانی طرفداران موسوی در خیابان ولیعصر تهران در روزهای آخر چندلایه و پرشور شده بود

که با عملکرد و صحبت‌های احمدی‌نژاد در مناظره‌ها، انتخابات این دوره کاملا دوقطبی شده و احمدی‌نژاد موفق شده بود رضایی و کروبی و موسوی را نزد افکار عمومی به هاشمی رفسنجانی و فرزندانش بچسباند. مخالفان احمدی‌نژاد دوقطبی شدن انتخابات را به‌نفع احمدی‌نژاد می‌دانستند و معمولا از این کار پیشگیری می‌کردند. (پارلمان نیوز، ٤ اردیبهشت) محسن هاشمی روز ۱۸خردادماه در نامه‌ای اعتراض‌آمیز از احمدی‌نژاد پرسید: «چرا به‌جای رقابت با موسوی، فضای انتخابات را هاشمی ــ احمدی‌نژاد می‌کنید؟» (ایلنا، ۱۸خرداد) همان روزها وی در همایشی تخصصی درباره مترو با صدایی لرزان و بغض‌آلود به‌شدت از حملات احمدی‌نژاد به خانواده‌اش انتقاد کرد. فیلم انتقادات وی و تلاش مجری و برگزارکننده همایش برای دعوت محسن هاشمی به آرامش و قطع سخنانش، چند ماه بعد در اینترنت و بلوتوث‌ها منتشر شد.

با پایان یافتن مناظره‌ها، صداوسیما طبق مقررات مناظره‌ها در روز سه‌شنبه ۱۹ خرداد حدود ۲۰ دقیقه به احمدی‌نژاد مهلت داد تا در مقابل صحبت‌های دیگر نامزدها در غیابش، از خود دفاع کند. مهم‌ترین نکته احمدی‌نژاد در این فرصت ۲۰دقیقه‌ای این بود که «رقیب عرصه را باخته و به دنبال ایجاد تنش است» (فارس، ۲۱خرداد) موسوی و کروبی از فرصت مشابه خود استفاده نکردند اما رسانه‌ها و چهره‌های اصلاح‌طلب به این اقدام صداوسیما به‌شدت اعتراض و آن‌را رانت رسانه ملی برای احمدی‌نژاد عنوان کردند. موسوی هم این کار صداوسیما را جرزنی خواند. (ایلنا، ۱۹خرداد)

رضایی را نادرست دانست و وی را فاقد تجربه مدیریتی کلان معرفی کرد.

نکته جدید و بحث برانگیز در سخنان رضایی که به ذائقه مخالفان احمدی‌نژاد بسیار خوش آمد، طرح شاخص فلاکت (misery index- بیانگر مجموع نرخ بیکاری و نرخ تورم) توسط رضایی بود که دولت احمدی‌نژاد را متهم می‌کرد مجموعا از نظر تورم و بیکاری وضع اقتصاد ایران را بدتر کرده است. احمدی‌نژاد طبق معمول با استناد به آمارهای رسمی نظر رضایی را رد کرد و رضایی هم احمدی‌نژاد را متهم کرد که خود را در همه زمینه‌ها متخصص می‌داند و در همه آنها اظهارنظر می‌کند.

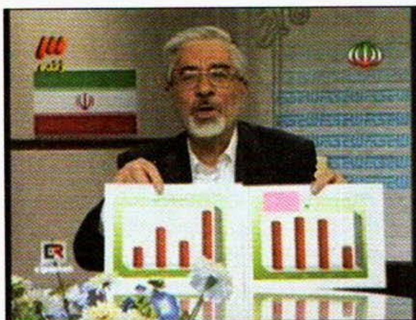
اصولا در این دوره از انتخابات، استفاده کاندیداها از آمارهای متناقض بسیار مرسوم بود و نشان داد کشور از نظر تولید و مصرف آمارهای پایه‌ای اقتصادی با چه محدودیت‌ها و ناهنجاری‌هایی مواجه است.



رضایی در مناظره‌ها نسبت به دو کاندیدای دیگر کمتر از دولت انتقاد کرد و با برنامه‌تر نشان داد
پایان مناظره با احمدی‌نژاد، بامداد ۱۹ خرداد ۸۸

اطرافیان رضایی پس از این مناظره ادعا کردند سونامی رضایی آغاز شده و انتخابات با حضور رضایی به مرحله دوم می‌رسد اما آنها غافل از این بودند

«چرا وقتی ایشان اینجا می‌نشیند و دروغ می‌گوید اخطار نمی‌دهید؟ به ایشان سه برابر من وقت بدهید، بیاید هر دروغی که می‌خواهد اینجا بگوید... ایشان خجالت نمی‌کشد در مقابل بنده به صورت بازی مدام عکس خانم من را به من نشان می‌دهد و می‌خواهد بگوید بنده روحیه‌ام خراب است...»



موسوی در مناظره با کروبی، نمودارهایی را نشان داد و
نمودارهای احمدی‌نژاد در مناظره شب گذشته با کروبی را دروغ خواند

موسوی در این مناظره همچنین با نشان دادن نمودارهایی، نمودارهای نشان داده شده توسط احمدی‌نژاد در مناظره با کروبی را دروغ دانست ولی در مقابل انتقاد کروبی درباره افراطی گری اطرافیانش (جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب) با نرمی و سکوت عبور کرد چرا که استراتژی تبلیغاتی موسوی، جذب حداکثری همه سلیقه‌ها بود . به همین دلیل در میان هواداران موسوی تقریبا همه جور آدمی پیدا می‌شد؛ از انقلابی‌ها و حزب‌اللهی‌های متعصب تا ضد انقلاب‌های تند داخل و خارج.

آخرین مناظره طبق قرعه‌کشی دوشنبه ۱۸خرداد میان رضایی و احمدی‌نژاد برگزار شد و از ۵ مناظره قبلی کارشناسی‌تر و جدی‌تر از آب درآمد. رضایی محکم و تند ولی مودبانه سیاست‌ها و رویکردهای اقتصادی ـ سیاسی احمدی‌نژاد را زیر سوال برد و احمدی‌نژاد هم تا حدودی دفاع کرد و در مواقعی هم اطلاعات

دهد. اواخر مناظره نوبت احمدی‌نژاد بود که با طرح موضوع کمک ۳۰۰ میلیون تومانی شهرام جزایری به کروبی در زمان ریاستش بر مجلس و نیز ثروت و متراژ خانه کروبی، به رقیب حمله کند. کروبی که برای پاسخ به این سوال خود را آماده کرده و در هفته‌های گذشته بارها به این سوالات پاسخ داده بود، دریافت پول و کمک از افراد را عادی دانست و با کنایه گفت من که پول نفت یا پول تراکم شهرداری را ندارم که خرج کنم ، بنده پول را از مردم باید بگیرم و خرج کنم. احمدی‌نژاد پاسخ کروبی درباره دریافت پول از شهرام جزایری را قانع کننده ندانست و تا پایان مناظره چند بار دیگر سوال خود را تکرار و مکررا پیشنهاد کرد میزان دارایی هر چهار نامزد در ۳۰سال گذشته محاسبه و اعلام شود.



نزدیکان و اعضای ستاد نامزدها از اتاق مجاور استودیو، مناظره‌ها را تماشا می‌کردند

مناظره چهارم میان کروبی و موسوی بود. در این مناظره کروبی ابتدا در واکنش به صحبت‌های شب پیش احمدی‌نژاد، متنی را در دفاع از خود و حمله به احمدی‌نژاد از رو قرائت کرد. مجری تذکر داد نام بردن از نامزد غایب طبق مقررات مناظره برای وی حق پاسخگویی در زمان اضافه ایجاد می‌کند. با این حال موسوی هم در واکنش به صحبت‌های احمدی‌نژاد، عملکرد دولت در مسائل اقتصادی را زیر سوال برد و احمدی‌نژاد را دروغگویی دانست که خیلی صریح و راحت دروغ می‌گوید. مجری خطاب به موسوی تذکر داد که صحبت درباره نامزد غایب برای وی حق پاسخ ایجاد می‌کند اما موسوی با تندی به مجری گفت:

سومین مناظره را محسن رضایی و موسوی برگزار کردند که در آن موسوی یک‌بار دیگر به عملکرد احمدی‌نژاد حمله کرد و رضایی، برنامه‌هایش از جمله فدرالیسم اقتصادی را ارائه داد.

مناظره چهارم، شنبه ۱٦ خرداد بین احمدی‌نژاد و کروبی برگزار شد که در آن کروبی مجموعه‌ای از انتقادها به عملکرد و رفتار و گفتار احمدی‌نژاد در طول ٤ سال گذشته را رو کرد. فیلم منتشرشده از ملاقات احمدی‌نژاد با آیت‌الله جوادی آملی و طرح مساله هاله نور، درخواست ۱۰۰ کشور برای دریافت الگوی مدیریتی احمدی‌نژاد، حضور در اجلاس کشورهای خلیج عربی، پرونده‌های نفت اردبیل و شهرداری تهران و... از جمله موضوعات حملات پی‌درپی کروبی به احمدی‌نژاد بود.



حضور احمدی‌نژاد در اجلاس «کشورهای عربی خلیج» در آذرماه ۸۶
کروبی در مناظره ۱۶ خرداد، احمدی‌نژاد را به‌خاطر حضور در اجلاس «کشورهای خلیج عربی» به‌باد انتقاد گرفت

احمدی‌نژاد هم خیلی کوتاه حرف‌های کروبی را تکذیب و با نشان دادن نمودار شاخص‌های اقتصادی، از عملکرد خود دفاع و موضوع بحث را عوض می‌کرد. کروبی خواست درباره شاخص‌ها و آمارها کارشناسان دو طرف صحبت کنند اما احمدی‌نژاد پاسخ داد کارشناسان، متناقض صحبت می‌کنند، رئیس‌جمهور باید خودش کارشناس ارشد باشد و حرف درست را تشخیص

طرفداران خیابانی موسوی عمدتا جوانان نسبتا مرفه بودند و دخترانشان هم حجاب چندان مناسبی نداشتند، هرچند دختران چادری هم در جمع حامیان موسوی زیاد به‌چشم می‌خورد. طرفداران احمدی‌نژاد هم از همه قشری تشکیل می‌شدند اما جوانان با ظاهر مذهبی در میان آنها بیشتر به‌چشم می‌خورد.

تجمعات شبانه هر چند بسیار پرشور و جدی و اغلب با شعارهای تند علیه نامزد رقیب برگزار می‌شد اما طرفین از خود سعه صدر بالایی نشان می‌دادند و گزارشی از درگیری فیزیکی جدی در این شب‌ها منتشر نشد. در شب‌های پایانی، طرفداران موسوی از نظر حجاب و نوع پایکوبی و حتی شعارهایشان، خطوط قرمز و قانونی را پشت سر می‌گذاشتند اما پلیس به وضوح مدارا می‌کرد و تلاش خود را بر پیشگیری از درگیری میان طرفداران نامزدها متمرکز کرده بود. شعارهای تجمعات شبانه گاهی حالت توهین‌آمیز به خود می‌گرفت و روز بعد به سرعت توسط پیامک و بلوتوث و اینترنت بین مردم منتشر می‌شد. توهین‌های طرفداران موسوی بیشتر روی چهره، قد و شخصیت احمدی‌نژاد متمرکز بود و وی را به صفاتی نظیر دروغگویی و... متهم می‌کردند. در مقابل، شعارهای طرفداران احمدی‌نژاد بر همدستی موسوی و کروبی و رضایی علیه احمدی‌نژاد با حمایت هاشمی رفسنجانی متمرکز بود و رقبای احمدی‌نژاد را به رانت‌خواری و مفاسد مالی متهم می‌کردند. در میان شعارهای متنوع شب‌های منتهی به ۲۲ خرداد، یک شعار بیش از بقیه تامل برانگیز بود:

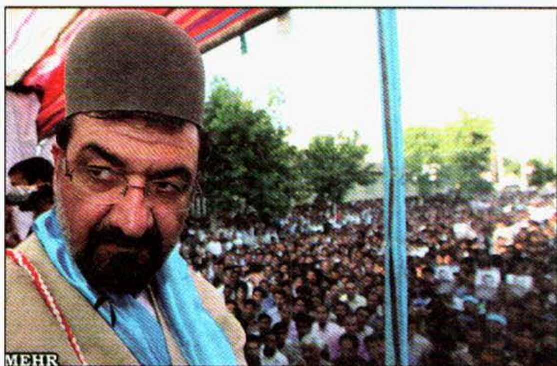
اگه تقلب نشه ... موسوی اول می‌شه
اگر تلقب بشه ... ایران قیامت می‌شه




هفت شب منتهی به انتخابات، خیابان‌های مرکزی تهران تا نزدیک صبح شاهد حضور طرفداران موسوی و احمدی‌نژاد بود

مناظره ۱۳ خرداد به‌حدی تنور انتخابات را گرم کرد که پس از آن تا آخرین ساعات تبلیغات (در ساعت ۸ بامداد ۲۱ خرداد)، تهران شب‌ها نمی‌خوابید و طرفداران نامزدها تا ساعات اولیه صبح در خیابان‌های مرکزی تهران به ویژه خیابان ولی‌عصر به تبلیغ و بحث و گفت‌وگو درباره نامزد مورد علاقه‌شان می‌پرداختند و ترافیکی سنگین به خیابان‌های مرکزی تهران تحمیل می‌کردند. در این زمان «نماد سبز» طرفداران موسوی گسترش قابل توجهی یافته بود.

ستاد احمدی‌نژاد در واکنشی انفعالی از هفته دوم خرداد «پرچم ایران» را به عنوان نماد تبلیغاتی خود برگزید. نماد طرفداران احمدی‌نژاد هر چند دیر معرفی شد اما انتخاب هوشمندانه‌ای بود و خیلی زود گسترش یافت و متمایز شد. ستاد کروبی هم رنگ زرد و ستاد رضایی هم رنگ آبی فیروزه‌ای را برگزید؛ حتی خود رضایی در سفرهای استانی‌اش چند بار شال فیروزه‌ای رنگ برگردن آویخت اما طرفداران رضایی و کروبی در تجمعات شبانه تهران نادر بودند و عمده تجمع‌کنندگان خیابانی تهران را در درجه اول، سبزهای طرفدار موسوی و در درجه دوم پرچم به دست‌های طرفدار احمدی‌نژاد تشکیل می‌دادند.



پس از رواج نماد سبز و پرچم ایران در تبلیغات انتخاباتی سال ۸۸، ستاد رضایی تلاش کرد رنگ فیروزه‌ای را به عنوان نماد رنگی خود برگزیند و رواج دهد. سفر تبلیغاتی محسن رضایی به یاسوج، ۱۵ خرداد ۸۸

و جوسازی کنند .(کتاب گذر از فتنه ۸۸، جلداول ،منتشر شده توسط معاونت سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه ،ص ٥٤٩)



بعد از تجمع بزرگ ۱۸خرداد طرفداران احمدی‌نژاد در مصلی
این بار نوبت طرفداران موسوی بود که تجمع بزرگی به راه اندازند، ۲۰خرداد، خیابان آزادی

روز ۲۰ خرداد تعداد پیامک‌ها و توزیع سی‌دی های تخریبی هم به اوج خود رسید، به طوری که روابط عمومی شرکت مخابرات ایران اعلام کرد، روز ۱۹خرداد ۱۱۰ میلیون پیامک ارسال شده که نسبت به روزهای قبل از انتخابات حجم آن دو برابر شده است. (خبرگزاری مهر، ۲۰ خرداد) . سی‌دی‌های توزیع شده در تجمعات و بعضا در منازل عمدتا درباره احمدی‌نژاد بود. یا توسط ستادهای حامی احمدی‌نژاد ساخته شده بود و درباره عملکرد و اهداف وی با بیان تصویر و شعر و... مطالبی ارائه می‌کرد یا علیه وی بود. سی دی مشهور با نام «نود سیاسی» که در چندین ویرایش تهیه و به‌طور فراگیری منتشر شد، تناقض‌های گفتاری یا وعده‌های عمل نشده احمدی‌نژاد در چهار سال گذشته را کنار هم چیده و رئیس‌جمهور را فردی دروغگو و فریبکار معرفی می‌کرد.

روز ۲۰ خردادماه و در آخرین ساعات رسمی تبلیغات، طرفداران موسوی و احمدی‌نژاد در خیابان آزادی تجمع کردند. طرفداران احمدی‌نژاد در دانشگاه شریف جمع شدند و طرفداران موسوی تقریبا طول خیابان‌های انقلاب و آزادی همه جا قابل مشاهده بودند. رسانه‌های هوادار دو طرف طبق معمول طرفدار کاندیدای محبوب خود را اکثریت، باوقار، مودب و پرشور معرفی و طرفداران

کاندیدای رقیب را کم تعداد و بی‌ادب نشان می‌دادند، به طوری که اخبار منتشره از خبرگزاری فارس و ایلنا از تجمع روز ۲۰ خرداد در خیابان آزادی ۱۸۰ درجه با هم تضاد دارد.

شایعات و اخبار نادرست درباره حمایت شخصیت‌ها از نامزدها یا انصراف فلان نامزد به نفع موسوی چنان زیاد بود که بخش بزرگی از اخبار خروجی خبرگزاری‌ها در روز ۲۰ و ۲۱ خرداد ۸۸ را تکذیب این شایعات تشکیل می‌داد. در آخرین روز تبلیغات رسمی، احمدی‌نژاد به دانشگاه شریف، موسوی به کردستان و خاتمی به اصفهان رفت. ستاد کروبی همچنان به مقابله با شایعات کناره‌گیری وی به نفع موسوی سرگرم بود و ستاد رضایی از تغییر فضا و رفتن انتخابات به دور دوم خبر می‌داد.

شدت و جدیت مبارزات انتخاباتی به حدی بود که باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا از «بحث قوی انتخاباتی» در ایران استقبال و اظهار خوشحالی کرد. وی بدون حمایت از نامزدی خاص افزود: «سرانجام مردم ایران سرنوشت انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور را رقم خواهند زد». هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا نیز رای‌گیری در ایران را نشانه مثبتی ارزیابی کرد و گفت: «آمریکا مانند کشورهای دیگر منتظر نتیجه انتخابات ایران است.» (سایت خبری عصر ایران به نقل از بی بی سی، ۲۲ خرداد)

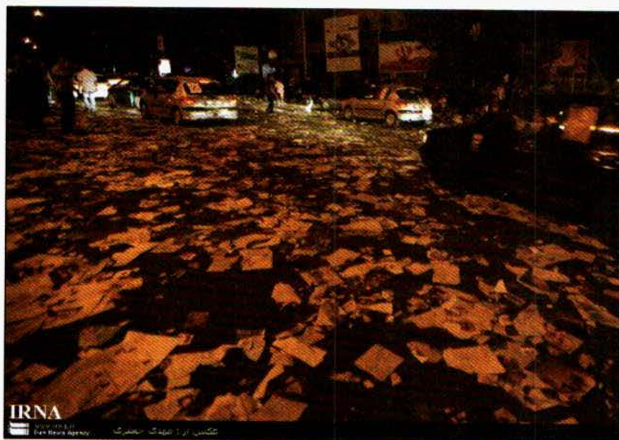
این اولین بار پس از پیروزی انقلاب بود که مقامات ارشد دولت آمریکا بر مردمسالاری و انتخابات آزاد در ایران صحه می‌گذاشتند. چهار سال پیش از آن و در جریان انتخابات سال ۱۳۸٤، رئیس جمهور وقت آمریکا (جورج بوش) و وزیر خارجه‌اش (کاندولیزا رایس) با انتشار بیانیه‌های جداگانه‌ای، انتخابات ایران را فرمایشی و نامشروع ارزیابی و نتیجه آن‌را از پیش تعیین شده دانسته بودند.

گری سیک، عضو سابق شورای امنیت ملی آمریکا و مشاور کاخ سفید در امور ایران طی سال‌های ۱۹۷٦ تا ۱۹۸۱ نیز گفته بود اوباما برای عملی کردن

وعده انتخاباتی‌اش برای گفت‌وگو با ایران، منتظر برگزاری انتخابات در ایران است (روزنامه وطن امروز، ۱۹بهمن ۱۳۸۷)

بعدها داریوش سجادی تحلیلگر سیاسی در تحلیل آشوب‌های پس از انتخابات با یادآوری تلاش تاریخی دولت انگلستان برای تیره نگه‌داشتن روابط ایران و آمریکا، گفت: «درست فردای آنکه آیت‌الله خامنه‌ای در نماز جمعه- ۲۹خرداد- خبر داد که اوباما طی پیامی محرمانه خواستار بهبود مناسبات با ایران شده، ناگهان ندا آقاسلطان در تهران به آن شکل و در حضور فیلمبردار حرفه‌ای کشته می‌شود و تصادفا چهار شبکه بی بی سی و سی ان ان و العربیه و فاکس نیوز به نمایندگی از انگلستان و عربستان و اسرائیل که جملگی از مخالفان جدی بهبود مناسبات بین ایران و آمریکا هستند، افکار بین‌المللی را به مدت یک هفته در معرض بمباران تصویری کشته شدن ندا آقا سلطان قرار دادند تا نهایتا توانستند اوباما را مجبور به ایراد سخنرانی انتقادی از موضع نقض حقوق بشر علیه ایران کنند و آیت‌الله خامنه‌ای هم مجبور به دادن پاسخ تند و متناسب به وی شود» (سایت گویانیوز، ۱۷ بهمن ۸۸) منوچهر متکی هم ۳۱ خرداد ۸۸ در جمع سفیران مقیم تهران گفته بود: « رویکرد توطئه‌گر دولت انگلیس به گونه‌ای است که با ساماندهی ۲۵۰ سخنرانی ازجانب استادان مرتبط با خود در آمریکا تلاش می‌کند، رویکرد اوباما را درقبال ایران تغییر دهد.» (ایرنا، ۳۱خرداد)

شب ۲۱ خرداد، تهران و شهرهای بزرگ به معنی واقعی کلمه تا صبح بیدار بود. ۸ صبح روز ۲۱ خرداد، لایه‌ای قطور از کاغذ در خیابان‌های ولی‌عصر، انقلاب و آزادی تهران به‌چشم می‌خورد. تهران پس از چند شب بی‌خوابی و شور و هیجان بی‌سابقه، به آرامش رسید.



شب ۲۱ خرداد، تهران و شهرهای بزرگ به معنی واقعی کلمه تا صبح بیدار بودند
صبح فردا همه به قانون منع تبلیغات احترام گذاشتند

شب قبل از آن ملی‌پوشان فوتبال ایران در راه جام جهانی ۲۰۱۰ تیم ملی فوتبال امارات را در ورزشگاه آزادی شکست دادند اما همه توجه‌ها به‌جای ورزشگاه آزادی معطوف به خیابان آزادی بود. تقریبا همه عکس‌ها و اخبار خبرگزاری‌ها از تجمعات انتخاباتی شب گذشته تهران و شهرستان‌ها حاکی از عدم درگیری میان هواداران کاندیداها و کنترل اوضاع توسط پلیس بود. همه مردم و حتی طرفداران متعصب نامزدها ظرفیت سیاسی ــ اجتماعی بالایی از خود نشان دادند. این ظرفیت بالا روز ۲۱ خرداد نمود روشن‌تری یافت، به گونه‌ای که تقریبا تمام طرفداران نامزدها، علائم و پوسترهای کاندیدای محبوب خود را از خودروی خود محو کردند و به مقررات منع تبلیغات در روز قبل از اخذ رای احترام گذاشتند. روز ۲۱ خرداد تقریبا هیچ خودرویی با علامت سبز، پرچم یا پوستر کاندیداها در خیابان‌ها مشاهده نمی‌شد.

فصل ۱٤

حماسه‌ای که تلخ شد

صبح روز ۲۱ خرداد، تهران چهره‌ای آرام داشت و حس با شکوه احترام همگانی به قانون در عموم شهروندان به‌چشم می‌خورد اما این احساس خوشایند، دیری نپایید . از حوالی ظهر ۲۱ خرداد، تعداد زیادی پیامک با مضامین زیر به تلفن‌های همراه شهروندان ارسال می‌شد؛ پیامک‌هایی که ارسال انبوه آن به وضوح مغایر قانون منع تبلیغات بود:

*رهبر انقلاب در دیدار هاشمی: مردم در مرحله‌ای هستند که باید خودشان معروف را از منکر تشخیص دهند.

*احتمال کناره‌گیری کروبی به نفع میرحسین افزایش یافت.

*در پی ارائه نتایج آخرین نظرسنجی وزارت اطلاعات به رهبر انقلاب، دستور تشکیل تیم حفاظت ریاست‌جمهوری برای میرحسین صادر شد. به همه مژده دهید

*روسای ستادهای انتخاباتی احمدی‌نژاد به ستاد موسوی پیوستند. به همه اطلاع دهید.

*رهبر انقلاب در دیدار هاشمی رفسنجانی: امید است مردم با رای خود جواب دروغگویان و کسانی را که به سرمایه‌های نظام توهین کردند را بدهند.

و...

حجم این پیامک‌ها و شایعات ناشی از آن تا عصر روز ۲۱ خرداد به حدی رسید که دفتر رهبر انقلاب با انتشار اطلاعیه‌ای درباره شایعه پاسخ رهبری به نامه آقای هاشمی اعلام کرد: «هیچ گونه پاسخ شفاهی یا کتبی به این نامه از سوی معظم له داده نشده است.» (۲۱ خرداد)

بعدازظهر روز ۲۱ خرداد شبکه پیامک کشور قطع و ارسال پیامک ناممکن شد. مسوولان ستاد موسوی به این کار به‌شدت اعتراض و اعلام کردند از آنجا که کمیته صیانت از آرا در ستاد موسوی بر اساس ارسال پیامک توسط ناظران موسوی از شعب اخذ رای طراحی و ساماندهی شده، سیستم پیامک در واقع با هدف پیشگیری از کار ناظران موسوی بر انتخابات قطع شده است. بعدها میرحسین موسوی و اطرافیانش، قطع سیستم پیامک را از جمله دلایل و شواهد خود برای اثبات تقلب در انتخابات اعلام کردند.

پس از قطع پیامک در روز ۲۱ خرداد، مدیر روابط عمومی شرکت مخابرات ایران از علت قطع پیامک اظهار بی‌خبری کرد. (ایلنا، ۲۲خرداد) در واقع اعلام نشد چه کسی و به چه دلیلی و با چه مجوزی سیستم پیامک کشور را قطع کرده است.

سکوت درباره قطع پیامک، اولین اشتباه در اطلاع‌رسانی پیرامون حوادث حین و پس از انتخابات بود؛ اشتباهاتی که به تعمیق سوء‌تفاهم معترضان به نتیجه انتخابات کمک شایانی کرد.

از صبح روز ۲۲ خرداد، همه اخبار و شواهد حاکی از شرکت بی‌نظیر مردم در انتخابات بود. رای‌گیری یک‌ساعت زودتر از دوره های انتخابات قبل و ساعت ۸ صبح آغاز شد.

به گفته رئیس ستاد انتخابات (کامران دانشجو) این دوره از انتخابات، چنین ویژگی‌هایی داشت. (فارس، ۲۱ خرداد):

- امکان حضور نماینده کاندیداها در ستاد انتخابات کشور برای اولین بار

فراهم شده است.

-آرا به‌صورت دستی شمارش می‌شوند اما سامانه رایانه‌ای نیز به‌طور موازی نتایج آرا در فرم‌های ۲۸ را به ستاد انتخابات گزارش خواهند کرد.

-نتایج شمارش آرا به صورت تدریجی اعلام خواهد شد.

-برای ناظران کاندیداها ۱۱۰ هزار کارت به منظور نظارت بر اخذ رای صادر شده است. ٤٥ هزار و ۷۱۳ صندوق از جمله ١٤ هزار و ۲٥۸ صندوق سیار (۳۱ درصد) برای اخذ رای پیش‌بینی شده است. (این نسبت در انتخابات قبل، ۳۳ درصد بود)

-٤٦ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در سراسر ایران واجد شرایط رای دادن هستند و سن قانونی رای‌دادن رسیدن به ۱۸ سال تمام است.

-اخذ رای از ساعت ۸ صبح (یک ساعت زودتر از دور قبل) آغاز می‌شود و قانونا ۱۰ ساعت ادامه می‌یابد. پس از آن با تصمیم وزیر کشور زمان اخذ رای تا ۲ مرحله تمدید می‌شود.

- برای ایرانیان خارج از کشور ۳۰٤ شعبه اخذ رای در نظر گرفته شده. (در انتخابات قبلی ریاست‌جمهوری ۲۲۷ شعبه اخذ رای در خارج از کشور وجود داشت).

- مسوولان برگزاری انتخابات همچنین اعلام کردند برای اطمینان بیشتر، در این دوره، همه تعرفه‌ها باید به دو مهر جداگانه هیات‌های نظارت و اجرایی انتخابات مهمور شوند و در هر شعبه، هویت رای دهنده‌ها از طریق رایانه کنترل می‌شود.



برای اولین بار هویت رای دهنده‌ها در همه شعب با رایانه کنترل و تعرفه‌ها به دو مهر جداگانه هیات‌های اجرایی و نظارت ممهور شد

شبکه‌های تلویزیونی و خبرگزاری‌های بزرگ دنیا بهترین خبرنگاران خود را به تهران فرستاده بودند. کریستین امانپور از حسینیه ارشاد تهران، حضور ایرانیان در این انتخابات را بی‌سابقه توصیف کرد. خبرنگار بی‌بی سی نیز با تشریح رقابت پرهیجان این دوره، حضور مردم در حوزه‌های انتخابیه را پرشور اعلام کرد. خبرگزاری آلمان حضور مردم در حوزه‌های رای گیری را بی‌سابقه دانست و گفت: حتی پیش از آغاز رای گیری صف طویل رای‌دهندگان در خارج از شعب اخذ رای تشکیل شده است. خبرنگار خبرگزاری فرانسه با اشاره به حضور گسترده مردم در حوزه‌های رای گیری نوشت: فکر کنم حدود هشتاد تا نود درصد واجدین شرایط در انتخابات امروز شرکت کنند. خبرنگار آسوشیتدپرس نیز با یادآوری تبلیغات بسیار پرشور هفته‌های اخیر نوشت: این انتخابات، موجب تحول نگرش جهانیان نسبت به ایران و فرآیند سیاسی آن است. (فردانیوز، ۲۲ خرداد)

گزارش خبرنگاران بین‌المللی از انتخابات ایران، در منطقه‌ای که بیشتر حکومت‌ها سلطنتی مطلقه یا ریاست‌جمهوری موروثی دارند، تصویری جذاب از نظام سیاسی و مردمسالاری ایران به جهان مخابره می‌کرد اما ارائه این چهره جذاب هم چندان طول نکشید.



روز ۲۲ خرداد رسانه‌های بین‌المللی چهره‌ای جذاب از انتخابات و نظام مردمسالاری ایران به دنیا مخابره کردند. تیتر سی ان ان: ازدحام بی‌سابقه در رای‌گیری کلیدی ایرانی‌ها، جمعه ۱۲ژوئن۲۰۰۹

رهبر انقلاب طبق معمول در اولین دقایق رای‌گیری در انتخابات شرکت کردند و سپس خطاب به نمایندگان رسانه‌ها گفتند: «مردم در روزهای اخیر و حتی شب‌ها آن طور که مطلع شدم در خیابان‌ها حضور داشتند و هر گروهی طبق میل خودشان شعار می‌دادند اما رشد و آگاهی مردم نگذاشت یک حادثه تلخی به وجود آید. در واقع این مساله نشان داد که مردم در صحنه هستند، شوروشوق خودشان را هم ابراز می‌کنند و در عین حال رشد و کمال خودشان و بلوغ عقلانی خودشان را هم نشان می‌دهند. سی سال است انتخابات داریم و بحمدالله همیشه در انتخابات امنیت برقرار بوده و این نعمت بزرگ ناشی از تفضل الهی و ناشی از شعور و درک مردم است. امروز هم امیدوارم و خواهش می‌کنم آحاد مردم توجه کنند به امنیت، آرامش و با متانت و سکینه روحی لازم در مراکز رای حضور داشته باشند و اگر کسانی، بدخواهانی بخواهند تشنجی در صندوق‌های رای ایجاد کنند که این تشنج به ضرر مردم و آرای مردم تمام خواهد شد، مردم با

متانت و صبر و حلم و وقار نگذارند که خواسته بدخواهان محقق شود. من دیدم دیروز و دیشب پیامک‌های فراوانی که دست مردم است، شایعاتی را از قول من نقل می‌کنند که دروغ محض بود. واقعیت نداشت. آدم‌های خوش‌نیت و سالم این کارها را نمی‌کنند. اینها کار آدم‌های ناسالم است که در همه بخش‌ها و همه گروه‌ها کم و بیش ممکن است پیدا شوند که سوءنیت داشته باشند اما مردم به این شایعات توجه نکنند. البته امروز هم ممکن است این نوع شایعات نسبت به بخش‌های مختلف انتخابات بین مردم پخش شود.» (۲۲خرداد)

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز پس از انداختن رای خود در حسینیه جماران گفت: «انتخابات این دوره را از هر دوره حساس‌تر می‌دانم.» (آفتاب نیوز، ۲۲ خرداد) . عفت مرعشی ، همسر وی نیز پس از انداختن رای خود در حسینیه جماران در حالی که بسیار ناراحت بود، به خبرنگاری که با دوربین تصویربرداری روشن از وی درباره سلامت انتخابات سوال کرد، گفت: «در صورتی که تقلب انجام نشود، مطمئن هستم که میرحسین موسوی رای خواهد آورد.» (آفتاب‌نیوز، ۲۲ خرداد) وی همچنین جمله‌ای گفت که بعدها بسیار تامل انگیز شد: «اگر تقلب شد ، مردم بریزن تو خیابونا .» (فیلم سخنان عفت مرعشی همان روز در سایت‌های مختلف اینترنتی پخش شد)

احمدی‌نژاد که برای رای دادن به مسجد جامع افسریه رفت، بیشتر از آنکه گفته‌هایش خبرساز باشد، شناسنامه‌اش خبرساز شد. زمانی که رئیس‌جمهور ایران در صف رای دادن، مهر انتخابات‌های گذشته در شناسنامه‌اش را به دوربین خبرنگاران نشان داد، تصورش را هم نمی‌کرد که از این عکس چه داستانی قرار است ساخته شود.



روز ۲۲خرداد زمانی که احمدی نژاد در صف رای دادن، مهر انتخابات‌های گذشته در شناسنامه‌اش را به دوربین خبرنگاران نشان داد، تصورش را هم نمی‌کرد که از این عکس چه داستانی قرار است ساخته شود

۵ ماه بعد روزنامه دیلی تلگراف در شماره سوم اکتبر ۲۰۰۹ در گزارشی با بزرگ کردن صفحه توضیحات شناسنامه احمدی‌نژاد نوشت: «مردی که می‌خواهد اسرائیل را از نقشه جهان حذف کند، ریشه‌های یهودی خود را پنهان می‌کند.» بلافاصله موجی از خبر و تحلیل درباره این خبر در رسانه‌های بین‌المللی و به ویژه سایت‌ها و تلویزیون‌های ضد انقلاب به راه افتاد و حتی برای احمدی‌نژاد در اسرائیل عمه و پسرعمه هم جور کردند. چند ماه بعد از آن، یک خبرنگار دیگر انگلیسی با مراجعه به زادگاه احمدی‌نژاد متوجه شد نام فامیل قدیمی رئیس‌جمهور ایران (سبورچیان)، نه یک نام یهودی بلکه به معنی رنگرز بوده است.

از دیگر افراد خبرساز در پای صندوق‌های رای، آیت‌الله منتظری و عبدالله نوری بودند که به ترتیب بعد از بیست و ده سال در نظام جمهوری اسلامی به پای صندوق‌های رای آمده بودند. (آفتاب نیوز، ۲۲ خرداد)

میرحسین موسوی هم به همراه همسرش در مسجد ارشاد شهر ری حاضر شد و پس از انداختن رای خود به صندوق، انگشت‌های خود را به علامت پیروزی به دوربین‌ها نشان داد و طبق معمول درباره سلامت انتخابات اظهار نگرانی کرد و

با انتقاد شدید از قطع سیستم پیامک‌ها، این کار را خلاف قانون دانست و گفت: «به همه قول می‌دهم از آرای مردم صیانت کنم، تا انتهای رای گیری همه بیداریم.» (آفتاب نیوز، ۲۲ خرداد)



موسوی بعد از انداختن رای خود به صندوق طبق معمول از سلامت انتخابات اظهار نگرانی کرد

از صبح روز ۲۲ خرداد، چندین سایت هوادار موسوی به همراه تلویزیون‌های بی‌بی سی فارسی و صدای آمریکا، اخباری نگران‌کننده از سلامت برگزاری انتخابات منتشر می‌کردند. اخباری نظیر اینکه:

- شهروندی از فلان جا تماس گرفته و گفته بسیجی‌ها رای دهنده‌ها را به حوزه رای‌گیری راه نداده‌اند.

- فقط در مدرسه‌ها رای دهید چون در مساجد، بسیجی‌ها رای‌های موسوی را به نفع احمدی‌نژاد می‌خوانند .

- از خودکارهای موجود در حوزه‌ها استفاده نکنید چون خودکارهای با جوهر محو شونده در حوزه‌ها گذاشته‌اند .

- نماینده‌های موسوی را از حوزه رای گیری بیرون کرده‌اند .

- عوامل انتخابات، مردم را مجبور می‌کنند به احمدی‌نژاد رای‌دهند و یا به

موسوی رای ندهند.

- در فلان محله، صندوق‌ها را جابه‌جا کرده‌اند .

- فلانی دیده است که در یک مسجد بسیجی‌ها مشغول پرکردن تعرفه‌های خالی به نفع احمدی‌نژاد بودند و...

ویژگی مشترک همه این خبرها، مبهم بودن منبع خبر و ناشناس بودن گوینده آنها بود. با این حال سایت‌ها و وبلاگ‌های متعدد هوادار موسوی این اخبار را منتشر می‌کردند و بی‌بی سی و صدای آمریکا نیز با پخش مصاحبه‌های تلویزیونی افرادی با هویت نامشخص، این اخبار را معتبر و موثق جلوه می‌دادند.

از حوالی ظهر، جنگ روانی فعالان ستاد موسوی به اوج خود رسید. صادرنشدن کارت برای برخی ناظران موسوی در صندوق‌ها و بیرون کردنشان از محل اخذ رای مکررا منتشر می‌شد. ساعت ۱۳:۱۱ سایت قلم به نقل از ابوالفضل فاتح رئیس کمیته اطلاع‌رسانی ستاد موسوی، پیروزی موسوی را با فاصله زیاد قطعی دانست و اعلام کرد همه برای این پیروزی یک سجده شکر بدهکاریم. ساعت ۱۲:۱۰ سایت یاری وابسته به خاتمی به نقل از رئیس‌جمهور سابق اعلام کرد: «میرحسین موسوی در دور اول انتخابات پیروز شده است». ساعت ۱۹:۱۰ قلم نیوز به نقل از فرشاد مومنی نوشت: «میرحسین موسوی در آستانه شکستن رکورد ۳۰ میلیون رای است» . سایت جمهوریت نزدیک به خانواده هاشمی رفسنجانی ساعت ۲۱:۰٦ اعلام کرد: «خاتمی کسب اکثریت آرا را به موسوی تبریک گفته است». ساعت ۲۰:۲۱ این سایت مدعی شد: «موسوی بیش از ٦۰ درصد آرا را کسب کرده است. »

سیدعلی محتشمی رئیس‌کمیته صیانت از آرای موسوی ساعت ١٦ روز جمعه خبرنگاران را فراخواند و با اعلام اینکه موج سبز پهنه کشور را فرا گرفته، از پیروزی موسوی خبر داد. وی در پاسخ به دلیل و شواهد خبر خود، گفت: «چیزی که عیان است، چه حاجت به بیان است. در حال حاضر همه ملت ایران که موج

سبز در میانشان وجود داشته ، تبدیل به این موج شده‌اند» (فارس، ۲۲ خرداد)
سایت‌هایی که در خارج از ایران کنترل می‌شدند، اخباری تندتر و هیجان انگیزتر منتشر می‌کردند و سایت‌های حامی موسوی در تهران با لحنی ملایم‌تر آنها را تکرار می‌کردند.

سایت‌های داخلی و خارجی فعال در این فعالیت خبری عبارت بودند از : بالاترین، فیس بوک، ادوار نیوز، جمهوریت، نوروز، کلمه، قلم، یاری نیوز، آینده، موج سوم، گویانیوز، رادیو زمانه، بی‌بی سی فارسی، رادیو فردا، روز آنلاین، پیک ایران، پیک نت و صدها سایت و وبلاگ دیگر.

حوالی ساعت ۳ بعدازظهر نیروهای امنیتی پس از کشف مرکز تولید خبر برای این سایت‌ها در ساختمانی در قیطریه تهران، با حکم دادستانی به این محل مراجعه کردند اما حاضران در آن محل با اعلام اینکه آن مکان ستاد یکی از نامزدهای انتخابات است و قانونا حق فعالیت دارند، مانع حضور ماموران شدند و در نتیجه ماموران با استفاده از زور و شلیک گاز اشک آور وارد ساختمان شدند و حاضران را بازداشت کردند. مصطفی تاج‌زاده و عبدالله رمضان‌زاده مشهورترین حاضران در این ساختمان بودند. نیروهای امنیتی اعلام کردند در این ساختمان تجهیزات تولید و ارسال خبر تصویری برای شبکه‌های ماهواره‌ای نیز کشف کرده‌اند (ایرنا، ۲۲ خرداد)

با دستگیری رمضان‌زاده در ساختمان قیطریه، سایت‌های نزدیک به موسوی موجی از اعتراض به راه انداختند و پلمب ساختمان قیطریه را آغاز کودتا عنوان کردند. قلم نیوز سایت رسمی موسوی عصر روز جمعه ۲۲ خرداد نوشت: «مصطفی تاج زاده در گفت و گو با خبرنگار قلم نیوز، با اظهار تاسف از خبرسازی‌های نهادهای وابسته به دولت، اظهار کرد : «از شب گذشته تاکنون تلاش‌های امنیتی و انتظامی آغاز شده است زیرا می دانند که میرحسین موسوی رای اول در انتخابات دهم را کسب کرده است و شواهد امر نیز نشان می دهد

میرحسین موسوی بالاتر از محمود احمدی نژاد در رتبه اول انتخابات ایستاده است». عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت با تاکید بر اینکه ما تلاش می‌کنیم تا آرای مهندس موسوی هر چه سریع‌تر شمارش شود، گفت: «مخالفان از استقبال مردم و آرای موسوی ناراحت هستند. لذا تلاش می کنند فضا را خشن نشان دهند». وی به مراجعه کسانی به ستاد قیطریه مهندس موسوی اشاره کرد و توضیح داد: «آنها ادعا می‌کردند از مرتضوی حکم دارند اما چیزی به ما نشان ندادند و الحمدالله این ستاد اکنون فعالیت خود را ادامه می دهد و ان‌شاءالله مردم بیدار و در صحنه باشند تا هیچ کس نتواند به آرای مردم خیانت کند و بتوانیم پیروزی قاطع میرحسین موسوی را اعلام کنیم.» (قلم نیوز، ۲۲خرداد)

تا عصر جمعه، اخبار رسمی حاکی از حضور گسترده وبی‌سابقه مردم در پای صندوق‌ها بود. سایت‌های طرفدار نامزدها هم از تخلفات طرفداران رقیب گزارش می‌دادند که در انتخابات گذشته نیز دارای سابقه بود. از حوالی عصر سایت‌های طرفدار موسوی و کروبی از کمبود و اتمام تعرفه در برخی حوزه‌ها و شهرها به‌شدت انتقاد و آن‌را نشان ضعف وزارت کشور و تدارک تقلب دانستند. وزارت کشور هم در اطلاعیه‌های مکرری با اعلام حضور بی‌سابقه مردم در انتخابات، از مسوولان صندوق‌ها می‌خواست، قبل از اتمام تعرفه‌ها موارد را اعلام کنند. وزارت کشور همچنین ٤ بار ساعت اخذ رای را تمدید کرد (تا ساعت ۲۲) و از مسوولان اجرایی صندوق‌ها خواست از تمام کسانی که در محل اخذ رای حاضرند، رای اخذ شود و سپس درهای حوزه‌ها بسته و طبق مقررات، آرا شمرده شود.

تا ساعت پایان رای‌گیری، اعتراض ستادهای موسوی و کروبی به وزارت کشور به دلایل مختلف همچنان ادامه داشت. ساعت ۱۱ شب نتایج شمارش و تجمیع آرا در شهرهای کوچک که اخذ رای در آنها ساعت‌ها پیش (حدود ۱۸ یا ۱۹ عصر) پایان یافته بود، اعلام شد و خبرنگاران از وزارت کشور و شورای نگهبان، خبر از برتری قاطع احمدی‌نژاد در این حوزه‌ها دادند. خبرگزاری فارس

و سایت‌های الف و رجانیوز از قول خبرنگاران خود، اخبار پیروزی احمدی‌نژاد در شهرهای مختلف را اعلام می‌کردند. حدود ساعت ۱۱ شب ستاد میرحسین موسوی خبرنگاران را به محل این ستاد دعوت کرد تا موسوی جملاتی تاریخی خطاب به خبرنگاران بگوید: «برابر اطلاعاتی که ما از طریق ستادهایمان از سراسر کشور به‌دست آورده‌ایم، برنده قطعی ... برنده قطعی [تکرار در بیان موسوی بوده است] این انتخابات با نسبت آرای بسیار زیاد، بنده هستم». (آفتاب نیوز، ۲۲ خرداد)



ساعت ۲۳ بیست‌ودوم خرداد، موسوی در جمع خبرنگاران در ستادش حاضر شد و خود را پیروز انتخابات نامید

موسوی علاوه بر مصاحبه در جمع خبرنگاران، همان جمعه شب اطلاعیه‌ای هم تنظیم کرد و نوشت: « مردم شریف ایران، ضمن تشکر از حضور پر شور و استقبال گسترده شما از انتخابات ریاست‌جمهوری، به اطلاع می‌رساند طبق گزارش‌ها و مستندات واصله علی رغم تخلفات و کارشکنی‌های متعدد و نارسایی‌های گسترده، مستندات واصله حاکی از آن است که رای اکثریت قاطع مردم متوجه این خدمت‌گزارشان بوده است. از مسوولان امر می‌خواهم در شمارش آرا نهایت دقت را بنمایند و اعلام می‌کنم در غیر این‌صورت با همه امکانات قانونی برای احقاق حقوق حقه ملت ایران اقدام خواهم کرد. همین‌جا فرصت را مغتنم می‌شمارم و از ملت شریف ایران می‌خواهم آماده برگزاری جشن پیروزی در شامگاه میلاد بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (س) باشند.

میرحسین موسوی» (قلم نیوز، ۲۲خرداد)

چهار سال پیش اقدام سایت‌های اینترنتی حامی احمدی نژاد در اعلام پیروزی وی در نیمه شب جمعه سوم خرداد ۱۳۸٤ و تعیین وقت برای برگزاری جشن پیروزی و شکرگزاری، به دلیل رسمی نبودن نتیجه با اشاره دفتر رهبر انقلاب متوقف شد و حتی دادستان تهران بامداد روز شنبه ٤ تیر ۱۳۸٤ به روزنامه کیهان دستور داده بود تیتر خود را که تلویحا از پیروزی احمدی نژاد حکایت می‌کرد، تغییر دهد.



ازصبح روز ۲۲خرداد همه رسانه‌های حامی موسوی از «پیروزی قطعی» او خبر می‌دادند

ساعت یک بامداد ۲۳خرداد، محسن مخملباف که خود را نماینده میرحسین موسوی در خارج معرفی می‌کرد، در مصاحبه با صدای آمریکا اعلام کرد مامور شده است تا نتیجه انتخابات را به مردم برساند و بگوید که موسوی پیروز انتخابات شده است. مخملباف تاکید کرد «از ستاد به او اطلاع داده اند که وزارت کشور پیروزی موسوی را به او اعلام کرده است و به رهبری هم اطلاع داده‌اند و ایشان موافقت کرده‌اند و فقط قرار شده است که در اعلام نتایج باتدبیر عمل شود و روزنامه‌های اصلاح‌طلب، تیتر پیروزی نزنند.» او همچنین از وقوع کودتا

در آینده سخن گفت و مدعی شد از فردا حکومت تجمع بیش از ٤نفر را ممنوع می‌کند. (صدای آمریکا، ۲۳خرداد) موسوی هیچ‌گاه این سخنان مخملباف را تایید یا رد نکرد. چند روز بعد مخملباف به بروکسل مقر پارلمان اروپا رفت و از طرف موسوی و ملت ایران از کشورهای اروپایی خواست انتخابات ایران را به رسمیت نشناسند.

از اولین ساعات بامداد شنبه ۲۳تیر، کامران دانشجو در جمع خبرنگاران در ستاد انتخابات کشور حاضر شد و نتایج اولیه تجمیع آرا را اعلام کرد. خبرگزاری فارس ساعت ۲۳ دقیقه بامداد شنبه ۲۳ خرداد این خبر را رسما منتشر کرد: «از مجموع ۸۸۸۱ صندوق، احمدی‌نژاد ٦۹ درصد، موسوی ۲۸ درصد، کروبی ۰/۹ درصد و رضایی ۱/٦ درصد حائز آرا شده‌اند». تا صبح رئیس ستاد انتخابات چند مرحله دیگر نیز نتایج جدیدتر را اعلام کرد که تقریبا همه شبکه‌های تلویزیونی مهم بین‌المللی آن‌را مستقیما پوشش خبری می‌دادند.

حدود ساعت ٤ صبح خبرگزاری فارس و سایت الف و اندکی بعد رجانیوز از پیروزی قطعی احمدی‌نژاد با ۲٤ میلیون رای خبر دادند؛ اقدامی که بر خلاف مقررات انتخابات بود و بعدها یکی از دلایل اصلی تقلب در انتخابات توسط میرحسین موسوی دانسته شد. (مرجع رسمی اعلام نتایج انتخابات طبق قانون، فقط وزارت کشور است) البته اطلاع رسانی سریع‌تر از نتیجه انتخابات در انتخابات ریاست‌جمهوری نهم هم سابقه داشت و آن دوره نیز برخی رسانه‌های اینترنتی و شبکه‌های تلویزیونی بین‌المللی زودتر از وزارت کشور نتایج - غیر رسمی - انتخابات را منتشر کردند.

این سه مرجع خبری بعدها اعلام کردند که بامداد۲۳ خرداد۸۸ اخبار نتایج انتخابات را از رابطین خود در شورای نگهبان اخذ کرده‌اند چرا که فرم‌های ۲۲ و ۲۸ (صورتجلسه‌های هر شعبه و هر شهرستان از نتایج آرا) علاوه بر وزارت کشور، برای تطبیق و نظارت به شورای نگهبان هم ارسال می‌شود و در ستاد

انتخابات وزارت کشور، برای اطمینان از درستی اعداد، چندین مرتبه جمع زدن‌ها تکرار می‌شود و به همین دلیل، اخبار تجمیع آرا که از منابع مرتبط با شورای نگهبان می‌رسید، بسیار سریع تر تهیه می‌شد. صبح فردا وقتی تهران از خواب بیدار شد، نتیجه انتخابات با آنچه انتظارش را می‌کشید، تفاوت داشت چرا که تا قبل از ۲۱خرداد، طرفداران موسوی تقریبا در همه خیابان‌های مرکزی و شمالی تهران حضور و بروزی چشمگیر داشتند. البته نتیجه آرای تهران که تا روز دوشنبه ۲۵ خرداد اعلام شد، نشان می‌داد موسوی در تهران احمدی‌نژاد را شکست داده ولی در کل کشور، این احمدی‌نژاد بود که با اختلافی فاحش برنده شد:

محمود احمدی‌نژاد	۲٤ / ٥۲۷ / ٥۱٦رای	٦۲/٦۳ درصد آرا
میرحسین موسوی	۱۳ /۲۱٦ /٤۱۱ رای	۳۳/۷٥ درصد آرا
محسن رضایی	٦۷۸ /۲٤۰ رای	۱/۳۷ درصد آرا
مهدی کروبی	۳۳۳ / ٦۳٥ رای	۰/۸٥ درصد آرا
آرای باطله	٤۰۹ / ۳۸۹ رای	کل آرا ۱۹۱/ ۱٦٥/ ۳۹ رای
مجموع آرا	۳۹/۱٦٥/۱۹۱	با مشارکت بیش از ۸٥ درصدآرا

تا ظهر روز شنبه شبکه خبر و خبرگزاری‌ها آخرین نتایج تجمیع آرا را از زبان رئیس ستاد انتخابات منعکس می‌کردند. بخش خبری ساعت ١٤ شبکه اول سیما بعد از اعلام جدیدترین نتایج آرا از صدور پیام بسیار مهم رهبر معظم انقلاب خبر داد اما تا ساعت ۱٥ و پایان اخبار، متن این پیام به دستش نرسید و اعلام آن‌را به بخش خبری بعدی (ساعت ۱۹) موکول کرد. در بخشی از پیام رهبرمعظم انقلاب آمده است: "به همه آحاد مردم و به‌ویژه جوانان عزیز که سرزنده‌ترین نقش‌آفرینان این حادثه شورانگیز بودند، توصیه می‌کنم که کاملاً هشیار باشند. همواره باید شنبه پس‌از انتخابات، روز مهربانی و بردباری باشد. چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران دیگر نامزدهای محترم، از هرگونه

رفتار و گفتار تحریک‌آمیز و بدگمانانه پرهیز کنند. رئیس جمهور منتخب و محترم، رئیس‌جمهور همه ملت ایران است و همه و از جمله رقیبان دیروز باید یکپارچه از او حمایت و به او کمک کنند. بی شک این نیز امتحانی الهی است که موفقیت در آن خواهد توانست رحمت خداوند متعال را جلب کند. وظیفه خود می‌دانم از همه کسانی که در خلق این حادثه بزرگ نقش آفریدند صمیمانه سپاسگزاری کنم: از نامزدهای محترم که با مطرح ساختن نقطه‌نظرهای سیاسی و اقتصادی و با سخن و رفتار خود، دارندگان سلایق گوناگون اجتماعی و سیاسی را به صحنه آوردند، از نخبگان و برگزیدگانی که مخاطبان خود را به حضور در این آزمون بزرگ دعوت کردند؛ از مراجع عظام و علمای اعلام و فرزانگان دانشگاهی و شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی؛ از رسانه ملی و مدیران و طراحان و مجریان و هنرمندان صداوسیما که نوآوری‌های تحسین‌برانگیز آنان نقش تعیین‌کننده‌ای در این حادثه فراموش‌نشدنی داشت؛ از وزارت کشور و شورای محترم نگهبان که با اخلاص و امانتداری کامل به وظیفه خطیر خود صادقانه و سخت‌کوشانه عمل کردند؛ از نیروی انتظامی و دیگر دستگاه‌های حافظ امنیت که فضای سالم و باز و آرام را برای مردم تأمین نمودند، و سرانجام و بیش‌از همه، از یکایک رأی‌دهندگان که برای خود و کشورشان آبرو و ثبات و امنیت فراهم آوردند.."

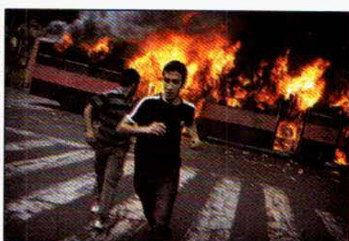
بعدها طرفداران موسوی، تبریک رهبر انقلاب به نامزد پیروز را یکی از دلایل مخدوش بودن نتیجه انتخابات و اصرار خود برای باطل شدن آن دانستند. استدلال آنها این بود که رهبر انقلاب نباید قبل از تایید شورای نگهبان به نامزدی که وزارت کشور آن را پیروز انتخابات معرفی می‌کند، تبریک می‌گفتند و این تبریک، بسیار زود هنگام و مشکوک بوده است. این در حالی است که رهبر انقلاب در انتخابات‌های قبلی و از جمله در روز سوم خرداد ۱۳۷۶ نیز با اعلام نتایج شمارش آرا توسط وزارت کشور، در پیام مشابهی به ملت ایران، پیروزی

آقای خاتمی را تبریک گفته و برایش آرزوی موفقیت کرده بودند. متن کامل پیام رهبر معظم انقلاب درباره پیروزی آقایان خاتمی و احمدی‌نژاد در سال‌های ۷٦ و ۸۸ در بخش ضمائم این کتاب ارائه شده است.

حوالی ساعت ۳ بعدازظهر سایت‌های خبری از انتشار بیانیه موسوی خبر دادند که با لحن بی‌سابقه و بسیار تندی، مسوولان اجرایی و نظارت انتخابات را به تقلب فراگیر و گسترده در انتخابات متهم و تاکید کرد تسلیم این صحنه‌آرایی خطرناک نخواهد شد. (متن بیانیه در بخش ضمیمه) موسوی در این بیانیه نوشت: «ما موج عقلانیت سبز خود را با تمامی شور ادامه می‌دهیم و با شورش دروغ که در کشور طغیان کرده و چهره‌آن‌را آلوده است، مبارزه می‌کنیم». کروبی نیز در بیانیه‌ای، نتایج اعلام شده را فاقد مشروعیت و مضحک دانست و نوشت: «... نتایج اعلام شده بر این انتخابات نامشروع و دولت برآمده از آن فاقد وجاهت ملی و صلاحیت اجتماعی است... سکوت نخواهم کرد، در صحنه خواهم ماند و این تازه اول داستان است.» (آفتاب نیوز، ۲۳ خرداد) مجمع روحانیون مبارز هم با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «مجمع روحانیون مبارز در جلسه‌ای فوق‌العاده به این نتیجه رسید که برای دفاع از جمهوریت اسلامی نظام و بازگرداندن اعتماد عمومی و نگاهبانی از موج آشتی ملی با صندوق‌های رای، ابطال این انتخابات و تجدید آن در فضایی عادلانه‌تر و منطقی‌تر راهکار مناسب است یا دست کم تعیین هیاتی بی‌طرف و کاردان و شجاع برای حقیقت‌یابی و اعلام نظر نهایی به ملت و رهبری تصمیمی درست در جهت آرمان‌های والای انقلاب و اندیشه‌های حضرت امام و تقویت اعتماد ملی است. ما و هواداران پرشور و با شعور جناب میرحسین موسوی ضمن حفظ هوشیاری و پرهیز از هر عملی که به تشنج بینجامد و به سرکوبگران بهانه دهد، مهندس موسوی عزیز را تنها نخواهیم گذاشت. » (قلم نیوز، ۲۳خرداد)

از حدود ساعت ٤ بعدازظهر ۲۳خرداد، خبرگزاری‌ها از تجمعات و ناآرامی

در نقاط مرکزی به ویژه میدان فاطمی، میدان ولی‌عصر، بلوار کشاورز، هفت‌تیر، ونک و تهرانپارس خبر دادند. حدود ساعت ۵ عصر، دسته‌هایی از جوانان با شعار: «موسوی، موسوی، رای ما رو پس بگیر» در این مناطق شروع به شعاردادن و حرکت به طرف میادین اصلی تهران کردند. پلیس ضد شورش خیلی دیر و پراکنده وارد عمل شد و تلاش داشت تجمع کنندگان را متفرق کند اما با پرتاب سنگ روبه‌رو شد. حدود ساعت ۵/۳۰ دود غلیظی از خیابان مطهری به هوا برخاست و معلوم شد حدود ۵ اتوبوس شرکت واحد توسط معترضان به آتش کشیده شده است. همزمان عده‌ای دیگر در میدان ولی‌عصر به‌طرف چهارراه ولی‌عصر حرکت و عابربانک‌ها، تابلوهای راهنمایی و رانندگی و در برخی موارد به مغازه‌ها آسیب می‌زدند. مغازه‌داران با مشاهده حالت غیرعادی شهر، محل کسب خود را تعطیل کرده‌بودند. آشوبگران از تقاطع ولی‌عصر -طالقانی به‌طرف شرق خیابان تغییر مسیر دادند و سر راه خود شیشه بانک‌ها و مراکز دولتی را با میله و سنگ خرد کردند.






بعدازظهر روز شنبه ۲۳ خرداد مرکز تهران به شکل غافلگیر کننده‌ای به آشوب کشیده شد

تا غروب آن روز تقریبا در همه خیابان‌های اصلی تهران، سطل‌های زباله پلاستیکی شهرداری به وسط خیابان‌ها آورده و به آتش کشیده شده بود. در خیابان‌های شمالی تهران تعداد زیادی خودرو با حرکت در خیابان‌ها، به شکلی ممتد بوق می‌زدند. خیابان‌های نیاوران، پاسداران، آفریقا، شهرک غرب و سعادت آباد از خودروهای معترضین پر شد. آن شب، شب میلاد حضرت فاطمه(س) بود و طبق مرسوم همه ساله ترافیک تهران به دلیل تردد مردم برای خرید هدیه روز مادر و رفتن به منزل مادران و مادربزرگ‌ها، شلوغ‌تر از همیشه بود اما این بار این شلوغی با نوعی اغتشاش با صدای ممتد بوق و بوی لاستیک سوخته همراه بود. از تبریز، اصفهان و شیراز اخبار مشابهی البته ملایم‌تر می‌رسید. در دانشگاه صنعتی اصفهان شدت اعتراض‌ها بسیار تند گزارش شد به طوری که بخش‌های اداری، برخی کلاس‌ها و آمفی‌تئاتر این دانشگاه به همراه تعداد زیادی خودرو در آن به آتش کشیده شد. جالب آنکه شعار معترضان در دانشگاه اصفهان دقیقا مشابه شعار معترضان تهران بود: «موسوی، موسوی، رای ما رو پس بگیر.»



طی ۲۴ ساعت، چهره ایران در رسانه‌های بین‌المللی از کشوری متمدن، قانون مدار و برخوردار از مردم‌سالاری جدی، به چهره‌ای خشن، آشوب زده و پرهرج و مرج تبدیل شد. شبکه خبری ای بی سی نیوز: خشم در ایران. لاستیک‌ها در آتش، جنگ با پلیس بعد از انتخابات ۱۳ژوئن ۲۰۰۹، ۲۳خرداد۸۸

تلفن ۱۱۰ پلیس به حالت اشغال دائم درآمد. اخبار صدا و سیما به شکلی محدود و محافظه‌کارانه اخبار کوتاهی از آشوب‌های تهران ارائه کرد. لحن سایت‌های هوادار موسوی نیز از صبح همان روز تغییر کرده بود و از «احتمال بروز تقلب»، به «اجرای کودتا» تغییر یافته بود. تهرانی که طی روزهای ۲۰ و ۲۱ خرداد ماه تصویری زیبا از احترام به قانون منع تبلیغات به نمایش گذاشته بود، ناگهان تصویر شهری آشوب‌زده و پر هرج‌ومرج به خود گرفت. طعم خوش حماسه تاریخی ۲۲خرداد خیلی زود به تلخی گرایید.

فصل ۱۵

حکایت خس و خاشاک!

غروب روز۲۳خرداد و در ساعاتی که شمال و غرب و مرکز تهران در آتش و آشوب گرفتار بود، احمدی‌نژاد در یک برنامه زنده تلویزیونی ظاهر شد و با اعتمادبه‌نفس از رای مردم تشکر کرد و از برنامه‌هایش در دور دوم ریاست جمهوری و اجرای وعده‌های انتخاباتی‌اش خبر داد. همان شب، تلویزیون از مردم دعوت می‌کرد برای اعتراض به آشوب‌های در جریان، بعدازظهر فردا در تجمع میدان ولیعصر تهران شرکت کنند.

عصر یکشنبه ۲٤خرداد ماه، تجمع نفی خشونت با هدف اعتراض به آشوب‌های دیروز تهران و جشن میلاد حضرت‌زهرا(س) با حضور انبوه هواداران احمدی‌نژاد در میدان ولی‌عصر برگزار شد. در این مراسم که به صورت زنده از شبکه خبر پخش می‌شد، احمدی‌نژاد طی سخنانی به شدت به مفسدان اقتصادی و زیاده‌خواهان حمله کرد که این سخنان با استقبال پرهیجان جمعیت و شعارهای تند علیه هاشمی‌رفسنجانی همراه شد. پخش سیما، صدای شعارهای تند جمعیت علیه هاشمی‌رفسنجانی را قطع می‌کرد. احمدی‌نژاد در این سخنرانی دو نکته دیگر هم گفت که طرفداران موسوی را عصبانی و به شدت تحریک کرد: «ملت ایران یک ملت متحد است، امروز خبرنگاری سوال کرد بعضی‌ها

گوشه‌وکنار بعضی از کارها را انجام می‌دهند، اغتشاش است، شورش است، و واژه‌های تندی به‌کار برد. من یک مثال زدم و نتیجه‌گیری کردم. ملت ایران یکپارچه است. در یک مسابقه فوتبال ۵۰ هزار، ۷۰ هزار تماشاچی می‌روند. آن کسی که تیمش باخته عصبانی است و به هر دری می‌زند. در ایران در انتخابات ۴۰ میلیون نفر خودشان بازیگر اصلی و تعیین‌کننده اصلی بودند. حالا چهارتا خس‌وخاشاک در این گوشه‌ها یک کاری می‌کنند. بدانید که این رودخانه زلال ملت جایی برای خودنمایی آنها نخواهد گذاشت ... من به شما می‌گویم قبل از آمدنم از شورای نگهبان سؤال کردم که آیا کسی از کاندیداها تا الان به شما شکایتی کرده، سندی داده مبنی بر اشکال در انتخابات که جواب دادند تا الان حتی یک شکایت از ناحیه کاندیداها به ما نرسیده است... رنگ سبز نماد اهل بیت است و من چون سید هستم، می‌خواهم همین جا این شال سبز را روی دوش خود انداخته ، در مقابل سوءاستفاده از این رنگ‌ها بگویم رنگ سبز متعلق به همه مردم است.» (احمدی‌نژاد سپس درمیان هلهله طرفدارانش شال سبزی به گردن انداخت ولی لحظاتی بعد تذکرداد که فقط مادرش از سادات است.)



شال سبز بر گردن احمدی‌نژاد، ۲۴ خرداد ۸۸، تجمع میدان ولی عصر

همان زمانی که احمدی‌نژاد در جمع هوادارانش در میدان ولی عصر سخنرانی می‌کرد، هواداران موسوی حوالی میدان ونک تجمع کرده بودند و خود موسوی هم به دیدار رهبر انقلاب رفته بود. در این دیدار، موسوی ضمن ارائه گزارشی، دیدگاه خود را درباره روند انتخابات بیان کرد و رهبر انقلاب نیز با تاکید بر لزوم حفظ آرامش و متانت خاطرنشان کردند: «در دوره‌های قبلی انتخابات نیز برخی افراد و نامزدها، مسائلی داشتند که از طریق شورای نگهبان به عنوان مرجع قانونی رسیدگی به شکایات انتخاباتی، پیگیری کردند و طبعا در این دوره نیز مسائل باید از طریق قانونی دنبال شود. به شورای نگهبان تاکید شده که با دقت به این نامه رسیدگی شود». رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به تحریکات دشمن و برخی طراحی‌های پشت صحنه برای به آشوب کشاندن خیابان‌ها خطاب به آقای موسوی افزودند: «جنس شما با این گونه افراد متفاوت است و لازم است کارها را با متانت و آرامش و از طریق قانونی پیگیری کنید.» (سایت رهبر انقلاب ۲۵خرداد)

صحبت‌های احمدی‌نژاد در میدان ولی عصر واکنش‌های متعددی داشت. سایت تابناک وابسته به محسن رضایی بلافاصله پس از این سخنرانی نوشت رضایی شکایت خود را تقدیم شورای نگهبان کرده است. سخنگوی شورای نگهبان هم از وصول شکایت ۷ موردی موسوی در عصر آن روز خبر داد. (فارس، ۲۳خرداد)

بحث برانگیزترین بخش سخنرانی احمدی‌نژاد، موضوع «خس و خاشاک» بود. ساعتی پس از این سخنرانی، تقریبا همه سایت‌ها و شبکه‌های تلویزیونی بین‌المللی و بی بی سی فارسی با تحریف سخنان احمدی‌نژاد، این سخنان را طوری منعکس کردند که گویی احمدی‌نژاد طرفداران دیگر نامزدها را خس و خاشاک نامیده است. به‌زودی موج خبری عظیمی به راه افتاد. همه درباره خس و خاشاک صحبت می‌کردند. این موج خبری و تحلیل رسانه‌های طرفدار موسوی

که نتیجه انتخابات را «کودتای سیاه علیه رای اکثریت» تبلیغ می‌کردند، طرفداران موسوی را برای واکنش، بیش از پیش تحریک می‌کرد.

از غروب تا نیمه شب ۲۴خرداد تجمع مختصری در خیابان امیرآباد شمالی مقابل کوی‌دانشگاه تهران مانند دیگر نقاط در جریان بود اما حوالی نیمه شب و در شرایطی که تجمع پایان یافته بود، یک خودروی پژو به همراه یک وانت با آرم یک شرکت دولتی، مقابل در اصلی کوی توقف کردند و سرنشینان آن با خالی کردن تعداد زیادی لاستیک و بیل و کلنگ و سنگ از داخل وانت، دانشجویان باقی مانده را به ادامه تجمع و اعتراض تحریک کردند. ساعتی بعد و در شرایطی که نیروی انتظامی به درخواست پی در پی مسوولان دانشگاه تهران برای حفاظت از دانشگاه و مقابله با تحریک‌کنندگان دانشجویان پاسخ نمی‌داد، عده‌ای موتور سوار مسلح به سلاح‌های سرد و بی‌سیم وارد کوی‌دانشگاه تهران شدند و به شکلی وحشیانه دانشجویان حاضر در خوابگاه‌ها را به باد کتک و ناسزا گرفتند. (مصاحبه نگارنده با یکی از اعضای گروه تحقیق ویژه مجلس از حادثه کوی‌دانشگاه تهران، خرداد ۱۳۸۸)

جمعه همان هفته رهبر انقلاب در خطبه تاریخی ۲۹خرداد درباره این حادثه گفتند: «انسان دلش خون می‌شود از بعضی از این قضایا؛ بروند توی کوی دانشگاه، جوان‌ها را، دانشجوها را - آن هم دانشجوهای مؤمن و حزب‌اللهی را، نه آن شلوغ‌کن‌ها را - مورد تهاجم قرار بدهند، آن‌وقت شعار رهبری هم بدهند. دل انسان خون می‌شود از این حوادث...»

حمله به کوی‌دانشگاه تهران و حمله مشابه به دانشگاه شیراز، محیط‌های دانشگاهی را که تا آن زمان تقریبا از آشوب‌ها دور مانده بود، به مرکزیت آشوب‌ها کشاند. صبح روز ۲۵ خرداد زهرا رهنورد به دانشگاه تهران رفت و با اعلام کوتاه نیامدن موسوی، دانشجویان را به ادامه اعتراض و مطالبه حقوق قانونی خود با حفظ آرامش تشویق کرد.

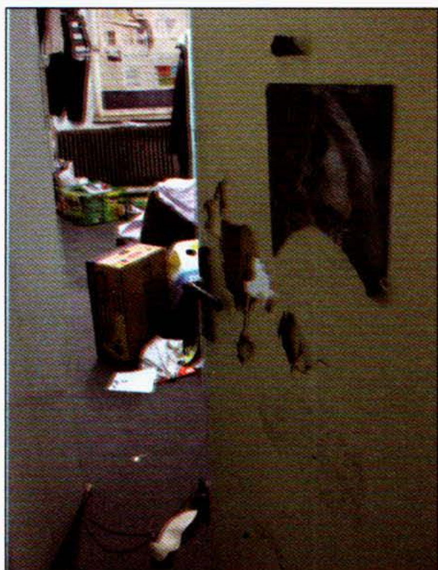
زهرا رهنورد همسر موسوی همان روز مصاحبه‌ای زنده با تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی انجام داد و در برابر پرسش مجری این تلویزیون درباره شواهد و دلایل موسوی برای تقلب گسترده در انتخابات، جملاتی به زبان آورد که بعدها منجر به انتقادات شدید از وی شد و روشن کرد مهم‌ترین دلایل موسوی برای تقلب در انتخابات، بیشتر از جنس حدسیات و مشاهدات در تجمع هواداران بوده است: «یک سری نقاطی هستند که اصلا مشخص است که خودش ملاک تشخیص نادرست بودن نتایجی است که وزارت کشور اعلام کرده است. مثلا آذربایجان و ترک زبان‌ها هیچ وقت فرزند خودشان را نمی گذارند که به کس دیگری رای بدهند. خود من لر هستم و موسوی هم بارها گفته من داماد لرستان هستم. بنابراین اهالی لرستان موسوی را نمی گذارند، به آقای احمدی‌نژاد رای بدهند. این دو تا ملاک است و باقی موارد هم شبیه همین است. مجری تلویزیون بی بی سی از رهنورد پرسید: «رای آقای موسوی بر اساس برآوردهای شما چهار به یک بوده است. در قیاس آقای احمدی‌نژاد، مستندات شما چیست؟ » رهنورد پاسخ داد: «در شهرستان‌ها و تهران در واقع تجمع مردم حاکی از این بود که آرای موسوی بسیار بالاتر از آن است که اصلا قابل تصور باشد. هروقت طرفداران دو طرف حاضر می‌شدند طرفداران احمدی‌نژاد درمقابل طرفداران موسوی در حد یک صدم بودند. »

سایت‌های حامی موسوی ابتدااین مصاحبه راانکار و آن‌را تحریف «رسانه‌های حامی کودتا» دانستند. تلویزیون بی‌بی‌سی هم بر خلاف روش متعارف خود، تکرار این مصاحبه را پخش نکرد اما چند روز بعد صدای رهنورد از سوی چند وبلاگ و سایت اینترنتی منتشر شد و افکار عمومی با تعجب دریافت که واقعا رهنورد چنین استدلال‌هایی را برای اثبات تقلب در انتخابات مطرح کرده است. حوادث روزهای بعد به نحوی پیش رفت که موضوع تقلب و اثبات این ادعا به‌تدریج به موضوع فرعی تبدیل شد.

از صبح ۲۵ خرداد نیروهای امنیتی و پلیس در اطراف دانشگاه تهران و خیابان

کارگر شمالی مستقر شدند و این مناطق حالت امنیتی به خود گرفته بود. شب قبل و در شرایطی که معترضان در نقاط مختلف شمال تهران تجمعات اعتراض‌آمیز برگزار کرده بودند، عده‌ای از جوانان با ظاهر بسیجی و لباس شخصی به زور داخل مجتمع مسکونی سبحان واقع در بلوار کاوه در محله قیطریه شده و در پاسخ به سنگ پرانی برخی از ساکنان آن، به خودروهای پارک شده و تجهیزات این مجتمع مسکونی خسارت وارد آورده بودند. حمله به کوی‌دانشگاه و حمله مشابه به مجتمع مسکونی سبحان بسیار مشکوک بود و مانند ریختن بنزین به‌روی آتش، التهابات تهران را تشدید کرد. انگشت اتهام بلافاصله به‌سوی نیروهای لباس شخصی و بسیجی‌های خودسر نشانه رفت چراکه آنها در حادثه مشابه حمله به کوی‌دانشگاه در تیر ۱۳۷۸ هم متهم درجه اول شناخته شده بودند. سایت‌های مدافع موسوی در خارج با همراهی تلویزیون‌های بی‌بی‌سی و صدای آمریکا، موضوع را فراتر از حمله لباس شخصی‌ها عنوان و این حملات را در چارچوب کودتا علیه رای مردم و به منظور سرکوب و خفقان تحلیل می‌کردند. صداوسیما و رسانه‌های رسمی با تمرکز بر سایر حوادث عملا از کنار موضوع حمله به کوی‌دانشگاه عبور کردند و میدان برای جولان دادن رسانه‌های ضدانقلاب خالی گذاشته شد. وزیر کشور به استاندار تهران دستور داد حادثه کوی‌دانشگاه پیگیری، ماهیت واقعی مهاجمین شناسایی، از دانشجویان آسیب‌دیده دلجویی و مشکلات مادی و معنوی‌شان ترمیم و جبران شود اما خبری از نحوه یا اثربخشی اجرای این دستور منتشر نشد. رئیس‌مجلس شورای اسلامی هم هیاتی را به سرپرستی ابوترابی، نایب رئیس اول مجلس و با حضور نادران، زاکانی، سروری و جلالی مامور کرد تا درباره حوادث شب گذشته تهران تحقیق و گزارش تهیه کنند. همان روز لاریجانی در نطق پیش از دستور خود ضمن انتقاد از دخالت آمریکا و انگلیس در حوادث ایران از حمله عناصر خودسر به کوی‌دانشگاه و نیز مجتمع سبحان انتقاد کرد.

انتقاد لاریجانی از حمله لباس شخصی‌ها به مجتمع سبحان، انتقاد برخی اصول‌گرایان را به دنبال داشت. آنها رئیس‌مجلس را متهم می‌کردند در تشخیص مساله اصلی کشور (تهمت تقلب بزرگ در انتخابات و اقدام موسوی در به خیابان کشیدن هواداران خود و ایجاد آشوب و ناامنی به جای پیگیری اعتراضش از مسیر قانونی) دچار اشتباه شده و مساله فرعی مجتمع سبحان را بزرگ کرده است. (مانند یادداشت حمید رسایی در وبلاگ شخصی خود، ۱۸ مرداد)



یکی از اتاق‌های کوی‌دانشگاه تهران پس از حمله مشکوک بامداد ۲۵خرداد

همان روز دبیر و سخنگوی شورای نگهبان به طور جداگانه از نامزدهای معترض به نتیجه انتخابات دعوت کرد صبح روز سه‌شنبه ۲۶خرداد با حضور در شورای نگهبان، ضمن ارائه دلایل و مستندات اعتراض خود، در جریان نحوه پیگیری و چگونگی رسیدگی قانونی به اعتراض و شکایتشان باشند اما از سه

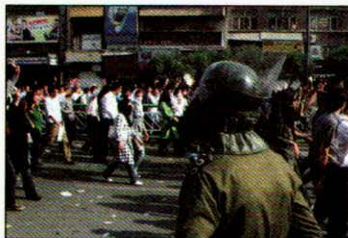
نامزد معترض، فقط محسن رضایی به دنبال شکایت و مستندات بود. موسوی و کروبی روش دیگری را برای پیگیری مطالباتشان برگزیده بودند.

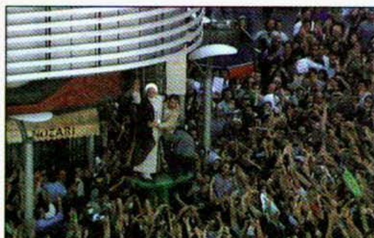
از صبح ۲۵ خرداد سایت‌های هوادار موسوی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای خبر حمله به کوی‌دانشگاه را با آب‌وتاب پخش می‌کردند و از کشته شدن تعداد زیادی از دانشجویان خبر می‌دادند. رسانه‌های رسمی طبق معمول این روزها ساکت بودند و با سکوت خبری خود، افکار عمومی حیرت‌زده و به‌شدت تشنه اخبار را به‌سوی شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های خبری حامی موسوی سوق می‌دادند.

ماجرای حمله به کوی و مجتمع سبحان به همراه سخنرانی تحریک‌کننده احمدی‌نژاد با تبلیغ شدید رسانه‌های ضدانقلاب روی مساله «خس‌وخاشاک»، همه چیز را برای قدرت‌نمایی طرفداران شدیدا تحریک شده موسوی فراهم کرده بود. دعوت میرحسین موسوی به تجمع در بعد ازظهر روز دوشنبه ۲۵خرداد، زمینه این قدرت‌نمایی را آماده کرد. شب قبل، شورای تامین استان تهران با تکذیب شایعه صدور مجوز برای تجمع فردا، هرگونه تجمع در میدان انقلاب و خیابان آزادی را غیرقانونی و فاقد مجوز اعلام کرد اما موج ایجاد شده و تشدید آن با تبلیغات و تحریف و حملات مشکوک یکشنبه شب، بزرگ‌تر از آن بود که اطلاعیه شورای تامین استان تهران بتواند جلوی آن را بگیرد.

از ظهر روز دوشنبه ۲۵ خرداد، جمعیت قابل ملاحظه‌ای با در دست داشتن پرچم‌های سبز و پوسترهای انتخاباتی موسوی به‌طرف خیابان آزادی به راه افتاد. حدود ساعت یک بعدازظهر ستاد موسوی با صدور اطلاعیه‌ای دعوت خود برای تجمع را پس گرفت و اعلام کرد خاتمی و موسوی برای بازگرداندن مردم و تلاش برای آرام کردن آنها، به سمت خیابان آزادی حرکت خواهند کرد. حوالی عصر، جمعیت عظیمی در خیابان آزادی گرد آمد. موسوی در میانه خیابان آزادی به جمعیت پیوست و با یک بلندگوی دستی برای حاضران سخنرانی کرد. کروبی

هم خود را به خیابان آزادی رساند و به ابراز احساسات حاضران پاسخ داد.











راهپیمایی بزرگ ۲۵خرداد، خیابان آزادی

مهم‌ترین شعارهای راهپیمایی ۲۵خرداد خیابان آزادی از این قرار بود:

دروغگو، دروغگو، ٦۳ درصدت کو

موسوی، موسوی، رای ما رو پس بگیر

تا احمدی‌نژاده، هر روز همین بساطه

کروبی بت‌شکن، بت بزرگ رو بشکن

خس‌وخاشاک تویی، ننگ این خاک تویی

اما با توجه به کثرت جمعیت و هیجان موجود، گاهی شعارها تند می‌شد. برخی سایت‌های حامی موسوی، نام این تجمع را راهپیمایی سکوت و حماسه «خس‌وخاشاک» گذاشتند. چند روز بعد و درشرایطی که رسانه‌های حامی موسوی مساله «خس‌وخاشاک» را کاملا جا انداخته بودند، اخبار صداوسیما طی مصاحبه‌ای با احمدی‌نژاد تلاش کرد سوء‌تفاهم ایجاد شده را برطرف کند. سیما حتی نوار سخنان احمدی‌نژاد را چندین بار پخش کرد اما در این مدت رسانه‌های هوادار موسوی طی یک توفان تبلیغاتی، آنقدر موضوع خس‌وخاشاک را تکرار کرده بودند که دیگر برای هواداران موسوی در صحت موضوع تردیدی باقی نمانده بود. سوءاستفاده از این تحریف بعدها هم ادامه یافت و موسوی چندین بار به عنوان کنایه از واژه «خس‌وخاشاک» در بیانیه‌هایش استفاده کرد.





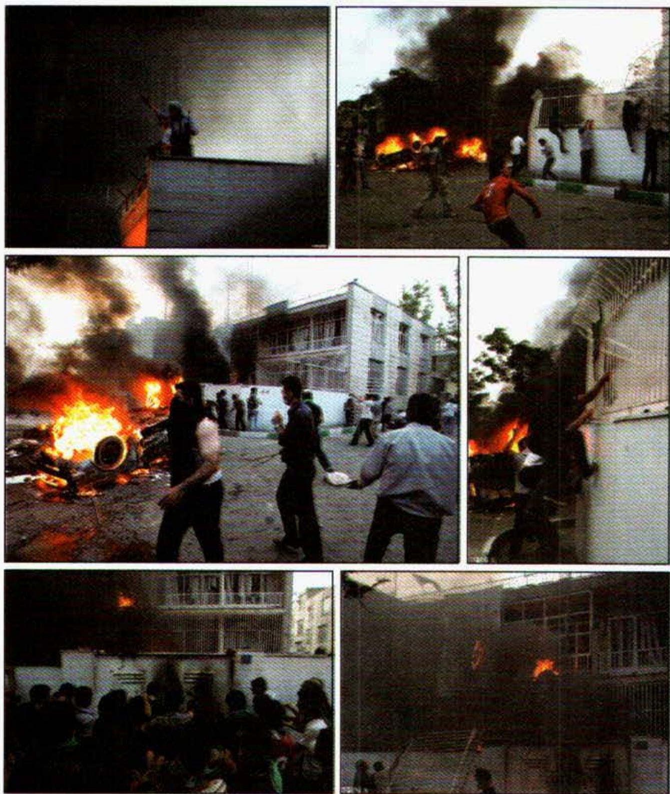
رسانه‌های هوادار موسوی با تحریف سخنرانی ۲۴خرداد احمدی‌نژاد طی یک توفان تبلیغاتی، آنقدر موضوع خس‌وخاشاک را تکرار کرده بودند که برای معترضان در صحت موضوع تردیدی باقی نمانده بود

رسانه‌های حامی موسوی تعداد حاضران در راهپیمایی ۲۵خرداد خیابان آزادی را میلیون‌ها نفر برآورد کردند. شایعه‌ای هم درباره اظهارنظر قالیباف – که تجمع خیابان آزادی را ۳ میلیون نفر برآورد کرده بود – منتشر شد که شهرداری تهران این شایعه را تکذیب کرد. تعداد واقعی تجمع‌کنندگان در خیابان آزادی، حدود پانصد تا ششصد هزار نفر برآورد شده است.

راهپیمایی ۲۵ خرداد نقطه عطفی در تحولات پس از انتخابات بود. هم از این

بابت که موسوی و کروبی را به ادامه اعتراض از مسیر به خیابان کشیدن هواداران خود امیدوار کرد و هم از این بابت که برای اولین بار یک تجمع اعتراضی با شلیک گلوله به کشته شدن معترضان و عابران انجامید. ماجرا از این قرار بود که هر چند فرمانداری تهران تجمع هواداران نامزدها در روز ۲۵ خرداد در خیابان آزادی را غیرقانونی اعلام کرد اما پلیس ممانعتی از برگزاری این تجمع نکرد و راه مدارا و تلاش برای پیشگیری از درگیری و آشوب را در پیش گرفته بود.

در پایان راهپیمایی و در شرایطی که جمعیت اصلی متفرق شده بود، افراد باقی‌مانده شروع به سنگ‌پرانی به طرف ادارات دولتی و بانک‌ها و آتش‌زدن سطل آشغال‌ها کردند. پلیس طبق معمول این روزها با تعداد نفرات کم وارد معرکه شد و در برابر سنگ‌پرانی تجمع کنندگان، عقب نشست. حوالی ساعت ۷ تعدادی از معترضین هیجان زده به‌سوی پایگاه بسیج مقداد در نزدیکی میدان آزادی رفته و به‌سوی آن بمب آتش زا و سنگ پرتاب کردند. سپس به قصد تصرف آن، از دیوارهایش بالارفتند. از آنجا که داخل پایگاه اسلحه خانه وجود داشت، محافظان ابتدا با اخطار زبانی و سپس پرتاب سنگ و تهدید شلیک هوایی مانع ورود مهاجمان به پایگاه شدند اما چند نفر از حمله کنندگان با اعلام اینکه محافظان اجازه شلیک ندارند، دیگر جوانان را به بالا رفتن از دیوار و شکستن در پایگاه برای ورود به آن تحریک می‌کردند. (فیلم حمله به پایگاه مقداد در عصر روز ۲۵خرداد۸۸ در اینترنت موجود است.)

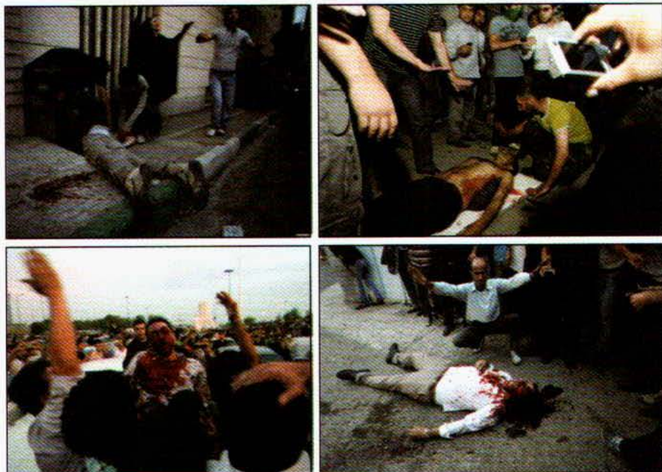


حمله به پایگاه مقداد، عصر ۲۵ خرداد ۸۸، نزدیک میدان آزادی

در این ماجرا اسلحه خانه پایگاه به دست مهاجمان نیفتاد اما ۷ تن کشته و تعدادی مجروح شدند. دو نفر از کشته‌شدگان مادر و دختری بودند که در مهدکودک مجاور پایگاه قصد مراجعه به منزلشان را داشتند.

از همان غروب ۲۵ خرداد، تلویزیون‌های بین‌المللی و نیز سایت‌ها و تلویزیون‌های حامی موسوی به‌ویژه صدای آمریکا و بی‌بی سی فارسی از اقدام پلیس و بسیجیان به شلیک مستقیم و «کشتن مردم» خبر دادند و با انتشار عکس

مجروحان و مقتولان حمله به پایگاه بسیج، اخبار خود را مستند و واقعی جلوه می‌دادند. اخبار صدا و سیما بدون اشاره به درگیری پس از این تجمع، گوشه کوچکی از تجمع بزرگ هواداران موسوی در خیابان آزادی را پخش کرد.



از غروب ۲۵ خرداد، سایت‌ها و تلویزیون‌های حامی موسوی با انتشار عکس مجروحان و مقتولان حمله به پایگاه بسیج، از «کشتن مردم به جرم حضور در راهپیمایی سکوت» خبر دادند

روز ۲۶ خرداد به تدریج شایعه کشته شدن ده‌ها نفر در خیابان آزادی سر زبان‌ها بود و رسانه‌های ضد انقلاب و سایت‌های حامی موسوی تلفات «راهپیمایی سکوت» را بسیار زیاد عنوان می‌کردند و نیروی انتظامی و بسیج را به‌خاطر «کشتن مردم» به باد انتقاد می‌گرفتند. این در حالی بود که پلیس و نیروهای کمکی بسیج برای متفرق کردن تجمع کنندگان اصولا به سلاح گرم مجهز نبودند و در تلاش برای متفرق کردن تجمعات غیرقانونی، تعداد زیادی از ماموران پلیس زخمی می‌شدند. در اروپا و آمریکا، هواداران مجاهدین خلق، سلطنت‌طلبان و انواع دیگر مخالفان جمهوری اسلامی با مشاهده اخبار و حوادث تهران به وجد آمدند و

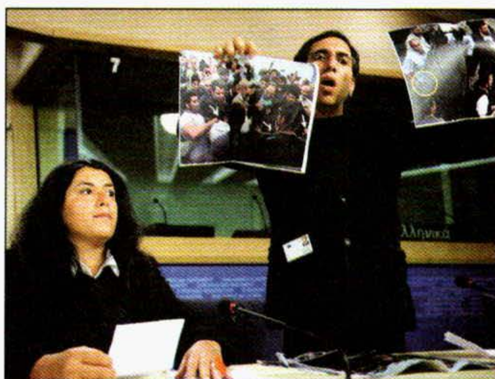
تظاهرات به راه انداختند. در سوئد، تجمع ضد انقلاب‌ها در مقابل سفارت ایران در استکهلم چنان پر شور شد که تعدادی از آنها به سفارت حمله و برای ساعتی آن‌را تصرف کردند. (خبرگزاری‌ها، ۷تیر) در نیویورک، اکبر گنجی در مقابل سازمان ملل دست به اعتصاب غذا زد. این حرکت با استقبال بسیاری از گروه‌های ضدانقلاب روبه‌رو شد و حتی فائقه آتشین (گوگوش، خواننده پیش از انقلاب) هم اعلام کرد برای حمایت از حرکت گنجی خود را به مقابل سازمان ملل خواهد رساند. این حرکت پس از سال‌ها امید را در دل ضدانقلاب زنده کرد به طوری که یکی از هواداران ضدانقلاب در سایت دنباله نوشت: «وقتی خبر پیوستن گوگوش به اکبر گنجی رو خوندم، از اتحادی که بعد از این همه سال بین ایرانیان به‌وجود اومده، تو چشمام اشک شوق حلقه زد. یعنی ممکنه ...» (سایت دنباله، ۳۱خرداد)



حضور گوگوش در حمایت از اعتصاب غذای اکبر گنجی، ۳۱خرداد۸۸
نیویورک، مقابل سازمان ملل متحد

روز ۲۵خرداد محسن مخملباف و مرجانه ساترابی دو کارگردان مخالف جمهوری اسلامی به مقر پارلمان اروپا در بروکسل رفتند و با معرفی خود به‌عنوان نمایندگان موسوی و ملت ایران، از کشورهای اروپایی خواستند دولت جدید ایران را به رسمیت نشناسد. مخملباف در مقابل ۲۰۰خبرنگار خطاب به نمایندگان کشورهای اروپایی گفت: «رژیم کودتای احمدی‌نژاد را به رسمیت

نشناسید ... کمی صبر کنید تا مردم ایران بتوانند رئیس جمهور واقعی خودشان را به شما معرفی کنند.» (صدای آمریکا، ۲۵خرداد)

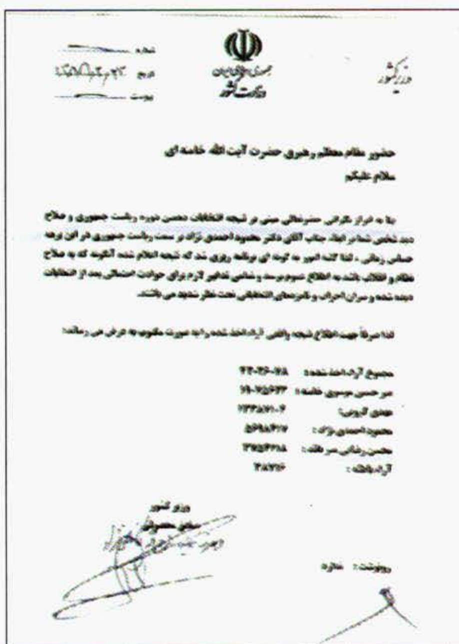


محسن مخملباف و مرجانه ساتراپی در پارلمان اروپا، ۲۵خرداد۸۸

مرجانه ساتراپی هم نامه‌ای را نشان داد و مدعی شد وزیر کشور روز ۲۳خرداد نتیجه واقعی انتخابات حاکی از پیروزی موسوی با ۱۹ میلیون رای را به رهبری اطلاع داده است و نتیجه انتخابات به درخواست رهبری، معکوس شده است.



مرجانه ساترابی متن نامه منسوب به وزارت کشور را در پارلمان اروپا به خبرنگاران نشان می‌دهد ۲۵خرداد۸۸



وزارت کشور

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور

شماره
تاریخ [illegible]
پیوست

حضور مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای

سلام علیکم

بنا به ابراز نگرانی حضرتعالی مبنی بر نتیجه انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و صلاح دید شخص شما بر ابقاء جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد بر سمت ریاست جمهوری در این برهه حساس زمانی ، لذا کلیه امور به گونه ای برنامه ریزی شد که نتیجه اعلام شده آنگونه که به صلاح نظام و انقلاب باشد به اطلاع عموم برسد و تمامی تدابیر لازم برای حوادث احتمالی بعد از انتخابات دیده شده و سران احزاب و نامزدهای انتخاباتی تحت نظر شدید می باشند.

لذا صرفاً جهت اطلاع نتیجه واقعی آراء اخذ شده را به صورت مکتوب به عرض می رسانم:

مجموع آراء اخذ شده: ۴۲۰۲۶۰۷۸
میر حسین موسوی خامنه: ۱۹۰۷۵۹۷۳
مهدی کروبی: ۱۳۳۸۲۱۰۲
محمود احمدی نژاد: ۵۶۹۸۲۱۷
محسن رضایی میر قائد: ۳۷۵۴۳۱۸
آراء باطله: ۳۸۷۱۶۰

وزیر کشور
صادق محصولی

رونوشت: ندارد

نامه‌ای که مرجانه ساتراپی ارائه کرد، یکی از اسناد برای اثبات تقلب در انتخابات شد

نامه‌ای که ساتراپی به خبرنگاران نشان داد، نه شماره داشت و نه حتی یک مهر و آن را به‌جای وزیر کشور، شخصی از طرف وزیر امضا کرده بود. در آن روزها این نامه به عنوان سند مهم ستاد موسوی درباره تقلب در انتخابات در اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای منتشر شد و طرفداران موسوی به آن استناد می کردند. رسانه‌های طرفدار موسوی طی هفته‌های قبل از انتخابات آنقدر درباره تقلب تبلیغات کرده بودند که کسی از طرفداران موسوی از خود و دیگران نپرسید - یا نتوانست بپرسد- نامه‌ای با این سطح از طبقه بندی، چرا مهر محرمانه یا سری ندارد؟ وزیر کشور چنین مطلبی را چرا مکتوب به رهبری اطلاع داده اما خود امضا نکرده است؟ و اصلا نامه به این مهمی در اروپا و دست مرجانه ساتراپی چه می کند؟!

در تهران و در پی آشوب‌های شدید پس از راهپیمایی ۲۵ خرداد و تخریب اموال عمومی و خصوصی، موسوی ۲۷ خرداد با انتشار بیانیه‌ای، آشوب‌ها و حمله به اموال عمومی و خصوصی را به طرف مقابل نسبت داد و نوشت: «همان گونه که مردم فهیم تهران در تجمع روز دوشنبه به روشنی نشان دادند ما در پی اعتراض آرام به روند ناسالم برگزاری انتخابات و تحقق هدف ابطال انتخابات و تجدید آن براساس راهکارهایی هستیم که عدم تکرار تقلب‌های فضاحت بار انتخابات پیشین را تضمین کند. لذا حساب ما از کسانی که با آشوب و تخریب اموال خصوصی و عمومی فضای جامعه را متشنج کنند و آن را به سوی هرج و مرج ببرند جداست بلکه اطلاعاتی که به دست ما رسیده است، نشان می دهد این اصحاب تقلب و دروغ هستند که برای تکمیل طرح خود به بانک‌ها و ادارات و اموال مردم حمله می کنند و آنها را تخریب می نمایند. بنابراین، عموم مردم را به هوشیاری در برابر این نقشه فریبکارانه و تداوم اعتراض با حفظ آرامش دعوت می کنم. مردم می دانند چه کسانی خوابگاه دانشجویان را ویران کردند و دانشجویان پسر و دختر را کتک زدند یا در شمال میدان آزادی مردم را به شهادت رساندند. راهی که ملت برای رسیدن به پیروزی و احقاق حقوق نقض شده‌اش انتخاب کرده‌است، استفاده از روش‌های صلح آمیز و دوری از خشونت است.» (بیانیه چهارم موسوی، چهارشنبه ۲۷ خرداد)

موسوی درحالی طرف مقابل خود (دولت) را به ایجاد آشوب و اغتشاش متهم می کرد که طرف پیروز در انتخابات (دولت) و نیز نیروهای وفادار به نظام از آشوب پس از انتخابات نه فقط هیچ سودی نمی‌بردند، بلکه این آشوب‌ها مشروعیت انتخابات و دولت را زیر سوال می‌برد و کاملا به نفع جریان معترض بود چرا که دلیلی بر غیرعادی و بی‌ثبات بودن شرایط و ناراحتی حداقل بخشی از مردم از نتیجه اعلام شده انتخابات تلقی می شد.

سایت‌های حامی موسوی با انتشار عکس محافظان پایگاه مقداد، نام و نشانی محل سکونت آنها را اعلام می کردند اما اخبار رسمی صدا و سیما حتی

درباره دلیل کشته‌شدن ۷ نفر در خیابان آزادی هیچ خبری منتشر نمی‌کرد و فقط با خانواده مادر و دختر کشته شده (به نام رجب‌پور) در مهدکودک مجاور پایگاه بسیج مصاحبه کرد بدون اینکه به دیگر جانباختگان و محل و نحوه مرگشان اشاره‌ای کند. سکوت رسانه‌های رسمی درباره این اخبار داغ، مردم تشنه خبر را به شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های هوادار موسوی سوق می‌داد. آنها هم به شکلی کاملا یکطرفه، «آشوبگران» را «مردم» معرفی و از تجمعات معترضان چنان خبر می‌دادند که گویی یک انقلاب خونین در شرف وقوع است و جمهوری اسلامی از روی ناامیدی در سرکوب تظاهرات‌ها، به روی مردم آتش می‌گشاید. (به سایت‌های روز آنلاین، نوروز، ادوارنیوز، گویانیوز،کلمه، قلم، رادیوفردا و سایت‌های ضد انقلاب در ایام ۲۳ تا ۳۱ خرداد۱۳۸۸ مراجعه شود).

در آن شب‌ها شمال تهران اوضاع ناآرام و ملتهبی داشت. بیشترین آشوب‌ها از محله سعادت‌آباد و شهرک غرب گزارش می‌شد. حتی شایع بود معترضان به چند ساختمان شهرداری حمله و آنجا را تصرف کرده‌اند. در سایر خیابان‌های شمال تهران نیز حرکت خودروها در حال به صدا در آوردن ممتد بوق، در ساعات اولیه شب قابل مشاهده بود.

به‌زودی الله اکبرهای شبانه به عنوان روش جدید اعتراض به نتایج انتخابات هم با اعلام هماهنگ تلویزیون‌های ماهواره‌ای شکل گرفت. رسانه‌های فارسی زبان مقیم آمریکا و اروپا - که طی ۳۰ سال با همه مظاهر انقلاب و بعضا دین مخالفت می‌کردند- از طرفداران موسوی می‌خواستند ساعت ۹ شب با حضور در پشت بام‌ها ندای الله‌اکبر سر دهند. با خط‌دهی شبکه‌های ماهواره‌ای به الله‌اکبر به‌تدریج شعارهای جدیدی هم اضافه شد:

یا حسین .... میرحسین

موسوی دلاور ... برس به داد ملت

مرگ بر دیکتاتور

فصل ۱٦

نصیحت و اتمام حجت

روز سه‌شنبه ۲٦ خرداد نمایندگان سه نامزد معترض به نتیجه، در شورای نگهبان حاضر شدند. در این جلسه ابتدا گزارشی از روند برگزاری انتخابات از جمله توزیع تعرفه‌ها، صندوق‌ها، نحوه شمارش آرا و تکمیل صورتجلسه‌ها (فرم‌های ۲۲ و ۲۸) به علی اکبر محتشمی (نماینده موسوی)، غلامحسین کرباسچی (نماینده کروبی) و داوود دانش جعفری (نماینده محسن رضایی) ارائه و از آنها خواسته شد، مستندات خود را درباره تخلفات ارائه کنند. هر سه نامزد به ترتیب تخلفاتی نظیر تهمت رئیس‌جمهور به افراد غایب در جریان مناظره‌ها، هزینه کردن از امکانات دولتی برای تبلیغات انتخاباتی و راه ندادن ناظران کاندیداها به شعب اخذ رای ارائه دادند. از سوی مسوولان شورای نگهبان نیز به آنها اعلام شد، طبق قانون و مقررات انتخابات ریاست‌جمهوری، مستندات آنها باید با ذکر شماره و محل صندوق و «نوع تخلف تصریح شده در متن قانون» ارائه شود. نهایتا شورای نگهبان از نمایندگان نامزدها خواست در مهلت باقی‌مانده قانونی (۲۷ خرداد)، مصادیق و مستندات شکایات خود را ارائه کنند. (توضیحات سخنگوی شورای نگهبان، ۲٦خرداد)

روز ۲٦ خرداد همچنین وزارت خارجه برای دومین بار در این هفته سفیر

انگلستان را احضار و نسبت به اظهارات گستاخانه نخست وزیر و وزیر خارجه این کشور شدیدا به وی اعتراض کرد.

در روزهای گذشته گوردون براون و میلیبند، خشونت علیه شهروندان و بستن رسانه‌های معترضان در ایران را محکوم کرده بودند. دو روز قبل وزارت خارجه در اولین احضار سفیر انگلستان به نقش رسانه‌های دولتی این کشور (تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی) در انتشار شایعات، زیر سوال بردن سلامت انتخابات و تحریک آشوبگران اعتراض کرده بود. روز جمعه نیز حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های تاریخی ۲۹ خرداد از دخالت مقامات غربی در انتخابات ایران به‌بهانه حقوق بشر به شدت انتقاد و دولت انگلستان را در این راه از همه «خبیث‌تر» معرفی کردند. فردای آن روز دیوید میلیبند وزیر خارجه انگلستان در یادداشتی در روزنامه سان نوشت: «بریتانیا قصد دخالت در امور داخلی ایران را ندارد... انتخابات در ایران توجه ما را به خود جلب کرد. ما با علاقه این رقابت‌ها را مشاهده کردیم. نامزدها در مناظره‌های پرشور درباره بهترین مسیر پیش‌روی کشورشان شرکت کردند... آیت‌الله‌علی خامنه‌ای غرب را به دست داشتن در ناآرامی‌ها متهم کرده ولی ما به هیچ کس اجازه نخواهیم داد تا صحنه‌ها در خیابان‌های تهران را به نبرد ایران و انگلیس تبدیل کند. پیام من به مردم ایران ساده است: شما درباره آینده کشورتان تصمیم می‌گیرید.» (فارس به نقل از رویترز، ۳۰خرداد)

روز ۲۶ خرداد احمدی‌نژاد طبق برنامه قبلی، در سفری یک‌روزه به روسیه در اجلاس سران پیمان شانگهای شرکت کرد. عصر آن روز اجتماع مردمی بزرگی به دعوت مقامات رسمی در اعتراض به آشوب‌ها در میدان ولی‌عصر تهران برگزارشد که در آن حداد عادل ضمن سخنرانی، دلایل سلامت انتخابات را تشریح کرد و از نامزدها خواست اعتراض خود را از مسیر قانونی پیگیری کنند. (فارس، ۲۶ خرداد)

همزمان با تجمع بزرگ میدان ولی‌عصر، تعدادی از هواداران موسوی حوالی

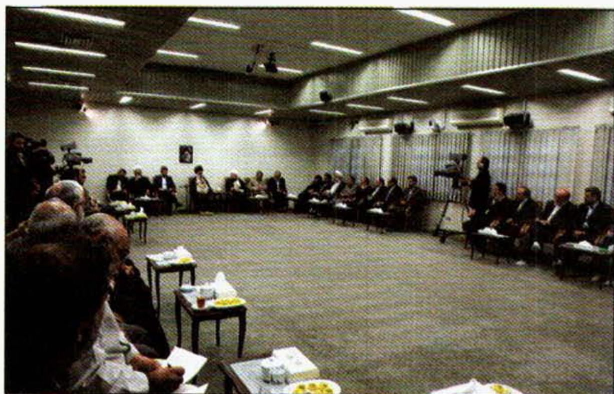
میدان ونک تجمع کردند و به طرف میدان تجریش به راه افتادند. نکته قابل ملاحظه در این تجمع، حضور و سخنرانی فائزه هاشمی در آن بود که حاضران را به ادامه حضور خیابانی در روزهای آینده دعوت می‌کرد. بخشی از سخنرانی فائزه هاشمی همان شب از تلویزیون پخش شد و مفسر خبر از تلاش‌های مشکوک برای ادامه ناآرامی و آشوب‌ها خبر داد.



در جریان اعتراض‌ها و آشوب‌های پس از انتخابات، فائزه هاشمی شخصا در میدان حاضر می‌شد و معترضان را به ادامه حضور در خیابان‌ها تشویق می‌کرد، ۲۶خرداد، مقابل صدا و سیما

اما مهم‌ترین خبر روز ۲۶ خرداد، دعوت رهبر انقلاب از مسوولان ستاد انتخاباتی هر چهار کاندیدا بود تا در کنار نمایندگان شورای نگهبان و وزارت کشور، رو در روی هم و در حضور رهبری با هم صحبت کنند. در این جلسه محمدرضا بهشتی از ستاد موسوی و داوود دانش‌جعفری از ستاد رضایی تندتر از بقیه صحبت کردند و نمایندگان موسوی و کروبی هم خواستار ابطال انتخابات به دلیل تخلفات احمدی‌نژاد در آن شدند. نمایندگان ستاد احمدی‌نژاد هم گفتند انتخابات برگزار شده و درخواست ابطال آن مانند جرزنی بعد از باختن بازی است. در این جلسه رهبر انقلاب ضمن دعوت نامزدهای معترض به پیگیری

شکایتشان از مسیر قانونی تاکید کردند: « مسیر اعتراض روشن است. من به شورای نگهبان می گویم با دقت به شکایت‌های شما رسیدگی کند. صندوق‌هایی که به آنها اعتراض دارید را هم به طور تصادفی باز شماری کنید. اگر نتایج بازشماری با آنچه اعلام شده مغایر بود، صندوق‌های بیشتری را بازشماری کنید تا به نتیجه روشنی برسید. مسیر اعتراض قانونی حتی تا ابطال نتیجه انتخابات، مشخص است اما درخواست ابطال نتایج، خارج از مسیر قانونی را به هیچ وجه نخواهم پذیرفت.» (نقل قول یکی از حاضران در آن جلسه برای نویسنده) رهبر انقلاب سه روز بعد در خطبه‌های ۲۹ خرداد نیز چنین جملاتی را بیان کردند.



دیدار و گفت‌وگوی مسوولان ستادهای انتخاباتی نامزدها با رهبر انقلاب
در حضور مسوولان اجرایی و نظارت انتخابات، ۲۶خرداد۱۳۸۸

در این دیدار همچنین رهبر انقلاب خطاب به نمایندگان نامزدها گفتند: « آن کسانی که اجتماع می کنند برای حمایت از یک نامزد، با آن کسانی که اجتماع می کنند برای حمایت از نامزد دیگر، هر دو ملت ایرانند، گروه‌هایی از مردمند؛ ما باید با این دید نگاه کنیم. آرایی هم دارند؛ یک جمعی رأی به این دادند، یک جمعی رأی به آن دادند. البته قاعده مردمسالاری این است که اکثریت بر اقلیت در مقام عمل تقدم پیدا می کند؛ یعنی آن کسی که اکثریت به او رأی دادند، او

مسوولیت را به عهده می گیرد؛ این قاعده مردمسالاری است اما این به معنای ایجاد تزاحم و ایجاد تعارض و دشمنی نیست. با ایجاد دشمنی همه‌تان مقابله کنید. این مخصوص یک نامزد یا یک ستاد یا یک مجموعه نیست؛ همه وظیفه دارند که با ایجاد نقار و دشمنی و کدورت مقابله کنند. بله، ممکن است کسانی همان‌طور که حالا آقایان هم ذکر کردید، اشکالات و اعتراضاتی را بر مجاری گوناگون امور در انتخابات ثبت کرده باشند و اعتراض داشته باشند، که البته راه‌های قانونی وجود دارد. رسیدگی به اینها حتماً باید انجام بگیرد. مواردی را آقایان ذکر کردید. من درخواست می کنم از آقایان مسوول در وزارت کشور و همچنین در شورای نگهبان که به این موارد دقیقاً رسیدگی کنند. اگر چنانچه بعضی از اشکالات مقتضیِ این هست که پاره‌ای از صندوق‌ها بازشماری بشود، اشکالی ندارد. حالا مثلاً یک مورد را آقایان ذکر کردند که آن شخص گفته که رأی فلان نامزد این تعداد است، بعد در شمارش تعداد دیگری معرفی شده؛ خیلی خوب، کاری ندارد؛ صندوق‌های مورد اشکال را، یا به طور تصادفی تعدادی از صندوق‌ها را بازشماری کنند؛ خودِ نمایندگان ستادها هم حضور داشته باشند و ببینند تا اطمینان کامل برای همه حاصل بشود.» (سایت رهبر انقلاب، ۲٦خرداد) مشروح بیانات مهم رهبر انقلاب در این دیدار در بخش پایانی این کتاب ارائه شده است.

در میان سه نامزد معترض به نتیجه انتخابات، موسوی شواهد ظاهرا محکم‌تری برای اعتراض داشت. البته شواهد او یا خارج از موارد مصرح در مواد ۲۵ و ۳۳ قانون انتخابات ریاست‌جمهوری مصوب ۵ تیر ١٣٦٤ بود و یا همان‌طور که زهرا رهنورد به بی بی سی گفت، ناشی از احساس پیروزی و مشاهده تعداد هواداران خیابانی در تهران بود. در این میان کروبی هم خود را معترض به نتیجه نشان می‌داد و دلیل اعتراض خود را حفاظت از رای ملت عنوان می‌کرد. محسن رضایی هم که از دوقطبی شدن انتخابات شدیدا ضرر کرده بود، در هفته اول با موسوی و کروبی همراه شد و به نتیجه اعتراض می‌کرد. تفاوت اعتراض

رضایی با اعتراض موسوی و کروبی این بود که رضایی از مسیر قانونی پیگیر اعتراض خود بود. ستاد رضایی برای توجیه اعتراض خود به نتیجه، از کسانی که به رضایی رای داده بودند خواست کدملی خود را برای سایت تبلیغاتی رضایی بفرستند. ستاد رضایی روز ۲۷خرداد اعلام کرد ۹۰۰ هزار کد ملی برایش ارسال شده. تعداد آرای رضایی در انتخابات، ٦٥٠ هزار رای بود. این کار ستاد رضایی در بی بی سی و دیگر رسانه‌های ضد انقلاب مکررا و با آب و تاب منعکس شد. آنها این کار ستاد رضایی را شاهد محکمی برای تقلب در انتخابات معرفی می‌کردند. به‌زودی چندین فعال سیاسی رسانه‌ای به رضایی یادآوری کردند تعداد کدملی‌های رسیده به سایت او نمی‌تواند دلیل تقلب یا اشتباه در شمارش آرا باشد چرا که هرکسی حتی کسی که به وی رای نداده ، می‌تواند برای زیر سوال بردن نتیجه انتخابات، شماره‌ای ده رقمی یا حتی کد ملی واقعی اش را به سایت وی ارسال کرده باشد. رضایی خیلی زود فراخوان برای دریافت کدملی را کنار گذاشت و مسیر قانونی اعتراض یعنی دریافت نتایج آرای صندوق‌ها و مقایسه آنها با گزارش‌های ناظرانش را پیگیری کرد.

روز چهارشنبه ۲۷ خرداد، مجددا هواداران موسوی با اطلاع‌رسانی تلویزیون‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی در میدان‌های هفت تیر و ونک تجمع کردند. موسوی در این روز دو بیانیه (شماره‌های ۳ و ٤) صادر کرد و در آنها ضمن تاکید بر ابطال انتخابات، با استناد به اصل ۲۷ قانون اساسی خواستار برگزاری تجمع و راهپیمایی آزاد شد و با خانواده دستگیرشدگان و آسیب‌دیدگان روزهای اخیر همدردی کرد.



تجمع هواداران موسوی در خیابان ولی عصر مقابل صداوسیما، چهارشنبه ۲۶خرداد

پلیس این روزها واقعا مستاصل و سردرگم به نظر می‌رسید. از یک‌سو موظف بود از برگزاری تجمع پیشگیری کند و از سوی دیگر تلاش می‌کرد اراذل و اوباش، خود را در میان تجمع کنندگان جا نزنند و سوء استفاده نکنند. از همه بدتر اینکه وقتی جمعیت معترضین قصد حرکت به سویی و اخلال در نظم عمومی را می‌کرد، پلیس باید با کمترین تحریک و با حداقل استفاده از زور، آنها را از ادامه تجمع منصرف و متفرق می‌کرد. ۲۷ خرداد برخی سایت‌ها خبر دادند ماموران ناجا در میدان ونک از حمله لباس شخصی‌ها به معترضان هوادار موسوی جلوگیری کردند و معترضین هم ماموران ناجا را تشویق کردند. در تجمعات ۲۷خرداد، درخواست موسوی برای برنامه حضور در مساجد و تکایا با نمادهای عزاداری برای کشته‌شدگان حوادث اخیر و تجمع عصرپنج‌شنبه در میدان امام خمینی دهان‌به‌دهان می‌چرخید. در برخی شهرها تظاهرات اعتراض‌آمیز نسبت به آشوب‌ها و ناامنی‌های تهران برگزار شد. این روزها موضوع تبریک گفتن یا نگفتن مقامات خارجی به احمدی‌نژاد سوژه جذاب رسانه‌های طرفدار موسوی شده و آنها تلاش می‌کردند با کم نشان دادن این تبریک‌ها، دولت احمدی‌نژاد

را نامشروع جلوه دهند.

روز پنج‌شنبه ۲۸ خرداد انبوه طرفداران موسوی پس از تجمع در میدان امام خمینی به طرف میدان فردوسی حرکت کردند. موسوی در این تجمع حاضر شد و دقایقی برای حاضران سخنرانی کرد. پلیس همچنان مراقب بود اوباش از این تجمعات سوءاستفاده نکنند و گویی انتظار فرجی می‌کشید تا بلکه این غائله روزانه خاتمه پیدا کند.



«آقای احمدی نژاد، ما مردم انسان هستیم نه اوباش»
تجمع هواداران موسوی در میدان امام خمینی تهران، پنج‌شنبه۲۸خرداد

راهپیمایی ۲۸خرداد بیشتر به سکوت گذشت اما برخی پلاکاردهای در دست تجمع کنندگان معنی‌دار بود:

ما ملتیم، نه اوباش
سکوتم بلندترین فریاد است
برادرم را کشتند چون پرسید رای من کجاست
نخست وزیر امام ... رئیس جمهور ایران
رای من نام سیاه تو نبود
میزان رای ملت بود، یادش به‌خیر

ببین چه بلند است نعره‌های سکوت
یک میلیارد دلار گم شده نفت خرج کودتا شد
گیرم که می‌زنید ... گیرم که می‌کشید ... گیرم که می‌برید ...، با رویش ناگزیر جوانه چه می‌کنید؟
ابطال انتخابات حق مسلم ماست ... همراهی رسانه خواسته ملت ماست
ما شیریم و خورشید پشت ماست
رای من کجاست؟
اشتباهی که پشیمانم کرد ... اعتمادی‌است که بر دولت ایران کردم
یا مرگ یا آزادی
Where is my vote?
We want freedom





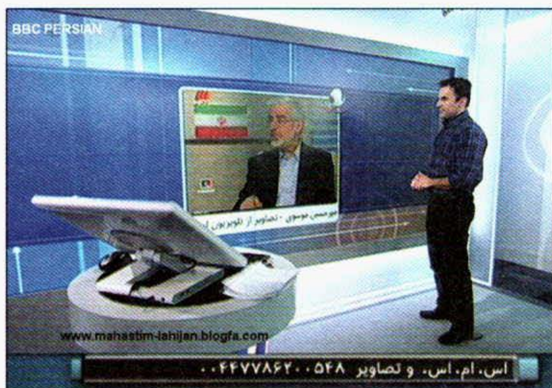
راهپیمایی سکوت و گرامیداشت کشته شدگان جنبش سبز، میدان امام‌خمینی، ۲۸ خرداد

این شعارها و پلاکاردها هر روز در شبکه‌های اجتماعی اینترنت به ویژه فیس‌بوک، توییتر و بالاترین، متولد و به سرعت میان طرفداران موسوی منتشر می‌شد. موسوی بعدها از کارایی این شبکه‌ها به‌جای رسانه‌های رسمی در بیانیه‌های خود تجلیل کرد.

تکبیرهای شبانه در شمال تهران همچنان جریان داشت و شب‌ها محله سعادت آباد عملا از کنترل پلیس خارج بود. تعداد سرقت‌ها در این ایام به شکل محسوسی افزایش یافته و حتی کسانی که جاده‌های بین‌شهری سفر می‌کردند، حضور پلیس راه را بسیار کم‌رنگ می‌دیدند.

علاوه بر انتخاب شعار و تعیین محل راهپیمایی روزهای بعد، اعتراض به ندادن مجوز تجمع آزاد، مهم‌ترین موضوع سایت‌ها و رسانه‌های حامی موسوی بود. بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا هر روز با حقوقدانان مختلف مقیم خارج درباره ابعاد مختلف اصل ۲۷ قانون اساسی مصاحبه و درباره علل خودداری دولت در ارائه مجوز تجمع به هواداران موسوی تحلیل می‌کردند. دولت در این‌باره سکوت کامل اختیار کرده بود و گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو سیما هم هر شب مهمانی داشت که معمولا بدون اشاره و توجه به انبوه شایعات و شبهه‌هایی که بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا ۲۴ ساعته تولید و پخش می‌کردند، درباره سلامت انتخابات توضیحاتی می‌داد.

بی‌بی سی فارسی از حدود ٦ ماه پیش از انتخابات برنامه‌های خود را از روزی ٦ ساعت به حالت شبانه‌روزی درآورده در فضای رسانه‌ای ایران میدان داری می‌کرد. سخنگوی شورای نگهبان و رئیس ستاد انتخابات در این شب‌ها چند بار به صداوسیما رفتند و به «برخی» سوالات و شبهه‌ها پاسخ‌های نسبتا منطقی و اقناع کننده‌ای می‌دادند اما با وجود فیلتر بودن سایت‌های حامی موسوی و ارسال پارازیت روی بی‌بی سی و صدای آمریکا، هیاهوی معترضین چنان بلند بود که گویا پاسخ‌های مسوولان برگزاری انتخابات را نمی‌شوند. تحولات ماه‌های بعد روشن کرد اقلیتی از معترضین اصولا مساله‌شان سلامت یا تقلب در انتخابات نبود و مساله انتخابات را بهانه‌ای برای آشوب، ضربه‌زدن و در صورت امکان، براندازی جمهوری اسلامی کرده بودند.



بی‌بی‌سی فارسی از حدود ۶ ماه پیش از انتخابات، برنامه‌های خود را
از روزی ۶ساعت به حالت شبانه روزی درآورده و در انفعال رسانه ملی، میدان‌داری می‌کرد

روز ۲۸خرداد مجمع روحانیون مبارز برای تجمع فردا ۲۹ خرداد در میدان انقلاب بیانیه صادر کرد اما با توجه به اعلام برگزاری نماز جمعه توسط رهبر انقلاب، از برگزاری این تجمع منصرف شد. خبرگزاری فارس از ممنوع الخروج شدن مهدی و فائزه رفسنجانی خبر داد. در این روز صداوسیما همچنین با دانشجویانی که سایت‌های موسوی آنها را کشته‌های حمله به کوی معرفی می‌کردند مصاحبه می‌کرد. همه در انتظار خطبه‌های نماز جمعه فردا بودند.

از صبح روز جمعه ۲۹ خرداد جمعیت عظیم و بی‌سابقه‌ای در دانشگاه تهران و خیابان‌های اطراف گردآمد. خلاصه مهم‌ترین نکات خطبه‌های رهبر انقلاب چنین بود:

- یک دنیا تجلیل و تعظیم و تشکر از ملت ایران به‌خاطر حضور بی‌سابقه و احساس مسوولیت در روز ۲۲خرداد.

- مناظره‌ها در سطح مدیریتی با حذف عیوب و نکات منفی آنها و با رعایت اخلاق و پرهیز از تخریب و سیاه‌نمایی ادامه یابد.

- درباره فساد، هرکس هر ادعایی دارد، بایستی در مجاری قانونی خودش

اثبات شود و قبل از اثبات نمی‌شود اینها را رسانه‌ای کرد. هاشمی خدمات زیادی کرده و اموال خود را برای انقلاب داده و چیزی برای خودش نیندوخته است. ناطق نوری هم همین‌طور.

- نظر احمدی‌نژاد به رهبری نسبت به نظر هاشمی در مورد نحوه اجرای عدالت اجتماعی، مسائل خارجی و برخی مسائل فرهنگی نزدیک‌تر است.

- هر چهار نامزد و همه ٤٠ میلیون رای دهنده در جبهه انقلاب حضور دارند.

-مجاری قانونی تنها مسیر رسیدگی به شبهه‌ها و شکایت‌های انتخاباتی است. رهبری هرگز زیر بار بدعت‌های غیرقانونی برای ابطال انتخابات نخواهد رفت.

- سیاسیون و صاحبان تریبون‌ها مراقب رفتار و گفتار خود باشند. کسی که قانون را زیر پا بگذارد مسوول خون‌ها و خشونت‌ها و هرج و مرج است.

- نامزدهای معترض از اردوکشی خیابانی پرهیز کنند. محل حل و فصل همه اختلافات صندوق‌های رای است نه کف خیابان‌ها.

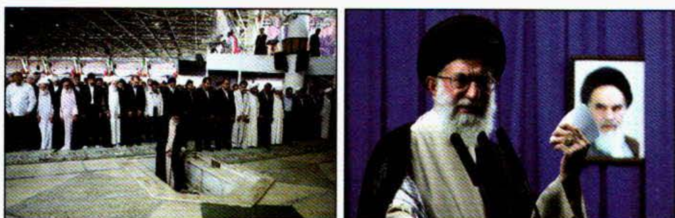
- تجمعات خیابانی پوشش مناسب برای تروریست‌های نفوذی است. حرکت‌های خیابانی نمی‌تواند اهرم فشار بر نظام به‌وجود آورد.

- تن دادن به خواسته‌های غیرقانونی، آغاز دیکتاتوری است و چنانچه بخواهند به این راه ادامه دهند، با مردم صریح‌تر صحبت خواهم کرد.

- سران غرب در مساله حقوق بشر رسوا و متهم هستند و با طرح تهمت‌های ناروا به جمهوری اسلامی از شرایط بعد از انتخابات سوءاستفاده کردند.

خطبه‌های ۲۹ خرداد، نقطه عطف دومی در حوادث پس از انتخابات بود چرا که رهبر انقلاب ضمن یادآوری مسیر قانونی اعتراض به نتیجه، یک‌بار و این بار علنا حجت را بر همگان تمام کردند که زیر بار مطالبات غیرقانونی نخواهند رفت. روشن بود که اشاره‌شان به «مطالبات غیرقانونی»، درخواست موسوی برای ابطال نتیجه انتخابات بود. منطق روشن رهبر انقلاب این بود که ابطال نتیجه انتخابات غیرممکن نیست اما مسیری قانونی دارد به این معنی که موسوی

می‌باید درچارچوب قانون انتخابات، مستندات کافی برای وجود تقلب گسترده و فراگیر را به شورای نگهبان ارائه کند.



نمازجمعه تاریخی ۲۹خرداد، نقطه عطفی در تحولات بعد از انتخابات بود

خطبه‌های تاریخی رهبر انقلاب در ۲۹ خرداد، با استقبال شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی روبه‌رو شد. مجلس خبرگان رهبری، تعدادی از علما و مراجع تقلید و رئیس جمهور باانتشار بیانیه‌ها و پیام‌های جداگانه به رهبر انقلاب از موضع ایشان در نماز جمعه ۲۹ خرداد تقدیر کردند. آیت‌الله نوری همدانی در نامه خود به رهبری نوشتند: «این بیانات بار دیگر نقش ارزنده ولایت فقیه را بر همگان نشان داد و ثابت کرد که تأکید امام راحل عظیم‌الشأن که پشتیبان ولایت فقیه باشید تا کشور آسیب نبیند، یک واقعیت تردید ناپذیر است.» (خبرگزاری‌ها، ۳۰خرداد)

بعد از خطبه تاریخی ۲۹ خرداد، همه نگاه‌ها متوجه عکس‌العمل موسوی و اطرافیانش بود. بعدازظهر جمعه کروبی به شورای نگهبان نامه نوشت و بازهم خواستار ابطال نتیجه انتخابات شد. (متن این نامه در بخش پایانی این کتاب ارائه شده است.)

صبح روز شنبه ۳۰ خرداد سردار احمدی‌مقدم با انتشار نامه سرگشاده‌ای به موسوی نوشت: «...گرچه در ایام تبلیغات انتخاباتی بسیاری از رفتارها چون ایجاد ترافیک سنگین، اختلال در روند عادی زندگی مردم و راهپیمایی‌های خیابانی که عمدتا مغایر با قانون بود و نیروی انتظامی وظیفه قانونی ممانعت را داشت، با

خویشتن‌داری و بردباری تحمل کرد که این امر مورد تقدیر ستادهای انتخاباتی کاندیدای محترم قرار گرفت. در روز انتخابات، ناجا با تمام توان، فضای امن را در اقصی نقاط کشور فراهم ساخت و در سایه رعایت ضوابط قانونی بستر امن حماسه ۲۲ خرداد فراهم گردید. پس از اعلام نتایج انتخابات، هواداران جنابعالی در یک اقدام غیرقانونی با هجوم به خیابان‌ها و برهم زدن نظم و امنیت عمومی فضای جامعه را به هم ریختند و در سایه این بی‌نظمی و بی‌قانونی عده‌ای سودجو و اراذل و اوباش به تخریب اموال عمومی، مزاحمت برای مردم، آتش زدن خودروها و موتورسیکلت‌های مردم، شکستن شیشه بانک‌ها، مغازه‌های هموطنان پرداختند و در این میان خود شما و هوادارانتان دیدید که ناجا منطبق با وظیفه ذاتی و قانونی، با اراذل و اوباش و اغتشاشگران با اقتدار برخورد کرد و با هوادارانتان مدارا و مماشات کرد. این مدارا تاکنون راهبرد پلیس بوده است و خود خوب می‌دانید که از این حیث ناجا مورد شماتت و عتاب برخی سایت‌ها نیز قرار گرفته است. اگر چه جنابعالی در پیامی حساب خود و هوادارانتان را از اغتشاشگران جدا نمودید و ناجا هم همواره اعلام کرده است که حساب اغتشاشگران و اراذل و اوباش از هواداران جداست و نحوه برخوردهای پلیس این را به اثبات رسانده است ولی واقعیت این است که حداقل، اغتشاشگران و اراذل و اوباش در سایه فضای غیرقانونی ایجاد شده توسط شما، به اقدامات تخریب‌گرانه می‌پردازند و در طول سه شب ۲۳، ۲٤، ۲۵ خردادماه، در تمام موارد، اغتشاشگران به تخریب و ناامن‌سازی فضای عمومی پرداختند. جنابعالی خوب می‌دانید که ناجا حتی در برخورد با اراذل و اوباش و اغتشاشگران نیز از اختیارات قانونی مقتدرانه استفاده نکرد و با اتخاذ رویکرد تحمل و بردباری و بدون شلیک حتی یک تیر به کنترل اوضاع پرداخت و شاهد این مدعا مجروح و بستری شدن حدود چهارصد نفر از ماموران جان برکف ناجا می‌باشد. بپذیرید که تجمعات و راهپیمایی‌های غیرقانونی، مشکلات جدی را برای مردم فراهم ساخته و ایجاد ترافیک‌های سنگین و سرگردانی مردم، مزاحمت

برای کسبه و مغازه‌داران، راه‌بندان‌های طولانی، شائبه دستاویز و ملعبه بودن قانون را توسط هوادارانتان ایجاد می کند و این امر برخلاف شان و روحیه قانون گرایانه مورد ادعای شماست که همواره در تبلیغات انتخاباتی بر آن تاکید می کردید.

در پایان اعلام می نمایم که در صورت تداوم رویه کنونی، ناجا در راستای حفظ نظم و امنیت جامعه و مردم، به‌صورت قاطع با اقدامات غیرقانونی بر اساس وظایف ذاتی خود برخورد خواهد کرد و جای هیچ گله‌ای وجود نخواهد داشت.»

روز ۳۰ خرداد از آن جهت مهم تلقی می‌شد که سالگرد ورود سازمان مجاهدین خلق به فاز عملیات نظامی و شورش مسلحانه خیابانی علیه جمهوری اسلامی بود.

صبح آن روز مجمع روحانیون مبارز هنوز درباره دعوت از قبل اعلام شده خود درباره تجمع در میدان انقلاب سکوت کرده و وزارت کشور هم طبق معمول برگزاری هر گونه تجمعی را غیرقانونی و فاقد مجوز دانسته بود. برخی سایت‌ها با یادآوری وقایع ۳۰ خرداد، نسبت به تکرار آن در این روز هشدار می‌دادند. سرانجام حوالی ظهر، مجمع روحانیون مبارز با صدور اطلاعیه‌ای تجمع آن روز در میدان انقلاب را لغو کرد. تعلل در این کار و لغو دیر هنگام این تجمع با اعتراض شدید چهره‌ها و تشکل های اصول گرا روبه‌رو شد. حوالی ظهر همچنین اعلام شد که میرحسین موسوی در حال نوشتن بیانیه جدیدی است. این بیانیه با توجه به خطبه‌های روز گذشته رهبر انقلاب و اینکه موسوی و کروبی صبح آن روز دعوت شورای نگهبان را برای بررسی حضوری مستندات آنها برای تقلب ردکرده بودند، مهم و سرنوشت‌ساز تلقی می‌شد. بعدازظهر بیانیه نسبتا مفصل موسوی منتشر شد که در آن نوشته بود به شورای نگهبان به دلیل اینکه بی‌طرف نیست شکایت نمی‌برد و انتخابات باید باطل شود. این بیانیه مخالفت صریح با خطبه‌های دیروز رهبر انقلاب بود و واکنش های بسیاری چهره‌ها و تشکل ها را برانگیخت. روزنامه جمهوری اسلامی، حامی سرسخت موسوی در مبارزات

انتخاباتی در سر مقاله ۳۱خرداد نوشت: «به کسانی که بر استیفای مطالبات خود اصرار می‌ورزند و بعد از بیانات رهبر معظم انقلاب در نماز جمعه تهران باز هم از مردم می‌خواهند حرکات خود را پیگیری کنند لازم می‌دانیم این نکته را گوشزد کنیم که شما با اعتقاد به اصل ولایت فقیه وارد صحنه انتخابات شده‌اید و لازمه اعتقاد به این اصل این است که با شناخت صحیح از لوازم آن پایبندی خود را به آن نشان دهید و آن را در عمل به اثبات برسانید. مفهوم اعتقاد و التزام به ولایت فقیه این نیست که هر جا نظر ولی‌فقیه مطابق نظر ما بود آن‌را بپذیریم و به آن عمل کنیم و هر جا مطابق نظر ما نبود آن‌را کنار بگذاریم.»

مهم‌ترین اعتراض به موسوی این بود، وی باتوجه به شناخت قبلی از شورای نگهبان‌وکارهای‌احمدی‌نژاد(نظیرپرداخت‌سهام‌عدالت‌وافزایش حقوق‌کارمندان و بازنشستگان)، چرا در انتخابات ثبت نام کرد. چرا بعد از روشن شدن نتیجه انتخابات، بی‌طرفی شورای نگهبان را زیر سوال برد و چرا به‌جای ارائه مستندات خود درباره‌ادعای تقلب فراگیر در انتخابات، مجوز راهپیمایی درخواست می‌کند؟ او با راهپیمایی می‌خواهد چه چیزی را اثبات کند به چه هدفی برسد؟

پاسخ موسوی به‌این سوال‌ها هیچ‌گاه معلوم نشد چراکه وی همه درخواست‌ها برای مصاحبه را رد می‌کرد. موسوی روز بعد طی بیانیه ششم خود از صداوسیما خواست زمینه مجادله احسن را فراهم آورد اما به دعوت صداوسیما برای برگزاری مناظره یا حتی مصاحبه پاسخ رد داد و درخواست کرد در برنامه‌ای زنده بدون حضور مجری حاضر شود و برای مردم صحبت کند. صداوسیما با این درخواست مخالفت کرد و بر مناظره یا مصاحبه تاکید کرد. سوم تیرماه و در شرایطی که‌اعتراض اصلاح‌طلبان به‌برنامه‌های صداوسیما علیه موسوی و کروبی و عدم‌دعوت از چهره‌های اصلاح‌طلب به اوج خود رسیده بود، سایت الف خبر رد دعوت صداوسیما از سوی موسوی را منتشر کرد. انتشار این خبر با تکذیب یکپارچه و شدید سایت‌های هوادار موسوی روبه‌رو شد و فشار رسانه‌ای به

صداوسیما برای دعوت از موسوی و هوادارانش را بیشتر کرد اما موضع صداوسیما در این باره بازهم سکوت بود. نه دعوت از موسوی را تکذیب می کرد و نه تایید. ۵ماه بعد و در شرایطی که خبر دعوت از موسوی دیگر اهمیت وکارایی خاصی نداشت، عزت‌الله ضرغامی در مصاحبه خود با رسانه‌ها به مناسبت تمدید حکم ریاستش بر صداوسیما، اعلام کرد رسانه ملی پس از انتخابات از موسوی برای حضوردر مناظره و مصاحبه دعوت کرده بود اما موسوی قبول نکرده بود (جام جم، ٢٤ آبان١٣٨٨). این خبر اگر همان روزهای اوج آشوب‌ها منتشر می شد، چه بسا به رفع برخی سوء‌تفاهم‌ها و اقناع معترضان کمک می کرد.



رسانه های هوادار موسوی در خارج از هر وسیله‌ای برای تحریک معترضان به ادامه حضور در خیابان‌ها استفاده می کردند، پوستر منتشره در سایت بالاترین، ۲۹خرداد۸۸

بیانیه شماره ۵ موسوی در رد توصیه رهبر انقلاب برای پیگیری مسیر قانونی شکایت‌ها نقطه عطف جدیدی در حوادث پس از انتخابات بود. عصر روز ۳۰خرداد عده‌ای در دسته‌های چند صد نفری در اطراف میدان انقلاب تجمع کردند. نیروی

انتظامی با بلندگو از تجمع کنندگان درخواست می کرد متفرق شوند. نیروی انتظامی همچنین تلاش داشت با روش های مختلف مانع پیوستن این عده به همدیگر شود. نیروی انتظامی این بار زور به کاربرد و با ابزارهای ضدشورش تجمع کنندگان را متفرق و ٤٥٧ نفر را که مقاومت می کردند دستگیر کرد (خبرگزاری مهر، ۳۱ خرداد) اجتماع کنندگان که ظاهرا به برخورد نسبتا مداراگونه پلیس در روزهای پیش عادت داشتند، به آسانی میدان را خالی نکردند و در حین معرکه، ۳ دستگاه اتوبوس و ٤ خودروی سواری پارک شده در حوالی خیابان آزادی را به آتش کشیدند و تاسیسات شهری سر راه خود را تخریب کردند. حوالی غروب، گروهی از آشوبگران در نزدیکی مسجد لولاگر رسیدند و آن مسجد را نیز به آتش کشیدند و ٤٠ مامور پلیس را هم زخمی کردند (خبرگزاری مهر، ۳۱ خرداد) در این میان نکته قابل توجه این بود که در روز ۲۵ خرداد که پلیس با تجمع کنندگان مدارا کرد، ۷نفر به شکل مشکوکی کشته شدند اما در روز ۳۰خرداد که نیروی انتظامی برای متفرق کردن اجتماع کنندگان شدت عمل به خرج داد، کسی کشته نشد.





روز ۳۰خرداد پلیس مدارا را کنار گذاشت و اجتماع کنندگان را متفرق کرد

در این میان، محمد خاتمی هم به نفع موسوی به صحنه آمد و در بیانیه‌ای با انتقاد از مقابله پلیس با تجمع‌کنندگان ۳۰ خرداد، شورای نگهبان را فاقد صلاحیت برای حل مساله انتخابات دانست و نوشت: «ارجاع امر به مرجع یا مراجعی که باید حافظ حقوق مردم و مجری انتخابات سالم و آزاد و ناظر بر آن باشند ولی خود مورد انتقاد و شکایت‌اند، راه حل مساله نیست. آقای خاتمی در این بیانیه خواستار بازگشت به سیره امام (ره) شد» (کلمه، ۳۱خرداد)

در مقابل استفاده دائمی موسوی و خاتمی از عبارت «خط و سیره امام» رسانه‌های اصول‌گرا و مخالفان آشوب‌ها، پاسخ امام خمینی (ره) خطاب به بنی‌صدر در سال ۱۳۶۰ (تو غلط می‌کنی قانون را قبول نداری، قانون تو را قبول ندارد) را با تیتر درشت منتشر و به خاتمی و موسوی یادآوری می‌کردند «وقتی نظر مراجع قانونی با نظر شما مخالف بود و هنگامی که شما نظر مرجع قانونی انتخابات را نمی‌پسندید، تخطئه مرجع قانونی، خود نوعی دیکتاتوری است».

این سخنان امام درِ واقع شبیه‌سازی موضع ایشان علیه استنکاف بنی‌صدر از پذیرش مسیر قانونی و اختلافاتش با نهادهای قانونی در جریان التهابات سال ۱۳۶۰ بود. در جریان حوادث پس از انتخابات سال ۸۸، این‌گونه شبیه‌سازی‌ها بارها انجام شد که اوج آنها تهیه و پخش مستند شاخص توسط واحد مرکزی خبر بود که گفتار و رفتار امام در مسائل و اختلافات دهه ٦۰ را از زبان و تصویر ایشان شرح می‌داد. پخش این برنامه البته با اعتراض نزدیکان موسوی روبه‌رو شد چرا که آنها خود را نزدیک امام و مفسر اندیشه‌های ایشان می‌دانستند.



غروب ۳۰خرداد نیروی انتظامی با کمک بسیج پس از چند ساعت تعقیب و گریز با آشوبگران بالاخره کنترل کامل خیابان آزادی را به‌دست گرفت و رفت و آمد عادی در این خیابان از سر گرفته شد

در میان رسانه‌های خارجی حامی موسوی، تلویزیون صدای آمریکا و دیگر تلویزیون‌های لس آنجلسی صریح و علنی از آشوبگران حمایت می کردند. برخی از آنها حتی روش ساختن بمب دست‌ساز، آتش زدن سطل های زباله و ایجاد آشوب را آموزش می‌دادند اما بنگاه سخن پراکنی بریتانیا (بی‌بی‌سی) درانعکاس اخبار و تحولات ایران سعی داشت وجهه بی‌طرفی به خود بگیرد و تلاش هایش برای تحریک هواداران موسوی به حضور در خیابان‌ها، کاملا غیر مستقیم و غیرجانبدارانه به نظر برسد. با این حال در روز ۳۰خرداد که پلیس برای تسلط بر خیابان آزادی بطور جدی وارد میدان شده بود، بی بی سی هم صریح‌تر از همیشه وارد میدان شد و با انتشار خبری آخرین تلاش خود را برای نگهداشتن هوادران موسوی در خیابانها بعمل آورد و اعلام کرد: «موسوی غسل شهادت کرده و برای شرکت در راهپیمایی به خیابان جیحون - تقاطع آزادی-رفته است» سایت رسمی موسوی (کلمه) این خبر را تکذیب کرد.

بعد از ظهر ۳۰خرداد و زمانی که معترضان با پلیس مشغول جنگ و گریز بودند، حادثه‌ای تلخ در یکی از کوچه‌های منشعب از خیابان کارگر شمالی اتفاق افتاد که بیش از پیش توجه جهانیان را به ناآرامی های تهران جلب کرد و یکی از معماهای حوادث پس از انتخابات شد.

فصل ۱۷

معمای ندا

بعدازظهر روز شنبه ۳۰خرداد، یک زن ۳۷ ساله به همراه معلم موسیقی‌اش پس از اینکه مدتی طولانی در ترافیک سنگین خیابان امیرآباد شمالی معطل مانده بود، برای رهایی از گرما، از خودرو پیاده شد و در حاشیه کوچه شهید صالحی و خسروی در غرب خیابان کارگر شمالی در انتظار بازشدن راه بود که ناگهان خون‌آلود نقش زمین شد. از لحظه زمین خوردن «ندا صالحی آقاسلطان» تا جان دادنش حداقل سه دوربین از سه زاویه مختلف تصویربرداری کردند. یکی از دوربین‌ها حرفه‌ای بود و لرزش دست و تکان‌های مرسوم در فیلم‌های آماتوری-خانوادگی را نداشت. بلافاصله جوانی ۳۹ ساله به‌نام آرش حجازی دانشجوی پزشکی در انگلستان که ٤ روز پیش از آن وارد تهران شده بود، خود را به ندا رساند و سعی کرد او را نجات دهد اما در مقابل سه دوربین موجود خون از بینی و دهان ندا بیرون ریخت و در صحنه‌ای دلخراش، زن جوان جان باخت. ساعتی پس از این حادثه، فیلم تکان‌دهنده جان دادن این زن در اینترنت و شبکه‌های بی‌بی‌سی و العربیه پخش شد. به همراه تصاویر جان دادن ندا، تصویری از او به همراه معلم موسیقی‌اش در تظاهرات هواداران موسوی نیز پخش می‌شد تا آن مرحومه یک فعال سیاسی طرفدار موسوی و معترض به نتیجه انتخابات معرفی

شود. جالب اینکه فیلم گرفته شده از ندا در تظاهرات از پشت سر و به گونه‌ای بود که گویی تصویر بردار، شخص ندا را تعقیب می کرده است.



سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی به همراه تصاویر جان دادن ندا، تصویری از او به همراه معلم موسیقی‌اش در تظاهرات هواداران موسوی نیز پخش کردند. در این تصاویر، دوربین دقیقا ندا را تعقیب می کرد

دو روز پس از قتل، آرش حجازی به سرعت از کشور خارج و در استودیوی بی‌بی‌سی فارسی در لندن حاضر شد و به عنوان شاهد عینی، ماجرا را به این شکل نقل کرد: «سروصدا را در خیابان شنیدم و تصمیم گرفتم بیرون بیایم و ببینم چه خبره. خیابان خسروی را تا انتها رفتم و رسیدم به خیابان کارگر تا اینکه رسیدم به جایی که مردم جمع شده بودند و ۵۰متر پایین‌تر پلیس ضدشورش با موتورهاشون ایستاده بودند و مردم را عقب می‌راندند. در یک لحظه گاز اشک‌آور بین مردم پرتاب شد و مردم وحشت کردند. در همان زمان پلیس به سمت مردم حرکت کرد با موتور و مردم در خیابان خسروی دویدند. ندا هم در میان اون مردم بود و می دیدمش و مرتب در تمام این مدت ما ایشون رو می دیدیم. ما همین‌طور دور شدیم تا به تقاطع خیابان خسروی و خیابان صالحی رسیدیم، جایی که مردم پراکنده شدن دیگه و چند نفری ایستاده بودند که ببینن چیکار باید بکنن که در اون لحظه ما صدای تیری رو شنیدیم. من از دوستی که کنارم ایستاده بود پرسیدم که این چی بود؟ گلوله بود؟ و اون گفت که نه. می گن که گلوله‌های پلاستیکی

دارن. منتها در همان لحظه من برگشتم و دیدم خون از سینه خانم ندا که در یک متری من ایستاده بود داره فواره می‌زنه. من به طرف ایشون رفتم و به کمک فردی که فکر می‌کردم پدرشونه و بعدا شنیدم معلم موسیقی شونه، روی زمین خواباندیم و سعی کردم با فشار دستم جریان خون رو متوقف کنم ولی گلوله به آئورت ایشون خورده بود و ریه ایشون رو پاره کرده بود. گلوله از جلو وارد شده بود به سینه ایشون. متأسفانه نتوانستم کاری برای ایشون بکنم. متأسفانه هر چه فشار به سینه ایشون آوردم وقتی که آئورت ایشون پاره شده بود، خون در مدت ۳۰ ثانیه تا ٤٠ ثانیه از بدن خالی شد. ابتدا گمان کردم که تیراندازی از روی یک پشت‌بام انجام شده است اما کمی بعد تظاهرات‌کنندگان را دیدم که مرد مسلح موتورسواری را گرفته‌اند.

مردم فریاد می‌زدند گرفتیمش، گرفتیمش. او را خلع سلاح کردند و کارت شناسایی‌اش را که نشان می‌داد عضو بسیج است، گرفتند. مردم خیلی عصبانی بودند و او فریاد می‌زد نمی‌خواستم بکشمش. مردم نمی‌دانستند با او باید چکار بکنند و گذاشتند که برود اما کارت شناسایی‌اش را گرفتند. کسانی هستند که می‌دانند او کیست. چند نفر هم از او عکس گرفتند»

آرش حجازی ادامه داد: «می‌دانم صحبت کردن در مورد آنچه اتفاق افتاده است مرا به مخاطره می‌اندازد. تصمیم سختی بود که بیرون بیایم و در مورد این موضوع صحبت کنم، اما ندا برای دلیلی مرد. او برای حقوق ابتدایی می‌جنگید... نمی‌خواهم که خونش بی‌ثمر ریخته شده باشد. ندا در خیابان مرد که چیزی بگوید. فکر نمی‌کنم که الان بتوانم به ایران باز گردم .آنها هرچه من می‌گویم را تقبیح خواهند کرد و اتهامات دیگری به من خواهند زد. من هیچ وقت در سیاست نبودم. به خاطر نگاه معصومی که در چشم‌های ندا بود، موقعیت خود را در خطر انداختم.»



آرش حجازی دوروز پس از قتل، به انگلیس رفت و ماجرا را برای بی‌بی‌سی شرح داد

گفته‌های آرش حجازی با اظهارات نامزد ندا (کاسپین ماکان) و معلم او تناقض داشت ضمن اینکه خلع سلاح ضارب توسط رهگذران و سپس رها کردنش هم خیلی مشکوک و غیرواقعی به نظر می‌رسید.



ساعتی پس از تیرخوردن ندا، فیلم‌های حادثه از زوایای مختلف از بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان پخش شد

در آن روزها تلویزیون‌های بین‌المللی به طور مکرر فیلم جان دادن ندا به همراه مصاحبه آرش حجازی را پخش کردند و چنان جوی ایجاد شد که رئیس جمهور آمریکا گفت: «به نظر من زمانی که یک زن جوان خارج از خودرویش در خیابان هدف تیراندازی قرار می‌گیرد، یک بی‌عدالتی رخ داده و مشکلی وجود دارد.» (عصر ایران، ۱۱تیر) شیرین عبادی هم اعلام کرد که مساله قتل ندا را پیگیری

حقوقی خواهد کرد. وی تاکید کرد: «حتی اگر ندا در تظاهرات حضور هم داشته، نیروهای امنیتی حق قتل وی را نداشته‌اند.» (رادیو زمانه، ۳۱خرداد)


THE TIMES

Tories put victorious Speaker on probation

I am Neda The tragic face of Iran

THE WALL STREET JOURNAL.

What's News

Numbers On Welfare See Sharp Increase

روز ۳۱خرداد۸۸، کشته شدن ندا خبر اول بسیاری از رسانه‌های دنیا بود

رسانه‌های بین‌المللی با پخش مکرر تصاویر ندا، او را نماد کشته‌شدگان حوادث پس از انتخابات، فرشته آزادی جوانان ایرانی و شهید جنبش سبز معرفی می‌کردند. تبلیغات درباره ندا به حدی بود که رکورد دانلود فیلم در اینترنت و بازدید از یک فیلم در سایت یوتیوب را شکست. در توضیح همه این فیلم‌ها هم ندا «یک معترض به تقلب در انتخابات که توسط شبه‌نظامیان بسیجی کشته شده»، معرفی می‌شد.



فیلم‌های جان دادن ندا خیلی زود رکورد دانلود فیلم در سایت پرطرفدار یوتیوب را شکست

رسانه‌های طرفدار موسوی از ممنوعیت برگزاری مجلس یاد بود برای ندا

و برگزاری خاکسپاری وی تحت تدابیر شدید امنیتی خبر می‌دادند. در این میان کاسپین ماکان، (نامزد ندا) پی‌درپی با رسانه‌های خارجی مصاحبه می‌کرد و خصوصیات و تعلقات ندا را شرح می‌داد. آنها هم به بهانه مصاحبه با ماکان، چندبار دیگر فیلم کشته شدن ندا را پخش می‌کردند. به‌زودی عکس‌های ندا در تجمعات معترضان داخلی و ضد انقلاب خارجی عکس اول و نماد اعتراضات شد.

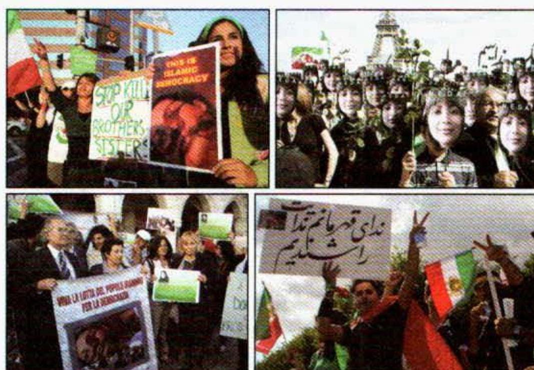




مراسم یادبود ندا در خارج از ایران، ۲۱ژوئن ۲۰۰۹، اول تیر ۸۸



تشییع جنازه نمادین ندا، دالاس آمریکا، ۲۳ژوئن ۲۰۰۹، دوم تیر ۸۸



تظاهرات و تجمعات ضدانقلاب در اروپا و آمریکا در اعتراض به قتل نداآقاسلطان، تابستان۸۸



پوسترها و طرح‌های گرافیکی ندا



تیشرت‌های ندا



تندیس‌های ندا



انواع محصولات با برند "REMEMBER Neda"



بج‌های ندا



سخنرانی مریم رجوی در بزرگداشت ندا آقاسلطان



اهدای تندیس ندا به پارلمان ایتالیا توسط فرستادگان سازمان مجاهدین خلق، ۲۲آذر۸۸



ندآقاسلطان شخصیت سال ۲۰۰۹ روزنامه تایمز لندن

در شهرهای مختلف اروپایی و آمریکای شمالی برای ندا تجمع، مجلس یادبود و حتی تشییع جنازه نمادین برگزار کردند. در هر تجمع، حکومت ایران و بسیج را به‌خاطر قتل ندا محکوم می‌کردند. در یمن، دولت این کشور که سرگرم سرکوب خونین شیعیان این کشور بود و به همین دلیل روابط یمن با ایران بسیار تیره شده بود، خیابانی را در صنعا به‌نام ندا نامگذاری کرد. در ایتالیا هم اقدام مشابهی صورت گرفت. کار به‌جایی رسید که در یک شوی لباس در اروپا، بر دست مانکن‌های نیمه عریان مچ‌بند سبز بستند و بر تنشان لباس‌هایی با عنوان «ندا زنده است» و «ما همه ندا هستیم» پوشاندند.



در یمن دولت ضد شیعه این کشور در شرایطی که مشغول سرکوب خونین شیعیان بود و ایران را به کمک به شیعیان یمنی متهم می‌کرد، خیابانی را در صنعا به‌نام ندا آقا سلطان نامگذاری کرد

با وجود این جنجال خبری فوق‌العاده در رسانه‌های غربی و ضد انقلاب، در ایران رسانه‌های داخلی تا دو روز کاملا منفعل و ساکت بودند. بعد از ۵ روز از کشته شدن ندا، صداوسیما با پخش مصاحبه با معلم ندا و رهگذران شاهد حادثه به جنبه‌های مشکوک ماجرای ندا پرداخت.

محمود احمدی‌نژاد ۹ روز پس از کشته شدن ندا با ارسال نامه‌ای برای هاشمی‌شاهرودی، رئیس وقت قوه قضاییه، خواستار رسیدگی جدی به موضوع

و شناسایی عوامل این جنایت شد. ده روز پس از کشته‌شدن ندا و در حالی که رسانه‌های بین‌المللی طی ده روز گذشته تصویری وحشی و بی‌رحم از نیروهای امنیتی ایران ترسیم کرده بودند، سردار احمدی‌مقدم فرمانده نیروی انتظامی در جمع خبرنگاران، قتل ندا آقاسلطان را سناریوی از پیش طراحی شده دانست و اعلام کرد آرش حجازی به عنوان شاهد قتل تحت تعقیب اینترپل است. (جام‌جم، ۱۰ تیر)

ماجرای قتل ندا در روزی که تجمعات خیابانی تهران رو به فروکش بود، توانست هیجان، شوک روانی و انگیزه جدیدی برای ادامه اعتراضات ایجاد کند. به تدریج شعار و علت تجمع معترضان از «اعتراض به تقلب» در انتخابات به «اعتراض به ممنوعیت تجمعات» و سپس «اعتراض به سرکوب خونین معترضان» تبدیل شد.



ماجرای قتل ندا در روزی که تجمعات خیابانی تهران رو به فروکش بود، توانست شوک روانی و انگیزه جدیدی برای ادامه اعتراضات ایجاد کند.

مدتی بعد چند روزنامه‌نگار با بررسی دقیق‌تر عکس‌ها و فیلم‌ها و اسناد موجود قتل ندا، این فرضیه را مطرح کردند که قتل ندا در تقاطع خیابان‌های خسروی و صالحی، یک صحنه‌سازی بوده و ندا خودش خون را از منبعی که در دست داشته به روی صورت خود پمپاژ می‌کرده است اما پس از حرکت نمایشی

به‌سوی بیمارستان، واقعا توسط همراه ناشناسش، گلوله می خورد. (ایرنا، ۱٤دی به نقل از روزنامه وطن امروز و همچنین جوان آنلاین، ۵ فروردین ۱۳۸۹)



علاوه بر وبلاگ نویس‌های ایرانی، چند روزنامه نگار خارجی هم با دقیق شدن روی فیلم‌ها و عکس‌های متعدد موجود از جان دادن ندا، چند تناقض جدی کشف کردند

در پاییز سال ۸۹ کاسپین ماکان نامزد ندا از ایران خارج شد و به اروپا و آمریکا و حتی به اسرائیل سفر کرد و داستان‌های خود و ندا را برای خبرنگاران و بینندگان برنامه‌های تلویزیونی و شرکت‌کنندگان در سمینارها و همایش‌های مختلف تعریف می کرد. ماکان در سفر به سرزمین‌های اشغالی، به دفتر شیمون دعوت شد و از رئیس جمهور رژیم صهیونیستی پرنده صلح هدیه گرفت و به‌نام همه ایرانیان از پرز سپاسگزاری کرد. خانواده ندا و برخی از رسانه‌های هوادار موسوی سفر وی به اسرائیل را تقبیح کردند. او هم در جواب گفت: «علت مخالفت چهره‌های شاخص جنبش سبز با من، آن است که در اولین مصاحبه خود گفتم ندا طرفدار جنبش سبز نبوده و حتی در انتخابات ۲۲ خرداد نیز شرکت نکرده است.» البته این موضوع منحصر به ندا نبود بلکه خیلی از معترضین و کسانی که شعار می‌دادند «پس رای ما کو؟» اساسا در انتخابات شرکت نکرده بودند.



دیدار کاسپین ماکان با شیمون پرز رئیس رژیم صهیونیستی در تل آویو، ۳ فروردین ۸۹

۲۵ می ۲۰۱۰ (٤ خرداد۸۹) هفته نامه آلمانی اشپیگل با انتشار گزارش مفصلی از کاسپین ماکان نوشت: «ماکان یک مشاور مطبوعاتی استخدام کرده و روزنامه‌نگاران مجبورند از طریق او قرار مصاحبه بگذارند. ماه نوامبر سال گذشته مشاور مطبوعاتی ماکان به اشپیگل آنلاین اطلاع داد که تمام وقت وی تا دو هفته رزرو شده و او بابت مصاحبه‌های خود پول می گیرد ... به‌نظر می‌رسد که ماکان قتل ندا را به کسب‌وکاری برای خود تبدیل کرده است. علاوه بر روزنامه‌نگاران، مدافعان حقوق بشر نیز به مصاحبه با وی علاقه نشان می‌دهند. او دائما از این سو به آن‌سوی جهان در پرواز است. سازمان ملل برای شرکت در یک کنفرانس او را به ژنو دعوت می کند تا در کنار مخالفان کره شمالی و کوبا بنشیند...»

مجموعا ماجرای قتل ندا حاوی نکات مشکوکی بود که در تحلیل موضوع باید به آنها توجه کرد:

۱ – تعقیب ندا و استادش در تجمع هواداران موسوی توسط شخصی که فیلم آن‌را برای پخش به بی‌بی‌سی ارسال کرد.

۲ – حضور یک دوربین فیلمبرداری حرفه‌ای آماده برای ضبط در هنگام

حادثه و تصویربرداری دقیق از ماجرا با آرامش.

۳ – حضور رهگذران در حال قدم زدن در فیلم در حالی که در صحنه درگیری و تیراندازی، معمولا مردم هیجان‌زده هستند و سعی می‌کنند پناه بگیرند و خود را از شلیک‌های احتمالی بعدی نجات دهند.

٤ – تناقض‌های متعدد در مصاحبه آرش حجازی با بی‌بی‌سی فارسی از جمله دستگیری ضارب مسلح توسط رهگذران، درآوردن کارت عضویت وی در بسیج و سپس رها کردنش! همچنین توجه حجازی به ندا قبل از حادثه و نیز دور بودن صحنه قتل از درگیری‌ها به شهادت شاهدان و فیلم موجود.

٥ – اینکه شاهد اصلی بی‌بی‌سی، ٤ روز قبل از قتل وارد ایران شد و ۲ روز بعد به انگلستان بازگشت.

٦– تفاوت رد خون روی صورت و پیشانی ندا در فیلم‌ها و عکس‌های مختلف موجود.

و خلاصه اینکه، قتل ندا آقا سلطان به نفع چه کسی بود و چه طرفی از آن بهره‌برداری کرد؟

فصل ۱۸

آخرین تلاش‌ها برای جلب اعتماد

عصر روز ۳۰ تیرماه و همزمان با حادثه قتل ندا، بمبی در حرم امام خمینی منفجر شد که طی آن یک نفر کشته شد و خساراتی جزئی به بار آمد. بعدها معلوم شد حامل بمب، رئیس ستاد یکی از کاندیداها (موسوی) در پلدختر بوده است که برای تهدید مسوولان ستاد موسوی به پرداخت مطالباتش، به تهران آمده و به خود بمب وصل کرده اما به هنگام مراجعه به حرم امام (ره) برای استراحت، بمب به طور ناخواسته منفجر شده است. (جهان نیوز، ۸تیر)

روز ۳۱ تیرماه هم در خیابان آزادی تجمعات محدودی برگزار شد که بیشتر به صورت آتش زدن خودرو، سطل آشغال و وارد کردن خسارت به تاسیسات شهری بود. انتقاد از عملکرد دولت و سفارت انگلستان در تهران توسط تشکل‌های دانشجویی در این روزها اوج گرفته بود. منوچهر متکی وزیر خارجه هم در جمع سفرای مقیم تهران گفت: «رویکرد توطئه‌گر دولت انگلیس به گونه‌ای است که با ساماندهی ۲۵۰ سخنرانی ازجانب استادان مرتبط با خود در آمریکا تلاش می‌کند رویکرد اوباما را درقبال ایران تغییر دهد .آنها اخیرا خط تحریم انتخابات را تبلیغ کردند تا مردم مشارکت نکنند اما پس از آنکه از این اقدام نتیجه نگرفتند با اعزام مسافرانی با اهداف خاص به ایران که تعدادشان

افزایش می‌یافت، سعی کردند با استفاده از آموزه‌های اطلاعاتی خود بر انتخابات تاثیرگذار باشند. انگلیسی‌ها اقدام به اعزام مسافرانی کردند که با اهداف خاص اطلاعاتی و امنیتی به ایران می‌آمدند و اعزام مسافران انگلیسی به ایران به حدی زیاد شد که پرواز معمولی و کوچک تهران - لندن، در هفته‌های اخیر به یک هواپیمای جمبوجت بوئینگ ۷٤۷ تبدیل شد.» (خبرگزاری فارس، اول تیر)

در روزهای اولیه تیرماه، مسوولان اجرایی و نظارت انتخابات در تلاش برای اثبات صحت انتخابات در رسانه‌ها ظاهر می‌شدند که البته تلاش آنها با تعدد شبهه‌های مطرح شده توسط رسانه‌های حامی موسوی تناسبی نداشت. روز اول تیرماه دبیر اجرایی شورای نگهبان پس از خودداری موسوی و کروبی از حضور در جلسه این شورا، یک‌بار دیگر از آنها خواست مستندات خود را به این شورا ارائه کنند. وی تاکید کرد شورای نگهبان قانونا تا سوم تیرماه باید درباره صحت انتخابات اعلام نظر کند. (خبرگزاری فارس، اول تیر). در این روز سایت قلم وابسته به موسوی از مردم خواست مستندات خود درباره تقلب در انتخابات را به دفتر موسوی ارسال کنند تا از مجاری قانونی نسبت به اعاده حقوق رای‌دهندگان اقدام شود. (سایت اینترنتی قلم نیوز، اول تیر)

وزارت کشور در اقدامی بی‌سابقه نتایج تک‌تک ٤٦ هزار صندوق رای در داخل کشور را به تفکیک استان و شهرستان و تعداد آرای هر چهار نامزد منتشر کرد. با انتشار این اطلاعات، تمام ۵۰۰ هزار عامل اجرایی و ناظر صندوق‌ها در سراسر کشور که اغلب از معلمان و معتمدان محلی بودند و همچنین ناظران و نمایندگان کاندیداها می‌توانستند نتایج صندوق خود را که در پایان رای‌گیری شمرده و در صورتجلسه مربوطه (فرم ۲۲) امضا کرده بودند، با نتایج اعلام شده مقایسه کنند. در روزهای اولیه تیرماه سایت‌های حامی موسوی عکس‌هایی را به عنوان بسیجیان قاتل مردم معرفی و از مخاطبان خود درخواست می‌کردند آنها را شناسایی و مجازات کنند. سایت رصد سایبری سپاه هم عکس تعدادی از

آشوبگران در تجمعات خیابانی را منتشر کرد و از مردم خواست آنها را شناسایی و معرفی کنند. (خبرگزاری فارس، اول تیر)

روز سوم تیرماه با توجه به پایان مهلت ده روزه شورای نگهبان، آیت‌الله جنتی دبیر این شورا از رهبر انقلاب کتبا اجازه خواست این شورا به منظور اتقان بیشتر و رفع هرگونه ابهام محتمل، ۵ روز دیگر فرصت بررسی داشته باشد. رهبر انقلاب هم با این درخواست موافقت کردند. بلافاصله شورای نگهبان هیاتی شش نفره را برای پیگیری شکایت نامزدهای معترض تشکیل داد که اعضای آن عبارت بودند از: ابوترابی فرد، دری‌نجف‌آبادی، حداد عادل، ولایتی، رحیمیان و افتخار جهرمی. همچنین آقایان تابش(از مسوولان ستاد موسوی و رئیس فراکسیون اقلیت مجلس) و خباز(عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی، از مسوولان ستاد کروبی و نماینده مجلس) نیز برای عضویت در این هیات دعوت شدند. دبیر اجرایی شورای نگهبان از نامزدهای معترض به نتیجه خواست نمایندگان خود را برای حضور در جلسات این هیات معرفی کنند. مجمع تشخیص مصلحت نظام در بیانیه‌ای با استقبال از تدبیر شورای نگهبان، خواستار تمکین نامزدهای قانونی و حداکثر همکاری با این هیات شد. (خبرگزاری فارس، ٦ تیر) محسن رضایی هم با استقبال از این اقدام شورای نگهبان خواستار مشارکت موثر دیگر کاندیداها در این روند قانونی شد. مهدی کروبی همکاری با این هیات را به تغییر دو عضو آن مشروط کرد. (روزنامه ابتکار، ۷ تیرماه) موسوی هم ترکیب اعضای هیات را زیرسوال برد و حاضر به معرفی نماینده برای شرکت در جلسات این هیات نشد.

در روزهای پایانی مهلت اضافه شورای نگهبان، اخبار امیدوارکننده‌ای درباره موافقت شورای نگهبان با پیشنهاد نمایندگان موسوی رسید. صبح روز هشتم تیرماه، آخرین روز مهلت شورای نگهبان برای رسیدگی به شکایت نامزدها و اظهارنظر درباره انتخابات؛ خبرگزاری مهر از قول کدخدایی خبرداد: «در ساعات پایانی روز گذشته یکی از شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی پیشنهادی را از

سوی میرحسین موسوی به شورای نگهبان ارائه داد و این پیشنهاد از سوی شورای نگهبان مثبت تلقی شد: این پیشنهاد امروز از ساعت ۹ تا ۱۱ توسط اعضای هیات ویژه و نمایندگان آقای میرحسین موسوی در حال بررسی است و ما آن را مثبت ارزیابی می کنیم و همچنان منتظریم تا از نتیجه این جلسه مطلع شویم . در هر حال دفاتر استانی ما آماده بازشماری به روش پیشنهادی مهندس میرحسین موسوی هستند و امیدواریم نتیجه‌ای به دست بیاید تا تعدادی از صندوق‌ها مورد بازشماری قرار بگیرند.» (خبرگزاری مهر، ۸تیر)

اعضای هیات ویژه شورای نگهبان در گزارش خود که دهم تیرماه خطاب به ملت ایران منتشر کردند، تحولات این روزها را چنین شرح دادند: «متعاقب موافقت رهبر انقلاب با تمدید مهلت شورای نگهبان، حضرت آیت‌الله جنتی نظر شورای نگهبان را در مورد تشکیل هیات ویژه با حضور حجج اسلام دری‌نجف‌آبادی، ابوترابی، رحیمیان و دکتر افتخار جهرمی، دکتر ولایتی، دکتر حداد عادل، دکتر محمد رضا تابش و دکتر محمدرضا خباز به منظور بررسی دقیق روند انتخابات و بازشماری حداقل ده درصد صندوق‌های رای و گزارش آن به شورای نگهبان، نامزدهای محترم و مردم شریف ایران اعلام نمودند و جناب حجت‌الاسلام آقای ابوترابی نیز ماموریت یافت نظر شورای نگهبان را به اطلاع اعضا پیشنهادی هیات ویژه برساند.

اعضای هیات با عنایت به اهمیت موضوع و شرایط خاص کشور و ضرورت افزایش سطح اعتماد عمومی از پیشنهاد شورای نگهبان استقبال نمودند و آقایان دکتر تابش (رئیس فراکسیون اقلیت مجلس) و دکتر خباز عضو محترم فراکسیون اقلیت مجلس شورای اسلامی (و عضو برجسته ستاد جناب حجت‌الاسلام کروبی) نیز موافقت نمودند در صورت معرفی از سوی نامزدهای معترض در هیات ویژه حضور داشته باشند. بر این اساس نامه‌ای به آقای موسوی و حجت‌الاسلام کروبی ارسال گردید و ضمن معرفی ٦ نفر اعضای هیات ویژه

از آنان دعوت گردید نمایندگان خود را برای شروع کار هیات ویژه با حضور آنان معرفی نمایند.

صبح روز جمعه ۵ تیرماه ۸۸ اعضای هیات ویژه رسیدگی در یک جلسه طولانی حدود ۵ ساعت به اتفاق آرا، به این نتیجه رسیدند که برای رسیدگی به شکایات و تحقیق در درستی یا نادرستی شبهه تقلب در انتخابات باید:

اولا: شکایات نامزدهای محترم به طور دقیق توسط نمایندگان آنان تبیین گردد.

ثانیا: راهکارهای راستی آزمایی انتخابات با حضور و موافقت آنان تعریف و مشخص شود.

ثالثا: با حضور ایشان و نمایندگان مورد اعتماد آنان روش‌های راستی آزمایی مورد توافق اجرایی گردد و صندوق‌های رای مورد بازشماری قرار گیرد.

در مرحله‌ای از مذاکرات نکات زیر به عنوان انتظارات یکی از کاندیداهای محترم از شورای نگهبان مطرح گردید.

۱- الف- شورای نگهبان میزان دقیق تعرفه‌های چاپ شده را تعیین نماید و میزان تعرفه مازاد در اختیار هیات مورد اعتماد قرار گیرد.

ب- کلیه ته برگ‌ها که حاوی مشخصات رای دهندگان است در اختیار مجموعه مورد اعتماد قرار گیرد تا با اطلاعات موجود در پایگاه اطلاعاتی جمعیتی کشور تطبیق داده شود.

ج- یک سوم صندوق‌های سیار و معادل یا کسری از آن مثلا ۲۰ درصد از صندوق‌های ثابت به صورت تصادفی (رندم) بازگشایی و محتوای آن مورد بررسی قرار گیرد.

د- صندوق‌های بعضی از استان‌ها که آرای آنها بیش از واجدین شرایط است مثل یزد و مازندران بازشماری گردد.

۲- کلیات مفاد بندهای الف، ب، ج، د مورد قبول شورای محترم نگهبان قرارگرفت. البته شورای نگهبان تاکید داشتند در مورد بند «ب» با نظر کارشناسان

ذی‌ربط به صورت تصادفی (رندم) عمل گردد و در صورت مشاهده خلاف تا حصول اطمینان «صحت یا بطلان» ادامه پیدا کند.

بعضی از اعضای هیات ویژه تا بعد از ظهر روز دوشنبه هشتم تیر ماه ۸۸ با پیگیری جدی و دیدارها و مذاکرات متعدد با چهره‌های شاخص و موثر دینی و سیاسی به ویژه دو کاندیدای معترض به چگونگی برگزاری انتخابات از آنان درخواست کردند با معرفی نمایندگان خود به رسیدگی منطقی و بی‌طرفانه شبهات کمک نمایند و مجمع تشخیص مصلحت نظام در بیانیه مورخ ۸۸/٤/٦ خود ضمن استقبال از تمدید مهلت و تعیین هیات ویژه، نامزدهای محترم را به همکاری با هیات رسیدگی به شکایات و بازشماری آرا دعوت کرد.

متاسفانه هیچ یک از این مذاکرات و تلاش‌ها نتیجه‌ای نبخشید و دو نامزد محترم و معترض در نامه‌هایی به شورای محترم نگهبان پیشنهادهایی را مطرح نمودند که انجام آن توسط شورای نگهبان مقدور نبود و نهایتا نماینده خود را معرفی ننمودند. در نتیجه این مرحله شورای نگهبان راسا تصمیم به بازشماری ۱۰ درصد از صندوق‌های رای در سراسر کشور گرفت. (خبرگزاری‌ها، ۱۰تیر)

نکته قابل توجه درباره هیات شش‌نفره و عملکرد مسوولان نظارت بر انتخابات این که آن روزها بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا به همراه صدها سایت و وبلاگ برای مستند نشان دادن ادعای تقلب در انتخابات و تاثیرگذاری بر افکار عمومی روزانه هزاران عکس و فیلم بعضا غیرواقعی منتشر می‌کردند اما از جلسات هیات شش‌نفره شورای نگهبان و تلاش‌های آنها برای اعتمادسازی و اقناع کاندیداهای معترض، حتی یک عکس نیز وجود ندارد.

محمدحسن ابوترابی فرد نایب رئیس مجلس شورای اسلامی و عضو هیات ویژه بررسی انتخابات، دیدارها و تماس‌های خود را با میرحسین موسوی و مهدی کروبی در روز پنجشنبه برای جلب اعتماد و نظر آنها اینچنین روایت کرده است: «روز پنجشنبه (سوم تیر) هنوز نامه رسمی شورای نگهبان درباره هیات

تنظیم و ارسال نشده بود و مهندس موسوی درباره ترکیب هیات و وظایف و اختیارات آن نظراتی داشت. صبح جمعه و پس از ارسال نامه شورای نگهبان جلسه اعضای هیات تشکیل و نتیجه گیری شد که زمانی هیات موفق به انجام کار خود خواهد شد که نمایندگانی از طرف کاندیداهای معترض معرفی شوند تا هم اطلاع دقیق و کاملی از شکایات حاصل شود و هم نتایج مورد وفاق باشد.

در دیدارهایی که با مهندس موسوی انجام شد، وی گفت که با حجت‌الاسلام محتشمی‌پور صحبت خواهد کرد تا ما هم با او به یک راهکار برسیم که ما هم جلسه‌ای را برقرار و چارچوب‌های عملیاتی از جمله تعیین میزان دقیق تعرفه‌های چاپ‌شده و در اختیار نهادن مازاد تعرفه‌ها در دست هیاتی مورد اعتماد، مقایسه اطلاعات ثبت‌شده در ته‌برگ‌های تعرفه با اطلاعات پایگاه جمعیتی کشور در یک سوم صندوق‌های سیار و معادل کسری از آن مثلاً ۲۰ درصد صندوق‌های غیرسیار به شکل تصادفی و بازشماری صندوق‌های مراکزی که بیش از واجدان شرایط در آنها رای داده شده بود، تعیین شد. پیگیری‌هایی انجام و جلسه دیگری هم با آقای محتشمی‌پور برگزار و پیشنهادهای من هم از جمله این که شاید بررسی همه ته‌برگ‌ها خیلی قابل دفاع نباشد و بهتر است با رئیس ثبت احوال مشورت شود، مطرح شد.

در مهلت تعیین شده شورای نگهبان، نمایندگان کاندیداهای معترض معرفی نشدند. قرار بود یکشنبه شب اعلام شود که این نمایندگان معرفی نشدند و شورای نگهبان راساً به بازشماری اقدام کرد که با خواهش بنده و موافقت آیت‌الله جنتی، مصاحبه انجام نشد و دوشنبه صبح پیشنهادی با امضای آقایان محتشمی‌پور و موسوی‌لاری که مقداری متفاوت بود دریافت شد ولی آقای محتشمی‌پور آن را پیشنهاد خود و آقای موسوی لاری به عنوان شخص حقیقی و کارشناس عنوان کردند نه به نمایندگی از طرف مهندس موسوی. از این رو با یکی از شخصیت‌های برجسته نظام مذاکره شد تا این حرکت تداوم یابد ولی نتیجه لازم حاصل نشد و کار به شورای نگهبان سپرده شد تا بازشماری ۱۰ درصد

صندوق‌ها انجام شود.» (روزنامه ایران، ۱۱تیر ۱۳۸۸)

سرانجام از ساعت ۱۳ روز دوشنبه هشتم تیر ماه، ده درصد صندوق‌های انتخابات در همه استان‌ها و شهرستان‌ها با حضور نمایندگان هیات‌های نظارت و اجرایی، امام جمعه محل و نمایندگان نامزدها (درصورت حضور) و دوربین‌های صداوسیما به طور تصادفی انتخاب و بازشماری شد. برخی چهره‌های سیاسی تا آخرین لحظات هم برای جلب رضایت موسوی به منظور معرفی نمایندگان خود برای نظارت بر بازشماری‌ها تلاش کردند اما موفق نشدند. کمیته صیانت از آرای موسوی با ارسال بیانیه‌ای خطاب به رسانه‌ها تاکید کرد موسوی نماینده‌ای در هیات بازشماری آرا نداشته است. نتایج بازشماری تا عصر روز دوشنبه ۸ تیر ماه از سراسر کشور منتشر شد و نشان داد در بازشماری تغییر چندانی در نتایج صندوق‌های شمارش شده نسبت به صورتجلسه‌های امضا و اعلام شده توسط ماموران صندوق‌ها وجود نداشته است.




بازشماری تصادفی ۱۰درصد کل صندوق‌ها، ۸مرداد، فرمانداری‌های سراسر کشور

حدود ساعت ۹ شب آیت‌الله جنتی با ارسال نامه‌ای به وزارت کشور، صحت انتخابات دهم ریاست‌جمهوری را تایید کرد. دبیر اجرایی شورای نگهبان روز بعد با حضور در گفت‌وگوی ویژه خبری سیما مراحل رسیدگی به اعتراض‌های کاندیداها را تشریح کرد و انتخابات دهم ریاست‌جمهوری را پایان یافته دانست.

روز بعد موسوی بیانیه نهم خود را صادر کرد و در آن طی متنی طولانی بر تقلب گسترده در انتخابات تاکید کرد و خواستار آزادی تجمعات و رسانه‌ها و آزادی دستگیر شدگان روزهای گذشته شد.

فصل ۱۹

ترانه موسوی، قطعه‌ای از پازل

در ساعات پایانی مهلت شورای نگهبان برای رسیدگی به شکایات نامزدهای معترض که هیات شش نفره شورای نگهبان و برخی از سیاسیون برای میانجیگری و جلب نظر موسوی و کروبی تلاش خود را به حداکثر رسانده بودند، مهدی کروبی در اجتماع معترضان به نتیجه انتخابات -که به بهانه سالگرد شهادت شهید بهشتی و ۷۲ تن از یارانش در اطراف مسجد قبا تجمع کرده بودند- رفت و با پاسخ به ابراز احساسات آنها، بر ادامه اعتراضات تاکید کرد. میرحسین موسوی هم از طریق تلفن برای جمعیت معترض سخنرانی کرد. تجمع حاشیه مسجد قبا با حضور گسترده پلیس و نیروهای لباس شخصی کنترل شد و اجتماع‌کنندگان پس از ساعتی متفرق شدند.

چند روز بعد، یک وبلاگ گمنام با ارائه عکس دختر جوانی به‌نام «ترانه موسوی» از دستگیری وی در حاشیه تجمع مسجد قبا خبر داد و مدعی شد نیروهای بسیجی به وی تجاوز کرده و جنازه او را سوزانده‌اند. این خبر به شکل گسترده‌ای در اینترنت و سپس تلویزیون‌های بین‌المللی پیچید و کاربران اینترنتی و بینندگان شبکه ماهواره‌ای را به‌شدت تحت تاثیر قرار داد.

۲۳ تیر کمیته گزارشگران حقوق بشر گزارش داد: «یکی از دستگیرشدگان

هفتم تیر ۸۸ با نام «ترانه موسوی» متولد ۱۳۶۰ در وضعیتی نامعلوم به سر می‌برد. یک ناشناس پس از نزدیک به سه هفته، در تماسی تلفنی با مادر او گفته است که ترانه به دلیل پارگی رحم در بیمارستان امام خمینی کرج بستری است اما خانواده او پس از مراجعه به این بیمارستان نیز نتوانستند از فرزندشان خبری بگیرند. ترانه موسوی هفتم تیر ۸۸ در اطراف مسجد قبا در خیابان شریعتی تهران از سوی مأموران حکومتی دستگیر شد. پس از گذشت نزدیک به سه هفته، افرادی ناشناس با مادر او تماس گرفته و از بستری بودن او در بیمارستان امام خمینی کرج خبر دادند. این افراد تصادف در حومه خیابان شریعتی و پارگی رحم و مقعد را دلیل بستری بودن وی در بیمارستان عنوان و تأکید کرده‌اند، بستری‌شدن او ربطی به تجمع مسجد قبا ندارد.» (سایت کمیته گزارشگران حقوق بشر، ۲۳ تیر)

خبر سایت کمیته گزارشگران حقوق بشر درباره ترانه موسوی، ۲۳تیر ۸۸

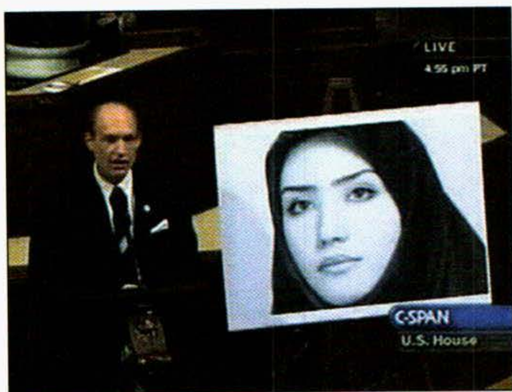
سایت نوروز (وابسته به حزب جبهه مشارکت) که از خارج از ایران اداره و به‌روز می‌شد، ۲۷ تیر از قول مادر ترانه موسوی و با اشاره به تماس با وی نوشت: «افراد ناشناس در تماس با خانه ما گفته‌اند ترانه مشکل ناموسی داشته است و به

همین دلیل می‌خواسته با شلنگ سرم، خود را حلق‌آویز کند.»

سایت نوروز دو روز بعد نوشت: «یک شاهد عینی که روز هفتم تیر دستگیر شده بود، می‌گوید: «نیروهای ضد شورش و لباس شخصی روز هفتم تیر من و تعدادی از دستگیرشدگان را سوار بر ون‌هایی به ساختمانی در اطراف میدان نوبنیاد بردند و به آزار جسمی و روحی ما پرداختند. برخی از دستگیرشدگان را در همان بعداز ظهر به زندان اوین منتقل کردند اما من و بقیه را آزاد کردند. ترانه در میان ما بود. او دختری زیبا، خوش‌اندام و شیک‌پوش بود و بازجویی‌اش از همه بیشتر طول کشید. چشم‌هایش سبز بود. من و تعدادی را همان شب آزاد کردند و تعدادی را نیز پیش از آزادی ما به جاهای دیگری فرستادند اما نیروهای لباس شخصی ترانه را همان‌جا نگه داشتند و حتی به او اجازه ندادند تا با مادرش تماس بگیرد.» (نوروز، ۲۷تیر)

سایت نوروز حتی به وضعیت پدر ترانه موسوی هم اشاره کرد: «پدر ترانه موسوی ناراحتی قلبی دارد و پس از ناپدید شدن تنها فرزندش در خانه بستری شده است. جسد سوخته ترانه موسوی که روز هفتم تیر در نزدیکی مسجد قبا دستگیر شده بود، در حومه قزوین پیدا شد. این خبر از سوی یکی از دوستان وی منتشر شده است. به نظر می‌آید، خانواده موسوی به شدت از سوی مقامات امنیتی تهدید شده‌اند. آنان نه تنها از توضیحات بیشتر به دوستان ترانه خودداری کرده‌اند ، بلکه نخواسته‌اند حتی زمان و مکان تشییع جنازه وی مشخص شود.» (نوروز، ۲۹تیر)

خبر ترانه موسوی آنقدر توسط رسانه‌های بین‌المللی تکرار شد که در سی‌ام تیر ماه یک سناتور آمریکایی به نام تدیوس مک کوتر عکس بزرگی از «ترانه موسوی» را با خود به کنگره آمریکا برد و کل ماجرای تکان‌دهنده دستگیری و تجاوز و سوزاندن وی توسط ماموران امنیتی ایران را تعریف کرد.



سناتور مک کوتر با بردن عکس بزرگی از ترانه موسوی به کنگره آمریکا، داستان دستگیری، تجاوز و سوزاندن جسد این دختر معترض را برای اعضای کنگره شرح می‌دهد، ۲۱جولای ۲۰۰۹

نوزدهم مرداد ماه و در شرایطی که بیش از یک‌ماه از انتشار خبر ترانه موسوی می گذشت، بخش خبری ۲۰:۳۰ در گزارشی کوتاه، صحبت‌های یک خانم مسن و دخترش را که مادر و خواهر صاحب عکس منسوب به ترانه موسوی معرفی شدند ، پخش کرد که می گفتند ترانه از یک سال و نیم پیش به کانادا رفته و هم اکنون در آنجا زندگی می کند. آنها سپس گفت‌وگوی تلفنی کوتاه و مبهمی با شخصی که صاحب صدای ترانه موسوی معرفی شد هم انجام دادند.

گزارش برنامه ۲۰:۳۰ تلویزیون از ترانه موسوی آنقدر مبهم بود که سوالات افکار عمومی درباره این ماجرا را چند برابر کرد، به ویژه که در آن، از زبان مقامات ثبت احوال اعلام شده بود تنها سه ترانه موسوی وجود دارند که دو نفرشان در خارج از کشورند و یکی از آنها سه‌ساله است. فردای پخش این فیلم، خبرگزاری مهر و روزنامه آفرینش (متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی) به تخطئه گزارش صداوسیما پرداختند و عکس‌ها و شواهدی از وجود تعداد بیشتری «ترانه موسوی» در کشور از جمله یک نوازنده به‌نام ترانه موسوی ساکن گرگان ارائه کردند.

پخش این گزارش از صدا وسیما، موضوع ترانه موسوی را پیچیده‌تر کرد.

محمد مطهری (فرزند شهید مطهری) با نگارش یادداشتی تحت عنوان« دفاع از نظام به هر وسیله؟!» با اشاره به موضوع ترانه موسوی، از ظلم و بی‌عدالتی در جمهوری اسلامی به شدت انتقاد کرد و پرسید: « خانواده ترانه موسوی که ظاهرا در اطراف مسجد قبا دستگیر شده به کجا باید مراجعه کنند؟ » (تابناک، ۷مرداد) محمد مطهری با این یادداشت بلافاصله مورد توجه سایت‌های ضدانقلاب قرارگرفت .

در همین زمان مهدی کروبی هم خود را وارد ماجرا کرد و با ارسال نامه‌ای به هاشمی‌رفسنجانی درباره اخبار تجاوز به دختران و پسران در بازداشتگاه‌ها، به موضوع «ترانه موسوی» هم علاقه نشان داد و فیلم پخش شده صدا وسیما را کلاً ساختگی دانست و با اعتراض شدید به انحراف از اصول انقلاب گفت: «اکنون شرایطی را ایجاد کرده‌اید تا دیگر کسی جرات حرف زدن نداشته باشد ولی من باز می‌گویم که این رفتارها و ایجاد رعب و وحشت مرا به سکوت وادار نمی‌کند و چنانچه لازم باشد، برخی مسائل را مطرح می‌کنم.» (سحام نیوز، ۲۵مرداد)

این سخنان کروبی به صورت «افشاگری کروبی از جنایات رژیم در قتل و تجاوز به ترانه موسوی» در اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای منتشر می‌شد (به عنوان نمونه به سایت‌های نوروز، پیک نت، بالاترین، رادیو زمانه، صدای آمریکا و ... در فاصله ۱۸تا ۲۰مرداد مراجعه شود)

علاوه بر کروبی، موسوی هم در بیانیه‌های خود به موضوع ترانه موسوی اشاره کرد. بیستم مرداد ماه سردار رادان (جانشین فرمانده نیروی انتظامی) در پاسخ به خبرنگاران اعلام کرد، تحقیقات پلیس نشان می‌دهد ماجرای ترانه موسوی کلاً ساختگی است. (فارس، ۲۰مرداد) اما کروبی باز هم دست بردار نبود و ۲٦ مرداد از زبان برادر همسر ترانه موسوی دروغ بودن فیلم پخش شده از ۲۰:۳۰ را تکرار کرد. حجت‌الاسلام سیدحسین شاهمرادی هم در نامه به کروبی از انتشار تحریف شده صحبت‌های خصوصی‌اش با وی در روزنامه اعتماد ملی

گلایه و اعلام کرد خانواده‌اش نمی‌خواهند این موضوع رسانه‌ای شود. (جام جم، ۲۸ مرداد) با این حال کروبی و روزنامه اعتماد ملی همچنان بر دروغ بودن فیلم ۲۰:۳۰ اصرار می‌کردند. جالب اینکه در واقعی بودن اصل موضوع «ترانه موسوی»، کروبی همیشه با احتیاط سخن می‌گفت و اعلام می‌کرد «خبرهایی به ما رسیده است که باید درستی یا نادرستی آن معلوم شود».

حاشیه‌های صحبت‌های کروبی درباره ترانه موسوی همیشه پررنگ‌تر از متن آن بود به طوری که سخنان و نامه‌های وی درباره «احتمال تجاوز» به ترانه موسوی و بازداشت‌شدگان، باجملات تند و آتشین مانند: «دیگر کوتاه نمی‌آیم، از میدان کنار نمی‌روم ... در برابر تضییع حق مردم سکوت نمی‌کنم» همراه می‌شد و این جملات برای رسانه‌ها و خوانندگانشان آنقدر جذاب می‌آمد که به اصل ماجرا یعنی هویت و واقعیت دستگیری و تجاوز به ترانه موسوی، کمتر می‌پرداختند یا آن را قطعی تلقی می‌کردند.

نهم شهریور، محسن الویری، از مسوولان ستاد صیانت از آرای کروبی اعلام کرد: «ترانه موسوی یکی از جان‌باختگان است.» (سحام نیوز، ۹شهریور) این اولین و تنها ادعای قطعی یک شخص حقیقی درون نظام درباره هویت و سرنوشت ترانه موسوی بود. تا پیش از آن، همه اخبار درباره ترانه موسوی با عبارات: «گفته می‌شود» یا «شنیده شده» همراه بود. حتی سایت‌های ضد انقلاب هم اخبار خود را درباره ترانه موسوی با «شنیده شده» و «گفته می‌شود» نقل می‌کردند.

شبکه فرانس ۲٤ در ١٤ آگوست (۲۳ مرداد) در گزارشی پرسید: «ترانه مورد تجاوز و قتل قرار گرفته یا او اصلاً وجود خارجی ندارد؟»

۲٦ تیرماه مهدی جامی روزنامه‌نگار ایرانی مقیم غرب با مشکوک دانستن خبر ترانه موسوی نوشت: «خبری که از تجاوز به دختری بازداشت شده موسوم به «ترانه موسوی» در گروهی از وبسایت‌ها منتشر شد و در «بالاترین» هم جنجال به راه انداخت ، خبری است کاملا مشکوک.

eutelsat

A LEADER IN BROADCASTING AND INNOVATION

Was Taraneh raped and murdered, or did she never exist?

"Now the family is being threatened by the authorities, so we can't get any new information"

Taraneh "alive and well and living in Canada"

"This report brought even more doubts about Taraneh Mousavi than we had before"

ترانه مورد تجاوز و قتل قرار گرفته یا اینکه او اصلاً وجود خارجی ندارد؟
شبکه فرانس ۲۴، ۱۴ آگوست ۲۰۰۹، ۲۳ مرداد ۸۸

دلایل بیرونی:

-خبر دارای منبع درستی نیست.

-کسانی که آن را منتشر کرده‌اند، از روی دست هم کپی‌برداری کرده‌اند.
-خبر در منابعی تکثیر شده و مورد استقبال قرار گرفته است که خود به عنوان منبع قابل اعتماد شناخته نمی‌شوند.
-یکی از منابعی که ظاهرا منشا انتشار این خبر است، وبلاگی است که تنها سه پست دارد!
-ادعای خبر ادعای نادری است که در باره آن خبر مشابه دیگری در دست نیست یعنی امری بی‌سابقه تلقی می‌شود.

دلایل درونی و ساختاری

- خبر ادعای بزرگی دارد اما برای آن هیچ شاهد روشنی ارائه نمی‌کند. هیچ اسمی در خبر بجز نام قربانی و نام بیمارستانی در کرج نیست.
- با این‌همه خبر با عکسی از قربانی همراه است تا ضعف خود را با ارائه آن جبران کند و به مخاطب خود چنین وانمود کند که قربانی شخصی حقیقی و شناخته شده است اما منبع عکس روشن نیست.
- وجود عکس در کنار خبری که درباره تجاوز است، کاملا برای خبرنویس هشداردهنده باید باشد. معمول نیست خبرهای تجاوز با عکس همراه باشند. عکس آخرین چیزی است که ممکن است مخاطب در این خبرها انتظار دیدن آن را داشته باشد زیرا به طور معمول حریم خصوصی قربانی باید حفظ شود.
- این پرده‌دری خود یک سبب دیگر در مشکوک دیدن خبر است. در واقع خبر با توجه به این قراین باید «داستان» نامیده شود زیرا هیچ عنصری از صحت و دقت و قابلیت اعتماد منبع در آن وجود ندارد.
- از نظر پزشکی آنچه درباره پارگی رحم و مقعد درباره قربانی داستان گفته می‌شود امری نادر است و اگر در مواردی اتفاق بیفتد، معمولا به دختران نابالغ مربوط می‌شود.
- ادعای اینکه شاهد عینی می گوید او را رها کرده‌اند اما بقیه را نگه داشته‌اند

با سایر شواهد از خبرهای دیگر تایید نمی‌شود. کسانی که دستگیر شده‌اند حتی اگر عابر پیاده معمولی بوده‌اند معمولا در همان شب اول آزاد نشده‌اند.
-تمام‌داستان‌حول‌تماس‌تلفنی‌فردی‌است‌باخانواده‌قربانی‌که‌معلوم‌نیست‌کیست.
-نام قربانی که «ترانه موسوی» انتخاب شده، خود نامی معنادار است و می‌تواند ساختگی باشد: ترانه + نام نامزد ناکام. باز هم دلایل دیگری می‌توان بر نادرستی خبر- داستان ترانه موسوی اقامه کرد اما حتی یک مورد از این دلایل هم کافی است که خبری را برای انتشار مردود کند.

اما چرا این خبر منتشر می‌شود؟ در باره این موضوع نکته‌های مختلفی می‌توان گفت که بستگی خواهد داشت به اینکه مبدا خبر را بگیریم یا مقصد آن‌را. مخاطب را بگیریم یا فضای اجتماعی را که خبر در آن منتشر می‌شود اما اگر به طور خلاصه فرض کنیم جوسازی سیاسی (ظاهرا علیه حکومت ولی در نهایت علیه موسوی) هدف سازندگان خبر باشد، به نظر من مهم‌ترین مساله این است که وبسایت‌هایی که ادعای کار خبری دارند و این داستان را منتشر کرده‌اند، سردبیری آشنا با خبر ندارند. این وب‌سایت‌ها بیشتر از آنکه به خبر توجه داشته باشند، به تحریک مخاطب خود توجه دارند و به جای کار رسانه‌ای به کارهایی دیگر مشغول‌اند.

معتبرترین سایتی که خبر را منتشر کرده بالاترین است که اتفاقاً همین مساله در باره آن هم صادق است یعنی فقدان سردبیر. به عبارت دیگر، اگر سایتی کار خبری می‌کند و سردبیر ندارد یا سردبیرانش با خبر آشنایی ندارند و بدتر از آن عامدانه به دنبال تحریک مخاطب‌اند؛ عملا به آشوب خبری دامن می‌زنند. آشوب خبری در زمان بحران همیشه روش کسانی است که می‌خواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند چه این ماهی تسویه حساب شخصی باشد یا تسویه حساب سیاسی.

بنابراین سوال من این خواهد بود که اگر چریک آنلاین و پیک نت و دیگران کار سیاسی می‌کنند و دروغ و راست مساله اول شان نیست آیا در غیبت سردبیر، انتشار خبر در سایت بالاترین کاری اخلاقی است؟ بالاترین، چریک آنلاین

نیست. مسوولیت رسانه‌ای و اجتماعی دارد. حال اگر بالاترین نمی تواند درصدی از ارزیابی را به روی خبرهایی که فرستاده می‌شود اعمال کند تا داستان به جای خبر انتشار نیابد، مسوولیت رسانه‌ای خود را لوث نکرده است؟ آیا می‌توان عرصه خبر را بدون ناظر و داور رها کرد و دخالتی در آن نکرد؟ آیا بالاترین حق دارد حتی پس از مشخص شدن اینکه خبری خبر نیست و ضدخبر است و ساختگی است بدون تذکر و هشدار آن را به حال خود رها کند و صرفا قضاوت را به خوانندگان واگذارد؟ آیا دموکراسی بالاترینی به نفع خبر است یا به سود ضدخبر؟ آیا این ایرانی‌ترین معنای دموکراسی - هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو - نیست که بلای سایت بالاترین شده است؟ آیا دموکراسی برای خبر است یا برای نظر؟» (وبلاگ نیوزبام، ۱۷جولای ۲۰۰۹، ۲٦تیر۱۳۸۸)

۲۱شهریور ماه، هیات عالی‌رتبه قضایی (شامل معاون اول رئیس قوه قضاییه، دادستان کل کشور و رئیس حوزه ریاست قوه قضاییه) که از سوی شخص رئیس قوه قضاییه برای بررسی شایعه تجاوز به زندانیان تشکیل شده بود، نتایج تحقیقات خود را ارائه داد و در آن اعلام کرد ماجرای ترانه موسوی ساختگی است و چنین کسی وجود خارجی ندارد. (متن این گزارش در بخش ضمائم این کتاب ارائه شده است)

همان شب محسنی‌اژه‌ای، دادستان کل کشور و از اعضای این هیات در گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دوسیما حاضر شد و درباره مورد ترانه موسوی گفت: «در مورد ترانه موسوی اولین موضوعی که مطرح کردیم این بود که ترانه موسوی که بی‌کس و کار نیست ولی هرچه جلو می‌رفتیم هیچ سرنخی در خصوص وی وجود نداشت و اصلاً چنین فردی با این موضوعات که آقای کروبی مطرح کرده بود، وجود نداشت چرا که کروبی گفته بود ترانه موسوی را به بیمارستان آورده بودند و وی با جراحات شدید یک شب در بیمارستان بستری بوده و طبق اظهاراتی که پرستار ترانه موسوی داشته وی یک شب در بیمارستانی بستری بوده و صبح روز بعد توسط افرادی از بیمارستان برده شده

است و در نهایت بعداً در خارج از شهر و در بیابان جنازه وی پیدا شده است ولی با این همه، چنین کسی را ما پیدا نکردیم.

تمام موارد ادعایی را در خصوص ترانه موسوی بررسی کردیم. با اینکه تحقیقات گسترده‌ای انجام دادیم ولی به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم. تصمیم گرفتیم که از دادسراها و کلانتری‌ها پیگیری کنیم که آیا فرد مورد ادعای کروبی بازداشت شده یا خیر که به ما اعلام کردند چنین کسی بازداشت نشده است. البته باید گفت که ما نه تنها حوالی تهران و قزوین و فرودگاه را بررسی کردیم بلکه در سطح وسیع‌تری پیگیری کردیم ولی به ما گفتند که در این مکان‌ها چنین جنازه‌ای با این مشخصات مورد ادعا پیدا نشده است. از این‌رو تصمیم گرفتیم سراغ بیمارستان مورد ادعای کروبی برویم.

درخصوص بیمارستان این‌طور بررسی کردیم که آیا ترانه موسوی در آنجا بستری شده یا خیر. لذا به عده‌ای مأموریت دادیم که به بیمارستان به صورت غیرمحسوس رفته و بررسی کنند که آیا در این فاصله زمانی مورد ادعای کروبی حتی چند روز قبل ببینند چنین فردی به نام ترانه موسوی در آن بیمارستان بستری شده یا خیر، پس از بررسی‌ها اعلام کردند که چنین شخصی با این مشخصات در این بیمارستان بستری نشده است.

ما فرض را بر این گذاشتیم که کروبی درست می‌گوید. لذا مطرح کردیم که شاید به دلیل مشکلاتی که در زمان بستری شدن ترانه موسوی وجود داشته وی را با نام دیگری در آنجا بستری کردند. لذا دستور دادیم که پیگیری کنند که آیا چنین فردی با این مشخصات و این لطمات به این بیمارستان آورده شده یا خیر، ولی باز هم جواب منفی بود و در ادامه مطرح کردیم تمام بیمارانی که در آن فاصله زمانی به بیمارستان مراجعه کرده‌اند را بررسی کرده و ببینند که آیا این بیماران مورد شناسایی هستند یا خیر ولی در نهایت بازهم چنین چیزی وجود نداشت.

در پایان بررسی این موضوع این امکان را دادیم که ترانه موسوی در کدام

خیابان و یا توسط کدام کلانتری بازداشت شده و به کدام بازداشتگاه برده شده است ولی باز هم به این نتیجه رسیدیم که اصلاً چنین فردی با این مشخصات بازداشت نشده است.

پس از تحقیقات فراوان و مشخص شدن واهی بودن این ادعا، به آقای کروبی گفتم که ما این راه‌ها را طی کردیم و چیزی پیدا نکردیم. اگر شما راه دیگری به ذهنتان می‌رسد به ما بگویید تا پیگیری کنیم.

آقای کروبی گفت: « نه حرف‌های شما منطقی است ولی من الان چیز بیشتر از این ندارم. آقای کروبی گفت که یک فردی رفته بیمارستان و گفته است که یک پرستاری این مطلب را به او گفته است.»

به آقای کروبی گفتیم که خب، نام این پرستار چیست تا برویم و پیگیری کنیم.

کروبی گفت: «این آقا می‌گوید که من اتفاقاً مراجعه کردم و دیدم که دیگر این پرستار آنجا نیست.»

گفتیم: «خب، چطور نیست؟ مرخصی رفته؟ مأموریت رفته؟ انتقالی گرفته؟ اخراج شده؟ چطور شده است؟»

آقای کروبی گفت: «نمی‌دانم، می‌گوید نیست.»

گفتیم: «نامش را از آن آقا بپرسید.»

آقای کروبی به شوخی گفت: «من که مثل تو بازجو نیستم.»

گفتم: «خب باشد، ما بعدا خودمان از آن آقا سوال می‌کنیم و نامش را می‌پرسیم و سوال می‌کنیم که شما تصادفی به این بیمارستان رفتید؟ مأموریت داشتید؟» حتی از آقای کروبی سوال کردم که این پرستار آقا بود یا خانم.

آقای کروبی گفت، من نمی‌دانم.

در مورد ترانه موسوی ما هر مسیری که ممکن بود به ذهن انسان برسد و به ذهن کارشناسان می‌رسید، طی کردیم و واقعا به این نتیجه رسیدیم که چنین

چیزی واقعیت ندارد. مگر می‌شود فردی باشد و هیچ‌کس را اعم از همکلاسی، آشنا، پدر و مادر و برادر و خواهر و ... نداشته باشد؟» (متن کامل این مصاحبه در سایت ایرنا ۲۲شهریور موجود است.)



با گذشت ماه‌ها از انتشار خبر ترانه موسوی، هیچ عکس و سند هویتی از این فرد پیدا یا ارائه نشد و همه پوسترها و علائم تبلیغاتی درباره او از روی همان عکس اولیه تهیه می‌شد.

۲۳ شهریور ماه سایت الف با یادآوری ماجرای ترانه و ادعاهای کروبی و الویری و اینکه با گذشت بیش از دوماه از ماجرا هیچ نشانه هویتی از این فرد ارائه نشده، طی فراخوانی از بینندگان اینترنت خواست هر سرنخ یا مدرکی از هویت ترانه موسوی از جمله کارت‌های هویتی، عکس، نشانی منزل، مدرسه، دانشگاه، کار، خانواده، دوستان، همکلاسی های قدیم، همکاران یا حداقل یک عکس دیگر از صاحب عکس منسوب به ترانه موسوی ارائه کنند. بعد از گذشت چند ماه، هیچ عکس یا سرنخی از هویت و پیشینه این شخص پیدا نشد. (الف، ٤مهر ۸۸)

چند ماه بعد سایت جهان خبر داد که صاحب عکس ترانه موسوی در کانادا زندگی می‌کند و همسرش، شریک تجاری مهدی هاشمی رفسنجانی بوده‌است. (جهان نیوز، ۲۸ فروردین ۱۳۸۹)



عکس منسوب به ترانه موسوی در تظاهرات مشترک صهیونیست‌ها
و ضدانقلاب در نیویورک، اول مهر ۱۳۸۸

ماجرای ترانه موسوی، چهره‌ای بی‌رحم از نظام جمهوری اسلامی و نیروهای امنیتی آن در جهان ترسیم کرد و اما تکرار پی درپی آن توسط رسانه‌های هوادار موسوی، به عنوان قطعه‌ای از پازل «تقلب و کودتا» عمل کرد.

یک‌سال بعد از طرح خبر و ماجرای ترانه، حلقه مفقوده پیدا شد. امیر حبیبی‌نیا روزنامه‌نگار ایرانی (همکار شبکه فرانس ٢٤) با یادداشتی مفصل در وبلاگ خود اعتراف کرد این خبر از اساس دروغ بوده و او فریب دو نفر به اسامی لیلا ملک‌محمدی ورضا والی‌زاده (خبرنگار بی بی سی) را خورده است و پس از پیگیری‌های متعدد و پرس‌وجو از ملک‌محمدی درباره اسناد این ادعا و تحقیق از آدرس‌هایی که در اختیارش بوده به این نتیجه رسید، که این خبر ساخته و پرداخته ملک‌محمدی و رضا والی‌زاده بوده و هیچ پایه‌ای نداشته و اگر یک‌سال سکوت کرده برای این بوده که این دونفر از کشوری که به آن گریخته بودند به کشور ثالث دیگری منتقل شوند و موقعیتی امن پیدا کنند. (متن کامل یادداشت حبیبی‌نیا در سایت الف ۳ شهریور ۸۹)

فصل ۲۰

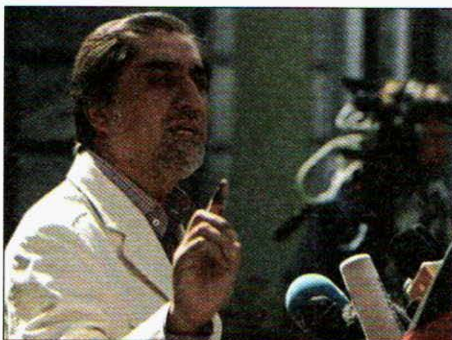
مرگ بر چین در نماز دشمن شکن جمعه

تیر ماه داغ ۸۸ با حوادث متنوعی همراه بود. دهه اول این ماه در شرایطی که تلاش هیات شش‌نفره شورای نگهبان برای اقناع موسوی و کروبی در جریان بود، شایعه پشت شایعه در سایت‌ها و تلویزیون‌های ماهواره‌ای و سپس محافل سیاسی و مردمی منتشر می‌شد. ماجرای ترانه موسوی یکی از این شایعات بود. دستگیری ۷۰ استاد دانشگاه که به ملاقات موسوی رفته بودند و استعفای دسته‌جمعی اساتید دانشگاه شریف، از دیگر شایعاتی بود که اغلب به طور تلویحی و ضمنی تکذیب می‌شد.. در این فضای غبارآلود، افراد فاقد تیزبینی سیاسی، گرفتار جو و شایعات می‌شدند و در غوغای تبلیغات پرحجم رسانه‌های ضدانقلاب، اعتماد خود را به نظام سیاسی کشور از دست می‌دادند. افت شدید سرمایه اجتماعی (به معنی اعتماد به هموطنان، مسوولان و نظام اجتماعی) در این روزها به‌شدت محسوس بود. بگومگوها و مشاجره‌ها در خانواده‌ها، محل‌های کار و تحصیل به اوج خود رسیده بود و دوستی‌ها و ارتباطات زیادی قطع شد. مساله فقط مشاجره همیشگی و قدیمی طرفداران نظام و انقلاب با ضد انقلابیون نبود. مشکل جدید این بود که موسوی در بیانیه‌هایش به شدت ادبیات انقلابی به‌کار می‌برد اما عملاً مقابل نظام و رهبری ایستاده بود. این مساله

تشخیص طرف انقلابی و ضد انقلابی را بسیار مشکل می‌کرد. در این شرایط، رهبر انقلاب با یادآوری فتنه جنگ صفین، ضرورت داشتن بصیرت و شناخت طرف حق در دوران غبارآلود سیاسی را مطرح کردند. ایشان ۲۱مردادماه در جمع سپاه ولی امر فرمودند: «اگر من بخواهم یک توصیه به شما بکنم، آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کنید؛ بصیرت. بلاهایی که بر ملت‌ها وارد می‌شود، در بسیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی است. خطاهایی که بعضی از افراد می‌کنند - می‌بینید در جامعه خودمان هم گاهی بعضی از عامه مردم و بیشتر از نخبگان، خطاهایی می‌کنند. نخبگان که حالا انتظار هست که کمتر خطا کنند، گاهی خطاهایشان اگر کماً هم بیشتر نباشد، کیفاً بیشتر از خطاهای عامه مردم است - بر اثر بی‌بصیرتی است؛ خیلی‌هایش، نمی‌گوییم همه‌اش. بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله امیرالمؤمنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: «الا و لایحمل هذا العلم الأ اهل البصر و الصّبر» می‌دانید، سختی پرچم امیرالمؤمنین از پرچم پیغمبر، از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمؤمنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. دشمن همان حرف‌هایی را می‌زد که دوست می‌زند.» (سایت رهبری، ۲۱مرداد)

تیرماه ۸۸ به تدریج اعتراض تشکل‌های دانشجویی و سپس نمایندگان مجلس به قوه قضاییه درباره علت مماشات با موسوی و کروبی بلند شد. به ویژه وقتی این دو از ارائه دلیل تهمتشان درباره تقلب فراگیر در انتخابات عاجز ماندند و بر پیگیری اعتراضات خیابانی تاکید کردند. همان روزها در لبنان انتخابات سراسری مجلس برگزار شد که در آن حزب الله با وجود امید نسبتا زیادش پیروز نشد اما سیدحسن نصرالله رهبر حزب‌الله با پذیرش شکست اعلام کرد با گروه پیروز به رهبری سعدحریری همکاری خواهد کرد. رسانه‌های اصول‌گرا به این

بهانه رفتار انتخاباتی حزب‌الله لبنان را به موسوی و کروبی یادآوری می‌کردند و از آنها می‌خواستند به قواعد انتخابات تن دهند. از سوی دیگر در همان زمان در انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان، حامد کرزی برنده اعلام شد. بلافاصله احمدی‌نژاد برای کرزی پیام تبریک فرستاد اما رقیب اصلی کرزی یعنی عبدالله عبدالله اعلام کرد به دلیل تقلب کرزی، نتیجه را نمی‌پذیرد.



عبدالله عبدالله کاندیدای شکست‌خورده انتخابات افغانستان به نتیجه اعتراض کرد ولی هواداران خود را از تجمع خیابانی پرهیز داد و گفت شکایتش را از مسیر قانونی پیگیری خواهد کرد، ۳شهریور۱۳۸۸

چهره‌ها و رسانه‌های اصلاح طلب، تبریک زود هنگام احمدی‌نژاد به کرزی را به باد انتقاد گرفتند و با کنایه، «کمیته ملی انتخابات» افغانستان را - که به شکایت عبدالله رسیدگی کرد - ستودند و حسرت فقدان آن در ایران را خوردند. مدتی بعد عبدالله عبدالله از تجمع اعتراض‌آمیز طرفدارانش جلوگیری و اعلام کرد شکایتش را از مسیر قانونی پیگیری خواهد کرد. (خبرگزاری فارس، ۳شهریور).
این بار نوبت رسانه‌های اصول‌گرا بود که به موسوی کنایه بزنند.

اوایل تیر ماه نوار سخنرانی بسیار تند هادی غفاری در اینترنت منتشر شد. عکس حضور وی در تجمع غیر قانونی هم به اینترنت راه یافت. چند ماه بعد ماموران وزارت بازرگانی در انبار مرکز فرهنگی الهادی متعلق به وی

تصادفاً تعدادی اسلحه جنگی مخفی شده کشف کردند. هادی غفاری درباره این سلاح‌ها گفت: «من از ماجرا خبر ندارم چون در این انبار سال‌هاست که بسته بوده و خود من هم ۱۷ سال است که به آن زیرزمین پا نگذاشته‌ام اما فکر می‌کنم این اسلحه‌ها از قدیم و از زمانی که بسیج مسجد فعال بوده در آنجا باقی مانده‌است.» (آفتاب نیوز، ۱۷بهمن)

اواخر تیرماه تعداد زیادی از نمایندگان که عددشان بین ۱۰۰تا ۱٤٤ نماینده اعلام می‌شد از موسوی شکایت کردند و موسوی هم متقابلاً از روزنامه‌های کیهان و جوان شکایت کرد. دستگاه قضایی تا پایان فتنه پس از انتخابات شکایت نمایندگان و تشکل‌های دانشجویی از موسوی را به جریان نینداخت.

از ۳۱ خرداد ماه بسیجیان مجهز به کلاه خود و باتوم که با حضور در میادین و چهارراه‌های مرکز تهران، امنیت را برقرار کرده بودند، به تدریج جای خود را به نیروی انتظامی و کلانتری‌ها دادند.



بسیجیان مجهز به کلاه خود و باتوم که با حضور در میادین و چهارراه‌های مرکز تهران، آشوب‌ها را مهار و امنیت را برقرار کرده بودند، به تدریج جای خود را به ماموران نیروی انتظامی و کلانتری‌ها دادند

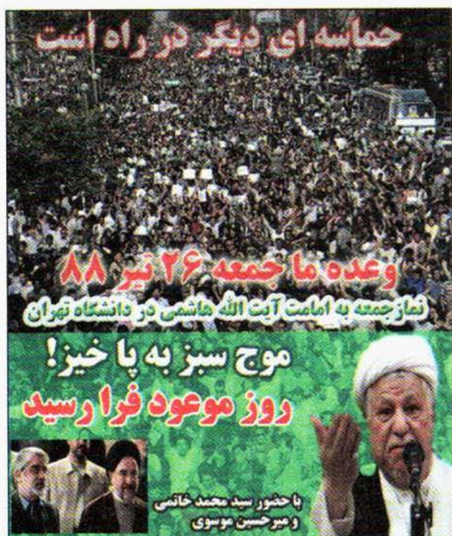
بعد از تجمع ۳۰خرداد، تلاش رسانه‌های حامی موسوی برای ایجاد تجمع بی‌نتیجه مانده بود. ۱۸ تیر بهانه و فرصتی بود که موج سبز یک‌بار دیگر خودی نشان دهد. پس از چند هفته تبلیغ و هماهنگی، چندهزارنفر در دسته‌های پراکنده

اطراف دانشگاه تهران تجمع کردند. موسوی هفته قبل در متن مفصلی نهمین بیانیه‌اش را هم منتشر و در آن طبق معمول بر تقلب گسترده در انتخابات تاکید کرده بود. پلیس ضد شورش نیروی انتظامی با همکاری نیروهای بسیج تجمع‌کنندگان را پراکنده و افرادی را که مقاومت می‌کردند بازداشت کردند. با توجه به تکمیل بودن ظرفیت بازداشتگاه‌های تهران، قاضی مرتضوی دادستان تهران دستور داد ١٤٨ نفر از این بازداشت شدگان به بازداشتگاه کهریزک- که چند سال پیش برای نگهداری مجرمان بسیار شرور ساخته شده بود- اعزام شوند؛ دستوری که نتیجه فاجعه‌آمیزی به دنبال داشت.

آخرین جمعه تیرماه ۸۸، نوبت هاشمی‌رفسنجانی بود که نماز جمعه تهران را اقامه کند. هرچند هاشمی در محافل سیاسی، حامی اصلی موسوی شناخته می‌شد اما خود او درباره انتخابات دو پهلو موضع می‌گرفت. البته درباره نامه تند و بدون سلام هاشمی به رهبری، حضور فائزه هاشمی و سخنان تحریک‌آمیزش در تجمعات غیرقانونی علنی که حتی از تلویزیون نمایش داده شده بود و نقش مهدی‌هاشمی در تامین مالی و هماهنگی هواداران موسوی هم شایعات زیادی در محافل سیاسی پخش بود. با اعلام رسمی حضور هاشمی در نماز جمعه ٢٦ تیرماه، سایت‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای فرصت جدیدی برای تجدید سازماندهی و تجمع طرفداران موج سبز به‌دست آورده بودند. آن هم فرصت حضور در یک تجمع رسمی بدون نیاز به کسب مجوز تجمع!

شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های طرفدار موسوی درباره اهمیت این نماز جمعه و ضرورت حضور انبوه سبزها در آن تبلیغات وسیعی به راه انداختند. برخی تحلیلگران طرفدار موسوی وعده می‌دادند که رکورد نماز جمعه ۲۹ خرداد شکسته خواهد شد. در برخی شبکه‌های ماهواره‌ای آداب شرکت در نماز جمعه آموزش داده می‌شد و «نماز جمعه اولی»ها را برای ٢٦ تیر آماده می‌کردند. عصر ٢٤ تیر، موسوی در اطلاعیه‌ای حضور خود در نماز جمعه این هفته را تایید

کرد: «از آنجاکه اکیداً پاسخ به دعوت همدلان و همراهان در راه صیانت از حقوق مشروع زندگی آزاد و شرافتمندانه را بر خود واجب می‌دانم، روز جمعه مورخ ۸۸/۰٤/۲٦ در میان صف‌های شما حاضر خواهم شد. تمسک به حبلُ المَتین ایمان و قرار گرفتن در حِصن امن الهی که این دعوت شما متضمن آن است بهترین طریق وصول به آزادی‌های به ناحق مسلوب شده از ماست.» (سایت کلمه، ۲٤ تیر). بعدها علیرضا بهشتی از نزدیکان موسوی گفت، موسوی با هماهنگی هاشمی در نمازجمعه ۲٦ تیر شرکت کرد. (روزنامه اعتماد، ۳۱مرداد۸۸)



دعوت‌نامه اینترنتی سبزها به نمازجمعه ۲۶تیر

از صبح ۲٦ تیر در محوطه اطراف دانشگاه تهران پلیس و نیروهای بسیجی حضوری محسوس داشتند. با این حال انتهای صف نماز جمعه به زحمت به خیابان طالقانی رسید. درون صف‌ها نمازگزارانی بودند که به‌طور مختلط با خانم‌ها یا با کفش به نماز ایستادند که عکس‌های آن تا مدت‌ها سایت‌ها و

وبلاگ‌های مخالف موسوی را شارژ کرد. تعداد طرفداران موسوی که با مچ‌بند یا لباس سبز در این نماز جمعه حاضر بودند ، قابل توجه بود. عده‌ای هم در خیابان‌های فاطمی و انقلاب تجمع کردند و به شعار دادن پرداختند. شخص موسوی در محوطه اصلی نماز جمعه حاضر شد اما خاتمی به این نمازجمعه تاریخی نیامد. حسن روحانی، مجید انصاری، عبدالله نوری، زهرا رهنورد، ناطق‌نوری، محسن رضایی، محمد هاشمی، محمدرضا باهنر، علیرضا محجوب، نبی حبیبی، قدرت‌الله علیخانی، سید یاسر خمینی، سعید مرتضوی، علی رازینی، میرمحمدی، امامی کاشانی، هادی غفاری و مهدی کروبی نیز در این نمازجمعه حضور داشتند.

با وجودی که از صبح آن روز مخالفان سبزها با حضور زودتر محوطه اصلی را اشغال کرده بودند، اما سبزها هم آنقدر بودند که شعارهایشان به گوش خطیب نماز جمعه برسد. علاوه بر شعارهای متعارف سبز، شعار بدیعی که در این نماز جمعه سر داده شد، «مرگ بر چین» و «مرگ بر روسیه» بود.

ماجرا از این قرار بود که مدتی قبل، ترک‌های مسلمان ساکن ایالت سینجان چین (موسوم به اویغور) که رهبر آنها تحت حمایت رسانه‌های آمریکا بود، بر سر مساله‌ای قومی علیه دولت مرکزی تظاهرات کرده بودند و این تظاهرات توسط پلیس چین به سختی سرکوب شده بود. رسانه‌های آمریکایی هم فرصت مغتنمی برای تبلیغات ضدچینی در دنیا به راه انداخته بودند. رسانه‌های هوادار موسوی هم اعم از داخلی و خارجی فریاد برآوردند که چه نشسته‌اید که برادران مسلمان چینی را قتل عام می‌کنند! در داخل ایران ، روسیه سابقه بدی داشت اما چین چندان بدسابقه نبود. هرچند کالاهای بی‌کیفیت وارزان چینی برخی صنایع ایرانی را تحت فشار قرارداده بود اما دولت چین در مقابل فشار شدید آمریکا و متحدان اروپایی اش علیه تحریم ایران در مساله هسته‌ای به سختی مقاومت می‌کرد و عملاً از محاصره اقتصادی کامل ایران جلوگیری کرده بود. در این

شرایط شعار« مرگ بر چین» که از سوی طرفداران موسوی در نماز جمعه ۲۶ تیر سرداده شد، اولین انحراف جدی و عملی از شعارها و بیانیه‌های موسوی و از اصل انتخابات و تقلب ادعایی در آن بود. انحرافی که با سکوت موسوی همراه شد و مدتی بعد درجریان روز قدس و روز ۱۳ آبان جنبش سبز را در حد پیاده‌نظام مدافع منافع واشنگتن و تل‌آویو تنزل داد.

واکنش هاشمی در مقام خطیب جمعه به شعار غیر عادی «مرگ بر چین» طبق معمول دو پهلو بود: «آقایان من خواهش کردم به عنوان خطیب شما و جمعه شما شعار ندهید و من در خطبه‌های خود به‌خاطر شرایطی که می‌دانید در اینجا و اطراف خیابان‌ها و کل این منطقه است خواهش می‌کنم شعار ندهید و بگذارید من که دارم می‌گویم مساله چین را. ما از دولت چین که آن‌را یک دولت عاقلی می‌دانیم و در جهت توسعه کشورش دارد کار می‌کند، ما نصیحت می‌کنیم و برادرانه نصیحت می‌کنیم و این به نفع آنها نیست» (سایت هاشمی رفسنجانی ، خبر شماره ۱۲۲۷)

درباره این بخش از خطبه‌های هاشمی، محسن مخملباف همان شب به رادیو فردا گفت: «کار تازه‌ای که آقای هاشمی انجام داد، حمله به کشتار مسلمانان در چین بود و شرایطی را به وجود آورد که حزب اللهی هایی که در صحن اصلی دانشگاه بودند فریاد مرگ بر چین سر دهند. این هم به نفع جنبش است چون اکنون چین و روسیه متحد جمهوری اسلامی در مقابل تحریم‌های دنیا هستند.» (رادیو فردا، ۲۶تیر)



واکنش هاشمی به شعارهای غیرمتعارف سبزها در نمازجمعه تهران، ۲۶تیر۱۳۸۸

برخی بخش‌های خطبه‌های هاشمی با استقبال هواداران موسوی و شعارهای «الله‌اکبر» و «هاشمی، هاشمی، حمایتت می‌کنیم»، «ما همه سرباز توایم موسوی، گوش به فرمان توایم موسوی» و «هاشمی زنده باد، موسوی پاینده باد» همراه می‌شد. به‌خصوص با این جمله که «خداوند تمامی ظالمین را در دنیا و آخرت عقاب کند و همه مظلومین و آنهایی را که در راه حق به ظلم مبتلا می‌شوند، صبر و اجر عنایت کند» دیگر کار از شعار گذشت و با سوت و کف پرهیجان سبزها همراه شد.



نماز جمعه ۲۶تیر۸۸، نمازگزاری که با کفش نماز می‌خواند

هاشمی در بخشی از خطبه‌اش گفت: «آنچه من می‌فهمم و راه‌حل از آن بیرون می‌آورم این است که اواخر دوران تبلیغات دچار تردید شدیم، یعنی افرادی پیدا شدند که تردید کردند و هر دلیلی اعم از تبلیغات نادرست و یا عمل نادرست صداوسیما و یا چیزهای دیگر باعث شد بذر تردید در ذهن مردم پیش بیاید و ما تردید را بدترین مصیبت می‌دانیم. » در این لحظه از سخنان هاشمی، هواداران موسوی شعارهای تشویق‌آمیز سر دادند و هاشمی نیز در واکنش به این شعارها گفت: «اجازه بدهید، من که بهتر از شما می‌گویم... ول کنید . »

این نماز جمعه حواشی دیگری هم داشت که به نقل از خبرگزاری‌های فارس، مهر و ایلنا چنین است:

- هنگامی که مجری نماز جمعه از هاشمی رفسنجانی برای ایراد خطبه‌های نماز جمعه دعوت کرد، برخی افراد با سوت و کف از هاشمی رفسنجانی استقبال کردند و شعارهای «هاشمی، هاشمی، حمایتت می کنیم» و «هاشمی، هاشمی، سکوت کنی،خائنی» سر می دادند.

- حدود ٤٠ زن با چادرهای سبز در نماز جمعه حضور داشتند.

- برخی طرفداران موسوی نماز را به امامت هاشمی اقامه نکردند و فقط تماشاچی نمازگزاران بودند . هنگام اقامه نماز، تعدادی از حامیان موسوی دست‌های خود را که روبان‌های سبز به آنها بسته شده بود، به بالای سرهای خود برده بودند.

- محمد هاشمی نیز مچ‌بند سبزی به دست خود بسته بود و دو انگشت خود را به نشانه پیروزی به سمت هواداران موسوی گرفته بود.

- در ابتدای خطبه دوم نماز جمعه، میر حسین موسوی ساعت ۱۳:۳۵ و با شرایط ویژه حفاظتی وارد دانشگاه تهران شد و از در مسوولین به جایگاه رفت . در این هنگام برخی از هواداران وی که در آن محوطه حضور داشتند، بدون توجه به سخنان هاشمی رفسنجانی شروع به سر دادن شعار «درود بر موسوی» کردند که در مقابل این اقدام، نمازگزاران نیز شعار « مرگ بر منافق» سر دادند.

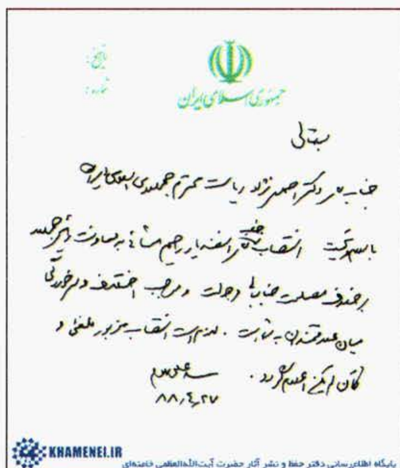
- گرمای حدود ٤٠ درجه هوا باعث شد برخی حامیان موسوی، قبل از اذان ظهر، محل نماز جمعه را ترک کنند.

- عبور موتورسواران از میان صفوف مردمی که در اطراف دانشگاه تهران نشسته بودند، موجب آزردگی مردم نمازگزار شد.

-با توجه به اطلاع رسانی و حساسیت رسانه‌های داخلی وخارجی در پوشش نماز جمعه این هفته ، بسیاری از رسانه‌ها با اعزام نمایندگان خود به گزارش مسائل گوناگون آن پرداختند وبرخی از خبرنگاران خارجی در اطراف دانشگاه تهران با مردم به مصاحبه پرداختند.

مجموعاً خطبه‌های هاشمی چندان به مذاق اصول گرایان و مخالفان آشوب‌ها خوش نیامد، به خصوص آنکه هاشمی بدون هیچ اشاره‌ای به ریشه‌های آشوب‌ها، خواستار آزادی دستگیرشدگان شده بود. در مقابل طرفداران موسوی از جمله ضدانقلاب مقیم خارج خطبه‌های هاشمی را بسیار پسندیدند و هاشمی را قهرمانی نامیدند که از گذشته سیاه خود پشیمان شده و قصد دارد آن را جبران کند. (تحلیل علیرضا نوری زاده در صدای آمریکا، ۳۱تیر)

خبر دیگر تیرماه۸۸، انتصاب اسفندیار رحیم مشایی به سمت معاون اولی رئیس جمهور از سوی احمدی‌نژاد بود. اعلام این خبر با واکنش شدید و یکپارچه منفی چهره‌ها و تشکل‌های اصول گرا روبه‌رو شد و حتی اعتراض ائمه جمعه را هم برانگیخت چرا که مشایی در طول دولت نهم بارها با گفتار و رفتار خود باعث رنجش اقشار متدین از دولت شده بود. روز ۲۷تیرماه رهبر انقلاب طی حکمی کتبا از احمدی‌نژاد خواستند مشایی را از سمت خود عزل کند.



جمهوری اسلامی ایران

تاریخ:

شماره:

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر احمدی نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تحیت انتصاب جناب آقای اسفندیار رحیم مشائی به معاونت رئیس جمهور برخلاف مصلحت جنابعالی و دولت و موجب اختلاف و سرخوردگی میان علاقمندان به شماست. لازم است انتصاب مزبور ملغی و کان لم یکن اعلام گردد.

سید علی خامنه‌ای

۸۸/۴/۲۷

دستور کتبی رهبر انقلاب به احمدی‌نژاد برای عزل مشایی از معاونت اولی رئیس‌جمهور. پس از انکار برخی نزدیکان دولت درباره وجود چنین دستوری، اخبار صداوسیما خبر آن را در دوم مرداد منتشر کرد.

برخی نزدیکان احمدی‌نژاد منکر چنین دستوری شدند. با این حال شایعه شد که مشایی استعفا داده است. مشایی ۲۹ تیر در سایت شخصی‌اش نوشت: «چند سایت در اقدامی هماهنگ با درج عنوان مشایی از معاون اولی استعفا داد، با نیت خاص شروع به تخریب دولت کردند. این خبر شایعه و دروغی بیش نیست و این شایعات از طرف دشمنان ولایت و دولت کریمه ساخته و پرداخته شده است». سیدمجتبی ثمره هاشمی دستیار ارشد رئیس‌جمهور هم در گفت‌وگو با شبکه جهانی جام‌جم گفت: «در انتصاب مشایی به معاونت اول رئیس‌جمهور تجدیدنظری صورت نخواهد گرفت.» (خبرگزاری‌ها، ۳۰ تیر). خود احمدی‌نژاد هم سی ام تیرماه بر غیر قابل برگشت بودن تصمیم خود درباره انتصاب مشایی تاکید کرد و گفت: « ایشان به معاونت اولی رئیس‌جمهور منصوب شده و به کار خود ادامه می‌دهد... اختیارات معاون اولی محدودتر از اختیاراتی است که ایشان در سمت قبلی خود داشته است.» (فارس، ۳۰ تیر)

روز دوم مرداد و پس از انتشار رسمی دستور کتبی رهبر انقلاب برای عزل مشایی، فشار بر احمدی‌نژاد بسیار بیشتر شد. چندین تشکل دانشجویی نامه‌های سرگشاده بسیار تندی به احمدی‌نژاد نوشتند. سایت الف برای احمدی‌نژاد «روزشمارولایت‌پذیری» راه انداخت. روز یکشنبه چهارم مرداد احمدی‌نژاد وزرای بهداشت و درمان، ارشاد و اطلاعات را عزل کرد. از قرار معلوم آنها به تعلل رئیس‌جمهور در اجرای فرمان رهبری شدیدا اعتراض کرده بودند و نامه ای نیز در تبعیت از دستور رهبر انقلاب به ایشان نوشته بودند. (خبرگزاری مهر، ۵ مرداد). با عزل این سه وزیر، طبق قانون اساسی کابینه از رسمیت افتاد و احمدی‌نژاد ناچار بود برای ۸ روز باقی مانده از دولت اول خود برای کل کابینه از مجلس تقاضای رای اعتماد کند. به همین دلیل استعفا - یا برکناری- وزیر ارشاد پس گرفته شد. خود صفار هرندی طی نامه ای به احمدی‌نژاد نوشت: « جناب آقای رئیس جمهور با سلام، در پی ابلاغ شفاهی حکم جنابعالی مبنی بر برکناری

اینجانب و معرفی سرپرست وزارت‌خانه که خبر آن روی شبکه ویژه خبری دولت و دیگر سایت‌های اطلاع‌رسانی منعکس شد، خرسند شدم که شانه‌های ضعیفم از زیر بار مسوولیت سنگین این امانت بزرگ رها شده است، اما گویا محذور از نصاب افتادن دولت، موجب توقف این حکم گردید.

اکنون با تأسف از قضایای اخیر که موجب وهن دولت محترم شد، بی‌اعتنا به اخبار حاشیه‌ای، ابلاغ نخست را جدی گرفته و خود را فارغ از مسوولیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌دانم و از فردا در وزارت‌خانه حضور نخواهم یافت.

با این همه در برابر این تقدیر که در هشت روز باقی‌مانده از عمر دولت نهم، از نام و آبروی این بنده کوچک خدا و سرباز ولایت امر، به قدر یک «عدد» بهره گرفته شود، تسلیم و راضی‌ام».

ماجرای انتصاب مشایی با استعفای وی در سوم مرداد و نامه کوتاه احمدی‌نژاد به رهبر انقلاب در این باره پایان نیافت. احمدی‌نژاد با ارسال نامه بلند و پر تجلیل خود برای مشایی در پاسخ به استعفای وی و انتصاب وی به سمت رئیس دفتر رئیس‌جمهور و اعطای چندین سمت دیگر به مشایی، خاطره بسیار تلخی از خود در اذهان اصول‌گرایان به‌جا گذاشت. بر اثر این ماجرا، وزارت اطلاعات در بحبوحه یک جنگ نرم تمام عیار و پیچیده‌ترین فتنه پس از انقلاب، برای بیش از یک ماه بدون وزیر ماند.

تیرماه داغ ۸۸ با حادثه دیگری پایان یافت. در روزهای پایانی تیرماه، سایت‌های حامی موسوی از مردم درخواست کردند ساعت ۹ شب ۳۰ تیر وسایل پر مصرف برقی خود را روشن کنند تا «خاموشی سبز» در کشور ایجاد شود.

من و شما رسانه باشیم
در بزرگترین اعتراض مدنی میلیونی، قانونی و شبانه در ایران و در
سه شنبه شب ۳۰ تیر ماه ۱۳۸۸
(به یاد جان باختگان روز ۳۰ خرداد که در حکومت نظامی کشته شدند از جمله ندا آقا سلطان)
از مردم ایران درخواست می گردد
دقیقاً در ساعت ۹:۰۰ شب
و با آغاز اخبار ساعت ۹
همگی یک وسیله برقی پر مصرف
(ترجیحاً اتو یی که روی درجه آخر هست و یا جاروبرقی، سشوار، هیتر و ...)
را برای ۲٤۰ ثانیه (٤ دقیقه)
به برق متصل کنید
(اگر می خواهید بیشتر تاثیر گذار باشید همزمان ۲ یا سه وسیله را با هم به برق بزنید).
توجه کنید که زمان بسیار و بسیار مهم است. در صورتی که
حتی ۱۰ ثانیه
تاخیر داشته باشید از قافله عقب خواهیم ماند.

دعوت به ایجاد «خاموشی سبز» منتشره در سایت بالاترین، هفته پایانی تیر ۸۸

این تدبیر چندان موثر نیفتاد و بیشتر دستمایه تمسخر نظریه‌پردازان خارج از کشور موج سبز توسط وبلاگ‌های مخالف آشوب که به تدریج فعال می‌شدند قرار گرفت. نظریه‌پردازانی نظیر عطاءالله مهاجرانی، محسن کدیور، محسن سازگارا، علیرضا نوری‌زاده و اکبر گنجی که در ماه‌های پس از خرداد ۸۸ نقش اصلی را در پیوند اپوزیسیون خارج از کشور با طرفداران داخلی موسوی ایفا کردند.

فصل ۲۱

مرداد تلخ

مرداد ماه تلخ ۸۸ با نامه مشترک موسوی، خاتمی و کروبی به مراجع قم برای دخالت در حل مساله ایجاد شده شروع شد (قلم نیوز، ۳مرداد). روز بعد موسوی و کروبی در نامه‌ای به وزیر کشور درخواست کردند مراسم چهلم کشته‌شدگان حوادث پس از انتخابات را در مصلای تهران برگزار کنند: «به مناسبت گذشت چهل روز از آغاز حوادث ناگواری که طی آن عده‌ای از هموطنان‌مان جان خود را از دست دادند، درخواست برگزاری مراسم یادبود این عزیزان در محل مصلای بزرگ تهران را داریم. شایان ذکر است که مراسم مذکور بدون ایراد سخنرانی و با استماع به تلاوت آیات کلام‌الله مجید انجام خواهد شد و از شرکت‌کنندگان نیز درخواست خواهد شد در سراسر مراسم با سکوت خود ادای احترام کنند.» (ایسنا، ٤مرداد) پاسخ وزارت کشور طبق معمول منفی بود چرا که در تجمعات معترضان، آشوبگران و اوباش نفوذ و نظم و امنیت عمومی را مختل می‌کردند و برای پلیس هم قابل تفکیک از معترضان واقعی نبودند.

همان روزها خبری درباره کشته شدن سه‌تن از دستگیر شدگان حوادث ۱۸تیر در یکی از بازداشتگاه‌ها در اینترنت و محافل سیاسی منتشر شد. ابتدا تصور می‌شد این خبر هم مانند هزاران شایعه که تا آن روز تولید و منتشر

شده بود، دروغ از آب در بیاید و فراموش شود اما مستندات عکس و هویت کشته‌شدگان و خانواده‌هایشان صحت خبر را تایید می‌کرد. از قرار معلوم یکی از بازداشت‌شدگان اعزام شده به بازداشتگاه کهریزک، شرایط وحشتناک آنجا را به اطلاع مسوولان بیت رهبری رسانده بود و ایشان هم بلافاصله دستور تعطیل کردن آنجا را صادر کردند. (گفت‌وگوی نویسنده با یکی از نمایندگان کمیته تحقیق مجلس درباره حوادث پس از انتخابات) یکی از سه جوان کشته شده، محسن روح‌الامینی فرزند رئیس سابق انستیتو پاستور ایران و از نزدیکان محسن رضایی بود. دو جوان دیگر، امیر جوادی‌فر و محمد کامرانی نام داشتند.



مرحوم امیر جوادی‌فر، مرحوم محسن روح‌الامینی و مرحوم محمد کامرانی
مرداد ماه ۸۸ تایید خبر کشته شدن سه جوان بازداشت شده، افکار عمومی را شوکه کرد

با انتشار خبر تعطیلی بازداشتگاه کهریزک به دستور رهبر انقلاب و تایید رسمی کشته شدن سه‌جوان، برای چند روز یک هرج و مرج خبری کامل درباره این موضوع در رسانه‌های رسمی داخلی ایجاد شد.

مدیر کل زندان‌های استان تهران در مصاحبه‌ای اعلام کرد: «مرحوم روح‌الامینی مننژیت داشته است.» (خبرگزاری مهر، ۵ مرداد) مدتی بعد نظر رسمی پزشکی قانونی ابتلای محسن روح‌الامینی به مننژیت را رد و علت مرگ وی را اصابت جسم سخت اعلام کرد. (خبرگزاری مهر، ۹مرداد) از سوی دیگر قائم مقام دادگستری استان تهران اعلام کرد دو سال پیش پیشنهاد تعطیلی بازداشتگاه کهریزک را داده است اما روابط عمومی دادسرای تهران با انتشار اطلاعیه‌ای این اظهارات مقام دادگستری را تکذیب کرد. (ایسنا، ۸ مرداد)

سیزدهم مرداد دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی اعلام کرد: «در پی تاکید مقام معظم رهبری بر برخورد دقیق و قانونی با عوامل تعرض به حقوق شهروندی و تعطیلی بازداشتگاه کهریزک، با پیشنهاد هیات ویژه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی افراد و مسوولان خاطی از سمت‌های خود برکنار شده و تحت تعقیب قضایی قرار می گیرند. » (خبرگزاری‌ها، ۱۳مرداد)

پانزدهم مرداد نیروی انتظامی نتیجه تحقیقات خود را درباره بازداشتگاه کهریزک به این شرح اعلام کرد: « به دنبال دستور مقام معظم رهبری مبنی بر تعطیلی بازداشتگاه کهریزک و بررسی حوادث بازداشتگاه توسط هیات ویژه شورای‌عالی امنیت ملی، به دستور سردار فرمانده نیروی انتظامی تیم ویژه‌ای توسط بازرسی کل ناجا به صورت همزمان مسوول پیگیری موضوع شد که گزارش بررسی‌ها و اقدامات اولیه به شرح ذیل به اطلاع عموم می‌رسد:

۱- بازداشتگاه کهریزک برای نگهداری موقت و تادیب اراذل و اوباش دستگیر شده در طرح ارتقای امنیت اجتماعی و با شرایط زیستی سختگیرانه ایجاد و توسط ناجا اداره می‌شد.

۲- تعدادی از دستگیرشدگان اغتشاشات ۱۸ تیر به زندان اوین اعزام می‌شوند ولی به جهت محدودیت پذیرش، تعدادی از آنها به صورت موقت به بازداشتگاه کهریزگ منتقل می‌شوند که با توجه به شرایط یادشده اصولا اعزام بازداشتی‌ها به این بازداشتگاه‌ها صحیح نبوده است.

۳- محدودیت پذیرش بازداشتگاه و اضافه شدن دستگیرشدگان ۱۸ تیر باعث تراکم جمعیت دربند بازداشتی‌ها شده و شرایط نامساعد زیستی و بهداشتی موجبات آزار و اذیت آنان را فراهم می‌آورد.

۴- برابر بررسی‌های به عمل آمده و مصاحبه با بازداشت‌شدگان و مطلعان، سهل‌انگاری و تخلف تعدادی از مسوولان، ماموران و کارکنان بازداشتگاه کهریزک و رده‌های نظارتی محرز می‌باشد؛ لذا ضمن تشکیل و تکمیل پرونده

جهت ارسال به مراجع قضایی برای افراد فوق، اقدامات تنبیهی درون‌سازمانی به شرح ذیل اعمال گردید:

- عزل و تنبیه مسوولان بازداشتگاه به دلیل پذیرش بازداشت‌شدگان بیش از ظرفیت بازداشتگاه، عدم انعکاس محدودیت‌ها و مشکلات به سلسله مراتب، بی‌توجهی و عدم نظارت و کنترل بر زیرمجموعه و عدم توجه به تدابیر ابلاغ درخصوص نحوه نگهداری و مراقبت از بازداشت‌شدگان.

- عزل و تنبیه دو تن از مسوولانی که در انجام وظایف نظارتی و کنترلی کوتاهی و سهل‌انگاری داشته‌اند.

- برخورد و تنبیه دو تن از افسران نگهبان وقت به دلیل اقدام خودسرانه در تنبیه بدنی بازداشت‌شدگان.

- تنبیه انضباطی تعداد دیگری از مسوولان و مامورانی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد شرایط به وجود آمده نقش داشته‌اند.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با وجود تمام فتنه‌آفرینی‌های تحریک‌کنندگان و اغتشاشگران ضمن متوجه دانستن تمام مسوولیت پیامدهای تحریک‌ها و بی‌قانونی‌های صورت گرفته به آنان، اعتقاد راسخ بر این دارد که تحت هیچ شرایطی حقوق مردم نبایستی توسط ماموران ناجا که داعیه‌دار قانونگرایی است مورد نقض قرار گیرد و با اندک موارد و مصادیق آن برخورد می‌نماید.» (خبرگزاری‌ها، ۱۵مرداد)

با تایید خبر کشته شدن سه‌جوان در کهریزک، موج خبری بی‌سابقه‌ای در دنیا علیه ایران به راه افتاد. رسانه‌ها و شخصیت‌های ضد انقلاب، پرونده‌های کهنه از جمله اعدام مجرمان زندانی منافقین (مجاهدین خلق) در سال ٦٧ را با آب و تاب زنده و همه اعدامی‌های متهم به قاچاق مواد مخدر یا قصاص را زندانی سیاسی معرفی می‌کردند.

علاوه بر جنجال آفرینی رسانه‌های طرفدار موسوی، کشته شدن این سه جوان

در بازداشتگاه جمهوری اسلامی به حدی تلخ و بی‌سابقه بود که رئیس مجلس نیز بلافاصله هیاتی ویژه را مامور بررسی مساله و ارائه گزارش کرد. گزارش این هیات شش ماه بعد، بیستم دی توسط کاظم جلالی از تریبون مجلس قرائت شد و رسماً «سعید مرتضوی» دادستان سابق تهران را در قتل هر سه جوان مقصر شناخت. (متن کامل این گزارش در ضمائم کتاب ارائه شده است) مرتضوی در این زمان به دعوت احمدی‌نژاد به دولت رفته و به سمت ریاست ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز منصوب شده بود. وی روز قبل از قرائت گزارش به مجلس رفت و با برخی نمایندگان دیدار کرد. چند روز بعد از قرائت این گزارش هم در نامه‌ای به علی لاریجانی رئیس مجلس اتهامات وارد به خود را رد و ادعا کرد در زمان ۱۹ تیرماه که سه مقتول به بازداشتگاه کهریزک معرفی شدند، برای تهیه پایان نامه دکتری‌اش در مرخصی به سر می‌برده است. (ایسنا، ۲۷دی)

روز چهارم شهریور ماه رهبر انقلاب در مراسم افطاری با دانشجویان نخبه در پاسخ به سوال دانشجویان، اتفاقات کهریزک را جنایت خواندند و گفتند: «این را به طور قاطع بدانید که با اینها برخورد خواهد شد. حالا نمی خواهیم جنجال بکنیم که دستور بدهیم، این دستور توی رسانه‌ها پخش بشود، باز یک پیوست زده بشود، باز یک پیرو زده بشود؛ من دوست ندارم کار تبلیغاتی انجام بگیرد؛ اما از اولین روزها دستور داده شده و کسانی دنبال هستند؛ منتها کارها باید درست، با دقت و با مراقبت پیش برود. من از فعالیت‌های پلیس امنیتی‌مان، پلیس انتظامی‌مان، دستگاه بسیجمان تشکر می کنم؛ اینها خیلی کارهای بزرگی کردند، کارهای خوبی کردند؛ لیکن این یک بحث جداست. اگر کسی در وابستگی به هر کدام از این سازمان‌ها یک تخلفی انجام داده، یک جرمی انجام داده، او هم باید جداگانه بررسی شود. نه خدمت اینها را به حساب جرم آنها ندیده می گیریم، نه جرم آنها را به حساب خدمت اینها ندیده می گیریم.» (سایت رهبری ، ٤شهریور)

چهار روز بعد در جریان دیدار استادان دانشگاه با رهبر انقلاب، عبدالحسین

روح‌الامینی پشت تریبون قرار گرفت و پس از یادآوری اهمیت سرمایه اجتماعی و ضرورت ایجاد فرهنگ عذرخواهی در میان مسوولان، به جریان کشته شدن فرزندش هم اشاره کرد و گفت: «بعضی‌ها فکر می‌کنند ما که از نظام دفاع می‌کنیم، از حقمان هم می‌گذریم. خون‌خواهی در رابطه با عزیز از دست‌رفته ما- محسن ما- به عهده نظام است. جوانی بوده در این جامعه که نظام در خون‌خواهی او مقدم است. وقتی در آن آیه شریفه می‌فرماید: «و لکم فی القصاص حیاة» آن فرد را نمی‌خواهد برگرداند؛ این حیات جامعه است و تضمین این حیات است. ان‌شاءالله این پاسخ‌گویی، قبول مسوولیت و عذرخواهی در رده‌های مختلف تعریف بشود تا ما برسیم به آن وجه که شهید مطهری در ابتدای پیروزی انقلاب فرمودند که« أليوم يئس الذين كفروا من دينكم» که ان‌شاءالله دشمنان ما بدانند آب در هاون می‌کوبند. ما یک خانواده بزرگیم با همه مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها و با همه خوبی‌ها و خوشی‌ها. در هم است این شور و شیرین. خودمان اداره می‌کنیم و احتیاجی به دخالت آنها نیست. البته این نافی تکلیف و وظیفه ما نیست... ان‌شاءالله دعا کنید برای ما که مشمول این فراز زیارت امین‌الله باشیم که «صابرة علی نزول بلائک؛ شاکرة لفواضل نعمائک» ان‌شاءالله ذخیره آخرت ما باشد و بتوانیم بر این بلیه‌ای که بر ما آمد، صبر کنیم اما به فرموده والده آن عزیز، محسن ما خونش رنگین‌تر از دیگران نیست. محسن ما رفت، محسن‌های مردم را دریابید.» (الف، ۹شهریور) رهبر انقلاب هم در پاسخ به سخنان پدر محسن روح‌الامینی گفتند: «اجازه بدهید من چند جمله عرض کنم به آقای روح‌الإمینی؛ اولاً طیب‌الله أنفاسکم. خیلی خوب صحبت کردید. ثانیاً این نکته لزوم پاسخ‌گویی که آقای روح‌الامینی اشاره کردند، کاملاً درست است؛ ما این را تصدیق می‌کنیم. جزو اعتقادات بنده است از سابق. در طول این سال‌ها گاهی اتفاق افتاده که از کسی تخلفی سر زده؛ یک قول و یک نظر این بوده که به خاطر خدماتی که این شخص کرده، از آن تخلف بگذریم! یک حرف دیگر این بوده که ما تخلف را در وزن

خودش و اندازه خودش محاسبه کنیم؛ به معنای واقعی کلمه؛ آثار تخلف را هم بر آن بار کنیم؛ به جای خود از خدمات هم تقدیر کنیم. بنده به این نظر دوم همیشه معتقد بودم و الان هم معتقدم. این را هم این برادر عزیزمان و خانواده محترمشان، هم همه کسانی که در این قضایا یک آسیبی بر آنها وارد شده -به هر نوعی، از سوی هر کسی- بدانند که بنای نظام و تصمیم نظام بر مجامله کردن نیست. همان‌طور که ما با کسانی که با نظام صریحاً معارضه می‌کنند، بنای بر مجامله نداریم، معتقد به ایستادن در موضع قانون و موضع حق هستیم، عیناً همان‌طور، اگر چنانچه در مجموعه منتسب به نظام، تخلفی انجام بگیرد، کار بدی انجام بگیرد، خدای نکرده جنایتی انجام بگیرد، باز هم اعتقاد من همین است. ما در موضع قانون، در موضع حق باید بایستیم. خدای متعال کمک کند بتوانیم این چیزی را که می‌خواهیم، انجام بدهیم. مسوولین دارند تلاش می‌کنند در این زمینه؛ ان‌شاءالله که همین خواهد شد.» (سایت رهبری، ۸ شهریور)

چند ماه بعد سازمان قضایی نیروهای مسلح با انتشار اطلاعیه‌ای رسماً جان باختن سه جوان در بازداشتگاه کهریزک را «قتل عمد به دلیل ضرب و جرح» اعلام کرد و در اطلاعیه خود نوشت: «بر اساس تحقیقات به عمل آمده به دنبال وقوع حوادث و ناآرامی‌های پس از انتخابات از تاریخ ۲۵خرداد۸۸ تا ۳تیر۸۸ تعداد ۲۳ متهم و در تاریخ ۱۹تیر۸۸ تعداد ۱٤۵ متهم به دستور مقام قضایی به بازداشتگاه کهریزک اعزام می‌شوند. در پی وصول گزارش هایی مبنی بر نقض حقوق شهروندی منجر به فوت سه نفر از متهمان بازداشتگاه مذکور، مقام معظم رهبری دستور تعطیلی بازداشتگاه کهریزک و برخورد دقیق و قانونی با عوامل تعرض به حقوق شهروندی را صادر و در این خصوص هیات ویژه دبیرخانه شورای‌عالی امنیت ملی تحقیقاتی را آغاز می‌کند. با پیشنهاد این هیات و گزارش هیات نظارت و بازرسی حقوق شهروندی قوه قضاییه و دستور مقامات عالی قضایی، پرونده‌ای در دادسرای نظامی

تهران تشکیل می‌شود که آخرین نتایج رسیدگی به این پرونده پس از ٤ ماه تحقیقات مداوم و پیگیر، به شرح ذیل به اطلاع مردم شریف ایران می‌رسد.

۱- پس از ارجاع پرونده به شعبه اول بازپرسی دادسرای نظامی تهران، با همکاری ضابطین قضایی بررسی‌های جامعی در این ارتباط آغاز و بخش‌های مختلف بازداشتگاه کهریزک مورد بازدید و بازرسی دادستان نظامی تهران و قاضی پرونده قرار می‌گیرد. در ادامه با اخذ لیست کامل اسامی متهمان اعزامی به بازداشتگاه کهریزک در جریان حوادث بعد از انتخابات، تمامی آنان شناسایی و ۹۸نفر شکایت خود را به دادسرای نظامی تهران اعلام می‌کنند و مصدومان به پزشکی قانونی معرفی می‌شوند.

۲- در روند رسیدگی به پرونده، با تدبیر دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و پرداخت خسارت و دلجویی از شاکیان، در نهایت تعداد ۵۱ نفر از آنان، رضایت خود را اعلام می‌نمایند.

۳- به دلیل جان باختن سه نفر از بازداشت شدگان به نام‌های مرحوم محسن روح‌الامینی، مرحوم امیر جوادی‌فر و مرحوم محمد کامرانی و شکایت اولیای دم، تحقیقات جامعی در این خصوص از متهمان، شهود و مطلعین صورت گرفت و از پزشکی قانونی خواسته شد که با توجه به معاینه اجساد، ضمن اخذ نظر هیات تخصصی پزشکی قانونی، نظر خود را درباره علت تامه فوت آنان اعلام نماید. پزشکی قانونی در نظریه خود ضمن رد فوت نامبردگان به لحاظ ابتلا به بیماری مننژیت، با تایید وجود آثار متعدد ضرب و جرح روی اجساد، علت درگذشت متوفیان را مجموع صدمات وارده اعلام می‌نماید.

٤- تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد، بازداشتگاه کهریزک از شرایط نامناسبی به لحاظ زیستی، بهداشتی و تغذیه برخوردار بوده و شکات نیز بدون رسیدگی‌های لازم پزشکی در کنار برخی افراد سابقه‌دار و شرور نگهداری می‌شدند و به دلیل ظرفیت محدود بازداشتگاه، تعداد زیادی از دستگیرشدگان در فضای محدود و

وضعیتی سخت، ایام بازداشت خود را سپری کرده‌اند. در مجموع بازداشتگاه کهریزک فاقد استانداردهای لازم برای نگهداری متهمین بوده و برخوردهای ناهنجار و تنبیهات بدنی مامورین نیز این شرایط بد را تشدید کرده است.

۵- پس از تحقیقات اولیه، عوامل دخیل در پرونده به عنوان متهم به دادسرای نظامی احضار و از آنان بازجویی به عمل آمده و تا پایان تحقیقات در مجموع ۲۲ نفر از رده‌ها و قسمت‌های مختلف نیروی انتظامی و افراد مرتبط، به عنوان متهم تحت تعقیب قرار گرفته‌اند.

٦- دادسرای نظامی تهران در نهایت پس از تحقیقات جامع، با توجه به اقاریر و اظهارات متهمان، گواهی شهود، مدارک و اسناد موجود، اظهارات شکات و مطلعین، معاینه محل وقوع جرم، استعلامات متعدد از مراجع ذی ربط، نظریات پزشکی قانونی در خصوص چگونگی و میزان جراحات و صدمات وارده به شاکیان و علل فوت متوفیان، مواجهه حضوری و سایر قرائن موجود، در مجموع ۱۲ نفر از متهمان را مجرم شناخته و در خصوص آنان کیفرخواست صادر و نسبت به سایر متهمان حسب مورد، قرار منع پیگرد و موقوفی تعقیب صادر نموده است.

۷- بر اساس مدارک و شواهد موجود و نظریات پزشکی قانونی، دادسرای نظامی تهران جان باختن مرحوم محسن روح الامینی، مرحوم امیر جوادی فر و مرحوم محمد کامرانی را به استناد بند ب ماده ۲۰٦ قانون مجازات اسلامی از مصادیق قتل عمد تشخیص داده و در همین ارتباط از دادگاه نظامی برای سه نفر از متهمان شاغل در بازداشتگاه کهریزک به اتهام مشارکت در ایراد ضرب و جرح منجر به قتل عمد سه نفر، درخواست مجازات نموده است.

۸- سایر اتهامات منتسب به متهمانی که پرونده آنان منتهی به صدور کیفرخواست در دادسرای نظامی شده، عبارت است از:

-محروم کردن بازداشت شدگان از حقوق مقرر در قانون اساسی و عدم رعایت حقوق شهروندی موضوع ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع.

- بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی در ارتباط با امور خدمتی منجر به تلفات جانی و صدمات بدنی به دلیل عدم مدیریت و نظارت لازم بر بازداشتگاه.

- آمریت و مشارکت در گزارش خلاف واقع در خصوص علت و نحوه درگذشت سه تن از متهمان بازداشتی در کهریزک.

لازم به ذکر است که سازمان قضایی نیروهای مسلح مطابق با مقررات قانونی، پس از صدور حکم قطعی، اسامی متهمان را اعلام خواهد کرد.» (خبرگزاری مهر، ۲۸ آذر ۸۸)

خبر هولناک کشته شدن سه‌جوان در بازداشتگاه کهریزک، تلخ‌ترین خبر مردادماه ۸۸ نبود. هفتم این ماه مهدی کروبی با نگارش نامه‌ای خطاب به هاشمی‌رفسنجانی خواستار رسیدگی به «شایعات تجاوز به پسران و دختران در بازداشتگاه‌ها» شد و نوشت: «آنچه در این میان مطرح است در خصوص برخی از رفتارهای شناعت‌آمیز است که اگر به طور متواتر از افراد مختلف که در روزهای اخیر آزاد شده‌اند، نشنیده بودم، باورشان حداقل برای من و شما که درطول قریب به نیم قرن سردی و گرمی روزگار را چشیده‌ایم سخت بود... هتاکی و ابراز دشنام و فحاشی رکیک به افراد و نثار نوامیس بازداشت‌شدگان و مردمی که برای نماز جمعه آمده بودند صورت گرفت ... اما موضوعی را شنیده‌ام که هنوز از آن بر خود می‌لرزم. در دو روز اخیر که این خبر را شنیده‌ام خواب از سرم ربوده شده است. حدود ساعت دو که خود را برای خواب آماده می‌کردم، به بسترم رفتم ولی خدا شاهد است که بدون ذره‌ای مبالغه خوابم نبرد، تا ساعت ٤ بامداد که مجددا بلند شدم، کمی قرآن خواندم، دوش گرفتم تا آب کمی آرامم کند، حتی نماز صبح را نیز خواندم و تا نزدیکی‌های طلوع آفتاب خوابم نبرد... گمان نمی‌کنم زندانیان دوران ۱۵ ساله مبارزات قبل از انقلاب که از افراد توده گرفته تا گروه‌های مسلح مبارز التقاطی تا اعضای نهضت آزادی و موتلفه و حزب

ملل اسلامی که در زندان با هم زندگی کرده‌اند، دیده یا شنیده باشند. اینجانب این مطالب را برای شما می‌نویسم و مصرانه می‌خواهم روی این قضیه اقدام و به صورتی که صلاح می‌دانید با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مطرح فرمایید و با جدیت پیگیر شوید تا روشن گردد اگر چنین اتفاقی نیفتاده که ان‌شاءالله هم نیست و بعید می‌دانم باشد، اعلام شود.» (سحام نیوز، ۱۸مرداد)

هرچند کروبی در نامه‌اش تجاوز به بازداشت‌شدگان را در حد اخبار و شایعات دانسته بود اما این نامه با عنوان «افشاگری کروبی» در رسانه‌ها و محافل عمومی منتشر می‌شد. گویی این مساله واقعاً اتفاق افتاده و کروبی در اعتراض به آن، نامه نوشته است. خبر نامه کروبی مانند بمب مهیبی در اینترنت و رسانه‌های بین‌المللی منفجر شد و کروبی را به قهرمان شجاع جریان سبز و ضد انقلاب مقیم خارج تبدیل کرد.


Le Monde

Football

Présidence

Sondage : les Français, citoyens écolo-motivés

Climato-sceptique

Jordi Savall

Le Royaume oublié

La Tragédie Cathare

انتشار نامه کروبی به هاشمی، بلافاصله اورا به چهره محبوب رسانه‌های غربی تبدیل کرد
صفحه اول روزنامه لوموند، ۱۰دسامبر ۲۰۰۹

نامه کروبی به هاشمی همچنین موجی از حیرت و اعتراض در محافل سیاسی داخلی پدید آورد. احمد توکلی خطاب به کروبی نوشت: «به بلیه منتظری گرفتار آمده‌اید، روش صحیح استیفای حق را انتخاب کنید.» (فارس، ۳۰مرداد)

روز جمعه ۲۳ مرداد اغلب خطبای جمعه کروبی را به‌خاطر اعلام عمومی شایعه‌ای اثبات نشده سرزنش کردند و تهمت او به نظام را جرمی بزرگ دانستند. کروبی روز بعد در پاسخ بسیار تندی خطاب به ائمه جمعه با شرح ماجرای ترانه موسوی نوشت: «اخباری به من درباره آزار جنسی بازداشت شدگان رسید که به علت ناراحتی شدید از این موضوع، نامه‌ای را به صورت محرمانه به رئیس مجلس خبرگان نوشتم. در همان نامه هم نگفتم که حتما چنین اتفاقی روی داده است بلکه گفتم شایعه شده که چنین ماجرایی روی داده و افرادی از آشنایان خودمان نیز این مطلب را گفته‌اند و تاکید کردم که ان‌شاءالله اخباری دروغ و شایعه باشد ولی باید این اخبار بررسی شود تا اگر شایعه‌ای بیش نیست که همه از رفتارها و عملکردها با قاطعیت دفاع کنیم... اکنون شرایطی را ایجاد کرده‌اید تا دیگر کسی جرات حرف زدن نداشته باشد ولی من باز می گویم که این رفتارها و ایجاد رعب و وحشت مرا به سکوت وادار نمی‌کند و چنانچه لازم باشد، برخی مسائل را مطرح می‌کنم.» (آفتاب نیوز، ۲۵مرداد)

پس از طرح مساله کهریزک و انتشار نامه کروبی به هاشمی، مجلس شورای اسلامی نیز وارد میدان شد و هیات تحقیق مستقل و فراجناحی با حضور بروجردی، کاظم جلالی، پرویز سروری، امیدوار رضایی و قدرت‌الله علیخانی تشکیل داد. روز ۲۱ مردادماه و در پی دریافت گزارش این هیات، علی لاریجانی طی نطقی در مجلس، آزار جنسی زندانیان را کذب محض خواند و گفت: «در بررسی های دقیق و جامع انجام شده درباره بازداشت شدگان در کهریزک و اوین هیچ‌گونه موردی که مبتنی بر آزار و تجاوز جنسی باشد، مشاهده نشده است. در گزارش کمیته مجلس بیان شده است در صورتی که جناب آقای کروبی شواهد و

مستنداتی مبنی بر آزار و تجاوز جنسی در اختیار دارند، به رئیس مجلس شورای اسلامی اطلاع دهند تا به طور جدی پیگیری شود. ملاحظه می کنید که موضوع آزار جنسی بازداشت شدگان کذب است و امری که مبنای واقعی نداشت چه سر و صدایی به راه انداخت. این امر هشدارباش به سیاستمداران است که مراقبت کنند، در شرایط غبارآلود افکار عمومی ادعایی را قبل از تحقیق آن هم تحقیق کافی به ثبت رسانه‌ها نرسانند تا دستاویز بیگانگان نشود.» (خبرگزاری‌ها، ۲۱مرداد)

کروبی به نطق لاریجانی انتقاد کرد و آن‌را شتابزده خواند و نوشت: «رئیس مجلس بدون بررسی و شتابزده، اصل ماجرا را تکذیب کرده و می‌توانستند با من تماس بگیرند و یا کمیته مجلس را بفرستند تا مستندات خود را ارائه نمایم و این موضع شتابزده تحت فشار صورت گرفته، زیرا این بزرگواران (لاریجانی و بروجردی) نگران آن هستند که به سرنوشت دیگر دوستان خود در گذشته دچار شوند چرا که آقای لاریجانی نگران آن است که به سرنوشت دکتر حداد گرفتار شود و او را از ریاست مجلس حذف کنند و آقای بروجردی نگران سرنوشت افروغ است...» (سحام نیوز، ۲۲مرداد)

لاریجانی هم به کروبی چنین پاسخ داد: «برای بنده تعجب‌آور است که شما از اظهار کمیته مجلس چون خلاف دعاوی شما بود برآشفته شدید. مگر کمیته تحقیق مجلس باید همه ادعاهای مطروحه را تایید کند تا شما آرام بگیرید و در غیر این صورت کمیته عجله کرده و شتابزده عمل نموده است!

البته کمیته از جنابعالی تقاضا نمود اگر اطلاعاتی دارید، ارائه بفرمایید. الان که شما می گویید مستنداتی دارید، به کمیته یا به اینجانب اعلام کنید تا رسیدگی شود ولی متوجه باشید این روش، اتهام زدن به اینجانب یا کمیته یا رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس آقای بروجردی که اینها تحت فشار یا ترس از موقعیت این اقدام را کردند، روش پسندیده‌ای نیست و نوعی فرار به جلو محسوب می‌شود.

چون دقیقاً همین حرف‌ها را می‌توان نسبت به جنابعالی زد که تحت القائات دیگران این مطالب را می گویید.

برخلاف تصور جنابعالی حتماً مطلعید که ما هم کسانی نیستیم که با چند موضع نیشدار و تند شما مسیر خود را عوض کنیم. قطعاً مسائل پیش آمده را بر مبنای عدالت دنبال می کنیم و خوب است همگان به بررسی کمیته تحقیق مجلس تن دهند نه اینکه اگر خلاف نظر آنها نتیجه‌ای حاصل شد اصل کمیته را زیر سوال ببرند و جوسازی نمایند.» (خبرگزاری‌ها، ٢٤مرداد)

با انتشار شایعات مربوط به آزار جنسی بازداشت‌شدگان حوادث اخیر، آیت‌الله آملی‌لاریجانی که به تازگی ریاست قوه‌قضاییه را به‌دست گرفته بود، به سه مقام ارشد قضایی (ابراهیم رئیسی، معاون اول رئیس قوه‌قضاییه، غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، دادستان کل کشور و علی خلفی، رئیس حوزه ریاست قوه‌قضاییه) ماموریت داد ضمن تماس با آقای کروبی، درباره تک تک ادعاهای وی و افرادی که نامشان در شایعات برده می‌شود، تحقیق و گزارش ارائه کنند.

گزارش هیات سه نفره قضایی ۲۱ شهریورماه منتشر شد و در آن با ارائه بررسی‌های تفکیکی درباره تک تک موارد مورد ادعای آقای کروبی، نشان می داد که وی فقط براساس شنیده‌ها و تلفن افراد گمنام به روزنامه‌اش (اعتمادملی) به رئیس مجلس خبرگان نامه نوشته و ادعای تجاوز به زندانیان را مطرح کرده است.

در گزارش هیات سه نفره ویژه رسیدگی به نامه کروبی آمده است: « هیات سه نفره قضایی به این جمع‌بندی رسیده است که نه تنها هیچ‌گونه مدرکی دال بر تجاوز جنسی به افراد مورد ادعای آقای کروبی وجود نداشته ، ادعاهای مطرح شده بدون مستند و عاری از حقیقت است. » (خبرگزاری‌ها، ۲۱شهریور) متن کامل این نامه در بخش ضمائم پایان این کتاب ارائه شده است.

با وجودی که کروبی در نامه‌اش به‌هاشمی خواستار بررسی شایعات و شنیده‌ها شده بود و اظهار امیدواری کرده بود که این شایعات صحیح نباشد ولی نتایج بررسی‌ها را که دروغ بودن این شایعات را نشان می‌داد، نمی‌پذیرفت. او نه تنها از نتیجه بررسی‌های هیات عالی رتبه قضایی قانع نشد، بلکه مواضع تندتری هم گرفت و دائم تهدید به افشاگری بیشتر می‌کرد. او در این ایام در تجمعات سبزها به عنوان قهرمان ملی و شیرمرد اصلاحات مورد تجلیل قرار می‌گرفت. روز ۲۳شهریور، لاریجانی کروبی را به دفتر خود فرا خواند و دو ساعت با وی صحبت کرد اما بازهم نتوانست وی را قانع کند.



شهریورماه۸۸، کروبی که تا شش ماه پیش در محافل اصلاح‌طلبان به «غضنفر اصلاحات» مشهور بود، ناگهان به «قهرمان اصلاح طلبان» تبدیل شد

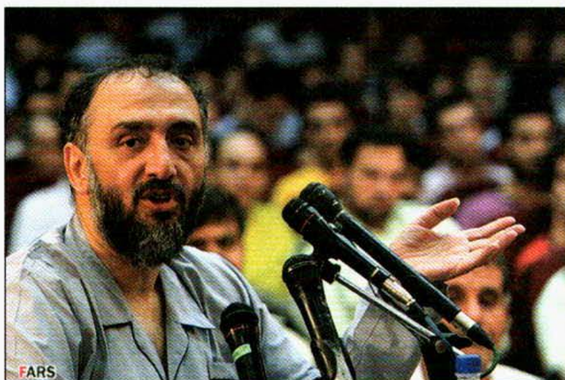
مرداد ماه تلخ ۸۸شاهد حوادث دیگری هم بود. روز پنج‌شنبه هشتم این ماه مصادف با چهلمین روز کشته شدن ندا آقاسلطان، جمعی از طرفداران موسوی به دعوت وی در قطعه ۲۵۷ بهشت زهرا تجمع کردند. مهدی کروبی و زهرا رهنورد خود را به محل تجمع رساندند اما موسوی ظاهراً در ترافیک ماند و نتوانست بیاید. همان زمان جمعی دیگر از سبزپوش‌ها در خیابان شهید بهشتی ضلع جنوبی مصلای تهران تجمع و ضمن آتش زدن سطل‌های زباله، به اتوبوس‌های شرکت واحد و ماموران سنگ پرتاب و آنها را به برخورد خشن تحریک کردند.



حضور طرفداران جنبش سبز بر مزار مرحوم سهراب اعرابی، بهشت زهرا، پنج‌شنبه ۸مرداد۸۸

دهم مردادماه اولین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات براندازی نرم- که درآن جمعی از چهره‌های اصلاح طلب از جمله بهزاد نبوی، مصطفی تاج‌زاده، سعید حجاریان، محمد علی ابطحی، محمد عطریانفر، عبدالله رمضان‌زاده، محمد قوچانی، محسن میردامادی، محسن امین‌زاده به همراه تعدادی از دستگیرشدگان تجمعات اخیر در لباس زندانی حاضر بودند- آغاز شد. نماینده دادستان با قرائت کیفرخواست بلندی با استناد به اعترافات متهمان، آنها را به طراحی و اجرای کودتای مخملی متهم می‌کرد.

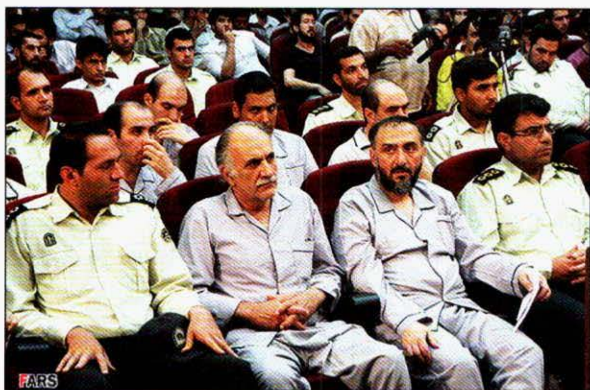
در این دادگاه صحبت‌های محمد علی ابطحی بیشتر جلب توجه کرد که گفت: «پس از انتخابات، هاشمی رفسنجانی، موسوی و خاتمی در جلسه مشترکی هم‌قسم شدند که پشت یکدیگر را خالی نکنند ... هاشمی در ذهن خود قصد انتقام از احمدی‌نژاد و مقام معظم رهبری را داشت؛ این‌ها همه مسائلی بود که در ذهن موسوی به عنوان توهم همراهی شکل گرفته بود.» (فارس، ۱۰مرداد)



صحبت‌های محمدعلی ابطحی در دادگاه بسیار مورد توجه قرار گرفت، ۱۰مرداد۸۸

روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام بلافاصله با انتشار اطلاعیه‌ای صحبت‌های ابطحی در دادگاه را کذب محض خواند و نوشت: «جهت تنویر افکار عمومی به اطلاع می‌رساند در دیداری که بعدازظهر شنبه و بعد از جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام و نه روز دوشنبه با حضور آقایان خاتمی، موسوی و حاج حسن خمینی انجام شده بود، آقای خاتمی اعلام مواضع خود را به تشکیل جلسه مجمع روحانیون مبارز موکول کرده و آقای موسوی نیز مواضع خود را با صدور بیانیه‌ای که قبلا منتشر شده اعلام کرده و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در آن جلسه بر رعایت موازین قانونی در اعلام مواضع و پیگیری خواسته‌ها تاکید کرده بودند و همان‌گونه که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در نامه مورخ ۸۸/۳/۱۹ خود تصریح کرده‌اند، در این انتخابات از هیچ یک از نامزدها حمایت نداشتند و در جریان حوادث بعد از انتخابات کوچک‌ترین دخالتی نکرده‌اند و نظر ایشان برای برون رفت از وضع نامناسب جاری همان است که در خطبه‌های نماز جمعه مورخ ۸۸/٤/۲٦ بیان کرده‌اند. پس هر گونه مطلبی خارج از این چارچوب کذب محض می‌باشد.» (ایلنا، ۱۰مرداد)

موسوی هم با انتشار بیانیه دهم خود با شدت هرچه تمام‌تر از برگزاری دادگاه انتقاد کرد و نوشت: «... دندان شکنجه‌گران و اعتراف‌گیران دیگر به استخوان مردم رسیده است تا جایی که اینک از میان کسانی قربانی می‌گیرند که خدمات بزرگ به کشور و نظام در کارنامه دارند ... از دادگاهی که همه چیزش تقلبی است، انتظار دارند عدم وقوع تقلب در انتخابات را اثبات کند. اگر شما اهل تقلب نیستید، آن را در رعایت ظواهر اولیه یک دادرسی قضایی به نمایش بگذارید. با دادخواستی سخیف با طرح مطالبی بی‌ربط، با استناد به کتاب‌هایی که به خروار خمیر می‌شوند، با تکیه بر گزارش خبرنگارانی که نامشان را هم کسی نشنیده است و با استناد به اعتراف‌هایی که رنگ شکنجه‌های قرون وسطایی از آن هویداست، انتظار دارند ملت را به چه چیز قانع کنند؟» (بیانیه دهم موسوی، ۱۱مرداد)



اولین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات متهمان به اجرای کودتای مخملی، ۱۰مرداد۸۸

عضو مجمع روحانیون مبارز در ادامه سخنانش در دادگاه تاکید کرد: «اصلی‌ترین اتفاقی که در این انتخابات افتاد و البته در طول برگزاری، قبل و بعد از انتخابات هم مطرح بود، مساله تقلب است. بنده البته جایی مطرح کردم که تقلب یک اسم رمز آشوب شده است که در آن لشکرسازی برای تقلب وجود

داشت و تمرین پهن شدن مردم هم در خیابان‌ها در آن موجود بود. تمرین نگه داشتن گسترده مردم در خیابان‌ها در چارچوب تقلب بود که می توانست معنا پیدا کند.»

عضو مجمع روحانیون مبارز در ادامه افزود: «تقلب واقعا در ایران وجود نداشت چرا که در انتخابات سال ٨٤ وقتی فاصله کروبی و احمدی‌نژاد کمتر از نیم میلیون بود، وزارت کشور خاتمی نپذیرفت که کلمه تقلب مطرح شود. لذا کروبی تخلف در انتخابات را مطرح می کرد و بنده تعجب می کنم که در این انتخابات باوجود اختلاف ۱۱ میلیونی چگونه بحث تقلب پذیرفته می‌شود. این در حالی است که همان‌هایی که ۵۰۰ هزار اختلاف را تقلب نمی خواندند، امروز ۱۱ میلیون فاصله را تقلب می خوانند. (جام‌جم آنلاین، ۱۰ مرداد)

محمد عطریانفر عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران نیز در این دادگاه در جایگاه متهم گفت:« اگر به شکست، تخلف و قصور خود اعتراف کنیم دلالت بر مظلومیت نظام و رهبری و جفای گروه‌های سیاسی مختلف با عناوین متفاوت در پیوند با گروه‌های برانداز است.»

او تصریح کرد: « چرا نگران این موضوع باشیم که در بیرون چه می گویند، هر چه می خواهند بگویند؛ اگر این موضوع، این مفهوم را متبادر کند که در مقابل ظلم به نظام و رهبری سخن می گویم، به شکست خود افتخار می کنم.»

وی گفت: «اگر در گذشته خود با دیگرانی همسو بودم که در پی زاویه گرفتن با نظام یا براندازی بودند و اکنون فاصله می گیرم، افتخار می کنم.»

عطریانفر افزود: «تغییر جزو ضرورت‌های حیات انسان است که امیدوارم این تحول در مسیر کمال باشد و هر تلقی‌ای که جامعه به این موضوع دارد بر ما هیچ باکی نیست.»

وی گفت: «هیچ اشکالی ندارد که جامعه بگوید دیروزچنان و امروز چنین سخن می گوییم. مهم این است که دراین تغییر با صداقت سخن بگوییم.»

ابطحی همان روز دادگاه در نشستی مطبوعاتی به همراه محمد عطریانفر به

سوالات خبرنگاران پاسخ داد و بعدها در وبلاگش نیز بیانات خود در دادگاه را صحه گذاشت و حتی عکس‌هایی به همراه محمد عطریانفر و سعید شریعتی از محل بازداشت خود یا مرخصی اش در منزل در وبلاگ مشهور خود (وب نوشت) منتشر کرد.

در اولین جلسه دادگاه، مازیار بهاری خبرنگار نشریه نیوزویک گفت: «پیرامون انتخابات ریاست جمهوری ایران تمام مشخصات یک انقلاب رنگین مشاهده شد که البته شکست خورد. اگر رسانه را از انقلاب سبز بگیرید، هیچ چیزی نمی تواند اتفاق بیفتد. در اوکراین، چک‌واسلواکی و گرجستان دیدیم رسانه‌ها نقش اصلی را ایفا کردند. در انتخابات ایران یک هجمه‌ای به وجود آمد و حدود ۷۰۰ خبرنگار خارجی که به کشور آمدند، علاوه بر خبرنگاران زیادی که مقیم ایران بودند، بعضی از افراد برای خوش‌خدمتی به غرب تلاش می کردند این گونه جلوه دهند که انقلاب رنگ سبز در حال تحقق است و از خلأهای امنیتی برای ارسال خبر استفاده می کردند. اخبار بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان، فاکس‌نیوز و خود شخص من در نیوزویک که ناخودآگاه در این خط گام برداشتم از کارهایی بود که در این راستا انجام می‌شد و لازم بود مسوولان برحضور خبرنگاران خارجی کنترل بیشتری می کردند؛ چراکه اینها با خواسته‌های هدایت شده، امنیت ملی ما را تضعیف می کنند. یکی دیگر از مولفه‌های انقلاب رنگین این است که طبقه متوسط اجتماعی و متمایل به غرب در شهرهای بزرگ برای شرکت در تجمعات جمع شوند. در ایران همانند انقلاب اوکراین مساله تقلب قبل از انتخابات مطرح شد. ما از دو سال پیش شاهد مطرح شدن بحث تقلب در انتخابات ریاست‌جمهوری بودیم و این که بلافاصله شب انتخابات، کودتا خواهد شد. باز باید به رسانه‌ها توجه کرد؛ چرا که آنها این پیام را منتقل و به آن خط می‌دهند، به همین دلیل دولت باید نظارت و کنترل بیشتری بر تعداد ویزاهای خبرنگاران خارجی داشته باشد. وقتی که در این دوران به مقاله و کارهای خود به خصوص شرکت در تجمعات

غیرقانونی و خبررسانی آنها نگاه می‌کنم، متوجه می‌شوم که ناخودآگاه توسط اقداماتم، امنیت ملی به خطر افتاده است. من باید از نظام و رهبری که به خوبی توانستند این بحران را جمع و کشور را به سامان برسانند، تشکر کرده و از صدماتی که بنده و یا همکارانم با خبرسازی جریانات اخیر به وجود آورده بودیم، از ملت عذرخواهی می‌کنم.» (فارس، ۱۰مرداد)

مازیار بهاری چندی بعد با قید ضمانت از زندان آزاد شد و بلافاصله به آمریکا رفت و در برنامه تلویزیونی فرید زکریا در شبکه سی ان ان، حرف‌های خود در ایران را رد و ادعا کرد در مدت بازداشت به‌طور وحشیانه‌ای شکنجه شده است (سی ان ان، برنامه جی پی اس با اجرای فریدزکریا، ۲۳نوامبر۲۰۰۹)



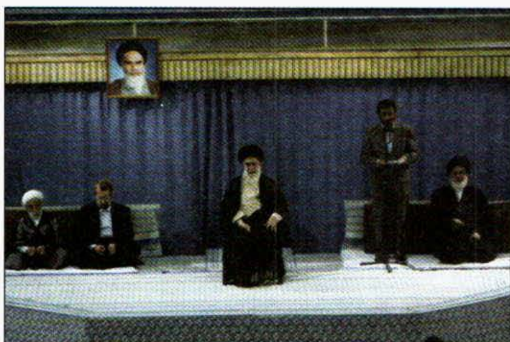
مازیار بهاری خبرنگار نیوزویک در حاشیه دادگاه نحوه طراحی و اجرای انقلاب نرم را شرح داد
او چندماه بعد به آمریکا رفت و به مجری سی‌ان‌ان گفت در زمان بازداشت به شدت شکنجه شده است

جریان دادگاه‌ها تا مدتی از تلویزیون پخش می‌شد و متهمان گاهی علیه موسوی، مهدی هاشمی و دیگر متهمان اصلی کودتای مخملی اتهاماتی بیان می‌کردند. رهبر انقلاب ۲۹ شهریور ماه در خطبه‌های نماز عیدفطر با انتقاد از پخش اعترافات در رسانه‌ها و رواج فضای تهمت و سوءظن در جامعه گفتند: « اعتراف و اقرار هر متهم در دادگاه و در مقابل دوربین‌ها و بینندگان میلیونی، «شرعاً، عرفاً و عقلاً » حجت، مسموع و نافذ است اما سخنان متهمان درباره اشخاص دیگر، حجیت شرعی ندارد و مسموع نیست و از این طریق نیز نباید فضا را به تهمت و سوءظن آلوده کرد.» (سایت رهبری ، ۲۹شهریور) بعد از

این بیانات، جریان دادگاه‌ها دیگر از سیما پخش نشد و تنها گاهی حکم قطعی محکومان در رسانه‌ها اعلام می‌شد.

خبر دیگر مردادماه، حضور خانواده‌های بازداشت‌شدگان حوادث پس از انتخابات بود که بیرون زندان اوین تجمع می‌کردند و شعار می‌دادند یا الله اکبر می‌گفتند. با فرارسیدن ماه رمضان، سفره‌های افطار را هم بیرون زندان پهن می‌کردند. تصاویر تجمع و شعار دادن این جمع چند نفره هر شب از صدای آمریکا، بی‌بی‌سی و دیگر تلویزیون‌های حامی موسوی پخش می‌شد.

دوازدهم مرداد، مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری دوره دوم احمدی‌نژاد با غیبت هاشمی و خاتمی (دو رئیس جمهور قبلی) و با حضور شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی، هنری و ورزشی برگزار شد. بعدها محسن رضایی در گفت‌وگو با هفته نامه پنجره اعلام کرد که برای آوردن هاشمی‌رفسنجانی به مراسم تنفیذ بسیار تلاش کرده اما خانواده وی مانع حضور هاشمی در این مراسم شدند (جهان نیوز، ۳۱فروردین ۸۸) در این مراسم رهبر انقلاب درباره حوادث پس از انتخابات گفتند: «حوادث انتخابات جدا به ما هشدار می‌دهد که دشمن همیشه در کمین است و غفلت از ضربات احتمالی او حتی در بهترین شرایط، بسیار خطرناک است.» (سایت رهبری ، ۱۲مرداد)



مراسم تنفیذ احمدی‌نژاد در دوره دوم ، ۱۲مرداد۱۳۸۸

حضور عده‌ای از نمایندگان اقلیت مجلس و نیز هنرمندان و ورزشکاران ملی در این مراسم، با انتقاد بسیار شدید سایت‌های حامی موسوی روبه‌رو شد. آنها افشین قطبی، محمدرضا شریفی‌نیا، رضازاده و حتی دکترعارف و کواکبیان (مدیر مسوول روزنامه مردمسالاری) را همکار و تایید کننده دولت کودتا نامیدند (به‌عنوان مثال به سایت‌های نوروز، ادوارنیوز، رادیوزمانه و بالاترین در فاصله ۱۲ تا ۱۵ مرداد ۸۸ مراجعه شود) در این زمان هر چهره مشهوری که به نوعی ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد را تایید می‌کرد، توسط رسانه‌های حامی موسوی به شدت مورد سرزنش و توهین قرار می‌گرفت، از جمله در شهریورماه ۸۸ حمید سوریان، قهرمان المپیک و پرافتخارترین کشتی‌گیر فرنگی ایران به مناسبت هفته دفاع مقدس به دیدن احمدی‌نژاد رفت و مدال طلای خود در مسابقات جهانی اخیر را به شهدای انقلاب، جانبازان، اسرا و رئیس جمهوری تقدیم کرد اما سایت‌های هوادار موسوی بلافاصله موجی از توهین و ناسزا به‌سویش سرازیر کردند. (به عنوان نمونه سایت‌های بالاترین، نوروز، رادیوفردا، توییتر و... طی روزهای بعد از ۹مهر۸۸ را ملاحظه کنید) سوریان چند روز بعد حتی تهدید به مرگ شد. (سایت خبرآنلاین، ۱۵مهر۸۸)

رسانه‌های طرفدار موسوی تلاش کردند همزمان با تحلیف احمدی‌نژاد در مجلس، جمعیتی عظیم در میدان بهارستان گردآورند اما در عمل تعداد خیلی محدودی در این تجمع حاضر شدند و جمعیتشان از پیاده‌روهای مجاور مجلس فراتر نرفت.

۲۹ مرداد ماه تلخ ۸۸ در محافل سیاسی اعلام شد که تلاش‌هایی برای رفع اختلافات سیاسی در جریان است و حتی اعلام شد موسوی قصد دارد با تشکیل حزب یا جبهه‌ای سیاسی به‌نام راه سبز امید، به چارچوب قانون برگردد و به‌فعالیت سیاسی خود ادامه دهد اما حوادث هفته‌های بعد نشان داد که امید به آشتی و فعالیت در مسیر قانونی واهی بوده است.

فصل ۲۲

شهریور ۸۸، کشته سازی توسط جنبش بی سر

اوایل شهریور ماه ۸۸، موسوی و کروبی کمیته مشترکی برای پیگیری امور آسیب‌دیدگان حوادث پس از انتخابات تشکیل دادند. مشهورترین محصول این کمیته ارائه فهرستی از کشته‌شدگان حوادث اخیر بود که ابتدا به فهرست ۷۲ تن و بعد به فهرست ٦۹ نفره مشهور شد. در همین زمینه سایت نوروز در ۱۳ شهریور ۸۸ نوشت: «از آنجا که در روزهای اخیر آمار غیرواقعی فراوانی از سوی مقامات رسمی و غیررسمی وابسته به کودتاگران در خصوص تعداد کشته‌شدگان حوادث اخیر منتشر شده که در این زمینه می‌توان به آخرین آمار یعنی اظهارات فرمانده سپاه اشاره کرد، پایگاه اطلاع رسانی نوروز در پاسخ به این‌گونه اظهارات بی‌پایه و اساس که برای پاک کردن صورت مساله و منحرف کردن اذهان عمومی از جنایات انجام شده در حوادث پس از انتخابات بیان می‌شود، اقدام به انتشار اسامی دقیق این شهدا می‌کند تا شاید وجدان‌های خفته بیدار شده و از کتمان حقایق روشن دست برداشته و اعمال و جنایات انجام شده توسط زیرمجموعه‌ها و عوامل کودتا را پذیرفته و سعی در سرپوش گذاشتن بر جنایات نداشته باشند. در این خبر اسامی و مشخصات دقیق ۷۲ شهید جنبش سبز که تاکنون احراز هویت شده‌اند آمده است و تلاش‌ها برای شناسایی و تکمیل

این لیست ادامه داشته و شهدا به اسامی ذکر شده در این لیست ختم نمی گردد.» (نوروز، ۱۳شهریور۸۸)

ارائه این فهرست چند کارکرد داشت که مشهورتر از همه، برای تلویزیون بی‌بی‌سی و صدای آمریکا و مراجع حقوق بشری که در هفته‌های گذشته مشغول موضوعات ندا و سپس ترانه موسوی و بعد کهریزک و ادعاهای کروبی بودند، خوراک جدیدی فراهم کرد.

اندکی پس از ارائه فهرست ۷۲ تن، روشن شد نام چند نفر از این فهرست ساختگی است. کودکی به‌نام علیرضا توسلی که همان روزها در جاده ساوه براثر تصادف مرحوم شده بود، نام و مشخصاتش در فهرست قربانیان حوادث بعد از انتخابات آمده بود. علیرضا نجاتی دیگر نام موجود در فهرست که به ادعای مرتضی الویری و بهشتی احراز هویت شده و پس از ضرب و شتم در بیمارستان، مرحوم و در قطعه ۲۱۳ بهشت زهرا دفن شده بود، وقتی نام خود را در فهرست ۷۲نفره دید در وبلاگ خود طنزی با عنوان «وبلاگ نویسی از دیار باقی» نوشت و درآن از زنده بودن خود و زخمی شدنش به دست هواداران موسوی خبر داد. در فهرست ۷۲نفره الویری - بهشتی ، نام ترانه موسوی هم به چشم می‌خورد که در نیمه شهریور ماه با وجود پیدا نشدن سرنخ یا مدرک هویتی از وی یا خانواده‌اش، نزدیکان موسوی همچنان وی را کشته حوادث بعد از انتخابات معرفی می‌کردند.

شهریور ماه ۸۸، سرزدن به خانواده دستگیرشدگان یا کشته‌شدگان حوادث بعد از انتخابات کار روزانه کروبی و موسوی شده بود.



مهدی کروبی در منزل مرحومه ندا آقاسلطان

ششم شهریور، میرحسین موسوی به همراه نزدیکانش در مجلس ختم «سعیده پورآقایی» در مسجد جامع قلهک که نامش در فهرست ۷۲ نفره بهشتی - الویری بود شرکت کرد. مجلس ختم از طرف نزدیکان موسوی ترتیب داده شده بود. سایت‌های حامی موسوی در فاصله ۳ تا ۸ شهریور درباره سعیده پورآقایی اخباری دلخراش و تکان دهنده منتشر می‌کردند:

سعیده تنها فرزند یک جانباز شهید است که به جرم تکبیر گفتن شبانه در پشت بام منزلش توسط نیروهای لباس شخصی دستگیر و پس از تجاوز، بدنش با اسید سوزانده شده است. (نوروز، ۳ شهریور)

نهادهای امنیتی از تحویل دادن جنازه به خانواده پورآقایی خودداری ورزیدند و در عوض جنازه را به طور مخفیانه در قطعه ۳۰۲ بهشت زهرا به خاک سپردند. (بی بی سی فارسی، ۵شهریور)

پس از ۲۰ روز، جنازه سعیده پورآقایی در یکی از سرد خانه‌های جنوب تهران توسط مادرش شناسایی شد .(نوروز، ٦شهریور)

خانواده پورآقایی تحت فشار قرار گرفتند تا علت مرگ دخترشان را بیماری کلیوی اعلام نمایند. (بی‌بی‌سی فارسی، ٦شهریور)

مگر پدر سعیده رزمنده‌ای نبود که بر اثر جراحات شیمیایی به شهادت رسید؟

(سایت سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ٦شهریور)

مراسم ختم سعیده پورآقایی شنبه هفتم شهریور به صورت محدود در مسجد قلهک برگزار شد و نمایندگانی از جنبش سبز برای همدردی با این خانواده شهید مظلوم در این مراسم حضور یافتند. (نوروز، ۷شهریور)

اندکی بعد مشخص شد سعیده پورآقایی فرزند شهید نیست و پدرش چند سال پیش مرحوم شده و تنها فرزند خانواده هم نیست و اصولاً دستگیر نشده بلکه برای مدتی از منزل خارج شده یا فرار کرده است. بخش خبری ۲۰:۳۰ سیما در ۳۱ شهریورماه با خود سعیده پورآقایی و مادرش مصاحبه کرد. مادر سعیده ماجرای دستگیری و کشته شدن سعیده را ساختگی و القا شده توسط اطرافیان موسوی خواند.



مادر سعیده پورآقایی در مصاحبه با سیما، جزئیات مراجعه اطرافیان موسوی به منزلش برای اعلام و عرض تسلیت فوت سعیده و تدارک برگزاری مجلس ختم را بازگو کرد

سایت‌های طرفدار موسوی ابتدا مصاحبه شونده را بازیگری شبیه «شهید سعیده پورآقایی» معرفی کردند و ۲۰:۳۰ را به دروغ‌پردازی متهم کردند اما با روشن شدن حقیقت و زنده بودن او، کل ماجرای سعیده پورآقایی را دام اطلاعاتی رژیم برای انحراف جنبش سبز دانستند. (نوروز، ۳ مهر)

داستان دستگیری، شکنجه، تجاوز و سوزاندن جسد سعیده پورآقایی و اطلاعیه مراسم ختم وی خیلی سریع در اینترنت منتشر شد

پافشاری نزدیکان موسوی برای افزایش آمار کشته‌ها هم فضای نسبتاً سردشده اعتراضات را گرم و احساساتی می‌کرد و هم برای مدعی خون‌ها، مشروعیت و مظلومیت می‌آورد و از همه مهم‌تر موضوع تقلب در انتخابات را که تا آن روز موسوی نتوانسته بود اثبات کند، از اذهان، پاک و بهانه جدیدتر و منطقی‌تری برای ادامه اعتراضات خیابانی فراهم می‌کرد.

اواخر مرداد ماه زمانی که شایعه وجود فهرست ۷۲ نفره بهشتی – الویری در محافل سیاسی پیچید، کمیته ویژه مجلس برای پیگیری حوادث پس از انتخابات به موضوع واکنش نشان داد و آنها را به کمیسیون امنیت ملی مجلس فراخواند.

در جلسه الویری – بهشتی با نمایندگان مجلس، فهرستی ۷۲ نفره حاوی نام و تاریخ کشته‌شدن هریک ارائه شد. نمایندگان حاضر در جلسه از الویری و بهشتی درخواست کردند برای پیگیری موثرتر، سرنخی از هویت خود یا بازماندگان اعضای فهرست ارائه کنند اما پیگیری‌های متعدد نمایندگان بی‌نتیجه بود. چهاردهم شهریور، علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: «پس از

گذشت یک ماه از حضور آقایان الویری و بهشتی در مجلس، پیگیری‌های متعدد دبیر کمیسیون از آنان برای ارائه سرنخی از اسامی موجود در فهرستشان بی‌نتیجه بود. آنها دوباره طی نامه‌ای به کمیته ویژه پیگیری مجلس اسم این افراد را بدون مشخصات اولیه و ضروری ارائه کردند و فقط سه نفر به لیست ٦٩ نفره آنان افزوده شده است... به همین دلیل ادعاهای مطرح شده در این زمینه با توجه به عدم ارائه مشخصات اولیه آنان به شدت زیر سوال است.» (فارس، ١٤خرداد)

فرهاد تجری نایب رئیس کمیسیون حقوقی قضایی مجلس و عضو کمیته ویژه پیگیری حوادث پس از انتخابات هم گفت: «ما همچنان خواستار ارائه مشخصات افراد قید شده در آن لیست هستیم تا موضوع را پیگیری کنیم.» (ایرنا، ١۵شهریور)

اوایل شهریور، الویری و بهشتی برای ارائه مشخصات یا سرنخی از هویت اسامی فهرست خود تحت فشار رسانه‌ها، کمیته ویژه مجلس و هیات سه نفره قوه قضاییه قرار گرفتند اما در پاسخ به مطالبه سند یا سرنخی از کشته‌شدگان، سایت‌های هوادار موسوی اعلام کردند کشته‌شدگان در اواخر تیرماه در قطعه ۳۰۲ بهشت‌زهرا به‌طور شبانه و مخفیانه دفن شده‌اند و اغلب هویت نامعلوم دارند. در واقع آنها به‌جای ارائه سند و مدرک ادعای خود، ادعای جدیدتری مطرح و دولت و مجلس و قوه قضاییه و رسانه‌ها را به دنبال اثبات یا رد ادعای جدید خود فرستادند.

سوم شهریورماه، لاریجانی به کمیته ویژه تحقیق مجلس از حوادث پس از انتخابات دستور داد ماجرای دفن شبانه افراد مجهول‌الهویه قطعه ۳۰۲ را بررسی کند. (اعتماد، ٤ شهریور). تعدادی از نمایندگان به بهشت‌زهرا رفتند و قبرهای قطعه ۳۰۲ را صورتجلسه کردند.

روابط عمومی بهشت‌زهرا اعلام کرد: «ساعات کار امور تدفین در بهشت‌زهرا (س) از ساعت ۸صبح تا ١٦ بوده و اصولا موضوعی به نام «دفن شبانه» در

بهشت زهرا (س) صحت ندارد. کشته‌شدگان اغتشاشات اخیر بنابر درخواست خانواده‌هایشان در قطعات مختلف بهشت زهرا (س) دفن شده‌اند. قطعه ۳۰۲ بهشت زهرا (س) یک قطعه عمومی‌روز است که حدود ۴۰ درصد اموات روزانه تهرانی‌ها در آن دفن می‌شوند که در بخشی از آن برابر روال همیشگی قطعات‌عمومی،تعداد معدودی افراد مجهول‌الهویه که در اثر سانحه رانندگی یا احتمالا اعتیاد به مواد مخدر فوت شده و از پزشکی قانونی اعزام شده‌اند، با رعایت کلیه تشریفات قانونی و شرعی دفن شده‌اند. کلیه اموات دفن شده در قطعه عمومی ۳۰۲ دارای مدارک پزشکی صادره از پزشکی قانونی یا بیمارستان‌های مربوطه بوده که این مدارک در سامانه ثبت و ضبط اطلاعات درگذشتگان موجود است.» (ایسنا، ۳شهریور)

در همین زمان اعلام بازنشستگی مدیر عامل بهشت‌زهرا پس از ۳۲ سال، سوژه و بهانه جدیدی به سایت‌های حامی موسوی داد. بی‌بی‌سی اعلام کرد: «رضائیان به دلیل افشای دفن شبانه شهدای جنبش سبز پس از ۳۲ سال از مدیریت بهشت‌زهرا برکنارشد.» (بی بی سی فارسی، ۲شهریور) خود رضاییان گفت که پیش از این ماجراها بازنشسته شده است .(تابناک، ۵ شهریور)

نوزدهم شهریور ماه بخش خبری ۲۰:۳۰ در گزارشی از قطعه ۳۰۲ بهشت‌زهرا، دفن افراد گمنام و مجهول‌الهویه را در چارچوب تشریفات قانونی امری عادی و همیشگی دانست و تاخیر در دفن افراد مجهول‌الهویه در قطعه ۳۰۲ را به دلیل ساختن دستشویی در کنار این قطعه عنوان کرد. این نکته گزارش ۲۰:۳۰ درباره قطعه ۳۰۲ بهانه جدیدی به دست سایت‌های هوادار موسوی داد تا اصل گزارش درباره دروغ بودن دفن شبانه کشته‌شدگان در حوادث اخیر در این قطعه را لوث و مساله ساختن دستشویی را بهانه‌ای برای رد اصل گزارش کنند. (برای نمونه ببینید: آینده نیوز، ۲۰ شهریور)

در گیرودار ماجرای فهرست ۷۲ نفره و دفن شبانه اجساد در بهشت‌زهرا،

انتشار وسیع خبر دستگیری عاطفه امام ، دختر جواد امام از اعضای بازداشت شده سازمان مجاهدین انقلاب و متهم به مشارکت در کودتای مخملی، دوباره فضای سیاسی را تحت تاثیر قرارداد. ۱۵ شهریور سایت‌های هوادار موسوی به طور همزمان و از زوایای مختلف، ماجرای تکان‌دهنده دستگیری و اذیت «عاطفه امام» را تشریح کردند:

جرس، سایت منسوب به عطاءالله مهاجرانی مقیم لندن نوشت: «عاطفه امام امروز در حالی بازداشت شد که پدرش جواد امام رئیس ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی از ۲٦ خرداد بازداشت شده است. عاطفه امام، دختر ۱۸ ساله جواد امام به طرز وحشیانه‌ای در خیابان طالقانی توسط افراد ناشناس بازداشت و به محلی نامعلوم منتقل شد.» (شبکه جنبش راه سبز-جرس، ۱۵شهریور)

نوروز خبرداد: «ساعاتی پیش چند نفر مرد ناشناس، عاطفه امام فرزند ۱۸ ساله جواد امام عضو زندانی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را با هتاکی و با این عنوان که لیاقت چادر ندارد، چادر از سر وی کشیده بودند، بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل نمودند.» (نوروز نیوز، ۱۵شهریور)

لیلی سادات جلال‌زاده، مادر عاطفه و همسر جواد امام، روز بعد در مصاحبه با بی بی سی گفت: «یکی از افرادی که در دستگیری دخترش نقش داشته از همان کسانی است که پدرش جواد امام ، عضو سازمان مجاهدین انقلاب را دستگیر کرده است و احتمالا از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. او هدف دستگیری دخترش را تحت فشار قرار دادن پدر عاطفه برای اعتراف‌گیری دانست.جلال‌زاده تاکید کرد که دخترش هنگام بازداشت کاملا سالم بوده و خواست این واقعیت به آگاهی همگان برسد.» (بی بی سی فارسی، ۱٦شهریور)

لیلی جلال‌زاده همان کسی بود که هفته قبل از طرف ستاد موسوی برای اعلام خبر کشته شدن سعیده پورآقایی با مادر وی تماس گرفته بود.

روز ۱٦شهریور لیلی جلال‌زاده به سایت کلمه گفت: «عاطفه امروز صبح

ساعت ۱۱ دوباره تماس گرفت و گفت که خیلی تحت فشار است و از او می‌خواهند تا اعتراف کند. از دخترم خواسته‌اند به ارتباط نامشروع با یک‌سری از افراد سیاسی که هم اکنون درون زندان هستند، اعتراف کند! او می‌گفت از دیروز تا حالا فقط مقداری آب دادند بخورد. یک دفعه آب یخ رویش می‌ریزند. در یک اتاق کوچک نگهش می‌دارند که مجبور است خودش را درون آن مچاله کند. یک گربه را هم در این اتاق کوچک گذاشته‌اند.» مادر عاطفه امام ادامه داد:« تنها برای اعتراف دروغین است. آیا اسلام این را به ما گفته که می‌شود چادر از سر یک دختر ۱۸ ساله بکشند و بدون چادر بین دو مرد بنشانند و با چشم بسته ببرندش و بدون چادر برای تلفن زدن بیرون بیاورندش؟ دختری که پدرش حدود ۸ سال سابقه جبهه دارد. این دختر از شش سالگی چادر سرش می‌کرده . حال چطور جرات می‌کنند با او این چنین رفتار کنند؟ ...پدرش امروز دادگاه داشته است. شاید بخواهند با این کارها پدرش را بشکنند یا دخترم وسیله‌ای شود تا بتوانند به هدفشون برسند و هدفشون هم اعتراف گرفتن از دوستانی است که داخل زندان هنوز شکسته نشده‌اند. بچه‌های کوچک را گرفته‌اند تا با ترس و ارعاب بزرگ‌ترها را بشکنند...» (سایت کلمه، ۱۶شهریور)

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم با شرح ماجرای عاطفه امام در نامه بسیار تندی خطاب به رئیس قوه قضاییه نوشت: «پیش از شما آیت‌الله شاهرودی نیز همین راه را رفتند و در نهایت چنان شد که در کوی دانشگاه جوانان مردم را از بالای ساختمان به بیرون پرتاب کردند و چشمشان را از حدقه در آوردند و زشت‌ترین و کثیف‌ترین جنایات در بازداشتگاه‌هایی نظیر کهریزک رخ داد و ایشان یا خبر نداشتند و یا می‌دانستند و مجبور به سکوت بودند. ما چنین فرجامی را بر شما نمی‌پسندیم و شما نیز برخود نپسندید. اگر در خود این توان را می‌بینید که به این قانون شکنی‌ها و رفتارهای گستاخانه و اقدامات و اظهارات کسانی که به پشتوانه قدرت و اسلحه پرده‌دری می‌کنند و شرم و خجالت برای نظام باقی

می‌گذارند، پایان دهید، بمانید و اگر در خود چنین توانی نمی‌بینید لباس علم و دیانت را به ننگ تحمل چنین جنایاتی آلوده نسازید.» (نوروز، ۱۷شهریور)



بی‌بی‌سی فارسی در ماجرای عاطفه امام هم میدان داری کرد

در این میان پای محمدنوری‌زاد، نویسنده و کارگردان هم به این ماجرا باز شد و با استناد به کامنتی رسیده از فرزند صادق آهنگران به وبلاگش نوشت: «نوشته زیر به صورت خصوصی برایم آمده است. به‌خاطر ارادتی که به حاج صادق آهنگران دارم و از سلامت و درون پاک او بهره‌ها برده‌ام دریغم آمد که نوشته فرزند او بی‌مخاطب بماند: آقای نوری‌زاد. سلام. من محمد علی آهنگران فرزند جناب حاج صادق آهنگران هستم. من شما را حدود ۱۵ سال است که می‌شناسم. از زمانی که برای ضبط برنامه ماه مبارک رمضان به خانه ما آمدید و با پدرم مصاحبه کردید. من مدتی است مطالب وبلاگ شما را می‌خوانم و به شما که امروز برای دفاع از حقوق مردم کوچه و بازار بی‌قراری می‌کنید، آفرین می‌گویم. خلاصه بگویم تکلیف نسل من که این روزها ۳۰ ساله می‌شوم، روشن است اما شما را به روح پاک امام و عظمت رسول‌الله پدرم را دریابید. به خاطر دارم شبی که قطعنامه پذیرفته شد جناب ایشان از بهت و حیرت و نگرانی تا صبح قدم می‌زد و اشک می‌ریخت و به مظلومیت امام و شهدا ناله می‌کرد اما از آن سال تا به این روزها اینقدر ایشان را آشفته ندیده بودم. این روزها و به دنبال وقایع بعد از انتخابات ایشان مریض شده و برای کمتر برنامه‌ای قول مساعد می‌دهد. شب‌ها تا صبح اشک می‌ریزد و زحمات

خود و سایر مجاهدان را از دست رفته می‌بیند. ایشان را برده‌ایم دکتر با قند ۳۲۰، دکتر گفته مرض قندش عصبی است. چرا حماسه خوان سال‌های عاشقی شما و رزمندگان تاب نمی‌آورد؟ چرا هر لحظه آرزوی مرگ و شهادت می‌کند؟ چرا ۲۰ صفحه خطاب به من وصیت‌نامه نوشته است؟ عرصه بر ما و ایشان تنگ شده است؟ ایشان امشب شدیدا بد حال شدند، وقتی مصاحبه مادر عاطفه امام دختر آقای جواد امام را که رزمنده بوده و هم ایشان و دخترش عاطفه بازداشت شده را از بی بی سی شنیدند، جایی که مادر می گفت به جهانیان و همه مردم بگویید دخترم سالم و پاکدامن بوده و بازداشت شده؟ اینها که گفتم مختصری از شرح حال بلبل خمینی بود. قصد درد دل داشتم با شما و این که بگویم نگران و آشفته‌ایم .. دعایمان کنید.»(وبلاگ محمد نوری‌زاد، ۱٦شهریور) صادق آهنگران دوروز بعد مطالب نسبت داده به خود و بیماری‌اش را کلا تکذیب کرد. (فارس، ۱۸شهریور) ظاهرا محمد نوری‌زاد تحت تاثیر کامنت رسیده قرار گرفته و بدون اینکه صحت و سقم و هویت واقعی ارسال کننده آن را پیگیری کند، آن‌را منتشر و تحلیل کرده بود.

همان روز اعلام شد: «عاطفه امام فرزند عضو برجسته و زندانی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی پس از نزدیک به ۲۸ ساعت بازداشت و در وضعیتی نامطلوب، نزدیک اذان مغرب در بهشت‌زهرا رها شد. او در حالی که چادرش توسط ربایندگان به او پس داده نشده بود، با مقنعه‌ای پاره در حالیکه کیف پولش را از او گرفته بودند در بهشت زهرا وادار به پیاده شدن از ماشین می‌شود. او در حالی که تهدید شده بود که چشم‌بندش را باز نکند بعد از مدت زمان طولانی‌ای که در یکی از قطعات بهشت‌زهرا رها شده بود، چشم‌بندش را برداشته و متوجه می‌شود که آزاد و به حال خود رها شده است. سپس به دلیل تاریکی نسبی هوا به حرم امام‌خمینی پناه می‌برد و با تلفن عمومی با منزل تماس می گیرد و درخواست کمک می کند. پس از رسیدن خانواده، او همان لحظه به نیروهای پلیس مستقر در حرم امام مراجعه و با تنظیم یک صورتجلسه از کسانی که وی را ربوده بودند

شکایت می‌نماید.»(کلمه، ۱۷شهریور)

ماجرای عاطفه امام هم که طی سه روز فضای سیاسی کشور را تحت تاثیر قرار داده بود، اینچنین به پایان رسید: همسر جواد امام طی مصاحبه‌ای که اولین بار در سایت دوم خردادی «پارلمان نیوز» منتشر شد، خبر دستگیری و بازداشت دختر خود را دروغ اعلام کرد و گفت: «دختر بنده در اقدامی ماجراجویانه و با توجه به شرایط خاص روحی و روانی ناشی از دستگیری پدرش، چنین اقدامی را کرد که به همین خاطر از همه عذرخواهی می کنم. » (فارس، ۲۷شهریور)

شهریورماه ۸۸ درحالی که اصلاح‌طلبان درگیر اثبات ادعاهای کروبی، بهشتی و الویری بودند، اصول‌گرایان بررسی کابینه احمدی‌نژاد و رای اعتماد به وزرای جدید را در دستور کار داشتند. سایت‌های اصول‌گرا از مدتی پیش با تشریح جزوات و دستورالعمل‌های انقلاب نرم، رفتار و عملکرد موسوی و جنبش سبز در ماه‌های قبل و بعد از انتخابات را با دستورالعمل‌های انقلاب نرم مقایسه و مشابه ارزیابی می کردند. (متن دستورالعمل انقلاب‌های نرم در بخش پایانی این کتاب آورده شده است.)

در این میان، اظهارات برخی از متهمان کودتای نرم در دادگاه، مستندات مربوط به اجرای انقلاب مخملی و نرم توسط اصلاح‌طلبان را تقویت می کرد. از جمله کیان تاجبخش نماینده سابق بنیاد سوروس در ایران در جریان محاکمه‌اش در سوم شهریورماه گفت: «بعد از تاسیس دولت اصلاحات در سال ۱۳۷٦ در شیوه براندازی تغییراتی مشاهده می‌شود. به دنبال این تغییرات، استحاله فرهنگی به نوع توسعه سیاسی یا استحاله سیاسی تبدیل شده است. به دلیل ادامه فعالیت افراد سرشناس جریان‌های سیاسی سازندگی و احزاب اصلاحات و همکاری و حمایت برخی از مسوولان جمهوری اسلامی مثل نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل و برخی فعالان سیاسی یک حاشیه امن برای این فعالیت‌ها و همکاری‌ها بین عناصر داخلی و خارجی ایجاد شد که موجب ایجاد عدم حساسیت نظام نسبت

به برنامه‌ریزی‌های طولانی مدت شد که می‌توان گفت این عدم حساسیت باعث شد تا نیروهای بیگانه به‌ویژه آمریکایی‌ها از دو طریق احزاب سیاسی و NGOهای غیردولتی وارد ایران شوند. اگر ما یکی از اولین نمونه‌های براندازی را ارتباط سفر عطریانفر به بنیاد سوروس قبل از ۱۳۷٦ بدانیم می‌توان نهایت آن را ملاقات مستقیم خاتمی همراه ظریف با جورج سوروس در نیویورک در سال ۱۳۸۵ دانست که این یک ارتباط مستمر بوده و ادامه داشته است.» (فارس، ۳ شهریور)

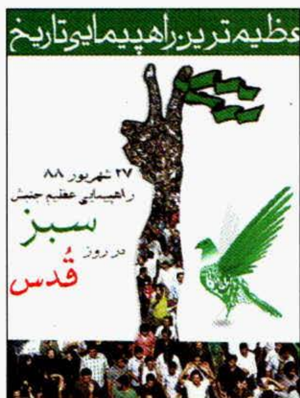
حدود یک ماه بعد، خبرگزاری ایرنا از نیویورک گزارش داد: «جورج سوروس رئیس هیات مدیره موسسه جامعه باز (ISO) شامگاه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۹ در سالن اجتماعات هتل بین‌المللی ترامپ (TrumpInternational Hotel) نیویورک که در جمع مدیران و فعالان تعدادی از سازمان‌های غیردولتی آمریکا به مناسبت سالگرد حملات یازده سپتامبر سخن می‌گفت، ضمن تاکید بر لزوم تقویت رویکردهای روادارانه در جهان اسلام، دیدار خود با محمد خاتمی در سال ۲۰۰٦ را در همین راستا ارزیابی کرد.» (ایرنا، ۳۰شهریور)

در پی انتشار این خبر، دفتر خاتمی با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن تکذیب خبر دیدار رئیس‌جمهور سابق ایران با جورج سوروس اعلام کرد: «سیدمحمد خاتمی نه این شخص را می‌شناسد و نه طبعاً در داووس یا جای دیگری با ایشان دیدار و گفت‌وگوی شخصی یا مشخصی داشته است. البته در مجامع فراوان بین‌المللی که ایشان شرکت یا سخنرانی کرده‌اند شنوندگان فراوان داشته است و مطالب بیان شده توسط ایشان کاملاً روشن است و مسؤولان عالی‌رتبه نیز مرتباً چه به صورت مکتوب و چه شفاهاً در جریان قرار گرفته‌اند.» (ایسنا، ۳۱ شهریور) دفتر خاتمی اوایل شهریور نیز اظهارات کیان تاجبخش در دادگاه درباره ملاقات سوروس - خاتمی را تکذیب کرده بود.

پنجم مهرماه، سایت الف صفحه ۲۰۷ از کتاب «پارادوکس ایران مدرن»،

خاطرات هومن مجد (مترجم خاتمی در سفرش به آمریکا) را ترجمه و منتشر کرد که از سفر سوروس به محل اقامت خاتمی در آمریکا برای دیدار با وی نوشته بود. (الف، ۵ مهر) روز بعد هومن مجد در گفت‌وگو با صدای آمریکا ملاقات خاتمی و سوروس را تکذیب کرد. دفتر جورج سوروس نیز خبر ملاقات خاتمی - سوروس را تکذیب کرد. (روزنامه سرمایه، به نقل از بی بی سی، ۲مهر)

اواخر شهریور ماه جنبش سبز فرصت جدیدی برای ابراز وجود و خودنمایی از طریق حضور در یک «تجمع مجاز و رسمی» پیدا کرد: راهپیمایی روز قدس در جمعه ۲۷ شهریور ۸۸.



تبلیغات سایت‌های هوادار موسوی در اینترنت در آستانه روز قدس۸۸

از حدود دو هفته پیش از روز قدس همه سایت‌ها و تلویزیون‌های ماهواره‌ای برای بسیج هواداران موسوی در راهپیمایی روز قدس تدارک مفصلی می‌دیدند. یک مشکل کار این بود که روز قدس (جمعه آخر ماه رمضان)، فضایی انقلابی معنوی داشت حال آنکه بخش زیادی از هواداران موج سبز از طبقات مرفه شمال تهران بودند و میانه چندانی با این فضاها نداشتند. تلویزیون صدای آمریکا مشکل را این‌طور حل کرد: «امسال مردم با حضور در راهپیمایی روز قدس، شعارهای

واقعی خود را سر می‌دهند.» (صدای آمریکا، ۲۵ شهریور) این شعارهای واقعی؛ به تدریج در سایت‌های جنبش سبز تولید و منتشر می‌شد:

استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی

نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران

روز ۲۷ شهریور به روال هر ساله راهپیمایی رسمی روز قدس با جمعیت انبوهی برگزار شد و تعداد انگشت‌شماری با مچ‌بند سبز در حاشیه راهپیمایی، مجالی برای خودنمایی نیافتند. خود موسوی در خیابان انقلاب وارد راهپیمایی اصلی شد اما از سوی حاضران در راهپیمایی به‌شدت مورد عتاب و سرزنش قرار گرفت. موسوی در بیانیه شماره ۱۳ خود در این باره نوشت: «اینجانب آخرین جمعه از رمضان امسال را در میان کسانی حاضر شدم که جمعی از آنان با مشت‌های گره کرده به پیشوازم آمده بودند و برایم آرزوی مرگ داشتند. در مسیر پرهیاهویی که بایکدیگر همراه شده بودیم سیمایشان را مرور می‌کردم و می‌دیدم که آن چهره‌ها را دوست دارم و می‌دیدم پیروزی ما آن چیزی نیست که در آن کسی شکست بخورد. همه باید با هم کامیاب شویم، اگرچه برخی مژده این کامیابی را دیرتر درک کنند. » (بخشی از بیانیه شماره ۱۳موسوی، ٦مهر۸۸)





حضور موسوی در راهپیمایی روز قدس با اعتراض و شعارهای تند راهپیمایان مواجه شد
۲۷شهریور۸۸، جمعه آخر ماه رمضان، خیابان انقلاب تهران

بخش اصلی هواداران موسوی البته در راهپیمایی اصلی حضور نیافتند. اغلب

آنها حوالی ساعت ۱۱ در میدان هفت تیر تجمع کردند و به‌سوی میدان ولی‌عصر به راه افتادند بخشی هم در پارک لاله در شمال منطقه نمازجمعه و راهپیمایی اصلی تجمع کردند. پلیس و نیروهای بسیجی در حوالی پل کریمخان تلاش کردند جمعیت متمرکز شده که حدود ۵ هزارنفر تخمین‌زده می‌شدند و شعارهای اعلام شده از صدای آمریکا را سر می‌دادند، متفرق سازند. آتش زدن سطل زباله و پرتاب سنگ و چوب از یک سو و پرتاب گاز اشک آور از سوی دیگر. این برنامه حدود ۳۰ دقیقه جریان داشت و ماحصل آن تعدادی موتور آتش گرفته متعلق به بسیجیان، خرد شدن شیشه چند خودروی پارک شده در کنار خیابان و آتش گرفتن چندین سطل زباله بود. از پارک لاله هم خبر رسید تعدادی از سبزها با نمازگزاران در حال بازگشت از نماز جمعه درگیر شدند و پلیس تعدادی را آنجا دستگیر کرد. (مصاحبه نگارنده با یک شاهد عینی) نکته قابل ملاحظه در تجمع سبزها، بدحجابی تعداد زیادی از زنان، همراه داشتن بطری‌های آب و روزه‌خواری عمدی برخی از آنها بود.



تجمع سبزها در روز قدس، قبل از اقدام نیروی انتظامی برای متفرق کردنشان خیابان کریمخان زند، ساعت ۱۱صبح ۲۷شهریور

کروبی بر خلاف موسوی به تجمع راهپیمایی فرعی روز قدس رفت و از سوی سبزها به شدت مورد استقبال و تشویق قرارگرفت.



کروبی در میان معترضان راهپیمایی روز قدس

در این ایام رسانه‌های اینترنتی حامی موسوی برای توجیه ریزش شدید نیروهای میدانی و شرکت‌کنندگان در تجمعات خیابانی، به تدریج از فتوشاپ و حقه‌های گرافیکی برای زیاد نشان دادن تجمع‌کنندگان استفاده می‌کردند. ابداع و انتشار شعار «ما بی‌شماریم» برای غلبه بر همین مشکل بود. با این حال تعداد تجمع‌کنندگان حامی موسوی در روز قدس نسبت به وعده میلیونی رسانه‌های حامی وی چنان کم بود که استفاده از فتوشاپ حتی به روزنامه‌ها هم رسید و روزنامه اعتماد در شماره شنبه ۲۸ شهریور، عکس حامیان موسوی در حاشیه راهپیمایی روز قدس را با دستکاری گرافیکی، پرشمار و انبوه نشان داد.

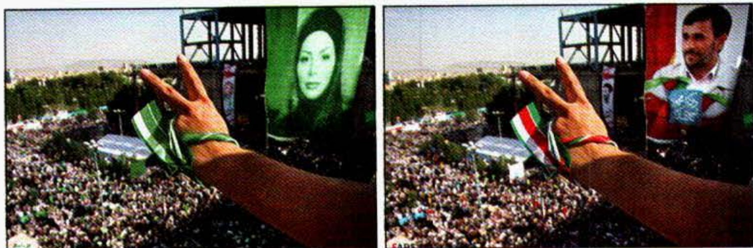


اعتماد

حضور باشکوه ایرانیان در روز قدس

واکنش جهانی به لغو سپر دفاع موشکی امریکا

عکس دستکاری شده روزنامه اعتماد برای پرشمار نشان دادن هواداران موسوی در راهپیمایی روز قدس شنبه، ۲۸شهریور



از اوایل تابستان با ریزش شدید هواداران موسوی، رسانه‌های جنبش سبز به کمک فتوشاپ و دستکاری در عکس‌ها، هواداران خود را بی‌شمار نشان می‌دادند. عکس سمت راست، میتینگ انتخاباتی احمدی‌نژاد در مصلای تهران در ۱۸ خرداد. در این روز مرحومه ندا آقاسلطان هنوز به قتل نرسیده بود.

پس از نماز جمعه ۲۶ تیر، شعارهای سبزها در روز قدس، دومین حرکت هماهنگ شده آنها در حمایت علنی از منافع دشمنان جمهوری اسلامی (آمریکا و اسرائیل) بود. طرفداران موسوی در حالی شعار «نه غزه، نه لبنان» سر می‌دادند که چند هفته قبل در اعتراض به سرکوب مسلمانان تحت حمایت آمریکا توسط دولت چین، در نماز جمعه تهران شعار «مرگ بر چین» سر داده بودند و دولت ایران را به‌خاطر بی‌تفاوتی در سرکوب شورش اویغورها (گروه مسلمان چینی تحت حمایت آمریکا) توسط دولت چین شدیدا سرزنش می‌کردند. شعارهای تند و ضد اسلامی سبزها در حاشیه روز قدس با واکنش منفی اکثر چهره‌های سیاسی روبه‌رو شد. علی مطهری نماینده مردم تهران در مجلس با انتقاد از موسوی به‌خاطر غربال نکردن هواداران واقعی خود از نیروهای سلطنت‌طلب و منافقین، جنبش سبز را جنبش بی‌سر نامید و نوشت: «هنر رهبری یک جنبش اجتماعی این است که همواره بتواند نیروهای هوادار خود را در مسیر درست و هم راستا با اهداف اولیه آن جنبش هدایت کند. برخی شعارهایی که هواداران «موج سبز» در حاشیه راهپیمایی عظیم مردم در روز قدس سر می‌دادند نشان داد که رهبران این جریان اجتماعی از هدایت آن در مسیر اهداف خود عاجزند و هر کسی از ظن خود یار این جنبش شده است. به عبارت دیگر معلوم شد که «موج سبز» یا «راه سبز امید» یک جنبش بی‌سر است و مخالفان نظام اعم از سلطنت‌طلبان و

منافقین و همه کسانی که کینه‌ای از جمهوری اسلامی به دل دارند و حتی کسانی که با اسلام مخالفند در آن راه یافته‌اند. آیا می توان باور کرد که شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» و شعار «مرگ بر روسیه» به جای «مرگ بر اسرائیل» و شعار «جمهوری ایرانی» به جای «جمهوری اسلامی» شعار جنبشی باشد که مدعی است می خواهیم اصول بر زمین مانده قانون اساسی را که شامل آزادی‌های مدنی و حقوق شهروندی است عملی سازیم و اسلامی بودن نظام و همبستگی اسلامی و دفاع از سرزمین اسلامی را یک اصل مفروض و مسلم می‌داند؟ آیا این شعارها که به معنی مخالفت با روز قدس و همراهی با صهیونیسم جهانی است می تواند مورد حمایت رهبران این حرکت اجتماعی باشد که مدعی احیای راه امام خمینی هستند؟... لازم است آقایان موسوی، کروبی و خاتمی که به هرحال رهبران این حرکت قلمداد شده‌اند از این شعارها تبری جویند و اگر واقعا به دنبال اصلاحات اجتماعی و احیای اصول فراموش شده قانون اساسی در خصوص حقوق فردی و اجتماعی مردم هستند اجازه ندهند که هواداران آنها از چارچوب اهداف آنان خارج شوند. در غیر این صورت آنها به ابزاری در دست دشمنان اسلام تبدیل خواهند شد.» (الف، ۳۰ شهریور)

موسوی اما از تجمع سبزها در روز قدس استقبال کرد و در بیانیه سیزدهم خود بدون اشاره به ماهیت ضد اسرائیلی روز قدس، طبق معمول بااستفاده از ادبیاتی انقلابی - دینی، نوشت: «راهپیمایی روز قدس امسال در روند حوادث چند ماه گذشته بدون تردید یک نقطه عطف محسوب می‌شود. نتایجی بسیار مبارک از آنچه در این مناسبت اتفاق افتاد انتظار می‌رود که مختص به یک سلیقه و یک گرایش نیست، بلکه فصلی عام و دستاوردی برای تمام کسانی است که در این سرزمین ریشه دارند، حتی اگر برخی از آنها به خاطر پیشداوری‌های نادرست اینک و امروز نتوانند این نعمت و رحمت را لمس کنند.» (پاراگراف شروع بیانیه شماره ۱۳موسوی، ٦مهر ۸۸)

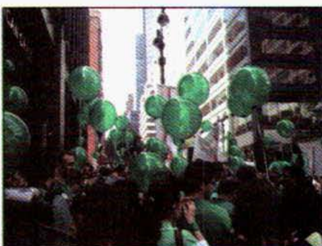
موسوی عمداً از پالایش هوادارانش اجتناب می‌کرد و مانند مبارزات انتخاباتی

تلاش داشت هیچ سلیقه و گروهی را از خود نراند، غافل از اینکه جنبش اجتماعی قبل از هر چیز احتیاج به ایدئولوژی دارد. جنبشی که در آن هم رزمندگان دفاع مقدس، هم دوم خردادی‌ها، هم مجاهدین خلق، هم سلطنت‌طلبان، هم لیبرال‌های ملی مذهبی و هم بیت امام(ره) حضور داشته باشند، انسجام و دوامی نخواهد داشت.

چند ماه بعد و در ماجراهای روز عاشورا و ۲۲ بهمن، روزگار این درس را با هزینه‌ای هنگفت به موسوی یادآوری کرد و از جمعیت انبوه راهپیمایی ۲۵ خرداد، در روز عاشورا (٦ دی) تقریباً جز گروهی که به «حرمت‌شکنان عاشورا» شهرت یافتند که به‌جای فرمانبری از موسوی، گوش به واشنگتن و لندن و حیفا داشتند، چیزی باقی نماند.

در آخرین روز شهریور ۸۸ احمدی‌نژاد مانند چهار سال گذشته برای شرکت در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل عازم نیویورک شد.









تظاهرات مشترک سلطنت‌طلبان، مجاهدین خلق و دیگر نیروهای ضدانقلاب
در اعتراض به سفر احمدی‌نژاد به مقر سازمان ملل، نیویورک، اول مهر ۸۸

فرق سفر امسال احمدی‌نژاد با سفرهای قبلی این بود که این بار صهیونیست‌ها در تجمع ضداحمدی‌نژادی‌شان تنها نبودند. در این سفر اپوزیسیون ضدانقلاب و طرفداران مجاهدین خلق زیر پرچم هویت‌ساز سبز با انگیزه و شور بیشتر از هر سال، مقابل محل استقرار هیات ایرانی تجمع کردند و با هیجان و حرارت کم‌سابقه‌ای شعارهای ضد جمهوری اسلامی سردادند.



قاتل، شکنجه گر و... صفات قابل شمارش احمدی‌نژاد، متن تابلوی تبلیغاتی سیار سفارش داده شده توسط صهیونیست‌ها همزمان با سفر رئیس‌جمهور ایران به سازمان ملل، نیویورک، اول مهر ۸۸

شهریور ۸۸، مهدی هاشمی‌رفسنجانی، رئیس دفتر هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی به بهانه سرکشی به وضعیت شعب دانشگاه آزاد اسلامی در خارج از کشور، از ایران خارج شد. وی در طول حوادث پس از انتخابات همواره در معرض شایعات درباره نقش‌آفرینی پشت صحنه و تامین مالی آشوب‌ها بود. هشت ماه پس از خروج فرزند رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام از کشور، وزیر اطلاعات اعلام کرد: «وزارت اطلاعات حکم جلب مهدی هاشمی را در اختیار دارد.» (خبرگزاری‌ها، اول اردیبهشت ۸۹) مهدی هاشمی تا زمان چاپ این کتاب در پاییز ۸۹ به کشور باز نگشت.

فصل ۲۳

سفارت روسیه، لانه جاسوسیه!

بعد از پایان ترم و تعطیل شدن دانشگاه‌ها در اوایل تیرماه، اطرافیان موسوی و هدایت‌کنندگان جنبش سبز در داخل و خارج از ایران در انتظار بازگشایی دانشگاه‌ها بودند تا با استفاده از محیط‌های دانشجویی، تحرک و نقش‌آفرینی جنبش سبز را تشدید کنند. آنها تابستان ۸۸ با روش‌های گوناگون تلاش زیادی به خرج دادند تا هواداران موسوی را گرم و امیدوار نگه دارند؛ با روش‌آفرینی مانند ایجاد ترافیک سبز، قدم‌زنی سبز، الله‌اکبرهای شبانه، قرارگذاشتن در کوه، پارک و ... اما همه اینها در بلند مدت و به‌طور مستمر جواب نمی‌داد و طبعاً به سردی می‌گرایید.

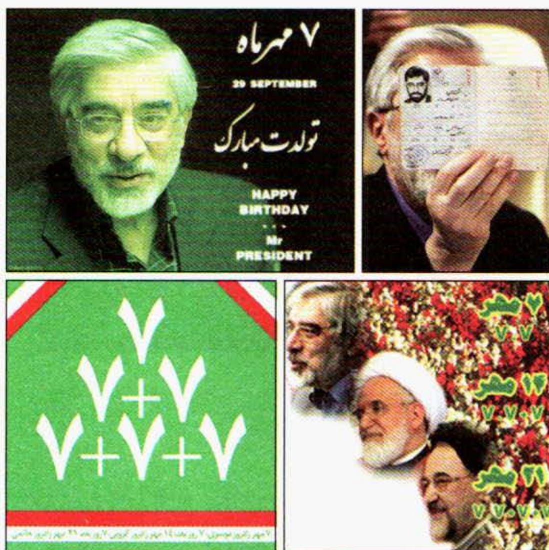


تابستان ۸۸ از هر بهانه‌ای به منظور گرم نگه‌داشتن و ایجاد انگیزه برای هواداران جنبش سبز استفاده می‌شد

به گمان طراحان حوادث سال۸۸، بازگشت دانشجویان شهرستانی برای گذراندن امتحانات عقب افتاده ترم گذشته، فرصت جدیدی برای جمع‌آوری پیاده نظام جنبش سبز ایجاد می‌کرد. سران جنبش سبز این فرصت را با سالگرد تولد کروبی و خاتمی در ١٤ و ٢١ مهرماه ادغام کردند. در این میان جنبش سبز یک دروغ کوچک هم ساخت و با اعلام تولد موسوی در هفتم مهر، مثلث ۷+۷+۷ را تکمیل کرد و قرار شد اولین جشن تولد از جشن تولدهای سه گانه در هفتم مهر در دانشگاه‌های سراسر کشور برگزار شود.

روز ششم مهر با تبلیغات گسترده شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های هوادار موسوی قرار بود همزمان با مراسم آغاز رسمی سال تحصیلی جدید، تجمعی در حمایت از جنبش سبز در دانشگاه تهران برگزار شود. حتی مریم رجوی هم از دانشجویان خواسته بود در آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌ها را به آشوب بکشند. از برنامه سبزها استقبال مورد انتظار نشد و فقط حدود ۲۰۰ نفر در حاشیه مراسم شروع سال تحصیلی گرد آمدند و بعد از کمی شعار دادن با عدم استقبال دانشجویان پراکنده شدند. (الف، ٦مهر)

موسوی که طی هفته قبل از آن در مقابل تبلیغات جشن تولدهای زنجیره‌ای ۷+۷+۷ کاملاً سکوت کرده بود، بعد از ناکام ماندن تجمع ٦ مهر با انتشار اطلاعیه اعلام کرد تاریخ تولد او ۷ مهر نیست و خواستار لغو مراسم جشن تولد خود در دانشگاه‌ها شد و در پایان بیانیه سیزدهم خود نوشت: «... تولد اینجانب نه هفتم مهر که روز آشنایی با شماست؛ حتی اگر روز هفتم مهر به دنیا آمده بودم نیز جا نداشت حرکت شما به کیش شخصیت آلوده شود. امیدوارم این کلمات مرا صمیمانه و از سر نگرانی و نه یک شکسته نفسی بی‌حقیقت و تعارف گونه تلقی کنید.» (بخش پایانی بیانیه سیزدهم موسوی، ٦مهر ۸۸)



همه چیز برای جشن تولدهای زنجیره‌ای آماده بود اما ...

روز هفتم البته جشن تولدی برای موسوی در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی برگزار شد و درآن چند ده نفر دانشجو با نمادهای سبز حضور یافتند و سالگرد تولد رهبر جنبش سبز را گرامی داشتند (فارس، ۷مهر)

پس از شکست برنامه ۷+۷+۷، جنبش سبز سعی کرد، برگزاری دیدار شهرآورد فوتبال در استادیوم آزادی را به فرصت دیگری برای تجمع و قدرت‌نمایی تبدیل کند. با شروع لیگ برتر فوتبال در مردادماه، جنبش سبز هر هفته از هواداران خود برای سبز کردن ورزشگاه‌ها دعوت می‌کرد اما فقط با کمک فتوشاب موفق به این کار شد. با این حال دیدار حساس پیروزی - استقلال در دهم مهر ۸۸ فرصت دیگری بود چرا که هم تمرکز زیادی روی این بازی وجود داشت و هم جمعیت بزرگی به تماشای آن می‌رفت.



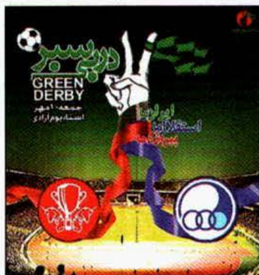
با شروع لیگ برتر فوتبال، وعده جنبش سبز برای سبزکردن ورزشگاه‌ها، فقط با کمک فتوشاپ محقق شد

هفته منتهی به دهم مهر، یک‌بار دیگر سایت‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای به‌خصوص بی‌بی‌سی فارسی برای دعوت هواداران موسوی به ورزشگاه آزادی به‌کار افتادند. این بازی علاوه بر جنبه سیاسی و جوسازی ایجادشده توسط تلویزیون‌های ماهواره‌ای از یک جهت دیگر هم حساس تلقی می‌شد چرا که پس از چندین نتیجه تساوی، طرفداران هر دو تیم از تساوی خسته شده بودند و آن‌را نتیجه تبانی مسوولان دو تیم یا محافظه‌کاری کادر فنی و مربیان دو تیم می‌دانستند. قبل از بازی، مربی هر دو تیم قول پیروزی می‌دادند ولی این بازی هم با نتیجه مساوی یک یک به پایان رسید.

در دقایق پایانی، حدود ۸۰ هزار تماشاگر به ورزشگاه آمده از نتیجه شاکی بودند و فریاد اعتراض تبانی- تبانی، ورزشگاه را فراگرفت. حدود ۳۰ نفر سبزپوش هم مقابل یکی از درهای ورزشگاه برای دقایقی جمع شدند. دوربین‌های صداوسیما که مسابقه را زنده پخش می‌کردند عمداً بارها جمعیت را از زوایای مختلف نشان دادند. با این حال تلویزیون العربیه و بی بی سی فارسی با مونتاژ شعارهای راهپیمایی‌های تابستان گذشته معترضان برروی شعار تبانی- تبانی تماشاگران، از حضور سبزها در ورزشگاه آزادی خبر دادند و سایت‌های خبری

هوادار موسوی هم، حضور موفق در ورزشگاه آزادی را جشن گرفتند. (به عنوان مثال سایت‌های بالاترین و توییتر در روز جمعه ۱۰مهر)





شهرآورد تهران فرصت دیگری برای ابراز وجود سبزها ایجاد کرد، جمعه ۱۰مهر ۱۳۸۸

ابتدا تصور می‌شد بازگشایی دانشگاه فرصت فوق‌العاده‌ای برای تجدید سازمان و تحرک مجدد جنبش سبز ایجاد خواهد کرد اما با شکست موج اول تلاش برای ناآرام کردن دانشگاه‌ها در مهرماه، این اصول‌گرایان بودند که از فرصت بازگشایی دانشگاه برای رفع شبهات و پرسش و پاسخ با دانشجویان استفاده کردند. محمدحسین صفارهرندی که پس از مدتی اختلاف با رئیس‌جمهور، بالاخره مرداد ماه ۸۸ به‌خاطر اعتراض به تعلل احمدی‌نژاد در اجرای دستور کتبی رهبری در مورد مشایی از وزارت ارشاد عزل شده بود، در طول پاییز و زمستان ۸۸ تقریباً در همه دانشگاه‌های اصلی کشور حضور یافت و ضمن سخنرانی به سوالات و ابهامات دانشجویان درباره انتخابات پاسخ می‌داد. در این راه، جواد لاریجانی، سردار سعید قاسمی، رحیم‌پور ازغدی، رسایی نماینده تهران در مجلس و تعداد دیگری از فعالان فرهنگی سیاسی تا حدودی فعال بودند. واکنش هواداران موسوی در دانشگاه به جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ درباره انتخابات؛ هو کردن، ایجاد سروصدا، شعاردادن و پرتاب کفش بود.



باقی‌مانده جنبش سبز در دانشگاه‌ها از جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ صفارهرندی
با سوت، هو و لنگه کفش استقبال می کردند، مهرماه ۸۸، دانشگاه تهران

دوم آذر سایت الف در این باره نوشت: «با وجودی که وزارت کشور و شورای نگهبان، در ایام پس از انتخابات چندین مرتبه به سوالات و شبهه‌ها درباره صحت انتخابات پاسخ دادند اما حجم سوالات و شبهه‌های تولید و منتشر شده در این چند ماه به حدی زیاد است که پاسخ‌های منتشر شده نسبت به شایعات و شبهه‌های منتشر شده، از نظر کمیت تقریبا هیچ است. رسانه‌های دلسوز نظام و کشور، بهتر است به‌جای تحقیر موج سبز و شادمانی از کاهش پیاده نظام آنها در میدان، رای‌دهندگانی را که نسبت به برگزاری و نتیجه انتخابات سوال و اعتراض دارند، اقناع کنند. یعنی کاری که برخی چهره‌های اصول‌گرا نظیر آقای صفارهرندی هم‌اکنون در دانشگاه‌ها و محافل معترضان به انتخابات در حال انجام آن هستند.

خوشبختانه اکثریت قریب به‌اتفاق معترضان به نتیجه انتخابات، افرادی منطقی هستند و می‌توان به‌راحتی و با ارائه استدلال‌های روشن موجود، آنها را نسبت به سلامت انتخابات قانع کرد و یا حداقل به آنها قبولاند که مدعیان تقلب در انتخابات، دلیل منطقی و قانع‌کننده‌ای برای ادعای بزرگ و خانمانسوز خود ندارند.

روشن است که همه معترضان به نتیجه انتخابات را نمی‌توان قانع کرد. برخی از آنها اصولا گوشی برای شنیدن استدلال ندارند. این گروه خوشبختانه اندک، همان عده‌ای هستند که در سرکشی از قانون حتی از آقای موسوی هم جلو زده‌اند و از واشنگتن و لندن خط می‌گیرند و منافع آنها را هم دنبال می‌کنند.

وقتی پای مناظره و استدلال به میان آید و روش اقناعی پیش گرفته شود، اکثریت معترضان به انتخابات، با رفتار مدنی و محترمانه، به استدلال گوش می‌کنند و سوال می‌پرسند. سوال‌هایی که در هیجان و جنجال پس از انتخابات، پاسخ‌های آن به گوششان نرسید. این عده، برخی شواهد درباره مخدوش بودن صحت انتخابات دارند که باید به آنها صریح و مستدل پاسخ داده شود.

برخلاف این اکثریت منطقی و مودب، با اقلیت سرکش بی‌ادب و بی‌منطق نمی‌شود با زبان استدلال صحبت کرد. اینها همان‌هایی هستند که به‌طرف سخنران‌ها در مراسم پرسش و پاسخ لنگه کفش پرتاب می‌کنند و با هو و جنجال، سعی در اخلال و آشوب در مراسم مناظره و استدلال دارند. طی ۵ ماه گذشته این عده همه تلاش خود را کرده‌اند تا با تزریق هیجان و التهاب، اکثریت منطقی و مودب معترض به نتیجه انتخابات را با خود همراه کنند. چیزی که این عده نیاز دارند، التهاب و هیجان است.

اکنون که فضای التهاب و هیجان فروکش کرده است، زمان مناسبی برای برگزاری جلسات مناظره و استدلال و دعوت از معترضان به روند و نتیجه انتخابات است تا سوال‌ها و شبهه‌های شان را باز گویند و استدلال بشنوند و با وجدان پاکشان به قضاوت بنشینند. این همان فضایی است که اقلیت بی‌ادب و بی‌منطق تحمل آن‌را ندارد و به‌سوی سخنران آن کفش پرتاب می‌کند چرا که با روشنگری و استدلال، بسیاری از دروغ‌ها، تهمت‌ها و فریب‌هایی که در طول این ۵ ماه مکررا بیان شد، رسوا می‌شود.» (الف، ۲آذر)

در این زمان هرچند تعداد هواداران موسوی در دانشگاه‌ها هنوز در اکثریت بودند اما بسیاری از آنها در جلسات پرسش و پاسخ شرکت فعال داشتند و در «نهضت اقناع‌سازی» که به همت تشکل‌های دانشجویی شروع شده بود مشارکت می‌کردند. البته طرفداران تندرو موسوی از جلسات پرسش و پاسخ استقبال نمی‌کردند و فقط به صورت هو، شعار، سوت و پرتاب کفش در این

جلسات حاضر می‌شدند. این عده مدتی بعد در جریان ۱۳ آبان و به‌خصوص ۱۶آذر در اقلیت قرار گرفتند و با وجودی که از حمایت بی‌دریغ بی بی سی فارسی و صدای آمریکا برخوردار بودند، نتوانستند برنامه ایجاد آشوب و تعطیل کردن دانشگاه‌ها را اجرایی کنند. از دیگر تحولات مهرماه ۸۸، برگزاری ششمین اجلاسیه رسمی مجلس خبرگان رهبری بود. هاشمی رفسنجانی رئیس این مجلس در نطق افتتاحیه خود ضمن تاکید بر عمل در چارچوب قانون و تاکید بر محوریت رهبری برای حل مشکلات گفت: «گروهی از افراد خیر و خیرخواه در حال تنظیم اقداماتی هستند که بتوان با محوریت کلام رهبری و صاحب نظران برای برون رفت از وضعیت فعلی اقدام کرد و فضای فعلی جامعه و دیگر مسائل را از وضعیت فعلی به فضای نقادی جدی و سالم جامعه تبدیل کنیم.»

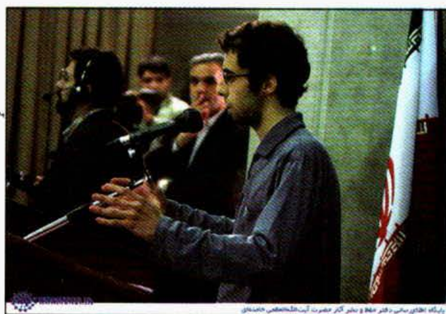
این جمله هاشمی حرف و حدیث های زیادی برانگیخت و اعضای هیات رئیسه مجلس خبرگان از وجود چنین طرحی در این مجلس اظهار بی اطلاعی کردند. (فارس، ۳ مهر) عده ای از منتقدان قدیمی هاشمی هم فضای بسیار بسته رسانه ای در دوران ریاست جمهوری ایشان را که یکی از ریشه های اصلی دوم خرداد۱۳۷٦ بود ، یادآوری کردند.

افتتاحیه مجلس خبرگان علاوه بر سخنرانی دبیر شورای عالی امنیت (سعید جلیلی) و دادستان کل کشور (محسنی اژه‌ای)، حاشیه مهم دیگری هم داشت و آن غیبت آیت الله محمد یزدی نایب رئیس این مجلس بود. در هفته‌های اخیر یزدی از هاشمی و فرزندانش انتقاد کرده بود و غیبت او در این اجلاس، توجه زیادی برانگیخت. چند ماه بعد، یزدی و هاشمی به شدت علیه همدیگر در رسانه‌ها به مشاجره پرداختند که این بگو مگوها با وساطت آیت الله سید احمدخاتمی دیگر عضو هیات رئیسه مجلس خبرگان، در اوایل بهمن ماه به پایان رسید. در اولین برگزاری اجلاسیه، اعضای مجلس خبرگان شام مهمان هاشمی رفسنجانی بودند و از وی سوال‌ها و گلایه‌هایی مطرح کردند اما به گفته آیت الله کعبی، نطق‌های

روز دوم اجلاس نشان داد آنها از پاسخ‌های شب قبل هاشمی قانع نشدند. (فارس، ٤ مهر)

در بیانیه پایانی مجلس خبرگان از نقش رهبری در خاموش کردن فتنه پس از انتخابات تجلیل شد. البته غیبت هاشمی به هنگام قرائت این بیانیه باردیگر توجه‌ها را بر انگیخت. نطق نسبتاً تند آیت الله علی محمد دستغیب در اعتراض به برخورد با معترضان حوادث پس از انتخابات هم در این اجلاسیه حاشیه ساز شد و اعتراض‌هایی در همان جلسه و بعدها در شیراز برانگیخت.

ششم آبان ماه یک دانشجوی دانشگاه شریف در جلسه نخبگان دانشگاهی با رهبر انقلاب برخاست و از رهبر انقلاب برای سخن گفتن اجازه گرفت و بدون هماهنگی با مسوولان جلسه پشت تریبون رفت و در سخنانی نسبتاً طولانی از عملکرد صدا و سیما، نیروی انتظامی در جریان انتخابات و فضای بسته سیاسی و عدم نقد رهبری صریحاً انتقاد کرد. (الف، ۷آبان)



در دیدار نخبگان دانشجو با رهبر انقلاب محمود وحیدنیا بدون هماهنگی قبلی پشت تریبون رفت و از عملکرد صداوسیما و نیروی انتظامی در ماه‌های اخیر انتقاد کرد. ۶آبان۸۸

رهبر انقلاب در پاسخ گفتند: «خیال نکنید من از شنیدن این‌جور حرف‌ها ناراحت می‌شوم. نه...، من از اینکه این حرف‌ها زده نشود، ناراحت می‌شوم. در جلسات دانشجویی، دانشگاهی که اینجا هستند، بنده گاهی که ببینم حالا

بعضی‌ها روی ملاحظه، روی احترام، روی هرچه، بعضی از این حرف‌ها را که خیال می‌کنند من خوشم نمی‌آید، نمی‌زنند؛ از نگفتنش ناراحت می‌شوم؛ (در حالی که) از گفتنش مطلقاً ناراحت نمی‌شوم. حالا اشاره کردند به حوادث و مسائل اخیر. در این زمینه‌ها خیلی حرف هست؛ خیال نکنید آن حرف‌هایی که صداوسیما می‌زند، این، همه حرف‌هاست؛ نه، خیلی مطلب هست. گفت: یک سینه حرف موج زند در دهان ما. این جور نیست که هر چه که انسان احساس می‌کند، این را گفته باشد یا بتواند بگوید. خیلی حرف‌های زیادی هست. ای کاش مجال بود تا گفته می‌شد، تا آن‌وقت انسان می‌توانست آن برگ‌های بر روی هم گذاشته کتاب حرف را باز کند تا خیلی از حقایق روشن بشود. آینده، البته این کارها خواهد شد.

این هم که گفتند از رهبری انتقاد نمی‌کنند، شما بروید بگویید انتقاد کنند. ما که نگفتیم از ما کسی انتقاد نکند؛ ما که حرفی نداریم. من از انتقاد استقبال می‌کنم. البته انتقاد هم می‌کنند. دیگر حالا جای توضیحش نیست؛ انتقاد هم هست، فراوان هست، کم هم نیست؛ بنده هم می‌گیرم، دریافت می‌کنم و انتقادها را می‌فهمم.

چند سال قبل یکی از نشریات دانشجویی از بنده انتقاداتی کرده بود. خواستند برخورد کنند اما من گفتم برخورد نکنید این‌ها اشکالی ندارد. اجازه دهید بنویسند.

این را هم شما خیال نکنید که حالا بنده چون رئیس صداوسیما را انتخاب می‌کنم، همه برنامه‌های صداوسیما را می‌آورند، دانه دانه بنده نگاه کنم، امضا کنم. نخیر.....

... امروز هیچ کشور دیگری در دنیا پیدا نمی‌کنید که این جور آماج حملات باشد و جمهوری اسلامی دارد مقاومت می‌کند. این شوخی است؟ این موجودِ هفت‌جوشِ مستحکمِ مصونیت یافته دارد مقاومت می‌کند. این، کم چیزی نیست. توطئه توهم نیست؛ این را جوان‌ها، این جوان‌های عزیز ما، بدانند.

بنده گفتم کرسی آزاد فکری را در دانشگاه‌ها به وجود بیاورید. خوب، شما جوان‌ها چرا به وجود نیاوردید؟ شما کرسی آزادفکری سیاسی را، کرسی آزاد

فکری معرفتی را تو همین دانشگاه تهران، تو همین دانشگاه شریف، تو همین دانشگاه امیرکبیر به وجود بیاورید. چند نفر دانشجو بروند، آنجا حرفشان را بزنند، حرف همدیگر را نقد کنند، با همدیگر مجادله کنند. حق، آنجا خودش را نمایان خواهد کرد.» (سایت رهبری، ٦بهمن)

روز بعد سایت‌های هوادار موسوی از دستگیری، شکنجه و سربه نیست شدن این دانشجو (محمود وحیدنیا) و نگرانی خانواده وی از سرنوشتش خبر دادند. (بالاترین، ۷آبان) در فیس بوک و توییتر هم جنبش حمایت از آزادی وحیدنیا تشکیل شد. این دانشجو روز بعد، از انتشار این اخبار درباره خودش اظهار تعجب کرد و افزود: «از دیدن مطالب سایت‌های خارج نشین درباره خودم خنده‌ام می‌گیرد.» (الف، ۹آبان)

با نزدیک شدن ۱۳ آبان، فرصت جدیدی برای تجمع اعتراض آمیز سبزها ایجاد شد چرا که همه ساله در سالگرد تسخیر لانه جاسوسی راهپیمایی ضدآمریکایی مقابل سفارت آمریکا برگزار می‌شد و سبزها برای حضور در راهپیمایی و تجمع دیگر نیازی به مجوز نداشتند. به‌زودی دعوت و رجزخوانی برای برگزاری راهپیمایی میلیونی در اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای برای سبز کردن راهپیمایی ۱۳ آبان شروع شد و اوج گرفت.





با نزدیک شدن ۱۳ آبان، رجزخوانی سبزها در اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای شروع شد

ابتدا قرار بود تجمع سبزها مقابل سفارت روسیه برگزار شود اما هدایت کنندگان جنبش سبز از این تصمیم منصرف شدند. موسوی در بیانیه چهاردهم خود که نهم آبان منتشر کرد، حوادث سه گانه ۱۳آبان را برشمرد اما هیچ اشاره‌ای به ماهیت ضدآمریکایی این سه حادثه تاریخی نکرد.(تبعید امام خمینی به مناسبت اعتراض به کاپیتولاسیون آمریکایی در سال ۱۳٤۲، شهادت سه دانش آموز که به سفر معاون رئیس جمهور آمریکا (نیکسون) به ایران اعتراض کرده بودند در سال ۱۳۳۲ و تصرف سفارت آمریکا در اعتراض به حمایت کارتر از شاه و جاسوسی علیه انقلاب در سال ۱۳۵۷)

روز ۱۳ آبان، راهپیمایی رسمی در خیابان طالقانی شلوغ‌تر از همیشه و با سخنرانی حداد عادل برگزار شد. سبزها هم حوالی ساعت ۱۱ در میدان هفت‌تیر تجمع کردند و شعارهای خاص خود را سر دادند:

استقلال ، آزادی، جمهوری ایرانی
نه شرقی، نه غربی، دولت سبز ملی
سفارت روسیه، لانه جاسوسیه
ایرانی می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد
بسیجی واقعی، همت بود و باکری
ما اهل کوفه نیستیم، پول بگیریم بایستیم
ما بچه‌های جنگیم، بجنگ تا بجنگیم
ایرانی باغیرت، حمایت، حمایت

بعد از پایان راهپیمایی اصلی ۱۳آبان، عده‌ای از شرکت‌کنندگان به‌طرف میدان هفت تیر حرکت کردند و با تجمع کنندگان سبز درگیر شدند. برای دقایقی یک هرج و مرج کامل ایجاد شد. سبزها به‌سوی خیابان‌های کریمخان، مطهری و ولی‌عصر عقب رانده و پراکنده شدند و سرراه خود سطل های زباله را به آتش کشیدند. چند نفری از آنها در خیابان مطهری، دکترمرندی نماینده تهران در

مجلس - که اتفاقاً متمایل به موسوی شناخته می‌شد و در خودروی خود به‌طرف مطبش حرکت می‌کرد - را شناختند و به‌طرف وی حمله کردند. مرندی به زحمت توانست از مهلکه فرار کند. (فارس، ۱۳آبان)

شاهدان عینی از بی‌نظمی در مقابله با آشوبگران خبر می‌دادند. برخی بسیجی‌ها که برای کمک به پلیس به میدان آمده بودند، معترضان سبز پوش و اوباش نفوذ کرده در میان آنها را ازهم تمیز نمی‌دادند و با آنها به طور یکسان برخورد می‌کردند. سهیل کریمی، عکاس جنگ و تصویربرداری که سال ۸۳ چند ماهی گروگان نیروهای آمریکایی در عراق بود، مشاهداتش از حواشی برخورد با سبزها در روز ۱۳ آبان را در وبلاگ خود چنین شرح داده است: «مراسم روز مبارزه با استکبار جهانی در مقابل لانه جاسوسی آمریکا هنوز به پایان نرسیده. جمع کثیری در آن‌جا گردهم‌اند و جمعی دیگر در خیابان‌های اطراف. جمعیت به‌طور پراکنده تا میدان هفت تیر، یَله شده‌اند. در خیابان کریم‌خان‌زند عده‌ای طبق ماه‌های گذشته، ساز مخالف می‌زنند. شعارها همان گل‌واژه‌های تکراری است. میدان هفت‌تیر اما نقطه تلاقی است. سرآغاز راهپیمایی روز ۱۳ آبان و مبارزه با استکبار جهانی یا آشتی با آمریکا. بعضی سربالا می‌روند و جمعی سرپایین. رو کم‌کنی شده باشد انگار. یک جاهایی آمریکا هم فراموش می‌شود و شعارها و گل‌واژه‌ها علیه هم است. یک جاهایی هم طبق همان رویه نماز جمعه آیت‌الله هاشمی، روسیه هم وارد بازی می‌شود. در همه این آمدوشدها، یگان‌های مختلف «ناجا» و افرادی که ظاهراً باید از هماهنگ‌شده‌های سپاه باشند، حضور پررنگی دارند.

بعضی بر موتورهای یک شکل و پرهیبت سوارند و باتوم بر سر می‌چرخانند و عده‌ای هم پر از تجهیزات دست‌وپا گیرند. بوی تند گاز اشک‌آور هم همه‌جا به مشام می‌رسد. ناهماهنگی بین این یگان‌ها بسیار مشهود است. همه به هم گیر می‌دهند و ناامن‌ترین فعل، فعالیت رسانه‌ای است و داشتن کارت خبرنگاری.

به همه هم باید جواب بدهم. کوچک و بزرگ. نظامی و غیرنظامی...

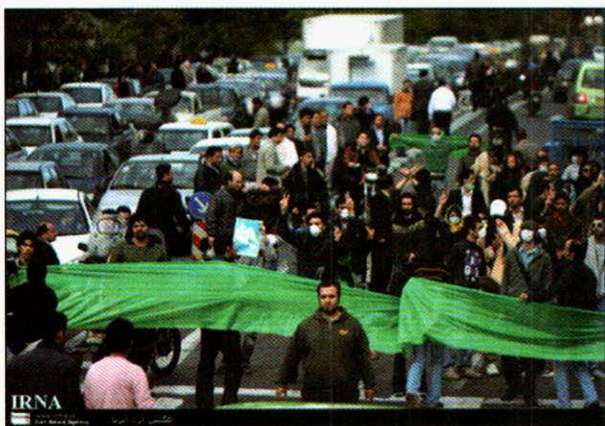
سنش به زور به ۱۸ یا ۱۹ سال می‌رسد. بُراق می‌شود در صورتم و فریاد می‌کشد: «اوهوووی! واسه چی داری عکس می‌گیری؟» چیزی نمی‌گویم. باز می‌گوید: «مگه با تو نیستم؟» نگاهی به بالا و پایینش می‌اندازم. می‌گویم: «خودِت فکر می‌کنی برای چی دارم عکس می‌ندازم؟!» می‌گوید: «کارتت کو؟» می‌گویم: «کارت خودِت کو؟» باتومش را دست‌به‌دست کرده و آنتن بی‌سیمش را از جیب شلوارش بیرون می‌کشد تا من ببینم. پوزخندی می‌زنم و رد می‌شوم. مثل قرقی‌ای که شکاری را در هوا زده باشد، مچ دستم را می‌قاپد و فریاد می‌کشد: «حاجی! حاجی بیا این‌جا. این یارو کارتش رو به من نشون نمی‌ده.» حاجی هم فی‌الفور خودش را به ما می‌رساند و از همان دور که مرا می‌بیند، لبخند بر لبش می‌نشیند. پس از سلام و علیک، می‌گویم: «حضرت عباسی این چه بساطیه که راه انداختید؟ هیچی با هیچی هماهنگ نیست.» می‌گوید: «بی‌خیال شو سهیل جون. تو این اوضاع که هماهنگی معنی نمی‌ده.» می‌گویم: «زرشک!» و می‌روم.

بالاتر از میدان هفت‌تیر و در امتداد خیابان شهید مفتح و کمی بالاتر از سینما پایتخت، سروصدایی است. من هم با یکی دو تا از بچه‌های همکار، حالا دیگر از بالا به پایین خیابان می‌آییم. عده‌ای قریب به ۳۰ یا ٤۰ نفر، دو طرف خیابان هو می‌کنند و هوار می‌کشند. کمی جلوتر می‌رویم. جوانی در آن بین دیده می‌شود. با وقار و آرام خیابان را سربالایی می‌رود. محاسن کرک مانندی صورت نحیفش را پوشانده. لبخندی شیرین و شاید هم نمکین بر لب دارد. پیراهن سفیدش را روی شلوار جینش انداخته. سنش به زور به ۱۸ یا ۱۹ سال می‌رسد. بُراق می‌شوند در صورتش و فریاد می‌کشند: «بسیجی برو گم شو... بسیجی برو گم شو...» بسیجی اما همان‌طور متین و با وقار و در حالی که لبخندی شیرین و شاید هم نمکین بر لب دارد، نگاهی به پرچم بزرگ سبز رنگش می‌اندازد. رویش نوشته شده «لبیک یا خامنه‌ای». شَلتاقی بر پا می‌شود. یکی با لگد می‌زند.

دیگری آب دهان بر صورتش می‌اندازد. آن یکی دو لا شده، مشتی آت و آشغال از زمین بر داشته بر سر و رویش می‌زند. بقیه هم در دو طرف پیاده رو، هماهنگ و ناهماهنگ می گویند: «مرگ بر دیکتاتور... مرگ بر دیکتاتور...» می خواهم انگشت بر شاتر دوربین فشار بدهم که همراهم، یک پاره‌آجر به دست را نشانم می دهد. منصرف می‌شوم. جمعیت همچنان هو می کشند و در جواب لبخندهای بسیجی این‌بار هوار می‌کنند: «بسیجی بی‌ناموس... بسیجی بی‌ناموس...». بسیجی اما همان‌طور متین و با وقار و در حالی که لبخندی شیرین و شاید هم نمکین بر لب دارد، نگاهی به پرچم بزرگ سبز رنگش می‌اندازد و با ابّهت راهش را به طرف بالا ادامه می‌دهد.

مراسم روز مبارزه با استکبار جهانی در مقابل لانه جاسوسی آمریکا دیگر به پایان رسیده. جمعیت زیادی از راه‌های منتهی به میدان هفت‌تیر رو به بالا می‌آیند. در شمال میدان و ابتدای خیابان بهار شیراز، چند نفری چند شعار می‌دهند. شعارها درهم آمیخته است و از نوع همان شعارگل‌واژه‌های قبل. چند جوان در پیاده روی جنوبی به تدریج با هم، هم‌صدا می‌شوند که: «توپ، تانک، بسیجی... دیگر اثر ندارد...» و هم‌زمان با هجوم عده‌ای که بادگیرهای یشمی به تن دارند و باتوم با خود حمل می‌کنند، پا به فرار می‌گذارند. دو نفر از این شعاردهندگان که متوجه محاصره باتوم به دستان می‌شوند، «ننه من غریبم» بازی در آورده و سر جای خود میخکوب شده و کز می‌کنند. چند تای دیگر در یک تعقیب و گریز کوتاه گیر می‌افتند. بادگیر برتنان، آن چند نفر را به زور دَگَنک و یا همان باتوم، با خود همراه می‌کنند. پیرزن سالخورده چادر به سری که از راهپیمایان روز ۱۳ آبان و مبارزه با استکبار جهانی است، نزدیک باتوم‌داران شده و یکی از آنان را خطاب قرار می‌دهد که: «پسرم! دستگیرش کردی، حالا چرا داری این‌طوری می‌زنیش. خُب ورش دار برو دیگه...». و باز جوانی که سنش به زور به ۱۸ یا ۱۹ سال می‌رسد، بُراق می‌شود به صورت پیرزن و فریاد

می‌کشد: «به تو چه... اصلا واسه چی این‌جا وایستادی؟... سریع برو این‌جا واینَستا...». پیرزن کمی جا می‌خورد. چادرش را جابه‌جا می‌کند. تراکت مراسم با جمله «مرگ بر آمریکا» از زیر چادرش در کسری از ثانیه نمایان می‌شود. خود را جمع و جور کرده و طوری که دیگران متوجه نشوند به جوان می‌گوید: «این چه طرز صحبت کردنه؟... می‌گم برخوردت رو درست کن». جوان باز هم به شکل هجومی پیرزن را خطاب قرار می‌دهد که: «آره... گفتم این‌جا واینَستا... یالّا دیگه، یالا...» پیرزن این‌بار بلندتر از قبل به جوان می‌گوید: «خجالت بکش پسر جون. تو جای نوه منی.» ... من حیرانم که چه کنم. در یک آن، مردی حدوداً چهل ساله را می‌بینم که جوان را از آن‌جا دور می‌کند. یکی از بچه‌ها می‌گوید: «فرمانده پایگاهشونه.» آنهایی که تا لحظه‌ای پیش شعار می‌دادند، حالا دوباره با هم، هم‌صدا می‌شوند: «استقلال، آزادی... جمهوری ایرانی»... (سهیل کریمی، وبلاگ پارتیزان، ۱۵آبان۸۸)



۱۳آبان۸۸، خیابان کریمخان

ویژگی راهپیمایی ۱۳ آبان، حضور تعداد بی‌شماری دوربین عکاسی در میان

حاضران و تماشاچی های مراسم فرعی بود. آن روز هر چند مراجع رسمی سرعت اینترنت کشور را به حداقل کاهش دادند و سرویس های میل را قطع کردند، اما از برخورد پلیس و بسیج با معترضان آنقدر عکس و فیلم برای شبکه‌های ماهواره‌ای ارسال شد که مجری صدای آمریکا همان شب با خوشحالی گفت: «آنقدر تصویر و فیلم به دست ما رسیده که تا چند ماه هم پخش کنیم تمام نمی‌شود.»

شعارهای ضد اسلامی جنبش سبز ، هواداران و رسانه‌های ضد انقلاب در خارج را به وجد آورد . رضا پهلوی مدعی تاج و تخت ایران ، از دولت آمریکا خواست از جنبش سبز حمایت کند. (جهان نیوز ، ۱۳ آبان ۸۸) بعد از این خانواده شاه مخلوع چندبار دیگر از جنبش سبز و حتی مستقیم‌تر از شخص میرحسین موسوی و مهدی کروبی تمجید کردند ، به‌طوری که رضا پهلوی بعد از ۲۲ بهمن ۸۸ در مصاحبه با هفته‌نامه فرانسوی پاری ماچ گفت : « میر حسین موسوی به شدت جسور ظاهر شد و می تواند انتقال رژیم را مدیریت کند. » وی در این مصاحبه با تجلیل از موسوی گفت : « به طور مستقیم با میرحسین موسوی در تماس نیستم اما با اطرافیان او در تماس هستم. » (ایرنا به نقل از هفته‌نامه پاری ماچ ، ۲۹ بهمن ۸۸) . فرح دیبا (پهلوی) همسر شاه مخلوع نیز مدتی بعد در گفت‌وگو با شبکه العربیه میرحسین موسوی و مهدی کروبی را بسیار شجاع توصیف و از آنها تمجید کرد. (خبرآنلاین ، ۲۰ اسفند ۸۸ به نقل از العربیه).

شعارهای هواداران موسوی در روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، یک‌بار دیگر محافل سیاسی کشور را به اعتراض واداشت. بسیاری از فعالان سیاسی و مذهبی از سکوت تاییدآمیز موسوی در قبال شعار (نه شرقی، نه غربی، جمهوری ایرانی) اظهار تعجب و گلایه می کردند (به عنوان مثال به خطبه‌های نماز جمعه ۱۵ آبان ۸۸ مراجعه شود) موسوی یک‌بار دیگر و این بار شدیدتر از قبل برای موضع گیری علیه شعارهای هوادارانش تحت فشار قرارگرفته بود اما باز هم ترجیح داد سکوت کند تا کسی را در جنبش سبز نرنجاند و نریزاند. این رفتار

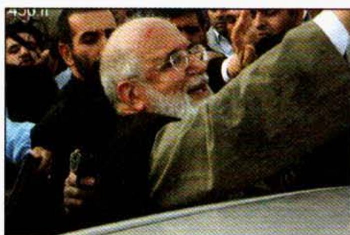
موسوی نمایندگان مجلس را که علیه او شکایت نامه تنظیم و به قوه قضاییه تسلیم کرده بودند، به تحرک بیشتری واداشت. آنها دائماً از قوه قضاییه می‌خواستند این شکایت و سایر شکایت‌ها را رسیدگی کند. (بخش سیاسی خبرگزاری فارس در آبان و آذر ۸۸ تعداد زیادی از این مصاحبه‌ها را تهیه و منتشر کرد.)

در محافل سیاسی شایع بود که رهبر انقلاب از قوه قضاییه خواسته‌اند با موسوی مدارا کند. خود ایشان نوزدهم دی ماه در حالی که هتک‌حرمت عاشورا توسط مدعیان طرفداری از موسوی خشم مردم را به اوج رسانده بود، گفتند: «وقتی می‌بینند روز عاشورا چگونه یک عده‌ای حرمت عاشورا را هتک می‌کنند، حرمت امام حسین را هتک می‌کنند، حرمت عزاداران حسینی را هتک می‌کنند، دل‌هاشان به درد می‌آید، سینه‌هاشان پرمی‌شود از خشم؛ البته خوب، طبیعی هم هست، حق هم دارند؛ ولی می‌خواهم عرض بکنم جوان‌های عزیز مراقب باشند، مواظب باشند که هرگونه کار بی‌رویه‌ای، کمک به دشمن است. اینجا جوان‌ها تلفن می‌کنند می‌فهمم من، می‌خوانم، غالباً تلفن‌ها و نامه‌ها را خلاصه می‌کنند، هر روز می‌آورند، من نگاه می‌کنم. می‌بینم همین طور جوان‌ها گله‌مند، ناراحت و عصبانی؛ گاهی هم از بنده گله می‌کنند که چرا فلانی صبر می‌کند؟ چرا فلانی ملاحظه می‌کند؟ من عرض می‌کنم؛ در شرایطی که دشمن با همه وجود، با همه امکانات خود درصدد طراحی یک فتنه است و می‌خواهد یک بازی خطرناکی را شروع کند، باید مراقبت کرد، او را در آن بازی کمک نکرد. خیلی باید با احتیاط و تدبیر و در وقت خودش با قاطعیت وارد شد.» (سایت رهبری، ۱۹ دی۱۳۸۸)

روز ۲۸مهرماه، نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها در مصلای تهران آغاز به‌کار کرد و جنبش سبز یک فرصت دیگر برای تجمع و اعلام وجود به‌دست آورد اما این بار تجمع اعلام شده سبزها (در روز افتتاحیه نمایشگاه) حتی به تعداد انگشت‌های دست هم نرسید. نمایشگاه مطبوعات سال ۸۸ برخلاف افتتاحیه کم‌حاشیه‌اش، جمعه پرحاشیه‌ای داشت. روز اول آبان ماه مهدی کروبی برای

بازدید از نمایشگاه وارد مصلی شد اما از همان ابتدا تعدادی از بازدیدکنندگان او را دوره کردند و علیه او شعار دادند. تعدادی دیگر هم به نفع شعار دادند و به‌زودی جو چنان متشنج شد که محافظان کروبی با شلیک تیر هوایی جمعیت را متفرق کردند و او را با عمامه‌ای از سر افتاده و چهره‌ای زخمی از نمایشگاه خارج کردند. روز بعد علیرضا بهشتی یار جنجالی موسوی هم از نمایشگاه بازدید کرد و با وضعیت نسبتاً مشابهی مواجه شد.





حضور کروبی نمایشگاه مطبوعات را چنان متشنج کرد که محافظانش ناچار شدند
با شلیک تیر هوایی او را از آنجا خارج کنند، اول آبان ۸۸، مصلای تهران

آبان ماه ۸۸ در شرایطی به پایان می‌رسید که تلاش‌ها برای قبولاندن موسوی و کروبی به اعتراض در چارچوب قانون به اوج رسیده بود. نزدیکان موسوی از این تلاش‌ها استقبال می‌کردند اما خود موسوی و کروبی، همچنان موضع تند خود را حفظ کرده بودند.

بیست‌وهشتم این ماه علی لاریجانی گفت تلاش‌ها برای آشتی از دو جهت شروع شده و ادامه دارد. چهره‌های منتقد اصولگرا به ویژه عسگراولادی و حبیبی از جبهه پیروان خط امام و رهبری در بیانات خود حساب موسوی و کروبی را از آشوبگران جدا نشان می‌دادند و مکرراً خواستار بیان چنین مفهومی از زبان خود موسوی می‌شدند اما این آخرین تلاش‌ها هم برای کشاندن موسوی به مسیر قانونی بی‌نتیجه ماند. ماه بعد حوادثی در کشور روی داد که موسوی را از نگاه اصولگرایان در ردیف مسعود رجوی قرار داد.

فصل ۲۴

حرکت به‌سوی رادیکالیسم

از اوایل آذرماه محیط‌های دانشجویی شاهد فعال شدن مجدد دانشجویان معترض بود. این اعتراضات به صورت دعوت به تجمع، شعارنویسی روی دیوارها، انتشار اطلاعیه، دعوت به اعتصاب غذا و تعطیل کردن کلاس‌های درس به‌تدریج تا اواسط آذرماه به اوج رسید.

۱۶ آذر، مناسبت جدید برای سلسله تجمعات موج سبز بود و با مناسبت‌های قبلی یک تفاوت مهم داشت. مناسبت‌های قبلی همگی ماهیتی دینی - انقلابی داشتند اما ۱۶ آذر هر چند مناسبتی انقلابی داشت (شهادت سه دانشجوی دانشگاه تهران که به سفر نیکسون به تهران اعتراض کرده بودند در سال ۱۳۳۲) اما از دیرباز روز اعتراضات دانشجویی محسوب می‌شد.









با نزدیک شدن ۱۶ آذر، رجز خوانی اینترنتی جنبش سبز نیز شروع شد

هر چقدر ١٦ آذر نزدیک‌تر می‌شد، جو دانشگاه‌ها تندتر و خط و نشان کشیدن هواداران موسوی جدی‌تر می‌شد. روز یکشنبه ١٥ آذر، موسوی شانزدهمین و یکی از طولانی‌ترین بیانیه‌هایش را صادر کرد و در آن ضمن اعتراض بسیار شدید به فشار بر دانشگاه‌ها، وعده نزدیک بودن پیروزی داد و با لحن آتشینی نوشت: « ... برادران ما! اگر از هزینه‌های سنگین و عملیات عظیم خود نتیجه نمی‌گیرید شاید صحنه درگیری را اشتباه گرفته‌اید. در خیابان با سایه‌ها می‌جنگید، حال آن که در میدان وجدان‌های مردم خاکریزهایتان پی‌درپی در حال سقوط است. ١٦ آذر دانشگاه را تحمل نمی‌کنید. ١٧ آذر چه می‌کنید؟ ١٨ آذر چه می‌کنید؟ چشمانی را که در صحن دانشگاه به رزمایش‌های بی‌فایده افتاده و آنها را نشانه ترس یافته چگونه تسخیر می‌کنید؟ اصلا همه دانشجویان را ساکت کردید؛ با واقعیت جامعه

چه خواهید کرد؟...»

روز دوشنبه ۱٦ آذر، روز صف‌آرایی طرفداران موسوی و دانشجویان مدافع نظام در دانشگاه‌ها محسوب می‌شد و مرکز این صف‌آرایی هم دانشگاه تهران و سردر دانشگاه فنی بود.

آن روز نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها جشنی برای عید غدیر خم ترتیب داده بود و از قرار معلوم کارت دعوت این مراسم به دست افراد غیر دانشجوی دانشگاه تهران هم رسیده بود. حوالی ظهر، طرفداران موسوی مقابل در دانشکده فنی تجمع کردند و علیه دولت شعار دادند. دانشجویان مقابل که برای نماز به مسجد دانشگاه رفته بودند از مسجد خارج شده و به‌طرف دانشکده فنی رفتند. برای مدتی جو متشنج شد. هر دو گروه علیه یکدیگر شعار می‌دادند و همدیگر را مزدور، غیر دانشجو و ... خطاب می‌کردند.





در تشنج‌های ۱۶آذر و روزهای بعد، محوطه مقابل و ورودی دانشکده فنی دانشگاه تهران مرکز اجتماعات بود و چند مرتبه میان دو طرف دست به دست شد

از دانشکده هنرهای زیبا خبر رسید که تعدادی از دانشجویان دختر هوادار موسوی آنجا ضمن تجمع، کشف حجاب کرده و علیه دولت شعار داده‌اند. با این حال مرکز تجمع دو طرف، ورودی دانشکده فنی بود. این وضع روز ۱۷ آذر هم ادامه داشت تا اینکه در این روز فیلمی از آتش‌زدن عکس امام و رهبر انقلاب در تجمع سبزها، در اینترنت شبکه تلویزیونی العربیه و صداوسیما پخش شد

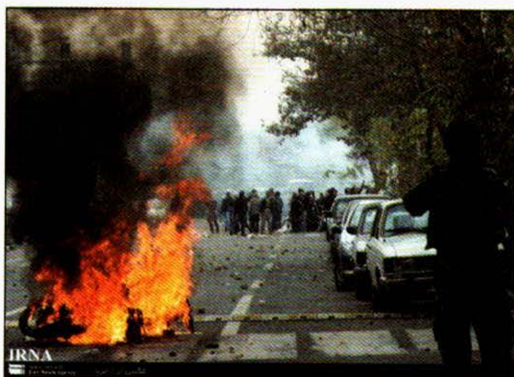
و جنجال بزرگی به راه انداخت. چهره‌ها و تشکل‌های اصول‌گرا به شدت این حرکت را محکوم کردند. در چندین شهر و تهران، تظاهرات بزرگ اعتراض‌آمیز به راه افتاد. حوزه‌های علمیه در اعتراض به این عمل تعطیل و در برخی دانشگاه‌ها، مراسم سوگواری برگزار شد. در آن سوی میدان، برخی سایت‌های مدعی هواداری موسوی ابتدا خبر آتش‌زدن عکس امام و رهبری را با شور و شوق منتشر کردند و آن‌را نشانه دیگری از فروپاشی رژیم دانستند (به عنوان نمونه بالاترین، ۱۷ آذر) اما وقتی روشن شد که این کار اعتراض عمومی را به دنبال داشته، صحت فیلم آتش‌زدن عکس امام و رهبری را زیر سوال بردند و آن‌را رسوایی جدید صداوسیما دانستند. (به عنوان نمونه :سایت نوروز، ۱۸آذر)

موسوی و خاتمی درباره این موضوع سکوت کردند اما کروبی در نامه‌ای به ضرغامی، فیلم پخش شده را مونتاژ شده دانست. (سهام نیوز، ۱۸ آذر)

روز ۱٦آذر همزمان با تجمع دانشجویان در دانشگاه تهران، عده‌ای در خیابان‌های اطراف دانشگاه تجمع و چندین سطل زباله را به آتش کشیدند. در سایر دانشگاه‌ها هم سبزها تلاش کردند تجمعات بزرگی به راه بیندازند اما حضور چشمگیر دانشجویان مخالف موسوی، مانع موفقیت آنها شد. در این میان یک دانشجوی اخراجی دانشگاه امیرکبیر به‌نام مجید توکلی که تلاش کرده بود دانشجویان این دانشگاه را به تجمع، سردادن شعار و تشنج دعوت کند، به هنگام خروج از این دانشگاه چادر و مقنعه پوشید اما ماموران وی را شناختند و دستگیر کردند. فرار مجید توکلی با لباس زنانه، فرار بنی‌صدر و مسعود رجوی از کشور با لباس و آرایش زنانه در سال ٦۰ را تداعی می‌کرد، البته در مقیاسی کوچک‌تر. با انتشار عکس‌های مجید توکلی در لباس زنانه، تعدادی از دانشجویان طرفدار موسوی برای تخفیف تأثیر منفی این رفتار در ذهن هواداران خود، روسری و با تمسخر چادر سرکردند و عکس خود با چادر و روسری را در اینترنت قرار دادند.



اعتراض نمادین طرفداران موسوی در اعتراض به دستگیری مجید توکلی



روز ۱۶ آذر همزمان با تجمع داخل دانشگاه، عده‌ای نیز در خیابان‌های اطراف دانشگاه تجمع کردند و سطل‌های زباله را به آتش کشیدند

با شدت گرفتن اعتراضات عمومی به آتش زدن تصویر امام، طرفداران موسوی هم عکس‌های امام (ره) را در دست گرفتند و مدعی شدند راه آنها ادامه «خط سبز خمینی» است. در این میان عکس امام در تجمع دختران بدحجاب که تا دیروز شعار «نه روسری ... نه توسری» سر می‌دادند و به آرمان‌های امام توهین می‌کردند، جالب توجه بود.

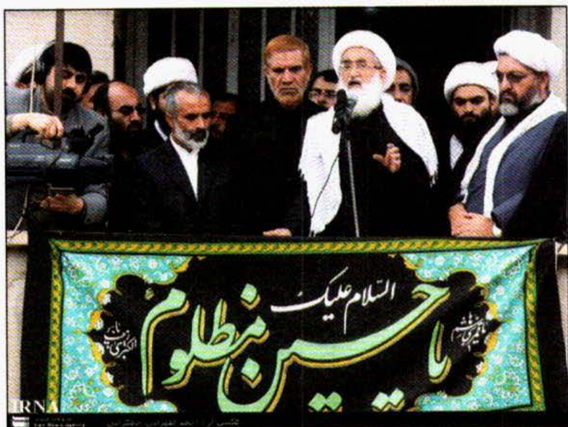


با شدت گرفتن اعتراض عمومی علیه آتش زدن عکس امام و رهبری، باقی‌مانده طرفداران موسوی هم عکس امام را بالا بردند، ۱۸آذر۸۸ ، دانشگاه تهران

ماجرای آتش زدن عکس امام و رهبری در دانشگاه تهران، نقطه عطف جدیدی در حوادث پس از انتخابات بود و بسیاری از افراد مردد را که به دلیل سوابق انقلابی موسوی و ادبیات مذهبی وی در بیانیه‌هایش، بی‌طرف مانده بودند، علیه موسوی به خیابان‌ها کشاند. به این ترتیب در تجمعات پس از۱٦ آذر، طرفداران نظام، اکثریت مطلق شدند. موسوی با هدف «از دست ندادن هیچ‌کس» در جنبش سبز، علیه انحرافات رسوخ کرده در آن سکوت می‌کرد اما این روش او در بلندمدت باعث‌شد اکثر هواداران جنبش سبز، مایوس و سرخورده شوند. حوادث ماه بعد نشان داد که در پایان راه، جز عده‌ای گوش به فرمان واشنگتن، لندن و حیفا، در کف خیابان چندان کسی برای موسوی نمانده است.

طی نیمه دوم آذرماه، دراکثر شهرستان‌ها و دانشگاه‌های سراسر کشور، تجمعات اعتراضی علیه هتک حرمت امام و رهبری برگزار شد. جدی‌ترین و پرشورترین این تجمعات در قم برگزار شد. روز ۲۱ آذر ماه، آیت‌الله نوری همدانی که بیشتر و صریح‌تر از همه مراجع تقلید در مقابل انحرافات جنبش سبز موضع گرفته بود، درس خود را تعطیل و از شاگردان و افرادی که به دیدارش آمده بودند خواست در حمایت از رهبری شعارهای او را تکرار کنند: «امام ما کوثر است دشمن او ابتر است. خامنه‌ای کوثر است، دشمن او ابتر است» (واحدمرکزی خبر، ۲۱آذر) آیت‌الله نوری همدانی حدود یک ماه بعد نیز در تجمع اعتراضی مردم قم از شعارهای انحرافی در تجمعات سبزها انتقاد کردند و خطاب به موسوی گفتند: «شما خودتان را پیرو

و دنبال رو خط امام راحل (ره) و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی معرفی می‌نمایید، چرا در مقابل شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» هوادارانتان در راهپیمایی روز قدس هیچ عکس‌العملی بروز ندادید؟ نباید فراموش کرد که دفاع از ملت مظلوم فلسطین و همه ستمدیدگان دنیا جزو سیاست‌های اصلی این انقلاب از بدو شکل‌گیری تاکنون بوده است. چرا باید رهبران و گردانندگان این گروه در مقابل شعار «استقلال ،آزادی ، جمهوری ایرانی» سکوت کنند؟ شعار جمهوری ایرانی شعاری بود که رضاخان و پسرش مرتب سر می‌دادند. اسلام نخستین رکن این نظام است و این نظام بدون اسلام هیچ معنا و مفهومی ندارد. طرفداران شما در شهر مقدس قم و همچنین تهران و شهرهای دیگر شعار «مرگ بر اصل ولایت فقیه» را سر دادند؛ اگر شما واقعا پیرو خط امام (ره) و در زمره دوستداران ایشان هستید، چرا آنان را متوجه اشتباه و غفلتشان نمی‌کنید؟ شما می‌گویید که هیچ ارتباط و رابطه‌ای با بیگانگان ندارید اما همگان می‌دانند که آنها چقدر از شما در رسانه‌های خود تعریف و تمجید می‌کنند؛ پس چرا راه خود را از آنان جدا نمی‌کنید؟ شما باید به این سوال‌ها پاسخ روشن و شفاف دهید تا هرآنچه مبهم است برای همه مردم ایران شفاف‌سازی شود.» (فارس، ۱۶دی) حضور قاطع آیت‌الله نوری همدانی در صحنه و موضع گیری آشکار و مکرر ایشان علیه انحرافات جنبش سبز یک‌بار دیگر و این بار جدی‌تر از همیشه نگاه‌ها را متوجه چهره‌های سیاسی و دینی‌ای کرد که در برابر رفتار و گفتار هواداران موسوی سکوت کرده بودند. در محافل اصول‌گرایان این افراد «خواص بی‌بصیرت» نامیده می‌شدند.



آیت‌الله نوری همدانی در انتقاد از انحرافات جنبش سبز پیشگام بودند

۲۲ آذر و در آستانه ماه محرم، رهبر انقلاب در دیدار با طلاب و مبلغین دینی به حوادث پس از انتخابات اشاره کردند و گفتند: «... شما ملاحظه کنید یک عده‌ای قانون‌شکنی کردند، ایجاد اغتشاش کردند، مردم را به ایستادگی در مقابل نظام تا آنجایی که می‌توانستند، تشویق کردند - حالا تیغشان نبرید؛ آن کاری که می‌خواستند نشد، او بحث دیگری است؛ آنها تلاش خودشان را کردند - زبان دشمنان انقلاب را و دشمنان اسلام را دراز کردند، جرأت به آنها دادند؛ کاری کردند که دشمنان امام - آن کسانی که بغض امام را در دل داشتند - جرأت پیدا کنند بیایند توی دانشگاه، به عکس امام اهانت بکنند؛ کاری کردند که دشمنِ مأیوس و نومید جان بگیرد، تشویق بشود بیاید در مقابل چشم انبوه دانشجویانی که مطمئناً اینها علاقه‌مند به امامند، علاقه‌مند به انقلابند، عاشق کار برای کشور و میهنشان و جمهوری اسلامی هستند، یک چنین اهانتی، یک چنین کار بزرگی انجام بدهند... خب، اینها ایجاد فتنه می‌کند؛ یعنی فضا را فضای غبارآلود می‌کند. شعار طرفداری از قانون می‌دهند، عمل صریحاً بر خلاف قانون انجام می‌دهند. شعار طرفداری از

امام می‌دهند، بعد کاری می‌کنند که در عرصه طرفداران آنها، یک چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. این کار کمی نیست؛ کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیست، تحلیل هم می‌کنند. بر اساس آن تحلیل، تصمیم می‌گیرند؛ بر اساس آن تصمیم، عمل می‌کنند... آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار می‌کند، به مجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است یک جهتگیری‌ای علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبه می‌شود. چرا متنبه نمی‌شوند؟ وقتی شنیدند که از اصلی‌ترین شعار جمهوری اسلامی - استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی - اسلامش حذف می‌شود، باید به خود بیایند؛ باید بفهمند که دارند راه را غلط می‌روند، اشتباه می‌کنند؛ باید تبری کنند. وقتی می‌بینند در روز قدس که برای دفاع از فلسطین و علیه رژیم غاصب صهیونیست است، به نفع رژیم غاصب صهیونیست و علیه فلسطین شعار داده می‌شود، باید متنبه بشوند، باید خودشان را بکشند کنار، بگویند نه نه، ما با این جریان نیستیم. وقتی می‌بینند سران ظلم و استکبار عالم از اینها حمایت می‌کنند، روسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و اینهایی که مظهر ظلمند - هم در زمان کنونی، هم در دوره تاریخیِ صد سال و دویست ساله تا حالا - دارند از اینها حمایت می‌کنند، باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد؛ باید متنبه بشوند. وقتی می‌بینند همه آدم‌های فاسد، سلطنت‌طلب، از اینها حمایت می‌کنند، توده‌ای از اینها حمایت می‌کند، رقاص و مطرب فراری از کشور از اینها حمایت می‌کند، باید متنبه بشوند، باید چشمشان باز بشود، باید بفهمند؛ بفهمند که کارشان یک عیبی دارد؛ بلافاصله برگردند بگویند نه، ما نمی‌خواهیم حمایت شما را. چرا رودربایستی می‌کنند؟ آیا می‌شود با بهانه عقلانیت، این حقایق روشن را ندیده گرفت که ما عقلانیت به‌خرج می‌دهیم! این عقلانیت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب، شما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند، شما هم همین‌طور خوشتان بیاید، دل خوش کنید؛ این عقلانیت است؟! این نقطه

مقابل عقل است. عقل این است که به مجردی که دیدید برخلاف آن مبانی‌ای که شما ادعایش را می‌کنید، چیزی ظاهر شد، فوراً خودتان را بکشید کنار، بگویید نه نه، ما نیستیم؛ به‌مجردی که دیدید به عکس امام اهانت شد، به جای اینکه اصل قضیه را انکار کنید، کار را محکوم کنید؛ بالاتر از محکوم کردنِ کار، حقیقت کار را بفهمید، عمق کار را بفهمید؛ بفهمید که دشمن چه جوری دارد برنامه‌ریزی می‌کند، چه می‌خواهد، دنبال چیست؛ این را باید این آقایان بفهمند. من تعجب می‌کنم! کسانی که اسم و رسم خودشان را از انقلاب دارند - بعضی از این آقایان یک سیلی برای انقلاب نخوردند در دوران اختناق و طاغوت - و به برکت انقلاب اسم و رسمی پیدا کردند و همه چیزشان از انقلاب است، می‌بینید که دشمنان انقلاب چطور بُراق شدند، آماده شدند، صف کشیدند، خوشحالند، می‌خندند؛ اینها را که می‌بینید؟ به خود بیایید، متوجه بشوید.

شما برادران سابق ما هستید. اینها کسانی هستند که بعضی از اینها، یک وقتی به خاطر طرفداری از امام مورد اهانت هم قرار می‌گرفتند. حالا ببینند که کسانی که به نام اینها شعار می‌دهند، عکس اینها را روی دستشان می‌گیرند، اسم اینها را با تجلیل می‌آورند، درست نقطه مقابل، علیه امام و علیه انقلاب و علیه اسلام شعار می‌دهند و روزه‌خوری علنی در روز قدس، در ماه رمضان، می‌کنند؛ اینها را می‌بینید، خب، بکشید کنار. انتخابات تمام شد. انتخاباتی بود، عمومی هم بود، درست هم بود، اشکالی هم نتوانستند بر انتخابات بگیرند و ثابت کنند؛ حالا هی ادعا کردند، فرصت هم داده شد؛ گفتیم بیایید، نشان بدهید، ثابت کنید؛ نتوانستند، نیامدند؛ تمام شد.

من هیچ اعتقادی ندارم به دفع؛ من گفتم در نماز جمعه؛ اعتقاد من به جذب حداکثری و دفع حداقلی است؛ اما بعضی کأنه خودشان اصرار دارند بر اینکه از نظام فاصله بگیرند. یک اختلاف درون خانوادگی را، درون نظام را - که مبارزات انتخاباتی بود - یک عده‌ای تبدیل کردند به مبارزه با نظام - البته اینها اقلیتند، کوچکند؛ در مقابل عظمت ملت ایران صفرند، لکن به نام اینها شعار می‌دهند،

اینها هم دل خوش می کنند به این. این باید مایه عبرت باشد. تبلیغ باید بتواند این حقایق را برای مردم و برای خود آنها روشن بکند که بفهمند دارند خطا می کنند و اشتباه می کنند...» (سایت رهبری، ۲۲آذر)

همان روزها دولت در جبهه خارجی به سختی با کشورهای غربی و آژانس بین‌المللی هسته‌ای بر سر غنی‌سازی در ایران دست‌وپنجه نرم می کرد و در عرصه داخل سرگرم چانه‌زدن با مجلس برای تصویب طرح هدفمند کردن یارانه‌ها بود. در این ایام تلویزیون مناظره زنده‌ای به‌نام «امروز، دیروز، فردا» با اجرای وحید یامین‌پور (روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه) ترتیب داد. این مناظره‌ها با مناظره حسین شریعتمداری و کواکبیان شروع شد و توجه زیادی را به خود جلب کرد؛ مناظره‌هایی که اگر زودتر و در ایام آغاز آشوب‌ها و تهمت تقلب تهیه و پخش می‌شد، چه بسا می توانست خیلی زودتر به شفاف شدن فضا بینجامد و درک طرف حق و باطل را برای افکار عمومی آسان سازد.

نیمه دوم آذرماه جو عمومی جامعه به‌خاطر توهین به امام و رهبری متاثر و کاملا علیه موسوی شده بود. این وضعیت، سبزها را زمین‌گیر کرده و به حاشیه برده بود اما در پایان این ماه، مرگ آیت‌الله منتظری، فرصت جدیدی به دست داد تا طرفداران موسوی یک‌بار دیگر متحد و منسجم شوند و ابراز وجود کنند.

صبح روز ۲۹ آذر، خبر فوت آیت الله منتظری اعلام و دلیل مرگ ایشان، کهولت سن ذکر شد. با وجودی که وی در طول ۲۰ سال گذشته و به ویژه ماه‌های اخیر بارها از نظام و رهبری بدگویی کرده بود اما همان روز رهبر انقلاب پیام تسلیت صادر کردند و مامورانی را به قم فرستادند تا با هماهنگی تولیت حرم حضرت معصومه و خانواده آقای منتظری، مقدمات تشییع جنازه‌ای محترمانه و دفن جنازه در حرم مطهر را فراهم کنند. رهبر انقلاب در پیام خود از وی به عنوان فقیهی متبحر و استادی برجسته یاد کرد که در نهضت امام مجاهدات زیادی انجام داده و سختی های زیادی در این راه تحمل نموده است. ایشان با اشاره‌ای ظریف به موضوع عزل آقای منتظری

و مناسبات ایشان با حضرت امام متذکر شدند که «در اواخر دوران حیات مبارک امام راحل، امتحانی دشوار و خطیر پیش آمد که از خداوند متعادل می‌خواهم آن را با پوشش مغفرت و رحمت خویش بپوشاند و ابتلائات دنیوی را کفاره آن قرار دهد».

عصر همان روز بیت آیت‌الله منتظری با اعلام اینکه آن مرحوم در وصیتنامه خود خواسته بوده تا تشییع جنازه‌اش سیاسی نباشد، خواستار برگزاری آرام و بی‌حاشیه مراسم تشییع آن شد. با این حال روز ۳۰ آذر، موسوی و کروبی خود را به قم رساندند و در خانه آیت‌الله منتظری بر جنازه آن مرحوم حاضر شدند.





با اعلام فوت آیت‌الله منتظری، موسوی و کروبی سریع خود را به قم رساندند، ۳۰ آذر ۸۸

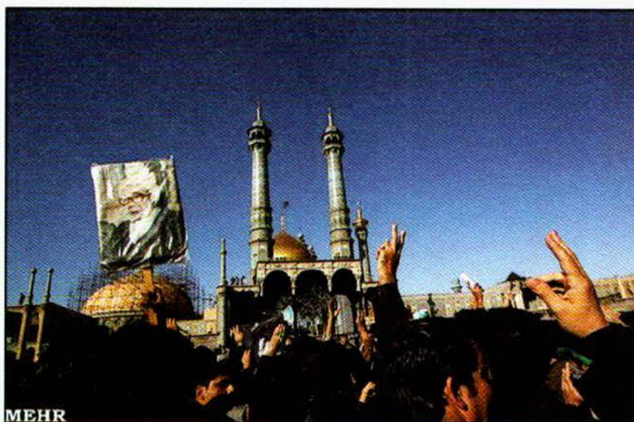
تشییع جنازه با حضور جمع زیادی از اهالی نجف‌آباد (زادگاه آیت‌الله منتظری) که به قم آمده بودند و چند صد نفری که از تهران خود را به قم رسانده بودند و با علامت سبز خود را متمایز می‌کردند، برگزار شد. در حاشیه مراسم تشییع، حرکت‌های غیرمتعارف و شعارهای تند سبزها علیه ولایت فقیه و هو کردن علائم و نمادهای مربوط به رهبری در نزدیکی حرم حضرت معصومه و در چهارمین روز ماه محرم، برای مردم شهر مذهبی قم بسیار زننده و عجیب بود و خشم عمومی در این شهر را برانگیخت. شعارهای تهرانی‌های حاضر در مراسم تشییع، از این قرار بود:

یا حسین، میر حسین
مااهل کوفه نیستیم، پشت یزید بایستیم
این ماه ماه خون است، بسیج سرنگون است

یا حضرت معصومه، منتظری مظلومه
یا حجت ابن الحسن، ریشه ظلم را بکن
وصیت منتظری، مرگ بر این دیکتاتوری

موسوی و کروبی در این باره نیز سکوت کردند. البته اکثر جمعیت حاضر که از نجف آباد به قم آمده بودند، شعارهای متعارف تشییع جنازه یک مرجع تقلید سرمی‌دادند؛ از جمله: عزاعزاست امروز، روز عزاست امروز، مرجع تقلید ما پیش خداست امروز.

عصر و فردای آن روز جمعیت زیادی از اهالی قم در حرم حضرت معصومه تجمع کردند تا سبزهای تهرانی فرصت تجمع و شعاردادن در مراسم ختم آیت‌الله منتظری پیدا نکنند.



روز تشییع جنازه آیت‌الله منتظری، مصادف با چهارمین روز ماه محرم،
شعارها و حرکات هواداران جنبش سبز، خشم مردم متدین قم را برانگیخت

شعارهای سبز در حاشیه مراسم تشییع جنازه آیت الله منتظری، پس از حوادث ۱٦ آذر، دومین حرمت‌شکنی علنی و منسجم سبزها علیه نظام و ولایت فقیه بود. در پایان تشییع جنازه و نیز روزهای ۱۷ و ۱۸ آذرماه ساعاتی که تجمعات سبزها

در اطراف دانشگاه توسط نیروی انتظامی کنترل می‌شد، آنها وعده‌ای جدید برای تجمعی بزرگ در آینده مطرح می‌کردند: «محرم و عاشورای سبز».

فصل ۲۵

عاشورای سبز

ماه محرم سال ۸۸ از ۲۸ آذرماه شروع شد و پیش از آغاز محرم، دیوارنویسی سبزها هم به اوج رسید. این حرکت از چند ماه پیش و با کاهش نیروهای میدانی موج سبز آغاز شده بود. دیوارنویسی، اسکناس‌نویسی و کشیدن علامت‌های سبز روی تابلوهای راهنمایی و رانندگی روش‌های متداول اقلیت‌های قومی و جنبش‌های معارض سیاسی است که در پاییز و زمستان ۸۸ به شکل قابل توجهی در شمال تهران استفاده می‌شد.



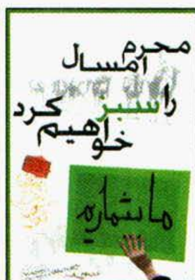


از پاییز ۸۸ با کاهش چشمگیر طرفداران موج سبز در خیابان‌ها،
سبزها برای اظهار وجود به دیوارنویسی و اسکناس‌نویسی متوسل شدند

در این زمان اکثر چهره‌های سیاسی از بازگرداندن موسوی و کروبی به مسیر قانونی اعتراض ناامید شده بودند و به‌خصوص بیانیه ۱۵ آذر موسوی را اعلام جنگی تمام عیار به نظام می‌دانستند که نتیجه‌اش در شعارهای بی‌سابقه ۱۶و۱۷

آذر و مراسم تشییع جنازه مرحوم منتظری دیده شد. با این حال در ۲٦ آذر، باهنر از رایزنی دو گروه در مجمع تشخیص مصلحت برای وحدت خبرداد. (خبرگزاری مهر، ۲٦آذر) این آخرین تلاش‌ها برای بازگرداندن موسوی و کروبی بود. این تلاش‌ها هم البته به جایی نرسید چرا که در اردوگاه اصلاح‌طلبان تندرو، نگاه‌ها متوجه عاشورای سبز بود که ظاهراً تدارک مفصلی برای آن دیده شده بود.

از چند روز قبل از عاشورا، مجدداً در برخی دانشگاه‌ها خبر ناآرامی و تشنج می‌رسید. بیشتر از همه از دانشگاه مشهد. این بار افراد موسوم به لباس شخصی با ورود به دانشگاه مشهد، آتش درگیری را روشن کردند، (گفت‌وگوی نویسنده با یک شاهد عینی در دانشگاه فردوسی مشهد) در طول حوادث پس از انتخابات، این چندمین حرکت مشکوک افراد موسوم به لباس شخصی برای داغ کردن فضا و تحریک هواداران موسوی بود.



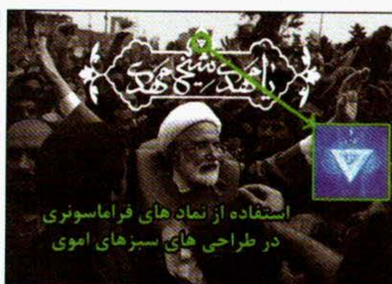




با آغاز محرم، تبلیغات اینترنتی ، ماهواره‌ای جنبش سبز با شکل جدید، از سر گرفته شد

وجود نمادهای فراماسونری و شیطان‌پرستی در پوسترهای منتشر شده ازسوی سایت جرس که به سرپرستی عطاءالله مهاجرانی از لندن تدارک می‌شد، اعتراض‌ها به انحراف جنبش سبز را بیش از هر زمان دیگر تشدید کرد. سایت تابناک دراین باره نوشت: «قرار گرفتن این نماد شیطانی بر پیشانی پوستر محرم و بر بالای کلام مولا حسین(ع) به هیچ وجه تصادفی نیست و نمی توان به راحتی از این مسأله گذشت. بر این اساس، در روزهای پس از انتخابات و با توجه به

مسائلی که پیش آمد، بارها و بارها از سوی دلسوزان، به سران و بدنه معترض به جریان انتخابات توصیه شد که مواظب رخنه دشمنان سیاسی و اعتقادی این ملت در میان صفوف خود باشند و حرکت خود را محملی برای سوءاستفاده آنها در راستای تخریب اعتقادات دینی، انقلاب و نظام قرار ندهند و با مواظبت از رفتار، گفتار و موضع‌گیری‌های خود، خط خود را از دشمنان این دین و مملکت جدا کنند تا خدای ناکرده اصل و ریشه انقلابی و اسلامی‌شان مورد خدشه قرار نگیرد. بنا بر این گزارش، متأسفانه تاکنون این دلسوزی‌ها - که هدفی جز حفظ نیروهای مدعی اعتقاد به اصل و اساس حرکت انقلابی ملت شریف ایران، در داخل مجموعه معتقدین به نظام و همچنین حفظ آرامش جامعه نداشته- آنچنان که شایسته است مورد توجه قرار نگرفته و افراطی‌های دو طرف مسیر دیگری را پیمودند. بر این اساس، به نظر می‌رسد طراحی چنین نمادی که قطعا آگاهانه انجام پذیرفته، نشان دهنده چیزی نیست جز همان که همه گفتند مراقب نفوذ دشمن باشید ولی گوش شنوایی آن را نشنید و لذا ما به عنوان یک رسانه خود را موظف می‌دانیم که چنین انحراف عمیقی را که در آینده نیز ممکن است به شکل و سیاقی دیگر تکرار شود، گوشزد و یادآوری کنیم که التقاطی این چنین، قطعا آینده خوبی را برای این جریان نوید نخواهد داد.» (تابناک، ۲دی)





استفاده مکرر از نمادهای فراماسونری و شیطان‌پرستی در طراحی پوسترهای جنبش سبز، حیرت واعتراض رسانه‌ها و محافل سیاسی را به دنبال داشت

در روزهای دهه محرم در تهران اعلام شد شب عاشورا مراسمی با حضور جمعی از اصلاح‌طلبان و هنرمندان و با سخنرانی سیدمحمد خاتمی در حسینیه جماران برگزار خواهد شد. از غروب روز تاسوعا میدان تجریش و خیابان نیاوران شاهد حرکت هواداران جنبش سبز برای شرکت در این مراسم بود. البته تعدادی از جوانان منتقد خاتمی هم در حسینیه جماران حضور یافتند. پس از شعرخوانی درباره حادثه عاشورا، خاتمی پشت تریبون قرار گرفت و از فلسفه قیام امام حسین(ع) علیه ظلم سخنرانی کرد. سخنان خاتمی چندین بار با تشویق و شعارهای تند سبزپوشان قطع شد و در نهایت با اعتراض منتقدان خاتمی، ناتمام ماند. صبح فردا سایت‌ها و تلویزیون‌های حامی موسوی به ویژه بی بی سی فارسی، از حمله نیروهای بسیج و لباس شخصی به حسینیه جماران و شکستن شیشه‌های آنجا گزارش دادند. البته عکس‌ها و فیلمی که از این مراسم در اینترنت پخش شد، نشان می‌داد که تشنج و غوغا را در واقع طرفداران افراطی سبزپوش شروع کردند و ادامه دادند. صدا و سیما این حادثه را پوشش نداد. ظاهرا نمی‌خواست حسینیه جماران و بیت امام را داخل این حوادث نشان دهد. شب عاشورا علاوه بر خیابان نیاوران و میدان تجریش، تجمعاتی نیز در میدان انقلاب گزارش شده بود. سایت‌های هوادار موسوی تجمعات میدان انقلاب را تمرینی برای تجمع اصلی روز عاشورا دانستند. (نوروز، بالاترین، رادیو فردا و صدای آمریکا، ۵ دی) حادثه حسینیه جماران خیلی توجه‌ها را جلب نکرد چرا که حوادث روز عاشورا در تهران چنان پر سروصدا و بی‌سابقه بود که حادثه شب عاشورا در حسینیه جماران را کاملاً به حاشیه برد.

ماجرا از آنجا شروع شد که با فراخوانی ماهواره‌ای -اینترنتی و شعارنویسی جنبش سبز درباره «عاشورای سبز»، نیروی انتظامی به هیات‌های مذهبی دستور داد ، روز عاشورا دسته‌های عزاداری وارد خیابان انقلاب نشوند تا پلیس بتواند امنیت را برقرار کند. این تصمیم پلیس، میدان و فضا را برای عملیات خرابکارانه

آشوبگران هرچه بازتر کرد. از ساعات اولیه روز جمعه ٦ دی ماه ۱۳۸۸(روز عاشورا) در حالی که اکثر مردم تهران به عزاداری در مساجد و تکایا مشغول بودند، مدعیان هواداری از موسوی ابتدا در خیابان آزادی تجمع کردند و سپس به‌طرف میدان انقلاب، میدان ولی‌عصر و چهارراه کالج به راه افتادند.




از ساعات اولیه صبح ۶دی، ته مانده جنبش سبز با ایجاد آتش، تخریب تاسیسات شهری و سردادن شعارهای بسیار تند، آشوب عاشورا را آغاز کردند

حاضران در این تجمع و راهپیمایی، ویژگی‌های متفاوتی داشتند. عده‌ای برای تماشا آمده بودند. عده‌ای دارای اعتقادات مذهبی بودند و متناسب با روز عاشورا، شعار هیهات من‌الذله سرداده بودند و عده‌ای هم که در اکثریت بودند، ضمن سردادن شعارهای بسیار تند از جمله«مرگ بر اصل ولایت فقیه»، به اماکن دولتی، تاسیسات شهری، رهگذران دارای ظاهر شرعی و هر چیزی که بوی دین و حکومت می‌داد، حمله می‌کردند. شب قبل، علیرضا نوری زاده در گفت‌وگو با تلویزیون العربیه هشدار داده بود که روز عاشورا شعارهای بسیار جدیدی خواهیم دید و این بار نه احمدی‌نژاد بلکه شخص رهبری هدف شعارها خواهد بود. سازمان مجاهدین خلق هم در رسانه‌های خود، مردم ایران را به شورش عمومی و سردادن شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه برای یکسره کردن کار رژیم در روز عاشورا فراخوانده بود.

پیشگویی نوری‌زاده و رسانه‌های مجاهدین خلق درست از آب درآمد. تجمع کنندگان روز عاشورا نه فقط شعارهای بی‌سابقه و بسیار تندی سر می‌دادند

بلکه به شکل بسیار جسورانه‌ای با ماموران نیروی انتظامی درگیر شدند و اعمال بسیار وقیحانه‌ای انجام دادند. از جمله در تقاطع خیابان جمالزاده - آزادی، به زنان چادری حمله و چادرها را از سرشان کشیدند، چندین نفر دیگر با ظاهر مذهبی را به شدت مجروح کردند. در خیابان آزادی تعدادی زن و مرد، اتوبوس شرکت واحد حامل یک روحانی را متوقف و مقابل چشمان حیرت زده مردم، کشف حجاب کرده و رفتارهایی غیر اخلاقی انجام دادند (فارس،۷دی)، در خیابان انقلاب، ماموران پلیس را محاصره و ضمن گرفتن تجهیزات، آنها را کتک زدند و از آنها خواستند برای کتک نخوردن و آزاد شدن، به ولایت فقیه توهین کنند. همچنین تعدادی زن و مرد در خیابان آزادی یک جوان رهگذر را که ظاهری مذهبی داشت، محاصره، دستگیر و پس از کتک مفصل، کاملاً برهنه کردند. (فیلم این اعمال وقیحانه در اینترنت منتشر شد). در میدان جمهوری نیز حوالی ظهر، صف نماز ظهر عاشورای یک هیات عزاداری به‌نام هیات آل طه را سنگباران و در مسیر خود علامت‌های عزاداری و غرفه‌های توزیع نذورات را تخریب کردند. با تخریب هر علامت یا آتش زدن هر محل جدید، تجمع کنندگان برای تخریبگر هورا می‌کشیدند و اورا با سوت و کف، تشویق می‌کردند؛ اقدامی که نشان دادن گوشه‌هایی از آن در تلویزیون، خشم عمومی را به‌شدت برانگیخت.



آشوبگران عاشورا در مقابله با نیروی انتظامی و حمله به اموال عمومی فوق‌العاده گستاخ و بی‌باک بودند و هرچند از نمادهای سبز استفاده می‌کردند اما با اکثریت معترضان اولیه به نتیجه انتخابات کاملا تفاوت داشتند

عملکرد آشوبگران در صبح عاشورای تهران چنان سریع و غافلگیرکننده بود که هواداران اینترنتی جنبش سبز را به وجد آورد و سایت‌های اجتماعی تحت کنترل هواداران موسوی، از سقوط خیابان‌های تهران خبر می‌دادند و همدیگر را به حضور در خیابان‌ها برای یکسره کردن کار رژیم آخوندی دعوت می‌کردند.

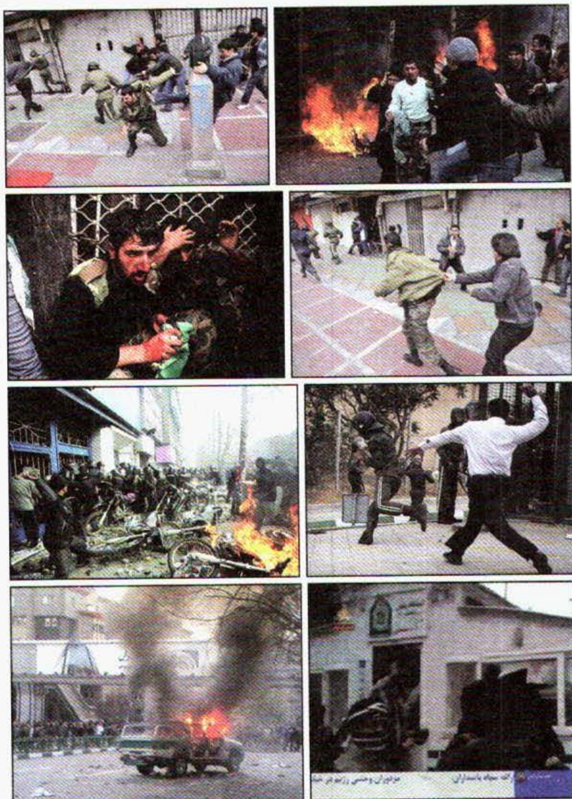


تصویر خبر فراخوان هواداران جنبش سبز
برای حضور اعتراضی در روز عاشورا

مریم رجوی در فرانسه در گفت‌وگو با آسوشیتد پرس اعلام کرد، سازمان مجاهدین خلق در آشوب‌های تهران دخالت داشته است. (الف، ۷دی به نقل از آسوشیتدپرس) رسانه‌های وهابی هم درگیری در تهران در روز عاشورا را با آب‌وتاب فراوان منعکس می‌کردند. در وب سایت روزنامه‌های سعودی، کاربران وهابی با نوشتن کامنت و اظهار نظر، از هتک حرمت عاشورا اظهار شادمانی می‌کردند. (الف، ۷ دی). اوباما اعلام کرد آمریکا در حوادث اخیر ایران دست ندارد اما شورای امنیت ملی آمریکا طی بیانیه‌ای رسماً از تظاهرکنندگان روز عاشورا حمایت کرد و نوشت: «ما به‌شدت سرکوب خشونت‌آمیز و ناعادلانه شهروندان ایرانی را که در پی اعمال حقوق جهانی خود بودند، محکوم می‌کنیم.» (فارس، ۷ دی به نقل از خبرگزاری بین‌المللی). چند روز بعد مایک مولن، رئیس ستاد ارتش آمریکا در واشنگتن اعلام کرد ناآرامی‌ها در تهران ادامه خواهد داشت. (الف، ۲۵دی به نقل از نیویورک تایمز)

در مقابل آشوب و ناامنی‌های بی‌سابقه ایجاد شده در روز عاشورا، پلیس

غافلگیر شد. حوالی میدان ولی عصر و خیابان انقلاب، حد فاصل چهارراه ولی عصر و پل کالج، تعداد زیادی از ماموران نیروی انتظامی در مقابله با آشوبگران هم کتک خوردند، هم به محاصره افتاده و اسیر شدند و هم تجهیزات و خودروهایشان به غارت رفت. خوشبختانه در آشوب‌های پس از انتخابات، پلیس و ماموران ضدشورش، سلاح گرم حمل نمی‌کردند وگرنه معلوم نبود با خلع سلاح ماموران توسط آشوبگران در روز عاشورا، چه فاجعه‌ای رخ می‌داد.



نیروی انتظامی در برخورد با جسارت و شدت عمل آشوبگران در روز عاشورا غافلگیر شد و نه تنها نتوانست امنیت شهروندان را تامین کند، بلکه از تامین امنیت خود نیز عاجز ماند

همان شب سردار رادان جانشین فرمانده نیروی انتظامی در مصاحبه با خبرنگار صدا و سیما از مجروح شدن سردار رجب زاده (فرمانده انتظامی تهران) در حین نصیحت آشوبگران و کشته شدن ٦ نفر در متن و حاشیه آشوب‌ها خبر داد. اوج آشوب‌ها در میدان ولی‌عصر، میدان هفتم تیر و چهارراه کالج به وقوع پیوست. جایی که کلاهخود و باتوم نیروهای ویژه ضد شورش ناجا به غارت رفت و آشوبگران، ساختمان بسیج وزارت نفت در زیر پل حافظ و چندین ساختمان و بانک در چهارراه کالج را به آتش کشیدند. حوالی ظهر، اخبار آشوب‌های تهران به تعدادی از هیات‌های مذهبی نزدیک حادثه رسید و مردم، عزاداری را رها کردند و برای مقابله با آشوبگران راهی خیابان‌های مرکزی تهران شدند. سرکوب آشوبگران با حضور عزاداران در خیابان چندان طول نکشید. یکی از اولین هیات‌هایی که به مقابله با آشوبگران وارد خیابان‌ها شد، متعلق به دانشجویان و استادان دانشگاه تهران بود که از مسجد دانشگاه تهران راهی خیابان انقلاب شد. در میان استادان و دانشجویان حاضر در صحنه، چهره دکتر عبدالحسین روح‌الامینی پدر مرحوم محسن روح‌الامینی قابل تشخیص بود. (روایت شاهدان عینی حوادث روز عاشورا حاضر در خیابان انقلاب و چهارراه کالج برای نویسنده)





اقدام آشوبگران در آسیب زدن به نمادهای عزاداری حسینی در روز عاشورا خشم عمومی را در سراسر کشور برانگیخت

با حضور مردم در خیابان، آشوبگران متواری و عده‌ای از آنها هم توسط نیروی انتظامی دستگیر شدند. به گفته سردار رادان، دو نفر از کشته‌شدگان در چهارراه کالج

از بالای پل به پایین پرتاب شده بودند و یک نفر هم به‌نام سیدعلی حبیبی موسوی خارج از صحنه آشوب‌ها به ضرب گلوله کشته شده بود. به‌زودی خبر کشته شدن خواهرزاده میرحسین موسوی در اینترنت و محافل مردمی پیچید. نیروی انتظامی در اطلاعیه جدید خود اعلام کرد وی صبح روز عاشورا از منزل خود خارج شده و در منطقه‌ای خلوت در خیابان شادمان توسط سرنشینان یک خودروی شاسی بلند مسروقه هدف گلوله قرار می گیرد و مجروح می‌شود اما کسی از ترس متهم نشدن در ماجرا به وی کمک نمی کند تا اینکه بر اثر شدت خونریزی از دنیا می‌رود.

ماجرای قتل سیدعلی موسوی به اندازه و شاید بیش از قتل مرحوم ندا آقاسلطان قدرت مظلوم‌نمایی و تحریک احساسات به‌نفع موسوی را داشت چرا که این بار یکی از منسوبان وی کشته شده بود اما حساسیت زیادی ایجاد نشد. تبلیغات بی بی سی، صدای آمریکا و دیگر هواداران رسانه‌ای موسوی درباره این شهید جدید جنبش سبز هم خیلی سریع به پایان رسید چرا که از یک سو با توجه به تجربه قتل ندا و سوءاستفاده جنبش سبز از آن، این قتل جدید بسیار مشکوک به نظر می‌رسید و ثانیاً حوادث رخ داده در روز عاشورا به قدری تکان‌دهنده بود که کل فضای سیاسی کشور را تحت تاثیر قرار داد.




قتل خواهرزاده موسوی در روز عاشورا به اندازه و شاید بیش از قتل مرحوم ندا آقا سلطان قدرت مظلوم‌نمایی و تحریک احساسات به نفع موسوی را داشت اما این‌بار حساسیت چندانی ایجاد نشد

روز ٦ دی‌ماه، علاوه بر قتل مشکوک خواهرزاده موسوی، ۲ فیلم دیگر

در اینترنت پخش شد که حرف و حدیث‌های زیادی پدیدآورد. یکی از این فیلم‌ها، حاکی از زیرگرفتن تظاهرکنندگان توسط دو وانت نیروی انتظامی در میدان ولیعصر تهران بود. نیروی انتظامی در برابر تبلیغات سایت‌های هوادار موسوی با عنوان «زیرگرفتن مردم توسط خودروهای دژخیمان رژیم»، ابتدا سکوت و سپس اعلام کرد در روز شش دی ماه کسی بر اثر تصادف با خودروی ناجا مجروح نشده است. بعدا بررسی بیشتر فیلم نشان داد که اصولاً هردو وانت وارد شده به میدان ولیعصر در ساعات اوج التهاب عاشورای تهران، با خودروهای نیروی انتظامی تفاوت داشتند. فیلم مشکوک دیگر، صحنه فواره زدن خون روی صورت یک مرد میانسال در حوالی خیابان انقلاب بود. در ثانیه‌های پایانی این فیلم، بطری پلاستیکی و لوله‌های حاوی خون از زیر کاپشن مرد کنار رفت. برخلاف فیلم‌های قتل ندا، این فیلم چندان در اینترنت منتشر نشد و هیچ گاه هم از بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان و دیگر شبکه‌های بین‌المللی پخش نشد اما رسانه‌های هوادار موسوی با استناد به بخش‌های ابتدایی آن، از «تیراندازی بسیجی‌ها به‌سوی مردم در حوادث عاشورای خونین تهران» خبر دادند. (هر دو فیلم در اینترنت قابل دسترسی است.)





تهیه فیلم زیرگرفتن تظاهرکنندگان توسط دو وانت نیروی انتظامی
در میدان ولیعصر و فوران زدن خون روی صورت یک مرد در خیابان انقلاب، از وجود نقشه‌ای ماهرانه برای تحریک احساسات و احیای آشوب‌ها خبر می‌داد

حوادث روز عاشورا اعتراض علما و مراجع، شخصیت‌ها و تشکل‌های سیاسی-اجتماعی را با شدت هرچه تمام‌تر بلند کرد. در اغلب اعتراض‌ها صریحاً

موسوی، خاتمی و کروبی مقصر قضیه معرفی و نیروی انتظامی به‌خاطر کوتاهی در مقابله با آشوبگران و قوه قضاییه به‌خاطر تعلل در محاکمه و مجازات سران فتنه (عنوانی که جدیداً برای موسوی، کروبی و خاتمی به‌کار گرفته می‌شد) سرزنش می‌شدند.

فصل ۲۶

جنبش سبز در آخرین ایستگاه

به دنبال حوادث روز عاشورا، روزهای هفتم و هشتم دی‌ماه شهرهای سراسر کشور شاهد تجمعات و تظاهرات خودجوش مردم بسیار عصبانی بود چرا که در طول تاریخ معاصر ایران هتک حرمت عاشورا و نمادهای عزاداری حسینی تقریبا سابقه نداشت. اخبار صداوسیما هم با پخش مکرر برخی صحنه‌های توهین آشوبگران به نمادهای عاشورا و سوت و کف زدن آنها به هنگام تخریب اموال عمومی، حساسیت مردم را بیشتر می‌کرد.





با انتشار عکس‌ها و فیلم‌های حوادث عاشورای تهران، موج خشم و اعتراض سراسر کشور را فراگرفت هفتم تا نهم دی‌ماه ۸۸

در تهران، زمان تجمع اعتراض‌آمیز، روز چهارشنبه ۹ دی در میدان انقلاب اعلام شد. از ظهر آن روز مرکز تهران حالتی نیمه تعطیل به خود گرفت و جمعیتی

بی‌سابقه از چهار طرف شهر راهی میدان انقلاب شد. برخی از حاضران، در قالب هیات‌های عزاداری در این تظاهرات حاضر شده بودند. شعارها به شکلی بود که مسوول پخش زنده این مراسم در سیما بارها ناچار شد صدای تظاهرکنندگان را قطع کند. تظاهرکنندگانی که از شرق تهران راهی میدان انقلاب بودند وقتی به چهارراه کالج و مقابل ساختمان‌های سوخته در حوادث روز عاشورا می‌رسیدند، شعارهایشان علیه موسوی، کروبی، خاتمی و هاشمی شدیدتر و تندتر می‌شد.

برخی از شعارهای راهپیمایی ۹ دی ماه تهران از این قرار بود:

لعن علی عدوک یا حسین ... خاتمی و کروبی و میرحسین
موسوی بی بی سی ... عامل انگلیسی
هر جا که اغتشاشه، فائزه ردپا شه
تاجر ورشکسته ... برگرد به باغ پسته
کروبی بی‌سواد ... عامل دست موساد
مزدور آمریکایی ... ما آمدیم کجایی؟
موسوی، کروبی این آخرین پیام است... ایرانی مسلمان آماده قیام است
حسین حسین شعار ماست .... شهادت افتخار ماست
هم غزه هم لبنان ... جانم فدای اسلام، جانم فدای ایران
آشوبگر عاشورا ... اعدام باید گردد
نخبه بی‌بصیرت ... مایه ننگ ملت
ای قوه قضایی .... با رخصت الهی ... با خشم انقلابی ... انتقام انتقام
وای اگر خامنه‌ای حکم جهادم دهد ... ارتش دنیا نتواند که جوابم دهد
این سند جنایت موسوی (در مقابل ساختمان‌های سوخته اطراف پل کالج)
سبز فقط سبزعلی ... رهبر فقط سید علی

تظاهرات چهارشنبه ۹ دی ۸۸، اجتماع عاشوراییان نام گرفت و یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات مردمی در تاریخ انقلاب بود به‌طوری که تا ساعاتی پس از

غروب آفتاب و تمام شدن مراسم، خیابان انقلاب تا میدان امام حسین هنوز مملو از جمعیت و هیات‌های عزاداری بود. (مشاهدات نگارنده)



راهپیمایی ۹دی تهران، از نظر وسعت و تعداد راهپیمایان، در تاریخ بعد از انقلاب کم‌سابقه بود

راهپیمایی ۹ دی، چنان وسیع و گسترده بود که هیچ‌کس حتی رسانه‌های افراطی حامی موسوی هم نتوانستند عظمت و انبوه شرکت‌کنندگان در آن را انکار کنند. این رسانه‌ها که طی ۷ ماه گذشته، اکثریت ملت ایران را طرفدار موسوی معرفی می‌کردند، برای توجیه جمعیت عظیم راهپیمایی ۹ دی ادعا کردند آن افراد با اتوبوس و از اطراف تهران و شهرستان‌های دور و نزدیک به تهران آورده شده بودند و به هریک در ازای حضور در راهپیمایی، چلوکباب و کیک و ساندیس داده شده است. (صدای آمریکا، ۱۰دی ۱۳۸۸)



توجیه رسانه‌های طرفدار موسوی درباره انبوه جمعیت راهپیمایی ۹دی، برای مخالفان جنبش سبز که آن روزها در اینترنت زیاد شده بودند، سوژه طنز فراهم کرد

این توجیه در رسانه‌های داخلی غوغایی به راه انداخت و طنزها و کاریکاتورهای

متعددی درباره «حماسه ساندیس» ساخته شد. در این زمان، حضور مخالفان موسوی و مدافعان نظام در فضای اینترنت به شکل چشمگیری افزایش یافته بود و ده‌ها وبلاگ، جور کم کاری رسانه‌های رسمی علیه جنگ نرم در اینترنت را می‌کشیدند، مشهورترین وبلاگ‌هایی که در این زمان بسیار قوی ظاهر و موثر شدند.

بعد از راهپیمایی ۹ دی، حبیب‌الله عسکراولادی از شعارهای تند علیه هاشمی در این مراسم انتقاد کرد و گفت: «برخی شعارها علیه شخصیت‌های نظام انحرافی است.» (ایسنا، ۱۱ دی ۸۸). در روزهای پس از عاشورا به‌ویژه پس از راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیز علیه آشوبگران در سراسر کشور، همه منتظر واکنش کاندیداهای مغلوب در انتخابات و نزدیکانشان بودند. هاشمی پس از چند روز، شنبه ۱۲دی ماه طی نطقی در مجمع تشخیص مصلحت نظام، بی حرمتی و هتاکی در روز عاشورای حسینی را محکوم و از حضور سرنوشت‌ساز مردم در راهپیمایی عظیم عاشوراییان تقدیر و تشکر کرد. (واحد مرکزی خبر ، ۱۲دی) خاتمی در قبال حوادث روز عاشورا ترجیح داد سکوت کند اما کروبی و موسوی سکوت نکردند. کروبی طبق معمول خیلی سریع موضع گیری کرد و روز پس از حادثه طی بیانیه‌ای، حادثه عاشورای تهران را معکوس جلوه داد و از «خشونت علیه مردم» در روز عاشورا به‌شدت انتقاد کرد. (سحام نیوز، ۷دی) موسوی هم پس از چند روز، موضع گیری مشابهی کرد و روز جمعه ۱۱ دی ماه در بیانیه هفدهم و آخرین بیانیه خود در جریان حوادث پس از انتخابات نوشت: «همواره به اینجانب و دوستان گفته می شد که اگر شما اطلاعیه ندهید مردم به خیابان‌ها نخواهند آمد و آنان از اعتراضات و مطالبات خود دست برخواهند داشت و آرامش به کشور برخواهد گشت. بنده به عنوان یک همراه جنبش عظیم سبز مردمی با این نظر موافق نبودم و می اندیشیدم که تا اصلاحات لازم با تکیه براصول روشن که می توان آنها را از قانون اساسی استخراج کرد، صورت نگیرد، آب رفته به جوی باز نخواهد گشت... برای مراسم عاشورای

حسینی علی‌رغم درخواست‌های فراوان، نه جناب حجت‌الاسلام والمسلمین کروبی اطلاعیه دادند و نه حجت‌الاسلام و المسلمین خاتمی اطلاعیه صادر کردند و نه بنده و دوستانم. با این وصف یک بار دیگر «مردمی خداجوی» به صحنه آمدند و نشان دادند که شبکه‌های وسیع اجتماعی و مدنی که در طول انتخابات و بعد از آن به صورت خودجوش شکل گرفته است، منتظر اطلاعیه و بیانیه نمی‌مانند... » (سایت کلمه، ۱۱دی).

بیانیه هفدهم موسوی تعجب بسیاری را برانگیخت و همه امیدها را برای بازگرداندن وی به چارچوب‌های قانونی، کاملا ناامید کرد چرا که او علنا از آشوبگران تروریست و هتاکان عاشورا حمایت کرده بود. بیانیه بلند موسوی بخش دیگری هم داشت. وی در پایان این بیانیه، ۵ راه حل پیشنهاد کرد: «۱-اعلام مسوولیت‌پذیری مستقیم دولت در مقابل ملت و مجلس و قوه قضاییه به نوعی که از دولت حمایت‌های غیرمعمول در مقابل کاستی‌ها و ضعف‌هایش نشود و دولت مستقیما پاسخگوی مشکلاتی باشد که برای کشور ایجاد کرده است. به یقین اگر دولت کارآمد و محق باشد، خواهد توانست جواب مردم و مجلس را بدهد و اگر بی‌کفایت و ناکارآمد بود، مجلس و قوه قضاییه در چارچوب قانون اساسی با او برخورد خواهند کرد.

۲- تدوین قانون شفاف و اعتماد برانگیز برای انتخابات به نوعی که اعتماد ملت را به یک رقابت آزاد و منصفانه و بدون خدعه و دخالت قانع سازد. این قانون باید شرکت همه ملت را علی‌رغم تفاوت در آرا و اندیشه‌ها تضمین کند و جلوی دخالت‌های سلیقه‌ای و جناحی دست‌اندرکاران نظام را در همه سطوح منتفی سازد. مجالس اولیه انقلاب می‌تواند به عنوان الگویی مورد توجه قرار گیرد.

۳-آزادی زندانیان سیاسی و احیای حیثیت و آبروی آنها. بنده یقین دارم که این اقدام نه به ضعف که به درایت نظام تعبیر خواهد گشت و نیز آگاهیم که جریان‌های سیاسی منحطی با این راه حل مخالف هستند.

٤- آزادی مطبوعات و رسانه‌ها و اجازه نشر مجدد روزنامه‌های توقیف شده جزء ضروریات روند بهبود است . ترس از آزادی مطبوعات باید از بین برود و تجربیات جهانی در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد. گسترش کانال‌های ماهواره‌ای و اهمیت یافتن آنها و تاثیرگذاری قاطع این رسانه که به‌خوبی ناکافی بودن روش‌های قدیمی و محدودیت صدا و سیما را می‌رساند . پارازیت‌ها و محدودیت‌های اینترنتی می‌تواند برای مدت کوتاهی اثرگذار باشد. تنها راه چاره، داشتن رسانه‌هایی متنوع و آگاه و آزاد در داخل کشور است. آیا زمان آن نرسیده است که با اقدامی شجاعانه و ناشی از اعتماد به متفکران و نیروهای خلاق جامعه، نگاه‌ها را از آن‌سوی مرزها به شکوفایی خلاقیت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی داخلی برگردانیم؟

۵- به رسمیت شناختن حقوق مردم برای اجتماعات قانونی و تشکیل احزاب و تشکل‌ها و پایبندی به اصل ۲۷ قانون اساسی . اقدام در این زمینه که می‌تواند با درایت و همکاری همه علاقه‌مندان به کشور صورت گیرد، در طول چند ماه می‌تواند فضایی توام با دوستی و محبت ملی را جایگزین درگیری سازمان بسیج و نیروهای امنیتی با مردم و یا درگیری مردم با مردم نماید.»

لحن آشتی جویانه فراز پایانی آخرین بیانیه موسوی، این تصور را ایجاد کرد که گویی وی برای بازگشت به مسیر قانونی اعتراض، آمادگی دارد. محسن رضایی بلافاصله پس از صدور بیانیه موسوی در نامه‌ای خطاب به رهبر انقلاب نوشت « محضر مبارک رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی با سلام و عرض ادب؛ حضور باشکوه و میلیونی و یکپارچه ملت ایران در روز چهارشنبه در خیابان‌های تهران و شهرستان‌های سراسر کشور، نه تنها شرمندگی ناشی از اهانت به مراسم عاشورا را جبران کرد که در خنثی نمودن برنامه‌های دشمن نیز نقش بی‌بدیلی خواهد داشت. یک‌بار دیگر ثابت شد که توسل به امام حسین(ع) و ادامه پیروی از مرام و مکتب حیات‌بخش او، وسیله نجات ملت ایران است.

اینجانب که از میدان فردوسی تا دانشگاه تهران در جمع راهپیمایان حضور داشتم شور و احساس خالصانه و عاشقانه مردم نسبت به امام حسین(ع)، ولایت و نظام مقدس جمهوری اسلامی را مشاهده کردم. از همه اقشار و گروه‌های سیاسی در میان جمعیت دیده می‌شد.

بعد از انتخابات، این اولین بار بود که ملت ایران یکپارچه و یک صدا دیده می شدند. زنان و مردان و جوانان بسیاری را از نزدیک می‌دیدم که ضمن آنکه از حوادث روز عاشورای تهران متاثر بودند ولی اشک شوق هم در چشمانشان حلقه زده بود و از اینکه دوباره خود را در پرتو امام حسین(ع) و ولایت یافته‌اند، شاد بودند. صحنه تظاهرات دیروز، مصداق بارز پیام وحی بود که "واعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا".

این حادثه می‌تواند سرآغاز یک تحرک جدی در پیشرفت امور کشور و پایان بخشیدن به نگرانی‌ها و ابهامات ماه‌های اخیر در سرمایه گذاری‌های اقتصادی و سایر فعالیت‌های کشور گردد ولی شک ندارم که افراط گرایان هر دو طرف، با رفتارهای نادرست از یک سو و دشمنان کمین کرده ملت ایران با بغض و عصبانیت از سوی دیگر، تلاش خواهند کرد آثار و دستاوردهای این حرکت عظیم را خنثی کنند.

اینجانب به عنوان سرباز رهبری و ملت ایران ضمن تشکر از مردم و تبریک به جنابعالی، تقاضا می‌کنم که تمام فعالان سیاسی و بزرگان انقلاب به پیروی از ملت ایران به صورت دسته جمعی در سپاسگزاری از حرکت مردم به یک حرکت نمادین دست بزنند.

عقب‌نشینی آقای میرحسین موسوی از انکار دولت آقای احمدی‌نژاد و پیشنهاد سازنده ایشان به اینکه مجلس و قوه قضاییه به وظایف قانونی خود در قبال پاسخگو کردن دولت عمل کنند، هرچند دیر هنگام بود ولی می‌تواند سرآغاز یک حرکت وحدت بخش در جبهه معترضین با دیگران باشد.

صدور پیامی از سوی حضرتعالی و یا رهنمودهایی در یک سخنرانی می‌تواند

حرکت جدیدی را که برای وحدت، همدلی، برادری، گذشت و ایثار در جامعه شروع شده ، تقویت و استمرار بخشد تا هم کسانی که در جناح‌های سیاسی اشتباهاتی داشته‌اند از اشتباه خود برگردند و همکاری با یکدیگر را آغاز کنند و هم از شروع فعالیت افراط گرایان جلوگیری و دشمن کمین کرده را نا امید سازند.

از طرف دیگر، نشاط سیاسی جدیدی همراه با تقویتِ اعتماد عمومی برای سرعت بخشیدن به فعالیت‌ها و پیشرفت کشور و رسیدن به اهداف چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ به‌وجود آید و در ماه محرم امسال نیز، دیگر بار، مشابه محرم‌های دوران انقلاب و دفاع مقدس، فرهنگ عاشورایی در میان مردم و بزرگان کشور گسترش یابد. سرباز ملت ایران و جنابعالی، محسن رضایی.»

نامه رضایی به رهبر انقلاب با انتقاد بسیار شدید و یکپارچه تشکل‌های دانشجویی و برخی چهره‌های اصول‌گرا ومطبوعات روبه‌رو شد. ۵ تشکل اصلی دانشجویی سراسری در بیانیه‌ای با اشاره به سیر عملکرد موسوی بعد از ۲۲خرداد و حمایت‌های علنی آمریکا، اسرائیل، سلطنت طلب‌ها و مجاهدین خلق از عملکرد موسوی، از پیشنهاد رضایی برای وحدت با موسوی به‌شدت انتقاد کردند . (فارس ، ۱۲ دی) بسیج دانشجویی دانشگاه‌های تهران هم با انتشار بیانیه‌ای هشدار دادند: «اجازه نمی‌دهیم جام زهر دیگری به نظام اسلامی نوشانده شود. » (فارس، ۱۲دی)

سیدمرتضی نبوی، مدیر مسوول روزنامه رسالت و عضو مجمع تشخیص مصلحت‌نظام گفت: «متاسفانه رضایی با تحلیلی شتابزده از بیانیه براندازانه موسوی، برگشت به عقب، برداشت کرده، در حالی که موسوی مسوولیت حرکت‌های ساختارشکنانه جنبش سبز را به عهده گرفته است.» روح الله حسینیان، نماینده تهران گفت: «نامه رضایی و بیانیه موسوی از یک مرکز مشترک برنامه‌ریزی شده‌اند.» الیاس نادران نماینده تهران، نامه رضایی را انحرافی‌تر از بیانیه موسوی دانست و گفت: «رضایی هنوز ابعاد فتنه را درک نکرده است.» رسایی نماینده تهران

هم گفت: «دوران تعارف جام زهر به رهبری گذشته است.» (همگی خبرگزاری فارس، ۱۲ تا ۱٤ دی)

اعتراض نسبتاً تند به رضایی نه تنها بیانیه ۱۷ موسوی را به محاق برد بلکه خود رضایی را هم وادار به عقب‌نشینی تلویحی کرد. او روز ۱۲ دی در پایان جلسه مجمع تشخیص مصلحت در جمع خبرنگاران گفت: «من نامه به مقام معظم رهبری را از قبل آماده کرده بودم و وقتی بیانیه آقای موسوی صادر شد، بخش‌های مربوط به آن را در نامه ام اضافه کردم.» (ایلنا، ۱۲دی)

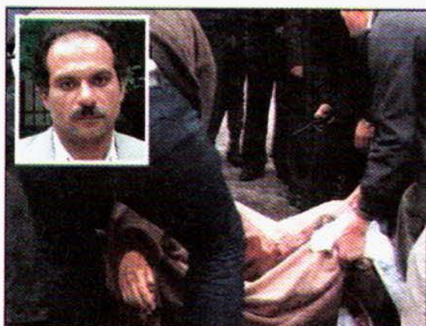
از حادثه عاشورا و راهپیمایی بزرگ ۹ دی تا آخرین ایستگاه جنبش سبز یعنی راهپیمایی ۲۲ بهمن، حوادث چندی در کشور اتفاق افتاد از جمله: بیستم دی‌ماه، گزارش هیات ویژه تحقیق مجلس از حوادث پس از انتخابات در صحن علنی مجلس قرائت شد که طی آن ادعاهای کروبی درباره تجاوز به بازداشت شدگان را کاملا تکذیب و دادستان وقت تهران (سعید مرتضوی) به‌خاطر دستور اعزام بازداشت شدگان به محلی غیر استاندارد (بازداشتگاه کهریزک) مقصر شناخته شد. (رسانه‌ها، ۲۰ دی) روزهای بعد از عاشورا تجمعات و درگیری‌هایی در دانشگاه آزاد اسلامی روی داد که یک‌سوی آن دانشجویان معترض به وقف اموال دانشگاه آزاد توسط هیات امنا (هاشمی، موسوی، جاسبی و ...) و سوی دیگر آن هواداران موسوی بودند. ۱۸دی کروبی به قزوین و منزل دوستش شیخ قدرت علیخانی نماینده قزوین رفت اما با پیچیدن این خبر در شهر عده زیادی مقابل منزل شیخ قدرت تجمع و علیه کروبی شعار دادند تا حدی که نیروی انتظامی با استفاده از پلیس ضد شورش توانست کروبی را از مهلکه نجات دهد.



سفر یکروزه کروبی به قزوین با اعتراض شدید مخالفانش ناتمام ماند و پلیس ضدشورش برای نجات او وارد عمل شد، قزوین مقابل منزل شیخ قدرت علیخانی، ۱۸دی

۲۲ دی ماه، یک استاد فیزیک دانشگاه تهران به‌نام دکتر مسعود علی محمدی مقابل منزلش در انفجاری قوی کشته شد. حضور وی در تحقیقات ذرات بنیادی و هسته‌ای، باعث شد انگشت‌های اتهام به‌سوی آمریکا نشانه رود چرا که آمریکا همواره در تحقیقات هسته‌ای ایران اخلال می‌کرد و فروردین ۸۸ نیز یک دانشمند هسته‌ای به‌نام شهرام امیری را هم در سفر عمره با کمک استخبارات (سرویس جاسوسی) سعودی ربوده بود و علاوه بر اینها، آمریکا سوابق متعددی در ترور بی‌سروصدای دانشمندان هسته‌ای در عراق داشت. سخنگوی وزارت خارجه ایران، آمریکا را در این انفجار متهم و تاکید کرد: «در تحقیقات اولیه علائمی از خباثت‌های مثلث رژیم صهیونیستی، آمریکا و عوامل اجیر شده آن در ایران در این رخداد تروریستی قابل رویت است.» (خبرگزاری‌ها، ۲۲دی) اما دولت آمریکا رسما دخالت در ترور علی محمدی را تکذیب کرد. (بی بی سی فارسی، ۲۲ دی) در اینترنت، یک سایت ظاهرا وابسته به انجمن پادشاهی (گروه تکاوران تندر)، مسوولیت ترور دکتر علی محمدی را به عهده گرفت اما سایت‌های هوادار موسوی، این اطلاعیه را کار وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی دانستند و دست داشتن گروه تندر در این ترور را تکذیب کردند. (رادیو فردا، بی بی سی، صدای

آمریکا و... ۲۲دی) به‌زودی درباره عقاید سیاسی آن مرحوم، جنجال تبلیغاتی به‌راه افتاد. رسانه‌های هوادار موسوی به ویژه بی‌بی سی و صدای آمریکا علی محمدی را متمایل به موسوی معرفی و هسته‌ای بودن فعالیت‌های علمی وی را تکذیب می‌کردند. خود موسوی در پیام تسلیتی، دکتر علی محمدی را «استاد سبز» معرفی کرد. (کلمه، ۲۵ دی) سایت‌های حامی موسوی برای حضور سبزها در مراسم تشییع جنازه دکتر علی محمدی تدارک مفصلی دیدند اما این مراسم با حضور انبوه استادان و دانشجویان تهرانی برگزار شد و سبزها فرصت چندانی برای عرض اندام نیافتند.



موسوی دکتر مسعودعلی محمدی، فیزیکدان ترور شده را استاد سبز نامید

در همان ایام، صحبت‌های جدید اسفندیار رحیم‌مشایی درباره ناتوانی برخی پیامبران در اداره جامعه، فضای سیاسی کشور را تحت تاثیر قرار داد و طبق معمول، واکنش تند علما و بی‌توجهی احمدی‌نژاد را به دنبال داشت. حسین شریعتمداری در کیهان نوشت: «هر جا فتنه‌گران در تنگنا قرار می‌گیرند، مشایی وارد می‌شود تا اذهان به جای دیگری منحرف شود.» (کیهان، ۲۲ دی)

با ورود به ماه بهمن، دعوت اینترنتی و دیوار نویسی سبزها برای راهپیمایی سراسری سبز باز هم شروع شد. این بار علاوه بر سبزها، مخالفان موسوی هم

راهپیمایی ۲۲ بهمن را آوردگاه نهایی با جنبش سبز می دانستند. پس از پیش‌بینی اکثر مسوولان اجرایی، پارلمانی و قضایی درباره شرکت انبوه مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن برای حمایت از نظام و رهبری، حتی رهبر انقلاب نیز ۱۹ بهمن ماه در دیدار سالانه با فرماندهان و پرسنل نیروی هوایی گفتند: «ملت ایران در روز ۲۲ بهمن، با نمایش وحدت کلمه و اتحاد خود، جبهه استکبار را بار دیگر همچون گذشته مبهوت خواهد کرد.» (خبرگزاری‌ها، ۱۹ بهمن ۸۸)

پنجم بهمن، کروبی در کنگره عمومی حزب مردمسالاری شرکت کرد و در حاشیه آن به خبرنگار فارس گفت: «من همچنان بر انتقادات خودم هستم اما چون رهبر ، آقای احمدی‌نژاد را تنفیذ کرده، ایشان رئیس جمهور قانونی کشور است.»

بهمن ماه ۸۸، معاونت سیاسی صداوسیما در مجموعه مستندی با عنوان شاخص، سخنان و عملکرد امام در برخورد با فتنه‌های اوایل انقلاب به ویژه عملکرد بنی‌صدر، لیبرال‌ها و مجاهدین خلق را تشریح و تحلیل کرد و تلویحا نشان داد عملکرد جنبش سبز در اعتراض از مسیر غیر قانونی، ایجاد آشوب، نداشتن مرزبندی با دشمنان انقلاب و حتی الله‌اکبر گفتن‌های شبانه، با عملکرد منافقین و بنی صدر در سال‌های ۵۹ و ٦۰ کاملاً مشابه بوده است. پخش مجموعه مستند شاخص، توجه بسیاری برانگیخت اما رسانه‌های طرفدار موسوی را به‌شدت برآشفت. از نظر آنها پخش این مجموعه، «اقدام مفتضح رسانه ملی در ادامه حمایت از کودتاگران» بود . (به تحلیل سایت‌های نوروز، ادوار نیوز، جرس، رادیو فردا، بی بی سی، صدای آمریکا و دیگر رسانه‌های هوادار جنبش سبز در روزهای ۱۲ تا ۲٤ بهمن ۸۸ مراجعه شود.)

سیدحسن خمینی نیز در این میان، به پخش این مستند اعتراض کرد و در نامه‌ای به ضرغامی نوشت: « جناب آقای عزت‌الله ضرغامی، رئیس سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی با تبریک سی و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، لازم است نکاتی را پیرامون برنامه‌های صدا وسیمای جمهوری اسلامی در ایام دهه

فجر یادآوردی نمایم. خوش داشتم این مطالب را مثل سابق و به طور شفاهی متذکر شوم ولی احساس می‌کنم اثر سخنان شفاهی کم شده و عمق تاثیرگذاری برنامه‌های تلویزیون به گونه‌ای است که محتاج تذکر کتبی است:

چنانکه از منابع موثق شنیده‌ام، برنامه‌ای تحت عنوان شاخص در تلویزیون پخش می‌شود و به‌گونه‌ای غیرصادقانه و تحریف‌آمیز، شخصیت جامع عارف کامل و مهربان و رهبری مقتدر امام خمینی(س) را مخدوش نموده است. جامعه جوان امروز ما به وسیله آنچه در این برنامه پخش می‌شود، شخصیت واقعی امام را نمی‌شناسد و تنها با شخصیت دست ساخته صداوسیما آشنا می‌شود که متاسفانه فرسنگ‌ها با حقیقت امام که به فرموده رهبری انقلاب همه هویت جمهوری اسلامی است، فاصله دارد.

در شرایطی که دشمنان قسم خورده انقلاب و امام با استفاده از رسانه‌های بیگانه، هر لحظه چهره‌ای خشن و غیرانسانی و صد البته غیرواقعی از انقلاب شکوهمند اسلامی می‌سازند، انتظار بیهوده‌ای نیست اگر چشم انتظار تبیین شخصیت جامع امام و امت امام در صداوسیما باشیم و ابعاد بلند معرفتی و ماهیت انسانی انقلاب را - که بی‌شک در میان همه انقلاب‌های قرن حاضر، بیشترین ارزش‌های اسلامی و بشر دوستانه را آفریده - تصویر نماییم. جای تاسف است که در صداوسیما از هزاران هزار جلوه رأفت و محبت که با اتکای به جوهره اسلامی و روح بلند مذهب شیعه اثنی عشریه آفریده شد، چشم پوشیده می‌شود و بدون اشاره به شرایط زمانی خاص به بزرگ‌نمایی غلط و تحریف‌گونه قضایای گذشته همت می‌گمارید و به غلط درصدد مشابه‌سازی تاریخی هستید.

اینجانب جنابعالی را از علاقه‌مندان امام راحل می‌شناسم و به حکم وظیفه فرزندی امام نسبت به این اشتباه فاحش صداوسیما و تصمیم گیرندگان چنین موضوعاتی، اعتراض جدی دارم و معتقدم اگر حقیقتا به دنبال شناخت واقعی امام هستید، باید از یاران نزدیک امام دعوت نمایید تا هم‌شأن نزول سخنان پخش شده

را بیان نمایند و هم ناگفته‌های زندگی امام را بیان کنند.

امیدوارم احتیاجی به تصدیع بیشتر نباشد و دوستان واقعی امام وظیفه خویش را در قبال امام و تحلیل انقلاب اسلامی به انجام برسانند. سید حسن خمینی ۸۸/۱۱/۱۵» (ایلنا، ۱۸ بهمن).



تهیه و پخش مجموعه مستند شاخص از سیما در ایام ۲۲بهمن، خشم سران جنبش سبز و گلایه سیدحسن خمینی را از سیما برانگیخت

ضرغامی هم در پاسخ به نوه امام خمینی(ره) و متولی حرم بنیانگذار جمهوری اسلامی نوشت: « جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی، با سلام، متقابلا ایام خجسته سی و یکمین دهه فجر پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی را به شما و خانواده معظم امام راحل (ره) تبریک می‌گویم و سلامتی و دوام عمر شما را از خداوند متعال خواهانم. به اطلاع جنابعالی می‌رسانم:

۱- برنامه‌های دهه فجر امسال گسترده‌تر از همیشه و با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت آرشیوی و تجارب گذشته با تولید بیش از ۱۰۰۰ ویژه‌برنامه در سیماوصدا، شبکه‌های استانی و برون‌مرزی و حوزه‌های سیاسی سازمان و برای اقشار و سطوح مختلف جامعه در داخل و خارج کشور در حال پخش است.

۲- محور و هویت انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) است، لذا در نوع این برنامه‌ها شخصیت جامع و استثنایی آن یگانه دوران در ابعاد مختلف مبارزاتی، سیاسی، فقهی، اخلاقی، عرفانی و سلوک رفتاری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- بررسی های سال‌های اخیر نشان می دهد که نسل جوان و حتی نسل‌های گذشته از طریق برنامه‌های رسانه ملی با بسیاری از ویژگی های شخصیتی و متعالی امام خمینی (ره) آشنا شده و با او پیوندی مستحکم برقرار کرده‌اند. این درحالی است که به گفته شما دشمنان قسم خورده انقلاب و امام و رسانه‌های بیگانه و به اعتقاد من با همراهی ضد انقلاب داخلی و پشیمان شدگان و در راه ماندگان انقلاب سعی در مخدوش کردن چهره آن عزیز سفر کرده و نابودی راه نورانی او دارند.

٤- مستند «شاخص» یکی از این صدها ویژه برنامه رسانه ملی است که با بهره گیری از رهنمود اخیر رهبر معظم انقلاب- که مفسر واقعی فرمایشات و سیره امام خمینی (ره) هستند- تولید شده است.

این مستند بر آن است که سلوک حکومتی امام عزیز را مورد بررسی قرار دهد و البته در این مسیر چهره مقتدر و سازش ناپذیر،مستدل و عقلانی،روشنگر و آگاهی بخش، متواضع، با محبت و مهربان،آرامبخش و حتی همراه با طنز و مطایبه معظم‌له نیز مورد توجه قرار گرفته است.

سازندگان این مستند،با ذکر تاریخ سخنرانی، شأن نزول آن و تبیین شرایط ویژه جامعه در آن مقطع زمانی نهایت امانتداری را به خرج داده‌اند.

در این مستند، روشنگری و اطلاع‌رسانی پیرامون امام و قانون، امام و بنی‌صدر،امام و فلسطین،امام و مردم،امام و جمهوری اسلامی،امام و ولایت فقیه،امام و گروهک‌ها و... که از اساسی‌ترین موضوعات مورد نیاز در جامعه است،مورد بررسی قرار گرفته است.

نگاه ما به امام، نه صرفاً به عنوان یک شخصیت مقطعی و کاریزماتیک و پدری مهربان و عارف،بلکه در جایگاه یک مصلح بزرگ جهانی و ارائه دهنده تئوری نجات بخش و مترقی «ولایت فقیه» برای هدایت آحاد انسان‌ها تا ظهور منجی عالم بشریت روحی له الفداء است و همکاران آگاه و متعهد ما دقیقاً در راستای این هدف متعالی و ترسیم جامعیت شخصیت حضرت امام (ره) تلاش کرده‌اند.

۵- چارچوب مستند «شاخص» مشابه مستند قبلی «امام روح الله» است که از ناحیه جنابعالی و موسسه نشر آثار حضرت امام (ره) مورد تحسین و تقدیر قرار گرفت.

نکته تامل برانگیز این است که در این فاصله کوتاه زمانی چه اتفاقی رخ داده که شاخص‌های قضاوت اطرافیان شما را تا این حد دگرگون ساخته است.

از من خواسته‌اید که از یاران نزدیک امام دعوت کنم تا درباره امام صحبت کنند و موضوع روشن شود. پخش مستند سخنان این یاران نزدیک که در همان شرایط زمانی سخن گفته و اعلام موضع کرده‌اند بسیار واقعی‌تر و باورپذیرتر است تا امروز و اتفاقاً ارزش هنری و حرفه‌ای مستند نیز به همین است!هر چند که تحلیل‌های تکمیلی بسیاری از آنان در شرایط فعلی به جای خود مفید و قابل استفاده است.

٦- همان‌گونه که اشاره کرده‌اید خودتان این برنامه را ندیده و به «منابع موثق» اکتفا نموده‌اید! توقع زیادی نیست که از شما بخواهم یا شخصاً قسمت‌هایی از این مستند را ببینید و یا سرزده به میان مردم و اجتماعات آنان، خصوصاً پابرهنگان جنوب شهر که امام (ره) تا آخرین لحظه یک موی آنان را به کاخ نشینان نداد، بروید و با آنان در مورد این برنامه و دیگر برنامه‌های مربوط به امام در رسانه ملی صحبت کنید.

۷- آیا پاداش این همه تلاش برای نشان دادن چهره نورانی آن امام بزرگ به هنرمندان، برنامه سازان،دوستداران و علاقه‌مندان آن عزیز سفر کرده در رسانه ملی عباراتی نظیر «غیرصادقانه»، «تحریف‌آمیز»، «خشن»، «شخصیت دست ساخته سیما»، «فرسنگ‌ها فاصله با حقیقت امام»، «اشتباه فاحش»، «چشم پوشی از هزاران هزار جلوه رأفت و محبت امام»، «مخدوش کردن چهره عارف کامل، مهربان و مقتدر»، «نیاز به تذکر کتبی» و... است؟!

نمی‌خواهم که رنجنامه بنویسم که یک‌بار برای همیشه پدر رنج کشیده شما از طرف همه ما بچه‌های انقلاب، آن را به یادگار گذاشته است.

سخن این است، همان گونه که به حکم وظیفه فرزندی امام، اعتراض جدی به اقدامات صداوسیما دارید، ای کاش همین گونه هم نسبت به حوادث ۸ ماه گذشته و جفایی که دشمنان انقلاب و اسلام به اساس نظام جمهوری اسلامی و میراث گرانبهای امام کردند و بغض و کینه سالیان خود را در کوچه و خیابان فریاد زدند، بیانیه می‌دادید و آن اقدامات شرم آور را نیز محکوم می‌کردید.

با شما ناگفته‌های فراوان دیگری نیز دارم. این مقدار هم صرفاً به دلیل علنی شدن دستخط مستقیم جنابعالی بود که تصور آن نمی‌رفت.

با این همه، مجموع این دو نامه مایه خیر و برکت و خلق انگیزه و ظرفیت جدیدی برای بررسی همه جانبه رویدادها و سلوک حکومتی امام عزیز در دهه اول انقلاب است، همان ۱۰ سالی که رهبر فرزانه انقلاب در مورد آن فرمودند؛ «دوران ده ساله حیات مبارک امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) الگو و نمونه حیات جامعه انقلابی ماست و خطوط اصلی انقلاب همان است که امام ترسیم فرمودند. دشمنان خام طمع و کوردل که گمان کردند با فقدان امام خمینی دوران جدید با مشخصات متمایز از دوران امام خمینی (قدس سره) آغاز شده است، سخت در اشتباهند. امام خمینی، یک حقیقت همیشه زنده است. نام او پرچم این انقلاب و راه او راه این انقلاب و اهداف او اهداف این انقلاب است.» با دعای خیر، سید عزت الله ضرغامی» (جام جم، ۱۹ بهمن)

نامه سیدحسن خمینی به ضرغامی در اعتراض به مستند شاخص، جدی‌ترین و علنی‌ترین هم‌صدایی او با رسانه‌های هوادار جنبش سبز بود. چند ماه بعد، عکس حضور نوه امام در مراسم عروسی پسر محسن میردامادی و نشستن وی به همراه موسوی، کروبی، خاتمی و موسوی خوئینی‌ها به دور یک میز، منتشر شد و انتقادهای زیادی از ناحیه اصول گرایان برانگیخت. سید حسن خمینی روز ۱۴ خرداد ۱۳۸۹ در مراسم نماز جمعه که به مناسبت بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی در مرقد امام برگزار شد، به عنوان سخنران پیش از خطبه‌ها پشت

تریبون رفت اما بر اثر شعارهای اکثر قریب به اتفاق جمعیت (مرگ بر موسوی، نواده روح‌الله ... سید حسن نصرالله، مرگ بر ضد ولایت فقیه و...) نتوانست سخنان خود را به پایان برساند. البته رهبر انقلاب قبل از آغاز خطبه‌ها، سید حسن را به جایگاه دعوت کردند و مقابل جمعیت از وی دلجویی و روی او را بوسیدند.

دهه فجر ۸۸، برنامه تلویزیونی «روبه فردا» با اجرای وحید یامین پور ضمن دعوت از چهره‌های مخالف موسوی، یک‌بار دیگر توجه‌ها را به خود جلب کرد. البته یامین پور با اعلام اینکه چهره‌های دیگر به دعوت او برای حضور در مناظره یا مصاحبه پاسخ مثبت نمی‌دهند، از این عدم پاسخگویی آنها همواره گلایه می‌کرد.



دهه فجر ۸۸ برنامه زنده وحید یامین پور که ظاهرا قرار بود نود سیاسی باشد، توجه‌ها را جلب کرد

با نزدیک شدن به سالگرد پیروزی انقلاب، برنامه سبزها برای راهپیمایی ۲۲ بهمن توسط عطاءالله مهاجرانی تدوین و اعلام شد. مهاجرانی که در سال‌های اخیر در لندن زندگی می‌کند، اواخر دی ماه، خود را به همراه عبدالکریم سروش، عبدالعلی بازرگان، اکبر گنجی و محسن کدیور، اعضای اتاق فکر جنبش سبز و سخنگوی این جنبش در خارج معرفی کرده بود.

بر اساس طرح مهاجرانی که به «اسب تروا» مشهور شد، قرار بود طرفداران جنبش سبز با علامت‌های سبز مخفی شده در زیر لباس‌های خود در راهپیمایی شرکت کنند و هنگام سخنرانی احمدی‌نژاد، ناگهان به‌طور دسته‌جمعی علامت‌ها و پرچم‌های سبز خود را نشان دهند.

محسن سازگارا از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب که به خارج از کشور فرارکرده با حضور در شبکه تلویزیونی صدای آمریکا (VOA) از ضربه نهایی در روز ۲۲ بهمن به جمهوری اسلامی خبر داد و با ارائه راهکارهای عملیاتی بسیج معترضان را راهبری می‌کرد.

رسانه‌های طرفدار جنبش سبز، از قول کروبی و موسوی وعده دادند که هردو در این راهپیمایی شرکت خواهند کرد. سایت کروبی شب قبل از راهپیمایی، این اخبار را تایید و اعلام کرد مهدی کروبی ۱۰صبح ۲۲بهمن در فلکه صادقیه تهران میان هواداران موج سبز خواهد بود و با مردم به‌طرف میدان آزادی حرکت خواهد کرد. (سحام نیوز، ۲۱بهمن)

تبلیغات و برنامه ریزی جنبش سبز برای حضور در راهپیمایی ۲۲بهمن۸۸

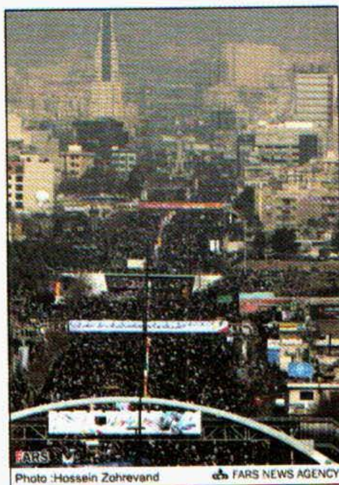
صبح روز ۲۲ بهمن ۸۸، بزرگ‌ترین تظاهرات تاریخ انقلاب در خیابان‌های منتهی به میدان آزادی برگزار شد. کروبی خود را به میدان صادقیه رساند اما توسط راهپیمایان با شعارهای تند مرگ بر منافق بدرقه شد و نتوانست حرکتی انجام دهد.

بجز چند صد نفر سبز پوش که در میدان صادقیه در انتظار کروبی بودند، تقریباً هیچ سبزپوشی در راهپیمایی حضور نداشت.



میدان صادقیه تهران، وعده گاه کروبی با جنبش سبز، حدود ۱۰ صبح ۲۲ بهمن ۸۸

خاتمی و موسوی از اواسط خیابان آزادی تلاش کردند وارد صف راهپیمایان شوند اما با شعارهای تند و اعتراض شدید مردم ناچار به ترک راهپیمایی شدند. حتی شنیده شد. تیم حفاظت موسوی برای نجات جان وی از دست مردم خشمگین، وی را از خیابان آزادی دور کرد.



چشم‌انداز میدان صادقیه، بزرگراه محمدعلی جناح از برج آزادی، پیش از ظهر ۲۲ خرداد ۸۸



۲۲بهمن ۸۸ بی تردید بزرگ ترین راهپیمایی تاریخ انقلاب بود

راهپیمایی ۲۲ بهمن، شکست کامل و پایان عملی جنبش سبز بود چرا که بعد از هفته‌ها رجز خوانی، هواداران میدانی موسوی در میان انبوه تظاهرکنندگان طرفداران نظام، در حد صفر بودند.

از عصر همان روز میان هواداران اینترنتی سبزها درباره مسبب این شکست، اختلاف نظر پیش آمد. انگشت اشاره و اتهام به‌سوی طراح پروژه اسب تروا یعنی عطاءالله مهاجرانی نشانه رفت. مهاجرانی در دفاع از خود نوشت: «برخی گمان می‌کردند در روز ۲۲ بهمن، نظام جمهوری اسلامی سقوط می‌کند و آن برخی، جشن پیروزی برگزار می‌کنند و به سرعت در مناصب قدرت قرار می‌گیرند و به تعبیر خودشان آکسیون نهایی انجام می‌شود ... این دوست ما (اشاره به محسن سازگارا) به‌گونه‌ای سخن می‌گوید که انگار اکسیون آخر همین امشب اتفاق می‌افتد. برخی جوان‌ها هم چنان حرف‌هایی را باور می‌کنند. وقتی با واقعیت‌هایی رویارو می‌شوند که از جنس دیگری است، یاس و دلمردگی وجودشان را فرا می‌گیرد و از کوره به در می‌روند ... جنبش سبز یک پوسته عصبی احساسی دارد که گهگاه بروز می‌کند. این جریان مثل کف، عرصه رودخانه را می‌پوشاند و اندکی بعد فرو می‌نشیند.» (سایت جنبش راه سبز- جرس، ٢٤ بهمن)



شکست کامل جنبش سبز در ۲۲بهمن، اعتراض زیادی به پروژه اسب تروای مهاجرانی برانگیخت

محسن سازگارا که طی ماه‌های بعد از انتخابات در صدای آمریکا و سایت شخصی خودش در طرفداری از موسوی بسیار فعال بود و روزانه پیام‌های تلویزیونی تهیه و منتشر می‌کرد، در واکنش به راهپیمایی ۲۲ بهمن، راهپیمایی را کاملاً حکومتی خواند و از حضور گسترده طرفداران موج سبز در میان انبوه لباس شخصی‌ها که تهران را پادگان کرده بودند، تشکر کرد. مهدی کروبی هم در بیانیه‌ای، حرف‌های سازگارا را تکرار و ادعا کرد راهپیمایی روز ۲۲ بهمن مهندسی شده بود و از سراسر کشور با صدها اتوبوس و قطار، نیرو به تهران اعزام شده بود. (سحام نیوز، ۲۳ بهمن). میرحسین موسوی هم در مصاحبه‌ای با سایت خود، کلمه گفت: «... مراسم ۲۲ بهمن امسال تحت تأثیر انتخابات دهم و اتفاقات بعد

از آن بود و دولت با هزینه گزاف و بسیج اتوبوس‌ها و قطارها از سراسر کشور و شکل‌های خاص اداری سعی کرد اثرات حضور جنبش سبز را در آن خنثی کند ... مأموران خشن، حتی طاقت دیدن یک لباس سبز بر تن راهپیمایان جوان و یا حتی یک تسبیح سبز در دست یک روحانی را نداشتند ... هنوز جوابی برای خالی بودن میدان و این که چرا دوربین‌ها فقط نقاط محدود نزدیک به جایگاه را رصد می‌کرده، داده نشده است ...»

محسن سازگارا مقیم آمریکا، در برنامه اینترنتی خود، راهپیمایی ۲۲بهمن را کاملا حکومتی خواند

برخلاف موسوی و کروبی، رسانه‌های غربی که با ده‌ها خبرنگار تظاهرات ۲۲ بهمن تهران را پوشش دادند، از پیروزی طرفداران نظام و شکست کامل جنبش سبز خبر دادند.





برخلاف موسوی و کروبی، رسانه‌های بین المللی شکست جنبش سبز در روز ۲۲بهمن را تایید کردند.
تیتر سایت هفته نامه آمریکایی تایم در روز ۲۲ بهمن ۸۸: سالگرد انقلاب ایران؛ مخالفان کجا بودند؟
تیتر سایت شبکه ان بی سی آمریکا در روز ۲۲بهمن: معترضان: آنها بردند و ما باختیم

ادعاهای کروبی و موسوی درباره راهپیمایی ۲۲بهمن چندان توجهی جلب نکرد چرا که همه در سراسر کشور، در تهران و شهرستان‌ها از نزدیک و به‌عینه واقعیت را دیده بودند که تلاش‌های چند هفته‌ای رسانه‌های جنبش سبز برای بسیج نیروهایشان در راهپیمایی ۲۲بهمن، چگونه به طور مطلق شکست خورد. پس از ۲۲بهمن۸۸، جنبش سبز عملاً وجود خارجی نداشت و فعالیت‌هایش در حد اینترنت و شعارنویسی، آن هم در برخی خیابان‌های شمال تهران محدود می‌شد. تلاش‌های بعدی هواداران موسوی برای گردهمایی یا اظهار وجود، در مناسبت‌هایی نظیر چهارشنبه سوری ۱۳۸۸، ۱۳فروردین، روز کارگر، روز معلم و ۱۴خرداد ۱۳۸۹ هم کاملاً بی‌نتیجه بود. در سالگرد ۲۲خرداد نیز ابتدا موسوی و کروبی از هواداران خود برای تجمع در خیابان‌های انقلاب و آزادی دعوت کردند اما با مخالفت وزارت کشور، از برگزاری این تجمع انصراف دادند.

روز چهارشنبه ۱۹خرداد، آمریکا و متحدان اروپایی‌اش، چهارمین قطعنامه تحریم ایران را به‌خاطر پرونده هسته‌ای در شورای امنیت سازمان ملل تصویب کردند. اوباما اعلام کرد: «قطعنامه تحریم علیه مردم ایران نیست... شنبه سالگرد انتخابات ایران است و دنیا سرکوب معترضان و قتل بی‌گناهان را به یاد می‌آورد.»

(رسانه‌های بین‌المللی، ۱۱ژوئن ۲۰۱۰) هیلاری کلینتون نیز از لغو راهپیمایی در سالگرد انتخابات، اظهار تاسف کرد. (فارس، ۲۱خرداد به نقل از العربیه)

سالگرد جنبش سبز با تجمع بی‌نظم ده‌ها نفر در خیابان انقلاب- که با تذکر پلیس پراکنده یا دستگیر شدند- برگزار شد. برخلاف ایران، در اروپا و آمریکا به‌خصوص شهرهایی که ضدانقلاب، مجاهدین خلق و سلطنت‌طلبان در آنها بیشتر سکونت دارند، مراسم سالگرد جنبش سبز با استقبال نسبی روبه‌رو شد. محسوس‌ترین تحول در سالگرد جنبش سبز، اعلام حمایت علنی، صریح و تمام‌عیار دولت آمریکا و اتحادیه اروپا از آن بود. در مراسمی که روز ۱۰ ژوئن ۲۰۱۰ (۲۰خرداد۸۹) در بنیاد ملی برای دموکراسی (NED)[یکی از طراحان و حامیان رسمی انقلاب‌های مخملی در آسیای میانه و اروپای شرقی که صراحتا هدف خود را براندازی رژیم‌هایی که با آمریکا مشکل دارند، اعلام کرده است] برگزار شد، جان مک کین (سناتور جمهوری‌خواه و نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۸آمریکا) طی نطقی درباره حوادث پس از انتخابات جمله‌ای کلیدی گفت: «یک سال پیش، تغییرات دموکراتیک در ایران غیر محتمل به‌نظر می‌رسید و درست یک هفته پس از آن، بالقوه اجتناب‌ناپذیر.» (الف، ۲۳خرداد۸۹)

در سالگرد انتخابات، با وجودی که اوباما و وزیر خارجه‌اش، هیلاری کلینتون و نیز مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با انتشار بیانیه یا ایراد سخنرانی، بر همبستگی کامل خود با جنبش سبز تاکید کردند اما شواهد و قرائن نشان می‌داد که جنبش سبز به تاریخ پیوسته است. جنبشی که می‌توانست به پشتوانه ۱۳ میلیون رای‌دهنده، تبدیل به جریانی مخالف اما قانونی دولت شود و حضوری فعال و موثر در صحنه سیاسی کشور داشته باشد، با رفتارهای موسوی طی ۸ ماه عملاً از کنترل او خارج شد، تحلیل رفت و نهایتاً با عوامل منافقین، سلطنت‌طلب‌ها و تروریست‌های انجمن پادشاهی ادغام شد و ماهیتی کاملاً ضد انقلاب به خود گرفت.

نگارش این کتاب در سالگرد انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری به‌پایان رسید. امروز نگاه به حوادث سال۸۸این سوال را به ذهن متبادر می کند که آیا آنچه میرحسین موسوی قبل و بعد از انتخابات انجام داد، فرآیندی تصادفی بود و مسیر حوادث، موسوی را راهبری می‌کرد یا اینکه این سلسله اقدامات در چارچوب طرحی از پیش تدوین شده بود. شاید قضاوت در این باره زود و پاسخ این سوال به شواهد و ادله بیشتری نیاز داشته باشد. با این حال مروری بر دستورالعمل‌های انقلاب‌های مخملی و براندازی نرم به ویژه کتاب «چارچوبی نظری برای کسب آزادی، دستورالعمل صدونودوهشت‌گانه جین شارپ» (تئوریسین کودتاهای مخملی)، و نیز گزارش مرکز سابان وابسته به موسسه بروکینگز درباره سیاست خارجی دولت اوباما شاید به یافتن پاسخ درست‌تر سوالات فوق کمک کند. لازم به یادآوری است مرکز سابان توسط میلیاردر یهودی، حیم سابان (Haim Saban) راه‌اندازی شده که در ژوئن ۲۰۰۹ نتایج تحقیقات خود را درباره سناریوهای دولت آمریکا در برابر ایران در اختیار دولت باراک اوباما قرارداد. این موسسه مشاور سیاست خارجی برای حزب دموکرات آمریکا محسوب می‌شود. دستورالعمل‌های صدونودوهشت‌گانه جین شارپ (برگرفته از کتاب از دیکتاتوری تا دموکراسی) و گزیده‌ای از گزارش موسسه سابان در بخش ضمیمه‌های پایان کتاب ارائه شده است.

برای تحلیل هرچه کامل‌تر و صحیح‌تر حوادث قبل و پس از انتخابات ۱۳۸۸ همچنین یافتن پاسخ این سوال‌ها راهگشا خواهد بود؛ سوال‌هایی که چه بسا در آینده پاسخی مستند برای آنها ارائه شود:

۱- چه کسی روز نهم خرداد ۸۸ در هواپیمای آسمان اهواز به تهران - که قرار بود حامل سیدمحمد خاتمی باشد- بمبگذاری کرده بود؟

۲- شامگاه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ وقتی میرحسین موسوی خبرنگاران را به ستاد خود فراخواند و خود را پیروز قطعی انتخابات معرفی کرد، آیا قلباً به ادعای خود

باور داشت؟

۳- آیا شعارهای یکسان تظاهرکنندگان در عصر شنبه ۲۳خرداد، در تهران، شیراز و اصفهان، به‌طور اتفاقی با هم شبیه بود؟ آتش زدن یکباره سطل‌های زباله شهرداری در وسط خیابان‌های تهران در عصر ۲۳خرداد را چه کسی سازماندهی کرده بود؟

٤- چه کسانی سحرگاه ۲۵خرداد ۱۳۸۸ وارد کوی دانشگاه تهران شدند و دانشجویان را مضروب ساختند؟ وانتی را که در پایان تجمع نسبتا محدود دانشجویان در شامگاه ۲٤خرداد، تجهیزات تخریب و آتش‌سوزی مقابل در کوی دانشگاه تخلیه کرد، چه کسی فرستاده بود؟

٥- چه کسی عصر روز شنبه ۳۰خرداد۸۸ ندا آقاسلطان را کشت؟ این قتل را چه کسی طراحی کرد و چه کسانی از طراحی و اجرای آن با خبر بودند و کدام جریان از آن سود برد؟ این سوالات درباره قتل مرحوم دکتر علی محمدی، استاد - به قول موسوی سبز- دانشگاه تهران و همچنین قتل مرحوم سیدعلی موسوی نیز وارد است.

٦- آیا کروبی وموسوی برای همیشه از قطار انقلاب اسلامی پیاده شده‌اند یا امیدی به بازگشت آنان وجود دارد؟

و...

پیوست‌ها

اشاره:

بخش پیوست‌ها و اسناد می‌توانست تا هزاران صفحه نیز افزایش یابد که بی‌تردید در قالب کتاب قابل ارائه نبود.

لذا آنچه در این بخش آمده، صرفاً مطالبی است که در متن کتاب به آنها اشاره شده یا از اهمیت بیشتری برخوردار است و جنبه اسنادی آن می‌تواند به خوانندگان و پژوهشگران کمک کند.



۱ـ بیانیه میرحسین موسوی برای اعلام کاندیداتوری در انتخابات (۲۰ اسفند ۱۳۸۷)

بسم الله الرحمن الرحیم. انتخابات ریاست جمهوری ـ که بزرگ‌ترین جشنواره جمهوریت در نظام ماست ـ نزدیک می‌شود. در آستانه این رویداد سرنوشت‌ساز، جای آن است که هر جان شیفته عدالت و آزادی و استقلال و توسعه که به تحقق این آرمان‌ها در چارچوب جمهوری اسلامی فکر می‌کند به وظایف و تعهدات خود از نو بیندیشد و با هدف استقرار یک جامعه ارزشی مبتنی بر آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) و متکی بر اندیشه‌های حضرت امام خمینی، مسوولیت خویش را بازشناسی کند. بر مردم شریف ایران پوشیده نیست که اینجانب طی ماه‌های گذشته با کمک و همفکری آنان در تکاپوی این جست‌وجو بوده‌ام؛ وضعیت کشور، انتخاب‌های پیش‌رو، حوادث ممکن، ظرفیت‌های موجود و بسیاری نکات خرد و کلان دیگر را مورد دقت قرار دادم و هرچه پیشتر رفتم؛ همان دلایل و عواملی که در وهله‌های گذشته به عدم حضور در صحنه انتخابات فرا می‌خواندند، بیشتر مرا متقاعد کردند که این زمان زمانی دیگر است و حضور را ایجاب می‌کند. اینک نه از روی خودپسندی ـ تا ارزش‌ها و ارجمندی‌های همگنان را نادیده بگیرم ـ و نه از سر تجاهل ـ تا مشکلات پیش رو را ناچیز و بضاعت اندکم را کافی از توکل به خداوند بدانم ـ بلکه به امید ادای وظیفه، قصد خویش را برای نامزد شدن در دوره دهم از انتخابات ریاست جمهوری اعلام می‌نمایم.

مستضعفان این مطمئن‌ترین پایگاه برای ارزش‌های برآمده از انقلاب اسلامی و آماده‌ترین قشر برای اصلاحگری و پایبندترین پشتوانه برای اصول و اصول‌گرایی صبورانه به‌گوش‌اند که آیا فرزندان مصدرنشین‌شان همچنان به جایگاه عزیز آنان اقرار می‌کنند و بر وظایف تخطی‌ناپذیرشان در حمایت از منافع محرومین اصرار می‌کنند. معنای این انتظار را چگونه لمس کرده است کسی که نداند در سفره‌های کوچک آنان اولی‌تر از نان، اعتنای صادقانه به ارزش‌هایی است که جان جوانانشان را خرج آن کرده‌اند؟ این اولویتی است که چشمه‌های برکت را از زمین می‌جوشاند. تنها نمونه‌ای از این جوشش، دستاوردهای برگشت‌ناپذیر جوانان دانشمند ما در زمینه انرژی هسته‌ای است. اگر سرهای آنان در مقابل اجنبی خم بود و یا احساس می‌کردند که آزادی گفتن و شنیدن و انتخاب کردن ندارند، هرگز چنین جوشش‌هایی از آنان سر نمی‌زد. ما این کامیابی‌ها را با هزینه کردن بودجه‌های نجومی به دست نیاورده‌ایم، بلکه ارزش‌ها هستند که چنین میوه داده‌اند و برکت آفریده‌اند.

به‌ویژه جا دارد که ارزش آزادی در این عصر مورد توجه چندین‌باره قرار گیرد. این آرمانی

است که خرازی‌ها و باقری‌ها و باکری‌ها در پای آن جان داده‌اند، زیرا اگر آنان و یارانشان نمی‌ایستادند، از جمله نخستین نعمت‌هایی که از ما سلب می‌شد آزادی بود. ما را چه می‌شود که به کمترین بهانه، خانه آرزوهای همت را خراب می‌کنیم تا به جایش برج‌هایی از جاه‌طلبی خود بسازیم؟ باید بدانیم که گشودگی در مقابل انتظار مستضعفان و بازگشت به ارزش‌ها هرگز کوشش برای یافتن راه حل‌هایی را که به نیرومند شدن اقتصاد کشور بینجامد، فضای کسب و کار را رونق دهد و از نیروهای مولد و تولید ملی حمایت همه جانبه کند، از اهمیت نخواهد انداخت.

شاید کسانی تصور کنند عجله برای عملی کردن چنین نیت خیری استفاده از هر شیوه‌ای را مباح می‌کند، ولو این که شامل قانون‌شکنی‌های گسترده باشد. این کار صرفا نقض عهد با ملت نیست بلکه انکار خرد جمعی است. اینجانب صراحتا اعلام خطر می‌کنم که تداوم چنین رویه‌ای به آشفتگی‌های لاعلاج در نظام مدیریتی منجر می‌شود، تا جایی که یک روز در کشور سنگی بر روی سنگ نماند. آیا فرصت‌هایی که تبعیت از قانون در اختیار قرار می‌دهد، پیش از این مستهلک شده است که دست به این بازی خطرناک می‌زنیم؟ قانون اساسی ما برای رسیدن به همین اهداف دارای ظرفیت‌های عظیمی است که همچنان می‌توانند به فعلیت برسند، به ویژه راهبردهای ارزشمندی که اصل‌های ۴۳ و ۴۴ از این میثاق ملی را شکل داده‌اند نیاز به توجه بیش از پیش دارند و ما موظفیم منابع کمیاب موجود را با تخصیص حداکثری در جهت تحقق هرچه کامل‌تر آنها به کار بندیم و از هدر دادن این منابع در خدمت منافع کوتاه مدت و اغراض سیاسی کم بها جلوگیری کنیم.

اینجانب ادعا نمی‌کنم که اهداف پیش رو به صرف انتخاب یک شخص قابل دستیابی است، بلکه خواست عمومی برای تجدید نظر در سیاست‌ها و گسترش گفتمان انقلاب اسلامی و تکیه بر ارزش‌های بنیادین زاییده از آن در سطح عموم است که می‌تواند ضامن چنین تحولی باشد. حتی در آن صورت نیز نباید منتظر معجزه بود. به یاد داشته باشیم که یک قدم پیشرفت که واقعا محقق شود بر آرزوهای درازی که جامه عمل نمی‌پوشند برتری دارد.

به زودی شور مبارزات انتخاباتی فراگیر می‌شود و درحرارت آن، هر شخص و گروه، جرعه‌هایی از آنچه هست را به مردم می‌چشاند و نمونه‌ای از دولتی را که برقرار خواهد کرد، در معرض دیدگان بینا قرار می‌دهد. شاید نتوان یک انتخابات جدی را در فضایی خالی از خرده‌گیری، به ویژه نسبت به دولتی که حاکم است در نظر آورد. با این همه لازم است که احترام دولت قانونی جمهوری اسلامی به دقت رعایت شود و انتقادات به صورت روشنگرانه، مستدل،

دلسوزانه و نه با قصد فریب ارائه گردد.

در جریان فعالیت‌های انتخاباتی، ستاد اینجانب حق چاپ و تکثیر عکس مرا نخواهد داشت و از علاقه‌مندانی که ممکن است به صورت خودجوش وارد صحنه تبلیغات شوند نیز انتظار دارم که به این خواسته خدمتگزار خود توجه کنند. از نظر من نوشته ساده یک شهروند علاقه‌مند به سرنوشت کشور در پشت شیشه مغازه‌اش دلنشین‌ترین و موثرترین الگوی تبلیغاتی است. این نه بدان معناست که استفاده از تصویر را الزاما مسرفانه و یا فریبکارانه بدانم، بلکه می‌خواهم از کارهایی که شایعه شیوعشان را در فصول انتخابات شنیده‌ام، و امیدوارم هرگز واقع نشده باشند، به اکیدترین وجهی پیشگیری کنم. هرگونه عمل خلاف اخلاق، حضور و نشاط مردم را در صحنه انتخابات خدشه‌دار می‌کند. چنانچه نام اینجانب در معرض اسائه قرار بگیرد انتظار از علاقه‌مندان و حامیان، سکوت است، چه رسد به آن که خدای‌ناکرده خود مرتکب هتک حرمت و بی‌ادبی نسبت به کسی شوند و نوشته یا گفته ناحقی را اشاعه دهند. علاقه‌مندان مطمئن باشند اگر مواردی رخ دهد که بر حسب موازین اخلاقی و قانونی نیاز به پیگیری داشته باشد، ستاد به وظیفه خود در این زمینه عمل می‌کند. همچنین از همه عزیزان و دوستان تقاضا دارم به هیچ‌وجه از امکانات و اموال عمومی، چه به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم، در امور انتخاباتی استفاده نکنند.

و سرانجام وحدت؛ حل مسائل بزرگ نه فقط به همفکری همه اندیشه‌ها و گفتمان‌ها، که به وحدت و انسجام تمامی نیروهای توانمند کشور نیز نیازمند است. امیدوارم با پختگی و حکمتی که در دلسوزان وجود دارد بتوانیم سرانجام به این هر دو ضرورت پاسخی درخور بدهیم.

برای مردم ایران آرزوی بهروزی می‌کنم و از ایزد منان تقاضا دارم به بهترین وعده‌هایی که به برترین بندگان خویش داده است در مورد این ملت بزرگوار وفا کند، که پیامبرانش گفته‌اند: فمن تبعنی فانه منی.

میرحسین موسوی

۲ـ بیانیه انصراف سیدمحمد خاتمی از کاندیداتوری در انتخابات (۲۶ اسفند ۱۳۸۷)

بسم الله الرحمن الرحیم. زادروز همایون حضرت پیامبر بزرگ اسلام (ص) و فرزند والاگهرش حضرت امام صادق (ع) را به ملّت شریف ایران و همه دوستداران حق و فضیلت شادباش می‌گویم و در آستانه سال نو، روز و روزگاری سرشار از شادابی و پیروزی را برای همه هموطنان عزیزم و همه کسانی که به صلح در جهان و کرامت و حرمت انسان در هر جا باور دارند آرزو می‌کنم.

سی سال از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی که هزینه‌ای سنگین برای آن پرداخته شده است می‌گذرد و ملت بیدار ایران، بحران‌های بزرگی را با پیروزی و سرافرازی پشت‌سر گذاشته است و دستاوردهای بزرگ معنوی و مادی او در این دوران کم نیست، ولی تا رسیدن به اوج آرمان‌های بلند تاریخی خود راه درازی در پیش دارد که به لطف الهی و بیداری و استواری و همت فرزندان دلیرش برای رسیدن به آنها امیدوار است.

بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی حضرت امام(ره) در تبیین نظری و عملی این نظام همواره رأی مردم و حضور فعال و مسوولانه آنها در صحنه را اصل می‌خواندند و جریان انتخابات آزاد و سالم در جمهوری اسلامی را ضرورتی اصیل و غیرقابل خدشه می‌دانستند.

اینک در آستانه انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، بار دیگر همه ما ایرانیان در برابر آزمایشی مهم قرار گرفته‌ایم.

آنچه می‌تواند امید به آینده بهتر را زنده نگه دارد، حضور آگاهانه، مسوولانه و فراگیر ملت است که هر مانعی را از پیش رو برخواهد داشت و من نیز در هر شرایطی نقش و وضع خود را جدا از نقش و وضع ملت شریف ندانسته و نمی‌دانم و در تمام دوران مسوولیت رسمی و پس از آن، ضمن تأکید بر آرمان‌های والای انقلاب، همچنان در راه تقویت جامعه مدنی و تبیین گفتمان اصلاحات در متن جامعه از هیچ کوششی دریغ نکرده و نخواهم کرد.

درخواست‌های گسترده اقشار مختلف و وسیع مردم در سراسر کشور مرا بر آن داشت که با وجود همه مشکلات، تنگناها و موانع به عنوان نامزد این دوره از انتخابات اعلام حضور کنم در حالی که پیش از آن گفته بودم که ترجیح من چنین است تا در موقعیتی غیر از مسوولیت ریاست جمهوری، دین خود را به مردم و کشور بپردازم و بر این باور بودم که دیگرانی که شایسته‌اند در عرصه حاضر و فعال باشند. بحمدالله قبل از من بزرگانی اعلام حضور کردند و اینک جناب آقای مهندس میرحسین موسوی هرچند دیر، آمادگی خود را برای نامزدی به طور رسمی اعلام کرده‌اند.

ضمن سپاس فراوان از همه محبت‌هایی که از دوستداران اسلام و ایران از جمله احزاب و تشکل‌های مختلف و نخبگان و اندیشمندان و هنرمندان و بالاتر از همه، از سوی توده‌های پرشور مردم در سراسر میهن عزیز نصیب من شده است و نشانه این شور پرشکوه را همگان در سفر کوتاه من به استان‌های فارس، کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر دیدند و به‌خصوص با تشکر از نسل جوان و بیداردل که شور و شعور تأمل برانگیز خود را بیش از پیش نشان دادند، اعلام می‌کنم که به یاری پروردگار همچنان و همواره در کنار مردم از عزت اسلامی، عظمت ایران و سربلندی ایرانی در همه حال و در همه جا در حد توان خود دفاع کرده و خواهم کرد. ضمن تأکید بر این نکته که همه ما باید میدان و عرصه انتخابات را از بازیگرانی که چشم به تفرقه نیروهای اصلاح طلب و خواستار تغییر دوخته‌اند بگیریم و همه تلاش خود را برای برگزاری انتخاباتی آزاد و سالم معطوف کنیم. انصراف خود را از نامزدی در انتخابات دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اعلام می‌دارم، اما همچنان با همه توان با فعالیت مستمر و حضور در صحنه اجتماع لحظه‌ای از آرمان‌های مردم و مسوولیت خود در برابر آنان فاصله نخواهم گرفت. در این شرایط حساس و خطیر نکته‌هایی را یادآور می‌شوم:

۱ ـ حرکت اصلاح طلبانه که تباری روشن و پیشینه‌ای تاریخی دارد، حرکتی است مستمر که از متن جامعه (نه بالضروره از حکومت و قدرت) می‌گذرد. آرمان‌های این حرکت در افقی قرار دارد که فاصله ما با آن کوتاه نیست، ولی آنچه باید به فوریت به آن اندیشید، تغییر سازنده در وضعیت کنونی کشور و در روال مدیریت آن است. در عین احترام به همه مسوولان و دست‌اندرکاران امور و عرض خسته نباشید به همه آنان، می‌گوییم که شیوه عمل و راهکارها و راهبردها (اگر واقعاً راهبردی وجود داشته باشد!) اکنون منجر به ظهور و بروز مشکلات فراوان و اساسی برای انقلاب، کشور و مردم شده است که رفع آنها نیز همتی بلند و شکیبایی فراوان می‌طلبد. بنابراین در این برهه حساس اندیشیدن به تغییر و تلاش برای تحقق آن، رسالت و وظیفه همه کسانی است که به ایران، به مردم و خواسته‌های مبرم آنان و به آرمان‌های انقلاب می‌اندیشیدند.

۲ـ وحدت و پرهیز از تشتت رأی و تصمیم برای همه کسانی که گذر از وضع فعلی و رسیدن به وضعیتی بهتر را باور دارند، امری ضروری و پاسداشت آن مقتضای خرد است.

۳ـ هنگامی که گفتم «یا من یا مهندس موسوی» در عین احترام به همه عزیزانی که در عرصه انتخابات حضور داشته یا خواهند داشت، به این ظرایف نظر داشتم:

اولاً: به اهمیت انتخابات، ضرورت پیروزی در آن، لزوم تغییر وضع فعلی در جهت مصالح

کشور و اصلاح در حد توان و امکان، یکپارچگی نیروهای تغییرخواه و پرهیز از مخدوش شدن ضرورت‌های فوق با طرح گفتمان‌های متفاوت، (ولو یکسان در اصول) توجه داشتم و لذا با فرض آمدن جناب آقای موسوی نمی‌آمدم و حالا نیز نمی‌مانم.

ثانیاً: جناب آقای مهندس میرحسین موسوی دارای شخصیتی اخلاقی، آزاداندیش، متعهد به اسلام و انقلاب و مردم، از سرمایه‌های ارزشمندی است که در موقعیت‌های خطیر و حساس، صداقت و شایستگی خود را در خدمت به کشور و ملت نشان داده‌اند. همچنان که برادر گرانقدرم، حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای کروبی نیز از نیروهای ارزش‌مدار، رنج کشیده پیش و پس از انقلاب، مخلص و شایسته است که همواره در خدمت مردم و انقلاب بوده‌اند و همچنین دیگر عزیزانی که آمدن خود به صحنه انتخابات را بزرگوارانه منوط به نیامدن من کردند، همگی بزرگواران شایسته‌اند.

ثالثاً: بر این باورم که جناب آقای مهندس موسوی، برای ایجاد تغییر در شرایط کنونی شایستگی لازم را دارند، هرچند ممکن است تفاوت‌ها و تمایزهایی در نظر و عمل وجود داشته باشد، اما مهم آن است که این عزیز نیز به آرمان‌های انقلاب و ملت پایبندند و از حقوق و آزادی‌های بنیادین و حاکمیت مردم بر سرنوشت و مصالح ملی و حیثیت بین‌المللی کشور به جد دفاع کرده و می‌کنند.

رابعاً: حضور در انتخابات برای پیروزی است، نه یک تفنن پرهزینه و بر این باورم که ایشان زمینه کسب آرا و انتخاب از سوی مردم را دارند، البته در صورتی که همه ما هوشیارانه و واقع بینانه عمل کنیم.

خامساً: آنچه باید بیش و پیش از هر چیز مد نظر باشد، پیروزی اخلاقی است که اگر چنین باشد، نتیجه انتخابات هرچه باشد اخلاق مداران پیروز خواهند بود و شائبه رقابت بر سر قدرت برای من که همواره بر اخلاق تأکید داشته و دارم، امری است که همه تلاش خود را در رفع آن به کار خواهم برد. حال که جناب آقای موسوی به صحنه آمده‌اند، با اجتناب از هرگونه گفتار یا عملی که موجب تفرقه باشد، نیاز به ایجاد فضای شاداب وحدت و همدلی است. هر عملی که به تشتت آرا و اختلاف نظر خواستاران «تغییر» ـ در هر جبهه و جناحی که باشند ـ بینجامد، در پیشگاه خداوند و نزد مردم قابل گذشت نخواهد بود.

من به حکم وظیفه اخلاقی و برای پرهیز از هرگونه پراکندگی در آرا و با ایمان کامل به توان و مرجعیت مردم که «میزان» رأی آنان است و باید آرایشان در حد امکان به نقطه واحدی سوق داده شود، از صحنه نامزدی انتخابات کنار می‌کشم تا به یاری خداوند تغییر و بهبود اوضاع

بهتر و کم هزینه‌تر در دسترس قرار گیرد و با این کار می‌کوشم تا امکان بهره‌برداری سوء را از کسانی که پیروزی خود را در القای اختلاف و نیز تشتت آرا در جبهه گسترده خواستاران تغییر می‌جویند بگیرم.

بر این پایه از همه افراد و شخصیت‌ها و گروه‌های فعال در عرصه انتخابات می‌خواهم با تأکید بر موازین اخلاقی و پرهیز از واکنش‌های احساسی، راه را بر هرگونه پیش‌داوری و سوء تفاهم ببندند و چشم‌اندازی نو برای تأثیرگذاری در سرنوشت انتخابات پیش رو بگشایند.

به برادران عزیزم آقایان کروبی و موسوی نیز صمیمانه عرض می‌کنم که مدبرانه و دلسوزانه صحنه را با تفاهم چنان مدیریت کنند که خدای ناخواسته به تفرقه و تشتت نینجامد و می‌دانم که این عزیزان همه تلاش خود را در این راه به کار خواهند برد، ان شاء الله.

در اینجا بار دیگر از همه بزرگوارانی که به من اظهار لطف کرده و می‌کنند سپاسگزاری می‌کنم و به ویژه به جوانان عزیزی که داوطلبانه و بی هیچ چشمداشتی، منشاء شوری دل‌انگیز و تحرکی موثر در جامعه شدند عرض می‌کنم که ما می‌توانیم در کنار هم و با بهره گیری از فضایی که ان‌شاءالله باز تر از فضای کنونی خواهد بود، در جهت خواست‌های تاریخی ملت و آرمان‌های بلند اصلاح‌طلبانه و برای تقویت ارزش‌های اصیل انقلاب و اعتلای میهن و آزادی و حقوق اساسی ملت و عدالت همه جانبه و بالابردن وجهه و اعتبار مردم ایران در کشور و در منطقه و جهان حرکت کنیم.

ان ارید الا الاصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب.

سیّد محمّد خاتمی

۳ــمتن کامل مناظره احمدی‌نژاد ـ موسوی (۱۳خرداد ۱۳۸۸)

مجری: باعرض سلام خدمت بینندگان محترم، سالروز رحلت امام خمینی را تسلیت عرض می‌کنم. بینندگان عزیز سیمای جمهوری اسلامی ایران! شاهد دومین مناظره بین کاندیداهای محترم دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری هستیم. امشب در خدمت دو تن از کاندیداهای محترم هستیم؛ جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد و جناب آقای مهندس میرحسین موسوی. خدمت هر دو بزرگوار سلام عرض می‌کنم، خیرمقدم و خسته نباشید می‌گویم. در ابتدا از هردو مهمان خواهش می‌کنم با بینندگان سلام و احوالپرسی کنند و اگر مطلبی دارند به عنوان مقدمه بگویند.

محمود احمدی‌نژاد: یعنی نوبت من است که سخن بگویم؟

مجری: نه، ابتدا با بینندگان سلام و احوالپرسی کنید و بعد موضوعات دیگر را عرض خواهم کرد.

احمدی‌نژاد: خدمت ملت بزرگ و سرافراز ایران سلام عرض می‌کنم؛ ایام رحلت امام راحل را تسلیت عرض می‌کنم و برای همه سربلندی، سلامت و عزت روزافزون مسالت دارم.

میرحسین موسوی: خدمت همه هموطنان عزیز سلام عرض می‌کنم و خوشحالم از طریق رسانه‌ها در خدمت شما هستم. رحلت امام را که همه هویت و عزت ما از وجود مبارک ایشان است، به همه شما تسلیت می‌گویم.

مجری: هر یک از بزرگواران ده دقیقه صحبت می‌کنند و براساس قرعه‌کشی، آقای احمدی‌نژاد شروع کننده و آقای موسوی پایان دهنده مناظره خواهد بود. هر یک از دو نامزد حدود ۴۱ تا ۴۲ دقیقه فرصت حرف زدن خواهند داشت.

سوال مجری از احمدی‌نژاد: قاعدتاً هر کس دارای دغدغه‌هایی است. اگر می‌خواهید در صحنه باشید و به عنوان کاندیدای احتمالی ریاست جمهوری رقابت کنید، مهم‌ترین دغدغه‌های شما برای باقی ماندن در صحنه انتخابات چیست؟

احمدی‌نژاد: بسم الله الرحمن الرحیم. اللهم عجل لولیک الفرج والعافیه والنصر واجعلنا من خیر انصاره و اعوانه والمستشهدین بین یدیه. ابتدا خدای بزرگ را شاکرم که فرصت داد یک دوره در خدمت مردم عزیز ایران باشم و از مردم خوبمان به خاطر همه حمایت‌ها و بزرگواری‌ها و همراهی هایشان و آرزو می‌کنم ملت ایران همواره سربلند باشد.

یاد امام عزیز، شهدای بزرگوار، ایثارگران، جانبازان و آزادگان را گرامی می‌دارم که راه

سربلندی را در برابر ما قرار دادند و امروز هر چه داریم از آنهاست.انتخابات عرصه بسیار مهم سرنوشت است. انتخابات در کشور ما فقط انتخاب یک فرد نیست بلکه انرژی گرفتن ملت برای پرش‌های بلند به سمت قله‌های عزت و پیشرفت است. فضای انتخابات باید پرشور و نشاط باشد. فضای انتخابات باید سرشار از منطق و دوستی‌ها و هم‌افزایی‌ها و برادری‌ها باشد.

من در ابتدای عرایضم می‌خواهم گله کنم از برخوردهای بسیار غیرمنصفانه و ظالمانه؛ بلکه دروغ پردازی‌های بزرگ و تخریب بی‌سابقه‌ای که علیه یک دولت انجام شده است. در طول تاریخ بعد از انقلاب نداشتیم چه در طول یک دولت، چه در ایام انتخابات، این قدر هجمه سنگین علیه دولت. معتقدم علتش این است که دوستانی که تصمیم گرفتند وارد عرصه شوند احساس کردند که در هیچ یک از عرصه‌های مثبت و سازنده، قدرت رقابت با دولت را ندارند به خصوص در عرصه خدمات گسترده دولت که بی‌نظیر بود.

در هر بخشی وارد بشویم در مقایسه با دولت‌های قبل، گرچه آنها هم خدماتی داشته اند اما کار این دولت به اندازه چند دولت است به خصوص در عرصه بین‌الملل، متاسفانه پیروزی‌های بزرگ ملت را هم انکار کردند.خدمات دولت را به طور مطلق منکر شدند. ای کاش به جای این همه تخریب و تبلیغات سنگین بی سابقه یک برنامه ارائه می‌شد. متاسفانه در تبلیغات انتخاباتی به ملت بزرگ ایران توهین شد که من بسیار متاثر شدم. چرا باید مردم را از خود ناامید کنیم؟ چرا باید خودمان را این‌قدر شیفته قدرت نشان دهیم؟

من شخصاً علاقه‌مند به ورود به این بحث‌ها نبوده‌ام. چهار سال تحمل کرده ام و از همه توهین‌ها و افتراهایی که به خود من شد گذشت کردم. الان هم می‌گذرم و بارها اعلام کرده ام که همه را بخشیده ام اما از توهین به مردم و توهین به انتخاب مردم، از توهین به فهم و شعور مردم و منافع مردم نمی‌توانم بگذرم و اجازه ندارم. مردم این اجازه را نمی‌دهند وقتی که حیثیت آنها مورد هجوم قرار می‌گیرد، نسبت به آن گذشت کنم.

در دیدارهایی که من با مردم دارم در شهرهای مختلف به طور گسترده از من می‌خواهند که از حق آنها دفاع کنم، از موضع آنها دفاع کنم. من باید ریشه این فریبکاری‌ها و جفاکاری‌ها را به مردم بگویم. قبلاً هم وعده کرده بودم که بگویم. باور من این است که فقط آقای موسوی در برابر من نیست، تنها آقای موسوی نیست، بلکه سه دولت پی در پی در برابر من قرار گرفته‌اند، هم آقای موسوی است، هم آقای هاشمی، هم آقای خاتمی که این سه در گذشته همه با هم بودند. در دور گذشته هم آقای موسوی از آقای خاتمی حمایت کرد و هم از آقای هاشمی حمایت کرد و هم آقای خاتمی از آقای هاشمی حمایت کرد.

در واقع اینها همه با هم بودند. از روز اولی که این دولت تشکیل شد هجوم‌ها بود برای ضربه زدن. البته مردم این‌ها را می‌دانند اما باید جوان‌ها هم بدانند که بنده در برابر یک کاندیدا نیستم، در برابر یک مجموعه‌ای هستم که با محوریت آقای هاشمی و همکاری آقای موسوی و خاتمی علیه بنده حرکت کرده‌اند.

علت این فشار سنگین در این چهار سال و فشارهای سنگین تر در ایام انتخابات به نظر من به یک مساله برمی‌گردد و آن این‌که در این سه دوره، یک ساختار اداری و حلقه مدیریتی شکل گرفت که از مسیر انقلاب و ارزش‌های آن فاصله گرفت. نه این‌که در این سه دوره خدماتی انجام نشد؛ چرا شد، اما آرام آرام یک جریانی شکل گرفت که خود را مالک ملت، مالک انقلاب، حاکم بر مردم می‌دانست و دست خودش را در بیت المال و مسائل کشور باز می‌دید. آنها در انتخابات قبل صف آرایی کردند اما ملت بر آنها غلبه کرد.

در این چهار سال تلاش کردند که دولت را ناموفق کنند، ناموفق جلوه بدهند و بشکنند اما خدای متعال عنایت کرد و با حمایت مردم تا اینجا آمدیم. در انتخابات قبل، از داخل و خارج از رقیب من پشتیبانی و به او کمک شد.در همان اوایل دولت، آقای هاشمی پیغامی برای یکی از پادشاهان حاشیه خلیج فارس فرستاد که شما نگران نباشید؛ ظرف شش ماه این دولت ساقط می‌شود اما بعداً افرادی رفتند و توضیح دادند و مساله تا حدودی حل شد. معنای این حرف به‌روشنی، طراحی‌های گسترده علیه دولت را می‌رساند در حالی که این دولت در خدمت مردم در مدت کوتاه چهار سال، افتخارات بزرگ در عرصه‌های داخلی و جهانی به‌وجود آورد که البته کار ملت است.

امروز می‌بینیم ملت با نشاط است. ظرفیت‌های ملت در حال شکوفایی است. در عرصه‌های علمی و فناوری، سیاسی به خصوص در سیاست خارجی امروز ملت ایران عزیز است و عزیزترین ملت‌هاست و همه اینها نادیده گرفته می‌شود و سنگین ترین دروغ‌ها و تهمت‌ها در طول چهار سال به خصوص در سه ماه اخیر. من البته آقای موسوی را دوست دارم و همیشه هم به ایشان احترام گذاشته ام اما اتفاقی که در این سه ماه افتاد، برای من قابل توجیه نیست.

جناب آقای موسوی برای این‌که متوجه بشوید در کشور مشکل هست و اعتیاد هست، ما نیاز نداریم که برویم و بازیگر بیاوریم در اتوبوس تا بفهمیم اعتیاد هست.شما چند سفر کرده‌اید تا متوجه شدید که در کشور مشکلات هست. آیا این مشکلات در چهار سال ایجاد شده است؟ پس بیست وچهار سال چه؟ یعنی یک گلستانی را دوستان جناب عالی و متحدان جناب عالی به بنده تحویل داده‌اند و بنده آن را به یک خرابه تبدیل کرده ام و هیچ اتفاق مثبتی هم نیفتاده

است؛ تازه معلوم شده است که بنگاه‌ها مشکل دارند؟ تازه معلوم شده است که بیکاری وجود دارد؟شما چهار تا استان و شهرستان رفته اید اما من همه استان‌ها را دیده ام و اگر بنا باشد از مشکلاتی که مردم دارند صحبت کنم، تمام وقت این مناظره را هم اختصاص بدهیم، وقت کم می‌آوریم.تازه معلوم شده است در گذشته ما بیکاری نداشتیم؟ اعتیاد نداشتیم؟ کارگاه‌ها مشکل نداشته‌اند؟ مشکلات اقتصادی نبود؟ مشکل صنعت نبود؟ مشکلات کشاورزی نبود؟ همه اینها در این دوره؟ای کاش شما برنامه ارائه می‌دادید. من به شوخی در یک جایی گفتم خوب شد که من هم داوطلب هستم و الا این سه عزیز که امروز کاندیدا هستند به مردم چه می‌خواستند بگویند.این جمله را هم بگویم که در همین عرصه رقابت هم رقابتی بین چهار نفر نیست؛ سه نفر علیه یک نفر. همه عرصه‌ها حتی مناظره دیشب مناظره نبود؛ علیه یک نفر بود. به نظر من فاقد منطق هست. ما باید بیاییم بر مبنای عدالت و منطق کار کنیم.

موسوی: بسم الله الرحمن الرحیم. از همه بیننده‌ها و تماشاکننده‌ها تشکر می‌کنم. صحبت‌های خوبی مطرح شد که بنده به صورت روشمند می‌خواهم با آنها برخورد کنم. اولا بنده دوست داشتم که آقای احمدی‌نژاد در کارشان موفق باشند و بنده وارد این عرصه نشوم.اگر چنین اعتقادی پیدا می‌کردم قطعا خودم لازم می‌دیدم که در آن کاری که هستم، باشم و وارد این عرصه نشوم.دو سه نکته می‌گویم و بعد به اصل قضیه می‌پردازم. آقای هاشمی و آقای خاتمی اشخاص بزرگی هستند که خودشان باید با آقای دکتر مناظره کنند و جواب‌هایشان را بدهند.

بنده مشکلاتی با دولت دارم و به خاطر خطری وارد صحنه شدم که در این زمینه صحبت خواهم کرد و وارد دوران آقای هاشمی و آقای خاتمی نخواهم شد.چهار سال از این مدتی که ایشان می‌فرمایند مربوط به دوره بنده و حضرت امام است که اگر لازم باشد بنده توضیح خواهم داد. من همیشه ایران را دوست داشتم و فکر می‌کنم این عشق با همه ما قرین است. هیچ ایرانی فکر نمی‌کنم به ایرانیت خود افتخار نکند و نگران آینده ایران و به اصطلاح مشکلاتش نباشد. همه دلشان می‌خواهد ایران را بزرگ و سرافراز ببینند.

ما دوست داشتیم که ایران به عنوان قدرت اول منطقه در همه شوون علمی، اقتصادی نقشی داشته باشد، آبرویی داشته باشد و الگویی برای همه جهان باشد. اصلا انقلاب کردیم برای همین. انقلاب کردیم برای این‌که ایران اسلامی بزرگ باشد، تاثیر گذار باشد و بتواند به اصطلاح در جهان اثر گذار باشد و پیام خودش را به همه جهان برساند. منتها در برخورد با حل مسائل کشور و این‌که ما ایران را به جایگاه واقعی خود برسانیم، من احساس می‌کنم دو نوع می‌شود برخورد کرد و دو نوع مدیریت می‌شود داشت. یک مدیریتی هست براساس

ماجراجویی و بی‌ثباتی، رفتارهای نمایشی و قهرمان نمایی و شعاری، خیالبافی و خرافه گرایی، پنهان‌کاری، خودمحوری، قانون‌گریزی، سطحی‌نگری و روزمرگی و افراط و تفریط که من بقیه بحث‌ها را در این چارچوب پیش خواهم برد.یک موردی هم هست که ما بیاییم بر اساس متانت، رفتارهای منطقی و کارشناسی شده، واقع‌بینی و خرافه‌ستیزی و شفافیت، صراحت، قانونگرایی و اتکا به خرد جمعی، دوراندیشی و آینده‌نگری، اعتدال و میانه‌روی کار کنیم.ما اگر می‌خواهیم ایران نیرومند داشته باشیم، من فکر می‌کنم که آن رفتار دوم مناسب‌تر است یعنی ما بر اساس آن عمل کنیم.

در اینجا برنامه‌ها را نوشته ام و فکر می‌کنم بنده سه برنامه مناظره دارم که مورد علاقه مردم است و اینها را مکمل همدیگر می‌دانم. بر عکس آقای احمدی‌نژاد فکر می‌کنم که اینها می‌تواند فرصتی باشد که به تدریج هم برنامه هایم را بگویم و هم نقطه نظرهایم را.آنچه در این جلسه مهم است که بگویم، انگیزه اصلی بنده است که بیایم رئیس‌جمهور شوم. حقیقت این است که بنده برای آینده کشور احساس خطر کردم، با این مدیریتی که توضیح دادم و چون بحث از سیاست خارجی شروع شد من مستقیم به سیاست خارجی می‌پردازم. بعد به مسائل اقتصادی و بعد به مسائل فرهنگی و اجتماعی.

من موردی هم صحبت می‌کنم، کیس به کیس، مورد به مورد، به قول معروف که قابل لمس برای همه مردم ما باشد. کلی صحبت نخواهم کرد و نمونه نشان خواهم داد.یکی از مشکلات ما عدم تناسب شعارهایی است که داده می‌شود با عمل. شعارها بیشتر جنبه اسطوره‌پردازی دارد و به نظر من، یک مقدار زیادی خیال پردازی در مورد آینده جهان است. مثل این‌که آینده کشورهایی در حال فرو ریختن است، تمدن دارد از بین می‌رود و یا این‌که ما جهان را مدیریت می‌کنیم و امثال اینها، پشتوانه عملی آنها به نظر من هیچ چیز نیست. با چهار پنج مثال نشان می‌دهم.

مساله آزادسازی ملوان‌های انگلیسی، ملوان‌های انگلیسی به حوزه ما تجاوز کردند، نیرو[ها]ی ما رسیدند و آنها را دستگیر کردند. کار افتخارآمیزی کردند و باید مورد تائید قرار می‌گرفتند. بعد بلافاصله بر اساس همین چارچوبی که اشاره کردم، ما اول گفتیم که اینها باید اعدام شوند که چرا آمده‌اند در سرزمین، و یک بحران بزرگ جهانی ایجاد کردیم. بعد هم تصمیم گرفتیم که به تنشان کت و شلوار بپوشانیم و بعد، رئیس‌جمهور ـ که مسوولیت و موقعیتش متعلق به خودش نیست و متعلق به مردم است – آمد، از آنها خداحافظی کرد و به اصطلاح با یک مراسمی که حتی ما برای سران کشورهای دیگر انجام نمی‌دهیم، آنها را راه انداختند و رفتند.

آیا این عزت ملت ما را حفظ کرد؟ من فکر می‌کنم این جور چیزها هم خسارت می‌آورد، هم امنیت ملی و هم عزت آنها را خدشه دار می‌کند. هم این‌که سیاست خارجی ما را دچار فراز و نشیب می‌کند و هزینه‌هایی می‌پردازیم. بعد مسافرتی رئیس کشور ما داشتند به کشور عراق. بدون این‌که معلوم بشود از کجا و چگونه، ایشان مطرح کردند که من را می‌خواستند بربایند؛ من را می‌خواهند بگیرند. این هزینه ایجاد می‌کند. اگر می‌خواستند بربایند، بایستی آمریکایی‌ها می‌خواستند بربایند. چطور آمریکایی‌هایی که می‌ربایيدند، همان آمریکایی‌ها بنزین هواپیمای دولتی ما را در آنجا تامین کردند؟ و بعد در عراق ما رفتیم منطقه خضرا، منطقه‌ای که در عراق تحت تسلط آمریکایی هاست، آنجا ملاقاتمان را کردیم و بعدا با سربازان عکس گرفتیم و برگشتیم.

همین مساله هم در ایتالیا چیز شد. بازهم گفتیم ما را می‌خواهند بربایند. من می‌گویم که آیا ما باید تصورات خودمان را آنقدر گسترش دهیم که در حوزه سیاست خارجی ما ـ که مربوط به صحنه منافع ملی ماست ـ این را گسترش دهیم؟ آیا می‌تواند مشکلاتمان را حل کند؟ این مشکل ایجاد می‌کند برای ما یا هزینه‌های گزافی به بار می‌آورد. بعد مساله عربستان پیش می‌آید. آن طور که بارها گفتند و بنده با واسطه هم شنیدم، و بعدا هم گفته شد که از اینجا بالاخره مسوولیتی داشتم، خیلی مهم است که چگونه آدم را دعوت کنند و چگونه به مسافرتی برود. بعد ما از این طرف هی پیغام دادیم که ما را بخواهید. ما را دعوت کنید بیاییم و همه دوستانی که در وزارت خارجه و در جای دیگر هستند، و از ملک عبدالله بنده نقل قول با واسطه دارم در مورد همین خواست ما برای این‌که از ما دعوت بشود به آنجا بیاییم. بعد وقتی که می‌رویم آنجا، حالا نتایجی گرفته شده، باید نتیجه دهد. برای مسافرتی که چند دفعه رفتیم و برگشتیم، باید یک نتیجه بگیریم.

آن وضعیت زوار ما و روابط ما با عربستان است. آیا بهتر شده است یا بدتر شده؟ بعد آمدیم از قول رئیس آن کشور علیه وزیر خارجه‌اش یک صحبتی کردیم و بخش قابل توجهی از این خاندان و آن وضعیت عربستان. برای کشورمان مشکل ایجاد کردیم. ما می‌گوییم چرا این هزینه‌ها را ایجاد می‌کنیم؟ به حساب کسی این کار را می‌کنیم و آیا اثرش کم است؟ زیاد است؟ بعدا ما بارها شنیدیم که آمریکا دارد شکست می‌خورد و دارد از بین می‌رود. اگر هست چرا ما چهار مرتبه مسافرت کردیم، چرا دو تا نامه نوشتیم، چرا دائم مثلا دنبال این هستیم که به شکل خاصی رئیس‌جمهور سوئیس رفته صحبت کرده، در مجلس صحبت کرده است و فکر نمی‌کنم که کسی این چنین ریسک کند و دروغ بگوید که گفته شده از ما خواسته شده است که

به اوباما گفته بشود قبل از انتخابات با ما صحبت داشته و مساله رابطه آمریکا با ایران به نوعی حل شود یا گفت‌وگو شروع شود. آیا به نفع کشور و آیا به نفع ماست؟ من تند تند می‌گویم برای این‌که سرفصل‌هایی بدهم.

صحبت از سیاست خارجی شد. واقعا در [این] زمینه، هم عزت ملت خود را مخدوش کردیم و به آن لطمه زدیم و آبروی کشور خودمان را بردیم و هم به ما لطمه زده. توسعه داخلی کشور خودمان را دچار مشکل کردیم. تنش وسیعی با کشورهای دیگر ایجاد کردیم.

مجری: سریع‌تر. فرصت شما رو به اتمام است.

موسوی: من یک دقیقه می‌گویم و سپس از حساب من کم کنید. ظاهرا دیشب هم همین کار را می‌کردید.

مجری: البته قرار شد دور اول فقط ده دقیقه باشد.

موسوی: مساله هولوکاست. هولوکاست را ما آمدیم مطرح کردیم و دوباره پس از این‌که خسارت‌هایی دیدیم در مجمع عمومی یک چیزی، مصوبه‌ای گذراندند. دیگر این مساله جرم شد که کسی صحبت کند راجع به هولوکاست.

و در مساله سوئیس که آن ماجرا پیش آمد و واقعا اگر تصویرش را نمی‌دیدم باورم نمی‌شد که این اندازه اهانت به رئیس‌جمهور؟ رئیس‌جمهور مظهر ملت ماست، مظهر کشور ماست، ایشان نباید راضی باشد. من در بندهای بعدی صحبتی از خاطره حضرت امام (ره) می‌کنم که چقدر ایشان درباره حیثیت جمهوری اسلامی، حساس بود. بعد آمدیم آن را به عنوان حماسه مطرح کردیم، چه حماسه‌ای؟ جز این‌که مصوبه دیگری برای هولوکاست به وجود آمد؟ جز این‌که اروپا کمی رابطه اش با اسرائیل بد شده بود به خاطر جنایت غزه و به دلیل این حرف‌ها آمد پشت سر اسرائیل قرار گرفت؟ ما کجا توانستیم تامین منافع خودمان را در سطح جهان داشته باشیم؟حالا شما می‌گویید ده دقیقه تمام شده است. بنده بقیه بحث در این زمینه را که طولانی است، بعدا بیان می‌کنم.

احمدی‌نژاد: آقای موسوی! فکر می‌کنم اگر تمام قضاوت‌های شما بر اساس این استنادات باشد، باید یک تجدید نظر جدی بکنید. من دوستانه به شما می‌گویم، من به شما علاقه‌مند هستم. این گونه قضاوت بر اساس اطلاعات غلط، خیلی بد است.ملوانان انگلیسی دستگیر شدند، (خب) ماجرا اوج گرفت، آقای بلر کتباً نامه زد، عذرخواهی کرد و گفت ما سیاست هایمان را در رابطه با ایران عوض خواهیم کرد. این سند الان در وزارت خارجه موجود است. بعد هم ما تفکیک کردیم. به نظر من یکی از زیباترین کارهای جمهوری اسلامی ایران برخورد با ملوان‌ها

بود. آنها بیست و هفت، هشت سال بود ازجمله در دوره خود آقای موسوی ما را ضد انسان، ضد حقوق بشر، خشن، گروگانگیر معرفی می‌کردند. آنجا ما آمدیم مردم انگلیس را از دولت انگلیس جدا کردیم، این کار به نظر من بهترین کار بود.

در موضوع عربستان، بر خلاف حرف آقای موسوی که من نمی‌دانم از کجا این اطلاعات را می‌آورد، در نشست اوپک که ما رفته بودیم، آقای ملک عبدالله ابتدا به ساکن، قبل ازنشست سران اسلامی به من گفت که دعوت می‌کنم شما به مکه بیایید. در نشست سران اسلامی گفتم نه، من الان اینجا آمده ام و فرصت ندارم، آغاز کار دولت است.در اوپک ایشان گفت اگر دعوت کنم می‌آیی مکه. گفتم بله، اگر شما دعوت کنی من می‌آیم و دعوت هم برای حج بود، سفر سیاسی آن چنانی که انتظار داشته باشیم نبود. ضمن این‌که خوب بود، آقای موسوی تصاویر را ببینند، وقتی ما وارد مطاف شدیم، چه موجی در کل مسلمانان درست شد؟ چه سخنرانی‌ها و تظاهرات، فریادها و اظهار محبت‌هایی به ملت ایران کردند.

در موضوع هولوکاست خیلی جالب است. آقای موسوی، در همین عربستان رابطه ما الان چه جور است؟ رابطه آقای موسوی چه جور بود؟ من نمی‌خواهم بگویم در دوره جناب آقای موسوی از گذرنامه و فرودگاه ایشان چه بردند آنجا و چه دستگیر شد و چه بساطی علیه کشور راه افتاد اما همین مقدار می‌گویم که رابطه ما با آنها قطع شد. یعنی جوری در دوره آقای موسوی عمل کردند که رابطه با عربستان از اساس قطع شد. من تعجب می‌کنم. حالا ایشان نگران رابطه با عربستان هستند. البته ما هم الان نگران روابطمان هستیم.

چه کسی دائماً مقاله می‌نوشت و برخوردهای تند می‌کرد؟ جمعی از دوستانی که الان در مشارکتند و الان در ستاد آقای موسوی فعالیت می‌کنند، اینها که اصلاً اعتقاد نداشتند.

در موضوع فلسطین اشغالی، خوب است که آقای موسوی ذهنشان را ببرند و مواضعشان را مرور کنند. جناب آقای موسوی صریحاً اعلام کردند که ما نیروی نظامی می‌فرستیم تا در کنار مقاومت فلسطین، علیه اشغالگران بجنگند. ایشان اعلام کردند که باید رژیم صهیونیستی محو بشود، اما آقای موسوی اگر ما بخواهیم وارد این جزئیات شویم، تاکتیک‌ها را بحث کنیم، از مسیر منحرف می‌شویم.

دیپلماسی عمومی امروز پیشرفته ترین و علمی ترین کار دیپلماسی است؛ وقتی دشمن مواضع اصلی دنیا را گرفته است، ما اگر بخواهیم برویم در میدان آنها مبارزه کنیم که اصلاً شکست خورده‌ایم؛ همین کاری که در دوره آقای هاشمی اتفاق افتاد و شما حمایت کردید، در دوره آقای خاتمی اتفاق افتاد و شما حمایت کردید. ما آمدیم خارج از فرمولی که قدرت‌های

بزرگ طراحی کردند وارد شدیم، و این آموزه امام است، امام هیچ گاه قبول نکرد. فرمول‌های آنها را اگر می‌پذیرفتیم، انقلاب نباید می‌کردیم.

در موضوع هسته‌ای، حتماً شما اطلاع دارید روشی که در دولت قبل به نام تنش زدایی در پیش گرفته شد، به جایی رسید که تمام تأسیسات هسته‌ای ما به طور کامل تعطیل شد و دو قرارداد بر ملت ما تحمیل شد؛ یکی پروتکل الحاقی، بدون مصوبه مجلس، برخلاف قانون اساسی و دو، ترتیبات اجرایی. در پروتکل الحاقی مأموران آژانس آزادند هر لحظه‌ای از هر نقطه ایران بازدید کنند، هدف چیست؟ هدف این است که قدرت دفاعی ما را کشف کنند و بدهند دست دشمنان و در ترتیبات اجرایی، یک بندی آوردند که هر اندیشه ای، هر طرحی در ذهن دانشمندان ما در موضوع هسته‌ای شکل گیرد، قبل از هر اقدام باید مأموران آژانس را مطلع کنند. سنگین‌تر از این تحمیل بر ملت نمی‌تواند باشد. در حالی که طبق قوانین ان پی تی، ما می‌توانیم هر فعالیتی بکنیم، اما ۱۸۰ روز قبل از غنی سازی باید اطلاع دهیم.تأسیسات تعطیل شد، سنگین ترین تعلیق، همه تأسیسات پلمب شد. دو قرارداد پذیرفته شد و در همان فاصله، جناب آقای موسوی ـ جهت اطلاع حضرت عالی می گویم ـ هفت قطعنامه شورای حکام علیه ما صادر شد در حالی که عقب نشینی مطلق بود. قطعنامه شورای حکام به لحاظ حقوقی بسیار مهم تر از قطعنامه شورای امنیت است؛ شورای امنیت قطعنامه‌اش سیاسی است، اعتبار حقوقی ندارد اما شورای حکام قطعنامه‌اش حقوقی است، ما را ملزم می‌کند که چه کارهایی را انجام دهیم. تمام ادعاهای آژانس در شش سرفصل در دوره این دولت حل و فصل شد و ما نامه‌اش را از آژانس داریم که گفتند مسائل اساسی ما حل شده است.

در وسط این بحث‌ها آمریکایی‌ها یک ادعایی کردند. آنها دارند این را دنبال می‌کنند که ما هیچ وقت آن را به رسمیت نشناختیم. در سعدآباد، در بروکسل، در پاریس چه گذشت جناب آقای موسوی؟ امروز ما هسته‌ای شدیم. برای سه سانتریفیوژ، صورت مذاکرات را شما بخوانید، چقدر از این‌ها خواهش می‌شود، امروز بیش از هفت‌هزار سانتریفیوژ دارد می‌چرخد. آقای بوش بعد از این همه همکاری در افغانستان و در موضوع هسته ای، اعلام کرد ایران محور شرارت است. تعجب می‌کنیم. آنجا آبروی ایران نرفت؟ ایران را به حمله نظامی تهدید کرد. اما امروز چه، همان آقای بوش در اواخر عمر حکومتی اش اعلام کرد ما دنبال براندازی ایران نیستیم و آقای اوباما هم به صراحت اعلام کرد. ۲۷ سال در دوره جناب عالی، جناب آقای هاشمی و جناب آقای خاتمی، آمریکا به دنبال براندازی بود، امروز رسماً اعلام می‌کند ما به دنبال براندازی نیستیم. کدام سیاست خارجی موفق بوده است و کدام ذلت آفریده است؟ کدام

سیاست خارجی استقلال ما را حفظ کرده، کدام بیشتر امتیاز داده و دستاوردی نداشته است؟ ۱۵ سال اروپایی‌ها می‌گفتند ما می‌خواهیم با ایران گفت‌وگوی انتقادی کنیم. هر روز می‌آمدند و [مطالبشان] را می‌گذاشتند روی میز که ایران حقوق بشر را رعایت نمی‌کند. بنده دو سوال کردم درباره هولوکاست. با دو سوال تمام نظام حقوق بشری غربی زیر سوال رفته است. آنها دارند فریاد می‌زنند. من تعجب می‌کنم. اسرائیلی‌ها فریاد می‌زنند، غربی‌ها هم فریاد می‌زنند. بعضی دوستان هم می‌گویند آبروی ایران رفت. چطور آبروی ایران رفت؟ ما نباید بنشینیم دشمن بیاید در خانه ما، بعد با او مواجه شویم. امروز تهدید برای همیشه از ایران برطرف شده است. البته همه اینها به همت ملت بزرگ، ایستادگی ملت بزرگ، فداکاری ملت بزرگ، رهبری عزیز و عنایات حضرت ولی عصر (عج) بوده است.

من تعجب می‌کنم. آقای موسوی یک سفر خارجی بروند، ببینند دولت‌ها و ملت‌ها چگونه از ایشان استقبال می‌کنند. در دوره خود ایشان، ایشان چند مسافرت خارج از کشور رفت؟ آن موقع ایران سرافکنده بود. نمی‌خواهم بگویم آن موقع سرافکنده بودیم. آن موقع هم عزیز بودیم اما از دید قدرت‌های بزرگ نه. اگر نگاه جناب عالی، آقای موسوی این است که ما باید سعی کنیم چهار قدرت بزرگ را راضی کنیم، این برخلاف نظر امام، برخلاف منطق ایران و استقلال ماست اما اگر نه، ما با توده‌های وسیع ملت‌ها و دولت‌ها ارتباط داشته باشیم، در چهار سال بیش از ۶۰ رئیس دولت به ایران سفر کردند. درهیچ دوره‌ای سابقه نداشته. ما عزیز نیستیم؟ همه آمدند از ایران حمایت کردند، ۱۱۸ عضو جنبش عدم تعهد از حق هسته‌ای ما حمایت کردند.

(تذکر مجری در خصوص اتمام وقت و احمدی‌نژاد خطاب به مجری: اجازه دهید، دو سه دقیقه از وقت من کم کنید.)من حالا اینجا می‌خواهم بگویم، آقای موسوی! بنده به شما علاقه‌مندم ولی شما می‌گویید نگران هستید.من سوال می‌کنم از شما: در زمان آقای هاشمی تورم ۴۹/۵ درصد بود، ۴۹ میلیارد دلار استقراض خارجی کردیم، بحران‌های اجتماعی، بسیاری از شهرهای بزرگ ما را در برگرفت، عده زیادی کشته شدند، شما احساس نگرانی نکردید؟ وقتی که تحریم شد، آقای کلینتون بیست میلیون دلار گذاشت؛ هر شرکتی بالای بیست میلیون دلار با ایران قرارداد نفتی ببندد تحریم می‌شود، تورم هم شد ۴۹/۵ درصد، شما نگران نشدید؟وقتی در ۱۸ تیر جریان برانداز شروع کرد و می‌خواست تهران را بگیرد، حرکت کند به سمت مرکز حکومت، علناً اطلاعیه دادند و از بیرون کشور هم حمایت شدند، به قول خودشان می‌خواستند انقلاب مخملی راه بیندازند، شما نگران نشدید؟ وقتی در مجلس شورای اسلامی، در مجلس ششم تحصن کردند، از همان‌جا با کنگره آمریکا

تماس گرفتند که بیایید و کمک ما بکنید، شما نگران کشور نشدید؟

(تذکر دوباره مجری در خصوص اتمام وقت، احمدی‌نژاد خطاب به مجری: از وقتم بگذارید، اشکالی ندارد، بالاخره ما ٤٥ دقیقه باید صحبت کنیم، حالا دو دقیقه بالاتر.) شما نگران نشدید؟ امروز می گویید چرا گفتی هولوکاست. من از شما سوال می کنم چرا نباید بگوییم هولوکاست؟ باید بنشینیم و اروپایی‌ها بیایند راجع به حقوق بشر ما حرف بزنند. ما باید بگوییم شما آزادی ندارید، استعمار می کنید، ملت‌ها را دارید خفه می کنید.

سیاست خارجی این دولت، سیاست برآمده از متن مردم، متن خط امام و عزت آفرین است. می‌بینید دنیا الان به نفع ایران است. چطور در مسأله هسته‌ای عقب نشینی کردند، امروز مسأله هسته‌ای ایران را نگاه کنید. مسأله دسته دهم در دنیا شد، در حالی که یک روزی اینجا به ما می گفتند خط قرمز را شورای امنیت بگذارید.خب شورای امنیت هم رفت، عبور کردیم، چه کار کردند؟ الان چه کار می‌توانند بکنند؟ اصلاً مگر می‌شود از موضع نرمش در مقابل مستکبرین حرف زد؟در همین تهران، آقای موسوی، مقاله نوشتند که دوران امام تمام شده است. شما سکوت کردید. دولت وقت از آن مقاله نویس حمایت کرد، شما سکوت کردید و امروز می گویید از مسیر امام انحراف اتفاق افتاده است و نگران شدید؟ من به شما علاقه‌مندم ولی نمی‌توانم از اتهامات بی‌اساسی که به ملت زده می‌شود، توهین‌هایی که به یک ملت می‌شود، بگذرم.

موسوی: خاطره‌ای از حضرت امام ذکر می‌کنم. زمانی اسرائیلی‌ها به جنوب لبنان حمله کردند و در داخل کشور همه به این انتخاب رسیدند که باید با اعزام نیرو آنان را از لبنان بیرون کنیم و به حمایت از لبنانی‌ها بجنگیم. شهید همت نیز قرار شد، رئیس این لشکرهای اعزامی باشد و نیروهایی نیز برای بررسی اوضاع و استقرار نیروهای ما اعزام شدند. شبی که قرار بود فردای آن روز نیروها اعزام شوند، در جلسه سران سه قوه که شهید همت نیز حضور داشت مرحوم حاج احمد آقا آمدند و با شنیدن این سخنان گفتند که امام راحل فرموده‌اند راه قدس از کربلا می گذرد یعنی شما به جنگ خودتان بپردازید و چه کاری دارید به جنگ لبنان که بخواهید به آنجا نیرو بفرستید.بحث ما با دولت بر سر این مساله است. ما می گوییم نظام تصمیم گرفت که بگوید برای آنکه با هنجارهای بین‌المللی سازگار باشد اما هدف خود را دنبال کند، درباره اسرائیل موافق آنیم که همه مردم فلسطین حتی مهاجران جمع شوند و از یهودی، مسلمان و مسیحی رای دهند تا سرنوشت خود را تعیین کنند. این مساله به صورت کامل با هنجارهای بین‌المللی نیز سازگار است و بعد از جنگ‌های استعماری نیز این اقدام انجام و ماهیت حکومت‌ها دگرگون

شد. وقتی ما بنا به اجتهاد، تندروی و افراط گرایی خود از این مساله که بیست سال است این شعار داده می‌شود فراتر می‌رویم، اینجاست که مصیبت ایجاد می‌شود و عوض آنکه اسرائیل را منزوی کنیم، بیشتر آن را در معرض مظلومیت قرار می‌دهیم.

در اجلاس دوربان دو، اروپایی‌ها بعد از کشتار غزه در مقابل اسرائیلی‌ها بودند و می‌خواستند قطعنامه صادر کنند اما به علت موضع‌گیری اشتباه، حیثیت ما لطمه خورد . همه آنان پشت اسرائیل جمع شدند و آی‌پک ـ که بزرگ‌ترین لابی صهیونیستی در آمریکاست ـ وجود این سیاست را برای خود نعمت دانست. ما می‌گوییم نباید در مسائل بین‌المللی خیالبافی کنیم و باید واقع بینانه و با تدبیر عمل کنیم. مشکلاتی که من دارم بر سر مسائل دراز مدت نیست بلکه بر سر مسائل اجرایی معمول است. باید دید آیا ماموران حساس و کارشناسان وزارت امور خارجه این روش را تایید می‌کنند یا خیر و یقین دارم آنانی که چه در دانشگاه و چه در وزارت امور خارجه آگاهند و نیروهای متفکر هستند، این مساله را تایید نمی‌کنند و از این گونه مسائل یکی دو تا نیست. بارها اعلام کرده‌ام که در هر روش و زمینه‌ای که افراط داشته باشیم تفریط نیز وجود دارد. با طرح مسائل تند درباره اسرائیل و بیان موضوع هولوکاست، باید دید براساس فایده هزینه آیا این موضع‌گیری در آخر ما را می‌تواند به نتیجه نزدیک کند یا خیر؟ نتیجه این‌گونه موضع‌گیری‌ها این شد که در آخر، معاون رئیس‌جمهور اعلام کرد که ما دوست مردم اسرائیل هستیم. آن افراط این تفریط را به بار می‌آورد که تصور کند ما دوست هستیم و از این موضع نیز دست برنمی دارد تا این‌که تشری به وی وارد شود تا عقب‌نشینی کند و باز این فرد حفظ می‌شود. چگونه مردمی که غاصبند و همه سرزمین‌های فلسطینی را گرفته‌اند، ما یکدفعه دوست آنها می‌شویم؟

شبیه این اظهار نظرات درباره مسائل سیاسی و اقتصادی وجود دارد که کم نیست و نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد. نمی‌خواهم درباره خلیج فارس، قطر و کشورهای دیگر که هر کدام از آنها هزینه‌های سنگینی را برای کشور به بار آورده است، صحبت کنم.

صرف این‌که بگوییم این اقدامات برای کشور اثری نداشته است، مسائل را حل نمی‌کند زیرا اکنون مردم اثرات سیاست هایمان را در عدم امنیت ذهنی، اقتصاد، قطعات صنعتی و مبادلات جهانی و بی اعتبار شدن گذرنامه هایشان در سطح بین‌الملل و تحقیر شدن ایرانیان در سراسر جهان می‌چشند. آیا دولت درباره ایرانی و ایرانیت مسوولیت دارد یا خیر؟ واقعا دولت درباره مشکلات و درد و رنج مردم بی اعتناست و من واقعا دلم برای این مردم با این سیاست‌ها و بلاها و افراط گری‌هایی که داریم، می‌سوزد.

درباره مطرح شدن اسم هاشمی رفسنجانی در سخنان احمدی‌نژاد، باید بگویم وی مرد بزرگی است و امام راحل نیز درباره هاشمی رفسنجانی صحبت‌های زیادی کرده است و ایشان (احمدی‌نژاد) می‌تواند درباره نقاط ضعف و قدرت وی صحبت کند. بالاخره سن من زیاد است و در قبل و بعد از انقلاب در سیاست بوده‌ام. می‌گویم که مردم کمی فکر دارند. برای آنکه بگویند خیلی تنها مانده‌ایم، سه دوره را به هم پیوند می‌دهند که بگویند سه طرز فکر است و ما درمقابل این طرز فکرها هستیم، چه کسی این مسائل را می‌پذیرد و چرا این بحث‌ها را مطرح می‌کنیم؟

آقای خاتمی آدم کمی نیست و فردی است که در سطح جهان و کشورمان مطرح است و هشت سال نیز رئیس‌جمهور بوده و آقای هاشمی نیز همین‌طور است و ایشان (احمدی‌نژاد) مجال صحبت و گفت‌وگو دارند و می‌توانند در رادیو و تلویزیون با آنان صحبت کنند و ماشاءالله هم صدا و سیما به طور دائم در اختیار دوستان است و می‌توانند از آنان دعوت کنند تا در میزگردی مسائلشان را حل کنند. این مسائل (هاشمی و خاتمی) چه ربطی به عقاید بنده دارد؟ بنده می‌گویم، سیاست خارجی و اقتصادی شما باعث شده است تا کشور و حیثیت ما لطمه ببیند و این شیر غران ایرانی را در بند کند.

برمی‌گردم به یک مساله دیگر در رابطه با همبستگی ملی. ما چه کار داریم می‌کنیم؟ چه بلاهایی بر سر دانشگاه‌ها، محیط‌های جوانان و مردم آورده‌ایم که هر جایی که می‌روم، اعتراض است و به من می‌گویند به ما اهانت شده و دانشجویان را ستاره‌دار، دستگیر و دانشجوی دیگری را از دانشگاه بیرون کرده‌اند.بنده یک روشنفکرم و سال‌ها در فرهنگستان هنر بوده‌ام. فردی می‌آید و می‌گوید پانزده بار با دریافت مجوز از این دولت کتابش چاپ شده است اما در چاپ شانزدهم جلوی آن را می‌گیرند. دولت و نظام حیثیت دارند و هر دولتی باید به حرف‌ها و امضاهایش مقید باشد و بر سر حرفش بایستد. سوال من این است که اکنون تعداد انتشاراتی‌ها به چه تعداد رسیده است؟ و در این دوره چهار ساله چند تا بوده‌اند و به چه تعدادی رسیده‌اند و چند هزار انتشاراتی کاهش یافته است و چه مشکلاتی داشته‌اند؟

کارهایی شده است که واقعا دردناک است و آدم را اذیت می‌کند زیرا همه ما هویت ایرانی و اسلامی و انسانی داریم. فکر کنید که یک کتاب فروش بدبخت و بیچاره‌ای که با زور بیست کتاب چاپ کرده است، کافی است که وزارت ارشاد چهار تا از این کتاب‌ها را در چاپ دوم و سومش در حبس نگه دارد، مسلما ورشکست می‌شود و معلوم است که وی در مقابل نظام قرارمی‌گیرد. این که این همه هنرمند در مقابل دولت هستند، به چه علت است؟ معتقدم هنرمندان

خیلی سیاسی نیستند و در سیاست روز اصلا وارد نمی‌شوند اما اکنون به تنگ آمده‌اند و در سطح ملی مشکل پیدا کرده‌اند.

درباره روحانیت و مرجعیت که ما می‌دانیم رابطه آنان با دولت چگونه است نیز از طرف دیگری و توهین‌هایی که در آموزش و پرورش به پیامبر اسلام (ص) شد، ما چه واکنشی نشان دادیم؟ همه این مسائل موجب ایجاد بدبینی به دولت شد. آیا دولت فکر کرده است که چرا رابطه‌اش را با روحانیت و روشنفکران و جوانان از دست داده است زیرا هر جایی که می‌روم پنج یا شش نفر سوال می‌کنند و جلسه را بر هم می‌زنند و تحریک می‌کنند و بقیه علیه اینگونه سیاست‌ها شعار می‌دهند.در رابطه با سیاست داخلی، بعضی کارهای دولت بر خلاف نص صریح قانون هشت ماده‌ای امام است که مردم را به خودی و غیرخودی تقسیم می‌کند و برخی را به خود جذب می‌کند و فرد دیگری را خلاف سلیقه خود می‌داند و دیگری را از فرد دیگری جدا می‌کند.

احمدی‌نژاد: درباره مبحث انسجام ملی و موضوع ستاره دار شدن برخی دانشجویان، شما اطلاعاتی را مطرح می‌کنیدکه می‌دانم از روی بی اطلاعی است و من فقط یک مورد آن را باز می‌کنم تا معلوم شود اطلاعات شما از کجاست. این دانشجویان ستاره دار از کجا درآمد که امروز آقای موسوی آن را بر سر این دولت می‌کوبد و استنادش هم به حرف یک عده‌ای است که من نمی‌دانم این عده چه کسانی هستند؟

آغاز موضوع ستاره دار شدن برخی دانشجویان در زمان معین در سال ۱۳۸۰ بود. یعنی همان زمان دوست جناب آقای موسوی که امروز هم از ایشان حمایت می‌کند.آنها آمدند در کارشناسی ارشد در برابر قبولی‌ها یک ستاره و دو ستاره می‌زدند. یک ستاره یعنی شما (دانشجو) در آموزش مشکل دارید، پرونده ات کم است، نقص دارد، اشکال دارد، برو برطرف کن. دو ستاره یعنی شما یک مشکلی در کمیته انضباطی داشته‌اید، تخلفی کرده‌اید، به چیزی محکوم شده‌اید، مراعات کنید. این شیوه ستاره‌دار شدن دانشجویان در زمان مصطفی معین وضع شد. در همان سال اول این دولت این موضوع منتفی شد و ما آن را نفی کردیم و گفتیم این توهین به دانشجوست و وزیر علوم ما این را برداشت. حال جالب است که آقای موسوی به جای آنکه به دوستانش انتقاد کند، به ما انتقاد می‌کند.

من متاسفم از قضاوت قاطعانه شما در این خصوص. شما می‌روید و عده‌ای دور شما جمع می‌شوند و ما هم می‌رویم و مردم جمع می‌شوند. هر روز همین است. دیروز بنده در مشهد بودم. این چند صد هزار آدم، اینها مردم این مملکت نیستند؟ چرا شما خیال می‌کنید آنهایی

که برای شما جمع می‌شوند، فقط آدمند؟ فقط مردم ایرانند؟ اتفاقاً شما دارید مردم را جداجدا می‌کنید، شما دارید جداجدا می‌کنید.

من این اوراق را آورده ام اینجا برای این‌که شما مشاهده کنید. شما فرمودید کتاب، بله بنده با شما هم نظرم. نامه هم نوشته‌ام، به وزیر ارشاد هم تذکر داده‌ام، آمارهای ما هم نشان می‌دهد نسبت به دوره هاشمی و خاتمی ما کمترین میزان را داشته ایم از نظر کنترل. البته من آن را هم قبول ندارم. این نامه مکتوب بنده خطاب به وزیر ارشاد است اما جناب آقای موسوی، جناب‌عالی هشت سال نخست‌وزیر بودید، تنها یک روزنامه منتقد وجود داشت، آن هم از سال ۱۳٦۳ و ۱۳٦٤. یک روزنامه که هفته‌ای یک یا دو نقد اقتصادی بر شما می‌نوشت که آمار و ارقامی که الان من اینجا دارم این نقدها را تایید می‌کند اما شما چه فضایی برایش درست کردید؟ خود جناب‌عالی چند بار علیه یک روزنامه صحبت کردید؟ من متن سخنرانی‌تان را دارم. خواهش می‌کنم مراجعه کنید. حافظه تاریخی نباید از دست برود.

جناب‌عالی گفته‌اید که شما در خط دشمن هستید، شما دارید ضد انقلاب عمل می‌کنید، شما دارید ضربه به کشور می‌زنید، در حالی که آن گزارشی که آن روزنامه نقل کرده‌بود، گزارشی بود از (سازمان) برنامه و بودجه جناب‌عالی که آمده بود، رفته بود در کمیسیون کشاورزی مجلس. یکی از افرادی هم که مرتبط بود، آن را گرفته بود و یک نقدی بر آن نوشته بود. بعد فشار آوردید و برخی از مطبوعات تعطیل شد.

اینها را ببینید، اینها (تیتر برخی مطبوعات بر ضد عملکرد دولت) در چهار سال، این همه تیتر توهین آمیزی است که به من و به دولت شده است، تهمت‌هایی است که آنها را تحمل کرده‌ایم.شما در خیلی از سخنرانی‌هایتان بنده را به دیکتاتوری متهم کرده‌اید، این دیکتاتوری است؟ کدام دیکتاتور هستیم؟ زمان آقای هاشمی هم همین‌طور بود که شما می‌گویید با هم مقایسه نکنیم. اتفاقاً باید مقایسه کنیم. زمان آقای هاشمی هم یک روزنامه منتقد بود. من کاری به مواضع آن روزنامه‌ها ندارم. شخص رئیس دولت بارها علیه آن روزنامه موضع‌گیری کرد تا بالاخره صدایش را انداخت.در زمان آقای خاتمی هم که معلوم بود، کسی مگر می‌توانست یک کلمه انتقاد کند، همان علمایی که جناب‌عالی می‌فرمایید، یکی شان یک اظهار نظری می‌کرد، کاریکاتورشان را می‌کشیدند که ما بعد از ملی شدن نفت دیگر نداشتیم که کسی علیه علما کاریکاتور بکشد.

سی تا تیتر... آقا توطئه علیه دولت، پیام دوم خرداد را نفهمیدید، ای وای خیانت شد، ضد رئیس‌جمهور و بالاخره خفه‌شان کردند.برای مزید اطلاع جناب‌عالی در دانشگاه که هیچ وقت

سابقه نداشته است، یک دانشیار دانشگاه ما، پژوهشگر نمونه کشور علیه سیاست‌های پژوهشی مقاله نوشت، آنچنان مدیریت دانشگاه او را له کرد، توهین کرد، یک عده‌ای را راه انداخت مرگ بر او، مرگ بر او و اطلاعیه دادند، نباید یادمان برود.

این‌که من می‌گویم آقای موسوی،آقای هاشمی و آقای خاتمی، حرف درستی است. شما سخنرانی دختر آقای هاشمی [را] در جلسه‌ای که همسر شما و جناب آقای خاتمی هم حضور دارند، (ببینید) ایشان قشنگ تشریح می‌کنند، می‌گوید: دوره اصلاحات ادامه راه سازندگی است. در این دولت آسیب دیده ما آقای موسوی را می‌خواهیم برای این‌که استمرار همان راه است؛ یعنی اشرافیتی که جناب آقای هاشمی در این کشور پایه‌گذاری کرد، قرار است ادامه پیدا کند. الان نگرانید آقای موسوی؟مردم هم می‌دانند،جناب‌عالی فرمودید افتخار می‌کنیم به حمایت آقای هاشمی، معنای آن چیست؟ باور ما این است که صحنه گردان اصلی اصلاً آقای هاشمی است. بالاخره ما می‌بینیم چه کسی رئیس ستاد انتخاباتی چه کسی است؟ اینها از کجا می‌روند جلسه می‌گذارند، ارتباطاتشان را برقرار می‌کنند؟ شما نفرمایید که ارتباطی نیست، اتفاقا ارتباطی است. مگر می‌توانیم چشممان را ببندیم؟ مگر ملت می‌تواند چشمش را ببندد، این حلقه‌ها چه شده است؟

یکی را الان مثال زدم برایتان؛ تحمل مخالف. در این دولت چه خبر است؟ اینها فقط تیترهاست. ۳۲۰هزار تیتر توهین آمیز علیه دولت. ما نه یک روزنامه‌ای را بستیم، نه تهدید کردیم، نه فشار آوردیم. هنوز هم دارند می‌نویسند و به حمایت از شما. علیه ما بدتر دارند می‌نویسند. شما بحث‌های مختلفی را علیه این دولت مطرح کردید، ما می‌خواهیم مقایسه کنیم و یادمان نرود چه بود در سه دولت (گذشته) و امروز چه شده است.شما فرمودید رابطه با روحانیت نیست. شما هشت سال نخست وزیر بودید، چند بار رفته اید پیش مراجع؟ عددش را بگویید بنده و مردم بدانیم. رابطه این دولت با علما رابطه‌ای به مراتب بسیار خوب است. چرا این ادعا را می‌کنید؟ معنایش نقض حریت نیست؟ رابطه رابطه بسیار خوبی است اما من تعجب می‌کنم کسانی که نگاهشان و نظرشان را نسبت به مسائل اصلی و فکری بیان نکردند، چطور می‌روند روی این مسائل جزئی انگشت می‌گذارند و می‌خواهند نتیجه کلی بگیرند.

شما دولت را متهم کردید به بی قانونی،متهم کردید به دیکتاتوری، دوره خودتان یادتان هست جناب آقای موسوی؟ بر خلاف قانون اساسی این حداقل اختیارات رئیس‌جمهور را با فضاسازی سیاسی از او گرفتید؟ شما باید وزرا را می‌بردید تا رئیس‌جمهور تایید کند. برای این‌که اختلاف نظر داشتید، امام وارد شد و یک گروهی را گذاشت برای این‌که وزرا تعیین بشوند. یعنی

عملاً اختیار رئیس‌جمهور از دست رفت. در نمایندگان مجلس کسی جرات داشت علیه شما حرفی بزند؟ یادتان هست دوستانتان چه کردند؟ یک بار یک عده‌ای از نمایندگان به شما رأی منفی دادند، رأی هم مخفی بود. اسامی اینها را استخراج کردند، اعلام کردند. این قدر علیه اینها اسلام آمریکایی اسلام آمریکایی گفتند که بعضی از آنها خانه نشین شدند. این فضای تحمل است؟ دولت بعدی هم همین طور است، دولت بعدی هم همین طور. من نمی‌خواستم واقعاً بعضی از مسائل را بگویم اما مجبورم. چون برخی حرف‌ها زده می‌شود. شما می‌گویید نظر نظام این بوده است. خوب الان هم نظر نظام این است. شما چرا خودتان را جای نظام می‌نشانید.

بنده موضع‌گیری کردم به ماجرای هولوکاست، رهبری هم تایید کردند، ملت هم تایید کردند. کی هست اینجا در نظام که می‌گویید نظام تصمیم دیگری گرفته است؟ اگر از دید مردم صحبت می‌کنید، بالاخره مردم در شرایط مختلف نظرات خود را اعلام کرده‌اند.شما دولت را به بی‌قانونی متهم می‌کنید. من نمی‌خواهم وارد این بشوم که ۹۵ میلیارد تومان از حساب بانک مرکزی در دولت شما بدون مصوب مجلس برداشته شد، آن هم در تعطیلات تابستانی مجلس. وقتی مجلس آمد یک دعوایی در کشور درست شد.

من می‌خواهم در مورد مدارک دانشگاهی صحبت کنم. شما آقای خاتمی را دکتر خطاب کردید. می‌دانید طبق مقررات کسی می‌تواند خطاب دکتر داشته باشد که دکتری قطعی دانشگاهی داشته باشد یا حداقل امتحان جامع را گذرانده باشد. ایشان (خاتمی) لیسانس فلسفه هستند، محترمند. من نمی‌خواهم بگویم دکترا برای کسی عزت می‌آورد اما بالاخره این را اعلام کردید. من می‌توانم درباره پرونده یک خانم با شما صحبت کنم؛ پرونده آموزشی یک خانم. بگویم؟ بگویم؟

موسوی: بنده یکی از مسائلی که دارم و یکی از مشکلات کشور ما، همین روشی است که الان در این صحنه روبه‌رو هستیم؛ پرونده‌سازی؛ دنبال واژه‌هایی گشتن. این در حالی است که ما مسائلی از جمله وزیر کشور دولت را داریم که اگر رئیس دولت نمی‌دانست او فوق دیپلم است و خود را دکتر جا زده، یا ضعف اطلاع داشته یا فکر می‌کرده، مدرک دارد که این امر معنای دیگری دارد و من نمی‌خواهم ذهنم به آنجا برود.

بر اساس همین، دولت خود را هم مقابل مجلس قرار داد و هم مقابل مردم و پایان نامه‌ها و چیزهای دانشگاه را به عنوان ورق پاره قلمداد کرد و این فرد را آنقدر مورد اعتماد خود قرار داد که برخلاف قانون، یک معامله چند ده میلیارد دلاری، موقعی که ایشان وزیر کشور است در دفترش مشغول مذاکره می‌شود که مساله‌اش در رسانه‌ها مطرح شد و این جزء مسائلی است که

ما ایراد داریم. بعداً یکی دیگر از معاونان ایشان می گوید که من از مقابل وزارتخانه رد می‌شدم، رفتم دوستم را ببینم، دیدم که مشغول مذاکره با رئیس فلان کمپانی خارجی است و من هم وارد بحث شدم. اینها همه یک ظن نیست و مسائل خیلی بدی را در جامعه ایجاد می‌کند که خیلی ناراحت کننده است. یکی از دلایل و مشکلاتی که دولت پیشه کرده این نوع رفتارهاست. وقتی هم نمی‌تواند مقاومت بشود، آن وزیر برداشته می‌شود و یک وزیر دیگر که باز هم مشکلات دیگری دارد و هنوز پرونده‌ای دارد، در استان اردبیل، خودش یک محل سوال است یا ثروت چند صد میلیارد دلاری خودش. در حساس‌ترین پست گذاشته می‌شود برخلاف خط و ربطی که حضرت امام ترسیم کرده بود که وزرا را از چه کسانی انتخاب کنید.خوب همه اینها برای ما محل سوال است یا نامه‌هایی که برای ترانزیت نفت و از این حرف‌ها برایشان هست که من نمی‌خواهم خیلی وارد شوم.

من خیلی سریع برمی گردم به همین چیزی که ایشان اشاره کردند یعنی قانون‌گریزی. یکی از دلایل اصلی من برای همین بود. بنده معتقدم استبداد صغیر به دلیل پشت کردن به قانون پیش آمد و عادت دادن مردم. مقدمه آن این طور شد که می‌شود قانون را شکست.رضاخان موقعی روی کار آمد که مردم را عادت دادند به تدریج که قانونی را که مجلس می‌گذراند که براساس هرچیزی چه حقوق بشر بگیریم، چه قوانین رایج پشت سر گذاشته شد و اینجا موارد بسیار سنگین و زیادی دارم که دولت نه یک مورد نه دو مورد، بلکه به طور علنی در مقابل قوانین ایستاده و بنده واقعاً احساس خوف کردم.بنده نمی‌خواهم بگویم که ایشان خدای ناکرده می‌خواهد خودش دیکتاتور باشد ولی فرض می‌کنیم که هشت سال یک دولتی بیاید، این قانون را رد بکند، بگوید خوشم نمی‌آید و یک خودمحوری باشد، آن یکی را دوست ندارد، آن یکی به نفع کشور نیست، آن یکی اختیارات مرا محدود می‌کند، خب چی در کشور باقی می‌ماند؟ اگر همه مردم کرخت بشوند و عادت بکنند که به مدت هشت سال قانون اجرا نشود و همه‌اش در کشور طوری عمل بکنید که رئیس دولت و دولت قوانین را پشت سر خود بیندازد، خوب بعد از هشت سال من نمی‌گویم در این مدت یک فراز و نشیبی شود و کسی درصحنه بیاید و از همین حس استفاده کند برای به دست آوردن کشورمان.

بنده خودداری می‌کنم از اجرای برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بحث‌های عجیب و غریبی درباره این‌که چی هست و چی هست، از این حرف‌ها زدند. بنده نمی‌دانم که دولت می‌تواند نسبت به قانونی این طور رفتار کند. خوب یک قانون دیگری را باید جانشین بکند، ببرد مجلس و تصویب بکند و بتواند از آن بگذرد. من به دلیل ضرورت استفاده

از وقت، از اشاره به محتوای مباحث خودداری می کنم.

درباره انحلال غیر قانونی شوراهای عالی و خودداری از اجرای مصوبه مجلس و مصوبه مجمع تشخیص مصلحت، دولت پایش را در یک کفش کرده است که من اجرا نمی کنم. دوست ندارد و هزار جور بهانه می آورد. من فکر نمی‌کنم از مجمع تشخیص مصلحت نظام، دیگر مرجع بالاتری داشته باشیم که رهبر انقلاب هم پشتش است و این قدر مهم است که بر اساس مصلحت می تواند از مشکلات شرعی که داریم، فراتر رود.آنجا همه تصویب کردند، آمد و صحبت شد و مصوب شد که هجده شورایی که دولت به اصطلاح منحل کرده، به جای اساسی خود برگردد و دولت هنوز که هنوز است این را اجرا نکرده است.

یکی از این موارد شورای پول و اعتبار است. بنده به مردم می گویم این تورم ۲۵ درصدی یک دلیلش همین نبود شوراهاست. یک دلیلش این است که دولت می‌خواهد همه اختیارات بانک‌ها را و[این که] در تمام موسسات زیر دست خودش کسی دخالت نکند، مامور دادستانی نباشد، نماینده بخش‌های مختلف نباشد، نماینده بخش خصوصی نباشد، خب، نتیجه آن همین تورم می‌شود و همین وضعیت اقتصادی که همه دادشان بالاست.

الان وضع صنعت کشور در حال خوابیدن است. با تورم ۲۵ درصد، همه دادشان بالاست، خوب نتیجه همین چیزهاست، نقدینگی دو و نیم برابر وضعیتی که دوستان دولت را در اختیار گرفتند.بنده نمی‌خواهم مساله هزینه کردن غیر قانونی از بودجه عمومی را بگویم بلکه به صورتجلسه‌های مجلس نگاه کنید و گزارش‌های دیوان محاسبات که یکی از مهم‌ترین سازمان‌های نظارتی کشور است.

بنده اینجا مستندات قانونی دارم که دولت نمی تواند سازمان برنامه و بودجه را منحل بکند. در این زمینه حساسیت دارم. دلیلش این است که من حسی داشتم زمان مسوولیت خودم که عده‌ای ممکن بود با برنامه مخالف باشند. یک عده اصلاً از اول انقلاب با برنامه مخالف بودند. می گفتند شما به خدا توکل کنید، نعمت خدا می‌رسد. اصلا خوششان نمی‌آمد و می‌خواستند تکی عمل کنند، به همین دلیل احساس خطر کردم . بنده در مجلس بازبینی قانون اساسی سخنگوی کمیسیون اجرایی بودم، مساله امور استخدامی و برنامه و بودجه مخصوصا پیشنهاد بنده است.

جالب اینجاست که از تنها سازمان‌هایی است که در قانون اساسی آمده است، خوب آقای دکتر آمده این را منحل و تبدیل کردند به یک معاونتی که یقیناً هیچ‌گونه اختیاراتی نمی‌تواند داشته باشد.درباره زیر پا گذاشتن قانون مالیات مستقیم، اگر لازم باشد جزئیات آن را بیان می کنم

و دستور به توقف اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده اصلاً در اختیارات دولت نیست.قانون مدیریت خدمات کشوری هم اجرا نمی‌شود. من لیستی می‌خوانم و در مراحل بعدی ممکن است دانه دانه این را مطرح کنم.

درباره الحاق غیر قانونی سازمان حج و زیارت به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری وقتی رهبری دخالت کردند، این مساله برگشت، آن هم به صورت سریع، درحالی که مشخص بود این کاری غیر قانونی است و نباید صورت بگیرد. بی اعتنایی آشکار به احکام قانون دادگاه‌ها، دیگر محور انتقاد از دولت نهم است. بنده یک موردی دارم که به اصطلاح وزیر علوم در مقابل دیوان عدالت اداری که حکم دارد، صریح می‌گوید که نکنید این کار را، یعنی حتی اگر حکم هم داده شود، افتخار می‌کند می‌گوید که من به این رئیس دانشگاه ـ که فردی انقلابی و جانباز بود ـ گفتم در صورت اخراج نیز با ورود این متخلف به دانشگاه مخالفت کند و در مورد این موضوع نیز رسانه‌ها به حمایت از رئیس دانشگاه یزد نپرداختند. بعد اینجا گفته، چطور شده چند بار گفته شده که وضعیت این استاد چه بوده، حتی ایشان صریح این نامه را نوشته، ایشان ممکن است با این فرد مخالف باشد، برود از راه‌های قانونی راه حل پیدا کند که در آنجا نباشد.

بی اعتنایی آشکار به مدرک جعلی آقای کردان و حمایت (از) نقض آشکار قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل. من فکر می‌کنم که دوستان عوض این‌که بروند پرونده سازی بکنند و چیزهایی که جواب دارد و دنبال این مسائل بروند، بهتر است که بروند دنبال حل مسائلی که مشکلات کشور را حل بکنند و کشور را از بحران‌هایی که هست نجات دهند. بنده واقعاً صادقانه و بدون هیچ نوع شیله پیله‌ای ـ چون یکی از دلایل اصلی من[و] یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های من برای ورود به صحنه انتخابات همین بحث گریز از قانون بوده ـ می‌خواهم به مردم این را بگویم که اگر دولت صریح چند بار و نه یک بار بگوید اشتباه کردم دو بار سه بار ولی دائم این را روش بکند که این را درجایی که با سلیقه اش مخالف است، در مقابله قانونی که مجلس تصویب کرده است، ایستادگی کند، بعد از یک مدتی مردم به این مساله حساسیت خود را از دست بدهند، آیا احساس خطر برای کشور به وجود نمی‌آید؟ آیا کشور روی پای خودش می‌ایستد؟

موسوی خطاب به مجری: اگر وقت دارم، بپردازم.

مجری: وقت شما تمام است . تاکنون جناب آقای موسوی ۳۰ دقیقه و ۵۱ ثانیه صحبت کرده‌اند و جناب آقای احمدی‌نژاد، ۳٤ دقیقه و ۱۷ ثانیه از وقت این مناظره را سخن گفته است.

احمدی‌نژاد: باید دوباره جمله قبلی را درباره قضاوت‌های جناب آقای موسوی تکرار کنم. آیا دولت قانون را زیر پا گذاشته است؟ استناد شما فقط به یک مصوبه مجلس آن هم قانون شوراهاست که شورای نگهبان می‌گوید این مساله خلاف قانون اساسی است و مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را می‌پذیرد.اگر شما بخواهید قانون را اجرا کنید و به آن معترضید دو خط به دیوان عدالت اداری بنویسید، زیرا ما قانونی داریم که اگر دولت بر خلاف قانون عمل کرد، آن را باطل می‌کند.

مجری: وقت آقای احمدی‌نژاد ۸ دقیقه باقی مانده است.

احمدی‌نژاد: ٤٥ دقیقه وقت برای ما در نظر گرفته شده است؟

مجری: تا ٤٢ دقیقه پیش می‌رویم و پس از آن، اگر وقتی باقی مانده بود، آن را تقسیم می‌کنیم.

احمدی‌نژاد: فکر می‌کنم باید برای این موضوع سه یا چهار ساعت وقت در نظر بگیرید زیرا آقایان سه چهار ماه است که همه با هم حمله می‌کنند و می‌زنند اما ٤٥ دقیقه فرصت می‌دهید، آن هم برای ۳ نفر در برابر یک نفر، اما اشکالی ندارد. طبق اسنادی که وجود دارد در دولت قبل، تعداد مصوبات باطل شده ۳۰۳ مصوبه اما در دولت نهم ۱۵۷ مصوبه بوده است.

مصوباتی که از ما در دیوان عدالت اداری باطل شده ۳/۲ درصد است اما در دولت قبل این رقم ٦/٥ درصد است و باید دید چه دولتی بیشتر تابع قانون بوده است. اصلاحاتی که دولت نهم در ایرادات مجلس انجام داده بیشترین است و اتفاقا ما عین قانون مصوب مجمع را اجرا می‌کنیم. اگر با دو حقوقدان صحبت کنید شما را در این باره توجیه خواهند کرد و اگر فکر می‌کنید واقعا ما نقض قانون می‌کنیم، یک یادداشت به دیوان عدالت اداری دهید زیرا این قانون اساسی ماست. هر کسی هرجایی بود، باطل می‌کند.مدام مطرح می‌شود که اتفاقاتی در گوشه و کنار کشور رخ می‌دهد. ایران کشور بزرگی است و در دوره شما از این اتفاقات کم رخ نداد اما می‌گویید ما در پی پرونده‌سازی هستیم؟

درباره ماجرای کردان بگویم از سال ۷۰ به بعد در دوره آقای هاشمی رفسنجانی که حامی جناب آقای موسوی است موجی در مدیران به وجود آمد که همه می‌خواستند دکترا بگیرند و دانشگاه آزاد نیز پشت قضیه بود و پشت سر هم دکترا صادر کرد و کردان نیز یکی از همان‌ها بود. من در مجلس اعلام کردم که برای این طور مدارک ارزشی قائل نیستم زیرا دکتر و استاد دانشگاه باید فردی باشد که شب نخوابی و زحمت کشیده باشد و من هیچ‌کدام از این حرف‌ها

را قبول ندارم. می شود فهرست افرادی را که در زمان موسوی و هاشمی همین‌گونه دکترای قلابی گرفتند بیاورید. آقای کردان نیز یکی از آنان است. در مجلس اعلام کردم که مدرک کردان را کنار بگذارید و عملکرد وی را بررسی کنید.

درباره برخی ابهامات درباره ثروت محصولی باید بگویم راجع به کسی که می گویند صدها میلیارد تومان سرمایه دارد نمی‌دانم چه بگویم، راجع به کسی که فرمانده لشکر بوده و در دوره آقای هاشمی و خاتمی در کار اقتصادی وارد و پولدار شده است به وی پیشنهاد دادم که وارد دولت شود و این کار را انجام داد.

اما جناب آقای موسوی! بسیاری از مدیران شما و جناب آقای هاشمی دست خالی آمدند و با یک امتیاز دلار هفت تومانی یا واردات و صادرات میلیاردر شدند. آقای صفایی فراهانی مدیر دولت شماست که از دولت شما پولدار شده و فهرست بلندی در این زمینه است و نمی‌خواهم در اینجا اسم ببرم اما شما می گویید میلیاردر شده‌اند.پسران آقای هاشمی در کشور چه کار می کنند؟ کدام یک از وزرای بنده در دوره وزارتشان میلیاردر شدند و یا رانتی را خورده و ملکی را گرفتند؟فهرستی از زمین‌هایی را که مدیران گرفته اند دارم و می توانند آن را بخوانند که در آن زمین‌های ٤٠، ٥٠، ٨٠و ٤٠٠ هکتار وجود دارد.

در دوره واگذاری، بیشترین مشکلات ما درباره واگذاری‌های دوره قبل از این دولت است و سوال این است که چه کسانی آنها را گرفته اند؟ کسانی که اکنون نیز از جناب عالی حمایت می‌کنند این واگذاری‌ها را دریافت کرده‌اند. این هزینه سنگین تبلیغاتی شما از کجا می‌آید؟ آقای موسوی من شما را دوست دارم اما این چه نحوه هزینه کردن است و از کجا می‌آید؟ یک مورد آن رشت الکتریک است که بدون هیچ مزایده‌ای آن را به همسر جناب آقای کرباسچی و همسر آقای قبه داده‌اند و کارخانه را از بن برچیدند تا زمین آن را به فروش برسانند و ده‌ها مورد این گونه وجود دارد.

٤٠٠ هکتار زمین را در هرمزگان گرفته اند اما مردم به منظور اشتغال جوانانشان برای دو هکتار زمین مستاصل هستند، جناب آقای موسوی این گونه مسائل و قرارداد استات اویل بی‌قانونی است که یک فرد در ایران محاکمه و محکوم می‌شود اما از زندان فراری داده می‌شود و به خارج می‌رود و عقبه آن پسر آقای هاشمی است. بی قانونی در پسران برخی از این آقایان است که از شما حمایت می‌کنند. پسر آقای ناطق چگونه میلیاردر شد؟ و اکنون چگونه زندگی می‌کند؟ اینها حامیان شمایند. کجا این دولت اعلام کرده است که ما قانون را نمی‌پذیریم و شما نمی‌توانید حتی یک مورد را در این باره به عنوان شاهد مثال بیاورید.

مجری خطاب به احمدی‌نژاد: وقت شما پایان یافته.

احمدی‌نژاد: در اینجا پرونده خانمی وجود دارد که شما آن را می‌شناسید و در تبلیغات انتخاباتی کنار شما می‌نشیند. این فرد بر خلاف همه قوانین کشور همزمان که کارمند بوده، دو رشته فوق لیسانس خوانده است و در دانشگاه آزاد اسلامی دکترای خود را بدون کنکور گرفته و بعد در رشته غیر مرتبط دانشیار و استادیار و بدون داشتن شرایط لازم رئیس دانشگاه شده و این گونه مسائل بی‌قانونی است و من با این گونه مسائل مخالفم. من می‌گویم با رانت و باندبازی و اینگونه مسائل که یک عده افراد چیزهایی را ببرند و بقیه محروم باشند، مخالفم نه با قانون. بنده تابع قانونم و دولت ما قانونمدارترین است.دراین مناظره به آمار و ارقام اشاره نکردم. به گفته برخی که می‌گویند در این دوره اقتصاد ضربه خورده، بهترین وضع اقتصاد در مقایسه با گذشته و در مقایسه با دوره شما عالی است.در مقایسه با دوره‌های قبل نیز به این صورت و گزارش‌های آن به صورت دقیق موجود و منتشر شده است.

سوال من این است که امام راحل گزینش‌ها را در زمان چه کسی منحل کرد؟ آیا در زمان ما بوده است یا در زمان شما؟ خاطره‌ای درباره انحلال گزینش‌ها نقل کنم. پس از انحلال گزینش به دعوت آقای نقره‌کار باجناق شما رفتم جزو تجدید نظر گزینش و پرونده‌هایی را به ما می‌دادند. با چشم خود دیده ام که دختر خانمی آمده بود و به وی می‌گفتند فلان سوال را جواب بده و در صورت پاسخ دادن می‌گفتند وی خیلی مسلط بود و باطل است و اگر جواب نمی‌داد، می‌نوشتند.فرمان هشت ماده‌ای برای جناب عالی صادر شد نه برای این دولت و شما باید بگویید چه میزان آن را اجرا کرده‌اید؟

موسوی: آقای احمدی‌نژاد صحبت‌های خاصی می‌کنند که نمی‌دانم واقعا چگونه جواب بدهم. یکی از مشکلاتی که در صحبت کردن با آقای احمدی‌نژاد است، چیزهایی است که غیرعادی است.شما می‌توانید به دیوان عدالت اداری نامه بنویسید تاکه... (**در این هنگام احمدی‌نژاد در مقام پاسخ برآمد و گفت:** من ادعا می‌کنم غیر قانونی بوده .)

موسوی: شما نباید در وقت من وارد شوید. همین روحیه شما که در خود صدا و سیما هم ما می‌دانیم چه کسانی هستند. در رجانیوز بودند و اینجا هستند. ما می‌دانیم چگونه اینجا عمل می‌شود. به من می‌گویید یک چیزی برای دیوان عدالت اداری بنویسید چون این راه برخورد با مجلس است و راه برخورد با مجمع تشخیص مصلحت است. جایی که ریش سفیدهای نظام آنجا هستند. جایی که مشروعیت خود را از کل قانون اساسی و رهبری می‌گیرد. آیا به این ترتیب مساله کشور را می‌شود اداره کرد؟ مشکل من سر این قضایاست. برای چیزهایی که بین

است، طوری عمل کنیم، طوری حرف بزنیم... عوض این‌که برویم به سمتی که بگوییم اشتباه کردیم و می‌خواهیم اصلاح کنیم، خوب همین منجر به دیکتاتوری می‌شود.

ایشان می‌گوید چرا می‌گویند من دیکتاتور هستم؟ من نگفتم شما دیکتاتور هستید ولی این روش قطعا به دیکتاتوری می‌انجامد که شما رای خودتان و رای یک جمع را به رای مجمع تشخیص مصلحت بتوانید ارجحیت بدهید و رای مجلس را هم بالاتر از آن بدانید.

بحث اسامی را بردن واقعا شایسته یک مسوول دولت نیست که کسانی که محکوم نشده‌اند در قوه قضاییه و به اصطلاح بردن نام آنها جرم است ما اینجا نام ببریم؛ بدون این‌که آنها قدرت دفاع از خودشان داشته باشند. شما دارید یک افرادی را مورد حمله قرار می‌دهید، مورد هجوم قرار می‌دهید که در این صحنه حضور ندارند و آن را قاتی سرنوشت من می‌کنید که ظاهرا چیزی از بنده نداشته‌اید که آمده‌اید و من را وصل کرده اید به دو دوره قبل، دو دولت قبل. من بدون این‌که بخواهم از آنها دفاع کنم اما به آنها حق می‌دهم از دست شما عصبانی باشند و مردمی که این صحنه را نگاه می‌کنند، این را نپذیرند از رئیس‌جمهورشان.

شما فکر نکنید که آقای هاشمی چه کار کرده برای این مملکت یا آقای خاتمی چه کار کرده، رئیس‌جمهور بودند، چی بودند اما شما باید به عنوان یک شهروند حق بدهید در جایی که آنها نمی‌توانند از خودشان دفاع بکنند در یک جمع پنجاه میلیونی که حداقل امروز مردم دارند این صحنه را نگاه می‌کنند، شما متهم می‌کنید، اسم خانواده شان را می‌برید، بچه هایشان را می‌برید. [اسم] کسان دیگر را می‌برید. بنده می‌گویم قوه قضاییه حکمتش این است. آقای احمدی‌نژاد بدانید قوه قضاییه در جهان معنایش این است که وقتی کسی را محکوم می‌کنید یعنی سایر ملت بری هستند. این یک اصل اسلامی است.

شما از اول کار خودتان شروع کردید به گفتن این‌که هزاران مفسد در این کشور است. شما می‌خواهید پرونده شان را باز کنید. اسامی شان را می‌خواهید بگویید.

رئیس بانک پارسیان را آن گونه لجن مال کردید. بعد او را مشاور خود کردید. دیگران را نیز همین طور. اینها گناه است. ما مسلمان هستیم. متدین هستیم. به خدا اعتقاد داریم. نمی‌توانیم افراد را همین طوری نام ببریم و متهمشان کنیم.

در مورد واگذاری هکتاری زمین، اگر کردند کار بدی کردند. شما می‌گویید چرا از من حمایت می‌کنند. بنده گفته ام هر شهروند یک ستاد. مثل بعضی از دوستانی که بنرهایشان همه سطح جهان را پوشانده و از همه امکانات دولتی استفاده می‌کنند، از ادارات استفاده می‌کنند، از خود وزارت کشور استفاده می‌کنند، از خود صداوسیما استفاده می‌کنند. بنده استفاده نکردم.

در آنجا را باز کردیم. یک هسته خیلی سالمی داریم که یک نفر راجع به آن هسته نمی‌تواند حرف بزند.افرادی بسیار وارسته، بسیار معتقد، بسیار مومن هستند. اگر چیزی بود شما نام می‌بردید. شما روحیه‌تان این گونه است. آنها را هم مغلوب می‌کردید ولی نیستند و آنها آدم‌های وارسته‌ای هستند. هر کس که از ما حمایت می‌کند، استقبال می‌کنیم هیچ دلیلی ندارد که استقبال نکنیم.

ما استقبال می‌کنیم. ما از همه ملت استقبال می‌کنیم که از بنده حمایت بکنند که این رای را ببریم و این تغییر را ایجاد کنیم. قصد بنده این است و من آن را گفته‌ام. به همه مردم می‌گویم اگر بخواهید این فضا عوض بشود که این گونه راحت، دیگران را محکوم بکنند...

ایشان جلوی بنده، عکس خانم بنده را می‌گیرد و می‌گوید که این‌جوری کردند، اون‌جوری کردند؛ ایشان (همسرم) مهم‌ترین روشنفکر زن این کشور است، ده سال برای دکتری علوم سیاسی خود زحمت کشیده است، سندها و مدارک آن موجود است.

سایت‌های مرتبط با شما علیه ایشان جوسازی کردند، ایشان قرآن پژوه است، ایشان افتخارشان این است که فوق لیسانس رشته هنر دارد و هم فوق لیسانس و دکتری علوم سیاسی دارد. شما ببینید آن موقع که کنکور بوده است، برای دانشگاه آزاد را آن موقع بررسی کنید.

بنده خبر دارم ـ متاسفانه یکی از مشکلات دولت کنونی همین است ـ معاون اجرایی آقای رئیس‌جمهور به جای این‌که مشغول حل مشکلات مردم باشد، مشغول رفتن به سرکشی به این پرونده، به اینجا و به آنجا هستند؛ یک چیزی بسازند که به درد امشب بخورد، بلکه مچ بگیرند و اذیت بکنند. بنده آمده ام که این روحیه را عوض کنم. به مردم می‌گویم من این روحیه را عوض می‌کنم. آنچه در فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام است برخلاف این روحیه، این حالت پرونده‌سازی، سیاه کردن برنامه هاست، سیاه کردن دانشجو و امثال آن بوده است، ایشان می‌گوید ستاره‌دار کردن دانشجوها در زمان آقای معین بوده است. من کاری به این ندارم، دوره ایشان هم گذشته، کار بدی هم کرده است، اما فکر نمی‌کنم آدم‌ها را این گونه می‌گرفتند و می‌زدند.

در این هنگام آقای احمدی‌نژاد می‌خواست مطلبی بگوید که آقای موسوی گفت: شما نباید در وقت من دخالت کنید. ما می‌خواهیم عادلانه عمل کنیم. بنده برای چهار سال درباره شما حرفی نزدم. وقتی کارد به استخوان رسید بر حسب وظیفه آمدم. بنده هیچ انگیزه‌ای نداشتم. دیدم شما کشور را به خطر می‌اندازید. بنده در برنامه‌های دیگر، مسائل اقتصادی را مطرح خواهم کرد که با چه روشی شما کشور را اداره می‌کنید.

همین شورای پول و اعتبار عملاً بانک‌ها را به حیاط خلوت شما تبدیل کرده است. این

سیاست قجری است، قدیم حکام قجری چه کار می‌کردند؟ میرزا آغاسی چه کار می‌کرد؟ یک خزانه‌ای داشت، از آن پول برمی‌داشت، به این تخصیص می‌داد، به آن تخصیص می‌داد. آقا شورای پول و اعتبار برای این است که شما را محدود کند، بنده را محدود کند، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای این است که نگذارد شما هر گونه که دلتان خواست هزینه کنید، بیاید از شما حساب‌کشی کند. در نتیجه آن می‌شود که دیوان محاسبات می‌گوید، پول‌ها گم شد، به خزانه ریخته نشد، چند هزار تخلف شد. این مسائل پیش نیاید. این به صلاح همه ماست، به صلاح شما هم هست، به صلاح بنده هم هست، به صلاح همه ملت است. شما این کار را نکردید. ببینید بحث بنده از روی دلسوزی است، بحث من طرح مشکلی است که اگر ادامه پیدا کند و اگر بقیه ابعاد آن را هم بشکافم، خواهیم دید که همین مسأله تورم هم ناشی از آن است، بیکاری هم از آن است، اعتیاد هم همین طور، بدفرهنگی هم نتیجه این سیاست هاست، شکست ما در سیاست خارجی هم ناشی از همین مسأله است و این که ما در منطقه یک دوست نزدیک نداریم، باز هم ناشی از این قضیه است. همه‌اش بر می‌گردد به این چیزها که من در چارچوب همان طرحی که گفتم، برای شما می‌خوانم:بنده چهار پنج مورد از ویژگی‌های این نوع مدیریت که ما را به این بن بست‌ها می‌کشاند، برای شما مطرح کردم.

مجری: ۳ دقیقه دیگر از وقت شما باقی است.

موسوی: آقای احمدی‌نژاد مسائلی را می‌گوید که ما را مجبور می‌کند چیزهایی بگوییم که خوش نداشتم مطرح کنم. به هر حال مدیریت هیجانی و بی ثبات، نمایشی و شعاری، خیالبافی و خرافه‌گرایی از این نوع مدیریت است. ما چهار سال است که می‌شنویم اسرائیل در حال فروپاشی است، فرانسه در حال فروپاشی است، آمریکا در حال فروپاشی است، خب بر اساس همین ما سیاست خارجی را تدوین می‌کنیم، خب معلوم است که به بیراهه می‌رویم، معلوم است که اشتباه می‌کنیم. اگر آدم خودمحور نباشد از قانون فرار نمی‌کند و از قانون استقبال می‌کند و از راه قانون مسائل را حل می‌کند. روزمرگی و سطحی نگری و افراط و تفریط‌ها به کشور لطمه زده است. بنده اعتقاد دارم خسارت‌هایی که در این چهار سال به ما وارد شده، خسارت‌های سنگینی است و همه اینها توجیه‌گر حضور بنده برای انتخابات است. من اصلا قصد مبارزه به آن طریق را ندارم. من پیام را به مردم می‌دهم. از مردم بودم، به مردم بر می‌گردم و مردم قضاوت خواهند کرد . می‌توانند درباره این دوره هم قضاوت کنند و خودشان ببینند که رویه‌ها و سیاست‌ها چگونه است و تصمیم نهایی را بگیرند. من این را برای کشور خطرناک دیدم و بر حسب وظیفه آمدم و نتیجه دست خداوند متعال.

است و این‌که مردم قلبشان را به چه سمتی مایل کنند.

مجری در پاسخ به استعلام زمان باقی مانده: یک دقیقه دیگر وقت دارید.

موسوی: من از همه مردم تشکر می‌کنم. مردم را کمی به عمیق بودن و ارزش‌ها دعوت می‌کنم، هر چند می‌دانم اینگونه هستند. مردم را خوار کردن، با یک نامه دنبال ماشین کشاندن، به عنوان این‌که سیاست رو در رو با مردم داریم، این روش کار نیست. برای مردم باید تولید ایجادکنیم، کار ایجاد کنیم، صنعت خود را باید تقویت کنیم نه این‌که برنج باسماتی رشت را فرابگیرد، چایش یک جور شود.

محصول استان همدان سیر است. در سفرم به همدان به من گفتند از چین سیر وارد می‌شود و ما نمی‌توانیم سیر بکاریم. ما باید این چیزها را از بین ببریم و حداقل یک عرق ایرانی داشته باشیم و در اقتصاد نفت تحقیرآمیز است که صنعت و کشاورزی، تولید، اقتصاد و فرهنگ ما در معرض نابسامانی‌ها قرار بگیرد. آرزو می‌کنم نتیجه این بحث‌ها و گفت‌وگوها به نفع انقلاب عظیم اسلامی تمام شود.

مجری: هر دو نامزد به اندازه مساوی از وقت خود استفاده کردند. رسانه ملی علاقه‌مند است بحث را ادامه دهد اما بر اساس مصوبه کمیسیون تبلیغات انتخابات، این اجازه به ما داده نمی‌شود.

احمدی‌نژاد (در حالی که برنامه به پایان رسیده بود و صدایش قطع شد): آقای موسوی اتهامات را پشت سر هم می‌گوید و بعد می‌گوید من نمی‌خواهم بگویم...

۴ـ متن کامل مناظره کروبی ـ احمدی‌نژاد (۱۷خرداد۱۳۸۸)

مجری: خدمت بینندگان محترم سلام عرض می‌کنم. طبق شواهد و یافته ها، مناظره‌ها مورد توجه بینندگان، شنوندگان و همه مردم خوب ایران قرار گرفته است. حداقل این است که بعد از مناظره در خانه مردم درباره بحث ها، نظرها و آرای مشترک و متفاوت نامزدها، بحث می‌شود و این صحنه مبارکی است. قبل از آغاز بحث امشب لازم است تذکر دهم نقد کاندیداهای غایب طبق قانون انتخابات موجب می‌شود حق دفاع برای آنها در نظر گرفته شود. در مناظره قبلی سه‌چهار دقیقه برای کاندیدای غایب، وقت در نظر گرفته شد. امشب طبق قرعه‌کشی، آقای کروبی بحث را شروع می‌کند و آقای احمدی‌نژاد بحث را به پایان می‌برد.

سوال مجری از کروبی: در برنامه‌های شما واژه‌های عدالت اقتصادی و برنامه ریزی زیاد دیده می‌شود و در بحث عدالت اقتصادی واژه توزیع درآمدهای نفتی مطرح است. طرح خود را در مقایسه با طرح آقای احمدی‌نژاد که در حال عمل است، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کروبی: بحث شما خوب است اما من ابتدا درباره شعاری که دادم و انگیزه آمدنم سخن می‌گویم که چرا آمدم و این صحبت که «من برای تغییر آمدم» معنایش چیست. مخصوصاً تکیه کردم روی قوه مجریه یعنی برای ریاست جمهوری آمدم که مسوول اجرایی کشور شوم. ببخشید که صریح می‌گویم چون رقابت انتخاباتی است. هم آقای احمدی‌نژاد آمده‌اند، هم آقای موسوی که از دوستان خوب ما هستند و هم جنابِ آقای رضایی آمده‌اند. قبلاً هم صحبت آقای خاتمی بود و مدتی هم اعلام شد که هستند اما من گفتم چون حزب تشکیل دادم برای تغییر آمده‌ام، و برای حرکتی جدید.

من تصریح کردم که برای تغییر در سیاست‌های آقای احمدی‌نژاد و نحوه اداره کشور آمده‌ام. من دو اشکال اساسی به شیوه اداره آقای احمدی‌نژاد دارم و حتی اوایل هم که سوال می‌کردند، من به سوال‌ها ـ چه خبرگزاری‌های داخلی و چه خارجی ـ جواب نمی‌دادم و می‌گفتم دولت آمده و کارهایی را شروع کرده است. من معترض هم بودم اما چون شورای نگهبان تأیید کرده بود بحث نمی‌کردم و گاهی نقدی می‌کردیم. اواخر که آمدم مصمم شدیم و نقدها بیشتر شد. البته این کار سخت و دشوار است چون آقایی که چهار سال مسوول دولت بوده چهار سال دیگر هم طبق قانون اساسی اگر مردم به او رأی دهند حقش است که رئیس‌جمهور باشد. او مشغول به کار و مسلط بر اوضاع حاکم است و ما پیاده. ما هم به دوستان آقای احمدی‌نژاد و هم به خودشان اشکال اصولی داریم و در اداره کشور کاملاً نارسایی و ضعف می‌بینیم. ما هم به شخص و هم به شیوه اداره کردن اشکال داریم و اشکالات مهم به شخص آقای احمدی‌نژاد

است.طبیعی است که من عرض می‌کنم و آقای احمدی‌نژاد دفاع می‌کند و داوری هم با مردم است. من صریح و شفاف صحبت می‌کنم و آقای احمدی‌نژاد هم صریح و شفاف و هر گونه‌ای که می‌خواهد پاسخ می‌دهد. من فردا شب هم با علاقه‌ای که به آقای موسوی دارم، راجع به ایشان سوالاتی را مطرح می‌کنم.

اطلاعاتی که آقای احمدی‌نژاد می‌دهند قاعدتاً یا اطلاعات غلط به ایشان می‌دهند یا باید بگوییم که آقای احمدی‌نژاد خلاف می‌گوید. از این دو حالت بیرون نیست. من با صراحت می‌گویم یا اطلاعات غلط است که باعث می‌شود ایشان گمراه شود (چون من هم مسوول بودم، می‌دانم خیلی اوقات به مسوولان اطلاعاتی می‌دهند که موجب اشتباه می‌شود) یا این‌که خودشان بنایش بر این است. من معتقدم اگر از اول مسوولیت آقای احمدی‌نژاد با ایشان برخورد معقول و منطقی می‌شد و بزرگان نظام، دوستانه مطالب را مطرح می‌کردند ماجرای هاله نور به وجود نمی‌آمد. من وقتی ماجرای هاله نور را شنیدم اصلاً باورم نشد. به کسی هم که نمی‌خواهم اسم او را ببرم، گفتم این قدر دیگر لازم نیست در انتخابات، آدم دشمنی بکند و هر چیز را جعل و به طرف نسبت دهد. او گفت نه آقا دیده‌ایم. تا من از قم تحقیق نکردم، باورم نشد. ایشان برای آیت‌الله جوادی آملی فیلسوف، فقیه و عالم صحبت می‌کنند. ایشان گفت بعد از این‌که صحبت‌هایم تمام شد به من گفتند یک هاله‌ای از نور تو را فراگرفته بود و وقتی صحبت می‌کردم اینها آنقدر میخکوب می‌شدند که چشم هایشان حرکت نمی‌کرد و همه به چهره من نگاه می‌کردند در حالی که فاصله تا حضار آنقدر زیاد است که چشم هر قدر هم تیزبین باشد، نمی‌تواند ببیند چون آدم همه حواسش به صحبتی است که می‌کند. چگونه می‌شود که هم هاله نور را دیگران ببینند و هم چشمان دیگران را ببینی. چون این مسأله به مسائل مذهبی بر می‌گشت خیلی ناراحت و متأثر شدم. آقای احمدی‌نژاد عنایت نکرد. من به آیت‌الله جوادی از قدیم ارادت دارم ولی بعد از آن ارادتم بیشتر شد. در تشییع جنازه آقای بهجت که ایشان نماز خواندند، ایشان شروع کرد، عالمانه نصیحت کرد ایشان (احمدی‌نژاد) را. دو سه روایت جالب خواند که ائمه معصومین (ع) دستور داده اند که حتی بچه‌ها و حیوان‌ها را هم نباید فریب داد. جالب است که سی دی آن را هم به من داده بودند ولی من تا خودم جویا نشدم و نرفتم و ندیدم؛ نقل نکردم. تلویزیون مانع ما شد وگرنه بنا داشتیم اولین پخش همین باشد.

چندی بعد آقای احمدی‌نژاد به عراق تشریف بردند و گفتند آمریکایی‌ها می‌خواستند ما را بدزدند و ما با نقشه‌ای آمدیم آمریکا. خبیث و استکبار و هر چه هست، اما حساب و کتابی در دنیا هست. این طور نیست که آمریکا بخواهد کسی را بدزدد. حساب منافع ملی اش را می‌کند.

من یک بار به آمریکا رفتم. بیشترین حفاظت را هم من داشتم. دعوت بین المجالس بود، زمان آقای ناطق تنظیم شده بود. مجلس پنجم تمام شد و مجلس ششم شروع شد. من به آمریکا رفتم. آمریکایی‌ها سگ‌هایی آوردند و همه را کنترل می‌کردند و مراقبت‌هایی که می‌کردند به گونه‌ای بود که به شوخی به پاسدارانم گفتم اینها مراقبت می‌کنند، شما هم مراقبت بکنید. ما جایی نرفتیم. ما را با یک کشتی گرداندند. بالای سر ما هم هلیکوپتر بود. آنها می‌فهمند که یک رئیس‌جمهور را بدزدند، چه عواقبی دارد. من همه صحبت‌ها را از خود آقای احمدی‌نژاد نقل می‌کنم. ایشان گفت: آمریکایی‌ها بر اثر برخورد من با آنها و عکس‌هایی که گرفتیم، بوش می‌خواست دیوار صوتی ایران را بشکند، اطاعت نکردند یعنی ایشان آنقدر نفوذ کرده بود که بوش که دنیا را به آتش کشانده بود، دستورش را اطاعت نکردند، من تعجب کردم.

احمدی‌نژاد: بحث‌هایی که آقای کروبی کردند نیازی به پاسخ ندارد، چون ربطی به اداره کشور ندارد. فکر کردم ایشان درباره اقدامات بزرگی که دولت در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، علمی و صنعتی انجام داده است، می‌خواهند صحبت کنند. آقای کروبی دو ادعا کرد. در اولی که خوب ساختگی بودن آن کاملا معلوم است و در مورد دوم هم که ظاهرا ایشان جای آمریکایی‌ها نشستند و از آنها دفاع می‌کنند. بهتر است بگذارند خود آمریکایی‌ها اظهار نظر بکنند.

من خدمت ملت عزیز می‌خواهم بگویم که ملت ایران شایسته جایگاه‌های بلند در منطقه و جهان است. ملت ایران دنبال عدالت، پیشرفت، عزت و تعالی کشور است. امام (ره) هم همین را می‌خواست و رهبری هم همین را می‌خواهند. همه ملت همین را می‌خواهند. اسلام هم همین را می‌خواهد. ما باید به دنبال اجرای عدالت باشیم و در ضرورت اجرای عدالت تردیدی نیست. عدالت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، زمینه‌های پیشرفت کشورند.

من می‌خواهم چند شاخص برای مردم عزیز ارائه کنم و خواهش می‌کنم این را نشان دهند (آقای احمدی‌نژاد در این لحظات چندین نمودار اقتصادی نمایش داد). یکی از شاخص‌های اصلی اقتصاد کشور تولید ناخالص داخلی است و گزارش مرکز آمار ایران و بانک مرکزی از سال ۶۰ تاکنون نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی در این دولت به‌رغم تحریم‌ها و فشارها ۶/۲۵ درصد در سه سال (میانگین سالانه) است در حالی که در دولت قبل ۵/۶۱ درصد بوده است و ما البته تحریم و بحران جهانی داشتیم اما رشد اقتصادی افزایش پیدا کرده است.

یک شاخص دیگر در اقتصاد، نرخ بیکاری است و از سال ۸۳ به بعد، نرخ بیکاری را در هر فصل اندازه می‌گیرند و برآورد می‌کنند و من هم یک فصل را به عنوان نمونه آورده‌ام. تا ابتدای سال ۸۴ نرخ‌ها بالا بوده اما از ابتدای ۸۴ نرخ بیکاری به طور مستمر رو به کاهش است و این

تحولات در حالی اتفاق می‌افتد که در دنیا این نرخ بیکاری در حال افزایش است. در فرانسه، آمریکا، کانادا و انگلیس، نرخ‌های بیکاری رو به صعود است.

یک شاخص دیگر اقتصادی، «ضریب جینی» و نحوه توزیع درآمد است که در دولت نهم به سمت عدالت حرکت می‌کند و فاصله درآمدی میان دهک‌ها کاهش می‌یابد. بدترین وضع ضریب جینی مربوط به سال‌های ٦۰ تا ٦۳ است و بهترین وضع آن یعنی ۳۸ صدم درصد برای اولین بار در تاریخ اقتصاد ایران اتفاق افتاده و دلیل آن هم روشن است. دولت سهام عدالت را توزیع کرده، حقوق ثابت طبقات پایین را افزایش داده و حقوق افراد زیرپوشش نهادهای حمایتی را بیشتر کرده است که نشان می‌دهد ضریب جینی رو به کاهش می‌رود (ضریب جینی هرچقدر به صفر نزدیک‌تر شود، نشان دهنده بهبود در توزیع درآمدهاست و هر چقدر به عدد یک نزدیک‌تر شود توزیع درآمد بدتر و ناعادلانه‌تر می‌شود). آخرین ضریب جینی در سال ۸۷ است که پریروز در مرکز آمار ایران منتشر شد.

یکی دیگر از شاخص‌های اقتصادی، رفاه و تامین اجتماعی است. حقوق بازنشستگان در ابتدای دولت ۱۳۹ هزار تومان بود و در پایان این دولت، ٤۹٦ هزار تومان متوسط دریافتی بازنشستگان است که ۲٥٦ درصد رشد نشان می‌دهد و در جهت ارتقای شاخص عدالت است. یکی از ریشه‌های اصلی تورم و به هم ریختگی اقتصاد، بدهی دولت‌ها به بانک مرکزی است. از سال ٦۰ تا ٦۷ تمام دولت‌ها از بانک مرکزی پول بر می‌داشتند و همه دولت‌ها از سال ٦۰ تا قبل از این دولت بدهکار بودند (۱۱ هزار میلیارد تومان به قیمت جاری که نرخ دلار ۷ تومان بود) که اگر به قیمت امروز محاسبه شود، بیشتر هم خواهد شد و تاثیر خود را بر اقتصاد کشور خواهد داشت. برداشت از بانک مرکزی از ابتدای این دولت کاهش پیدا کرده است. در دولت ٦۰ تا ٦۳، برابر ۳۱۸ میلیارد تومان به قیمت آن روز از بانک مرکزی برداشتند و خرج کردند که در سال‌های ٦٤ تا ٦۷ حدود ٥۹٤ میلیارد تومان و در سال‌های ٦۸ تا ۷۱ حدود ۳٤۰ میلیارد تومان و در سال‌های ۷۲ تا ۷٥ (اینها هر کدام یک دولت است) حدود ۲٦٥۳ میلیارد تومان و در سال‌های ۷٦ تا ۷۹، حدود ۱۹۹٥ میلیارد تومان و در سال‌های ۸۰ تا ۸۳ و قبل از این دولت حدود ٥۱۰۷ میلیارد تومان به بازار پول اضافه شد که همین پول ها، ریشه تورم است. در این دولت دو هزار میلیارد تومان از این بدهی را برگردانده ایم یعنی پولی که دولت‌های قبل گرفتند و خرج کردند این دولت آن را برگردانده است.

یک شاخص دیگر تورم است که نرخ آن را چهار سال به چهار سال از سال ٦۰ داریم و در چهار ساله اول دولت، نرخ تورم به‌رغم بحران جهانی و این همه بدهی دولت‌های قبلی به بانک

مرکزی، در مقایسه با ٤ سال اول دیگر دولت ها، کمتر است. نرخ تورم در چهار سال اول این دولت ١٦/٥٥ درصد است و در چهار سال اول دولت آقای خاتمی حدود ۱۷/۰۳ درصد، چهار سال اول دولت آقای هاشمی ۱۷/۵۸ درصد و در چهار سال اول دولت آقای موسوی هم ۱۸/۹ بوده است. نرخ تورم در ایران رو به پایین و هم اکنون زیر ۱۵ درصد است و به یاری خدا، تک رقمی خواهیم کرد در حالی که در همه کشورهای دنیا، نرخ تورم در حال افزایش است. نرخ تورم در خاورمیانه بدون نفت از ۹/۳درصد به بیش از ۱۵ درصد و در کشورهای نفتی خلیج فارس از ۱۰/۳ درصد به ١٥/٦ درصد رسیده است و بیش از ۵۰ درصد افزایش نشان می‌دهد و در قاره‌های مختلف، نرخ تورم به‌سرعت در حال افزایش ؛ اما در ایران در حال کاهش است. این موارد نشان می‌دهد دولت یک برنامه روشن و جدی و عالمانه برای اقتصاد ایران در پیش گرفته و کیفیت اداره کشور در این اطلاعات منعکس شده است و این اطلاعات را همان کسانی تهیه کرده اند که از سال ٦۰ تاکنون دارند تهیه می‌کنند و با همان روش.

وقتی ادعا می‌کنیم روش اداره کشور، غلط است، باید این اطلاعات را مقایسه کنیم. در غیر این صورت، این‌که چه کسی در کجا چه حرفی زد که حرف نمی‌شود؛ آقای کروبی یک مقدار متاسفم. آیا با این حرف‌ها کشور را می‌شود اداره کرد؟ این‌که یک نوار دیده‌ام، فلانی چه گفته است، کسی را دیده ام و یک حرف دیگری زده است ؛ با این حرف‌ها که نمی‌شود کشور را اداره کرد. بله من حرفی زدم، به آمریکایی‌ها و به نخست‌وزیر عراق هم گفتم و اگر تکذیب کنند اسنادش را منتشر می‌کنم. جالب این است که آمریکایی‌ها هم تکذیب نکردند و شما از طرف آمریکایی‌ها حرف می‌زنید؟ آقای کروبی شما یک آدم انقلابی هستید و در انقلاب بودید و سخنرانی‌های شما علیه آمریکا موجود است؛ حرف‌هایی که در مقاطع گوناگون زدید، چطور الان از آمریکا دفاع می‌کنید، من واقعا تعجب می‌کنم.

کروبی: سه مطلب را درباره فرمایشات شما می‌گویم؛ اولین مطلب این است که هر دولتی باید با مردم صادق باشد و بزرگ‌ترین سرمایه امام (ره)، صداقت ایشان با مردم بود که آمدند و انقلاب کردند. ایرانیان نعمت صداقت را از زرتشت تا اسلام و امام زمان (عج) داشتند و دارند و ایرانیان وصیت می‌کردند که این دو کار را نکنید؛ دروغ نگویید و نزول نخورید و اسلام هم می‌گوید بدترین گناه، دروغ است. نمی‌گوید بدترین گناه مثلاً میگساری یا نماز نخواندن است. دولت باید اعتماد مردم را جذب کند و این حالت که هم اکنون پیش آمده است، برطرف شود. این طور که جناب عالی می‌فرمایید، انگار من تازه از بیابان‌ها آمده ام و اصلاً اطلاعاتی ندارم. ١٦ سال مجلس بودم و از گروه‌هایی هستم که اولین بار به مجلس رفتم. وقتی که شما بخشدار

ماکو یا فرماندار خوی بودید، بنده نایب رئیس مجلس بودم؛ حالا هم هیچ ادعایی ندارم، سابقه‌ام چیست، چه کاره هستم. من که از بیابان‌ها نیامده‌ام، من خودم با آمار و ارقام سر و کار دارم.

برخلاف آماری که جناب عالی می‌دهید، کسانی هم اطلاعات و آماری می‌دهند که بر خلاف اطلاعات و آمار شماست. راه حل این است. بیایید یک کار را بکنیم، نمی‌دانم چرا سازمان صدا و سیما این کار را نمی‌کند. چرا می‌ترسید؟ چرا اینقدر خائفید (رو به مجری مناظره). طرفداران آقای احمدی‌نژاد و دیگران بنشینند و این موضوعات را بررسی کنند.آقای احمدی‌نژاد یک سری فرمایشات دارد که می‌گوید، رئیس دولت هم هست، من که هیچ در دست ندارم، می‌گوید آقا تو نداری.حکایتی از ملا نصرالدین برای شما بگویم. به ملا گفتند وسط زمین کجاست. گفت همین جا. گفتند اینجا نیست. ملا گفت خوب بروید متر کنید. این طور که نمی‌شود که شما این جوری حرف می‌زنید! بیایید دوستان شما نه در صدا و سیما، بیایند در دانشگاه‌ها و با دوستان من بنشینند و صحبت کنند. مردم بالاخره صاحب فهم هستند، صاحب شعور هستند، می‌فهمند که من حرف‌های سطحی یا دقیق می‌زنم.

شما می‌گویید بانک مرکزی نرخ تورم را ۲۵ درصد اعلام کرده است. شما دو روزه آن را با یک محاسبه عجیب به ١٤ درصد می‌رسانید که عجیب است. تورم غیر از مسائل علمی با شکم و زندگی مردم سر و کار دارد، با خیالات و وهمیات نیست. تورم را ننه‌جون من هم می‌فهمد... همه موضوع تورم را می‌فهمند، چون وقتی می‌روند گوشت می‌خرند، متوجه می‌شوند که گران شده است.

آقای ضرغامی چند وقت پیش می‌گفت در خبرها آمده بود، گوشت مثلاً کیلویی شش هزار تومان شده است. شما می‌گویید چهار هزار تومان است. ما نمی‌توانیم به مردم دروغ بگوییم، این را که رئیس سازمان صدا و سیما گفته است و ما در روزنامه‌ها و سایت‌ها خواندیم. شما آمار و اطلاعات را همین طوری می‌فرمایید، من هم می‌گویم گروهی بنشینند درباره این‌ها بحث کنند تا ببینند چطور است. شما آماری می‌دهید که انگار گلستان شده است. کارشناسان می‌گویند بیکاری افزایش یافته است. همه اطلاعات و آماری که شما می‌دهید کارشناسان برعکس آن آمار و اطلاعات را می‌گویند. چه کار کنیم که واقعیت معلوم شود؟

آقای احمدی‌نژاد شما به من می‌گویید انقلابی هستید. من آدم انقلابی هستم، همان انقلابی، با همان سوابق و همان خط امامی هستم. این وضع را مصیبت می‌دانم و به صراحت می‌گویم خط انحرافی و کجی که با امام مشکل داشت، الان شما را هدایت می‌کند. من صریح و روشن و آشکار به شما عرض می‌کنم.

«جمهوری اسلامی ایران» این سه کلمه امام (ره) است؛ جمهوریت را که برایش محدودیت قائل شده‌اند. شما چرا از این همه آدم‌هایی که عدم صلاحیت شدند دفاع نکردید؟ شما مجری قانون اساسی هستید. شما رئیس‌جمهور هستید اما دو هزار نفر را رد صلاحیت کردند.

مجلسی که دو هزار نفر از داوطلبان آن را رد صلاحیت کردند، هم با شما مشکل داشت و هم این مجلس با شما مشکل دارد، من نمی‌خواهم این چیزها را بگویم. کار شما با آقای لاریجانی و مکاتبات شما با وی به جایی رسید که نوشتند فرمایشات رئیس‌جمهور شبیه طنز است و ما پیش از این، هیچ وقت این موارد را نداشتیم.من دو برنامه تصویب کردم، مجلس بودم، آمارهایی که حضرت عالی می‌فرمایید یک طرفه است. ما هم اگر آمار بیاوریم می‌گویند زبانی به شما گفته‌اند. ما می‌خواهیم جمهوریت و اسلامیت امام (ره) آبرومند بماند.

چندی پیش شما درباره فساد مالی بحث‌هایی مطرح کرده‌اید. جناب عالی از روز اول که آمدید به موضوع فساد مالی اشاره کردید که کار بسیار خوبی بود وگفتید الان ۱۶ مورد از فساد مالی در جیب من هست. یادتان باشد من یک دفعه سر یک فردی همین کار را کردم، اگر من آنجا رئیس مجلس بودم می‌گفتم چون من هم یکی از سران سه قوه هستم لطفاً این اسامی را به من بدهید ببینم چه کسانی هستند.باز هم نگفتید اما همین طور این فساد مالی را مطرح می‌کنید تا این‌که داد رئیس قوه قضاییه هم درآمد و همه چیز به هم ریخت، عده‌ای رفتند، آخر هم نفهمیدیم آیا رئیس‌جمهور باید فساد مالی را رأساً بگوید.در این باره قانون صراحت دارد که جرم است که یا باید پرونده را به قوه قضاییه ببریم و اگر زیرمجموعه‌ای یا جایی خبر دارد، اگر اطلاع نداد مثلاً جرم است و قانون در این باره صراحت دارد.

شما جنگ روانی راه می‌اندازید. این جنگ روانی کشور ما را به اینجا رسانده است، ما انقلاب کردیم و جان و عمرمان و همه چیزمان را دادیم. من که دولت نبودم، دولت دیگران بودند، به هاشمی هم فرمودید. من که دولت نبودم، می‌گویند به دستور حضرت عالی چهل میلیارد تومان به آقای محصولی وام دادند. چه کسی این همه پول را دارد، شما می‌گویید یک یا دو میلیون تومان به مردم وام نمی‌دهند و این همه هیاهو می‌کنند.می گویند مدارک و اسناد درباره این وام زنده و موجود است. نمی‌توانم اسم ببرم. آیا بیان این اسامی اینجا درست است؟ باید یک کمیته تحقیق و حقیقت یاب تشکیل و معلوم شود آیا فرمایشات آقای احمدی‌نژاد درست است؟

اگر نتایج این کمیته اعلام شود با رشادت و صراحت به مردم می‌گویم و عذرخواهی می‌کنم و می‌گویم اطلاعاتی که به من دادند، غلط است. آقای احمدی‌نژاد هم همین جا تعهد بدهد که

این کمیته تشکیل شود و این موضوعات را بررسی کند و اگر معلوم شد که آمارهای ایشان غلط است، آقای احمدی‌نژاد هم بگوید «مردم ایران من از شما عذرخواهی می کنم» این باید روشن شود. ما همین طور گیج مانده‌ایم که باید چه‌کار کنیم. یک سری اطلاعات پشت سر هم می‌دهند. شما فکر می‌کنید ما آمار و اطلاعاتمان را از گاریچی‌ها می گیریم؛ همین بانکی‌ها هستند که به ما اطلاعات و آمار می‌دهند، همین گروه‌ها و همین قوه قضاییه به ما آمار می‌دهند.

قوه قضاییه می‌گوید ایشان که اینقدر هیاهو می‌کند تا حالا یک پرونده درست و حسابی به ما نداده است. بگوید چند تا پرونده به ما داده است. آقای احمدی‌نژاد می گوید من پرونده‌ها را داده ام، آنجا رسیدگی نشده است. قوه قضاییه می‌گوید بیا بگرد. می‌گوید کار آنها تسویه حساب شده است. با یک نفری که دعوا دارند، پرونده تنظیم می‌کنند و به قوه قضاییه می‌دهند و با یک نفری که دعوا ندارند، پرونده او را نمی‌دهند. چرا دیوان محاسبات می گوید یک میلیارد دلار گم شده است، شما می‌فرمایید اشتباه شده است؛ آنها می‌گویند یک میلیارد دلار گم شده است. چرا آقایی که الان شهردار است چند بار خواسته در خصوص ۳۰۰ میلیارد تومان از بودجه شهرداری تهران زمانی که شما شهردار بودید، بررسی شود. کمیسیون مربوطه در مجلس شورای اسلامی هم می‌گوید دو مرتبه این موضوع را برای تحقیق و تفحص بررسی کردیم و به صحن علنی ارائه دادیم که صحن علنی مجلس جلوگیری کرده است. مجلسی که دو هزار نفر آن را شورای نگهبان حذف می‌کند ؛ نتیجه اش همین می‌شود.

بگویید این ۳۰۰ میلیارد تومان از بودجه شهرداری چه شده است؟ درباره پرونده نفت اردبیل هم قوه قضاییه می گوید جلوی آن را گرفته‌اند زمانی که حضرت عالی آنجا بودید، همین آقای محصولی و پولش را می گویند. والله اگر فساد نمی‌شد، الان اسامی در ذهن من است که قوه قضاییه چه گفته، چطور شده، کجا رفته و چه کسی خواسته است و بعضی‌ها را باید اسمشان را ببرند که زور می‌زنند پرونده دوباره به اردبیل برگردد. همه اینها باید معلوم بشود، آیا اینها نباید مشخص شود؟ ما مسوول مردم و مسوول اموال مردم هستیم. شما رئیس‌جمهور هستید، فردا هم ممکن است همین مردم به شما رأی بدهند، چهار سال دیگر هم رئیس‌جمهور باشید، اگر هم مردم رأی ندهند باید این موضوعات مشخص شود و مردم در این خصوص بدانند.

احمدی‌نژاد: اطلاعاتی که به شما داده اند اطلاعات غلطی است و حتی شما یک مورد از آن را نمی‌توانید اثبات کنید. شما گفتید ٤٠ میلیارد تومان به دستور من به محصولی (وزیر کشور) وام داده‌اند. این اسناد را به قوه قضاییه بدهید و حتی اگر یک ریال محصولی در عمرش از بانکی وام گرفته است، همه آن مال کروبی و تیمش، چه رسد به چهل میلیارد تومان؛ این

بازی‌های تبلیغاتی است. این‌که آمار رسمی کشور را زیر سوال می‌برید یعنی گذشته خود را زیر سوال می‌برید نه احمدی‌نژاد را، و این‌که به استناد گفته یک کارشناس اعلام می‌کنید این آمار رسمی غلط است، درست نیست چون این آمار، آمار رسمی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران است و اگر آنها را قبول ندارید آن وقت دوستان شما که در گذشته در کشور بودند چگونه از عملکرد خودشان دفاع کنند که این همه پول گرفتند در کشور چه کار کردند؟ آن وقت گذشته خودتان زیرسوال می‌رود.

این آمار در گذشته بوده و اکنون نیز هست در حالی که شما یک طرفه می‌گویید من نیستم. همه دولت‌ها بر اساس آمارهای بانک مرکزی و مرکز آمار گزارش می‌دادند که من نیز این طور عمل می‌کنم.دولت آقای خاتمی بر چه اساسی گزارش می‌داد؟ آیا خاتمی خودش متر می‌کرد؟ آقای هاشمی اندازه گیری می‌کرد؟ در حالی که این طور نیست و این آمار مرکز آمار ایران است و اگر بنده به یک نفر در مرکز آمار یا بانک مرکزی گفته باشم آمار خود را بالا یا پایین کند، چنین چیزی صحت ندارد و ممکن نیست.

کروبی: اگر گفتید چی قبول دارید؟

احمدی‌نژاد: سه مرجع تولید آمار در کشور داریم که برنامه و بودجه، بانک مرکزی و مرکز آمار از جمله آنهاست و این‌ها آمار را اندازه گیری و اعلام می‌کنند و همواره با هم اختلاف جزئی داشته‌اند.

احمدی‌نژاد (جزوه‌ای را نشان کروبی‌می‌دهد): اینها اتهامات و توهین‌هایی است که روزنامه شما به من نسبت داده اند و اینها تیترهای آن است. در دوران مسوولیت من چه در دولت، استانداری و شهرداری؛ فردی اگر یک ریال هم سند تخلف دارد رو کند، چه برسد به ۳۰۰ میلیارد تومان که در این شرایط روزنامه‌های شما و دوستان شما هزار دفعه آن را نقد می‌کردند، این‌که بدون سند مسائلی را مطرح کنیم، درست نیست. من پیشنهادی دارم که شما بفرمایید آن را قبول دارید یا خیر؟ من گفته ام کسی که کاندیداست اموالش را اعلام کند و بگوید از کجا آورده است و خانواده و اعضای ستادش همه اینها اموالشان را اعلام کنند و بعد تعهد کند اگر اموالی را پنهان کردند و قوه قضاییه آن را کشف کرد، در اختیار مردم قرار دهد.

من هیچ کس را به فساد متهم نمی‌کنم اما آقای کروبی شما که نیروی انقلابی هستید، چرا از شهرام جزایری پول گرفتید؟ به من نیز اگر کسی پولی داده است، سندش را منتشر کنید تا همه بدانند در حالی که شما یک‌بار ۳۰۰ میلیون تومان و یک بار ۲۰۰ میلیون تومان از شهرام جزایری پول گرفتید که ۳۰۰ میلیون تومان تأیید شده و ۲۰۰ میلیون تومان را گفته اید من تأیید

نمی‌کنم. او گفته است که این ۳۰۰ میلیون تومان متعلق به ۷ تا ۸ سال پیش است که باید دید این ۳۰۰ میلیون تومان آن موقع اکنون چقدر می‌شود. چرا شهرام جزایری به شما این پول را داد؟ شما آدم سیاسی هستید، سوال نکردید که چرا به شما این پول را داد و با چه هدفی؟

شما فرمودید اکنون انتخابات است و باید کمک کرد در حالی که عملکرد و صحبت شما خلاف این را نشان می‌دهد و شما هنوز انتخابات را زیر سوال می‌برید و سیستمی را که شما از طریق آن چند بار انتخاب و رئیس مجلس شده اید زیر سوال می‌برید در حالی که مجریان انتخابات صد درصد از دوستان شما هم بودند. من می‌گویم همه (کاندیداها) اموال خود را اعلام کنید. من اعلام می‌کنم و از همین جا به قوه قضاییه می‌گویم اگر از بستگان، دوستان من کسی تخلفی کرد با آن محکم‌تر برخورد کنید و حتی یک مورد اگر بنده به قوه قضاییه راجع به کسی زنگ زدم و یا پیغام دادم، فردا آن را اعلام کنید تا همه بدانند.

اجازه دهید باز هم بروم روی بحث سیستم مدیریت کشور. یکی از شاخص‌های اصلی مدیریت در کشور مصارف دولت است که دولت پول را کجا خرج می‌کند و درآمدی که از نفت و مالیات دارد چگونه خرج می‌شود. اعتبارات و هزینه‌های دولت دو بخش است. یک بخش مصرفی است، یعنی دولت هزینه می‌کند و تمام می‌شود و بخش دیگر دولت سرمایه‌گذاری می‌کند یعنی راه، پل، مدرسه و فرودگاه می‌سازد. در دولت قبل رشد هزینه‌های مصرفی بیش از دولت فعلی است. در دولت فعلی رشد هزینه‌های مصرفی ۱۶/۸ درصد و رشد هزینه‌های عمرانی نیز ۳۹/۹ درصد است که یعنی دولت پولی که از مردم گرفته در هزینه‌های مصرفی کمتر هزینه کرده است و بیشتر در هزینه‌های عمرانی آن را سرمایه‌گذاری کرده است و جاده، مدرسه، دانشگاه، آزمایشگاه و ورزشگاه ساخته است که برای مردم مشهود است. من شخصاً به هر شهری که می‌روم از مردم می‌پرسم که چه مقدار از این طرح‌ها پیشرفت داشته است و از خود مردم تأییدیه می‌گیرم. کارهای این دولت در منظر مردم بسیار روشن است و تصمیم‌گیری‌ها بسیار دقیق و علمی است و بر خلاف حرف‌هایی است که آقای کروبی در ابتدای جلسه زده‌اند.

من خودم دانشگاهی و فرد علمی هستم و حاضرم بحث کنم. شما به چه استنادی اعداد را رد می‌کنید؟ اتفاقاً گزارش نهادهای بین‌المللی گزارش‌های ما را تأیید می‌کنند، آنها که اقتصادهای کشورهای جهان را کنترل می‌کنند و گزارش می‌دهند، رشد و ثبات اقتصادی ما را تأیید می‌کنند. می‌گوییم هفت‌میلیون تن تولید فولاد اضافه شده. آدرسش را می‌دهیم هر کس بخواهد، برود ببیند. می‌گوییم اینقدر سیمان اضافه شده، اینقدر پتروشیمی. روی زمین است. بروید ببینید. ما

روی هوا حرف نمی‌زنیم و وقتی که می‌گوییم تورم پایین آمده است یعنی پایین آمده است و همان موقع که تورم ۲۵ درصد بود خود بانک مرکزی اعلام کرد و اکنون که تورم به ۱۵ درصد رسیده است باز خود بانک مرکزی آن را اعلام می‌کند و روز به روز تورم را اعلام می‌کند و آن را نفی نکرده است چون مردم حس می‌کنند. بنابراین کارهای ما مستند است.

یکی دیگر از عرصه‌های مدیریت اقتصادی کشور، بورس و سرمایه است . در دولت قبل در بورس حباب بزرگی ایجاد شد با یک بورس سازی و در حالی که هنوز قانون بورس کامل و ساختار جدید مستقر نشده بود در آنجا یک حباب درست و عددهای غیرواقعی اعلام شد که عده‌ای ضرر کردند و عده‌ای سود بردند اما در این دولت ما واگذاری انجام دادیم که واگذاری‌ها معلوم است. از سال ۷۳ تا ۸٤ رقم ٤٧٠٥/٦ واگذار شده در حالی که از ۸٤ تا ۸۷ رقم ۲۲۰۳۷/۹ واگذار شده که این رقم بدون سهام عدالت و بدون آن رقمی است که مجلس تصویب کرد تا به جای بدهی دولت به سازمان‌های عمومی داده شود و این رقم آن چیزی است که در بورس مستقیم در اختیار مردم قرار گرفته است.

تقریباً همه آن بنگاه‌هایی که قبل از این دولت به صورت رفاقتی واگذار شده‌اند ، دچار مشکل و بنگاه‌هایی هستند که همه مشکل مدیریتی دارند و امروزه بنگاه‌هایی که دچار مشکل هستند قریب به اتفاق بنگاه‌هایی هستند که قبل از این دولت با واسطه به صورت رفاقتی و اکثراً به آشنایان فروخته شده اند که همه دچار مشکل مدیریتی و کارگری هستند. یک مورد از بنگاه‌هایی که در این دولت واگذار شده ، مشکل مدیریتی ندارد چون عالمانه واگذار شده است.

کروبی: ما روی همین مساله اول مانده ایم، واقعا ببینید این آمار و ارقامی که حضرتعالی فرمودید (حالا من اصلا ادعای کارشناسی ندارم)،همه کارشناسان می‌گویند آنها اشکالات جدی دارند. حضرتعالی یک مقدار جرات و شجاعت زیادی دارید و اسم می‌برید اما من نمی‌توانم اسم افراد را ببرم و شما یک دفعه مثلا به آقایی مثل مهندس می‌گویی «یک خانمی هست، بگویم؟ بگویم؟» در همان زمان من گفتم خدایا واقعا قضیه چیست.

من به جوانان بگویم که زهرا رهنورد نام و نشانش قبل از انقلاب از خود مهندس موسوی بیشتر بود، دو تا کتاب داشت، برو بیایی داشت، اهل فکر و اندیشه بود. بعد از انقلاب، سال ٦۵ که امام طرح شاهد را در همان فروردین برای من تنظیم کرد که از بخش‌های علوم و آموزش و پرورش و همه چیز بیایند، تنها خانمی که ما به همراه یک مجموعه فرهنگی دعوت کردیم خانم زهرا رهنورد بود که آمد و چقدر موثر بود و چقدر توانست در طرح مدارس شاهد خدمت

کند. واقعا من آن شب گفتم خدایا قضیه چیست؟ یک منفی به ذهن من آمد و یک مثبت. منفی این بود که گفتم نکند یک چیزی مثلا خدای ناکرده زن بدی است، یک مثبت هم به ذهنم آمد که نکند حالا بگوید آقای مهندس موسوی چقدر شما سکوت می‌کنی، هیچ نمی‌گویی، حرف نمی‌زنی گفتم شاید می‌خواهد بگوید زهرا بنی یعقوب که در همدان بلا سرش آمد و یک خانواده مذهبی دارد، چرا از او دفاع نمی‌کنی. وقتی گفت زهرا رهنورد، واقعا من همین طور مبهوت شدم.ببینید ما که نمی‌توانیم اسم ببریم، شما یک مرتبه می‌آیی و می‌گویی آقای هاشمی این جوری، در حالی که من حوصله عبارت خواندن ندارم، یک عبارتی در روزنامه از حضرتعالی هست که از عظمت آقای هاشمی و بزرگی آقای هاشمی موقعی که اردبیل تشریف داشتید، گفته بودید.

می‌دانید که با آقای هاشمی اختلاف داریم اما از قدیم با هم دوست و رفیق هستیم، از سال‌های ٤٦ و ٤٧ و در زندان با هم همکاری سیاسی داشتیم، آنقدر اختلاف داریم که آن دفعه آمد مقابل من و این دفعه هم آقای مهندس موسوی را تائید می‌کند و مرا تائید نمی‌کند اما بالاخره چه. یک دفعه حضرتعالی می‌فرمایید آقای هاشمی.

آقای ناطق هم که از دوستان قدیمی ما و از چهره‌های موجه است، ما انشعاب کردیم، از هم جدا هم شدیم، اما دوستی و رفاقتمان مانده است اما همین آقای ناطق چقدر در شهردار بودن خود شما نقش داشت که حتی من هم رئیس مجلس بودم، وقتی با یونسی صحبت کرد، به من گفتند، به خاطر پرونده اردبیل زیر بار نمی‌رفتند، من هم که هیچ اطلاعی نداشتم، خدا شاهد است روحیاتم این جور است که گفتم آخر چرا؟ دیدم آقای ناطق هم دارد گله می‌کند و گفت ایشان سر یک قضیه مشکل دارد، گفتم چه مشکلی دارد.

بالاتر از روحیاتم بگویم، وقتی آقای خاتمی ایشان را به کابینه دعوت نکرد من ناراحت شدم. گفتم حالا که مبنایتان بر این است که شهردار حتما باید باشد، چرا احمدی‌نژاد را دعوت نکردید و آقای الویری و آقای ملک مدنی بودند.

آخر می‌خواهم بگویم شما همین‌طور اسم می‌برید، من که نمی‌توانم بگویم، در همین قضایا فلان فرد چه می‌گوید. من واقعا چه جوری حرف بزنم، فکر کنم راه تنها همین است که ما واقعا بیاییم، فکری کنیم.من حتی از دولت ایشان افرادی را قبول دارم که بیاییم برویم همین‌ها را بررسی کنیم و افراد دیگری هم کنارشان بگذاریم، از همان قوه قضاییه برویم بررسی کنیم، ببینیم اینها واقعیت دارد یا ندارد. این قضیه چگونه است؟ الان ببینید، از اینش بگذریم، می‌ترسم ادامه دهم به خیلی چیزها نرسم.

سیاست خارجی دولت... جناب‌عالی می‌فرمایید سیاست خارجی ما غوغا کرده است. برادر محترم! آخر این چه غوغایی کرده است که شما تبریک هم می‌گویی، جوابت را نمی‌دهند؟ امام یک نامه نوشت به گورباچف، آقای جنتی هم آمد نامه شما را با نامه امام به گورباچف مقایسه کرد. گورباچف هنوز در نامه‌ها و حرف‌هایی که می‌زند افتخار می‌کند و می‌گوید یک نامه‌ای برای من آمد. گورباچف وزیر خارجه اش را که ۲۸ سال وزیر خارجه بود فرستاد اینجا، امام ۲۰ دقیقه اجازه ملاقات داد و وسط حرفش پا شد و گفت اصلا من چیزی نمی‌خواستم بگویم. من می‌خواستم یک دریچه‌ای از معنویت را باز کنم و از شیخ اشراق و ملاصدرا گفت. یا در مورد هوگو چاوز، هی پز می‌دهیم، البته من هم اگر فردا رئیس‌جمهور شوم با آقای چاوز رابطه را حفظ می‌کنم، رفت و آمد می‌کنم، دوستی می‌کنم. این گونه فرمودید که حیاط خلوت آمریکا، شما برای ما بفرمایید از این حیاط خلوت چه چیزهایی نصیب ما شد؟ چه بهره‌هایی گرفتیم؟ شما ببینید این حیاط خلوت حضرت عالی را که چاوز با آقای صدام، با آقای اوباما، چنان صدام را بغل گرفت و فشار داد که از آن فشاری که به شما داده، بیشتر است.

احمدی‌نژاد: صدام اوباما را بغل کرده؟

کروبی: خیر آقای چاوز، اشکالی هم ندارد، من می‌خواهم بگویم او منافع ملی اش است، اما چه حیاط خلوتی برای ما ایجاد کرده است که با شما بنشیند، با صدام هم بنشیند، با اوباما هم بنشیند، با دیگران هر روز بنشیند. عکس‌های فراوانی داریم. من هم این عکس‌ها را خدمتتان ارائه می‌دهم. چاوز کار خوبی هم می‌کند اما این چه حیاط خلوتی است؟ من می‌خواهم بگویم رابطه با آن طرف دنیا به این صورت است، مشکلات جدی پیش آمده، با ایتالیا، با خود اروپا، با خیلی کشورها وضع ما رابطه با چند تا کشور شده، بعد هم می‌فرمایید که تحریم اثری ندارد، تحریم اثری ندارد. ما به همین بحث‌های سیاست خارجی اشکال داریم. من یک عبارتی را لازم است بخوانم. این عبارت باید خوانده شود چون این ملعون (رئیس سابق موساد) گفته. حالا من صهیونیست هم می‌شوم چون عبارت‌های او را می‌خوانم. رئیس موساد گفته اگر صدها میلیارد دلار از سوی موساد خرج شده بود تا کسی منافع اسرائیل را تامین کند احدی بهتر از احمدی‌نژاد نمی‌توانست این خدمت را انجام دهد و در ادامه مصاحبه خود با تلویزیون عربی اسرائیل گفت، هیچ کسی بهتر از احمدی‌نژاد تامین کننده منافع اسرائیل نیست و در ادامه مدعی شد وجود احمدی‌نژاد برای اسرائیل یک معجزه، یک هدیه گرانبها و حتی الهی است و هر جمله‌ای که او علیه اسرائیل می‌گوید کار اسرائیل را در جهان آسان می‌کند. بالاخره این چیست؟ چه می‌گویند؟ آیا آنها فکر می‌کنند شما قهرمان جهان شده‌ای؟

آقای احمدی‌نژاد عزیز! برادر من! وهم و خیال و اینها نیست، پیام خمینی تا پیام احمدی‌نژاد زمین تا آسمان فرق دارد. یک جایی بی اعتنایی بود، به ما می گفتند نروید، دیگر اهانت به شما می‌شود، من خودم به دو کشور می‌خواستم بروم که گفتند معمول ما نیست رئیس مجلس که می‌آید با رئیس جمهور ملاقات کند. گفتم نمی‌آیم و وقتی رفتم ایتالیا به وزیر وقتمان گفته بودند در حد رئیس جمهوری از فلانی تجلیل کردیم. کسی مهدی کروبی فرزند احمد را تجلیل نکرده است، مهدی کروبی یعنی جمهوری اسلامی.

وقتی شما می‌روی یعنی جمهوری اسلامی. وقتی شما می‌روی حوادث تلخ برای ما پیش می‌آید، این جور برخوردها می‌شود. خوب اینها سبک است. برای ما چه برکتی دارد که شما به این صورت می‌روی و بعد هم می گویی ما داریم انقلاب می‌کنیم، جهان را مدیریت می کنیم. چه می‌فرمایید؟ می‌فرمایید همین جا باز هست. خواهش می‌کنم ۲۰ تا از آن کشورها را برای من بشمار، می گویید ما به صد کشور رفته‌ایم که به ما گفته اند الگوی مدیریتان را بدهید. آخر این الگوی ما چیست؟ چه الگویی؟ توضیح دهید ما هم بفهمیم. من کلاس ابتدایی هستم، اصلا اکابری هستم، خواهش می‌کنم این توضیحات را شما به ما بده، الگویی که شما درست کردید چیست که دنیا شیفته شده و نمی‌داند و می گویید صد کشور خواسته. الان به شما می گویم. ۲۰ تا از آنها را بشمار اینجا، آنهایی که به ما می گفتند کجایند؟ که الگو خواسته‌اند؟ آخر این طور که نمی‌شود حرف زد و کشوری را که شاهدش هستیم و می‌بینیم، به اینجاکشاند.

می‌رویم سر سیاست خارجی، عرب‌ها، می‌نشینی آنجا و عکست را هم می‌زنند. عکس جناب‌عالی هست و زیر آن هم در نشریه‌شان خلیج عربی زده‌اند. بالا سر هم حضرتعالی را گذاشتند و ما آن وقت بزنیم تو سرمان و واقعیت هم دارد و بگوییم که خلیج فارس است. ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح خلیج فارس بوده، الان هم خلیج فارس است، برای همیشه هم خلیج فارس است، این عظمت وزارت خارجه ماست، این سیاست خارجی مهم و موفق ماست.

یک حرف‌هایی که می‌زنند، کم‌کم دیگر آنقدر پررو شده اند که به ما می گویند در صورتی ما در ایران برای جشن ورزشکاری جهان اسلام شرکت می‌کنیم که خلیج بنویسید و فارس ننویسید.

مجری: خیلی متشکرم.

کروبی: چقدر شد؟

مجری: ۱۰ دقیقه و ۳۵ ثانیه.

احمدی‌نژاد: شما نگفتید پول شهرام جزایری را برای چه منظوری گرفته‌اید.

کروبی: چقدر خوشم آمد از هوشت، شما جواب اردبیل و اینها را ندادید، مخصوصا جواب ندادم. می گویم جواب می دهم.

احمدی‌نژاد: من که می گویم هر سندی هست، دستگاه قضایی پیگیری کند.

کروبی: حالا اردبیل را بفرما هست یا نیست. شما یک سوال کردی، من هم سوال کردم.

احمدی‌نژاد: ۳۰۰ میلیون را شما گرفتید، در دستگاه قضایی هم اثبات شده، حکم هم صادر شده، شما هم نفوذت اگر در دستگاه قضایی ۱۰۰ برابر من نباشد کمتر نیست. اگر یک مورد بنده سفارش شده ام یا سفارش کرده ام اعلام کنند. همین جا می گویم. فردا اعلام کنند. شما بدترین توهین‌ها را به من کردید؛ حتی همسر من که نقشی در این قضیه ندارد عکسش را در روزنامه تان انداختید و توهین کردید. شما اگر یک برگ سند علیه من داشتید در روزنامه خودتان چاپ می کردید.

در موضوع شهرداری آقای لاری می‌خواست پرونده‌سازی کند. آمدند به من گفتند برو کنار. گفتم هر چه از من دارید بزنید در روزنامه. الان هم به جناب‌عالی می گویم هر چه از من، خانواده من دارید، بزنید در روزنامه و پای آن بایستید. مرد و مردانه. هر چه دارید هر پرونده‌ای از من هست بزنید مردم بدانند رئیس‌جمهور چه کسی است.من می گویم همه اموالمان را با ستادهایمان و وزرا اعلام کنید، هر چه تقلبی بود قوه قضاییه بگیرد، بالاخره شما نگفتید این ۳۰۰ میلیون چه شد.

کروبی: می گویم دغل.

احمدی‌نژاد: شما اسم بردید گفتید آقای محصولی، من هم گفتم یک تومان ایشان از هر بانک وام گرفته بود مال شما، تمام شد. این جواب ادعاهای جناب‌عالی.

اما راجع به اسرائیل، رژیم صهیونیستی که من ننگم می‌آید اسم آن را به کار ببرم، امام یک جمله قشنگی فرمود. گفت: «اینها اینقدر نجس هستند که اگر خودشان را به بحر محیط هم بزنند آن[را] هم نجس می‌کنند.» در زمان جنگ آمدند چنین ادعایی که الان آقای کروبی خواندند، کردند برای این‌که بگویند ملت ایران با اسرائیل ارتباط دارد. آمدند گفتند ایران از اسرائیلی‌ها سلاح خریده است. همان موقع امام آمدند این جواب را دادند. من جواب امام را به آقای کروبی می‌دهم.من دو سوال کردم راجع به رژیم صهیونیستی، شما چرا ناراحتید؟ من گفتم این هولوکاست کجا واقع شده است؟ چرا جواب آن در فلسطین است؟ اگر واقع شده است چرا اجازه نمی‌دهید مشخص شود؟ حتی پدر اروپایی‌ها درآمده است. شما چه حرفی می‌زنید؟ شما رفتید ایتالیا، تحویلتان گرفتند، نوش جانت. از نظر من دنیا تنها چند کشور اروپایی

و آمریکا نیست. جناب آقای کروبی برگردید به مواضع امام. این همه انحراف از مواضع امام از شما بعید است. چهار کشور اروپایی تحویل نگرفتند. اولا من گفتم به ۶۰ کشور رفتم. وزارت خارجه فردا منتشر می کند. ۶۰ رئیس جمهور اینجا آمده است.

کروبی: دو تا از این کشورها را بگو، پنج تا از آنها که الگو خواستند.

احمدی‌نژاد: جناب آقای کروبی شما صحبت کردید، من که...

کروبی: من عذرخواهی می کنم.

احمدی‌نژاد: من مورد مشخص به شما می گویم. اصلا بنده ان‌شاءالله اگر دور بعد مردم به من رای دادند، هرگز از سیاست خارجی جناب‌عالی و آقای خاتمی پیروی نخواهم کرد. اینجا به صراحت بگویم چون به ضرر کشور می‌دانم . هسته‌ای را دادند، محور شرارت هم شدند، تعهد هم دادند. الان همه چیز برگشته است.

من آماده‌ام . یک جلسه تشریف بیاورید، برای شما توضیح می‌دهم. شما می گویید آموزش بده. من به عنوان شاگرد به شما توضیح می‌دهم اما یک جمله می گویم. امروز در دیپلماسی، دیپلماسی عمومی حرف اول را می‌زند. خواهش می کنم بروید مطالعه کنید. به دوستانتان هم که اطلاعات را تهیه می کنند، اینها را تذکر بدهید. دیپلماسی عمومی یعنی باید افکار عمومی را بگیرید دستتان. مگر آقای اوباما پریروز چه گفت؟ اینها آثار چیست؟ دلش برای ما سوخته است یا این‌که دیپلماسی کشور موجب شد. چهار سال قبل آقای بوش می گفت ما باید ایران را براندازیم. الان آقای اوباما می گوید ما بدون ایران نمی‌توانیم هیچ کاری بکنیم. همراهی ایران را می‌خواهند.

چطور شما انکار می کنید، پیروزی ملت را که امروز جایگاه ایران در دنیا بالا رفته؟ می گویید ایتالیا ناراحت است . خوب باشد، مگر ایتالیا ملاک ماست؟ آقای بوش هم همین حرف‌های شما را می‌زند و می گفت ایران چرا مقاومت می کند، چرا هسته‌ای می‌خواهید، بروید به کارهای دیگرتان برسید، هسته‌ای به ضرر شماست، چرا مقاومت می‌کنید و علیه رژیم صهیونیستی حرف می‌زنید. شما هم دارید همان حرف را می‌زنید.شما هم دارید می گویید رابطه با همه جا به هم خورده است. با کجا به هم خورده است؟ فراموش کردید در دولت‌های قبلی چه اتفاقاتی می‌افتاد؟

درباره خلیج العربیه من پاسخ شما را نمی‌دهم. من ارجاع می‌دهم به اساتید زبان عرب، دول خلیج العربیه بر می گردد به دول نه به خلیج.آنها نمی گویند خلیج العربیه. می گویند خلیج عربی. من متاسفم. چند جا گفتید. دوستانتان هم گفتند. اجازه بدهیم اساتید عرب و زبان عربی

این مساله را تشریح کنند.رئیس همان کشوری که ما رفتیم، بلافاصله مصاحبه کرد و گفت کشورهای عربی این را می‌گویند و ایران این را می‌گوید و حق با ایران است . جناب آقای کروبی ما قوی‌ترین دیپلماسی را به‌کار گرفتیم و از آن حمایت می‌کنیم.

من به خانم رهنورد احترام می‌گذارم. من دو بار از آقای موسوی پرسیدم. ایشان فکر کرد یک فرد دیگری را می‌گوییم. من آنجا گفتم دیگر نمی‌خواهم تکرار کنم. بحث ما درباره نحوه استادیاری و دانشیار شدن است که برای همه یکسان است. نمی‌توان گفت فردی انقلابی بوده است، پس باید حق بالاتری داشته باشد، این را قبول نداریم. همه هم محترم و عزیزند.آقای کروبی شما سال ٦٥ رئیس حج بودید، آنجا سخنرانی می‌کنید، اعلام می‌کنید، راه نجات فلسطین بسیج عمومی و جنگ مسلحانه با اسرائیل است و جمهوری اسلامی ایران با همه امکانات خود حاضر است در این مبارزه به صورت جدی و فعال شرکت کند. در این رابطه ۳۰۰هزار نفر در گردان‌های قدس سازماندهی شده‌اند. سوال من این است. شما چه کاره این نظام بودید که این را اعلام کردید. الان مواضع سیاست خارجی ما هم مورد تایید ملت است، هم مورد تایید مجلس، هم مورد تایید رهبری است. بقیه چه کاره هستند؟ اگر بنا بود رژیم صهیونیستی جایزه می‌داد باید به این موضع شما می‌داد. جناب آقای کروبی شما از آن موضع رسیدید به این موضع که وقتی من راجع به هولوکاست دو سوال منطقی مطرح می‌کنم، من را به جای رژیم صهیونیستی محکوم می‌کنید.به نظرم مواضع تغییر کرده است. من شما را دوست دارم. آمریکایی‌ها ناراحت شدند، شما هم ناراحت شدید و اعتراض می‌کنید.

(ادامه صحبت‌های احمدی‌نژاد رو به دوربین): یک شاخص دیگر اقتصاد نسبت صادرات به واردات است، همین طور نسبت به درآمدهاست، از سال ٦٣ آمار این شاخص دولت به دولت وجود دارد، نسبت واردات به صادرات نفت و گاز، یعنی چقدر درآمد نفتی داشتیم، چقدر واردات کردیم، از دولت دوم ٦٤ تا ٦٧ بیش از درآمد ارزی واردات شده است، یعنی یا از خارج قرض کردند یا از بانک مرکزی، در دولت‌های گذشته هم این طور بوده است، بالای صددرصد.

در این دولت نسبت واردات به صادرات نفت و گاز ۸۳ درصد و نسبت واردات به درآمدهای ارزی ٦۳ درصد شده یعنی صادرات غیرنفتی ما رشد جهشی کرده و درآمد ارزی ما ذخیره شده و امروز ذخایر بانک مرکزی بالاترین و مطمئن ترین در طول تاریخ کشور است. فکر می‌کنم با هیاهو و اتهام نمی‌توان کشور را اداره کرد. کشور باید براساس منطق و عالمانه اداره شود. رئیس‌جمهور باید خودش کارشناس ارشد باشد. شما از کجا متوجه می‌شوید. دو

کارشناس دو حرف متناقض زده‌اند. بنابراین رئیس‌جمهور باید صاحب نظر باشد.ماجرای شهرام جزایری فراموش نشود.

کروبی: به جنگ مسلحانه در فلسطین با اسرائیل اشاره کردید. اولا سال ٦٥ حتما من درباره این که لشکر قدسی وجود داشته یا نداشته است، چنین چیزی من نگفتم. همیشه آنجا که صحبت می‌کردم براساس سیاست امام (ره) بود که صریح می‌گفت سیاست نه شرقی نه غربی است. براساس و مبنای حرف امام (ره)می گفتم می‌خواهیم راهپیمایی انجام دهیم . ما جهان اسلام را می‌خواهیم ببریم مقابل این دو تا. بنابراین اصلا جنگ مسلحانه نبود و بنده هم خبر نداشتم.

اگر بحث منافع ملی نبود، سلسله مسائلی را می‌گفتم که مواردی هم بود که بر خلاف دستور امام (ره) تحرکاتی شد و امام جلویش را گرفت. سال ٦٥ متاسفانه مساله‌ای پیش آمد که یک هواپیما از ما گیر افتاد و معلوم شد که مواد منفجره داخلش نگه داشتند. بنده هم از هیچ چیز خبر نداشتم اما با قاطعیت ایستادم تا همه آنها را گرفتم و آوردم. البته سه تا از آنها آنجا ماندند که اصلی بودند.در رابطه با کارشناسان که جناب آقای احمدی‌نژاد گفتند، یک سوال من را جواب ندادید. من ده تا سوال کردم که شما یکی را هم جواب ندادید.من می گویم قوه قضاییه. شما می‌گویید پرونده اردبیل این است، من به شما عرض می‌کنم کارشناسان خودتان از جمله آقای‌دانش جعفری، افروغ، خوش چهره و رهبر که همه از یاران شما بودند، اینها همه از دور شما رفتند.فرمودید که به جریانی وصل نیستید. چرا آقای نقدی، شریعتمداری، آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جنتی اینها همه دوستان شما هستند. اشکالی هم ندارد. بنابراین شما به یک مجموعه خوبی وصل هستید. آیت‌الله جنتی که حتی حق استاد و شاگردی را فراموش می‌کند و می‌گوید (نوشته های) ایشان مثل نوشته‌های امام (ره) است و باید به داخل کتاب ببریم تا تدریس شود. من انقلابی هم هستم، انقلابی ریشه دار و حساب شده. من می گویم باید حساب شده حرف بزنیم. اگر نسنجیده حرف زدیم، دشمن‌تراشی می‌کنیم.

من به دولت کار ندارم. همیشه از خودم دفاع می‌کنم، چه آن موقع که در مجلس بودم و چه در محضر رهبری، می‌گفتم باید انرژی صلح آمیز هسته‌ای را بخواهیم و پافشاری و دفاع هم بکنیم اما مذاکرات را قطع نکنیم. همیشه گفته‌ام ، الان هم می گویم. به من گفتند تعلیق؛ گفتم نه، حتی گفتم سیاستگذاری با رهبری است. هر چه گفتم در چارچوب نظام گفتم. نه مذاکره کننده بودم و نه در جلسات حضور داشتم و از مذاکرت هم وقتی مطلع می‌شدم که گزارشی می‌دادند یا ما را دعوت می‌کردند؛ چه در شورای عالی امنیت ملی که رئیسش رئیس‌جمهور است و چه در محضر رهبری ما هم نظراتی می‌دادیم.

درباره هولوکاست، ما می‌گوییم در هولوکاست بالاخره آیا قضیه‌ای شده یا نشده، حالا شما از چه دفاع می‌کنید؛ شما از هیتلر دفاع می‌کنید؟ آیا فکر می‌کنید از وجود مقدس امام زمان (عج) یا سلمان فارسی دفاع می‌کنید.اما این حرفتان صحیح است که می‌گویید فلسطینی‌ها از سرزمینشان آواره شده‌اند. ما هم از اول گفته‌ایم که فلسطینیان باید به سرزمینشان برگردند. پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران هم این است که رفراندوم برگزار شود. ما معتقدیم که مساله را آنقدر بزرگ و رسمی نباید بکنیم.

در مساله جزایری که آقای احمدی‌نژاد دو سه بار روی آن تاکید کردند، عرض می‌کنم که حتی دوستان به من گفتند هر کسی اسمی از ما برد که نزدیکان شما هستند، اصلا وارد بحث نشوید. من نیز روحانی هستم و اجازه‌هایی از امام(ره) دارم که هیچ‌کس این اجازه‌ها را ندارد. پرونده به قبل از ا نقلاب برمی گردد که کمیته‌ها تقسیم شد و کمیته انقلاب اسلامی به آقای مهدوی، کمیته جهاد به آقای ناطق، کمیته سپاه به مرحوم لاهوتی و کمیته امداد را هم به من دادند.

کمیته امداد برای اقشار آسیب پذیر و در راسش برای خانواده مجروحان و شهدا بود. من این کار را انجام می‌دادم که هر روز صبح می‌رفتم از آیت‌الله صانعی پول می گرفتم. قبلا هم پول تحصن‌ها با من بود. یکی دو بار به شیراز و خوزستان رفتم و پول بردم.

وقتی امام وارد شد هفت میلیون پول نزد من بود ، هفت میلیون آن موقع. من شدم مسوول کمیته امداد و ا مام نیز به تدریج احکام دیگری به من داد و من شهرت پیدا کردم. از بیرون هم پول می‌آمد، از مسلمانان داخل و خارج، اموال مصادره شده را نیز به من می‌دادند که بین مردم تقسیم کنم. از دولت هم نبود. حساب‌ها جدا بود.درباره آقای جزایری هم (من عادت ندارم. همیشه از خودم هزینه می‌کنم)افرادی آمدند پیش من و جزایری را آوردند. او دو مرتبه به من پول داد که ۳۰۰میلیون تومان بود ، ۲۲۰ میلیون تومان هم نیست. حتی اگر یک میلیارد تومان هم بود، می‌گفتم چون صداقت دارم. آقای جزایری چیزی از من نخواست. الان هم بعضی افراد به من پول می‌دهند. بنده که پول نفت یا تراکم شهرداری ندارم که خرج کنم. بنده پول را از مردم باید بگیرم و خرج کنم.حتی تلفن که معمول است، به خود ایشان (احمدی‌نژاد) که شهردار بود برای مسکن نمایندگان تلفن کردم.

خوشبختانه جزایری هیچ چیز از من نخواست که به کسی تلفن کنم چون من عادتم این است. از آقای قالیباف بپرسید که چندبار به او تلفن کردم.یک پولی به من دادند و من خرج کردم. مهم‌تر این است که رهبری در این باره چه نوشته است.با این‌که آیت‌الله شاهرودی از

نظر رهبری و همه ما عزیز است اما (رهبری) برداشتند زیر آن نامه به حالت توبیخی به خط خودشان نوشتند آقای شاهرودی این چه شیوه کاری است که کسی پول بدهد به فردی و آن فرد هم پول را در کارهای معمول خرج کند. موجه هم هست. نه او چیزی خواسته و نه این چیزی خواسته است. در شان قوه قضاییه نیست که این کار را بکند.

احمدی نژاد: پاسخ آقای کروبی درباره دریافت پول از شهرام جزایری ناکافی بود. بالاخره ما پاسخ آقای جزایری را دریافت نکردیم، این‌که شما، امام و رهبری و همه را هزینه می‌کنید برای این‌که از یک آدمی که در زندان است، محکوم شده (دفاع کنید). فسادها همین طور شکل می‌گیرد. ۳۰۰ (میلیون) به آن وام می‌دهند، ۲۰۰ (میلیون) تومان به اون آقا وام می‌دهند، ۵۰ (میلیون) به آن یکی وام می‌دهند و هر کاری که می‌خواهند در این کشور می‌کنند. من تعجب می‌کنم که جناب‌عالی چطور متوجه نشدید این پول چیست؟ هر کس هر پولی که داد می‌گیرید؟ ولو پول حرام؟ ولو پول خلاف قانون؟ این چه توجیهی است که می‌گویید امام به من گفته است. آن موقع که شما پول را گرفتید مسوول کمیته امداد نبودید، مسوول بنیاد شهید هم نبودید، مسوول حج هم نبودید، یک روحانی هستید، خیلی محترم مثل بقیه. من دو سوال دیگر از جناب‌عالی دارم، می‌گویند وقتی در بنیاد شهید مسوول بودید در آنجا زندان درست کرده بودید، افراد را زندانی می‌کردید و افراد در آنجا کتک زده می‌شدند. این را تشریح کنید. آیا از امام اجازه داشتید؟ از رئیس قوه قضاییه اجازه داشتید؟ چطور شما زندان درست کرده بودید و افراد را در بنیاد شهید محبوس می‌کردید؟

یک سوال دیگر هم دارم، بالاخره من گفته ام اموالم را اعلام کنند. من خواهش می‌کنم، آقای کروبی هم اعلام کنند اول انقلاب خانه‌شان کجا بوده و چقدر بوده و الان کجاست و چقدر است، ببینیم از کجا آمده است. من همان اول اعلام کردم و الان هم اعلام می‌کنم. بنده حقوق معلمی می‌گیرم و گرفته‌ام، تمام پرونده من از الان دست قوه قضاییه باشد. اعلام هم کرده‌ام، اگر در زندگی من، همسرم و فرزندانم مشکلی هست، آن را بدون اجازه من منتشر کنند تا همه بدانند. زندگی من معلوم است، یک باب خانه دارم، حساب‌های بانکی‌ام را هم اعلام کرده‌ام، فقط حقوق دولت می‌گیرم، درآمد دیگری ندارم، البته در دانشگاه پژوهش می‌کنیم و کارهای دیگر می‌کنیم و دریافتی دانشگاه است، این را دارم. آقای کروبی هم بفرمایند که این خانه‌شان چطوری آمده است. ایشان همیشه مسوول بودند. آیا همان پول‌هایی را که امام اجازه دادند برداشتند یا نه، امثال آقای شهرام جزایری‌ها دادند یا نه اگر فعالیت اقتصادی می‌کنند بگویند ایشان مسوول بوده، فعالیت اقتصادی هم کرده است.

کروبی: اولاً آقای جزایری که به من پول داده است، هیچ وقت تحقیق و تفحص نمی‌کنیم که ببینم این پول از کجا آمده است. البته اگر بدانم فاسد است، نمی‌گیرم. اگر بدانم چیزی از ما می‌خواهد، دقت می‌کردم و نمی‌گرفتم اما یک کسی و آدم معتبری آمد و خواست کمک کند، می‌گیرم و الان هم اگر بیاورد، می‌گیرم اما اگر موردی داشته باشد، جلوگیری می‌کنم. درباره مسائل مالی خودشان که می‌فرمایند و یکی از نکاتی که درباره ایشان مطرح است الان مدرکش هست و این هفته انتخابات بگذرد برملا می‌کنیم.

آقای احمدی‌نژاد می‌خواسته است ۷۰۰ میلیون دلار از دولت به یک آقایی بدهد و رهبری جلوگیری کرده است، اصلاً یکی از اختلافات با بانک مرکزی همین بوده که حواله می‌داده اما بانک نمی‌داده است و دعوا شد. به بانک مرکزی می‌رفتند و بانک هم می‌گفت نمی‌دهم و نمی‌توانم بدهم؛ فردا گریبانم را می‌گیرند، می‌گفتند اجازه داریم، بانک هم می‌گفت، اجازه رهبری را بدهید تا همان را سنجاق کنیم.الان از ایادی و نزدیکان ایشان چه کسانی زندان هستند، آیا زندان نیستند؟ قضایای آقای علی‌آبادی و اطرافیانش چیست؟ شما ما را مجبور کردید که این حرف‌ها را می‌زنیم، چون از نزدیکان شما الان زندان هستند و بعضی از آنان را با زور آزاد کرده‌اند. شما می‌گویید آمار و اطلاعات ما (منتقدان و رقیبان) درست نیست، خوب ما چه کار کنیم، هر چه ما می‌گوییم شما حرف خودتان را می‌زنید اما درباره درآمدهای نفتی می‌گویند کل درآمد دولت سازندگی و دولت توسعه سیاسی به اندازه سه سال و نیم شما بوده است. این همه پول نفت ۱۰۰ دلاری، نفت ۸۰ دلار کجاست؟ این پیشرفت‌هایی که شما می‌گویید؟ به خدا من خرم آباد بودم و همه طرح‌هایت مانده است.

احمدی‌نژاد: خوب باز هم قانع نشدیم. بالاخره موضوع آقای شهرام جزایری چه شد؟ چطوری شد؟ موضوع مسکن شما، چطوری یک دفعه یک مسکن صد متری تبدیل شد به چندصد متری آن هم در بهترین نقطه تهران.

کروبی: چه ربطی دارد؟

احمدی‌نژاد: بالاخره من از شما سوال کردم و پرسیدم.

کروبی: اگر اجازه دهید توضیح می‌دهم.

احمدی‌نژاد: جناب آقای کروبی بالاخره معلوم است.

کروبی: آخر باید کاری کنیم، باید ببینیم حرفی که می‌زنیم راست است یا نه؟ و الا من می‌گویم پرونده این طوری که شما می‌گویید، نیست.

تذکر مجری: تنظیم وقت به هم می‌خورد.

کروبی: هفته آینده، ان‌شاءالله انتخابات که تمام شد.

احمدی‌نژاد: جناب آقای کروبی من از شما می‌خواهم اگر بنده خواستم ۷۰۰ میلیون دلار به کسی بدهم، بانک مرکزی گفته است باید اجازه رهبری بیاید و ممنوع است، فردا در روزنامه‌تان منتشر کنید، چرا هفته دیگر؟ شما به همسر من که هیچ نقشی نداشته است، در روزنامه تان تهمت زدید، شما از زیرمجموعه خود خبر ندارید؟ بسیار خوب، من می‌گویم رئیس‌جمهوری، شخصی که می‌خواهد رئیس‌جمهور شود از زیرمجموعه و روزنامه‌ای که صاحب امتیاز آن است خبر ندارد، آن وقت می‌خواهد کشور را اداره کند؟ من به شما، لباس شما، ریش سفیدتان و به سوابق شما احترام می‌گذارم، شما خبر ندارید عکس همسر من را چاپ و به وی توهین کردند، شما بروید مراجعه و دنبال کنید.

کروبی: شما مقابل یک مرد شریف و نجیب، عکس زنش را این جوری نشان می‌دهید. انتظار دارید همه چیز به هر کسی بگویی، اما کسی چیزی به شما نگوید.

تذکر مجری: صحبت پایانی با آقای احمدی‌نژاد است.

احمدی‌نژاد: شما اگر می‌خواهید بگویید، می‌خواهید از وقت من هم استفاده کنید.

مجری: بعد از انتخابات می‌شود در یک گفت‌وگو در این باره صحبت کنید.

احمدی‌نژاد: حدود سه هفته پیش، بروید بخوانید و گزارش بگیرید.

کروبی: حالا حضرت عالی بفرمایید چه بوده است؟ خواهش می‌کنم، من بی‌اطلاع هستم.

احمدی‌نژاد: من وقت خودم را می‌خواهم خودم استفاده کنم.

احمدی‌نژاد: منزل را توضیح ندادند، ایشان شهرام جزایری را توضیح ندادند، زندان را توضیح ندادند و اعلام نکردند آیا حاضر هستند اموال اطرافیان خود، رئیس ستاد و دوستان و همه کسانی را که در ستادش کار می‌کنند، اعلام کنند که همه در جریان باشند؟ می‌خواستند ۲۰ میلیارد تومان در انتخابات به مخابرات بدهند تا به مردم اس ام اس بدهند که رئیس ستاد آقای کروبی به مخابرات رفته بود و مخابرات هم اعلام کرد که ما اس ام اس عمومی نداریم.

طبق برآوردها بیش از صد میلیارد تومان هزینه تبلیغات آقای کروبی است که اینها را به مردم بگویند از کجا آمده است؟ چه جوری آورده اند؟ به مردم توضیح بدهند، شما باید به مردم توضیح بدهید که چه کردید؟ این دولت در خدمت مردم است و با کارشناسی فعالیت می‌کند. بنده بیش از هزار ساعت جلسه با کارشناسان اقتصادی و استادان اقتصادی داشتم و ممکن است دو تا سه یا ده تا بیست نفر مخالف نظر بنده باشند که ما هیچ وقت آن را رد نمی‌کنیم اما

من جلسات ده نفره، بیست نفره، پنجاه نفره طولانی مدت پنج ساعته داشته‌ام.

جناب آقای کروبی! رئیس جمهور باید خودش کارشناس ارشد باشد، این که هر چه بپرسیم بگویند کارشناسان نظر بدهند، خب؛ کارشناسان رئیس‌جمهور بشوند نه این که کس دیگری رئیس‌جمهور شود و کارشناسان اداره کنند و آن هم با این وضع کارشناسی در کشور ما!؟ همه جای دنیا نظرات شخصی در کارشناسی اثر دارد. نظر کارشناس که وحی منزل و یک چیز مطلق نیست، این کارشناس را وسط انداخته‌اند و با آن بازی می‌کنند.اما شما در فیلمتان دوباره به دانشجویان ستاره دار اشاره کردید. من آمارش را دارم. این در دوره آقای معین که متأسفانه اطلاعیه هم داده است، در این آمار از سال ۷۸ چند نفر ستاره دار بودند و سال ۸۲ بیشترین تعداد یعنی ۲۵۸٤ نفر و آخرین سال در این دولت یعنی در سال ۱۳۸۵ حدود ۲۲٤ نفر بود که ما لغوش کردیم. شما چهار نفر را (در فیلم) می‌آورید که می‌گویند ما ستاره دار هستیم، ستاره را وقتی لیست قبولی منتشر می‌کنند کنارش می‌نویسند و روی پیشانی کسی نمی‌نویسند.بحث گشت ارشاد را مطرح کردید، اهل سنت و اقوام را دیشب مطرح کردید که من توضیح دادم، رفتار دولت معلوم است.

من دو سه جمله خطاب به ملت درباره آینده می‌گویم. شما بالاخره این دولت را برگزیدید و این دولت با همه توان در خدمت شما بوده است. من اعلام کردم و اکنون نیز اعلام می‌کنم آقای کروبی و دوستانش هر گونه تخلف مالی از این دولت و وزرای بنده، فرزندان و همسر من را در روزنامه‌ها منتشر کنند به شرط این‌که پای آن هم بایستند و همین طوری کلی حرف نزنند. ما به سمت آینده حرکت می‌کنیم. به فضل الهی در آینده این نرخ تورم کاهش پیدا خواهد کرد و به یک رقمی خواهد رسید که این را تمام تحلیل‌های اقتصادی می‌گوید. (ما) رشد اقتصادی و سازندگی را حفظ کردیم.

برای اشتغال در آینده سه برنامه اساسی داریم. بنگاه‌های کوچک، بزرگ و زمینه‌های سرمایه‌گذاری، هفت طرح بزرگ اصلاح ساختار اقتصاد را آماده کرده‌ایم که بخشی در مجلس است و بخشی نیز می‌آید. همه زیرساخت‌های لازم و نهادها را برای اجرای اصل ٤٤ فراهم کردیم. ١٤ نهاد دراین مدت کوتاه تشکیل و ٤٢ آیین‌نامه نوشته شد. در این دولت نشان داده شد که ملت می‌تواند.ظرفیت‌های ملت تازه در حال شکوفایی است، در علم و فن آوری، سیاست، فرهنگ و اقتصاد و به فضل الهی دولت موانع را بر می‌دارد و از مردم پشتیبانی خواهد کرد. برای مسکن، طرح‌های ما امسال به شکوفایی می‌رسد. قرار است قیمت مسکن را ساماندهی کنیم و مسکن مهر را تحویل دهیم و وام بانکی نیز در بانک مسکن، تصویب شده است. منابع به خود

مردم واگذار می‌شود که مسکن بسازند تا قیمت ساخت پایین بیاید، یک امتیاز ویژه برای مسکن جوانان داریم، برای اشتغال جوانان برنامه داریم و اینها را به فضل الهی دنبال خواهیم کرد.

چهار سال دوستان هر چه خواستند، گفتند. ما تحمل کردیم، حوصله کردیم و پاسخ ندادیم. در همین روزنامه آقای کروبی، صدها تهمت زده شد. ما مطلقاً پاسخ ندادیم و کار کردیم که بعضی می‌گویند چرا پاسخ ندادید. در شرایطی که کشور در محاصره نظامی دشمن بود و در تحریم و فشارهای سیاسی بود، اگر ما می‌خواستیم وارد بگومگوها شویم چه اتفاقی می‌افتاد؟ نه این حجم سازندگی اتفاق می‌افتاد و نه این شاخص‌های خوب را در اقتصاد می‌داشتیم، نه هسته‌ای می‌شدیم و نه در سیاست خارجی به اوج عزت می‌رسیدیم.

البته این طور نیست که اکنون مشکل نداریم، اکنون هم مشکل داریم اما مشکلات را کم می‌کنیم. مسیر ما همان مسیر است در خدمت و در کنار مردم و شعار ما سلامت است. پاک‌ترین دولت این دولت است، خادم‌ترین دولت این دولت در کنار مردم است. یک تخلف اگر (از دولت) داشتند فلک را کر می‌کردند. این خوشبختانه وجود ندارد. راه روشن در کنار ملت است و به یاری خدا عالمانه، صادقانه ادامه خواهیم داد و به فضل الهی ایران باید بهترین کشورهای جهان باشد و می‌تواند و در مدیریت جهان باید نقش اساسی و تعیین کننده داشته باشد. باید عزیزترین کشور جهان و پیشرفته ترین باشد و این چشم‌انداز ماست. ما باور داریم که ملت ایران می‌تواند. از نگاه دشمن به ملت نگاه نمی‌کنیم. ما می‌گوییم ملت ما توانمند است و باید در بالاترین جای جهان قرار بگیرد. از همه ملت فداکار ایران به خاطر همه خوبی ها، فداکاری‌ها و نیز بزرگواری‌ها تشکر می‌کنم. ما ان‌شاءالله سفرهای استانی را در خدمت مردم ادامه می‌دهیم. اکثریت مردم در این چهار سال ما را حمایت کردند اما من هیچ حزبی و گروهی ندارم و ریالی هم در انتخابات نه خرج کردم و نه دارم که خرج کنم و از ملت عزیز می‌خواهم که اجازه دهند در این چهار سال نیز در خدمت ملت ایران باشم.

۵ـ نامه هاشمی رفسنجانی به رهبر انقلاب (۲۵خرداد ۱۳۸۸)

رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای زیده عزّه ! متأسفانه اظهارات عاری از حقیقت و غیرمسوولانه آقای احمدی‌نژاد در جریان مناظره با مهندس موسوی و مقدمه‌چینی‌های قبل و حوادث بعد از آن، خاطرات تلخ اظهارات و اقدامات منافقان و گروهک‌های ضدانقلاب در سال‌های اول بعد از پیروزی انقلاب و نیز تهمت‌زدن‌ها در انتخابات ۸٤ و انتخابات مجلس ششم و لجن‌پراکنی‌های باند پالیزدار را که در دادگاه محکوم شده به نمایش گذاشت و از آنجا که بخشی از این اظهارات قبلاً در رسانه‌های دولتی و آتش تهیه آن در سخنرانی مشهد مقدس مطرح شده، ادعای این‌که مطالب او تحت تأثیر فضای مناظره گفته شده و فاقد برنامه‌ریزی قبلی است، پذیرفتنی نیست و گویا برای تحت‌الشعاع قرار دادن گزارش‌های مستند و مکرر دیوان محاسبات در خصوص مفقودالاثر بودن یک میلیارد دلار و ارتکاب چند هزار تخلّف در اجرای بودجه‌ها می‌باشد و شاید هم رقیب اصلی خود را افتخارات ربع قرن انقلاب اسلامی می‌داند.

ده‌ها میلیون نفر در داخل و خارج، ناظر دروغ‌پردازی‌ها و خلاف‌گویی‌هایی بودند که برخلاف شرع و قانون و اخلاق و انصاف، افتخارات نظام اسلامی‌مان را نشانه گرفته بود.زیر سوال بردن تصمیمات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و تلاش‌های امام راحل و مردم مسلمان و متعهد و روحانیت عظیم‌القدر که در نیم قرن گذشته با مجاهدت‌های خویش توانستند بنای باشکوه نظام اسلامی را ایجاد و مستقر و بالنده کنند، از این بدتر نمی‌شد. دوران مشعشعی که خود شما پشت سر امام(ره) در قامت مجاهد پیشتاز، رئیس‌جمهور و نهایتاً رهبری نظام نقش و مسوولیت‌های ممتازی به عهده داشته‌اید.

نقطه قابل توجه دراین تهمت‌ها این است که غیرمستقیم، مقام ولایت در زمان رهبری امام راحل و جناب‌عالی را که هادی دولت‌ها بوده‌اید و با اظهارات صریح، مدیریت‌ها را مورد تأیید و تحسین قرارداده‌اید، نشانه گرفته است. بعد از جریان شوم ۱٤ اسفندماه ۱۳۵۹ با ارشاد امام و بنیانگذار جمهوری اسلامی، شهید مظلوم دکتر بهشتی و جناب‌عالی و اینجانب ـ که در شعارهای مردمی به عنوان «سه یاور خمینی» شناخته شده بودیم ـ با همراهی نیروهای انقلابی و به‌خصوص نمایندگان متعهد مجلس اول و حزب جمهوری اسلامی توانستیم در جهت زدودن غبارهای ابهامات و سم‌پاشی‌ها اقدامات موثری انجام دهیم و امام راحل درد آشنا با تشکیل گروه حقیقت‌یاب و داور، بخشی از حقایق را آشکار کردند.

نتایج آن، آگاهی بیشتر مردم و رسوایی فتنه‌گران و در نهایت، نجات کشور از خطری بود که

دشمنان استکباری و ضد انقلاب طراحی کرده بودند.البته اینجانب قصد ندارم که دولت موجود را مثل دولت بنی‌صدر معرفی کنم و یا سرنوشتی شبیه آن دولت را برای این دولت بخواهم، بلکه مقصود این است که باید مانع گرفتار شدن کشور به سرنوشت آن روزگار شد.اینجانب برای پرهیز از آلوده‌شدن فضای سیاسی کشور در آستانه انتخابات به تشنجات بیشتر،از عکس‌العمل فوری که مورد انتظار ملت است، خودداری کردم.

در مراسم بزرگداشت سالگرد امام(ره) به آقای احمدی‌نژاد گفتم که در اظهارات او خلاف‌گویی‌های فراوانی وجود داشته و ادعای کذب تماس تلفنی من با یکی از سران عرب و ادعای کارگردانی مبارزات انتخاباتی رقبا و اتهامات ناروا به جمعی از بزرگان نظام، از جمله جناب آقای ناطق نوری و فرزندان من و بدتر از همه زیرسوال بردن اقدامات امام راحل را یادآوری و پیشنهاد کردم با صراحت اتهام‌های نادرست را پس بگیرد که نیازی به اقدامات قانونی افراد و خانواده‌هایی که ناجوانمردانه و مظلومانه هدف تیرهای ناسزاگویی قرار گرفته‌اند، نباشد.

از صدا و سیما هم خواسته شد که فرصتی در اختیار طرف‌های ذی‌حق براساس مقررات سازمان قرار دهد که از خود دفاع نمایند. گرچه در گذشته به بخشی از این اتهامات پاسخ داده شده و رئیس قوه قضاییه وقت، جناب آقای یزدی در پایان کار ریاست جمهوری اینجانب، در عمل به اصل ۱۴۲ قانون اساسی رسماً اعلام پاکی و منزّه بودن خانواده رئیس‌جمهور و حتی کم‌شدن دارایی‌ها در دوران مسوولیت را نمودند، ولی تکرار اتهام تکرار جواب را می‌طلبد. مع‌الاسف، این دو پیشنهاد خیرخواهانه عملاً پذیرفته نشده و رهبر معظم هم صلاح را در سکوتشان دیدند و بی‌شک جامعه و به‌خصوص نسل جوان نیازمند اطلاع از حقیقت است؛ حقیقتی که با اعتبار نظام و همدلی ملت ارتباط جدّی دارد و اگر محدود به حق چند نفر بود؛اقدام به نوشتن چنین نامه‌ای نمی‌کردم.

معتقدم جناب‌عالی به خوبی می‌دانید که اینجانب و بسیاری از بزرگان تأثیرگذار انقلاب و حتی خود جناب‌عالی از دوران مبارزه و سال‌های اول انقلاب و در تعدادی از مقاطع، مورد تهاجم افراد لاابالی و ضدانقلاب بوده‌ایم و همیشه صبورانه تهمت‌ها و اهانت‌ها را پشت سر گذاشته‌ایم و در دور جدید تهمت‌ها و هجمه‌ها هم از حدود پنج سال پیش تاکنون دندان روی جگر دارم و به خاطر خداوند و مصالح انقلاب و کشور، اندوه خویش را مکتوم می‌دارم و از این جهت هم مورد گلایه بسیاری از دلسوزان اسلام و انقلاب و بستگانم قرار می‌گیرم و مهم این است که این بار این تهمت‌ها توسط رئیس‌جمهور و در رسانه ملی مطرح شده است. البته

در موقع مناسب، انحرافات و حق‌کشی‌های ناگفته انتخابات و اعمال دولت نهم در اختیار مردم و تاریخ قرار خواهد گرفت.

تاریخ گواه است که اکثریت مردم متعهد و انقلابی مان کمتر تحت تأثیر خلاف‌گویی‌ها قرارمی‌گیرند و دلیل آن، آرای افتخارآمیز مردم به اینجانب در آخرین انتخابات مجلس خبرگان رهبری است و نیز خوب می‌دانید که در جریان انتخابات جاری، تاکنون به خاطر مسوولیت‌های رسمی‌ام در رسانه‌ها مطلبی به نفع یا ضرر افراد و جریان‌های درگیر در انتخابات نگفته‌ام و در موارد ضروری به کلیاتی مبتنی بر حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌ها و سلامت انتخابات اکتفا کرده‌ام و رسماً گفته‌ام برنامه شرکت در انتخابات ندارم.

چهار نامزد موجود برای آمدن به صحنه با اطلاع از نظر و سیاست اینجانب از من نظر نخواسته‌اند و بعد از نامزدی هم از اینجانب درخواست حمایت نکرده‌اند و اگر هم در جلساتی به هم رسیده باشیم، چیزی جز همان کلیات فوق‌الذکر را از من نشنیده‌اند و اگر حزب یا گروهی در مورد جهت‌گیری در انتخابات نظر خواسته‌اند، گفته‌ام براساس آیین‌نامه خود عمل کنند و حقیقتاً آنها با تصمیم‌خودشان و همکارانشان در صحنه‌اند و عمل می‌کنند و انصافاً تهمت دست‌نشانده بودن آنان، ستم و بی‌حرمتی غیرقابل توجیه است.

بجاست که به این حقیقت هم توجه شود که احتمالاً عوامل دولت از نظر اینجانب مطلعند که من ادامه وضع موجود را به صلاح نظام و کشور نمی‌دانم و خود جناب‌عالی هم از این نظر من مطلعید و دلایل آن را هم می‌دانید ولی این نظر را رسانه‌ای نکرده‌ام و خود عوامل دولت در این مورد بزرگ‌نمایی کرده‌اند که هدف بزرگ‌نمایی در آن مناظره روشن شد.

با این همه بر فرض این‌که اینجانب صبورانه به مشی گذشته ادامه دهم، بی‌شک بخشی از مردم و احزاب و جریان‌ها این وضع را بیش از این بر نمی‌تابند و آتش‌فشان‌هایی که از درون سینه‌های سوزان تغذیه می‌شود، در جامعه شکل خواهد گرفت که نمونه‌های آن را در اجتماعات انتخاباتی در میدان‌ها، خیابان‌ها و دانشگاه‌ها مشاهده می‌کنیم.

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده‌های زشت و گناه‌آلودی مثل تهمت‌ها، دروغ‌ها و خلاف‌گویی‌های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسوولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلّف‌های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد - که فقط بعد از اثبات تخلّف در دادگاه قابل اعلان است ـ رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدسش خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق‌شکن علی‌رغم سوگند به مراعات شرع و قانون بداند، چگونه می‌توانیم خود را از پیروان

نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

رهبری معظم انقلاب! اکنون که امام راحل (ره)، آن پیر فرزانه و حلّال مشکلات و ملجاء همه و یار صبور و دیرینه هر دوی ما آیت‌الله شهید مظلوم دکتر بهشتی و بسیاری از هم‌سنگران قدیم ـ که یا به فیض عظمای شهادت رسیدند و یا به دیار باقی شتافتند ـ در بین ما حضور ندارند، شما مانده‌اید و من و معدودی از یاران و همفکران قدیم. از جناب‌عالی با توجه به مقام و مسوولیت و شخصیت‌تان انتظار است برای حل این مشکل و برای رفع فتنه‌های خطرناک و خاموش کردن آتشی که هم اکنون دودش در فضا قابل مشاهده است، هرگونه که صلاح می‌دانید اقدام موثری بنمایید و مانع شعله‌ورتر شدن این آتش در جریان انتخابات و پس از آن شوید.

لذا در فرصت باقی‌مانده ضروری به نظر می‌رسد، خواسته حق حضرت‌عالی و مردم در خصوص انجام انتخاباتی سالم و پرابهت و حداکثری تحقق یابد؛ کاری که می‌تواند عامل نجات کشور از خطر و باعث تحکیم وحدت ملی و اعتماد عمومی باشد و فتنه‌گران نتوانند با حدس و گمان، نصّ پیامتان در مشهد و در مرقد امام راحل را با هوس خود تحریف کنند و با نادیده گرفتن قانون، بنزین بر آتش‌افروخته بریزند.

سرِ چشمه شاید گرفتن به بیل، چو پر شد نشاید گرفتن به پیل

دوست، همراه و هم‌سنگر دیروز، امروز و فردایتان

اکبر هاشمی رفسنجانی

۶ـ قانون انتخابات ریاست جمهوری

قانون انتخابات ریاست جمهوری، مصوب پنجم تیرماه ١٣٦٤ و مکررا اصلاح شده در سال‌های بعد:

فصل اول - کلیات

ماده ۱ـ دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران چهار سال است و از تاریخ تنفیذ اعتبارنامه به وسیله مقام رهبری آغاز می گردد.

ماده ۲ ـ اعتبارنامه رئیس‌جمهور توسط شورای نگهبان تهیه و به حضور مقام رهبری تقدیم می گردد.

ماده ۳ـ وزارت کشور موظف است سه ماه قبل از پایان دوره چهارساله ریاست جمهوری، مقدمات اجرای انتخابات دوره بعد را فراهم و با رعایت اصول ۱۱۹ و ۱۳۱ قانون اساسی، مراتب برگزاری انتخابات و تاریخ شروع ثبت‌نام داوطلبان ریاست جمهوری را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی به اطلاع عموم برساند.

ماده ٤ـ کارکنان دولت در صورتی که به ریاست جمهوری انتخاب شوند، سنوات ریاست جمهوری در سابقه استخدامی ایشان منظور خواهد شد.

ماده ۵ ـ چنانچه شورای نگهبان به دلایلی انتخابات ریاست جمهوری را در سراسر کشور متوقف یا باطل اعلام نماید، وزارت کشور با کسب نظر شورای نگهبان در اولین فرصت مناسب نسبت به تجدید انتخابات اقدام می نماید.

ماده ٦ـ سرپرست وزارت کشور به جای وزیر کشور و سرپرستان استانداری، فرمانداری و بخشداری با تأیید وزیر کشور به جای استاندار، فرماندار و بخشدار خواهند بود.

ماده ۷ ـ آیین‌نامه اجرایی انتخابات ریاست جمهوری را وزارت کشور تهیه و با تصویب هیأت وزیران به اجرا می گذارد.

ماده ۸ـ نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری به عهده شورای نگهبان می‌باشد. این نظارت عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است.

ماده ۹ ـ چنانچه در همه یا بعضی از شهرستان‌های یک استان شمارش آرا با دستگاه شمارشگر صورت پذیرد، سیستم (کامپیوتری انتخابات) باید به نحوی طراحی و اجرا شود که دسترسی به نرم افزارها و سخت افزارهای آن در کلیه مراحل انتخابات بدون حضور نمایندگان شورای نگهبان میسر نباشد. تصمیمات لازم جهت حفظ نرم افزارها و سخت افزارها مشترکاً

توسط شورای نگهبان و وزارت کشور اتخاذ می‌شود و کلیه نسخه‌های نرم افزاری قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان رسیده و مهر و موم (قفل نرم‌افزاری) می‌شود تا در زمان مورد توافق با حضور نمایندگان شورای نگهبان و وزارت کشور روی سیستم‌های کامپیوتری هر حوزه انتخاباتی نصب و راه اندازی گردد. هرگونه تغییر در نرم افزارها باید با اطلاع و تأیید شورای نگهبان انجام گیرد.

فصل دوم ـ کیفیت انتخابات

ماده ۱۰ ـ انتخابات به صورت مستقیم و عمومی و با رأی مخفی خواهد بود.

* ماده ۱۰ سابق ـ حذف شد.

ماده ۱۱ ـ هر گاه در فاصله ده روز پیش از رأی‌گیری، یکی از نامزدهایی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر می‌افتد.

ماده ۱۲ ـ انتخابات ریاست جمهوری با کسب اکثریت مطلق آرا می‌باشد.

ماده ۱۳ ـ چنانچه در مرحله اول برای هیچ‌یک از داوطلبان اکثریت مطلق حاصل نگردید، انتخابات دو مرحله‌ای خواهد شد، بدین معنی که دو نامزدی که بیشترین آرا را در مرحله اول داشته‌اند، در انتخابات مرحله دوم شرکت می‌کنند.

ماده ۱۴ ـ انتخابات مرحله دوم در جمعه هفته بعد انجام خواهد گرفت.

* ماده ۱۵ ـ منسوخ شد.

ماده ۱۶ ـ چنانچه در مرحله دوم یکی از دو نفر حائز اکثریت فوت نماید، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می‌شود.

ماده ۱۷ ـ وزارت کشور پس از وصول نظریه شورای نگهبان مبنی بر خاتمه انتخابات و امضای حکم ریاست جمهوری توسط مقام رهبری، دستور امحای تعرفه و اوراق رأی را صادر خواهد نمود.

ماده ۱۸ ـ وزارت کشور پس از وصول نتایج شمارش آرا در داخل و خارج کشور، نتیجه کلی انتخابات را از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع مردم خواهد رساند.

ماده ۱۹ ـ در هر مرحله انتخاباتی هر شخص واجد شرایط می‌تواند فقط یک بار با ارائه شناسنامه خود رأی دهد.

* تبصره ۱ ـ حذف شد.

* تبصره ۲ ـ حذف شد.

* تبصره ـ رأی دهندگان در خارج از کشور در صورت همراه نداشتن شناسنامه می‌توانند با ارائه گذرنامه معتبر ایرانی، رأی دهند.

ماده ۲۰ ـ اخذ رأی در داخل و خارج کشور در یک روز انجام می‌شود و مدت آن ۱۰ ساعت است و در صورت ضرورت قابل تمدید می‌باشد.

* تبصره ۱ ـ تشخیص ضرورت و مدت تمدید اخذ رأی در سراسر کشور به عهده وزیر کشور است.

* تبصره ۲ ـ اخذ رأی باید در روز جمعه انجام گیرد.

ماده ۲۱ ـ کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و ادارات دولتی و موسسات وابسته به دولت و نهادهای انقلابی موظف اند که حسب درخواست وزارت کشور، استانداران، فرمانداران و بخشداران، کارکنان و سایر امکانات خود را تا خاتمه انتخابات در اختیار آنان قرار دهند.بدیهی است مدت همکاری کارکنان مذکور جزء ایام مأموریت نامبردگان محسوب خواهد شد.

* تبصره ـ کلیه نهادها و ارگان‌های فوق الذکر موظف اند حسب درخواست شورای نگهبان و هیأت‌های منصوب از جانب آن، کارکنان خود را در اختیار آنان قرار دهند و همچنین وزارت کشور، استانداران، فرمانداران و بخشداران موظف‌اند، امکانات لازم را در اختیار آنان قرار دهند.

ماده ۲۲ ـ در صورتی که همزمان با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات دیگری نیز برگزار گردد، به دستور وزارت کشور، یک شعبه ثبت‌نام و اخذ رأی با اعضای واحد و با صندوق‌های مجزا برای هردو انتخابات درنظر گرفته خواهد شد.

ماده ۲۳ ـ صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مکلف است، برنامه‌های آموزش انتخاباتی راکه وزارت کشور یا هیأت مرکزی نظارت منتخب شورای نگهبان ضروری تشخیص می‌دهند و همچنین کلیه اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های مربوط به انتخابات را از شبکه سراسری یا محلی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش نماید.

ماده ۲٤ ـ مأموران انتظامی در حدود قانون، موظف به ایجاد نظم و جلوگیری از هرگونه بی‌نظمی در جریان انتخابات و حفاظت صندوق‌ها می‌باشند. نیروهای نظامی و انتظامی حق دخالت در امور اجرایی و نظارت در انتخابات را ندارند.

ماده ۲۵ ـ در موارد ذیل با تأیید هیأت نظارت یا نماینده وی، برگ‌های رأی باطل ولی جزء آرای مأخوذه محسوب و مراتب در صورتجلسه قید و آرای مذکور ضمیمه صورتجلسه خواهد شد:

* آرای غیر قابل خواندن.
* آرایی که از طریق خرید و فروش به دست آمده باشد.
* آرایی که سفید به صندوق ریخته شده باشد.

ماده ٢٦ ــ در موارد ذیل با تأیید هیأت نظارت یا نماینده وی، برگ‌های رأی باطل و جزء آرای مأخوذه محسوب نشده و مراتب در صورتجلسه قید و آرای مذکور ضمیمه صورتجلسه خواهد شد:

* ١ ــ صندوق فاقد لاک و مهر انتخاباتی باشد.
* ٢ ــ آرا زائد بر تعداد تعرفه باشد.
* ٣ ــ آرای کسانی که به سن قانونی رأی دادن نرسیده باشند.
* ٤ ــ آرایی که با شناسنامه افراد فوت شده یا غیرایرانی داده شده باشد.
* ٥ ــ آرایی که با تقلب و تزویر (در تعرفه ها، آرا، صورتجلسات، شمارش) به دست آمده باشد.
* ٦ ــ آرایی که با شناسنامه غیر یا جعلی اخذ شده باشد.
* ٧ ــ آرای تکراری.
* ٨ ــ آرایی که با شناسنامه کسانی که حضور ندارند اخذ شده باشد.
* ٩ ــ حذف شد.
* ١٠ ــ آرایی که از طریق تهدید به دست آمده باشد.
* ١١ ــ رایی که روی ورقه غیر از برگ رأی نوشته شده باشد.

* تبصره ١ ــ کل آرای مندرج در صورتجلسه‌ای که صندوق اخذ رأی آن فاقد اوراق رأی یا برگ‌های تعرفه باشد، باطل و جزء آرای مأخوذه محسوب نخواهد شد.

** تبصره ٢ ــ به تعداد آرای زائد مذکور در بند ٢ به قید قرعه از کل برگ‌های رأی کسر می‌شود.

* **ماده ٢٧** ــ حذف شد.

* **ماده ٢٨** ــ در صورتی که در برگ رأی، نام بیش از یک نفر نامزد نوشته و یا علامت‌گذاری شده باشد، برگ رأی باطل است ولی جزء آرای مأخوذه محسوب خواهد شد.

ماده ٢٩ ــ قبل از شروع رأی گیری باید در حضور نماینده یا نمایندگان هیأت نظارت، صندوق‌های خالی، بسته و ممهور به مهر شعبه ثبت‌نام و اخذ رأی گردد و در صورتجلسه‌ای که قبل از شروع رأی گیری انتخابات توسط اعضای صندوق در محل اخذ رأی تنظیم می گردد،

نماینده یا نمایندگان هیأت نظارت شعبه مربوط، تعداد صندوق‌ها و خالی بودن آنها را گواهی نمایند و در صورتی که در جریان رأی گیری نیاز باشد که صندوقی را اضافه نمایند، باید به همین ترتیب عمل نموده و صورتجلسه گردد.

ماده ۳۰ ـ وزارت کشور موظف است در طول برگزاری انتخابات با توجه به وظایفی که به عهده دارد، مطالب مربوط به انتخابات را به اطلاع عموم برساند.

ماده ۳۱ ـ وزارت کشور مأمور اجرای قانون انتخابات ریاست جمهوری بوده و مسوول صحت جریان انتخابات است و بدین منظور می‌تواند مأمورانی جهت بازرسی و کنترل جریان انتخابات به طور ثابت و یا سیار به شهرستان‌ها و بخش‌ها و شعب ثبت‌نام و اخذ رأی اعزام دارد.

ماده ۳۲ ـ پس از پایان انتخابات صورتجلسه نتیجه انتخابات با امضای هیأت اجرایی شهرستان و هیأت نظارت بر انتخابات شهرستان در چهار نسخه تهیه می‌شود که یک نسخه نزد هیأت اجرایی شهرستان می‌ماند و بقیه برای هیأت نظارت بر انتخابات مزبور و وزارت کشور و هیأت مرکزی نظارت برانتخابات ارسال می‌شود.

ماده ۳۳ ـ ارتکاب امور ذیل جرم محسوب می‌شود:

* ۱ ـ خرید و فروش رأی.
* ۲ ـ تقلب و تزویر در اوراق و تعرفه یا برگ رأی یا صورتجلسات.
* ۳ ـ تهدید یا تطمیع در امر انتخابات.
* ٤ ـ رأی دادن با شناسنامه جعلی.
* ٥ ـ رأی دادن با شناسنامه دیگری.
* ٦ ـ رأی دادن بیش از یک‌بار.
* ۷ ـ اخلال در امر انتخابات.
* ۸ ـ کم و زیاد کردن آرا یا تعرفه ها.
* ۹ ـ تقلب در رأی گیری و شمارش آرا.
* ۱۰ ـ رأی گرفتن با شناسنامه کسی که حضور ندارد.
* ۱۱ ـ توصیه به انتخاب کاندیدای معین از طرف اعضای شعبه اخذ رأی یا هر فرد دیگر محل صندوق رأی، به رأی دهنده.
* ۱۲ ـ تغییر و تبدیل یا جعل و یا ربودن و یا معدوم نمودن اوراق و اسناد انتخاباتی از قبیل تعرفه و برگ رأی و صورتجلسات و تلکس و تلفنگرام‌ها و تلگراف‌ها.

* ۱۳ ـ بازکردن و یا شکستن قفل محل نگهداری و لاک و مهر صندوق‌های رأی بدون مجوز قانونی.

* ١٤ ـ جابه‌جایی، دخل و تصرف و یا معدوم نمودن اسناد انتخاباتی بدون مجوز قانونی.

* ۱۵ ـ دخالت در امر انتخابات با سند مجعول.

* ١٦ ـ ایجاد رعب و وحشت برای رأی دهندگان یا اعضای شعب ثبت‌نام و اخذ رأی با اسلحه یا بدون اسلحه در امر انتخابات.

* ۱۷ ـ دخالت در امر انتخابات با سمت مجعول و یا به هر نحو غیرقانونی.

* تبصره ـ چنانچه وقوع جرایم مندرج در ماده فوق موجب گردد که جریان انتخابات در یک یا چند شعبه ثبت‌نام و اخذ رأی از مسیر قانونی خود خارج شود و در نتیجه کلی انتخابات موثر باشد، مراتب به وسیله وزارت کشور به منظور طرح در شورای نگهبان به هیأت مرکزی نظارت اعلام می گردد.

ماده ٣٤ ـ تشکیلات قضایی هر شهرستان یا بخش به منظور پیشگیری از وقوع جرم، ضمن هماهنگی با ناظرین شورای نگهبان و هیأت اجرایی اقدامات لازم را در محدوده مقررات معمول می‌دارد.

فصل سوم ـ شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان

ماده ۳۵ ـ انتخاب شوندگان هنگام ثبت‌نام باید دارای شرایط زیر باشند:

* ۱ ـ از رجال مذهبی، سیاسی.

* ۲ ـ ایرانی الاصل.

* ۳ ـ تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران.

* ٤ ـ مدیر و مدبر.

* ۵ ـ دارای حسن سابقه و امانت و تقوا.

* ٦ ـ مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

ماده ٣٦ ـ انتخاب کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند:

* ۱ ـ تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران.

* ۲ ـ ورود به سن ١٦ سالگی.

* ۳ ـ عدم جنون.

ماده ۳۷ـ کلیه افرادی که مسوولیت مستقیم در امر انتخابات ریاست جمهوری به صورت اجرا و یا نظارت دارند در صورتی می‌توانند داوطلب شوند که قبل از ثبت‌نام از سمت خود استعفا نموده و در آن سمت شاغل نباشند.

فصل چهارم ـ هیات اجرایی

ماده ۳۸ـ بلافاصله پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزیر کشور، فرماندار دستور تشکیل هیأت‌های اجرایی را به بخشداران صادر نموده و موظف است ظرف سه روز هیأت اجرایی انتخابات شهرستان را به ریاست خود و عضویت رئیس ثبت احوال و دادستان یا نماینده وی و ۸ نفر از معتمدین تشکیل دهد.

* تبصره ۱ ـ در شهرستان و بخش‌هایی که شورای اسلامی شهرستان یا بخش تشکیل شده است، یک نفر از اعضای شورا به انتخاب شورا، یکی از ۸ نفر معتمدین مذکور خواهد بود.

* تبصره ۲ ـ در صورت حضور دادستان در محل، نامبرده مکلف است شخصاً در جلسات هیأت اجرایی شرکت نماید.

ماده ۳۹ ـ سی نفر از معتمدین با تأیید هیأت نظارت و دعوت کتبی فرماندار ظرف دو روز از تاریخ دعوت، تشکیل جلسه داده و پس ازحضور حداقل دو سوم مدعوین(بیست نفر) در حضور هیأت نظارت از بین خود یا خارج، هشت نفر را (در صورت عدم وجود شورا) به عنوان معتمدین اصلی و پنج نفر را به عنوان معتمدین علی‌البدل هیأت اجرایی با رأی مخفی و اکثریت نسبی آرا انتخاب می‌نمایند.

* تبصره ۱ ـ تعداد اعضای هیأت‌های اجرایی شهرستان و بخش و کیفیت و مهلت تشکیل آنها یکسان است.

* تبصره ۲ ـ معتمدین هیأت اجرایی و ناظرین شورای نگهبان نباید در انتخابات قبل مرتکب تخلفی شده باشند که در یکی از محاکم صالحه اثبات شده باشد.

* تبصره ۳ ـ معتمدین این ماده باید دارای ایمان و التزام عملی به اسلام و قانون اساسی و حسن شهرت و سواد خواندن و نوشتن بوده و از عوامل موثر در تحکیم رژیم سابق و وابسته به گروه‌های غیرقانونی نباشند.

ماده ۴۰ ـ هیچ‌یک ازاعضای هیأت اجرایی و ناظرین شورای نگهبان و اعضای شعب ثبت‌نام و اخذ رأی نباید با داوطلبان انتخابات به ترتیب ذیل خویشاوندی نسبی و یا سببی داشته باشند:

* الف ـ خویشاوندی نسبی.(پدر، مادر، فرزند، برادر و خواهر.)،* ب ـ خویشاوندی سببی.(همسر و پدر، مادر، برادر و خواهر او.).

ماده ٤١ ـ اعضای هیأت اجرایی پس از پذیرفتن عضویت، ملزم به شرکت در جلسات و انجام وظایف قانونی می‌باشند.

* تبصره ۱ ـ در صورت عدم شرکت فرماندار یا بخشدار و یا رئیس ثبت احوال و یا دادستان و یا نماینده وی در جلسات، هیأت اجرایی موظف است مراتب را طی صورتجلسه‌ای به مقام اجرایی مافوق اعلام داشته، کسب تکلیف نمایند.

* تبصره ۲ ـ هیأت اجرایی موظف است در صورتجلسات و گزارش کار خود موارد غیبت اعضا را با ذکر علت غیبت به وزارت کشور اعلام دارد.

ماده ٤٢ ـ هرگاه در جریان انتخابات، یک یا چند نفر از معتمدین هیأت اجرایی دو جلسه متوالی یا چهار جلسه غیرمتوالی از حضور درجلسات هیأت اجرایی خودداری نمایند یا وظایف قانونی خود را انجام ندهند و یا هیأت اجرایی را از اکثریت ساقط کنند، به جای آنان به ترتیب تعداد رأی از معتمدین علی‌البدل وسیله فرماندار یا بخشدار دعوت به عمل خواهد آمد، در صورتی که با دعوت از اعضای علی‌البدل باز هم اکثریت حاصل نگردد، باقی مانده را از معتمدین (تا سی نفر) تأمین خواهند نمود.

ماده ٤٣ ـ هیأت اجرایی بخش بلافاصله پس از انتخاب معتمدین، تشکیل جلسه داده و تعداد و محل استقرار شعب ثبت‌نام و اخذ رأی را تعیین نموده و به وسیله رئیس هیأت به فرماندار جهت طرح در هیأت اجرایی شهرستان اعلام می‌دارد.

ماده ٤٤ ـ جلسات هیأت‌های اجرایی شهرستان و بخش با حضور دو سوم کلیه اعضا رسمیت یافته و اخذ تصمیم با اکثریت مطلق حاضرین خواهد بود.

ماده ٤٥ ـ هیأت اجرایی شهرستان پس از تعیین محل‌های استقرار شعب ثبت‌نام و اخذ رأی و بررسی و تأیید و تصویب مصوبات هیأت‌های اجرایی بخش‌ها در مورد تعداد و محل شعب ثبت‌نام و اخذ رأی، نه روز قبل از روز اخذ رأی مبادرت به انتشار آگهی انتخابات حاوی تاریخ برگزاری انتخابات، ساعات اخذ رأی، شرایط انتخاب کنندگان، جرائم و تخلفات و مقررات جزایی و محل شعب ثبت‌نام و اخذ رأی در سراسر شهرستان می‌نماید.

* تبصره ـ در صورت بروز بعضی از مشکلات با موافقت وزارت کشور مهلت ۹ روز تا ۷ روز تقلیل می‌یابد.

ماده ٤٦ ـ فرماندار موظف است سه نسخه از آگهی‌های منتشره در سطح شهرستان را به

وزارت کشور ارسال دارد. یک نسخه از این آگهی‌ها به وسیله وزارت کشور به هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات فرستاده می‌شود.

ماده ٤٧ ـ هیأت‌های اجرایی شهرستان و بخش، پس از انتشار آگهی انتخابات، برای هر شعبه ثبت‌نام و اخذ رأی، پنج نفر از معتمدین محل را که دارای سواد خواندن و نوشتن باشند، انتخاب و به فرماندار یا بخشدار جهت صدور حکم معرفی می‌نمایند.

* تبصره ۱ ـ اعضای شعبه ثبت‌نام و اخذ رأی از بین خود یک نفر رئیس، یک نفر نایب رئیس و سه نفر منشی انتخاب می‌نمایند و بایستی ترتیبی اتخاذ نمایند که یک روز قبل از اخذ رأی، محل شعبه آماده برای اخذ رأی باشد.

* تبصره ۲ ـ محل شعبه ثبت‌نام و اخذ رأی مندرج در آگهی انتخابات غیر قابل تغییر است مگر این‌که دایر نمودن شعبه و یا اداره کار آن در محل اعلام شده قبلی، به علت حوادث غیر مترقبه و یا هر علت دیگری مقدور نباشد که در این صورت مراتب تغییر شعبه ثبت‌نام و اخذ رأی توسط هیأت اجرایی و ناظران شورای نگهبان با ذکر علت، صورتجلسه شده و شعبه ثبت‌نام و اخذرأی جدید در کوتاه‌ترین فاصله نسبت به شعبه سابق به نحوی دایرخواهد شد که خللی در مراجعه رأی دهندگان و تشخیص محل شعبه ایجاد نشود و تبدیل شعبه باید به اطلاع مردم محل برسد.

* تبصره ۳ ـ تشکیل شعب ثبت‌نام و اخذ رأی در موزه‌ها ممنوع می‌باشد.

ماده ٤٨ ـ فرماندار موظف است مستقیماً یا با تفویض اختیار به بخشدار برای هر یک از شعب ثبت‌نام و اخذ رأی یک نماینده تعیین نماید.

ماده ٤٩ ـ کلیه امور انتخابات بخش مرکزی را هیأت اجرایی شهرستان انجام می‌دهد.

ماده ٥٠ ـ هیأت اجرایی بخش با تصویب هیأت اجرایی شهرستان می‌تواند برای مناطق صعب العبور و کوهستانی و مسافت‌های دور و نقاطی که تشکیل شعب ثابت ثبت‌نام و اخذ رأی مقدور نیست، شعب اخذ رأی سیار تشکیل دهد. هیأت اجرایی شهرستان نیز می‌تواند در صورتی که لازم بداند نسبت به تشکیل شعب اخذ رأی سیار در مرکز شهرستان و بخش مرکزی اقدام نماید و در هر دو مورد باید به اطلاع هیأت نظارت برسد و همچنین نماینده‌ای از هیأت نظارت در معیت صندوق سیار بوده و مسیر گردش صندوق را در صورتجلسه‌ای قید و تأیید نماید.

ماده ٥١ ـ حذف شد.

ماده ٥٢ ـ حذف شد.

ماده ۵۳ ــ در سفارتخانه‌ها و یا کنسولگری‌ها و نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور هیأت اجرایی انتخابات ریاست جمهوری به ریاست سفیر و یا سرکنسول و یا عالی‌ترین مقام نمایندگی سیاسی و عضویت ۳ نفر از کارمندان ارشد سفارتخانه یا کنسولگری و یا نمایندگی سیاسی و ۵ نفر از ایرانیان مومن به انقلاب اسلامی مقیم آن کشور به انتخاب و دعوت سفیر یا سرکنسول یا مقام نمایندگی سیاسی تشکیل می‌گردد.

ماده ٥٤ ــ هیأت اجرایی موضوع ماده فوق پس از خاتمه اخذ رأی و قرائت آرا نتیجه را صورتجلسه می‌نماید. سفیر و یا سرکنسول و یا عالی ترین مقام نمایندگی سیاسی موظف است بلافاصله نتیجه را با سریع‌ترین وسیله مخابراتی ممکن از طریق وزارت امور خارجه به وزارت کشور اعلام دارد.

فصل پنجم ــ اعلام داوطلبی و رسیدگی به صلاحیت داوطلبان

ماده ۵۵ ــ داوطلبان ریاست جمهوری یا نمایندگان تام الاختیار آنها که کتباً معرفی شده باشند باید ظرف پنج روز از تاریخ انتشار دستور شروع انتخابات به وزارت کشور مراجعه نموده و پرسشنامه اعلام داوطلبی را پس از دریافت و تکمیل همراه با چهار برگ تصویر کلیه صفحات شناسنامه و دوازده قطعه عکس ٤×٦ از آخرین عکس خود را که در همان سال گرفته باشند به وزارت کشور تسلیم و رسید دریافت دارند.

* تبصره ــ هر یک از داوطلبان ریاست جمهوری در صورت تمایل به انصراف از داوطلبی باید شخصاً و یا از طریق نماینده تام الاختیار خود و به صورت کتبی انصراف خود را به وزارت کشور اعلام نمایند.

ماده ٥٦ ــ وزارت کشور پس از پایان مهلت قبول داوطلبی، بلافاصله مدارک داوطلبان را به دبیرخانه شورای نگهبان تسلیم می‌دارد.

ماده ۵۷ ــ شورای نگهبان ظرف پنج روز از تاریخ وصول مدارک داوطلبان به صلاحیت آنان رسیدگی و نظر خود را صورتجلسه نموده و یک نسخه از آن را به وزارت کشور ارسال می‌دارد.

* تبصره ــ در موارد ضرورت بنا به تشخیص شورای نگهبان مدت مذکور در این ماده حداکثر تا پنج روز دیگر تمدید و به وزارت کشور اعلام می‌گردد.

ماده ۵۸ ــ پس از سپری شدن مدت زمان قانونی، چنانچه مدارکی دال بر عدم صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری به‌دست آید، پس از بررسی و اعلام عدم صلاحیت وی توسط

شورای نگهبان، مراتب به‌وسیله وزارت کشور به اطلاع عموم می‌رسد.

ماده ۵۹ ـ کاندیداها می‌توانند اسناد و مدارک مثبت صلاحیت خود را ضمیمه اعلام داوطلبی نمایند و یا در مدت زمان رسیدگی به صلاحیت داوطلبان به شورای نگهبان تقدیم نمایند.

ماده ٦٠ـ وزارت کشور موظف است پس از وصول نظریه شورای نگهبان اسامی نامزدهای ریاست جمهوری را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی ظرف مدت دو روز به اطلاع مردم سراسر کشور برساند.

ماده ٦١ ـ در مواردی که طبق گزارشات و شکایات و اعتراضات واصله برای شورای نگهبان معلوم گردد که اعضای هیأت‌های نظارت از قوانین و مقررات تخلف نموده‌اند، شورای نگهبان موظف است آنها را بلافاصله عزل و افراد دیگری را جایگزین نماید.

فصل ششم ـ تبلیغات

ماده ٦٢ ـ به منظور تضمین برخورداری یکسان نامزدهای ریاست جمهوری از امکانات دولتی، کمیسیونی به نام کمیسیون بررسی تبلیغات انتخابات در وزارت کشور و بنا به دعوت وزیر کشور تشکیل می‌گردد.

ماده ٦٣ ـ اعضای کمیسیون بررسی تبلیغات ریاست جمهوری عبارتند از:

* ۱ ـ دادستان کل کشور یا نماینده تام الاختیار او

* ۲ ـ وزیر کشور یا نماینده تام الاختیار او

* ۳ ـ مدیر عامل صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران یا نماینده تام الاختیار او

* تبصره ـ شورای نگهبان می‌تواند یک نفر از میان اعضای خود یا از خارج را به منظور نظارت بر کار کمیسیون مزبور تعیین نماید.

ماده ٦٤ ـ برنامه تبلیغاتی رادیو تلویزیونی نامزدها باید ضبط شود.

ماده ٦٥ ـ نامزدهای ریاست جمهوری که صلاحیت آنان توسط شورای نگهبان تأیید و اسامی آنها از طرف وزارت کشور اعلام می‌گردد، هر یک حق دارند به طور مساوی از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برای معرفی و ارائه برنامه‌های خود استفاده نمایند.

ترتیب و تنظیم برنامه تبلیغات نامزدهای انتخاباتی از طریق صدا و سیما به عهده کمیسیون بررسی تبلیغات می‌باشد.

ماده ٦٦ ـ فعالیت‌های انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری رسماً از تاریخ اعلام اسامی

آنان به وسیله وزارت کشور آغاز و تا ۲٤ ساعت قبل از شروع اخذ رأی خاتمه می‌پذیرد.

ماده ٦٧ ــ فعالیت انتخاباتی در مرحله دوم از تاریخ اعلام رسمی نتایج قطعی آرای مرحله اول شروع و تا ۲٤ ساعت قبل از اخذ رأی مرحله دوم ادامه خواهد یافت.

ماده ٦٨ ــ انجام هرگونه فعالیت تبلیغاتی از تاریخ اعلام رسمی اسامی نامزدها له یا علیه نامزدهای ریاست جمهوری از میز خطابه نماز جمعه و یا هر وسیله دیگری که جنبه رسمی و دولتی دارد و فعالیت کارمندان در ساعات اداری و همچنین استفاده از وسایل و سایر امکانات وزارتخانه‌ها و ادارات، شرکت‌های دولتی و موسسات وابسته به دولت و نهادها و موسساتی که از بودجه عمومی (به هر مقدار) استفاده می‌کنند و همچنین در اختیار گذاشتن وسایل و امکانات مزبور ممنوع بوده و مرتکب، مجرم شناخته می‌شود.

* تبصره ۱ ـ موسسات و نهادهایی که دارایی آنان از اموال عمومی است، همانند بنیاد مستضعفان، مشمول ماده فوق می‌باشند.

* تبصره ۲ ـ ادارات و سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و نهادها و اعضای آنها با ذکر سمت خود حق ندارند له و علیه هیچیک از نامزدهای انتخاباتی اعلامیه، اطلاعیه، پلاکارد بدهند.

ماده ٦٩ ــ الصاق اعلامیه، عکس، پوستر، هر گونه آگهی تبلیغاتی بر روی علائم راهنمایی و رانندگی، تابلوی بیمارستان‌ها، تابلوی مدارس و سایر موسسات آموزشی دولتی و وابسته به دولت ممنوع بوده و مأمورین انتظامی در صورت مشاهده چنین مواردی متخلفین را جلب و به منظور تعقیب قانونی به مقامات قضایی تحویل می‌نمایند. شهرداری‌ها و بخشداری‌ها نیز باید نسبت به امحای چنین اوراقی اقدام نمایند.

ماده ۷۰ ــ هیچ کس حق ندارد آگهی یا پوسترهای تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی را که در محل‌های مجاز الصاق گردیده در مدت و زمان قانونی تبلیغات پاره و یا محو نماید و عمل مرتکب، جرم محسوب می‌شود.

ماده ۷۱ ــ داوطلبان ریاست جمهوری و طرفداران آنان در تبلیغات انتخاباتی به‌هیچ‌وجه مجاز به هتک حرمت و حیثیت نامزدهای انتخاباتی نمی‌باشند و متخلفین طبق مقررات مجازات خواهند شد.

ماده ۷۲ ــ هرگونه آگهی و آثار تبلیغاتی باید قبل از شروع اخذ رأی از محل شعبه ثبت‌نام و اخذ رأی توسط اعضای شعبه محو گردد.

ماده ۷۳ ــ مقامات اجرایی و نظارت انتخابات، حق تبلیغ له یا علیه هیچ یک از داوطلبان انتخاباتی را نخواهند داشت. تخلف از این قانون جرم محسوب می‌شود.

ماده ۷٤ـ مطبوعات و نشریات حق ندارند از سه روز قبل از اخذ رأی، آگهی یا مطالبی علیه نامزدهای انتخاباتی درج کنند و یا مطلبی بنویسند که دال بر انصراف گروه یا اشخاصی از نامزدهای معین باشد و در هر صورت نامزدها حق دارند پاسخ خود را ظرف ۱۸ ساعت پس از انتشار به وسیله وزارت کشور به روزنامه مزبور بدهند و روزنامه مکلف به چاپ فوری آن قبل از زمان ممنوعیت طبق قانون مطبوعات می‌باشد. در صورتی که آن نشریه قبل از ساعات ممنوعیت تبلیغاتی منتشر نشود، مسوول آن باید با هزینه خود پاسخ نامزد را به روزنامه یا مجله‌ای که در غیر مدت ممنوعیت چاپ می‌شود ارسال دارد و آن نشریه مکلف به درج آن در اولین چاپ نشریه خواهد بود. انتشار این گونه مطالب در غیر مطبوعات نیز در مدت سه روز قبل از روز اخذ رأی ممنوع است و نامزد معترض حق دارد در زمان قبل از ممنوعیت تبلیغات، نظر خود را منتشر نماید.

ماده ۷۵ـ در صورت درخواست کتبی و رسمی اشخاص حقیقی و حقوقی، چاپخانه آگهی تبلیغاتی انتخاباتی را چاپ خواهد نمود.

ماده ۷٦ ـ ذیل آگهی‌های تبلیغاتی چاپی باید نام و نشانی دقیق چاپخانه و تاریخ چاپ درج شده باشد.

ماده ۷۷ـ مسوولان چاپخانه‌ها موظف اند چهار نسخه از هر یک از اوراق تبلیغات انتخاباتی را بلافاصله پس از چاپ، همراه با یک نسخه از درخواست رسمی تقاضاکنندگان جهت ضبط در پرونده سریعاً به وزارت کشور و شورای نگهبان ارسال دارند.

* تبصره ـ وزارت ارشاد اسلامی موظف است مفاد مواد ۷٤، ۷۵ و ۷٦ را به چاپخانه‌های کشور بخشنامه نموده و در مورد متخلفین با توجه به ماده ۲٦ آیین‌نامه تأسیس چاپخانه و گراورسازی مصوب ۱۳۵۸/۱۲/۲۷ شورای انقلاب تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

فصل هفتم: شکایت و نحوه رسیدگی

ماده ۷۸ـ اعلام نتایج رسیدگی به شکایت انتخابات ریاست جمهوری از طریق رسانه‌های گروهی از اختیارات شورای نگهبان است.

ماده ۷۹ ـ شورای نگهبان ظرف یک هفته و در صورت ضرورت، حداکثر ده روز پس از دریافت نتیجه انتخابات ریاست جمهوری نظر قطعی خود را نسبت به انتخابات انجام شده به وزارت کشور اعلام و وزارت کشور از طریق رسانه‌های گروهی نتیجه نهایی را به اطلاع مردم خواهد رساند.

ماده ۸۰ـ هیأت‌های اجرایی موظف اند از تاریخ اعلام نهایی صلاحیت داوطلبان تا دو روز پس از اعلام نتیجه اخذ رأی انتخابات، شکایات واصله را بپذیرند و ظرف ۲٤ ساعت در جلسه مشترک هیأت اجرایی و ناظرین شورای نگهبان در شهرستان مربوط به آنها رسیدگی نمایند و نتیجه را صورتجلسه نموده و به وزارت کشور اعلام دارند.

* تبصره ۱ ـ کسانی که از نحوه برگزاری انتخابات شکایت داشته باشند، می‌توانند ظرف سه روز از تاریخ اخذ رأی، شکایت مستند خود را به ناظرین شورای نگهبان یا دبیرخانه این شورا نیز تسلیم دارند.

* تبصره ۲ ـ شکایاتی قابل رسیدگی خواهد بود که مشخصات شاکی یا شاکیان شامل نام، نام خانوادگی، شغل، نشانی کامل، شماره تلفن (در صورت داشتن تلفن) و اصل امضای شاکی را داشته باشد.

* تبصره ۳ ـ در صورتی که شاکی بدون دلیل و مدرک و مغرضانه داوطلبان انتخاباتی را متهم نماید و عمل شاکی عنوان افترا داشته باشد، قابل تعقیب و پیگیری است.

* تبصره ٤ ـ طرح و بررسی شکایت در مورد افراد محرمانه بوده و افشای آن ممنوع است.

* تبصره ٥ ـ بازرسان گزارشات خود را منحصراً به مراجع ذی صلاح قانونی ارسال می‌دارند.

ماده ۸۱ـ شکایاتی که در جریان انتخابات به هیأت اجرایی تسلیم می‌شود، مانع از ادامه کار انتخابات نبوده و در موعد رسیدگی به شکایات، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ماده ۸۲ـ هیأت اجرایی پس از بررسی شکایات و گزارشات چنانچه تشخیص دهد که امور انتخابات در یک یا چند شعبه از جریان عادی خارج شده و صحیح انجام نگرفته است، با تأیید شورای نگهبان، انتخابات یک یا چند شعبه مزبور را باطل اعلام می‌نماید.

ماده ۸۳ـ وزیر کشور پس از وصول اعتبارنامه از شورای نگهبان، رئیس جمهور منتخب را به حضور رهبر یا شورای رهبری معرفی می‌نماید.

فصل هشتم: مجازات

ماده ۸٤ـ مجازات تخلف از بند ۱٦ ماده ۳۳ به ترتیب ذیل تعیین می‌گردد:

* الف ـ چنانچه مرتکب بدون اسلحه ایجاد رعب و وحشت نماید تا ۷٤ ضربه شلاق محکوم می‌گردد.

* ب ـ چنانچه ایجاد رعب و وحشت خواه به تحریک یا بالمباشره همراه با اسلحه باشد و محاربه صدق نکند تا ۷٤ ضربه شلاق و یا حداکثر تا ۲ سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۸۵ ـ مجازات کسی که با اتخاذ سمت مجعول در انتخابات دخالت کند (موضوع بند ۱۷ ماده ۳۳) تا ۵۰ ضربه شلاق خواهد بود و هرگاه مرتکب، سندی هم در این باره جعل نموده باشد، مجازات جعل و تزویر را خواهد داشت و چنانچه دخالت وی موثر در سرنوشت انتخابات باشد و مسیر انتخابات یک بخش و یا یک شهرستان و یا یک استان را بر هم بزند، مرتکب از یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۸٦ ـ مجازات تخلف از ماده ۲۱ و تبصره آن ۲ الی ٦ ماه انفصال از خدمت دولتی خواهد بود.

ماده ۸۷ ـ اعضای اداری هیأت اجرایی (فرماندار یا بخشدار، رئیس ثبت احوال، دادستان یا نماینده وی) در صورت تخلف از ماده ٤۱ و تبصره ۲ ماده ٤۷ این قانون به مجازات کسر حقوق تا یک سوم از یک ماه تا شش ماه به حکم مراجع صالحه محکوم خواهند شد و در مورد بقیه اعضا محرومیت تا دو نوبت انتخابات از عضویت هیأت‌های اجرایی و نظارت و شعب اخذ رأی می‌باشد.

ماده ۸۸ ـ متخلفان از مواد مندرج در ماده ٦۸ و کسانی که از طریق رادیو و تلویزیون با برنامه زنده و مستقیم تبلیغ انتخاباتی له یا علیه یکی از نامزدهای انتخاباتی نمایند و متصدیان برنامه در پخش غیرمستقیم به مجازات از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد.

ماده ۸۹ ـ چنانچه مأموران انتظامی با دستور کتبی فرماندار یا بخشدار از امحای اعلانات، عکس‌ها، پوسترهای منصوبه در تابلوها و اماکن ممنوعه مندرج در ماده ٦۹ استنکاف نمایند، به مجازات کسر حقوق تا یک سوم از یک ماه تا سه ماه محکوم می‌گردند و چنانچه افرادی عالماً در حین الصاق دستگیر گردند به مجازات پنج الی پانزده ضربه شلاق محکوم می‌گردند.

ماده ۹۰ ـ مجازات تخلف از ماده ۷۲ محرومیت از عضویت در شعبه ثبت‌نام برای دو دوره می‌باشد.

ماده ۹۱ ـ مجازات تخلف از ماده ۷٤ تعطیل نشریه از یک تا سه ماه خواهد بود و نویسنده مقاله (در صورتی که معلوم باشد) و مدیر نشریه (در صورتی که نویسنده مشخص نباشد) تا ۷٤ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و همچنین کسی که از طریق غیر مطبوعات اعمال فوق را مرتکب شود به مجازات تا ۷٤ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۹۲ ـ مجازات تخلف از ماده ۷۱ در مواردی که افترا یا نشر اکاذیب باشد، همان مجازات

افترا یا نشر اکاذیب است و در غیر موارد فوق مجازات آن تا سه ماه حبس خواهد بود.

ماده ۹۳ ـ در اجرای صحیح اصل ۹۹ قانون اساسی و حفظ بی طرفی کامل، ناظرین شورای نگهبان موظف اند در طول مدت مسوولیت خود، بی طرفی کامل را حفظ نمایند و ابراز جانبداری ناظرین به هر طریقی از یکی از کاندیداها جرم محسوب می‌شود.

* تبصره ـ مجازات تخلف از ماده فوق انفصال شش ماه تا یک سال از خدمات دولتی یا شش ماه تا یک سال زندان خواهد بود.

ماده ٩٤ ـ مجازات‌های این فصل به انواع مذکور منحصر نبوده و قاضی در هر مورد می‌تواند متخلف را به مجازات مذکور و یا هر مجازات متناسب دیگری که در قانون تعزیرات آمده است، محکوم نماید.

قانون فوق مشتمل بر ٩٤ ماده و ٢٩ تبصره در جلسه روز چهارشنبه پنجم تیرماه ١٣٦٤ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ٦٤/٤/٩ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

ماده واحده مصوب ٧٠/٥/٦ مجلس شورای اسلامی

ماده واحده ـ استفاده از هرگونه پلاکارد، تراکت، دیوارنویسی و کاروان‌های تبلیغاتی و استفاده از بلندگوهای سیار در خارج از محیط سخنرانی و امثال اینها به استثنای عکس حداکثر در دو فرم و جزوه و سخنرانی و پرسش و پاسخ از طرف نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی و طرفداران آنان ممنوع می‌باشد. متخلفین از این قانون از ۳ تا ۳۰ روز زندان محکوم می گردند.

* تبصره ـ اعلام نظر شخصیت‌ها در تأیید کاندیداها به شرطی مجاز است که بدون ذکر عنوان و مسوولیت آنها باشد و مدرک کتبی مربوط به امضای آنان تسلیم هیأت اجرایی انتخابات شده باشد.

استفساریه از مجلس

درخصوص ماده واحده مصوب ١٣٧٠/٥/٦

موضوع استفسار

* ۱ ـ اقداماتی که گروه‌ها، مجامع و تشکیلات جمعی نظیر جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران یا روزنامه‌ها و مجلات هفتگی و ویژه نامه‌ها با چاپ عکس یا بدون عکس، به عنوان تبلیغ یا توصیف کاندیداها انجام دهند، مشمول ممنوعیت ماده واحده خواهد بود یا خیر؟

* ۲ ـ مقصود از عکس در دو فرم چیست؟ آیا اگر در صدر و ذیل هر عکس مطالب تبلیغاتی با نام‌ها و عناوین متنوع در ایام تبلیغات پخش گردد، خلاف ماده واحده است یا خیر؟

* ۳ ـ تعریف دقیقی از پلاکارد و تراکت ارائه نشده، در این خصوص ملاک تشخیص و تعریف کدام مرجع است؟ آیا سیلک در محدوده معنای پلاکارد و تراکت است؟

* ٤ ـ مسوولیت تخلف از مفاد ماده واحده مذکور متوجه نامزد انتخاباتی است؟ و اگر مسوولیت متوجه وی باشد در ایام انتخابات می‌توان نسبت به بازداشت نامزد مزبور اقدام کرد و اگر به همین منوال یک یا دو و تعدادی از کاندیداها بازداشت شدند، آیا انتخابات متوقف می‌شود یا خیر؟

* ٥ ـ آیین‌نامه اجرایی قانون توسط چه مرجعی تهیه و به تصویب باید برسد؟

نظر مجلس

ماده واحده ـ قانون الحاق ماده به قانون انتخابات مصوب ١٣٧٠/٥/٦ مجلس شورای اسلامی به شرح ذیل تفسیر می‌گردد:

* ١ ـ مجامع و گروه‌های هر حوزه انتخابیه می‌توانند حمایت خود را از کاندیدای مورد نظر کتباً به نامزد مورد نظر اعلام و نامزد مزبور می‌تواند حمایت اقشار و گروه‌های مختلف را در ذیل دو نوع پوستر مجاز و یا زندگی نامه منتشر نماید.

* ۲ ـ مقصود از دو فرم همان دو نوع پوستر کاغذی می‌باشد و نوشتن مطالب تبلیغاتی در صدر یا ذیل آنها بلااشکال است و مشمول ممنوعیت ماده واحده فوق نمی‌گردد.

* ۳ ـ مقصود از پلاکارد و تراکت عبارت از هرگونه تبلیغات پارچه‌ای، کاغذی، مقوایی و فلزی است و سیلک نیز از جمله مصادیق « و امثال آنها » می‌باشد ولیکن نصب هر نوع تابلو که مشخص کننده محل ستاد انتخاباتی می‌باشد بلااشکال است.

* ٤ ـ مسوولیت تخلف متوجه فرد یا افراد یا گروه‌ها و تشکیلاتی که اقدام به تبلیغات ممنوعه نموده‌اند، می‌باشد و در هر صورت تبصره ذیل ماده ۲۸ قانون انتخابات به قوت خود باقی است و کاندیدا را نمی‌شود در طول برگزاری انتخابات احضار یا بازداشت نمود.

* ٥ ـ آیین‌نامه اجرایی توسط وزیر کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تفسیر قانونی فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهار شنبه مورخ چهاردهم اسفندماه یکهزار و سیصد و هفتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ١٣٧٠/١٢/١٨ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

قانون اصلاح ماده واحده الحاقی به قانون انتخابات مصوب ۱۳۷۰/۵/٦ مجلس شورای اسلامی

مصوب ۷۰/۱۲/۲۸

ماده واحده ـ قانون الحاق ماده واحده به قانون انتخابات (مصوب ۱۳۷۰/۵/٦) به شرح زیر اصلاح می گردد:

استفاده از هرگونه پلاکارد (جز در محل ستاد انتخاباتی)، دیوارنویسی و کاروان‌های تبلیغاتی و استفاده از بلندگوهای سیار در خارج از محیط سخنرانی و امثال اینها به استثنای عکس در دو فرم و جزوه و تراکت با عکس و سخنرانی و پرسش و پاسخ از طرف نامزدهای انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی و طرفداران آنان ممنوع می‌باشد. متخلفین از این قانون از سه تا سی روز زندان محکوم می گردند.

* تبصره ۱ ـ اعلام نظر شخصیت‌ها در تأیید کاندیداها به شرطی مجاز است که بدون ذکر عنوان و مسوولیت آنها باشد و مدرک کتبی مربوط به امضای آنان تسلیم هیأت اجرایی انتخابات شده باشد.

* تبصره ۲ ـ این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجراست.

* تبصره ۳ ـ کلیه قوانین و مقررات مغایر این قانون لغو می گردد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و ۳ تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیست و هفتم اسفند ماه یکهزار و سیصد و هفتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۰/۱۲/۲۸ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص تثبیت تعداد کاندیداها در انتخابات

مصوب ۷۰/۱۱/۳

ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون کلیه انتخابات (به جز انتخابات مجلس خبرگان و شوراهای کشوری) در سطوح مختلف منطقه‌ای و ملی به شرطی قابل اجراست که تعداد کاندیداها، حداقل دو برابر تعداد منتخبین مورد نیاز باشد.

* تبصره ۱ ـ در آن عده از حوزه‌های انتخاباتی که تعداد منتخبین مورد نیاز بیش از سه نفر باشد، تعداد کاندیداها باید حداقل یک و نیم برابر تعداد منتخبین مورد نیاز در آن حوزه انتخابیه باشد.

* تبصره ۲ ـ پس از پایان تاریخ ثبت‌نام اگر یک یا چند نفر از کاندیداهای نمایندگی استعفا دهند و یا فوت نمایند، انتخابات در بین افراد و یا برای فرد باقی مانده برگزار و این امر موجب

توقف انتخابات نخواهد شد.

* موضوع ـ «تثبیت تعداد کاندیداها در انتخابات» که در تاریخ سه شنبه بیست و چهارم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هفتاد به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته، در اجرای اصل یکصدو دوازدهم قانون اساسی، در جلسه روز پنج شنبه سوم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هفتاد به شرح فوق به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.

قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری در شعب اخذ رأی

ماده واحده ـ به موجب این قانون هر یک از نامزدهای ریاست جمهوری به تنهایی و یا چند نامزد مشترکاً می‌توانند در هر یک از شعب اخذ رأی، اماکن استقرار دستگاه شمارشگر رایانه‌ای آرا و هیأت‌های اجرایی شهرستان‌ها و بخش‌ها یک نفر نماینده داشته باشند. نمایندگان نامزدها می‌توانند در شعب اخذ رأی (ثابت و سیار) و اماکن استقرار دستگاه شمارشگر آرا بدون دخالت در انجام وظایف آنها حضور داشته باشند و در صورت مشاهده تخلف، مراتب را کتباً به ناظرین شورای نگهبان و هیأت نظارت شهرستان و استان مربوطه و ستاد انتخابات وزارت کشور اعلام نمایند. حضور نمایندگان هر یک از نامزدها تا پایان اخذ رأی و شمارش و تنظیم صورتجلسات بلامانع است و ممانعت از حضور نمایندگان نامزدها در شعب اخذ رأی، اماکن استقرار دستگاه شمارشگر ممنوع بوده و جرم محسوب می گردد و متخلف به مجازات مقرر شده در تبصره ماده (۹۳) قانون انتخابات ریاست جمهوری محکوم خواهد شد.مسوولان شعب اخذ رأی موظفند از حضور افراد غیرمسوول در شعب اخذ رأی (افرادی که در این قانون و قانون انتخابات ریاست جمهوری حضور آنها در شعب اخذ رأی پیش‌بینی نگردیده است) جلوگیری به عمل آورند، تخلف از این موضوع جرم محسوب می گردد و متخلف به مجازات مقرر شده در ماده (۸۸) قانون انتخابات ریاست جمهوری محکوم خواهد شد.

* تبصره ۱ ـ در صورتی که تعداد نامزدهای ریاست جمهوری بیش از (۶) نفر باشد، هر یک از نامزدها می‌توانند فقط به ازای هر دو شعبه اخذ رأی یک نفر نماینده معرفی کنند.

* تبصره ۲ ـ نمایندگان نامزدها باید از میان افراد داوطلب و با معرفی نامزد و یا مسوول ستاد تبلیغات هر یک از نامزدها در شهرستان مربوطه به عنوان نماینده تام الاختیار نامزد حداقل ۵ روز قبل از شروع اخذ رأی به فرماندار همان شهرستان معرفی گردند. فرمانداران موظفند کارت یا معرفی نامه نمایندگان مذکور را حداقل ۴۸ ساعت قبل از روز اخذ رأی تحویل مسوول ستاد تبلیغات نامزد مربوطه در آن شهرستان دهند. تخلف از این تبصره توسط

فرمانداران جرم محسوب می گردد و متخلف به مجازات مقرر شده در ماده (۸۸) قانون انتخابات ریاست‌جمهوری محکوم خواهد شد. کلیه هزینه‌های اجرای این تبصره توسط وزارت کشور محاسبه و نامزدها قبل از معرفی نمایندگان به تناسب تعداد نمایندگانشان پرداخت خواهند کرد.

* تبصره ۳ ـ مسوول ستاد تبلیغات هر یک از نامزدها در شهرستان فردی است که یک هفته قبل از شروع رأی‌گیری، کتباً از طرف نامزد مربوط به فرمانداری همان شهرستان معرفی می‌شود.

* تبصره ٤ ـ پرسنل نیروهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی نمی‌توانند از طرف هیچ نامزدی، نمایندگی یا نظارت داشته باشند.

* تبصره ۵ ـ نمایندگان نامزدها حق تبلیغ له یا علیه هیچ‌یک از نامزدها و یا دخالت در کار هیأت‌های اخذ رأی، بازرسان و ناظران شورای نگهبان را ندارند و در صورت تخلف از حوزه اخذ رأی اخراج و برابر ماده (۸۸) قانون انتخابات ریاست جمهوری با آنان عمل خواهد شد.

* تبصره ٦ ـ این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجراست و آن قسمت از قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو و بلااثر می گردد. آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و شش تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی ام مردادماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و تأییدیه شورای نگهبان در مهلت مقرر در اصل نود و چهارم (٩٤) قانون اساسی واصل نگردیده است.

۷ـ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران

ماده ۱ ـ طبق اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری را برعهده دارد.

ماده ۲ ـ شورای نگهبان قبل از شروع انتخابات، دو نفر از اعضای خود و پنج نفر از افراد مسلمان و مطلع و مورد اعتماد دارای حسن سابقه را با اکثریت مطلق آرای اعضای شورای نگهبان به عنوان هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و سه نفر را به عنوان عضو علی البدل انتخاب و به وزارت کشور معرفی می‌نماید.

ماده ۳ ـ شورای نگهبان می‌تواند محل کار هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات را در وزارت کشور قرار دهد.

ماده ٤ ـ هیأت مرکزی نظارت، برکلیه مراحل انتخابات و جریان‌های انتخاباتی و اقدامات وزارت کشور و هیأت‌های اجرایی که در انتخابات موثر است و آنچه مربوط به صحت انتخابات می‌شود، نظارت خواهد کرد.

ماده ۵ ـ هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات باید برای هر شهرستان ناظر یا ناظرین با شرایط مذکور در ماده ۲ جهت نظارت بر انتخابات تعیین کند.

* تبصره ـ شورای نگهبان در هر مورد که لازم بداند، می‌تواند تمام یا برخی از ناظرین را مستقیماً انتخاب نماید.

ماده ٦ ـ هیأت مرکزی نظارت یا ناظرین که در سراسر کشور بر کیفیت انتخابات نظارت کامل دارند، در هر مورد که سوء جریان یا تخلفی را مشاهده کنند کتباً تذکر خواهند داد.

فرمانداران و بخشداران موظفند بلافاصله براساس قوانین مربوطه نسبت به رفع مشکلات مطروحه اقدام نمایند و چنانچه مسوولین وزارت کشور نظارت آنان را ملحوظ ندارند ناظرین مراتب را به هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان گزارش خواهند کرد.

ماده ۷ ـ شورای نگهبان در کلیه مراحل در صورت اثبات تخلف با ذکر دلیل نسبت به ابطال یا توقف انتخابات در سراسر کشور و یا بعضی از مناطق اتخاذ تصمیم نموده و نظرخود را از طریق رسانه‌های همگانی اعلام می‌نماید و نظر شورای نگهبان در این مورد قطعی و لازم‌الاجرا است و هیچ مرجع دیگری حق ابطال یا متوقف کردن انتخابات را ندارد.

* تبصره ـ هیأت مرکزی نظارت باید مدارک حاکی از عدم صحت یا لزوم متوقف ساختن انتخابات را برای بررسی و اتخاذ تصمیم به شورای نگهبان بفرستد.

ماده ۸ـ پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور، چنانچه شورای نگهبان در کیفیت انجام مقدمات انتخابات از قبیل تعیین هیأت اجرایی، نحوه تبلیغات و مانند آن تخلفاتی مشاهده کند که به صحت انتخابات خدشه وارد سازد، انتخابات را متوقف و مراتب را به وزارت کشور اعلام می‌دارد.

ماده ۹ـ در مواردی که توقف یا ابطال، بنا به نظر شورای نگهبان در تعیین رئیس‌جمهور موثر باشد، قبل از اعلام نتایج کل انتخابات، در اولین فرصت، اخذ رأی در آن مناطق ادامه یافته یا تجدید خواهد شد.

ماده ۱۰ـ در مواردی که ناظر یا ناظرین در مرکز شهرستان و بخش‌های تابعه، نتایج انتخابات یک یا چند شعب اخذ رأی را منطبق با قانون تشخیص ندهند، موضوع را با ذکر دلیل در هیأت اجرایی محل مطرح خواهند کرد . در صورتی که هیأت اجرایی مذکور نظر آنان را نپذیرند، مراتب به هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری ارجاع خواهد شد و نظر این هیأت با تأیید شورای نگهبان قطعی و لازم الاجراست.

ماده ۱۱ـ هیأت‌های اجرایی موظف اند یک نسخه از صورتجلسه اقدامات خود را به ناظر یا ناظرین تسلیم نمایند. در مواردی که امضای هیأت‌های اجرایی در قانون انتخابات پیش‌بینی شده است، امضای ناظر یا ناظرین نیز لازم است.

ماده ۱۲ـ وزارت کشور موظف است قبل از صدوردستور انتخابات در سراسر کشور، مراتب را به تأیید شورای نگهبان برساند.

۸ــ نتایج نهایی دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

وزیر کشور آرای نهایی دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرد. صادق محصولی گفت: از ۳۹ میلیون و ۱٦۵ هزار و ۱۹۱ رای صحیح و باطله ماخوذه به ترتیب حروف الفبا؛

ـ محمود احمدی‌نژاد ۲٤ میلیون و ۵۲۷ هزار و ۵۱٦ رای معادل ٦۲/٦۳ درصد آرا

ـ محسن رضایی میرقائد ٦۷۸ هزار و ۲٤۰ رای معادل ۱/۷۳ درصد آرا

ـ مهدی کروبی ۳۳۳ هزار و ٦۳۵ رای معادل ۰/۸۵ درصد آرا

و میرحسین موسوی ۱۳ میلیون و ۲۱٦ هزار و ٤۱۱ رای معادل ۳۳/۷۵ آرا را کسب کردند.

همچنین ٤۰۹ هزار و ۳۸۹ رای باطله ماخوذه معادل ۱/۰٤ درصد بوده است.

در این انتخابات ۳۹ میلیون و ۱٦۵ هزار و ۱۹۱ شرکت‌کننده وجود داشت و ٤٦ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر افراد واجد شرایط در این انتخابات بودند.

میزان مشارکت مردم در این انتخابات ۸۵ درصد بوده است که رکوردی بی‌نظیر می‌باشد. (۱)

وی همچنین گفت: نتیجه انتخابات خبرگان رهبری در تهران و گلستان و انتخابات مجلس و میان‌دوره‌ای شوراها را ستاد انتخابات اعلام خواهد کرد. (منبع: ایسنا ۸۸/۳/۲۳ - کد خبر ۸۸۰۳ـ۱۲۹۷۷)

---

(۱) میزان مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری دور اول (۱۳۵۸) ٦۷/٤۲ درصد، دور دوم (۱۳٦۰) ٦٤/۲٤ درصد، دور سوم (۱۳٦۰) ۷٤/۲٦ درصد، دور چهارم (۱۳٦٤) ۵٤/۷۸ درصد، دور پنجم (۱۳٦۸) ۵٤/۵۹ درصد، دور ششم (۱۳۷۲) ۵۰/٦٦ درصد، دور هفتم (۱۳۷٦) ۷۹/۹۳ درصد، دور هشتم (۱۳۸۰) ٦٦/۵۹ درصد، دور نهم مرحله اول (۱۳۸٤) ٦۲/۸٤ درصد، مرحله دوم ۵۹/۷٦ درصد و دور دهم ۸۵ درصد بوده است که بالاترین میزان مشارکت را نشان می‌دهد.

۹ـ پیام‌های رهبر انقلاب به مناسبت انتخابات ریاست‌جمهوری دهم (۱۳۸۸ـ احمدی‌نژاد) و هفتم (۱۳۷۶ـ سیدمحمد خاتمی)

۱ـ پیام رهبر انقلاب به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری‌دهم(۱۳۸۸)

بسم الله الرحمن الرحیم. ملت عزیز ایران! مردان و زنان آگاه و شجاع و زمان‌شناس! سلام خدا بر شما که شایستگی خود را برای دریافت سلام و رحمت الهی به اثبات رساندید. جمعه حماسی شما، حادثه‌ای خیره‌کننده و بی‌همتا بود که در آن، رشد سیاسی و چهره مصمّم انقلابی و توان و ظرفیت مدنی ملت ایران، در نمایی زیبا و پرشکوه در برابر چشم جهانیان به نمایش درآمد.

اقتدار و عزتی که شما با آرامش و متانت و کمالِ خود در تاریخ کشور به ثبت رساندید، و اراده خلل‌ناپذیری که در میان آتشبار جنگ‌روانی دشمنان، با حضور در این عرصه تعیین‌کننده نشان دادید، از چنان اهمیتی برخوردار است که با هیچ بیان معمولی و متعارفی نمی‌توان آن را توصیف کرد. تنها می‌توان گفت که ملت ایران توانسته است همچنان موجبات رحمت الهی را در خود حفظ کند و دست قدرت خداوند را در حمایت از پیشرفت و تعالی این کشور، بالای سر خود نگاه دارد.

انتخابات ۲۲خرداد، با هنرنمایی ملت ایران، نصاب تازه‌ای در سلسله طولانی انتخاب‌های ملّی پدید آورد. مشارکت بیش‌از هشتاد درصدی مردم در پای صندوق‌ها و رأی بیست‌وچهار میلیونی به رئیس‌جمهور منتخب، یک جشن واقعی است که به حول و قوه الهی، خواهد توانست پیشرفت و اعتلای کشور و امنیت ملی و شور و نشاط پایدار را تضمین کند. دیروز شما توانستید ثابت کنید که ایران به برکت شعارها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، در برابر تهاجم سیاسی و روانی از چنان مصونیت و صلابتی برخوردار است که با گذشت سی‌سال از آغاز مردمسالاری دینی در این کشور، از همیشه تازه نفس‌تر و سرزنده‌تر در صحنه حاضر گشته و دوستان و دشمنان را به ادامه راه روشن خود مطمئن می‌سازد.

اینجانب با فروتنی در برابر عزم و ایمان شما مردم عزیز، این موفقیت بزرگ را به حضرت ولی‌الله‌الاعظم روحی‌فداه و به روح امام بزرگوار و به یکایک آحاد ملت تبریک عرض می‌کنم و همگان را به قدردانی از این لطف الهی و شکرگزاری در برابر پروردگار حکیم و علیم توصیه می‌نمایم. گمان بر این است که دشمنان بخواهند با گونه‌هایی از تحریکات بدخواهانه، شیرینی این رویداد را از کام ملت بزدایند. به همه آحاد مردم و به‌ویژه جوانان عزیز که سرزنده‌ترین نقش‌آفرینان این حادثه شورانگیز بودند، توصیه می‌کنم که کاملاً هشیار باشند. همواره باید شنبه

پس‌از انتخابات، روز مهربانی و بردباری باشد. چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران دیگر نامزدهای محترم، از هرگونه رفتار و گفتار تحریک‌آمیز و بدگمانانه پرهیز کنند. رئیس‌جمهور منتخب و محترم، رئیس‌جمهور همه ملت ایران است و همه و از جمله رقیبان دیروز باید یکپارچه از او حمایت و به او کمک کنند. بی شک این نیز امتحانی الهی است که موفقیت در آن خواهد توانست رحمت خداوند متعال را جلب کند.

وظیفه خود می‌دانم از همه کسانی که در خلق این حادثه بزرگ نقش آفریدند، صمیمانه سپاسگزاری کنم: از نامزدهای محترم که با مطرح ساختن نقطه‌نظرهای سیاسی و اقتصادی و با سخن و رفتار خود، دارندگان سلایق گوناگون اجتماعی و سیاسی را به صحنه آوردند، از نخبگان و برگزیدگانی که مخاطبان خود را به حضور در این آزمون بزرگ دعوت کردند؛ از مراجع عظام و علمای اعلام و فرزانگان دانشگاهی و شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی؛ از رسانه ملی و مدیران و طراحان و مجریان و هنرمندان صداوسیما که نوآوری‌های تحسین‌برانگیز آنان نقش تعیین‌کننده‌ای در این حادثه فراموش‌نشدنی داشت؛ از وزارت کشور و شورای محترم نگهبان که با اخلاص و امانتداری کامل به وظیفه خطیر خود صادقانه و سختکوشانه عمل کردند؛ از نیروی انتظامی و دیگر دستگاه‌های حافظ امنیت که فضای سالم و باز و آرام را برای مردم تأمین نمودند و سرانجام و بیش‌از همه، از یکایک رأی‌دهندگان که برای خود و کشورشان آبرو و ثبات و امنیت فراهم آوردند.

بار دیگر با تضرع و ابتهال، خدای عزیز و قدیر را از اعماق جان سپاس گفته، هدایت و رحمتش را برای این ملت و این بنده ناتوان مسألت می‌کنم و با سلام به حضرت ولی‌الله‌الاعظم روحی‌فداه به دعا و رعایت و حمایت آن صاحب اصلی این کشور دل می‌بندم و به روح امام راحل و ارواح طیبه شهیدان عزیز درود می‌فرستم.

والسلام علیکم و رحمه‌الله

سیدعلی خامنه‌ای

۲۳خرداد۱۳۸۸

۲- پیام رهبر انقلاب به مردم در انتخابات ریاست جمهوری هفتم (۱۳۷۶)

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم. ملت عزیز ایران! صحنه زیبا و پرشوری که در روز جمعه دوم خرداد و در پای صندوق‌های رأی آفریدید، حقیقتاً یک حماسه تاریخی بود.

آگاهی و هوشیاری سیاسی شما یک بار دیگر به کمک خداوند، درست در لحظه مقتضی،

کار خود را کرد و از ایران اسلامی چهره‌ای با نشاط، مصمم، و سرشار از ایمان و آگاهی به دنیا نشان داد و بحمدالله، کشور را در برابر توطئه دشمنان و وسوسه بدخواهان تا مدت‌ها بیمه کرد. شرکت شما در یک مسابقه سالم و مسوولانه برای انتخاب رئیس‌جمهور، با امنیت و انضباط تمام، و با رعایت بیشتر ملاحظاتی که در چنین حرکت عظیمی با ابعاد یک ملت بزرگ، در دنیا کمیاب و کم‌نظیر است، برای دوست و دشمن ثابت کرد که ملت ما به برکت عمل به اسلام ناب محمّدی (صلّی‌الله‌علیه‌وآله) در صحنه جهاد سیاسی نیز مانند صحنه جهاد نظامی، از انسجام و ابتکار و نظم و قاعده درست برخوردار است و نَفَس زهرآگین دشمنان که از ماه‌ها پیش به قصد دلسرد کردن مردم، صوری بودن و جدی نبودن انتخابات را با زبان‌های مختلف در همه تبلیغات فرامرزی خود تکرار می‌کردند، در او کمترین تأثیر را ندارند. اکنون با حضور بسیار گسترده شما ملت عزیز در این آزمایش الهی، و با اختصاص اکثریت قاطع آرا به رئیس‌جمهور منتخب مردم، ایران اسلامی از آزمایشی دیگر، موفق و سرافراز بیرون آمده و دوران تازه‌ای در تاریخ درخشان جمهوری اسلامی آغاز شده است. ملت عزیز ما باید در دل از خداوند متعال شاکر باشد که او را به این حرکت افتخار آمیز هدایت کرد و دشمنان او را ناکام ساخت.

اینجانب پس از سپاس خاضعانه از ساحت مقدس پروردگار که در لحظه لحظه این آزمایش بزرگ، شما ملت انقلابی و مومن و این بنده ناتوان را از هدایت و کمک و دستگیری خود محروم نساخت، از همه آحاد ملت که در این حماسه بزرگ شرکت کردند، همچنین از مراجع عظام و علمای اعلام و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و برجستگان حوزه و دانشگاه که در تشویق قشرهای گوناگون مردم به این امر اثر بارز داشتند، و به‌خصوص از صدا و سیما که با تلاش بی‌سابقه و فراهم ساختن گفت‌وگوها و فرصت‌های مناسب برای آشنایی مردم با نامزدهای انتخابات، انگیزه و امکان گزینش آزاد را به مردم دادند، و نیز از شورای محترم نگهبان و وزارت کشور که با صدق و امانت و کوشش خستگی ناپذیر خود، میدان را برای این مسابقه عمومی مهیا ساختند، و از همه کسانی که به نحوی در این امر کمک کردند، صمیمانه و با همه وجود تشکر می‌کنم و نکاتی را یادآور می‌شوم:

۱ ـ به رئیس‌جمهور منتخب مردم، جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سیّد محمّد خاتمی، توفیق خدمتگزاری ملت عظیم‌الشأن ایران و تحمل این امانت بزرگ را صمیمانه تبریک می‌گویم و ایشان را به وظیفه شکر و اهتمام و آمادگی متذکر می‌گردم و همچنین از سایر نامزدهای محترم ریاست جمهوری که با آمادگی و حضور خود در میدان این آزمایش الهی، بزرگ‌ترین کمک را به ایجاد رقابت انتخاباتی و انگیزه بخشیدن به مردم کردند، صمیمانه تشکر می‌کنم. بی‌شک

بدون حضور افکار و سلیقه‌ها و منش‌های متنوع در صحنه نامزدی ریاست جمهوری، این موج عظیم حضور ملی پدیدار نمی‌گشت و این افتخار برای ملت ایران به ثبت نمی‌رسید.

۲ ـ از طرفداران انتخاباتی رئیس‌جمهور محترم می‌خواهم که موفقیت خود را از کمک و هدایت الهی بدانند و در آینده نیز در همه عرصه‌های زندگی از خدای متعال کمک بخواهند. از طرفداران انتخاباتی سایر نامزدهای محترم نیز می‌خواهم که خدا را بر توفیقی که به آنان داد تا بتوانند در پدید آوردن این فصل درخشان سهیم باشند، شکرگزاری کنند و خود را برای کمک به رئیس‌جمهور منتخب آماده سازند.

۳ ـ به همه ملت عزیز عرض می‌کنم که در انتخاباتی با این درخشندگی و زیبایی، همه عناصر دست‌اندرکار برنده‌اند؛ هم کسی که بار مسوولیت را با افتخار بر دوش گرفته، و هم همه کسانی که با ورود در میدان رقابت انتخاباتی، در این آزمایشِ پرشور نقش آفریده‌اند و بدیهی است که برنده اصلی در این پدیده تابناک، ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است.

٤ ـ در پایان، با پشتگرمی به فضل و رحمت و هدایت الهی، متضرعانه از خداوند متعال مسألت می‌کنم که مسوولان امور را به آنچه رضای او و صلاح ملت در آن است، رهنمون گردد و رئیس‌جمهور منتخب ملت را مشمول هدایت و کمک خود فرماید و همگان را مشمول دعای حضرت ولی الله الأعظم (روحی‌فداه) سازد و بندگان مخلص و دل‌های پاک و سرشار از نور و صفای انسان‌های مومن و دلسوز را در سایه حمایت و هدایت و امنیت معنوی خویش قرار و آرام بخشد.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته

سیّد علی خامنه‌ای

سوم خرداد سال ۱۳۷٦ شمسی

همان گونه که در متن کتاب آمده است، رهبر انقلاب چه در انتخابات سال ۷٦ که به ریاست جمهوری آقای خاتمی انجامید و چه در انتخابات سال ۸۸، روز بعد از انتخابات پیام صادر و به رئیس‌جمهور منتخب مردم تبریک گفتند.

۱۰ـ بیانیه اول موسوی در رد نتایج انتخابات (۲۳خرداد ۱۳۸۸)

ملت شریف ایران! نتایجی که برای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اعلام شد، بهت‌آور است. مردمی که در صف‌های طولانی اخذ رای شاهد ترکیب آرا بودند و خود می‌دانند که به چه کسی رای داده‌اند، با حیرت تمام به شعبده‌بازی دست‌اندرکاران انتخابات و صدا و سیما نگاه می‌کنند. آنان اینک بیش از همیشه به دنبال آن هستند که بدانند چگونه و توسط چه کسانی و مقاماتی، طرح این بازی بزرگ ریخته شده است. اینجانب ضمن اعتراض شدید به روند موجود و تخلفات آشکار و فراوان روز انتخابات هشدار می‌دهم که تسلیم این صحنه‌آرایی خطرناک نخواهم شد.

نتیجه آنچه از عملکرد متصدیان بی امانت دیده‌ایم و می‌بینیم، جز تزلزل ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت دروغ و استبداد نیست. اینجانب طبق وظیفه شرعی و ملی خویش به افشای رازهای پشت سر این روند پرمخاطره خواهم پرداخت و آثار نابودکننده آن را بر سرنوشت کشور توضیح خواهم داد و ترس آن دارم که ادامه وضع موجود، همه نیروهای موثر در نظام را به توجیه‌گرانی دروغگو در مقابل مردم تبدیل کند و دنیا و آخرت آنان را در معرض لطمه‌های جبران ناپذیر قرار دهد.

به مسوولان توصیه می‌کنم بیش از آن که دیر شود، این روند را فورا متوقف کنند و همگی به خط قانون و امانتداری از آرای ملت بازگردند و بدانند که خروج از عدالت مشروعیت‌زداست. آنان بیش از هر کس دیگر از این حقیقت باخبرند که در این کشور، انقلابی بزرگ و اسلامی صورت گرفته است. کمترین پیام انقلاب ما این است که مردم آگاهند و در برابر کسانی که با تقلب روی کار بیایند، تمکین نخواهند کرد.

اینجانب از همین فرصت استفاده می‌کنم و ضمن تشکر از عواطف ملت بزرگوار ایران به آنان تذکر می‌دهم که ایران این موجود آسمانی متعلق به آنان است و نه متقلبان، این آنان هستند که باید با هوشیاری خود از آن حفاظت کنند. خائنین به آرای مردم ابایی از آن ندارند که این خانه پارسایان به آتش کشیده شود. ما موج عقلانیت سبز خود را که برگرفته از تعالیم دینی و علایق ملت ما به اهل بیت پیامبر(ص) است با تمامی شور ادامه می‌دهیم و با شورش دروغ که در کشور طغیان کرده و چهره آن را آلوده است مبارزه می‌کنیم اما اجازه نخواهیم داد که حرکات ما شکل کور به خود بگیرد.

جا دارد از یکایک شهروندانی که برای رساندن این پیام سبز هر کدام ستادی بودند و تمامی ستادهای مردمی و رسمی که در انتخابات فعالیت می‌کردند سپاسگزاری کنم و تاکید نمایم که

تا رسیدن به نتیجه‌ای که کشور ما لایق آن است همچنان به حضور و تلاش آنان نیاز است.و ما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدانا سبلنا و لنصبرن علی ما اذیتمونا و علی‌الله فلیتوکل المتوکلون.

۱۱ـ نامه موسوی خطاب به شورای نگهبان
مهم‌ترین دلایل برای ابطال انتخابات، ۲۷ خرداد ۱۳۸۸

شورای محترم نگهبان! سلام علیکم. پیرو ده‌ها مکاتبه ستاد انتخاباتی اینجانب با آن شورا دایر بر تخلفات صریح انتخاباتی عوامل اجرایی وزارت کشور و نیز یکی از نامزدها که قطعاً در نتیجه انتخابات ۲۲ خرداد ماه موثر بوده است و ذیلاً به مواردی از آنها اشاره می‌شود، عدم صحت انتخابات محرز است و رسیدگی و ابطال آن درخواست می گردد:

۱ ـ در ایام تبلیغات خصوصاً در مناظره آقای احمدی‌نژاد، اتهامات بزرگی علیه بعضی از شخصیت‌های حقیقی ازجمله آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجلس خبرگان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز آقای ناطق نوری عضو محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس بازرسی ویژه رهبر معظم انقلاب، در رسانه ملی مطرح شد که بنا به اظهار صریح ریاست محترم قوه قضاییه و دادستان محترم کل کشور، مصادیق روشن عمل مجرمانه بوده است. این اتهامات خوراک اصلی تبلیغات انتخاباتی آقای احمدی‌نژاد علیه سایر نامزدها، خصوصاً اینجانب قرار گرفت.

۲ ـ ایشان در مناظره‌های انتخاباتی اقدام به بیان مطالب خلاف امنیت ملی نمود که نتیجه آن زیر سوال بردن بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی سلام‌الله علیه بود. به علاوه عمل ایشان در افشای بعضی از موضوعات محرمانه و سری با تلفیق موارد نادرست، ازجمله متهم کردن دولت جمهوری اسلامی و وزارت کشور به سازماندهی اوباش برای حمله به جوانان و مردم و بریدن کراوات‌ها و تراشیدن موی سر جوانان، اتهاماتی واهی است که در هیچ مرجع قضایی مورد رسیدگی قرار نگرفته و بدیهی است که عملی مجرمانه محسوب می‌شود.

۳ ـ کارشکنی‌های عدیده مسوولان وزارت کشور و بسیاری از فرمانداری‌ها، ازجمله فرمانداری تهران در ارائه کارت‌های نمایندگان جناب حجت‌الاسلام والمسلمین کروبی و اینجانب، منجر به عدم امکان حضور تعداد قابل توجهی از نمایندگان ما دو نفر در محل شعب اخذ رأی و محل‌های شمارش و تجمیع آرا گردید و نمایندگان نامزدها هیچ‌گونه نظارتی بر انتخابات نداشته‌اند.

٤ ـ برخلاف اعلام کتبی قبلی مبنی بر این‌که شمارش آرا و تجمیع آن دستی خواهد بود، ستاد انتخابات کشور در حالی که هنوز تعدادی از شعب در حال شمارش آرای مردم بودند، اقدام به اعلام نتایج در حجم انبوه نمود. این در حالی بود که هنوز صورتجلسه‌های موسوم

به فرم‌های ۲۲ و ۲۸ از هیأت‌های اجرایی دریافت نشده و تنها ملاک ارائه آمار، ارقام موجود در سیستم‌های رایانه‌ای بود که هیچ‌گونه وجاهت قانونی ندارد و موجب التهاب اجتماعی و نگرانی در جامعه براساس آمارهای فاقد مبنای قانونی می‌شود.

۵ ـ صدها شعبه اخذ رأی در مناطق مختلف کشور ازجمله شیراز، تبریز، تهران و... در ساعات قبل و بعد از ظهر دچار کمبود تعرفه اخذ رأی شدند و این امر موجب توقف چند ساعته رأی گیری در آنها گردید. با توجه به این‌که تعداد تعرفه‌های چاپ شده با فرض بالاترین تعداد متصوره شرکت‌کنندگان به گونه‌ای بوده است که بیش از ۱۷ میلیون تعرفه اضافی می‌توانست در اختیار وزارت کشور باشد، تعلل شدیدی که در جریان توزیع تعرفه‌های انتخاباتی به چشم می‌خورد کاملاً ابهام برانگیز بود و نشان می‌داد که این تعلل و نیز اعلام توقف زمان رأی‌گیری، در حالی که هنوز تعداد قابل توجهی از مردم خواستار شرکت در انتخابات بودند، از سر نگرانی نسبت به افزایش تعداد آرای ماخوذه از مرز ۱۰۰ درصد افراد واجد شرایط بوده است. طبیعی است که چنین اموری شائبه وقوع اقدامات غیرقانونی گسترده و وجود تعداد بی‌شمار آرای تقلبی در صندوق‌ها را تحکیم می‌کند.

٦ ـ علاوه بر موارد فوق تخلفات فراوان صورت گرفته در روز و زمان اخذ رأی طی بیش از ۸۰ مورد نامه خطاب به آقای کدخدایی سخنگوی محترم شورای نگهبان توسط رابط اینجانب به آن شورا تقدیم شده است.

۷ ـ آقای احمدی‌نژاد در وقت تبلیغات اضافی که سازمان صدا و سیما به صورت غیرقانونی به ایشان اهدا کرد وقوع اقدامات ضد امنیتی را پیش‌بینی کرد و به طور ضمنی موفقیت خود را مسلم دانست و رقبا را متهم به توطئه چینی نمود، که تمامی اینها حاکی از برنامه‌ریزی‌های پشت پرده برای دستکاری نتایج انتخابات است. به همین ترتیب تیتر خبر پیروزی آقای احمدی‌نژاد در سایت رجانیوز، فارس و ایرنا که چند ساعت قبل از پایان اخذ رأی روی داد و نیز تعیین تیتر روزنامه کیهان با همین عنوان طراحی قبلی اعلام چنین نتیجه‌ای را مشخص می‌سازد.

۸ ـ نقض ماده ٤٠ قانون جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و مداخله نظامیان و بسیج در انتخابات و شرکت در میتینگ‌های تبلیغاتی آقای احمدی‌نژاد و استفاده گسترده از امکانات دولتی و نقض ماده ٦٨ قانون انتخابات ازجمله تورگردی وزرا در استان‌ها و شهرستان‌ها (تا جایی که پس از سخنرانی معاون اول ریاست جمهوری در گیلان به ستاد اینجانب حمله شد) و حضور آقای وزیر خارجه در شهرهای مختلف ایلام، کرمانشاه، سمنان، گیلان و... در جلسات تبلیغاتی و استفاده آقای احمدی‌نژاد از هواپیمای اختصاصی دولت برای حضور در میتینگ‌های

تبریز و ارومیه و اصفهان و... نمونه‌های دیگری از تخلفات از فصول مختلف قانون مذکور به‌ویژه فصل هفتم آن بوده است.نظر به موارد فوق انتظار دارم درخواست اینجانب در مورد ابطال انتخابات ۲۲ خرداد ماه مورد رسیدگی و اقدام قرار گیرد.

میرحسین موسوی

۱۲ـ بیانیه سوم میرحسین موسوی (۲۷خرداد۱۳۸۸)

بسم الله الرحمن الرحیم. هموطنان عزیز! از سراسر کشور اخبار بسیاری در مورد وقوع اعتراض نسبت به نتایج اعلام شده برای انتخابات اخیر به اینجانب می‌رسد. اطمینان دارم که این واکنش‌ها نه به خاطر شخص من، بلکه از سر نگرانی نسبت به روش جدیدی از زندگی سیاسی است که دارد بر کشور ما تحمیل می‌شود. اقداماتی که در طی این چند روز شاهد آن بوده‌ایم تا کنون در جمهوری اسلامی سابقه نداشته است. اگر مردم با اضطراب تحولات فعلی را دنبال می‌کنند، به خاطر نگرانی شدیدی است که نسبت به در خطر قرار گرفتن دستاوردهای عظیم انقلاب خود دارند.

کسانی که با تخلفات بسیار، نتایج غیرقابل باوری را برای انتخابات ریاست جمهوری اعلام کردند اینک در صدد تثبیت آن نتایج و شروع دوره‌ای جدید از تاریخ کشور ما هستند. اینجانب در طول انتخابات به‌کرات از خطرات قانون گریزی سخن گفتم وتاکید کردم که چنین شیوه‌ای ممکن است به استبداد و دیکتاتوری بینجامد، و امروز ملت ما در نقطه‌ای قرار گرفته‌است که این دورنما را لمس می‌کند.

ما به عنوان کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن پایبندیم، اصل ولایت فقیه را یکی از ارکان این نظام می‌دانیم و حرکت سیاسی را در چارچوب‌های قانونی دنبال می‌کنیم، امیدواریم روند آتی حوادث، نادرست بودن این برداشت را نشان دهد. در عین حال هشدار می‌دهیم که در این کشور هیچ یک از کسانی که به انقلاب اسلامی علاقه دارند چنین روندی را نخواهند پذیرفت. این چیزی است که خون صدها هزار شهید ما را به مسوولیت‌پذیری در قبال آن فرا می‌خواند.

مردم عزیز! اینجانب امروز طی نامه‌ای تقاضای خود را مبنی بر ابطال نتایج انتخابات اخیر به شورای نگهبان ارائه کردم و این کار را تنها راه حل برای بازگشت اعتماد عمومی و حمایت مردم از دولت می‌دانم. توصیه موکد و مجدد این خدمتگزار شما آن است که به صورت مسالمت آمیز و با رعایت اصل عدم برخورد ؛ مخالفت‌های مدنی و قانونی خود را در سراسر کشور ادامه دهید.

ما از مسوولان درخواست کرده‌ایم که مجوز برگزاری یک راهپیمایی بزرگ در تمامی شهرهای کشور به ما داده شود تا در طی آن مردم فرصتی برای نمایش مخالفت خود با شیوه برگزاری انتخابات و نتایج آن پیدا کنند. موافقت مسوولان با این امر می‌تواند بهترین راه حل برای مهار هیجانات فعلی باشد.

از رنگ سبز که نماد معنویت و آزادی و عقلانیت دینی و مداراست و شعار الله اکبر که حاکی از ریشه‌های انقلابی ماست، دست بر نداریم. این رنگ و شعاری است که همچنان وحدت‌بخش صفوف ملت ما و بهترین وسیله ارتباط دل‌ها و خواسته‌های ما با هم خواهد بود. متاسفانه تلاش گسترده‌ای برای قطع تمامی امکانات ارتباطی ما با هم صورت می‌گیرد و به این نکته توجه نمی‌شود که قطع این مجاری تنها منجر به آن خواهد شد که واکنش‌های موجود از شکلی هدفمند و مهار شده تغییرماهیت پیدا کند و خدای ناکرده به حرکات کور تبدیل شود. اطمینان دارم که خلاقیت شما راه حل‌های ارتباطی جدید و موثری را پایه ریزی خواهد کرد تا بتوانیم از اقدامات خود، نتایجی مفید به حال کشور و نظام و انقلاب بگیریم.

به عنوان یک علاقه‌مند، به نیروی انتظامی توصیه می‌کنم از برخورد خشن با حرکت‌های خودجوش مردم خودداری کند و اجازه ندهد که اعتماد مردم نسبت به این نهاد ارزشمند خدشه‌دار شود. این مردم برای احقاق حقوق خود و حقوق شما در صحنه حاضر شده‌اند و برادران و خواهران شما هستند. قدرت نیروهای نظامی و انتظامی کشور ما همواره در وحدت آنها با مردم بوده‌است، و در آینده نیز چنین خواهد بود.

به امید روزهای بهتر

میرحسین موسوی

۱۳ـ خطبه تاریخی رهبر انقلاب در نمازجمعه پس از انتخابات (۲۹خرداد۱۳۸۸)

خطبه دوم

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم والحمدلله ربّ العالمین و الصّلاه و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الأطیبین الأطهرین المنتجبین الهداه المهدیّین المعصومین سیّما علیّ امیرالمومنین و حبیبته فاطمه‌الزّهراء و الحسن و الحسین سیّدی شباب اهل الجنّه و علیّ‌بن‌الحسین و محمّدبن‌علیّ و جعفربن‌محمّد و موسی‌بن‌جعفر و علیّ‌بن‌موسی و محمّدبن‌علیّ و علیّ‌بن‌محمّد و الحسن‌بن‌علیّ و الخلف القائم المهدیّ صلواتک علیهم اجمعین و صلّ علی ائمّه المسلمین و حماه المستضعفین و هداه المومنین.اوصیکم عباد الله بتقوی الله.

در این خطبه هم من همه برادران و خواهران عزیزی را که در نماز شرکت دارند، دعوت می‌کنم به تقوا، به پرهیزگاری.مساله‌ای که در این خطبه مطرح می کنم، مساله انتخابات است که فعلاً مساله روز در کشور ماست. سه مطلب را خطاب به سه دسته عرض خواهم کرد. یک مطلب خطاب به عموم ملت عزیزمان در هر نقطه‌ای از کشور که هستند، می خواهم عرض بکنم. یک مطلب را خطاب به نخبگان سیاسی، نامزدهای ریاست جمهوری، فعالان و دست‌اندرکاران قضایای انتخابات می‌خواهم عرض بکنم. یک مطلب هم خطاب به سران استکبار، بعضی از دولت‌های غربی و سردمداران رسانه‌هایی که آنها اداره می‌کنند، خواهم گفت.

درباره مطلب اول که خطاب به شما مردم عزیز است، حرف من عبارت است از یک دنیا تجلیل و تعظیم و تشکر. بنده دوست ندارم در سخنرانی‌ها و خطابه‌ها نسبت به مخاطبان خودم با مبالغه حرف بزنم یا تملق آنها را بگویم؛ اما در این قضیه انتخابات، خطاب به شما مردم عزیز عرض می‌کنم که هر چه با مبالغه صحبت بکنم، زیاد نیست؛ حتّی اگر بوی تملق هم بدهد، ایرادی ندارد. کار بزرگی کردید. انتخابات ۲۲ خرداد یک نمایش عظیمی بود از احساس مسوولیت ملت ما برای سرنوشت کشور؛ نمایش عظیمی بود از روح مشارکت‌جوی مردم در اداره کشورشان؛ نمایش عظیمی بود از دلبستگی مردم به نظامشان. حقیقتاً مشابه این حرکتی که در کشور انجام گرفت، من امروز در دنیا و در این دموکراسی‌های گوناگون ـ چه دموکراسی‌های ظاهری و دروغین و چه دموکراسی‌هایی که واقعاً به آرای مردم مراجعه می‌کنند ـ نظیرش را سراغ ندارم. در جمهوری اسلامی هم جز در همه‌پرسی سال ۵۸ ـ فروردین ۵۸ ـ هیچ نظیری دیگر برای این انتخاباتی که در جمعه گذشته شما انجام دادید، وجود ندارد؛ مشارکت حدود ۸۵ درصد؛ چهل میلیون تقریباً جمعیت. انسان دست مبارک ولی‌عصر را

پشت سر حوادثی با این عظمت می‌بیند. این نشانه توجه خداست. لازم می‌دانم از اعماق دل نسبت به شما مردم عزیز در سراسر کشور ابراز ادب و ابراز تواضع کنم که واقعاً جا دارد. نسل جوان ما به خصوص نشان داد که همان شور سیاسی، همان شعور سیاسی، همان تعهد سیاسی را که ما در نسل اول انقلاب سراغ داشتیم، دارد؛ با این تفاوت که در دوران انقلاب، کوره داغ انقلاب دل‌ها را به هیجان می‌آورد، بعد هم در دوره جنگ به نحو دیگری؛ اما امروز اینها هم نیست، در عین حال این تعهد، این احساس مسوولیت، این شور و شعور در نسل کنونی ما وجود دارد؛ اینها چیز کمی نیست. البته بین مردم اختلاف سلیقه هست، اختلاف رأی هست؛ عده‌ای کسی را قبول دارند، حرفی را قبول دارند؛ عده دیگری کس دیگری را قبول دارند، حرف دیگری را قبول دارند؛ اینها هست، طبیعی هم هست، لیکن یک تعهد جمعی را انسان در بین همه این آحاد، با اختلاف آرایشان، احساس می‌کند؛ یک تعهد جمعی برای حفظ کشورشان، برای حفظ نظامشان. همه وارد شدند؛ در شهرها، در روستاها، در شهرهای بزرگ، در شهرهای کوچک، اقوام گوناگون، مذاهب مختلف، مردها، زن‌ها، پیر، جوان، همه وارد این میدان شدند؛ همه در این حرکت عظیم شرکت کردند.

این انتخابات، عزیزان من! برای دشمنان شما یک زلزله سیاسی بود؛ برای دوستان شما در اکناف عالم یک جشن واقعی بود؛ یک جشن تاریخی بود. در سی سالگی انقلاب این جور مردم بیایند نسبت به این نظام و این انقلاب و آن امام بزرگوار، اظهار وفاداری کنند! این یک جنبش عمومی و مردمی بود برای تجدید پیمان با امام و با شهدا؛ و برای نظام جمهوری اسلامی یک نَفَس تازه کردن، یک حرکت از نو، یک فرصت بزرگ. این انتخابات، مردمسالاری دینی را به رخ همه مردم عالم کشید. همه کسانی که بدخواه نظام جمهوری اسلامی هستند، دیدند مردمسالاری دینی یعنی چه. این یک راه سوم است. در مقابل دیکتاتوری‌ها و نظام‌های مستبد از یک طرف، و دموکراسی‌های دور از معنویت و دین از یک طرف دیگر، این مردمسالاری دینی است؛ این است که دل‌های مردم را مجذوب می‌کند و آنها را به وسط صحنه می‌کشاند. این، امتحان خودش را داد. این یک نکته درباره این انتخابات.

نکته دوم در باب این انتخابات این است که انتخابات ۲۲ خرداد نشان داد که مردم، با اعتماد و با امید و با شادابی ملی در این کشور زندگی می‌کنند. این جواب خیلی از حرف‌هایی است که دشمنان شما در تبلیغات مغرضانه خودشان بر زبان می‌آورند. اگر مردم در کشور به آینده امیدوار نباشند، در انتخابات شرکت نمی‌کنند؛ اگر به نظام خودشان اعتماد نداشته باشند، در انتخابات شرکت نمی‌کنند؛ اگر احساس آزادی نکنند، به انتخابات روی خوش نشان نمی‌دهند.

اعتماد به نظام جمهوری اسلامی در این انتخابات آشکار شد و من بعد عرض خواهم کرد که دشمنان همین اعتماد مردم را هدف گرفته‌اند؛ دشمنان ملت ایران می‌خواهند همین اعتماد را در هم بشکنند. این اعتماد بزرگ‌ترین سرمایه جمهوری اسلامی است، می‌خواهند این را از جمهوری اسلامی بگیرند؛ می‌خواهند ایجاد شک کنند، ایجاد تردید کنند درباره این انتخابات و این اعتمادی را که مردم کردند، تا این اعتماد را متزلزل کنند.دشمنان ملت ایران می‌دانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهد شد؛ وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد؛ آنها این را می‌خواهند؛ هدف دشمن این است. می‌خواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند، تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش به‌مراتب از آتش زدن بانک و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست. مردم بیایند در یک چنین حرکت عظیمی این‌جور مشتاقانه حضور پیدا کنند، بعد به مردم گفته بشود که شما اشتباه کردید به نظام اعتماد کردید؛ نظام قابل اعتماد نبود. دشمن این را می‌خواهد.این خط را از پیش از انتخابات هم شروع کردند؛ از دو سه ماه پیش از این. من اول فروردین در مشهد گفتم هی دارند دائماً به گوش‌ها می‌خوانند، تکرار می‌کنند که بناست در انتخابات تقلب بشود. می‌خواستند زمینه را آماده کنند. من آن وقت به دوستان خوبمان در داخل کشور تذکر دادم و گفتم این حرفی را که دشمن می‌خواهد به ذهن مردم رسوخ بدهد، نگویید. نظام جمهوری اسلامی مورد اعتماد مردم است. این اعتماد آسان به دست نیامده، سی سال است که نظام جمهوری اسلامی با مسوولانش، با عملکردش، با تلاش‌های فراوانش توانسته این اعتماد را در دل مردم عمیق کند. دشمن می‌خواهد این اعتماد را بگیرد، مردم را دچار تزلزل کند. این هم یک نکته.

نکته سوم، مساله رقابت‌ها بود. این رقابت‌ها کاملاً رقابت‌های آزاد، جدی و شفاف بین نامزدهای مختلف بود؛ همه دیدند. به قدری این رقابت‌ها و این گفت‌وگوها و این مناظره‌ها شفاف و صریح بود که عده‌ای به آن معترض شدند ـ حالا عرض خواهم کرد ـ حق هم تا حدودی با آنهاست. التهاباتی هم به وجود آورد که الان هم هنوز آثارش را داریم مشاهده می‌کنیم. من به شما عرض بکنم، فرض ما این بود و هست که این رقابتی که وجود دارد بین چهار نامزد انتخابات، این رقابت میان افراد و جریان‌های متعلق به نظام اسلامی است. اینی که دشمنان سعی می‌کنند در رسانه‌های گوناگون ـ که غالباً هم این رسانه‌ها مال این صهیونیست‌های خبیث و رذل است ـ این‌جور وانمود کنند که دعوا بین طرفداران نظام و مخالفان نظام است، نخیر، این‌جوری نبود؛ آنها غلط می‌کنند این حرف را می‌زنند؛ این واقعیت ندارد.این چهار نفری که وارد عرصه

این انتخابات جدی شدند، همه‌شان جزو عناصر نظام و متعلق به نظام بودند و هستند. یکی از اینها رئیس‌جمهور کشور ماست؛ رئیس‌جمهور خدوم، پرکار، زحمتکش، مورد اعتماد. یکی از آنها نخست‌وزیرِ هشت سال در دوران ریاست‌جمهوری خود بنده است. یکی از آنها فرمانده سپاه در سال‌های متمادی و یکی از فرماندهان اصلی دوران دفاع مقدس بوده است. یکی از آنها دو دوره رئیس قوه مقننه کشور بوده است؛ رئیس مجلس شورای اسلامی بوده است. اینها عناصر نظامند؛ اینها همه‌شان متعلق به نظامند. البته اختلاف‌نظر دارند، اختلاف برنامه دارند، در جهت‌گیری‌های گوناگون سیاسی با هم تفاوت‌های متعددی دارند؛ اما همه‌شان مال نظامند؛ چهار نفر از عناصر نظامند. این رقابت درون نظام تعریف شد؛ نه رقابت بین درون نظام و بیرون نظام، که رادیوی صهیونیستی و رادیوی آمریکا و رادیوی انگلیسِ خبیث و دیگران هی می‌خواهند این را دامن بزنند. نخیر، رقابتی بود در درون نظام و بین عناصر وابسته به نظام؛ متعلق به نظام، و همه‌شان هم با این سوابق. همه‌شان را من از نزدیک می‌شناسم، افکارشان را می‌دانم، سلائقشان را می‌دانم، خصوصیات رفتاریشان را می‌دانم، با همه‌شان از نزدیک من کار کردم. البته بنده همه دیدگاه‌های این آقایان را قبول ندارم؛ بعضی از نظرهایشان و عملکردهایشان از نظر من بدون شک قابل انتقاد است؛ بعضی را برای خدمت به کشور مناسب‌تر از بعضی دیگر می‌دانم؛ اما انتخاب به عهده مردم بوده و هست. مردم انتخاب کردند. خواست من، تشخیص من، نه به مردم گفته شد، نه مردم لازم بود آن را مراعات کنند. مردم خودشان طبق معیارهای خودشان تشخیص دادند، حرکت کردند، عمل کردند؛ میلیون‌ها این طرف، میلیون‌ها آن طرف. بنابراین، مساله، مساله درونی نظام است. اینی که بخواهند صورت مساله را تغییر بدهند، این صد در صد مغرضانه و خباثت‌آلود است. دعوا بین نظام و بیرون از نظام نیست، دعوا بین انقلاب و ضد انقلاب نیست؛ اختلاف بین عناصری در درون چهار چوب نظام است.آن مردمی هم که به این چهار نفر رأی دادند، اینها هم با اعتقاد به نظام رأی دادند، تشخیص دادند این برای کشور بهتر است، به نظام پایبندی‌اش بیشتر است، به او رأی دادند. آن کسی را که صالح‌تر برای خدمت به نظام می‌دانستند، به او رأی دادند؛ مردم هم در چهارچوب نظام عمل کردند. اما این رقابت‌ها و مناظرات، که ابتکار مهمی بود؛ ابتکار جالبی بود؛ خیلی صریح بود، خیلی شفاف بود، خیلی جدی بود.

این مناظره‌ها تو دهن آن کسانی زد که از بیرون تبلیغ می‌کردند که این رقابت‌ها نمایشی است، واقعیت ندارد. دیدند نخیر، واقعیت دارد؛ جدی در مقابل هم ایستاده‌اند، با هم بحث می‌کنند، با هم استدلال می‌کنند. بنابراین مناظره‌ها و گفت‌وگوها بسیار از این جهت مثبت بود.

البته آثار مثبتی داشت، عیوبی هم داشت که حالا هر دو را من عرض خواهم کرد. آن جهت مثبت، این بود که در این مناظره‌ها و در این گفت‌وگوها و در این گفتارهای تلویزیونی، همه شفاف و راحت حرف زدند، حرف دلشان را بر زبان آوردند، یک سیلابی از نقد و انتقاد به راه افتاد و همه مجبور شدند پاسخگویی کنند. به آنها انتقاد شد، آنها در مقام پاسخگویی برآمدند و از خودشان دفاع کردند. مواضع افراد و مواضع گروه‌ها بدون ابهام، بدون پیچیده‌گویی، عریان، در مقابل چشم مردم قرار گرفت؛ سیاست‌هایشان چیست، برنامه‌هایشان چیست، پایبندی‌هایشان کدام است، تا چه حد است؛ اینها در مقابل چشم مردم قرار گرفت و مردم توانستند قضاوت کنند. مردم احساس کردند که در نظام اسلامی بیگانه به حساب نمی‌آیند، نظام کشور اندرونی و بیرونی ندارد. همه چیز در مقابل مردم آشکار، همه نظرات در مقابل مردم بیان شد و معلوم شد رأی مردم ناشی از همین دقت‌ها و تأملات خواهد بود. رأی مردم زینتی نیست. حق انتخاب حقیقتاً متعلق به مردم است، مردم می‌خواهند آگاهانه، هشیارانه انتخاب کنند.

این مناظره‌ها این را نشان داد. یقیناً یکی از علل افزایش ده میلیونی آرا نسبت به آخرین حد نصاب دوره‌های قبل همین بود که ذهن مردم، فکر مردم مشارکت داده شد، به عرصه آمد و آنها تشخیص دادند، وارد میدان شدند. این مناظره‌ها به سطح خیابان‌ها هم کشیده شد، داخل خانه‌ها هم رفت، که اینها قدرت انتخاب مردم را بالا می‌برد. این جور مباحثات و گفت‌وگوها ذهن‌ها را پرورش می‌دهد، قدرت انتخاب را بالا می‌برد. این از نظر جمهوری اسلامی چیز مطلوبی است. البته همین جا من عرض بکنم که این گفت‌وگوها نباید به جایی برسد که تبدیل بشود به کدورت و کینه. اگر این شد، آن وقت اثر عکس خواهد داشت. اگر به همان شکلی که آن روز بود و در همان حد باقی بود، این خوب بود؛ اما اگر بنا باشد همین‌طور کش پیداکند، ادامه پیدا کند، هی بگومگو بشود، این تدریجاً تبدیل خواهد شد به کینه. البته خیلی خوب است که این‌جور مناظره‌هایی در سطوح مدیریتی ادامه پیدا کند ـ البته با حذف آن عیوبی که بعد به آن اشاره خواهم کرد ـ و افراد، مسوولین، خودشان را در معرض نقد و انتقاد قرار بدهند و پاسخگو باشند و پاسخ بدهند و تبیین کنند. خیلی از اوقات اگر چنانچه یک انتقادی به کسی بشود، این فرصتی است برای او که بتواند ذهن‌ها را روشن کند، تبیین کنند، حقیقت را بیان کنند؛ خیلی چیز خوبی است؛ البته با حذف آن عیوبی که عرض خواهم کرد. اگر این جور مناظره‌ها در طول سال و در طول چهار سال ادامه داشته باشد، دیگر وقتی در هنگام انتخابات پیش آمد، حالت انفجاری پیدا نمی‌کند؛ همه حرف‌ها در طول زمان گفته خواهد شد، شنیده خواهد شد؛ نقدها، پاسخ‌ها، جواب‌ها. اینها محسنات این مناظرات بود که خیلی خوب بود؛ اما عیوبی هم

داشت که این عیوب را باید برطرف کرد. در مواردی انسان می‌دید که در این مناظره‌ها جنبه منطقی مناظره ضعیف می‌شد؛ جنبه احساساتی و عصبی پیدا می‌کرد؛ جنبه تخریبی غلبه پیدا می‌کرد؛ سیاه‌نمایی وضع موجود به شکل افراطی در این مناظره‌ها دیده شد؛ سیاه‌نمایی دوره‌های گذشته هم در این مناظره‌ها مشاهده شد؛ هر دو بد بود. اتهاماتی مطرح شد که در جایی اثبات نشده است؛ به شایعات تکیه شد، بی‌انصافی‌هایی احیاناً دیده شد؛ هم بی‌انصافی نسبت به این دولت با این همه حجم خدمت، و هم بی‌انصافی نسبت به دولت‌های گذشته و دوران سی ساله. آقایان در خلال صحبت احساساتی شدند و لابه‌لای حرف‌های خوب، حرف‌هایی هم که خوب نبود، گفته شد.

بنده هم مثل بقیه آحاد ملت نشستم پای تلویزیون و این مناظره‌ها را تماشا کردم و از آزادی بیان لذت بردم؛ از این‌که نظام جمهوری اسلامی توانسته است به کمک مردم بیاید تا بتوانند قدرت انتخاب خود را بالا ببرند، لذت بردم؛ اما این بخش معیوب قضیه، بنده را ناخرسند کرد؛ متأثر شدم. برای طرفداران نامزدها هم آن بخش‌های معیوب، آن تعریض‌ها، آن تصریح‌ها، التهاب‌آور و نگران‌کننده بود، که البته از هر دو طرف هم بود.

بنده اینجا در منبر نماز جمعه، در خطبه‌ای که در حکم نماز است، حقایق را باید بیان بکنم. هر دو طرف در این عیب متأسفانه مشترک بودند. از یک طرف صریح‌ترین اهانت‌ها به رئیس‌جمهور قانونی کشور شد. حتی از دو سه ماه قبل از مناظرات هم این سخنرانی‌ها را برای من می‌آوردند و من می‌دیدم یا گاهی می‌شنیدم؛ تهمت‌هایی زدند، حرف‌هایی گفتند؛ به کی؟ به کسی که رئیس‌جمهور قانونی کشور است، متکی به آرای مردم است. نسبت‌های خلاف دادند، رئیس‌جمهور مملکت را که مورد اعتماد مردم است، به دروغگویی متهم کردند! اینها خوب است؟ کارنامه‌های جعلی برای دولت درست کردند، اینجا آنجا پخش کردند، که ما که در جریان امور هستیم، می‌بینیم ، می‌دانیم که اینها خلاف واقع است؛ فحاشی کردند؛ رئیس‌جمهور را خرافاتی، رمال، از این نسبت‌های خجالت‌آور دادند؛ اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا گذاشتند.

این از آن طرف. از این طرف هم همین جور؛ از این طرف هم شبیه همین کارها به نحو دیگری انجام گرفت. کارنامه درخشان سی ساله انقلاب کمرنگ جلوه داده شد؛ اسم بعضی از اشخاص برده شد که اینها شخصیت‌های این نظامند؛ اینهاکسانی هستند که عمرشان را در راه این نظام صرف کردند. بنده در نماز جمعه هیچ‌وقت رسمم نبوده است از افراد اسم بیاورم؛ اما اینجا چون اسم آورده شده است، مجبورم اسم بیاورم. به طور خاص از آقای هاشمی رفسنجانی،

از آقای ناطق نوری من لازم است اسم بیاورم و باید بگویم. البته این آقایان را کسی متهم به فساد مالی نکرده؛ حالا در مورد بستگان و کسان، هر کس هر ادعایی دارد، بایستی در مجاری قانونی خودش اثبات بشود و قبل از اثبات نمی‌شود اینها را رسانه‌ای کرد. اگر چیزی اثبات بشود، فرقی بین آحاد جامعه نیست؛ اما اثبات نشده، نمی‌شود اینها را مطرح کرد و قاطعاً ادعا کرد. وقتی این‌جور حرف‌ها مطرح می‌شود، تلقی‌های نادرست در جامعه به وجود می‌آید، جوان‌ها چیز دیگری خیال می‌کنند، چیز دیگری می‌فهمند.

آقای هاشمی را همه می‌شناسند. من شناختم از ایشان مربوط به بعد از انقلاب و مسوولیت‌های بعد از انقلاب نیست؛ من از سال ۱۳۳٦ ـ یعنی ۵۲ سال قبل ـ ایشان را از نزدیک می‌شناسم. آقای هاشمی از اصلی‌ترین افراد نهضت در دوران مبارزات بود؛ از مبارزین جدی و پیگیرِ قبل از انقلاب بود؛ بعد از پیروزی انقلاب از موثرترین شخصیت‌های جمهوری اسلامی در کنارِ امام بود؛ بعد از رحلت امام هم در کنار رهبری تا امروز. این مرد بارها تا مرز شهادت پیش رفته. قبل از انقلاب اموال خودش را صرف انقلاب می‌کرد و به مبارزین می‌داد. اینها را جوان‌ها خوب است بدانند. بعد از انقلاب ایشان مسوولیت‌های زیادی داشت: هشت سال رئیس‌جمهور بود؛ قبلش رئیس مجلس بود؛ بعد مسوولیت‌های دیگری داشت. در طول این مدت هیچ موردی را سراغ نداریم که ایشان برای خودش از انقلاب یک اندوخته‌ای درست کرده باشد. اینها یک حقایقی است؛ اینها را باید دانست. در حساس‌ترین مقاطع ایشان در خدمت انقلاب و نظام بوده.

من البته در موارد متعددی با آقای هاشمی اختلاف‌نظر داریم که طبیعی هم هست؛ ولی مردم نباید دچار توهم بشوند، چیز دیگری فکر کنند. البته بین ایشان و بین آقای رئیس‌جمهور از همان انتخاب سال ۸٤ تا امروز اختلاف‌نظر بود، الان هم هست؛ هم در زمینه مسائل خارجی اختلاف‌نظر دارند، هم در زمینه نحوه اجرای عدالت اجتماعی اختلاف‌نظر دارند، هم در برخی مسائل فرهنگی اختلاف‌نظر دارند؛ و نظر آقای رئیس‌جمهور به نظر بنده نزدیک‌تر است. در مورد آقای ناطق نوری هم همین جور. آقای ناطق نوری هم از شخصیت‌های خدوم انقلاب است؛ ایشان هم خدمات زیادی کرده و در دلبستگی ایشان به این نظام و انقلاب هیچ شکی نیست.

مناظره‌های زنده تلویزیونی خوب است؛ اما این آسیب‌ها باید برطرف بشود. من همان وقت ـ بعد از مناظره ـ به آقای رئیس‌جمهور هم تذکر دادم؛ چون می‌دانستم ایشان ترتیب اثر می‌دهند.

در مورد مبارزه با فساد مالی، موضع نظام یک موضع روشنی است. در زمینه مسائل مربوط

به عدالت اجتماعی، موضع نظام یک موضع روشنی است. با فساد باید در هر نقطه‌ای که هست، مبارزه کرد. من می‌خواهم این را عرض بکنم: ما مدعی نیستیم در نظام ما فساد مالی و اقتصادی وجود ندارد؛ چرا، اگر وجود نداشت که بنده آن نامه هشت ماده‌ای را چند سال قبل خطاب به روسای محترم سه قوه نمی‌نوشتم و اینقدر روی آن تأکید نمی‌کردم. چرا، هست؛ اما می‌خواهم این را بگویم: نظام جمهوری اسلامی، همین امروز یکی از سالم‌ترین نظام‌های سیاسی و اجتماعی در دنیاست. این‌که ما بیاییم به استناد گزارش فلان مرجع صهیونیستی، نظام را و کشور را متهم کنیم به فساد، این مطلقاً درست نیست. این هم که ما اشخاص را، مسوولین را بی‌جهت در زمینه فساد زیر سوال ببریم، این هم درست نیست. فساد مالی یکی از مسائل مهم در نظام اسلامی است و باید با او جداً مبارزه کرد؛ هم در قوه مجریه، هم در قوه قضاییه، هم در قوه مقننه.

همه موظفند با این مساله مبارزه کنند. اگر مبارزه نشود، مهار نشود، توسعه پیدا خواهد کرد؛ کما این‌که بسیاری از کشورهای دنیا ـ همین کشورهای غربی که اینقدر دم از مبارزه با فساد مالی و پولشویی و امثال اینها می‌زنند ـ تا خرخره غرق در فسادند. قضایای دولت انگلیس و مجلس پارلمان انگلیس را این روزها شنیدید و همه دنیا دانستند. این یک گوشه‌هایی از قضایاست؛ خیلی بیش از اینهاست.

این بخش مربوط به خطاب مردم را من جمع‌بندی کنم. عزیزان من! ملت ایران! ۲۲ خرداد یک حماسه بود. این حماسه، تاریخی شد، جهانی شد. اگرچه بعضی از دشمنان ما در اطراف دنیا خواستند این پیروزی مطلق نظام را، این پیروزی حتمی را، به یک پیروزی مشکوک و قابل تردید تبدیل کنند. حتّی بعضی خواستند این را به یک شکست ملی تبدیل کنند! خواستند کام شما را تلخ کنند و نگذارند بالاترین نصاب مشارکت جهانی را دنیا به نام شما ثبت کند. خواستند این کارها را بکنند؛ اما به نام شما ثبت شد. نمی‌شود آن را دستکاری کرد. رقابت‌ها تمام شد. همه کسانی که به این چهار نامزد رأی دادند، مأجورند؛ ان‌شاءالله اجر الهی دارند. همه‌شان درون جبهه انقلابند، متعلق به نظامند؛ اگر با قصد قربت رأی داده باشند، عبادت هم کرده‌اند. خط انقلاب، چهل میلیون رأی دارد؛ نه بیست و چهار و نیم میلیون که رأی به رئیس‌جمهور منتخب است. چهل میلیون به خط انقلاب رأی دادند.

مردم اطمینان دارند؛ اما برخی از طرفداران نامزدها هم اطمینان داشته باشند که جمهوری اسلامی اهل خیانت در آرای مردم نیست. ساز و کارهای قانونی انتخابات در کشور ما اجازه تقلب نمی‌دهد. این را هر کسی که دست‌اندرکار مسائل انتخابات هست و از مسائل انتخابات

آگاه است، تصدیق می‌کند؛ آن هم در حد یازده میلیون تفاوت! یک وقت اختلافِ بین دو رأی، صد هزار است، پانصد هزار است، یک میلیون است، حالا ممکن است آدم بگوید یک جوری تقلب کردند، جابه جا کردند؛ اما یازده میلیون را چه جور می‌شود تقلب کرد! در عین حال بنده این را گفتم، شورای محترم نگهبان هم همین را قبول دارند که اگر کسانی شبهه دارند و مستنداتی ارائه می‌دهند، باید حتماً رسیدگی بشود؛ البته از مجاری قانونی؛ رسیدگی فقط از مجاری قانونی. بنده زیر بار بدعت‌های غیرقانونی نخواهم رفت. امروز اگر چهارچوب‌های قانونی شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتی دیگر مصونیت نخواهد داشت. بالاخره در هر انتخاباتی بعضی برنده‌اند، بعضی برنده نیستند؛ هیچ انتخاباتی دیگر مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت و مصونیت پیدا نخواهد کرد. بنابراین همه چیز دنبال بشود، انجام بگیرد، کارهای درست، بر طبق قانون. اگر واقعاً شبهه‌ای هست، از راه‌های قانونی پیگیری بشود.

قانون در این زمینه کامل است و هیچ اشکالی در قانون نیست. همان‌طور که حق دادند که نامزدها نظارت کنند، حق دادند که شکایت کنند، حق دادند که بررسی بشود. بنده از شورای محترم نگهبان خواستم که اگر مواردی خواستند صندوق‌ها را بازشماری بکنند، با حضور نمایندگان خود نامزدها این کار را بکنند. خودشان باشند، آنجا بشمرند، ثبت کنند، امضا کنند. بنابراین، هیچ مشکلی در این جهت وجود ندارد. این راجع به انتخابات و خطاب به شما مردم عزیز.

اما خطاب دوم من، خطاب به سیاسیون و نامزدها و گردانندگان احزاب و جریانات است. من می‌خواهم عرض کنم به این حضرات، که امروز یک لحظه حساس تاریخی برای کشور است؛ نگاه کنید به وضع دنیا، نگاه کنید به وضع خاورمیانه، نگاه کنید به وضع اقتصادی عالم، نگاه کنید به مسائل کشورهای همسایه ما مثل عراق، مثل افغانستان، مثل پاکستان. ما در نقطه حساسی از تاریخ قرار گرفته‌ایم. همه ما وظیفه داریم که در این مرحله تاریخی هوشیار باشیم، دقیق باشیم، مواظب باشیم اشتباه نکنیم.

در این قضیه انتخابات، مردم حقاً و انصافاً به وظیفه خودشان عمل کردند. وظیفه‌شان این بود که بیایند پای صندوق‌های رأی، که به بهترین وجهی این وظیفه ادا شد؛ اما ما و شما وظایف سنگین‌تری داریم. آن کسانی که به یک نحوی یک نوع مرجعیتی در افکار مردم دارند؛ از این سیاسیون و روسای احزاب و کارگردانان جریانات سیاسی، و یک عده‌ای از اینها حرف‌شنوی دارند، اینها خیلی باید مراقب رفتار خودشان باشند؛ خیلی باید مراقب گفتار خودشان باشند.

اگر آنها کمی افراطی‌گری کنند، دامنه این افراطی‌گری در بدنه مردم به جاهای بسیار

حساس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود آنها دیگر نمی‌توانند آن را جمع کنند که ما نمونه‌هایش را دیده‌ایم. افراط وقتی در جامعه به وجود آمد، هر حرکت افراطی به افراطی گری دیگران دامن می‌زند. اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسوول خون‌ها و خشونت‌ها و هرج و مرج‌ها، آنهایند. من به همه این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه می‌کنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعه صدر داشته باشید؛ دست‌های دشمن را ببینید؛ گرگ‌های گرسنه کمین‌کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره‌هایشان برمی‌دارند و چهره حقیقی خودشان را نشان می‌دهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید.

امروز ـ حالا عرض خواهم کرد ـ دیپلمات‌های برجسته چند کشور غربی که تا حالا با تعارفات دیپلماتیک با ما حرف می‌زدند، نقاب از چهره برداشتند؛ چهره واقعی خودشان را دارند نشان می‌دهند؛ «قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر».(۵) دشمنی‌های خودشان با نظام اسلامی را دارند نشان می‌دهند؛ از همه هم خبیث‌تر دولت انگلیس. من به این برادران عرض می‌کنم، به مسوولیت پیش خدای متعال فکر کنید: پیش خدا مسوولید، از شما سوال خواهد شد. آخرین وصایای امام را به یاد بیاورید؛ قانون، فصل‌الخطاب است؛ قانون را فصل‌الخطاب بدانید. انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همه اختلاف‌ها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوق‌های رأی معلوم بشود که مردم چی می‌خواهند، چی نمی‌خواهند؛ نه در کف خیابان‌ها. اگر قرار باشد بعد از هر انتخاباتی آنهایی که رأی نیاوردند، اردوکشی خیابانی بکنند، طرفدارانشان را بکشند به خیابان؛ بعد آنهایی که رأی آورده‌اند هم، در جواب آنها، اردوکشی کنند، بکشند به خیابان، پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ تقصیر مردم چیست؟ این مردمی که خیابان، محل کسب و کار آنهاست، محل رفت و آمد آنهاست، محل زندگی آنهاست، اینها چه گناهی کردند؟ که ما می‌خواهیم طرفدارهای خودمان را به رخ آنها بکشیم؛ آن طرف یک جور، این طرف یک جور. برای نفوذیِ تروریست ـ آن کسی که می‌خواهد ضربه تروریستی بزند ـ مساله او مساله سیاسی نیست؛ برای او چه چیزی بهتر از پنهان شدن در میان این مردم؛ مردمی که می‌خواهند راهپیمایی کنند یا تجمع کنند. اگر این تجمعات پوششی برای او درست کند، آن وقت مسوولیتش با کیست؟ الان همین چند نفری که در این قضایا کشته شدند؛ از مردم عادی، از بسیج، جواب اینها را کی بناست بدهد؟ واکنش‌هایی که به اینها نشان داده خواهد شد ـ تو خیابان از شلوغی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو نیروی انتظامی را ترور کنند ـ که بالاخره واکنشی به وجود خواهد آورد،

واکنش احساسی خواهد بود. محاسبه این واکنش‌ها با کیست؟ انسان دلش خون می‌شود از بعضی از این قضایا؛ بروند توی کوی دانشگاه، جوان‌ها را، دانشجوها را ـ آن هم دانشجوهای مومن و حزب‌اللهی را، نه آن شلوغ‌کن‌ها را ـ مورد تهاجم قرار بدهند، آن وقت شعار رهبری هم بدهند! دل انسان خون می‌شود از این حوادث. زورآزمایی خیابانی بعد از انتخابات کار درستی نیست، بلکه به چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردمسالاری است.من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آن وقت مسوولیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده آنهاست.این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست می‌کنند و مسوولین نظام را مجبور می‌کنند، وادار می‌کنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اولاً تن دادن به مطالبات غیر قانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه[در]محاسبه است؛ این محاسبه غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت.من از همه این دوستان، این برادران، می‌خواهم بنا را بر برادری بگذارید، بنا را بر تفاهم بگذارید، قانون را رعایت کنید. راه قانون باز است. راه محبت و صفا باز است، از این راه بروید و امیدوارم خدای متعال توفیق بدهد که همه از این راه بروند. خب، همه پیشرفت کشور را می‌خواهند. جشن پیروزی چهل میلیونی را این برادران گرامی بدارند و نگذارند دشمن این جشن را خراب کند؛ همچنانی که دشمن می‌خواهد خراب کند. البته اگر کسانی بخواهند راه دیگری را انتخاب بکنند، آن وقت بنده دوباره خواهم آمد و با مردم صریح‌تر از این صحبت خواهم کرد.

و اما خطاب سوم، خطاب به سران استکبار و سران رسانه‌های استکباری است. بنده در این دو سه هفته، رفتار و گفتار دولتمردان آمریکا و دولتمردان چند کشور اروپایی را دنبال کردم؛ در این هفته‌های نزدیک به انتخابات و آن روز انتخابات و شب بعد از انتخابات، بعد هم این دو سه روزِ بعد از انتخابات. یک وضع متغیر و متفاوتی داشت. اول، قبل از شروع انتخابات جهتگیری رسانه‌هایشان، دولتمردانشان، این بود که در اصلِ انتخابات ایجاد تردید کنند، شاید شرکت مردم کم بشود. البته همین نتایجی که از این انتخابات حاصل شد، همین نتایج را آنها هم ـ هم اروپایی‌ها، هم آمریکایی‌ها ـ حدس می‌زدند؛ اما این حرکت عظیم مردم را انتظار نداشتند؛ این کارِ هشتاد درصدی؛ چهل میلیونی را باور نمی‌کردند. بعد از آنکه این حضور عظیم دیده شد، اینها شوکه شدند؛ فهمیدند چه اتفاق بزرگی در ایران افتاد؛ فهمیدند که باید خودشان را با این

شرایط جدید وفق بدهند؛ هم در امور بین‌الملل، هم در امور خاورمیانه و جهان اسلام، هم در مساله هسته‌ای. در مسائل ایران شوکه شدند؛ فهمیدند که سرفصل جدیدی در مسائل مربوط به جمهوری اسلامی پیدا شد، که مجبورند این را بپذیرند. این مال هنگامی بود که این حرکت عظیم مردم دیده شد و از اینجا مرتب به وسیله ایادی خودشان مخابره شد و همه‌شان اظهار تعجب کردند؛ از همان صبح جمعه این اظهارات شروع شد، آنجا هم برخی از بازخوردهای این اظهارات دیده شد.

وقتی اعتراض بعضی از نامزدها را دیدند، ناگهان احساس کردند فرصتی برایشان پیش آمد. این فرصت را مغتنم شمردند تا بتوانند موج‌سواری کنند. لحنشان از روز شنبه و یکشنبه عوض شد و وقتی یواش یواش چشمشان افتاد به بعضی از اجتماعات مردمی که به دعوت نامزدها مثلاً در خیابان پیدا شدند، امیدوار شدند، یواش یواش نقاب‌هایشان کنار رفت و حقیقت خودشان را بنا کردند نشان دادن. چند تا از وزرای خارجه و روسای دولت‌های چند تا کشور اروپایی و آمریکا حرف‌هایی زدند که باطن آنها را به انسان نشان می‌داد. از قول رئیس جمهور آمریکا نقل شد که گفته ما منتظر چنین روزی بودیم که مردم به خیابان‌ها بریزند. از آن طرف نامه بنویسند، اظهار علاقه به روابط کنند، ابراز احترام به جمهوری اسلامی بکنند، از این طرف این حرف‌ها را بزنند. کدام را ما باور کنیم؟در داخل کشور هم عوامل این عناصر خارجی به کار افتادند و خط تخریب خیابانی شروع شد؛ خط تخریب، خط آتش‌سوزی، اموال عمومی را آتش بزنند، حریم کسب و کار مردم را ناامن کنند، شیشه‌های دکان مردم را بشکنند، اموال بعضی از مغازه‌ها را به غارت ببرند، امنیت مردم را از جانشان و مالشان سلب کنند؛ امنیت مردم مورد تطاول اینها قرار گرفت. این ربطی به مردم و طرفداران نامزدها ندارد، این مال بدخواهان است، مال مزدوران است، مال دست‌نشاندگان سرویس‌های جاسوسی غربی و صهیونیست است.

این کاری که در داخل، ناشیانه از بعضی سر زد، اینها را به طمع انداخت، خیال کردند ایران هم گرجستان است (!) یک سرمایه‌دار صهیونیست آمریکایی چند سال قبل از این، طبق ادعای خودش که در رسانه‌ها و در بعضی از مطبوعات نقل شد، گفت من ده میلیون دلار خرج کردم، در گرجستان انقلاب مخملی راه انداختم؛ حکومتی را بردم، حکومتی را آوردم. احمق‌ها خیال کردند جمهوری اسلامی، ایران و این ملت عظیم هم مثل آنجاست. ایران را با کجا مقایسه می‌کنید؟! مشکل دشمنان ما این است که هنوز هم ملت ایران را نشناختند.

آن چیزی که در این بین از همه بدتر و زشت‌تر به چشم من آمد، این حرف‌هایی بود که به عنوان دلسوزی از حقوق بشر و سختگیری به مردم، از زبان این دولتمردان آمریکایی صادر

شد که: ما از این‌که با مردم چنین رفتار بشود، مخالفیم؛ ما نگرانیم! شما نگران مردمید؟! شما چیزی به نام حقوق انسان را اصلاً قبول دارید؟! افغانستان را کی به خاک و خون کشید و هنوز هم دارد می‌کشد؟ عراق را کی زیر چکمه نظامیان خودش تحقیر کرد؟ در فلسطین چه کسی به دولت صهیونیست ظالم این همه کمک سیاسی و مادی کرد؟ در خود آمریکا ـ انسان واقعاً تعجب می‌کند ـ در زمان دولت همین حزب دموکرات، در زمان ریاست جمهوری شوهر همین بانویی که حالا اظهار نظر می‌کند، هشتاد و چند نفر از وابستگان فرقه داوودی را زنده زنده در آتش سوزاندند. این که دیگر جای انکار نیست. همین حضرات، همین دموکرات‌ها این کار را کردند. فرقه داوودی‌ها به قول خودشان دیویدی‌ها به دلیلی مورد غضب دولت آمریکا قرار گرفتند و به منزلی رفتند و در آنجا متحصن شدند. هر چه کردند، بیرون نیامدند. اینها خانه را آتش زدند و هشتاد تا مرد، زن، بچه تو این خانه، زنده زنده سوختند. شما حقوق بشر می‌فهمید یعنی چه؟! به نظر من این مسوولان و سیاستمداران اروپایی و آمریکایی قدری بایستی شرم و حیا را هم برای خودشان وظیفه بدانند. جمهوری اسلامی، پرچمدار حقوق انسان است. دفاع ما از مردم مظلوم در فلسطین، در لبنان، در عراق، در افغانستان، در هر نقطه‌ای که مردم مظلوم واقع شدند، نشانه همین است. نشانه این است که پرچم حقوق بشر به وسیله اعتقاد به اسلام، ایمان به اسلام در این کشور برافراشته شده است. ما احتیاج نداریم که برای حقوق بشر کسی ما را نصیحت کند. خب، این عرایض ما بود درباره انتخابات.

یک خطاب آخری هم عرض کنم به مولامان و صاحبمان، حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه): ای سید ما! ای مولای ما! ما آنچه باید بکنیم، انجام می‌دهیم؛ آنچه باید هم گفت، هم گفتیم و خواهیم گفت. من جان ناقابلی دارم، جسم ناقصی دارم، اندک آبرویی هم دارم که این را هم خود شما به ما دادید؛ همه اینها را من کف دست گرفتم، در راه این انقلاب و در راه اسلام فدا خواهم کرد؛ اینها هم نثار شما باشد. سید ما، مولای ما، دعا کن برای ما؛ صاحب ما تویی؛ صاحب این کشور تویی؛ صاحب این انقلاب تویی؛ پشتیبان ما شما هستید؛ ما این راه را ادامه خواهیم داد؛ با قدرت هم ادامه خواهیم داد؛ در این راه ما را با دعای خود، با حمایت خود، با توجه خود، پشتیبانی بفرما.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم اذا جاء نصرالله والفتح. و رأیت النّاس یدخلون فی دین الله افواجا. فسبح بحمد ربک و استغفره انه کان توابا.

و السلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته

۱۴ـ نامه کروبی به شورای نگهبان برای ابطال انتخابات(۲۹خرداد۱۳۸۸)

بسم الله الرحمن الرحیم .اعضای محترم شورای نگهبان قانون اساسی!سلام علیکم.شما فقها و حقوقدانان گرامی در جایگاهی قرار گرفته اید که برآمده از مجاهدت ملت شریف ایران و ابتکار رهبر فقید انقلاب و اجتهاد علما و روشنفکران منتخب مردم در مجلس خبرگان قانون اساسی است. نمایندگان ملت در این مجلس به شرحی که در مشروح مذاکرات آن آمده است ـو برخی از ایشان در قید حیات و از مراجع تقلید هستند ـاز این حیث نظارت بر انتخابات را به شورای نگهبان واگذار کردند که نگران تکرار تجربه دخالت دربار و ساواک در انتخابات در رژیم گذشته بودند و گمان می کردند با امکان تکرار تجربه دیکتاتوری در نهاد ریاست جمهوری باید نظارت بر انتخابات به جمعی از فقها و حقوقدانان مستقل و بی‌طرف واگذار شود تا به نام دموکراسی، دیکتاتوری به وجود نیاید.در سی سال گذشته هرگز اهمیت این نکته کلیدی در تدوین و تفسیر قانون اساسی تا این حد مورد توجه قرار نگرفته بود که امروز مورد توجه قرار گرفته است چراکه اکنون زمان انتخاب شورای نگهبان است. متاسفانه به هر دلیل انتخاباتی برگزار شده است که در اثر کم دقتی‌ها و سوءاستفاده‌ها و با وجود فیلترهای متعدد، اکثریت قاطعی از ملت ایران نسبت به نتیجه اعلام شده برای انتخابات معترض هستند و برای بطلان این انتخابات ده‌ها دلیل دارند که برخی از این ادله از حد سند و مدرک (که توسط نامزدهای سه گانه به شورای نگهبان ارائه شده) گذشته و به حد شیاع رسیده است.

سوءاستفاده برگزارکنندگان انتخابات از موقعیت خود در دولت، دخل و تصرف در رای صندوق‌ها و وعده و وعیدهای غیرقانونی و شبه‌قانونی، اتهام پراکنی و پرده دری تنها پرده‌هایی از این اتهامات هستند که تفصیل آنها در شکایت اینجانب به شورای نگهبان آمده است. اگر شورای نگهبان به سیاق گذشته خود عمل کند که به بهانه یک شام و میهمانی و یا دادن چند قلم جنس از سوی یک نامزد راهیابی به مجلس در یک حوزه انتخابیه کوچک یا دخالت یک فرماندار، انتخابات را باطل اعلام می‌کرد اکنون با این وعده‌های بزرگ و سوءاستفاده‌های بزرگ‌تر و توزیع پول از سوی مقامات بزرگ‌تر، اگر شورای نگهبان کاری کمتر از ابطال کند در حقیقت مرتکب اشتباه بزرگی شده است.قصد من تحت فشار قرار دادن شورای نگهبان نیست. من به قانون عمل می‌کنم و باوجود برخی باورها درباره عدم بی‌طرفی نهادهای داوری کننده انتخابات هنوز امیدوارم شورای نگهبان به وظیفه قانونی خود عمل کند و این انتخابات را باطل اعلام کند.

اعضای محترم شورای نگهبان،این نه خواست یک فرد که خواست یک ملت است. کسانی

که در روزهای گذشته در اجتماعات میلیونی در خیابان‌های تهران و برخی شهرستان‌ها حضور یافتند و با کمال نجابت و صداقت با سکوت فریاد خود را به گوش شما می‌رسانند نه خس و خاشاک که همان امت همیشه در صحنه هستند. چگونه است که تا روز قبل از انتخابات به این جمعیت افتخار می‌شد و از اجتماع ملت به شور انتخاباتی یاد می‌شد و اکنون یا به الفاظ زشت از آنان یاد می‌شود یا به عوامل بیگانه نسبت داده می‌شوند؟ حتما به یاد دارید که محمدرضا پهلوی هم قیام مردم تبریز را در آستانه انقلاب اسلامی به توطئه بیگانگان نسبت می‌داد و می گفت اینان از خارج وارد ایران شده‌اند.

حتما به خاطر دارید که محمدرضا پهلوی مخالفانش یعنی ما و شما را ارتجاع سرخ و سیاه می‌نامید و بی.بی.سی را عامل انقلاب اسلامی ایران می‌خواند. من به عنوان فردی که از سال ۱۳٤۱ به عنوان یکی از یاران امام خمینی برای جمهوریت و اسلامیت و آزادی در راه انقلاب اسلامی زندان رفته ام و شکنجه شده‌ام، هشدار می‌دهم که توهین به ملت آتش خشم آنان را شعله ور می کند. آنان که این روزها در خیابان‌های تهران تجمع می کنند اتفاقا عصاره ملتند و هیچ نیازی به نیروی خارجی ندارند و از اموال عمومی مانند اتوبوس‌های دولتی و تبلیغات تلویزیونی هم برای تجمع بی بهره اند و هیچ حزب و گروهی هم توان گردآوری این همه جمعیت را ندارد. این مردم نه خواستار تغییر نظام هستند و نه اجازه هر نوع آشوبی را می‌دهند.

من خود در میان جمعیت شاهد بودم، چگونه نظم خودجوش این ملت اجازه سر دادن هیچ شعاری را نمی‌داد و با خشونت طلبان مرزبندی داشت. اینان تنها یک خواسته دارند و آن ابطال انتخابات ریاست جمهوری ۲۲ خرداد ۸۸ و برگزاری یک انتخابات سالم و آزاد بدون سوءاستفاده از امکانات دولتی است. این انتخابات زیر نظر همین نهادهای فعلی برگزار خواهد شد و در آن هیچ چیزی جز یک رئیس‌جمهور تعیین نخواهد شد و معنای آن نیز هیچ چیزی جز تمکین نظام به رای ملت نخواهد بود.

اعضای محترم شورای نگهبان،شما مهم‌ترین ظرفیت قانونی در اصلاح این وضع هستید که می‌توانید با کمترین هزینه، خواست ملت را برآورده سازید. مبادا با ناامیدی ملت از شورای نگهبان، آن نگرانی تاریخی امام خمینی محقق شود که فرموده بود: مبادا روزی ملت علیه شورای نگهبان به خیابان‌ها بریزند.

اعضای محترم شورای نگهبان، متاسفانه تخلفات این دولت در برگزاری انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ در این روز نه تنها تمام نشد بلکه پس از آن با وجود جو التهاب و اعتراض در جامعه بر روی آتش خشم ملت نفت ریختند. مردم را خس و خاشاک خواندند، با چماق و قمه به

اجتماعات مسالمت آمیز و آرام آنان حمله کردند، با مهندسی آشوب‌ها آنها را به نام ملت نوشتند، به کوی دانشگاه حمله کردند، به شکل لباس شخصی‌ها وارد خانه‌های مردم شدند، اعتراض ملت به دولت را اعتراض به نظام خواندند و در پناه سانسور رسانه‌ها و محدودیت سایت‌ها و قطع موبایل‌ها و پیامک‌ها و ایجاد جو رعب و وحشت به بازداشت گسترده نخبگان و روشنفکران پرداختند تا جایی که فردی که نیازمند مراقبت‌های مستمر پزشکی است و جانش در خطر است را بازداشت کردند یا پیرمرد هفتاد و چندساله‌ای را از بیمارستان به زندان بردند یا فرزند شهدا و جانبازان را بازداشت کردند و در میدان آزادی هم افرادی را کشتند و هم با گرفتن زیر تابوت این شهدا از آن برای خاموشی ملت استفاده کردند و این همه در حق ملتی است که در تجمعات هفته گذشته خود با تکبیر و صلوات و سکوت اعتراض خود را اعلام کرده‌اند. اگر شما بخواهید به عدالت رفتار کنید، همین رفتارهای هفته گذشته دولت خود در ابطال انتخابات مهم‌ترین سند است. دولتی که برپایه انتخابات مشروع به قدرت برسد، به این جو رعب و وحشت چه نیازی دارد؟

اعضای محترم شورای نگهبان

با رای عادلانه درباره انتخابات و ابطال آن و برگزاری انتخابات مجدد، اراده ملت را بپذیرید و بقای نظام را تضمین کنید که این به عدالت نزدیک‌تر است.

مهدی کروبی

۱۵ـ بیانیه پنجم موسوی در اصرار بر ابطال انتخابات (۳۰ خرداد ۱۳۸۸)

بسم الله الرحمن الرحیم.ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل. مردم شریف و هوشمند ایران! این روزها و شب‌ها نقطه عطفی در تاریخ ملت ما در حال شکل گرفتن است. مردم از یکدیگر و درمیان جمعشان از اینجانب سوال می‌کنند که چه باید کرد و به چه سو باید رفت. بر عهده خویشتن می‌بینم که آنچه را باور دارم با شما در میان بگذارم، با شما بگویم و از شما بیاموزم، باشد که رسالت تاریخی‌مان را از یاد نبریم و شانه از بار مسوولیتی که سرنوشت نسل‌ها و عصرها بر دوش ما گذاشته است، خالی نکنیم.

سی سال پیش از این در کشور ما انقلابی به نام اسلام به پیروزی رسید؛ انقلابی برای آزادی، انقلابی برای احیای کرامت انسان‌ها، انقلابی برای راستی و درستی. در این مدت و به خصوص در زمان حیات امام روشن ضمیر ما سرمایه‌های عظیمی از جان و مال و آبرو در پای تحکیم این بنای مبارک گذارده شد و دستاوردهای ارزشمندی حاصل آمد. نورانیتی که تا پیش از آن تجربه نکرده بودیم، جامعه ما را فراگرفت و مردم ما به حیاتی نو رسیدند که به‌رغم سخت‌ترین شداید برایشان شیرین بود. آنچه مردم به دست آورده بودند، کرامت و آزادی و طلیعه‌هایی از حیات طیبه بود. اطمینان دارم کسانی که آن روزها را دیده‌اند، به چیزی کمتر از آن راضی نمی‌شوند.

آیا ما مردم شایستگی‌هایی را از دست داده بودیم که دیگر آن فضای روح انگیز را تجربه نمی‌کردیم؟ من آمده بودم بگویم چنین نیست؛ هنوز دیر نیست و هنوز راهمان تا آن فضای نورانی دور نیست. آمده بودم تا نشان دهم می‌توان معنوی زندگی کرد و در عین حال در امروز زیست. آمده بودم تا هشدارهای اماممان را درباره تحجر بازگو کنم. آمده بودم تا بگویم گریز از قانون به استبداد می‌انجامد؛ تا به یاد آورم که اعتنا به کرامت انسان‌ها پایه‌های نظام را تضعیف نمی‌کند، بلکه استحکام می‌بخشد. آمده بودم تا بگویم مردم از خدمتگزارانشان راستی و درستی می‌خواهند و بسیاری از گرفتاری‌های ما از دروغ برخاسته است. آمده بودم تا بگویم عقب‌ماندگی، فقر، فساد و بی‌عدالتی سرنوشت ما نیست. آمده بودم تا بار دیگر به انقلاب اسلامی آن گونه که بود و جمهوری اسلامی آن گونه که باید باشد، دعوت کنم.من در این دعوت بلیغ نبودم، ولی پیام اصیل انقلاب حتی از بیان نارسای من آنچنان دلنشین بود که نسل جوان را، نسلی که آن روزگاران را ندیده بود و میان خود و این میراث بزرگ احساس فاصله می‌کرد، به هیجان آورد و صحنه‌هایی را که تنها در ایام نهضت و دفاع مقدس دیده بودیم بازسازی کرد. حرکت خودجوش مردم رنگ سبز را به عنوان نماد خویش برگزید. اینجانب اعتراف می‌کنم که در این امر پیرو آنان بودم و نسلی که به دوری از مبانی دینی متهم می‌شد در شعارهای خود به تکبیر

رسید و به «نصر من الله و فتح قریب» و «یاحسین» و نام خمینی تکیه کرد تا ثابت کند این شجره طیبه هرگاه که به بار می‌نشیند میوه‌هایش شبیه به هم است. این شعارها را کسی جز آموزگار فطرت به آنان نیاموخته بود. چقدر بی‌انصافند کسانی که منافع کوچکشان آنها را وا می‌دارد تا این معجزه انقلاب اسلامی را ساخته و پرداخته بیگانگان و «انقلاب مخملین» بنامند.اما آنچنان که می‌دانید، همگی ما در راه این تجدید حیات ملی و تحقق آرمان‌هایی که در دل و جان پیر و جوان ما ریشه دارند با دروغ و تقلب روبه‌رو شدیم و آن چیزی که از عواقب قانون‌گریزی پیش‌بینی کرده بودیم، به صریح‌ترین شکل ممکن و در نزدیک‌ترین زمان تحقق یافت.

استقبال عظیم از انتخابات اخیر در درجه نخست، مرهون تلاش‌هایی بود که برای ایجاد امید و اعتماد در مردم صورت گرفت تا برای بحران‌های مدیریتی موجود و نارضایتی‌های گسترده‌اجتماعی، که انباشتشان می‌تواند کیان انقلاب و نظام را نشانه برود، پاسخی شایسته فراهم شود. اگر این حسن‌ظن و اعتماد مردم از طریق صیانت از آرای آنها پاسخ داده نشود و یا آنها نتوانند برای دفاع از حقوقشان به نحوی مدنی و آرام واکنش نشان دهند، مسیرهای خطرناکی در پیش خواهد بود که مسوولیت قرار گرفتن در آنها بر عهده کسانی است که رفتارهای مسالمت‌آمیز را تحمل نمی‌کنند.

اگر حجم عظیم تقلب و جابه‌جایی آرا که آتش به خرمن اعتماد مردم زده است، خود دلیل و شاهد فقدان تقلب معرفی شود، جمهوریت نظام به مسلخ کشیده خواهد شد و عملا ایده ناسازگاری اسلام و جمهوریت به اثبات می‌رسد. این سرنوشت دو گروه را خوشحال خواهد کرد؛ یک دسته آنان که از ابتدای انقلاب در مقابل امام صف‌آرایی کردند و حکومت اسلامی را همان استبداد صالحان دانستند و به گمان باطل خود می‌خواهند مردم را به زور به بهشت ببرند و دسته دیگر که با ادعای دفاع از حقوق مردم اساسا دیانت و اسلام را مانع تحقق جمهوریت می‌دانند. هنر شگرف امام باطل کردن سحر این دوگانه‌انگاری‌ها بود. من آمده بودم تا با تکیه بر راه امام، تلاش ساحرانی را که دوباره جان گرفته‌اند خنثی کنم.

اکنون مقامات کشور با صحه گذاشتن بر آنچه در انتخابات گذشت مسوولیت آن را پذیرفته‌اند و برای نتایج هرگونه تحقیق و رسیدگی بعدی حد تعیین کرده‌اند، به صورتی که این رسیدگی‌ها موجب ابطال انتخابات نشود و نتایج آن را تغییر ندهد، حتی اگر در بیش از ۱۷۰ حوزه انتخاباتی تعداد آرای به صندوق ریخته شده بیشتر از تعداد واجدین شرایط باشد. از ما خواسته می‌شود که در این شرایط، شکایت خود را از طریق شورای نگهبان پیگیری کنیم، حال آن که این شورا در عملکرد خود چه قبل، چه حین و چه بعد از انتخابات، عدم بی‌طرفی

خود را به اثبات رسانده است و نخستین اصل در هر داوری رعایت بی‌طرفی است.

اینجانب همچنان قویا اعتقاد دارم درخواست ابطال انتخابات و تجدید آن حقی مسلم است که باید به صورتی بی‌طرفانه از طریق یک هیات مورد اعتماد ملی مورد بررسی قرار گیرد، نه آن که پیشاپیش امکان ثمربخش بودن آن منتفی اعلام شود، یا با طرح احتمال خونریزی، مردم از هرگونه راهپیمایی و تظاهرات بازداشته شوند، یا شورای امنیت کشور به جای پاسخگویی به سوالات مشروع در خصوص نقش لباس‌شخصی‌ها در حمله به افراد و اموال عمومی و ایجاد التهاب در حرکت‌های مردمی به فرافکنی بپردازد و مسوولیت فجایع به وجود آمده را بر عهده دیگران بگذارد.اینجانب چون به صحنه می‌نگرم، آن را پرداخته شده برای اهدافی فراتر از تحمیل یک دولت ناخواسته به ملت، که تحمیل نوع جدیدی از زندگی سیاسی بر کشور می‌بینم. من به عنوان یک همراه که زیبایی‌های موج سبز حضور شما را دیده است هرگز به خود اجازه نخواهم داد بر اثر عمل من جان کسی درمعرض خطر قرار گیرد. در عین حال بر اعتقاد راسخ خویش مبنی بر باطل بودن انتخاباتی که گذشت و استیفای حقوق مردم پای می‌فشارم و علی‌رغم توانایی‌های اندکی که در اختیار دارم براین باورم که انگیزه و خلاقیت شما مردم همچنان می‌تواند حقوق مشروعتان را در چهره‌های مدنی جدید مورد پیگیری قرار دهد و محقق کند. مطمئن باشید که اینجانب همواره در کنار شما خواهم ماند. آنچه این برادر شما در یافتن این راه‌حل‌های جدید، خصوصا به جوانان عزیز توصیه می‌کند این است که نگذارید دروغگویان و متقلبان پرچم دفاع از نظام اسلامی را از شما بربایند و نا اهلان و نامحرمان، میراث گرانقدر انقلاب اسلامی را که اندوخته از خون پدران راستگویتان است از شما مصادره کنند. با توکل به خداوند و امید به آینده و تکیه بر توانمندی‌هایتان حرکات اجتماعی خود را پس از این نیز براساس آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و اصل امتناع از خشونت پیگیری کنید. ما در این راه با بسیجی روبه‌رو نیستیم؛ بسیجی برادر ماست. ما در این راه با سپاهی روبه‌رو نیستیم؛ سپاهی حافظ انقلاب و نظام ماست. ما با ارتش روبه‌رو نیستیم؛ ارتش حافظ مرزهای ماست. ما با نظام مقدس خود و ساختارهای قانونی آن روبه‌رو نیستیم. این ساختار حافظ استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ماست. ما با کجروی‌ها و دروغگویی‌ها روبه‌رو هستیم و در پی اصلاح آنیم؛ اصلاحی با برگشت به اصول ناب انقلاب اسلامی. ما به دست اندرکاران توصیه می‌کنیم برای برقراری آرامش در خیابان‌ها مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی امکان تجمع‌های مسالمت آمیز را نه تنها فراهم کنند، بلکه چنین گردهمایی‌هایی را تشویق کنند و صدا و سیما را از قید بدگویی‌ها و یک طرفه عمل کردن‌ها رها سازند. بگذارند صداها قبل از آن که به فریاد تبدیل شود، به

صورت استدلال و مجادله احسن در این رسانه جاری، تصحیح و تعدیل گردد. بگذارند جراید نقد کنند، خبرها را آنچنان که هست بنویسند و در یک کلام فضایی آزاد برای مردم جهت ابراز موافقت‌ها و مخالفت‌های خود آماده سازند. بگذاریم آنهایی که علاقه دارند، تکبیر بگویند و آن را مخالفت با خود تلقی نکنیم. کاملا مشخص است که در این صورت احتیاجی به حضور نیروهای نظامی و انتظامی در خیابان‌ها نخواهد بود و با صحنه‌هایی که دیدن آنها و شنیدن خبر آنها دل هر علاقه‌مند به انقلاب و کشور را به درد می‌آورد، روبه‌رو نخواهیم بود.

برادر و همراه شما، میرحسین موسوی

۱۶ـ مهم‌ترین دلایل موسوی برای ابطال انتخابات، نامه به شورای نگهبان(۶تیر ۱۳۸۸)

بسمه تعالی. شورای محترم نگهبان! سلام علیکم. بازگشت به نامه شماره ۸۸/۳۱/۳۳۵۱۲ مورخ ۱۳۸۸/٤/۵ معاون اجرایی و امور انتخابات آن شورا، همان‌گونه که در دو نامه قبلی اعلام گردید، گستره تخلفات و تقلبات انجام شده در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و موارد نقض قوانین از سوی دولت و وزارت کشور که بخشی از آن در نامه مورخ ۸۸/۳/۲۸ رئیس سازمان بازرسی کل کشور مستند و وارد تشخیص داده شده، به حدی است که منحصر کردن رسیدگی به شکایات مربوط به تخلفات انتخاباتی به بازشماری ده درصد صندوق‌های رأی نمی‌تواند به جلب اعتماد و اطمینان مردم کمک کند و افکار عمومی را در خصوص نتایج اعلام شده اقناع نماید.

بر اساس آنچه قبلاً به آگاهی آن شورا رسید، حجم تخلفات و اقدامات مغایر قانون در چهار بخش(الف. فعالیت‌ها، تبلیغات انتخاباتی و اقدامات تا پیش از روز رأی‌گیری. ب. عملیات اخذ رأی و شمارش آرا. ج. جمع بندی و اعلام نتایج آرا. د. اقدامات پس از رأی گیری و اعلام نتایج آرا) به گونه‌ای است که چاره‌ای جز ابطال انتخابات و برگزاری مجدد آن باقی نگذاشته است. به عنوان نمونه به برخی از اهم عناوین تخلفات و اقدامات مغایر قانون اشاره می‌شود که از مصادیق تأثیر در نتیجه کلی انتخابات موضوع تبصره ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری است و ابطال این انتخابات را اجتناب ناپذیر می‌سازد.(تفصیل هر یک از این عناوین به پیوست ارسال می‌شود).

نقض صریح، گسترده و جسورانه ماده ٦٨ قانون انتخابات و استفاده وسیع از امکانات دولتی و منابع عمومی و مداخله آشکار تعدادی از اعضای دولت، مدیران ارشد و استانداران و مدیران اجرایی به نفع نامزد حاکم.

عدم رعایت بی طرفی از جانب صدا و سیما و ایراد اتهامات اثبات نشده که بخشی از آنها از سوی دادستان کل کشور عمل مجرمانه تلقی شده است و نیز تبلیغ گسترده و جانبدارانه رسانه‌های متعلق به دولت (ایرنا، روزنامه‌های دولتی و سایت‌های خبری) به نفع نامزد حاکم.

وقوع گسترده جرایم موضوع ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری در زمینه‌های زیر که مخالف نص صریح بندهای ماده مذکورند:

خرید رأی از طریق توزیع سود سهام عدالت و پرداخت‌های نقدی به خانواده‌های تحت پوشش نهادهای حمایتی و روستاییان و عشایر و نظایر آن.

تهدید و تطمیع در امر انتخابات از طریق افراد وابسته به دولت و پرداخت وجوه نقد به اعضای شوراهای اسلامی و افراد ذی نفوذ و ...

عدم اطمینان از خالی بودن صندوق‌ها قبل از لاک و مهر و نیز گم شدن یا خارج شدن تعرفه‌ها و صندوق‌ها از شعب اخذ رأی با توجه به عدم حضور ناظران و گزارش‌های واصله.

عدم اخذ رأی از بخش قابل توجهی از واجدین شرایط با محدود کردن زمان اخذ رأی و تخلفات متعدد در روز رأی گیری از قبیل مدیریت تعرفه‌ها و ایجاد کمبود تعرفه در شعب اخذ رأی.

تقلب در رأی گیری که علی‌رغم چاپ بیش از ۱۲ میلیون تعرفه اضافی و نیز چاپ حدود ۵/۲ میلیون (و به قولی بیشتر) تعرفه جدید بدون شماره سریال با مجوز یکی از اعضای شورای نگهبان در روز قبل از رأی‌گیری، کمبود تعرفه در حوزه‌های اخذ رأی را شاهد بودیم و بدون تردید با کنترل ته برگ‌های تعرفه‌ها با بانک اطلاعات ثبت احوال حجم عظیم آن قابل اثبات است و نیز تخلفات شمارش و تجمیع آرا.

توصیه به رأی دادن به نامزد مشخص توسط اعضای شعبه و ناظران و اساساً شکل گیری بخش قابل توجهی از شعب اخذ رأی و ناظران شورای نگهبان از میان هواداران نامزد حاکم.

ایجاد رعب و وحشت برای رأی دهندگان و هواداران آنها در یک هفته منتهی به روز اخذ رأی و حمله به ستادها و هواداران در تجمعات قانونی تبلیغاتی در مناطق مختلف کشور.

ایجاد محدودیت‌های متعدد برای نمایندگان ناظر ستادهای نامزدها برای حضور در جلسات هیأت‌های اجرایی، مراکز شمارش و تجمیع آرا و بخش قابل توجهی از شعب اخذ رأی.

قطع سرویس پیام کوتاه در روز رأی گیری به عنوان ابزار پیش‌بینی شده برای نظارت بر شعب اخذ رأی و انعکاس تخلفات از سوی ناظرین ستادهای اینجانب جهت پیگیری قانونی و قطع تلفن‌های همراه و ثابت کمیته صیانت از آرا در زمان تجمیع و اعلام نتایج.

طراحی ساز و کاری غیر قابل نظارت و مغایر قانون برای تجمیع آرای شمارش شده و اعلام نتایج آرا به صورت مهندسی شده (آن هم در حالی که قبل از شروع اعلام نتایج از سوی ستاد انتخابات وزارت کشور، نتایج انتخابات در سایت‌های وابسته به دولت، سپاه و روزنامه کیهان درج شده بود).

مداخله گسترده و غیرقانونی بخش‌هایی از نیروهای مسلح قبل و حین انتخابات که خلاف نص صریح نظر حضرت امام (ره) می‌باشد.

وجود بیش از ۱۷۰ حوزه اخذ رأی با میزان آرای مأخوذه بین ۹۵ تا ۱٤۰ درصد.

حمله به ستادهای انتخاباتی در شهرستان‌ها و تهران و پلمب ستاد مرکزی اینجانب و دستگیری رئیس و اعضای فعال آن که موجب اخلال در گردآوری کامل اسناد و مدارک تخلفات انتخاباتی گردید.

که همه موارد فوق دال بر وجود تخلفات برنامه‌ریزی شده و سازمان یافته جدی در امر برگزاری انتخابات است. از آنجا که بنابر اعلام شورای نگهبان، بخشی از تخلفات صورت گرفته در انتخابات دهم ریاست جمهوری بیرون از دایره صلاحیت بررسی آن شوراست و نیز بخش‌هایی از اعتراضات قانونی علاوه بر شخص وزیر کشور و عوامل و مجریان آن وزارتخانه متوجه نحوه عملکرد تعدادی از اعضای خود شورای نگهبان و تخطی آنها از ضوابط قانونی و نقض بی‌طرفی است، رسیدن به یک داوری منصفانه در این مورد اساساً نمی‌تواند در حیطه شورای نگهبان و به طریق اولی در حیطه هیأتی باشد که منتخب این شوراست، گذشته از این‌که برخی از افراد این هیأت در این انتخابات موضع بی‌طرف نداشته‌اند و نسبت به نتایج آن پیش از بررسی، اعلام موضع کرده‌اند که این مسأله به رفع ابهامات و اقناع افکار عمومی کمک نمی‌کند. لذا اینجانب ضمن تأکید مجدد بر ابطال انتخابات به عنوان مناسب‌ترین راه برون رفت از معضل ایجاد شده و بازسازی اعتماد عمومی و صرفاً برای این‌که راهی نیز جهت رسیدگی از طریق یک هیأت حکمیت ملی گشوده بماند و اعتراض قانونی مردم در مرجعی مورد رسیدگی قرار گیرد که بتواند مورد اجماع ملی و وفاق عمومی بوده و رأی آن مورد قبول عموم رأی دهندگان و مایه اطمینان خاطر مردم باشد، پیشنهاد می‌کنم که موضوع به حکمیتی شرعی و قانونی و مستقل که مورد اتفاق نامزدها و حمایت آن دسته از حضرات آیات و مراجع عظام تقلید که حل و فصل موضوع را پیگیری نموده‌اند، باشد ارجاع داده شود.

میرحسین موسوی

۱۷ـ نامه مهدی کروبی به شورای نگهبان در رد بازشماری آرا (۶تیر ۱۳۸۸)

بسمه تعالی.شورای محترم نگهبان!با سلام. در ارتباط با این انتخابات برای آخرین بار سخنی مشفقانه و دوستانه با شما می گویم و امیدوارم خارج از حب و بغض‌ها و در جهت منافع ملی و حاکمیت نظام، توجه لازم را به آن مبذول فرمایید.

همان‌طور که در نامه قبلی خود به شما متذکر شدم، تنها راه اعاده اعتماد از دست رفته مردم نسبت به حق آنان در تعیین سرنوشت‌شان، ابطال انتخاباتی است که به اذعان آمارهای ارائه شده تنها در بیش از ۱۷۰ شهرستان مشارکتی بین ۹۵ تا ۱٤٥ درصد داشته و میزان تخلفات آن از مرز ... گذشته است. این امر می تواند به احیای اعتماد از دست رفته مردم نسبت به حق آنان در تعیین سرنوشت شان منتهی شود. متاسفم که بگویم، عملکرد شورای نگهبان در دو دهه گذشته جایگاه این نهاد حقوقی را به‌شدت نزد افکار عمومی تنزل داده است. پیش از ورود به بحث این انتخابات، لازم می‌دانم عملکرد شورای نگهبان در دو دهه گذشته را به امید تغییر نگرش این شورا مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی، به اجمال مورد نقد و بررسی قرار دهم.

همان‌طور که می دانید، بعد از رحلت بنیانگذار انقلاب، در انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی برای اولین بار شورای نگهبان در پرتو تفسیر نظارت استصوابی به حذف بیش از ٤۰ تن از نمایندگان مجلس با سوابق سه دوره، دو دوره و یک دوره نمایندگی اقدام کرد. نگرش حذفی، چهره‌هایی از جمله نایب رئیس مجلس شورای اسلامی را در بر گرفت و متاسفانه تعامل و تلاش اینجانب در آن مقطع ره به جایی نبرد. در آخرین روز مجلس سوم، ششم خرداد ماه سال ۱۳۷۱ سخنانی ایراد نمودم و این نگرش مخرب را مورد نقد قرار دادم. در آن روز با تاسی از تاریخ کهن این سرزمین به نقل حکایتی مربوط به نگارش مظفر با (ز) رئی توسط حاکم قلدری که هر آنچه اراده می کرد باید بلافاصله اجرا می‌شد، پرداختم. در آن روز گفتم این حاکم قلدر نامه‌ای نگاشت و مظفر را با (ز) رئی نوشت. به ایشان گفتند، قبله عالم مظفر را با(ظ) دسته دار می‌نویسند و این از ادبیات ماست. حاکم گفت، بگویید از این پس مظفر را با (ز) رئی بنویسند. بعد از نقل این حکایت، گفتم حال که نصایح و استدلال‌های ما را نمی‌پذیرید و وقعی به آن نمی گذارید، ما می‌رویم و در آینده نزدیک نتیجه مظفر با (ز) رئی را می‌بینیم.

چهار سال بعد در انتخابات مجلس پنجم با شکل گیری جریان کارگزاران سازندگی، شرایط به گونه‌ای رقم خورد که شکست جریان راست در مرحله اول به طور جدی مطرح شد. لذا تهاجم همه جانبه و هجمه سنگین به این گروه از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی وارد شد به نحوی که در آستانه مرحله دوم افراد شناخته شده‌ای که مشتاقانه به آن لیست پیوسته بودند

خواستار خروج از لیست مذکور شدند. علی‌رغم آن همه تخریب و هجمه و ابطال انتخابات در شهرهایی نظیر اصفهان، شاهد شکل‌گیری اقلیت قدرتمندی در مجلس بودیم و یک سال بعد در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ همگان نتیجه نگارش مظفر با (ز) رئی را دیدند.

ضمن احترام به شخصیت جناب آقای سید محمد خاتمی و جایگاه علمی، فرهنگی و سیاسی ایشان باید اذعان کرد که استقبال کم نظیر مردم به وی نه به لحاظ خصوصیات فردی ایشان بود و نه به خاطر کار گروهی ما، بلکه نه بزرگ به کسانی بود که حاضر نبودند اراده ملت را در تعیین سرنوشت شان به رسمیت بشناسند و خواهان تحمیل رای خود بر ملت بزرگ ایران بودند. حرکت مردم در دوم خرداد بیش از جنبه ایجابی، جنبه سلبی داشت و آقای خاتمی را با رای بی سابقه از کتابخانه ملی بر کرسی ریاست جمهوری نشاند.

به نظر می‌رسید دوستان با درس گرفتن از حماسه دوم خرداد به اصلاح نگرش خود بپردازند و در جهت نهادینه شدن دموکراسی در کشور قدم بردارند اما به دنبال پیروزی اصلاح طلبان در مجلس ششم و اظهار نظر نمایندگان ملت که اکثر آنها در راستای ایفای وظایف نمایندگی‌شان ایراد شده بود و تنها در موارد معدودی برخی از نمایندگان به طرح مباحثی پرداختند که نباید وارد آن می‌شدند، شاهد رد صلاحیت تعداد زیادی از نمایندگان ملت و حذف فله‌ای بسیاری از ثبت‌نام کنندگان نمایندگی مجلس شورای اسلامی در دوره هفتم مجلس شدیم. این امر موجب قهر زیادی از مردم از روند انتخابات و تحریم انتخابات از سوی اکثریت اصلاح طلبان شد. اینجانب به همراه اندکی از دوستان با درک شرایط و تنها برای حفظ نظام و انقلاب در صحنه ماندیم و قبل از رای گیری با صراحت گفتم که ما می‌مانیم و در انتخابات قربانی می‌شویم.

در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری در حالی که رئیس‌جمهور وقت، وزرا و مقامات دولتی از یک‌سو به دنبال کاندیدای مورد نظر خود بودند و شورای نگهبان و بخشی از نیروهای نظامی و شبه نظامی از سوی دیگر برای کاندیدای دیگر بی‌تابی می‌کردند به عرصه انتخابات وارد شدم. با وجود آنکه نظرسازی‌ها شرایط دیگری را پیش بینی می‌کردند در ۱۲ استان کشور پیشتاز شدم، ولی به دنبال خواب معروف یک‌ساعته اینجانب بعد از نماز صبح سرنوشت انتخابات با معجزه سخنگوی وقت شورای نگهبان آقای الهام به ناگاه تغییر کرد و در حالی که سایت رسمی وزارت کشور از پیشتازی من خبر می‌داد با اختلاف چند صد هزار رای، کاندیدای مورد نظر آن شورا به جای اینجانب به مرحله دوم راه یافت و جالب آنکه آن انتخابات بلافاصله از سوی آن شورا تایید گردید.

در دوره هشتم مجلس شورای اسلامی غم‌انگیزترین انتخابات مجلس رقم خورد. در این انتخابات رد صلاحیت با عدم احراز صلاحیت و با حذف گسترده و محرومیت تعداد بی‌شماری از ثبت‌نام کنندگان همراه شد. نکته حائز اهمیت این‌که تعداد قابل توجهی از افرادی که در انتخابات دوره هفتم تائید صلاحیت شده بودند در انتخابات دوره هشتم رد صلاحیت شدند، به‌طوری که می‌توان ادعا کرد که در آن انتخابات محرومیت بی‌سابقه‌ای در حق انتخاب شوندگان و انتخاب‌کنندگان در طول عمر قانونگذاری در ایران صورت پذیرفت.

نگرش حذفی آن شورا و برنامه‌های نسنجیده رئیس‌جمهور در خلال چهار سال در کنار عوامل دیگر از جمله برنامه‌های ایجابی کاندیدا ها، موجب حضور حماسه‌ای ایرانیان در انتخابات دهم ریاست جمهوری شد، به طوری که بعد از رفراندوم جمهوری اسلامی، بالاترین میزان مشارکت را در این انتخابات شاهد بودیم. آیا به راستی این حماسه حضور برای اعلام حمایت از آقای احمدی‌نژاد و حامیان وی بوده است؟ آیا به صحنه آمدن ۲۵ درصد از آرای خاموش از ذوق حضور ایشان و در جهت تایید برنامه‌های ایشان بوده یا برای تغییر؟ ما پیش از این انتخابات بر این باور بودیم که حضور پر شور مردم می‌تواند تخلفات احتمالی گروه‌های خودسر را تحت شعاع قرار دهد، غافل از این واقعیت که این انتخابات به نوعی مهندسی شده که حضور مردم تنها به منزله شرکت در نمایشی از پیش طراحی شده است. کسانی که با صراحت اندیشه امام مبنی بر میزان رای ملت است را در سال‌های گذشته به چالش کشیده‌اند و رای مردم را تنها زینت بخش حکومت تفسیر کردند، انتخاباتی رقم زدند که بر اساس آن برای هر کاندیدا سهمیه‌ای از این رای تعیین شده بود. از این رو منظور کردن ۲۴ میلیون از آرای ملت قبل از شمارش توسط سایت‌های نزدیک به دولت و روزنامه‌های دولتی پیش بینی و صبح شنبه در روزنامه دولتی تیتر زده شد. نتایج مضحک اعلام شده آنچنان شوکی به جامعه وارد ساخت که اعتماد آنان نسبت به نظام به طور جدی زیر سوال رفت. حضور مسالمت آمیز میلیونی مردم که به طور خود جوش اتفاق افتاد، نتیجه بی‌تدبیری و رو شدن دست متقلبان و متخلفان برای ملت بود. این حرکت ملی که اقشار مختلف جامعه را در بر گرفت فراتر از توان هر گروه، حزب و یا دسته‌ای بود. اینجانب فرصت را غنیمت شمرده و تشکر خود را از ملت بزرگ ایران برای حضور بی‌نظیر شان در این انتخابات و تداوم حضور بعد از آن ابراز می‌کنم. همچنین تشکر خالصانه خود را از تمامی حامیانم از جمله دراویش، برادران و خواهران اهل سنت، زاگرس‌نشینان و به‌ویژه دانشجویان و روشنفکران اعلام و تاکید می‌کنم، سهمیه اندک ارائه شده به من و شما و برنامه‌های اعلام شده مانع از پیگیری مطالبات مطرح شده نخواهد بود.

انتظار اینجانب از شورای محترم نگهبان این است که برای حفظ جایگاه رفیع قانونی خود در قانون اساسی، انتخاباتی را که تخلفات و تقلب در آن بر همگان مشهود است ، باطل اعلام نماید. اگر این شورا با اتکا به نظر رهبری، مبنی بر عدم بطلان که آن را بدعت و به مصلحت نظام نمی‌داند قصد به تایید انتخابات دارد، حداقل به لحاظ حقوقی و حسب وظیفه شرعی و قانونی این انتظار می‌رود که مانند انتخابات مجلس سوم عمل نمایید. حتما به خاطر دارید که به دنبال اختلاف پیرامون انتخابات مجلس سوم میان شورای نگهبان و وزارت کشور، حضرت امام نماینده‌ای جهت بررسی موضوع تعیین کردند. هنگامی که نظر ایشان بر صحت انتخابات قرار گرفت، شورای نگهبان در نامه خود با استناد به نظر امام و واگذار کردن بار مسوولیت بر دوش امام انتخابات را تایید کرد. این بار شما نیز با استناد به نظر رهبری و واگذاری بار مسوولیت آن به رهبری به حسب مصلحت انتخابات را تایید کنید و نگذارید جایگاه شورای نگهبان نزد افکار عمومی بیش از این تنزل پیدا کند.

اما چرا تاکنون به شورای نگهبان نیامده ام. جایگاه شورای نگهبان مطابق اصول مندرج در قانون اساسی مشخص است. متاسفانه تعدادی از اعضای آن شورا از طرفداران و یا اعضای متعصب این دولت هستند. یکی از فقهای آن شورا پیش از انتخابات می‌فرمایند نظر رهبری آقای احمدی‌نژاد است و عبور از ایشان صلاح نیست و یا فقیه دیگری در سفرها و تریبون نماز جمعه، حمایت بی‌دریغ خود را از ایشان اعلام می‌کند و حتی نامه‌نگاری‌های آقای احمدی‌نژاد با برخی از سران دنیا که بدون پاسخ مانده را با نامه امام مقایسه کرده و در مدح آن، خواستار درج آن در کتب درسی می‌شود و یا حقوقدانی از آن شورا که اتفاقاً در انتخابات قبلی ریاست جمهوری نقش کلیدی داشته سمت‌های متعددی در این دولت از جمله وزیر دادگستری و سخنگوی دولت دارد و همچنین حقوقدان دیگری عضو رسمی دولت است. آیا با این ترکیب می‌توان به بی طرفی این شورا در جهت انجام وظایف قانونی‌اش امیدوار بود؟

اینجانب با توجه به شرایط موجود کشور و حساسیت مردم از شما می‌خواهم به نگارش مجدد مظفر با (ز) رئی اقدام نکنید زیرا در دوم خرداد ۱۳۷۶ و بیست و دوم خرداد ۱۳۸۸ حضور بی نظیر مردم حاوی پیام مهمی بود که عدم توجه به متن پیام بیست و دوم خرداد و تلاش در جهت تغییر آن ممکن است عواقب جبران ناپذیر و نگران کننده‌ای برای نظام به دنبال داشته باشد. نمی‌توان حضور میلیون‌ها معترض را که صورت مدنی و مسالمت آمیز اعتراض خود را بیان داشتند نادیده گرفت و یا با به کارگیری تعابیر ناپسندی از قبیل خس و خاشاک، اراذل و اوباش، شورشیان، اغتشاشگران و آشوبگران ملتی را در مقابل نظام قرار داد. حتما واقفید

به‌کارگیری این عبارات بهانه‌ای به‌دست گروه‌های خودسر و لباس شخصی‌های بی‌مسوولیت داده تا با توسل به زشت‌ترین الفاظ و وحشیانه‌ترین رفتار که قلم از بیان آن عاجز است به مقابله با مردم در جهت سرکوبی آنان بپردازند. بدیهی است در برابر هر حرکت مبارک و میمونی افرادی ماجراجو از خود تحرکاتی نشان می‌دهند که البته این تحرکات از سوی خود مردم کنترل می‌شود و شاهد آن بودیم که مردم اجازه سوءاستفاده به آنها نمی‌دادند. بنابراین باید تخریب‌ها و تعرض به اموال عمومی در فضایی سالم مورد بررسی قرار گیرد تا روشن شود چه کسانی این نحو کارها را انجام دادند.

فراموش نکنیم که امام در نامه عارفانه خود می‌فرماید جان من فدای تک‌تک ملت ایران. بارها و بارها از کرامت و شان انسانی سخن گفتیم و با استناد به آیه کریمه و لقد کرمنا بنی آدم از شان انسانی صرف نظر از باورهای آنان در پرتو تعالیم اسلامی قلم فرسایی کردیم،اما در قبال یک طرح مساله و اعتراض مدنی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده به جای حل مساله به پاک کردن آن روی آورده شده است. این نامه اتمام حجت من با شماست و تنها برای حفظ جمهوری اسلامی که در آن جمهوریت،اسلامیت و ایرانیت مورد توجه قرار گیرد، تهیه و تقدیم شده است.

والسلام

مهدی کروبی

۱۸ـ مشروح سخنان وزیر اطلاعات در گفت‌وگوی ویژه خبری (۷تیر ۱۳۸۸)

جزئیات دیدار و سخنان وزیر اطلاعات با میرحسین موسوی

محسنی اژه‌ای در بخشی از سخنان خود در گفت‌وگوی ویژه خبری تلویزیون به جزئیات دیدار خود با میرحسین موسوی در منزل وی اشاره کرد و جزئیاتی از سخنان خود در این دیدار و پاسخ‌های موسوی را تشریح کرد.

حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای وزیر اطلاعات یکشنبه در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری از شبکه دوم سیما به تشریح نقش این وزارتخانه در برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری پرداخت.وی اظهار کرد: قبل از برگزاری انتخابات به فاصله دو تا سه هفته از برگزاری انتخابات از بنده به صورت مکرر در خصوص مسائل متعدد سوال می‌شد و با توجه به اشرافی که در وزارت اطلاعات در برخی زمینه‌ها در خصوص مسائل متعدد داشتیم، باور داشتیم مردم عزیز ما خواسته رهبر معظم انقلاب را به نحو احسن لبیک می‌گویند و با شور و نشاط در پای صندوق‌های رای حاضر می‌شوند و در کمال آرامش رای خود را به صندوق می‌اندازند و همین طور هم شد. وزیر اطلاعات با اشاره به نقش این وزارتخانه در برقراری امنیت برگزاری این انتخابات، افزود: کشوری بزرگ و اسلامی نظیر جمهوری اسلامی ایران در طول این سی سال بالاخره با مستکبرین و استکبار جهانی و با شیطان بزرگ پنجه نرم کرده است، همیشه باید هوشیار و مراقب باشیم تا خدای ناکرده در شرایط خاص و به‌خصوص بعد از انتخابات مشکلی برای کشور و مردم ما به وجود نیاورد و به همین دلیل تمام توان خود را به کار برده‌ایم که اگر دشمن برنامه‌ای در این زمینه دارد، آن را بفهمیم و خنثی کنیم و با آنها مقابله کنیم و بحمدالله همین‌طور هم شد.

*** گروه انجمن پادشاهی به دنبال بمب‌گذاری در حسینیه‌ها بود**

اژه‌ای ادامه داد: چندین برنامه مشخص از سوی دشمنان در این حوزه وجود داشت و آنها می‌خواستند مجموعه‌ای از برنامه ضد امنیتی را به وجود بیاورند تا انتخابات را تحت تاثیر قرار داده و زمینه‌های مختل شدن کشور را فراهم کنند که مواردی نظیر انفجار، ترور و تخریب‌های سازمان یافته – که می‌توانست احیانا یک مقدار مردم را در انگیزه و نشاط‌شان دچار خدشه کند– از آن جمله بود؛ لذا وزارت اطلاعات در مرحله اول روی این قسمت‌ها متمرکز شد و با سرنخ‌هایی که از خطوط تخریب داشتیم، یکی از گروه‌هایی که شناسایی کردیم گروه انجمن پادشاهی بود که از جمله گروه‌هایی به شمار می‌رفت که در حسینیه شیراز، بخشی از مردم عزیز و عزادار را به خاک و خون کشیدند و بخشی از برنامه‌های آنها در ادامه همان فعالیت‌ها بود.

*** قرار بود اولین بمب در حسینیه چیذر منفجر شود**

وی تصریح کرد: مشخصا این گروه‌ها از ناحیه صهیونیست‌ها حمایت و پشتیبانی می‌شوند و بخش وسیعی از نیازهایشان از جمله کمک‌های تجهیزاتی و امکانات ساخت بمب را از آنها تهیه می‌کنند و اینها بحمدالله شناسایی شده و اولین مورد آن را قرار بود در امامزاده چیذر منفجر کنند و باز هم در نظر داشتند که این انفجارات را تا روز انتخابات ادامه دهند و در جاهایی نوعا نظیر حسینیه ارشاد که می‌دانند شلوغ می‌شود، بمب‌گذاری کرده و منفجر کنند که بحمدالله طی اقدامی این موارد جمع شد.

وزیر اطلاعات افزود: آنها اقدام دیگری هم داشتند که در قالب عملیاتی با حمایت آمریکایی‌ها و پشتیبانی اطلاعاتی آنها به وسیله عواملی، در شرق کشور تحرکاتی انجام دهند که آن هم بحمدالله با همکاری سایر نهادها و همکاری قرارگاه خاصی که در منطقه وجود داشت خنثی شد.

محسنی اژه‌ای با اشاره به تخریباتی که در آستانه انتخابات صورت می‌گیرد، اظهار کرد: یک تخریب تقریبا در همه دوره‌ها در رقابت‌های انتخاباتی صورت می‌گرفت و این همیشه وجود داشته و غالبا توصیه می‌شود نامزدها و هواداران وابسته به آنها – که در دو سو قرار دارند و به صورت سازمان یافته و هدفمند در پی استفاده از فرصت‌ها هستند– و بعضی از آنها که از طریق سایت‌ها و وبلاگ‌ها و اس ام اس‌ها در پی برخی رفتارها بوده‌اند، به برخی از آنها تذکر می‌دهیم، برخی را دعوت کردیم و برخی را به سیستم قضایی فراخواندیم و برخی از آنها که ترسیدند و متنبه شدند و دست برداشتند و برخی دیگر که دست برنداشتند ناچار شدیم آنها را دستگیر کنیم و در مجموع با هماهنگی که با سایر دستگاه‌ها همچون نیروی انتظامی وجود داشته است تمهیداتی اندیشیده شده که بحمدالله تا قبل از انتخابات و روز انتخابات ما مسائل ضد امنیتی به معنای خاص نظیر ترور، انفجار و خدای نکرده روز انتخابات اخلال در پای صندوق یا در یک شعبه یا حوزه‌ای مطلقا نداشتیم.

وی افزود: فقط در یکی دو حوزه کوچک ، آن هم درگیری‌های مختصری بود و در تمام بیش از ٤٥ هزار صندوقی که در سراسر کشور کار اخذ آرای مردم را به عهده داشتند بحمدالله مورد خاصی وجود نداشت و مردم در کمال آرامش از صبح اول وقت تا پس از تمدیدها مشکل خاصی نداشتند.

وزیر اطلاعات تصریح کرد: بخش وسیعی از امنیت کشور به واسطه هوشیاری و آگاهی مردم است و بسیاری از مردم وقتی اطلاعاتی از موضوع خاص کسب کردند آن را بلافاصله

به وزارت اطلاعات منتقل کردند و به نظر ما مردم به خوبی مسائل را شناسایی می‌کنند یعنی اگر هر یک از انجمن پادشاهی - که من عرض کردم - و آن تیم‌های استکباری و اقداماتی که خنثی شد اگر یک فضایی به دست بیاید که بشود آن را باز کرد، یک بخش مهم شناسایی آنها همکاری مردم بوده است و امیدوارم این همکاری‌ها ادامه پیدا کند.

*** ده‌ها انفجار نظیر انفجار مسجد علی‌ابن ابی‌طالب خنثی شد**

وی در پاسخ به این سوال که آیا غیر از انجمن پادشاهی، گروه‌های دیگری نیز به دنبال این اقدامات بودند یا نه، اظهار کرد: جریانی در شرق کشور وجود داشت که تیم‌هایی از خارج وارد کشور کرد و یک مقداری از امکانات و تجهیزات برای ساختن بمب نیز در اختیار آنها بود و البته نمی‌خواستند تنها در آنجا عملیات کنند و به قول خودشان می‌خواستند تا عمق کشور نفوذ کرده و عملیات‌هایی انجام دهند؛ این جریان با تلاش عوامل انتظامی و امنیتی و کمک مردم و سایر دستگاه‌ها بحمدالله شناسایی و آنها دستگیر شدند و همان طور که یادتان نیز هست، آن اقدامی که در مسجد علی‌ابن ابیطالب انجام دادند و متاسفانه جمعی از مردم عزیز و نمازگزاران به خاک و خون کشیده شدند، فقط یک موردی بود که آنها تصمیم داشتند و شاید بیش از ده‌ها مورد از این قبیل مسائل را می‌خواستند به‌وجود بیاورند که خنثی شد.

*** افرادی به اسم ستاد کروبی قصد بمب‌گذاری در سخنرانی موسوی را داشتند**

محسنی اژه‌ای به اقدام دیگری از برخی گروه‌های معاند اشاره کرد و گفت: در مورد دیگری در یکی از استان‌های آذری که البته آن مساله خیلی ارتباط با خارج نداشت ـ گرچه مقدمات آن از سوی برخی جریان‌های خارجی هدایت می‌شد ـ دو کار را می‌خواستند انجام دهند، یکی اقدام تخریبی با بمب‌گذاری و از طریق نزدیک کردن خودشان به برخی ستادهای انتخاباتی و خصوصا یک ستاد و حتی در آن ستاد فعالیت می‌کردند و بعد می‌خواستند در جریان سفر تبلیغاتی آقای میرحسین موسوی دو هدف را به صورت همزمان پیگیری کنند. یعنی انفجارهایی را در داخل و خارج از برنامه و محلی که آقای میرحسین موسوی می‌خواست در آنجا سخنرانی کند انجام دهند که به اصطلاح وضعیت را ناامن کرده و دیگر این‌که این انفجارها را به گردن حکومت، نظام و یا احیانا نامزد دیگری بیندازند در حالی که این جریان نه آقای میرحسین موسوی را قبول داشت و نه آقای کروبی را ولی خودشان را به ستاد آقای کروبی نزدیک کرده و در ستاد آقای کروبی فعالیت می‌کردند و می‌خواستند برنامه آقای میرحسین موسوی را بر هم بزنند.

وزیر اطلاعات افزود: به غیر از این سه مورد، مواردی مرتبط با انفجار نداشتیم اما مواردی

بود که عمدتا صهیونیست‌ها و غرب همیشه دنبال این هدف‌ها بوده و هستند که در نظر داشتند ترور انجام دهند که تا الان در هر موردی که وارد می‌شوند بلافاصله وزارت اطلاعات با همکاری سایر دستگاه‌ها، آنها را شناسایی کرده و به لطف و فضل خدا خنثی کرده و ان‌شاءالله در آینده هم همین طور خواهد بود.

اژه‌ای در پاسخ به این سوال که آیا این‌گونه تحرکات از جای واحدی دستور می‌گرفت، اظهار کرد: در پشت این قضایا لااقل دو کشور غربی وجود دارند که در راس آنها آمریکا -متاسفانه حداقل در پشتیبانی و حمایت آن جریانی که از سمت شرق به آن اشاره کردم- فعالیت داشته و در مورد انجمن پادشاهی آن را صهیونیست‌ها به طور مشخص با استدلال و دلایل محکمی که می‌شود آن را ثابت کرد، حمایت می‌کردند.

وی با اشاره به عصبانیت دشمنان از ایران، افزود: دشمنان از این‌که ایران آرام است و امنیت دارد، ناراحت هستند و از این‌که می‌بینند با همه تلاش و تبلیغاتی که انجام می‌دهند، در هر انتخابات مردم پرشورتر از قبل حضور می‌یابند، ناراحت هستند و از این‌که احساس می‌کنند مردم ایران با حکومتشان آنقدر عجین هستند که هر اقدامی که می‌خواهند انجام دهند از سوی خود مردم بلافاصله شناسایی و معرفی و خنثی می‌شود، ناراحت هستند.

وزیر اطلاعات تصریح کرد: یکی از انگیزه‌های آنان از این همه فتنه و دسیسه این بود که مردم کمتر در انتخابات شرکت کنند و آنها از این حضور بی‌سابقه و پرشور که این بار رخ داد، سخت نگران شدند و البته چون ما جمعیت بسیار دیده‌ایم و چون انتخابات ما در همه دوره‌ها پرشور بوده برای خودمان این موضوعات عادی شده است ولی ۸۵ درصد مشارکت برای دشمنان که آن‌همه تبلیغات می‌کردند، شکست سنگینی به شمار می‌رود و از این‌که می‌بینند در حالی که همسایگان ما دارای مشکلات بسیاری هستند اما ایران در فضایی امن و آرام به پیش می‌رود و این مقدار امنیت در ایران وجود دارد، این خار چشم دشمنان است و آنها این موضوعات را دوست ندارند.

وی در پاسخ به سوالی درباره اعتراضات پس از انتخابات، گفت: برخی کاندیداها در سخنانشان مطرح کردند که در این دوره از انتخابات تقلب شده است و به اصطلاح این رایی که رئیس‌جمهور با بیش از ۲۴ میلیون آورده‌اند یک رای مخدوشی است. ما در وزارت اطلاعات یک ستادی به نام ستاد انتخابات داریم که در این دوره هم وجود داشت و در دوره‌های قبلی هم وجود داشته است که هر انتخاباتی که برگزار می‌شود این ستاد مدتی قبل از آن کار خودش را آغاز می‌کند و با توجه به شرح وظایفی که دارد، بر مبنای ساختار خود مسائل انتخابات را

دنبال می‌کند.

وی افزود: ممکن است این سوال به وجود بیاید که این مسائل چه ربطی به وزارت اطلاعات دارد، اما یکی از موارد این است که در مورد کسانی که نامزد می‌شوند، متناسب با نوع انتخابات از وزارت اطلاعات در مورد کاندیداها استعلام می‌شود و بر این اساس ما باید در این فاصله زمانی کوتاه این توانایی را داشته باشیم که بتوانیم جواب و پاسخ استعلامات مراجع ذی‌ربط را بدهیم تا آن ستاد بتواند در چارچوب قانون و بر مبنای ساختار تعریف‌شده‌ای این کار را انجام دهد.

*** ستاد ویژه وزارت اطلاعات برای انتخابات**

محسنی اژه‌ای با بیان این‌که بر اساس تجربه، معمولا همه جریان‌های سیاسی بدخواه و یا جریان‌های داخل اگر می‌خواهند نقشی را در مقطع خاصی ایفا کنند، آن مقطع انتخابات است، اظهار کرد: در آستانه انتخابات مقداری فضا بازتر می‌شود و چون مردم یک هیجانات انتخاباتی دارند، احتمال این‌که جریانات ضد انقلاب، بدخواهان، اپوزیسیون در داخل و خارج بخواهند یک استفاده‌ای از این فضا بکنند، وجود داشت. بنابراین وزارت اطلاعات در این مقطع متمرکز می‌شود و مجموعه فعالیت‌ها را در قالب ستاد ویژه‌ای پیگیری و مسائلی را که ممکن است اتفاق بیفتد، در مواردی پیشگیری و اگر یک جاهایی لازم باشد، با آن مقابله می‌کند.

وزیر اطلاعات به موضوع تخریب‌های سازمان یافته در انتخابات اشاره کرد و افزود: اگر ما بخواهیم در این حوزه نیز پیگیری مسائل را به هر معاونت و یا هر اداره کل و یا استانی واگذار کنیم، ممکن است نتوانند در قالب آن جریان‌های سازمان یافته، شناسایی [کنند] و اگر لازم به توجیه است، توجیه و اگر لازم به اقدامات سخت‌تری است، آنها را انجام دهند که در این مقطع، ستاد در وزارت اطلاعات تشکیل شد تا بتواند تخریب‌های سازمان یافته‌ای را که صورت می‌گیرد شناسایی و در خصوص عوامل اصلی آنها اقدامات لازم را داشته باشد.

وی اضافه کرد: ما به‌خصوص در انتخابات این دوره و یا مشابهات این، که احساس می‌کنیم یک مقدار شرایط حادتر و حساسیت‌ها بیشتر است و نیز چون مجموعه‌ای از تبلیغات و برنامه‌ها و فعالیت‌ها از مدت‌ها پیش از آغاز زمان رسمی تبلیغات انتخابات شروع شده بود، پیش‌بینی می‌کردیم که ممکن است احیانا مسائلی در خصوص صحت انتخابات مطرح شود که با این مسائل باز بتواند دشمن در آن موج وارد و بعد اهداف خودش را دنبال کند و لذا در هر دوره‌ای به‌خصوص در این دوره که حساسیت‌ها بیشتر بود، ستاد انتخابات وزارت اطلاعات یک فایل دقیق‌تری را برای صحت و سلامت انتخابات باز کرد [و با توجه به] آن بخش‌هایی که مربوط به مسائل امنیتی کشور می‌شد مجموعه فعالیت‌ها را آغاز کرد.

وزیر اطلاعات عنوان کرد: از اواخر سال گذشته و به فاصله بیش از ٦ تا ٧ ماه به انتخابات و از آن موقع برخی می گفتند که مراقب باشید تقلب صورت نگیرد و این در حالی بود که هنوز بیش از ٦ ماه تا انتخابات زمان باقی بود و به یاد دارم که رهبر معظم انقلاب در یکی از صحبت‌های خود در ابتدای سال جاری به این موضوع اشاره کردند و فرمودند هنوز مدت‌ها تا زمان برقراری انتخابات مانده، چطور برخی از تقلب سخن می گویند و اگر رفتار برخی رسانه‌های بیگانه را نیز از آن مقطع بررسی کنیم می‌بینیم که آنها نیز از همان مقطع این موضوع را مطرح می کردند و در داخل کشور نیز هر قدر جلوتر می‌آمدیم و به زمان برگزاری انتخابات نزدیک‌تر می‌شدیم ما توجهمان نسبت به این موضوعات بیشتر شد.

وی تصریح کرد: با توجه به تجربه‌ای که وزارت اطلاعات از دوره‌های قبل در این خصوص دارد، همه احتمالاتی را که ممکن بود از زمان تعرفه و چاپ تعرفه و محل چاپ آن، از تهیه صندوق (که البته صندوق‌هایی که اکنون داریم از زمان وزارت آقای پورمحمدی تهیه شد) و چگونگی استفاده از این صندوق‌ها، بردن صندوق‌ها به شعب اخذ رای، چگونگی باز کردن صندوق توسط هیأت‌های اجرایی و به‌خصوص اعضای صندوق‌ها که متشکل از نظار و نمایندگان کاندیداها و هیأت‌های اجرایی [است] و در همه مراحل این فرآیند را در قالب ذهن سازمانی مورد بررسی قرار دادیم و حتی زمانی که صندوق‌های ثابت و سیار به محل اخذ رای منتقل می‌شوند و یا صندوق سیاری می‌خواهد به جاهایی که قرار است رای مردم اخذ شود، منتقل شود و حتی در زمان اخذ رای و حتی شمارش آرا و تکمیل فرم‌ها و در تمام این مراحل ما پیش‌بینی‌های لازم را کردیم.

*** عوامل وزارت اطلاعات بر تمام مراحل انتخابات از نزدیک نظارت داشته‌اند**

اژه‌ای تصریح کرد: شاید جمله‌ای را که اکنون بیان می‌کنم، اندکی غیرمنتظره باشد ولی به لحاظ این‌که حرف‌هایی در این مدت مدام زده شد، باید بیان کنم که در تمام مراحل شامل رایانه، ستاد انتخابات کشور، هیأت‌های نظارت و در همه این موارد عواملی از وزارت اطلاعات از این قسمت‌ها مراقبت می‌کردند و بر همه این قسمت‌ها ناظر بودند. علاوه بر اینها، ما در پایان روز جمعه ٢٢ خرداد ماه و باز در اول صبح مترصد بودیم که از هر کجا، هر خبری را که می‌رسد و حتی اگر آن خبر، خبر موثق و قابل اعتنا نیز نباشد، بی‌اعتنا از کنار آن نگذریم و لذا در بعضی از موارد که حتی شاید در نگاه اول، معمولی نیز بود، پیگیری می‌کردیم و حتی برخی موضوعات را خود بنده به صورت مستقیم دنبال می‌کردم که آیا چنین چیزی وجود دارد یا خیر.

وزیر اطلاعات گفت: تقلبی که وزارت اطلاعات از آن سخن می گوید، تقلب سازمان‌یافته‌ای

است که موثر در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری باشد. البته در این که ممکن است احیانا در شمارش آرا دو یا سه و یا چند رای اشتباه شود، وزارت اطلاعات این را دنبال نمی‌کند و یا ممکن است در شعبه‌ای یکی رای داده باشد اما شناسنامه‌اش مهر نشده باشد و یا شناسنامه المثنی داشته باشد که با این شناسنامه نیز رای بدهد ولی تقلب موثر در نتیجه انتخابات مورد بررسی بوده و وزارت اطلاعات هر خبری که می‌رسید مورد بررسی قرار می‌داد و در مواردی خود بنده مشخصا موضوع را دنبال کردم.

*** وزارت اطلاعات همه گزارش‌ها را درباره تخلفات انتخاباتی پیگیری کرده است**

محسنی اژه‌ای در خصوص پیگیری برخی شایعات و گزارش‌های رسیده توسط شخص خود اظهار کرد: خبری به یکی از شخصیت‌های کشورمان رسیده بود که یک فرد دیگری آن را نقل کرده بود که پدر کارمندش که پیرمردی است، یک هفته قبل از انتخابات به جایی دعوت شده و به وی گفته شده بود که به احمدی‌نژاد رای بده و ۵۰ هزار تومان بگیر و پیرمرد نیز به آنجا رفته بود و انگشت خود را در استامپ زده بود و ۵۰ هزار تومان در قبال رای دادن به احمدی‌نژاد گرفته بود.

وی در این خصوص اضافه کرد: این خبر اگر کسی به خوبی به آن توجه کند، نکات بسیاری را متوجه می‌شود، این‌که از فردی یک هفته قبل از انتخابات در قالب تعرفه رای ، رای بگیرند و مبلغی را پرداخت کنند و این‌که کسی متوجه این موضوع نشود و یا این‌که چه تعداد رای می‌شود به این شیوه جمع‌آوری کرد و اساسا نفس این حرف را چند نفر از مردم ما باور می‌کنند و مگر چنین چیزی اساسا ممکن است و این رایی که به این سبک بگیرند چگونه می‌خواهند به صندوق بریزند؛ در حالی که این خبر کاملا خبر غیرمنطقی و نامعقولی بود اما بلافاصله من پس از این‌که این موضوع را شنیدم آن را بررسی و تعقیب کردم و گفتم که به سراغ فرد اولی بروند که نزد شخصیت کشوری ما این موضوع را مطرح کرده است.

وزیر اطلاعات ادامه داد: فردی که موضوع را مطرح کرده بود،بیان کرد که این حرف را این گونه بیان نکرده بلکه گفته است که پدر یکی از کارمندان ما چون انگشت دستش جوهری بوده علت آن را این موضوع گفته که برای ثبت‌نام انتخابات به جایی رفته بودم و برگه‌ای را پر کردم و قرار شد پنجاه هزار تومان بعدا پرداخت کنند اما هنوز این مبلغ را نداده‌اند.

محسنی اژه‌ای گفت: در همین مورد خبر تغییر کرد و در یک جلسه‌ای وقتی هر دوی آن شخصیت‌ها حضور داشتند و من موضوع را به آنها رو در رو کردم، اصل موضوع به کل تغییر یافت.

وی به خبر دیگری از سوی ستاد یکی از نامزدها که اکنون در شمار نامزدهای معترض قرار دارد، اشاره کرد و گفت: آنها شنیده بودند فردی بیان کرده که برگه‌هایی از تعرفه‌های آرا را دریافت کرده و آنها را به نام یکی از کاندیداها پر کرده و مقداری از آن را به صندوق ریخته و پس از آن دچار عذاب وجدان شده و موضوع را بیان کرده است و ما باز موضوع را مورد بررسی قرار دادیم که اصلا تعداد تعرفه‌هایی که در قالب این موضوع بوده، چقدر بوده و شیوه به صندوق ریختن آن به چه شکل بوده است و مگر می‌شود فردی دسته‌ای از آرا را به صندوق بریزد. بلافاصله موضوع را خودم و از طریق دعوت آنها پیگیری کردم و این گونه بود که آنها نیز به فرد دیگری ارجاع دادند که آن فرد قبلی نیز خودش تا پیش از این وزیر و استاندار بود و فرد دوم نیز بیان کرد که خودش این موضوع را نقل نکرده بلکه برایش نقل شده و تا این لحظه پیگیری‌های مکرر ما هنوز به جایی نرسیده است.

***ادعای وجود صندوق‌های دوجداره**

وزیر اطلاعات به موضوع دیدار خود با یکی از کاندیداها اشاره کرد و گفت: به واسطه آشنایی با این کاندیدا از وی خواستم که اگر مطلبی و یا خواسته‌ای دارند، در اختیار ما قرار دهند تا ما پیگیری کنیم و ایشان هیچ موردی را حداقل به من نگفتند و ایشان هیچ مورد کدداری را بیان نکرد و می‌گفت مگر می‌شود بالاخره یک میزان از رای را نداشته باشد اما من از وی خواستم که اگر موردی سراغ دارد آن را بیان کند و وی بیان کرد این موضوع را شنیده که با کمک دیگران صندوق‌هایی ساخته شده که دو جداره‌اند که یک طبقه‌ای زیر دارد و یک طبقه‌ای روی آن قرار دارد و در آن طبقه زیر قبلا اینها برگه رای‌ها را پر کردند و در آن طبقه زیرین قرار دادند و بعد مردم وقتی می‌آیند در آن طبقه بالا رای خود را می‌ریزند و وقتی در صندوق باز می‌شود طبقه بالا به زیر می‌رود و طبقه زیر به بالا می‌آید و لذا رای‌ها به این ترتیبی که اکنون وجود دارد، دیده می‌شود.

و من حقیقتا به این موضوع خندیدم و اصلا کسی که تا به حال در انتخابات شرکت نکرده باشد و اصلا خبری از انتخابات نداشته باشد و اصلا صندوق رای ندیده باشد، می‌شد یک مقداری این حرف را پذیرفت اما من از این کاندیدا سوال کردم که این موضوعی که شما بیان می‌کنید در مورد چند صندوق وجود داشته است که وی گفت در مورد چند صندوق این چنین بوده و من به وی گفتم که اگر در مورد چند صندوق این شرایط وجود داشته، باید در هر صندوق دست کم چهار تا پنج میلیون رای باشد که وی پس از این سوال گفت که همه صندوق‌ها این وضعیت را داشته و من به وی گفتم که شما فرض بگیرید همه این صندوق‌ها اینچنین باشد و

مثلا بیش از ٤٥ هزار صندوق چنین وضعیتی را داشته باشند اما طبقه پایین صندوق‌ها از کجا این رای‌ها را درون آن قرار دادند و این که آیا صندوق در دیگری دارد؟ و این طبقاتی که در صندوق‌ها بیان می‌کنید به چه گونه و فرمی بوده که دیده نمی‌شده اما حجم وسیعی از آرا به صورت صاف و اتوکشیده در کمترین حجم در آن قرار داده شده و وقتی در صندوق باز می‌شود آنها بالا بیاید و با دیگر آرا مخلوط شود؛ من از این کاندیدا خواستم که بگوید این موضوع را از چه کسی و از چه طریقی شنیده و اصلا این کار به چه شیوه‌ای ممکن است که ما آن را پیگیری کنیم که وی حاضر به این موضوع نشد. اصلا برخی مسائل با عقل جور درنمی‌آید.

وزیر اطلاعات گفت: گرچه این وزارتخانه وظیفه‌ای ذاتی برای صحت انتخابات و این که احیانا تقلبی می‌شده، نداشته اما به جهت این‌که این بار حساسیت وجود داشته و یا به واسطه این‌که از چندماه قبل از آن بحث تقلب را در خارج از کشور و در داخل مطرح می‌کردند و هر چقدر به زمان انتخابات نزدیک‌تر می‌شدیم این شائبه را تشدید می‌کردند، وزارت اطلاعات برای جلوگیری از عواقب پشت سر این مساله به دقت تمامی مراحل را پیگیری کرده و هر گونه گزارشی را که دریافت کرده پیگیری و همچنان نیز هر گزارش و خبری را مورد بررسی قرار می‌دهد و من می‌توانم قاطع عرض کنم تقلب سازمان یافته موثر در انتخابات به هیچ وجه صورت نگرفته است.

وی در پاسخ به این سوال که آیا وزارت اطلاعات یافته‌های خود را درباره انتخابات اخیر به وزارت کشور و شورای نگهبان گزارش کرده است، اظهار کرد: چون هنوز مساله را نبسته‌ایم، موضوع را به صورت مکتوب گزارش نداده‌ایم اما به صورت غیرمکتوب با اعضای شورای نگهبان و مسوولان وزارت کشور در این زمینه صحبت کردم و خودم در روز جمعه ۲۲ خرداد بعد از نمازجمعه از ستاد انتخابات کشور بازدید کردم.

اژه‌ای افزود: حوالی ساعت ۱۲/۳۰ روز جمعه در حال رفتن به محل نماز جمعه بودم که به من خبر دادند در برخی نقاط تعرفه کم آمده است؛ در آن روز ستاد انتخابات وزارت اطلاعات همه دوستان مشغول فعالیت بودند و با همه استان‌ها و به صورت آنلاین و غیرمستقیم با همه صندوق‌ها ارتباط داشتیم تا اگر مواردی پیش می‌آید از مرکز اقدامات لازم صورت گیرد. در مسیر نماز جمعه بودم که از طریق سیستم خودمان خبر کمبود تعرفه را شنیدم و گفتم که سریع موضوع را از طریق مراجع ذی‌ربط پیگیری کنند. معمولا در انتخابات قبل این [گونه] بود که مردم قبل از ظهر کمتر پای صندوق‌های رای بودند و بعد از ظهر به صندوق‌ها هجوم می‌بردند ولی از ویژگی‌های انتخابات اخیر این بود که مردم از همان اول صبح تا آخر وقت مرتب در

شعب اخذ رای حضور می‌یافتند.

اژه‌ای تصریح کرد: پس از نماز جمعه، به دلیل آنکه صبح جلسه داشتم و نتوانسته بودم رای بدهم، گفتم به ستاد انتخابات کشور بروم که هم رای بدهم و هم بازدید انجام دهم و موضوع کمبود تعرفه را نیز مستقیما پیگیری کنم؛ در ستاد انتخابات از بخش‌های مختلف بازدید کردم و با وزیر کشور هم دیدار داشتم و موضوع کمبود تعرفه را با وی در میان گذاشتم و همان جا مساله را با آقای محصولی پیگیری کردیم و خود من به ستاد انتخابات وزارت اطلاعات گفتم چه میزان تعرفه مصرف شده و چه میزان کمبود است و دلیل این کمبود نیز چه بوده است.

وی ادامه داد: بسیاری از شعب که گفته بودند تعرفه کم است در پاسخ به پیگیری‌های ما گفتند که الان کمبود تعرفه نداریم ولی به دلیل حضور گسترده مردم در انتخابات، اگر این روند ادامه یابد، پیش‌بینی می‌کنیم که با کمبود تعرفه مواجه شویم و برای آنکه بعد از ظهر این اتفاق نیفتد از همین الان باید چاره‌اندیشی کنیم که البته برخی نقاط نیز کمبود تعرفه وجود داشت که در همه ادوار بوده است؛ آقای محصولی وزیر کشور بلافاصله تاکید کرد اگر جایی کمبود تعرفه وجود دارد، سریعا تعرفه به آنجا برسد و مشکل کمبود تعرفه نیز حل شود و لذا مسائلی که تعقیب می‌کردیم با مسوولین ذی‌ربط در میان گذاشته می‌شد.

*** انقلاب مخملی**

وزیر اطلاعات در پاسخ به سوالی درباره انقلاب مخملی و اینکه آیا احتمال وقوع آن در ایران وجود دارد یا نه، گفت: این‌که انقلاب مخملی در کشور ما می‌تواند به وقوع بپیوندد یک بحث است و این‌که آیا دشمن به دنبال این مساله است، بحث دیگری است؛ قطع یقین دارم با وجود ساختار جمهوری اسلامی ایران و روحیه مردم ما و هوشیاری و آگاهی و تبعیت ملت از مسوولان نظام و ارتباط نزدیک مردم با حکومت و اطاعت‌پذیری آنها از ولایت فقیه و وجود دستگاه‌های امنیتی و نظامی، امکان وقوع یک انقلاب به اصطلاح مخملی در کشور ما وجود ندارد؛ ایران، گرجستان یا کشورهای دیگری نیست که آمریکایی‌ها توانستند به صورت نرم رژیمی را سرنگون و رژیم دیگری را جایگزین آن کنند.

وی افزود: معمولا اقدامات به اصطلاح مخملی نتیجه یک فرآیند است که در یک پروسه زمانی انجام می‌شود ولی وقوع آن در شرایطی است که انتخابات وجود دارد؛ این‌که بگوییم در کشور ما آیا امکان وقوع یک انقلاب مخملی است، بنده می‌گویم خیر و چنین انقلابی در کشور ما به وقوع نمی‌پیوندد اما این‌که آیا دشمن دنبال چنین مساله‌ای بوده یا نه می‌گویم که حتما بوده است.

اژه‌ای تصریح کرد: در همان ماه‌های ابتدایی کار دولت نهم بود که بنده وزیر اطلاعات شده بودم و احساس می‌کردم با توجه به این‌که دشمن اقداماتی در طول ۲٦ سال قبل از این دولت داشته، هیچ کدام آن طور که می‌خواست نتیجه نداشته و وقتی نتوانست جمهوری اسلامی ایران را براندازی یا تغییر رفتاری در نظام ما مطابق نظر خود ایجاد کند، به فکر آن افتاد و تلاش کرد که جمهوری اسلامی را از محتوا و مغز خالی کند و یک جمهوری اسلامی بی‌محتوا ایجاد کند که با اسلام ناب و اسلام مورد نظر امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب مغایرت داشته باشد و اسم جمهوری اسلامی را داشته باشد اما با منافع استکبار و نظام سلطه و زیاده‌خواهان، تضاد نداشته باشد؛ ما احساس کردیم اقداماتی که آنها قبل از دولت نهم انجام دادند و اجمالا موفق شده بودند در بعضی حوزه‌ها یارگیری کنند و یک امیدواری هم پیدا کرده بودند اما با آمدن دولت جدید شرایط برای آنها تغییر کرد.

وی روی کار آمدن دولت نهم را موجب احیای مجدد گفتمان انقلاب دانست و ادامه داد: دولت و آقای احمدی‌نژاد شعارهای جدیدی را مطرح کرد و سیاست داخلی و خارجی غیرمنفعلانه و مبتنی بر شعارهای اولیه انقلاب و ارزش‌های اصلی نظام را در پیش گرفت که دشمن آن را برنتافت و معتقد بودیم آرام نمی‌نشیند؛ دشمن در چنین شرایطی حتما علاوه بر تحریم‌ها و تبلیغات که معتقد بودیم به اینها بسنده نمی‌کند، تهدید نظامی را از همان اواخر سال ۸٤ پیگیری کرد؛ دشمن با آن امیدی که پیدا کرده بود که فی‌الجمله در نفوذ و یارگیری در بعضی از حوزه‌ها موفق بوده و باور کرده بود جمهوری اسلامی را از آن مسیر اصلی به مسیری که خودش می‌خواهد منحرف کرده، متوجه شد که شرایط تغییر کرده ولی مسیر خود را رها نکرد و ما هم به دوستان گفتیم که این مساله را با دقت بیشتر رصد کنند.

وزیر اطلاعات افزود: مقداری که کار اطلاعاتی کردیم و بر موضوع اشراف یافتیم، دیدیم که برخی کشورها و مشخصا انگلیس و آمریکا در جهت براندازی نرم که نوعی از انقلابات مخملی است، به شدت مشغول فعالیت هستند و برنامه‌های مختلفی را تحت پوشش‌های گوناگون دنبال می‌کنند و با نزدیک شدن به برخی فعالان سیاسی ما، یارگیری می‌کنند و در برخی حوزه‌ها با پوشش آموزش و تحقیقات و همایش‌ها برنامه‌های خود را دنبال می‌کنند؛ اندکی که وزارت اطلاعات روی اقدامات نرم مخصوصا آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها بیشتر کار کرد، تلاش کردیم هم حساسیت بیشتر دست‌اندرکاران به موضوع را برانگیزیم و هم مردم را با موضوع بیش از پیش آشنا کنیم و هم کسانی که ناخواسته به دلیل عدم آگاهی برنامه‌های آنها را پیش می‌بردند، در جریان امر قرار دهیم.

وی تصریح کرد: در آن زمان هنوز برخی واژه‌ها حتی برای مدیران ما و در میان مردم خیلی واضح نبود و یادم می‌آید که بنده در جایی در این زمینه سخن گفتم اما برای بسیاری تعجب‌آور بود و با ناباوری می‌گفتند که براندازی نرم و انقلاب مخملین و چنین مسائلی اساسا چیست؛ ما تلاش داشتیم این حساسیت را ایجاد کنیم و سرخط دشمن را بسوزانیم و دغدغه ما این بود که جایی از کار از دستمان در نرود؛ نظر ما این بود که سرخط دشمن را مقداری بسوزانیم تا کسانی که ناآگاهانه و ناخواسته در مسیر دشمن حرکت می‌کردند هوشیار شوند و برخی مسوولان رده دوم و سوم که ممکن بود به این موضوع توجه نداشته باشند متوجه قضیه شوند و لذا به معاونت مربوطه گفتیم که چند مورد را مشخصا پیگیری کنند.

وزیر اطلاعات ادامه داد: اولین پرونده‌هایی که از سوی وزارت اطلاعات در خصوص براندازی نرم پیگیری شد، مربوط به هاله اسفندیاری و جهانبگلو و تاج‌بخش بود که دستگیر شدند و بلافاصله با هیاهوی تبلیغاتی و سر و صداها مواجه شدیم؛ در همان زمان در حاشیه جلسه دولت در جمع خبرنگاران طی مصاحبه کوتاهی گفتم که افراد فوق قصد براندازی نرم و انقلاب مخملی در ایران را داشتند ولی عده‌ای باز سرو صدا کردند و به بنده هجمه آوردند که چرا چنین حرفی زدم و شرایط به گونه‌ای شد که با آنکه برای ما واقعا روشن بود دشمن از این طریق دنبال تحقق اهداف خود است اما در ادامه کار و در صحبت‌های بعدی این تعابیر را دیگر به کار نبردم.

وی اظهار کرد: حتی سیستم قضایی ما به دلیل عدم آشنایی با مساله و به دلیل آنکه چنین جرمی در قوانین ما تعریف نشده، به گونه‌ای بود که زمینه محاکمه کسانی که براندازی نرم را پیگیری می‌کردند، وجود نداشت.

محسنی اژه‌ای افزود: احساس کردیم که مقداری از خط دشمن سوخته است و خود آنها هم به یکدیگر می‌گفتند و چون فیلمی هم در این زمینه تهیه کردیم که در اختیار برخی مدیران قرار گرفت، در همان ایام دو طیف به ما مراجعه می‌کردند که یکی از این طیف‌ها کسانی بودند که در همایش‌های آنها شرکت کرده بودند و می‌گفتند اکنون که نسبت به مساله حساس شده‌اند، متوجه شده‌اند مباحث مطرح شده علمی نبود، عده‌ای دیگر هم می‌گفتند که در همایش‌ها شرکت کردند و از بانیان همایش پول هم گرفته‌اند و حالا احساس پشیمانی می‌کنند. از ما کمک می‌خواستند.

اژه‌ای با بیان این‌که ما احساس کردیم آنها پا را فراتر گذاشته‌اند، تصریح کرد: در حالی که احساس کرده بودند وضعیت برایشان قرمز شده، برخی افراد را با اعزام به کشورهای دیگر

آموزش داده و طیفی را به یکی از کشورهای خلیج فارس که آمریکا نفوذ بیشتری دارد، برده و بعضی از آنها نیز به ماهیت قضیه واقعا آشنا نبوده‌اند و برای برخی کلاس آموزش انقلاب مخملی گذاشته بودند.

وی افزود: فردی که به شیوه انقلابات مخملی آگاه بود با شرکت در این کلاس‌ها اظهار داشته بود شما به ما آموزش‌های انقلاب‌های مخملی را می‌دهید و آموزش‌هایی که به ما قول داده بودید، نیست و در این راستا باید گفت که بعضی از آنها ناآگاه بودند و برخی از آنها به صورت هدایت شده وارد ایران شده بودند؛ ما این افراد را به دادگاه معرفی کردیم و دادگاه در این پرونده حکم صادر کرد و به لحاظ ماهیت این پرونده شاید حکم خفیفی صادر شده باشد اما به هر حال حکم صادر شد.

وزیر اطلاعات ادامه داد: تحت عنوان آموزش خبرنگاری نیز افرادی جذب شده و آنها را در بعضی کشورهای اروپایی آموزش داده بودند؛ ما در مرحله اولیه که آنها به خارج از کشور رفتند، به صورت عمدی جلوی آنها را نگرفتیم تا ماهیت آنها را شناسایی کنیم و عوامل خود را نیز در این مجموعه فرستادیم و با بررسی‌ها مشخص شد که در راستای همان قضیه یعنی انقلاب‌های مخملی است.

وی تصریح کرد: گروه بعدی را که می‌خواستند به خارج از کشور بفرستند، رفتیم و با آنان صحبت کردیم، متوجه شدند و دنبال نکردند و برخی را نیز ممنوع‌الخروج کردیم که بعضی از روزنامه‌ها و سایت‌ها علیه وزارت اطلاعات موضع‌گیری کردند و رسانه‌های غربی نیز هم صدا با آنها گفتند که جلوی خبرنگار و روزنامه‌نگار را گرفته‌اند.

وزیر اطلاعات افزود: متعاقب این موضوعات، برادران علائی در سال گذشته بازداشت شدند؛ ما فقط در حوزه‌های مختلف افراد را شناسایی کردیم؛ آنها به دنبال قرمز کردن وضعیت در حوزه‌های مختلف بودند و به همین جهت حتی برادران علائی تحت پوشش پزشکی وارد شدند و با آمریکایی‌ها در ارتباط بودند.

محسنی اژه‌ای با بیان این‌که دشمن تهدیدات و تبلیغات فراوانی علیه نظام می‌کرد، گفت: این مردم از حقوق خود به هیچ وجه نمی‌گذشتند و اعتقاد داریم انقلاب مخملی در کشور ما به هیچ وجه محقق نمی‌شود و در رابطه با مسائل پس از انتخابات، وزارت اطلاعات تحلیل خود را دارد.

وی با اشاره به این‌که ما در تحلیل خود نامزدها، طرفداران آنها و مردمی را که اعتراض دارند در یک سطح قرار می‌دهیم، افزود: کسانی هم بودند که برنامه داشتند و از فرصت انتخابات

استفاده و یارگیری کرده بودند و کسانی هم بودند که به عنوان یاران آنها تحت پوشش حمایت از نامزدها در جریان‌های نفاق وارد شده بودند.

وزیر اطلاعات با بیان این‌که سطح اول را ما از آنها جدا می‌کنیم و کسانی که ضد انقلاب و اشرار هستند را باید با جداکردن نگاه کنیم، گفت: اعتراض حق طبیعی طیف اول بود و در قانون نیز پیش‌بینی شده محدودیتی برای اعتراض نیست.

محسنی اژه‌ای اظهار کرد: نتیجه اعتراضات به هرجا که برسد با توجه به قانون رسیدگی می‌شود اما بعضی از افراد با یارگیری در ستادهای انتخاباتی نفوذ کرده بودند و برای ابطال انتخابات از مسیر غیر قانونی اصرار داشتند، به طوری که امر بر خود نامزدها مشتبه شده بود.

وی افزود: بنده با بعضی نامزدها صحبت کردم زیرا ما هم یک وظیفه شخصی و هم وظیفه سازمانی در این رابطه داریم و در زمان ناآرامی تمام توان خود را به کار می‌گیریم.

*** ماجرای دیدار وزیر اطلاعات و میرحسین موسوی**

اژه‌ای با بیان این‌که بعد از انتخابات با هر دو کاندیدای معترض یعنی کروبی و میرحسین سخن گفتم، اظهار کرد: با برخی از افرادی که با آنها مرتبط بودند نیز سخن گفتم و در این جهت یک شب واقعا خود را به میرحسین موسوی تحمیل کردم زیرا احساس می‌کردم باید با ایشان صحبت و اتمام حجت کنم.

وزیر اطلاعات تصریح کرد: این‌که می‌گویم خود را تحمیل کردم، به مسوول دفتر خود گفتم میرحسین را پیدا کنید تا با ایشان صحبتی داشته باشم، گفتند کجا بیایند، گفتم وزارت و اگر سخت‌شان بود نزدیک منزل میرحسین محلی داریم که می‌توانیم آنجا دیدار کنیم تا برایشان زحمتی نباشد. دفترم بعد از حدود ساعت ۹ به من اطلاع دادند، حدود ساعت ۱۰/۱۵ در همان محل هماهنگ شد و بنده سر وقت رفتم اما ایشان تشریف نیاوردند. گفتم که تماس بگیرند که اوضاع به چه صورت است، ساعت یازده شب گفتند که قرار بوده شما تشریف بیاورید و گفتند که ایشان آنجا نمی‌آیند.

وی ادامه داد: من احساس کردم در صحبت با ایشان باید اطلاعاتی در اختیارشان بگذارم که برخی افراد به دنبال سوء استفاده هستند و احساس کردم که اگر این ملاقات صورت گیرد مفید است؛ بعدا زنگ زدیم، ایشان از دفترشان به منزل رفته بودند؛ زنگ زدیم و خودم مستقیما با ایشان صحبت کردم و گفتم الان به منزل شما می‌آیم تا با شما صحبت کنم، ایشان گفتند که دیروقت است اما گفتم چاره‌ای نیست و در زمان محدودی می‌خواهم با شما صحبت کنم.

محسنی اژه‌ای تصریح کرد: در آنجا صحبت‌های مختلفی کردیم و به ایشان عرض کردم

که آقای موسوی، این مسیری که شما می‌روید به جایی نمی‌رسد؛ این‌که برخی از آقایان به شما اصرار می‌کنند که فقط و فقط ابطال، درست نیست؛ سخنی که شما می‌گویید جز زحمت برای مردم و همه چیزی ندارد، شما مطمئن باشید این مسیر شما را به هدف نمی‌رساند و نمی‌شود با زور بگوییم ابطال.

وزیر اطلاعات اظهار کرد: به آقای موسوی گفتم که بر فرض محال اگر انتخابات ابطال شد و شما دوباره رای نیاوردید، می‌خواهید چه کار کنید؛ اگر بر فرض دوباره رای نیاورید باز هم این وضع تکرار می‌شود؛ شما دو روز قبل نامه به شورای نگهبان نوشتید، حالا اگر شورای نگهبان رسیدگی کرد و به نتیجه نرسید و انتخابات را ابطال نکرد شما می‌پذیرید یا خیر، گفت نه.

اژه‌ای با بیان این‌که نمی‌شود انسان از اول بگوید ابطال و آن را از طریق مجاری قانونی پیگیری نکند، تصریح کرد: به آقای موسوی گفتم که شما گفتید ابطال، حالا بر فرض اگر ابطال شد، دوباره باید انتخابات برگزار شود؛ شما که می‌گویید وزارت کشور و شورای نگهبان تخلف کرده به چه صورت باید انتخابات برگزار کنند؟ موسوی پاسخ داد: بعد که ما دیگر نمی‌گوییم از طریق این مجرا انتخابات برگزار شود.

وزیر اطلاعات گفت: با همه این حرف‌ها همان جریاناتی که در پی براندازی نرم و یارگیری و تکرار ادعای تقلب از ماه‌ها قبل بودند و بر ابطال انتخابات آن هم از مسیر غیرقانونی تاکید داشتند، دست به دست هم دادند تا حماسه مردم و شیرینی آن را به کام مردم تلخ کنند.

وی با اشاره به این‌که ما راضی نیستیم هیچ کس یک شب به زندان برود، گفت: بالاخره هر دستگاهی وظیفه دارد وظیفه خود را انجام دهد اما راضی نیستیم خونی از دماغ کسی ریخته شود و کسی از کسب و کار خود باز ماند؛ جریان دوم در پوشش جریان اول وارد شد و زحماتی را برای مردم ایجاد کرد که امیدواریم این جریانات از هم جدا شوند و از طریق قانون کارها دنبال شود و کسانی که می‌خواهند از این طریق وارد شوند و زحمت ایجاد کنند امیدواریم درس گرفته باشند.

وزیر اطلاعات تصریح کرد: پس از این اتفاقات موجی از سوی دشمنان و صهیونیست‌ها ایجاد شد و امیدواریم که این مساله هم به خوبی حل شود.

*** نقش سفارت انگلیس در اغتشاشات تهران**

محسنی اژه‌ای در خصوص نقش بیگانگان و دستگیری برخی از عوامل سفارت انگلیس گفت: آنچه این روزها رسانه‌های غربی تبلیغ می‌کنند، نمی‌تواند مردم ما را منحرف کند؛ این نکته کاملا مشهود است که از اغتشاشات چه کسی می‌خواهد بهره ببرد، بعضی‌ها به صورت

آشکار نمی‌توانند در اغتشاشات شرکت کنند زیرا عوامل‌شان بیشتر از این سوخت می‌رود.

وی در ادامه اضافه کرد: سفارت انگلیس بیش از حد معمول کارمندهای محلی گرفته و از کارمندان محلی در جهت اهداف خود استفاده می‌کرد و بعضی از این‌ها را آموزش‌های فشرده داده بود که اغتشاشات را هدایت کنند، به کانون‌های اصلی اغتشاش بروند و بعضی از افرادشان بیایند در کانون اغتشاشات و از صحنه‌های مختلف فیلمبرداری کنند و با مونتاژ به صورت‌های مختلف علیه کشور استفاده کنند.

محسنی‌اژه‌ای با اشاره به این‌که این کارها نیز برخلاف کارهای دیپلماتیک است، گفت: آنها آموزش دادند و در تلاش برای هدایت اغتشاشگران بودند و این دیگر قابل تحمل نبود و به وزارت امور خارجه گزارش و خواسته شد اقدامات لازم به عمل بیاید و برخی از آنها که در صحنه اغتشاشات حضور داشتند با آنها برخورد شد.

۱۹ـ گزارش تفصیلی شورای نگهبان درباره نظارت بر دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری (۲۵تیر ۱۳۸۸)

«یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شنان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی واتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون» سوره مائده آیه ۸

مقدمه

شورای نگهبان علاوه بر پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی و احراز عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای‌اسلامی با موازین شرع و قانون اساسی، به موجب اصل نود و نهم، یکصد و پانزدهم، یکصد و هجدهم و بند نهم از اصل یکصد و دهم قانون‌اساسی و قوانین عادی منبعث از آن، مسوولیت نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری را برعهده دارد و تنها مرجع عالی رسیدگی به شکایات و اعتراض‌ها پیرامون جریان انتخابات می‌باشد. لذا با رصد کردن مستمر، به‌موقع و دقیق امور، مجموع اعتراض‌ها و شکایات را پس از دریافت، دسته‌بندی کرده و با به‌کارگیری تمامی ابزارهای قانونی، آنها را مورد رسیدگی قرار داده و در نهایت نسبت به صحت و یا عدم صحت انتخابات اعلام‌نظر می‌نماید.

براین اساس در پی برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری و با توجه به مشارکت حداکثری مردم و تأثیر شگرف آن در تحکیم نظام، ترویج و گسترش مردم‌سالاری دینی و تجلی و ظهور دوباره و فراگیر دو عنصر توأمان «جمهوریت» و «اسلامیت» نظام، شورای‌نگهبان با درک شرایط و به منظور خنثی‌سازی توطئه‌ها و نیرنگ‌ها و تقویت همدلی‌ها برای نخستین بار در روند بررسی شکایات و اعتراضات، انجام اموری را وجهه همت خود قرار داد که گزارش تفصیلی آن در دو بخش اقدامات شورای‌نگهبان و بررسی شکایات جهت تنویر افکار عمومی منتشر می‌گردد.

اقدامات شورای‌نگهبان

آنچه در پی می‌آید، مجموعه اقداماتی است که شورای نگهبان در جهت بررسی انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری به منظور صیانت از آرای مردم شریف ایران اسلامی انجام داد. لازم به ذکر است که برخی از این اقدامات در انتخابات گذشته سابقه نداشته و شورای نگهبان با توجه به فضای موجود در جامعه و برای دستیابی به اطمینان بیشتر از سلامت انتخابات به انجام آنها پرداخت.

۱ـ شورای نگهبان در راستای انجام وظایف نظارتی و حصول اطمینان از صحت و سلامت انتخابات، با دعوت از نمایندگان نامزدها برای حضور در محل این شورا، جهت مشاهده

نحوه نظارت همه‌جانبه و توأم با دقت و احتیاط اعضای شورا بر جریان امور در روز برگزاری انتخابات، تلاش نمود که نامزدهای محترم را در جریان امر نظارت قرار دهد. در این راستا هر چهار نامزد محترم، نمایندگانی را معرفی و ضمن استقرار در شورای‌نگهبان و در اختیار گرفتن امکانات لازم، ارتباط سریع‌تر با مسوولین نظارتی داشته و پس از پایان رأی‌گیری نیز تا بامداد روز شنبه ۸۸/۳/۲۳ از نزدیک شاهد تجمیع آرا بودند. (پیوست‌های شماره ۱ الی ۸)

۲ ـ در کمتر از سه روز بعد از جمعه ۲۲ خرداد ۸۸، شورای نگهبان علی‌رغم فقدان وظیفه با دعوت از نامزدهای معترض، آمادگی خود را برای استماع اظهارات و دریافت اسناد و مدارک آنها جهت فراهم‌آمدن امکان بررسی و رسیدگی بهتر و بیشتر اعلام نمود. این جلسه در شورای نگهبان، با حضور نمایندگان نامزدهای محترم، تشکیل و پیرامون نحوه رسیدگی به شکایت‌ها بحث و گفت‌وگو شد. آقایان محتشمی‌پور، آخوندی و هاشمی به نمایندگی از سوی آقای میرحسین موسوی، آقای کرباسچی به نمایندگی از سوی آقای کروبی و آقای دانش‌جعفری به نمایندگی از سوی آقای محسن رضایی در شورای‌نگهبان حضور یافتند و به بیان نقطه‌نظرات خود پرداختند. لازم به ذکر است که نمایندگان مزبور خواستار حضور در جلسه عمومی شورای نگهبان نیز شدند. (پیوست‌های شماره ۹ الی ۱۲) این در حالی است که نمایندگان محترم نامزدها، علاوه بر حضور در شورای نگهبان، روز سه شنبه ۲۶ خرداد ۸۸ در دیدار با رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) به تفصیل، مطالبشان را مطرح و معظم‌له نیز با ارائه رهنمودهای لازم و ترغیب و توصیه آنان به خویشتن‌داری، خواهان پیگیری درخواست‌هایشان از مجرای قانونی شدند و شورای‌نگهبان را به ملاحظه اسناد و مدارک و شنیدن حرف‌ها و اعتراض‌های آنان و همچنین بررسی و اظهار نظر در چارچوب قانون و شرع توصیه فرمودند.

۳ ـ در روز شنبه ۸۸/۳/۳۰، در پی دعوت از نامزدهای معترض جهت حضور در جلسه عمومی شورای نگهبان، فقط آقای محسن رضایی از این امکان استفاده نمود و در جلسه عمومی شورای‌نگهبان حاضر شد و نقطه نظرات خود را به صورت مستقیم با اعضای محترم شورای نگهبان در میان گذاشت و در این جلسه مقرر شد با در اختیار قرار دادن فرم‌های ۲۸، بازشماری ده درصد صندوق‌ها در شش استان با حضور نمایندگان ایشان انجام پذیرد. (پیوست‌های شماره ۱۳ الی ۱۵)

به محض معرفی نماینده آقای محسن رضایی، بازشماری در حوزه‌های مورد نظر آغاز شدکه آرای استان کرمانشاه و نزدیک به نیمی از آرای شهرستان‌های استان فارس و بعضی از شهرستان‌های استان اصفهان و استان خوزستان با حضور نمایندگان آقای محسن رضایی،

اعضای هیأت اجرایی و ناظرین شورای نگهبان مورد بازشماری قرار گرفت.پس از پایان بازشماری آرا و عدم وجود مغایرت محسوس بین آرای اعلامی و نتایج بازشماری، آقای محسن رضایی در تاریخ ۸۸/٤/۲ با ارسال‌نامه شماره ۳۳۲ ـ ۰۱/م رسماً انصراف خود را از پیگیری شکایت‌های مطروحه اعلام نمود. (پیوست شماره ۱٦) علاوه بر این شورای نگهبان آمادگی خود را برای بررسی موضوع با حضور دو نامزد دیگر (آقایان: مهدی کروبی و میرحسین موسوی) تکرار نمود و این امکان را مجدداً برای آنان فراهم ساخت تا چنانچه موارد مستند و یا قانونی و قابل طرح دارند و به هر دلیلی نتوانسته‌اند به صورت مکتوب یا از طریق نمایندگان خود مطرح سازند، بدین شیوه بتوانند نقطه نظرات خود را بیان نمایند.با این حال علی‌رغم وجود قوانین اساسی و عادی در امر انتخابات و با توجه به برخوردار بودن کشور از سی سال سابقه درخشان در عرصه‌های گوناگون انتخابات، رفراندوم و همه‌پرسی و با عنایت به این‌که انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری با وجود اهمیت و اعتبار، اولین و آخرین انتخابات در نظام جمهوری اسلامی نبوده و نمی‌باشد، مع‌الاسف بعضی از نامزدهای محترم، اغلب به جای سلوک در بستر قانون و توسل به مراجع ذی‌ربط برای پیگیری اعتراض‌ها و شکایت‌ها، با صدور بیانیه‌ها و دعوت از مردم برای حضور در خیابان‌ها، موجب اخلال در طی مراحل طبیعی و قانونی انتخابات گردیدند.

٤ ـ شورای نگهبان، علاوه بر تشکیل جلسه صبح سه‌شنبه مورخ ۸۸/۳/۲٦ با نمایندگان سه نامزد معترض و علی‌رغم انقضای مهلت قانونی برای دریافت و رسیدگی به شکایت‌ها و اعتراض‌ها، صرفاً برای حصول اطمینان بیشتر، این مهلت را با موافقت رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) برای پنج روز دیگر تمدید کرد. (پیوست شماره ۱۷)

۵ ـ متعاقب تجدید مهلت بررسی شکایت‌ها و اعتراض‌ها به منظور استفاده احسن از فرصت‌های پیش‌آمده، شورای نگهبان دیدارهایی با مراجع‌عظام تقلید، علمای‌حوزه و شخصیت‌های شاخص و فعال در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را در دستور کار قرار داد و در این راستا با عزیمت به شهر مقدس قم و دیدار با حضرات آیات عظام، مکارم شیرازی، جوادی آملی، صافی گلپایگانی، سبحانی، موسوی اردبیلی و حضرات آیات، امینی، مسعودی خمینی و در تهران با آیات و حجج اسلام، شاهرودی، ری‌شهری و ناطق نوری در این زمینه تبادل نظرهای لازم به عمل آمد. اعضای شورای نگهبان در دیدارها و ملاقات‌های خود با مراجع، علما و شخصیت‌های دینی، سیاسی و اجتماعی، ضمن ارائه گزارش از عملکرد نظارتی شورا در امر خطیر انتخابات، با بهره‌گیری از آگاهی‌ها و نظرات ارزشمند این بزرگواران، خصوصاً

رهنمودهای ارائه شده از سوی مراجع عظام تقلید، آن را سرلوحه کار خود در پیگیری‌ها و بررسی اعتراض‌ها و شکایت‌ها قرار داد.

٦ ـ همچنین شورای نگهبان در راستای تکمیل اسناد و مدارک و آگاهی از مشهودات و مسموعات مستند و قانونی برخی شخصیت‌های کشور، مکاتباتی با اغلب آنان از جمله آقایان لاریجانی، رئیس محترم مجلس شورای اسلامی؛ پورمحمدی، رئیس محترم سازمان بازرسی کشور؛ قالیباف، شهردار محترم تهران؛ ری‌شهری، تولیت محترم آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) و... انجام داد تا چنانچه مطالب و مدارک مستندی در اختیار دارند جهت بهره‌برداری و فراهم آمدن امکان بررسی، تصمیم‌گیری و اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال نمایند. (پیوست‌های شماره ۱۸ الی ۲۱)

۷ ـ علی‌رغم تعلل و عدم همکاری بعضی از نامزدهای معترض، شورای نگهبان علاوه بر تمدید مهلت برای رسیدگی دقیق‌تر به اعتراض‌های مربوط به شمارش آرا و به‌ویژه اعتراض‌های وارده بر روند انتخابات، «هیاتی ویژه» مرکب از شخصیت‌های صاحب نام نظام و نخبگان سیاسی، اجتماعی کشور تشکیل و آنان را به استماع اظهارات مطلعین و جمع‌آوری اسناد و مدارک از اطراف و اکناف کشور و بررسی و رسیدگی به موضوع، مأمور نمود تا متعاقب دریافت گزارش کارشناسی از هیأت مزبور، موجبات اتخاذ تصمیم و اعلام نظر همه‌جانبه و نهایی درخصوص موضوع توسط شورای‌نگهبان فراهم آید. (پیوست‌های شماره ۲۲ الی ۲۷)

۸ ـ متعاقب تشکیل هیات ویژه متشکل از حجج‌اسلام ابوترابی، دری نجف‌آبادی و رحیمیان و آقایان دکتر حدادعادل، دکتر ولایتی و دکتر افتخارجهرمی، این هیأت پس از تشکیل اولین جلسه، از دو نامزد معترض درخواست نمود تا جهت بررسی روند برگزاری انتخابات و بازشماری حداقل ده درصد از صندوق‌ها نماینده خود را به این هیات معرفی نمایند که این امر طی دو نامه از سوی شورای‌نگهبان به این نامزدها اعلام شد(پیوست‌های شماره ۲۸ و ۲۹) که متاسفانه در وقت مقرر آقای موسوی از اعزام نماینده خود برای این امر خودداری ورزید و به صدور بیانیه‌ای اکتفا نمود.(پیوست شماره ۳۰) آقای کروبی نیز ابتدائاً خواستار تغییر در ترکیب هیات بود لیکن مجدداً با صدور بیانیه‌ای دیگر بر ابطال انتخابات اصرار نمود. (پیوست‌های شماره ۳۱ و ۳۲)

۹ ـ در ساعات پایانی یکشنبه ۸۸/٤/۷، یک نفر از شخصیت‌های سیاسی ضمن تماس با شورای نگهبان اظهار داشت که طی مذاکره با آقای موسوی و نمایندگان وی، آنان خواسته‌های جدیدی را مطرح کرده‌اند و از شورای نگهبان درخواست نمود که این خواسته‌های جدید آنها

را مورد بررسی قرار دهد. شورای نگهبان با این امر موافقت نمود و به همین جهت جلسه‌ای با حضور دو نفر از اعضای هیات ویژه و دو نفر از اعضای شورای نگهبان تشکیل و موارد چهارگانه درخواست شده جدید به شرح ذیل مطرح شد:

۱) بازشماری آرا در چهار استان

۲) تطبیق سریال (شماره مسلسل) شناسنامه‌ها با ته برگ تعرفه‌ها

۳) بررسی میزان چاپ تعرفه‌ها و تعرفه‌های موجود

٤) بررسی خطوط نوشته شده روی اوراق تعرفه و اطمینان از این‌که یک‌خط نباشد(پیوست شماره ۳۳)

علی‌رغم دشواری‌های خاص این خواسته‌ها و محدودیت زمانی (فقط یک روز)، جهت ایجاد اعتماد و اطمینان بیشتر، این درخواست‌ها مورد موافقت اعضای محترم حاضر قرار گرفت، لیکن مقرر شد موضوع کتباً از سوی آقای موسوی به شورای نگهبان اعلام گردد که متاسفانه پس از انجام ملاقات دو نفر از نمایندگان هیات ویژه با آقای موسوی و نمایندگان ایشان (آقایان محتشمی‌پور و موسوی لاری) در یکشنبه شب، نتیجه‌گیری به جلسه‌ای در روز دوشنبه مورخ ۸۸/٤/۸ موکول شد و سرانجام آقای موسوی از اعلام کتبی و رسمی موارد فوق‌الذکر خودداری نمود و موضوع بدون نتیجه پایان یافت. این درحالی است که روز دوشنبه، آقایان محتشمی‌پور و موسوی لاری، متن مکتوبی را به هیات ویژه ارائه کردندکه علاوه‌بر موارد چهارگانه یادشده، خواسته‌های غیرمتعارف دیگری را هم شامل می‌شد و به نظر می‌رسید بیشتر اتلاف وقت و زمان مورد نظر است تا اهتمام به رسیدگی از طریق مراجع قانونی. (پیوست شماره ٣٤) گزارش هیات ویژه متعاقب این عدم همکاری منتشر شد. (پیوست شماره ۳۵)

۱۰ـ پس از اطمینان از عدم همکاری نامزد محترم معترض، دستور بازشماری ده درصد از کل صندوق‌های اخذ رای صادر شد که این امر در مقابل دوربین‌های صدا و سیما و با حضور معتمدین هر شهر و روسای شورای اسلامی شهر و حتی‌الامکان نمایندگانی از نامزدها که در روز انتخابات در پای صندوق‌های اخذ رأی حضور داشتند، انجام پذیرفت. در این مرحله بیش از ۳۰۰ نفر از نمایندگان نامزدها در بازشماری حضور داشتند.

در پایان این بخش تأکید می‌نماید با وجود هیأت‌های نظارت در حوزه‌های شهرستانی و استانی که با عضویت چهره‌های فرهیخته فرهنگی، دانشگاهی، حوزوی و با بهره‌گیری از توان بالفعل تمامی اقشار متدین، انقلابی و همیشه در صحنه مردمی تشکیل و در روز برگزاری انتخابات، این هیأت‌ها با حضور نمایندگان محترم هر یک از نامزدها و با استفاده از شیوه‌های

پیشرفته علمی و متعارف، نظارتی وسیع، همگانی وکارآمد را معمول می‌دارند و شورای نگهبان نیز، از طریق هیأت هفت نفره موسوم به «هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات» علاوه بر نظارت عالیه بر روند و فرآیند انتخابات، اعمال نظارت بر عملکرد هیأت‌های نظارت شهرستانی و استانی را هم از نظر دور نداشته و نمی‌دارد، همگان اذعان خواهند داشت که با وصف مراتب فوق، عملاً امکانی برای وقوع تخلف یا تخلفات گسترده که صحت و سلامت انتخابات را تحت‌الشعاع قرار دهد معقول و متصور نخواهد بود. شورای نگهبان با عنایت به مراتب فوق و با به کارگیری همه ظرفیت‌ها و امکانات قانونی، به حول و قوه الهی به عموم شهروندان عزیز و خصوصاً به نامزدها و طرفداران آنها اطمینان می‌دهدکه در کنار آنان و به نمایندگی از آنان در دفاع از خواسته‌های مشروع و قانونی‌شان از هیچ تلاش وکوششی فروگذار ننموده است.

بررسی شکایت‌ها و اعتراض‌ها

شکایت‌های واصله و بررسی تحلیلی آن

شورای نگهبان با رصد کردن به‌موقع و به‌هنگام امور، مجموع اعتراض‌ها و شکایت‌ها را پس از دریافت، تجمیع، موضوع‌بندی و با به‌کارگیری تمامی ابزارهای قانونی در اختیار، رسیدگی و هم‌اکنون نتایجِ حاصل از رسیدگی‌ها را جهت استحضار آحاد ملّت بزرگ ایران، مسوولان و به‌ویژه ذی‌نفعان محترم در امر خطیر انتخابات اخیر تقدیم می‌نماید.

قبل از پرداختن به محتوای شکایات و اعتراض‌ها، ضروری است که تعریفی از حوزه‌های انتخابیه و شعب اخذ رأی ارائه شود. برخلاف سایر انتخابات نظیر خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراها که هر بخش، شهر یا استان به تناسب نیازهای اقلیمی و منطقه‌ای مستلزم انتخاب نماینده یا نمایندگان خاص می‌باشد، در انتخابات ریاست‌جمهوری، سراسر کشور صرفاً به یک فرد به عنوان نماد و سمبل اراده ملی نیاز دارندکه عبارت است از شخص رئیس‌جمهور. بر این اساس در انتخابات ریاست‌جمهوری گستره کشور به‌صورت یک حوزه انتخابیه تلّقی و هر ایرانی می‌تواند در هر نقطه‌ای از کشور یا خارج از کشور که صندوق اخذ رأی در آنجا پیش‌بینی شده در انتخابات شرکت نماید. در دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در سراسر کشور و خارج از کشور حدود ٤٦ هزار صندوق، آرای مردم شریف ایران را اخذ نمودندکه تعدادکل

صندوق‌ها به نسبت انتخابات قبلی به میزان یک و دو دهم درصد افزایش داشته است. از این تعداد، ۱۴ هزار و ۲۹۴ صندوق سیّار در نظر گرفته شد. (پیوست شماره ۳۶)

تفکیک موضوعی شکایت‌ها و اعتراض‌ها

شکایت‌ها و اعتراض‌های واصله بدواً تحت دو عنوان: شکایت‌های مشترک و شکایت‌های اختصاصی نامزدها و سپس در سه محور زیر طبقه بندی گردید:

الف: شکایات و اعتراض‌های ناظر بر روز انتخابات

ب: شکایت‌ها و اعتراض‌های ناظر بر شمارش آرا و اعلام نتایج

ج: شکایت‌ها و اعتراض‌های ناظر بر قبل از دو مرحله فوق، یعنی گزارش‌های واصله ناظر بر جریان و روند حاکم بر انتخابات در روزهای مشرف به جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ (پیوست‌های شماره ۳۷الی ۴۸)

الف) شکایت‌ها و اعتراض‌های ناظر بر روز انتخابات

در روز اخذ رأی و همزمان با برگزاری انتخابات در حدود ۴۶ هزار صندوق اخذ رأی، مجموعاً ۱۲۲ فقره گزارش توسط نمایندگان محترم نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری به شورای‌نگهبان ارائه شد که تفکیک آنها بدین قرار است:

نماینده آقای محسن رضایی ۱۲ فقره، نماینده آقای مهدی کروبی ۲۴ فقره و نماینده آقای میرحسین موسوی ۸۶ فقره.این گزارش‌ها در همان روز و با پیگیری‌های گسترده و همه جانبه ناظران شورای نگهبان در سراسر کشور مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. بخش اعظم این شکایت‌ها، از برداشت اشتباه یا نگرانی از احتمال وقوع تخلف بوده است. به عنوان مثال، ستاد یکی از نامزدهای محترم گزارش‌های مختلفی را به این شورا تقدیم نمودکه در آن به صورت کلی و بدون ذکر هیچ مشخصه‌ای و حتی بدون ذکر نام شعبه‌های مورد نظر، موضوعاتی به‌عنوان تخلف گزارش شده بود که چند مورد از آنها به‌عنوان نمونه بیان می‌شود:

الف ـ ۱) تمام شدن تعرفه‌ها در تبریز، اصفهان و تهران (تهرانپارس) یا کمبود شعب اخذ رأی در برخی مناطق، قطع اینترنت و تلفن همراه، عدم امکان تشخیص بین صندوق‌های ثابت و سیار، وارد نکردن کدملی، زدن مهر انتخابات در قسمت مربوط به کوپن ارزاق، عدم امکان

رأی‌گیری به دلیل کمبود تعرفه در تبریز و شیراز و هدایت مردم به رفتن به خانه‌ها با استناد به اخبار شبکه بی.بی.سی و... بخشی از گزارش‌هایی است که در روز اخذ رأی به شورای نگهبان تقدیم شده است.

الف ـ ۲) در موارد متعددی نیز مسائلی مطرح شد که اساساً تخلف انتخاباتی نبوده و فردگزارش دهنده به‌دلیل عدم آشنایی با مقررات اولیه، موضوع را به‌عنوان تخلف ذکر نموده است که به برخی از آنها نیز اشاره می‌شود:

رأی‌گیری در اتوبوس، مشاهده دو صندوق سیار به فاصله کم، آوردن صندوق سیار برای مدرسه‌ای‌که خود صندوق ثابت دارد و وجود صندوق ثابت و صندوق سیار در کنار هم در برخی از مناطق.

اندک توجه و عنایت در عناوین برشمرده، حکایت از آن دارد که اولاً ضمن احترام و تحسین به دغدغه‌های گزارشگران، گزارشی که واجد وصف تقلب انتخاباتی باشد به چشم نمی‌خورد، ثانیاً موارد پیش آمده بر فرض صحت با هماهنگی ناظران و مجریان و آماده به خدمت بودن دستگاه‌های اجرایی در جای جای این کشور بزرگ و پهناور به‌ویژه در روز حساس و سرنوشت‌ساز انتخابات، عمدتاً در کمترین فاصله ممکن مرتفع می‌شود، ثالثاً استفاده از صندوق‌های سیار در کنار صندوق‌های ثابت، از جمله طرق متعارف و معمول در همه انتخابات به‌ویژه در انتخاباتی است که مواجه با ازدحام پرشور جمعیت بوده و چنین اقدامی تازگی ندارد تا در زمره تخلف انتخاباتی قابل اعتنا باشد، رابعاً تایید و تاکید نمایندگان محترم نامزدها در پایان رأی‌گیری بر انجام و اتمام توأم با سلامت انتخابات، نافی هرگونه شبهه در مخدوش دانستن امر انتخابات می‌باشد.

اسناد مکتوب متضمن بیانات و اظهارات نمایندگان محترم نامزدها که هر یک به نوبه خود بر سلامت انتخابات صحه گذارده‌اند تماماً موجود و عنداللزوم جهت آگاهی عموم در اختیار رسانه‌ها قرار خواهد گرفت. ضمن آنکه شورای نگهبان در این دوره با اتخاذ روش‌های جدید از جمله در نظر گرفتن جای مهر نظارت در تعرفه‌ها سعی نمود درصد سلامت انتخابات را افزایش دهد.

شکایت‌ها و اعتراض‌های ناظر بر شمارش آرا و اعلام نتایج

پس از انجام انتخابات و اعلام نتایج حاصل از شمارش آرا توسط وزارت محترم کشور، نامزدهای محترم با ارسال نامه‌هایی شکایات خود را مطرح نمودند؛ آقای محسن رضایی ۷۲ فقره، آقای مهدی کروبی ۱۰۸ فقره و آقای میرحسین موسوی ۳۰۴ فقره.

با وجود دریافت بخش عمده‌ای از نامه‌های فوق‌الذکر که با عباراتی کلی و بدون ارائه هیچ‌گونه اسناد و مدارک مثبته به‌عنوان شکایت مطرح شده بود، شورای نگهبان با اغماض از نقص شکلی شکایات واصله نسبت به رسیدگی به آنها اقدام نمود.

در این مرحله با تشکیل جلسات متعدد و تعیین کارگروه‌های تخصصی، نسبت به بررسی و ارزیابی تک‌تک شکایت‌های واصله اقدام شد. در ابتدا شکایات نامزدهای محترم در دوگروه شکایات مشترک و شکایات اختصاصی دسته‌بندی وکلیه شکایت‌ها به همراه گزارش‌هایی‌که در روز اخذ رأی ارسال شده بود، مورد ارزیابی قرار گرفت.ذکر این نکته ضروری است که با وجود عدم اقدام نامزدها در ارسال بموقع شکایت‌ها در فرصت‌های قانونی، این شورا به منظور رعایت احتیاط و همکاری با نامزدهای معترض، گزارش‌های واصله را مورد توجه قرار داد و علی‌رغم آنکه قانوناً هیچ تکلیفی برعهده نداشت با دعوت از نامزدهای محترم در روز شنبه ۸۸/۳/۳۰ یعنی پنج روز پس از پایان مهلت دریافت شکایت‌ها، امکان دیگری را نیز برای‌کاندیداهای معترض فراهم آورد تا چنانچه به هر دلیلی موفق نشده‌اند به صورت مکتوب شکایت‌های خود را ارائه کنند، در این جلسه امکان انتقال حضوری و مستقیم نقطه نظرات خود به اعضای محترم شورای نگهبان را داشته باشند که مع‌الاسف تنها یکی از آقایان از این امکان بهره گرفت. علاوه بر این، شورای نگهبان امکان دیگری را نیز برای آنان فراهم نمود، به گونه‌ای که تا روزهای پایانی اعلام نتیجه نهایی نیز آماده استماع نظرات نامزدهای محترم بود.

به هر حال تفکیک شکایت‌های نامزدهای محترم و دسته‌بندی آنها به شرح ذیل است:

عناوین شکایات مشترک نامزدها

الف) شکایت از کمبود تعرفه در برخی از شعب اخذ رأی

ب) جلوگیری از حضور نماینده نامزدها یا اخراج ایشان در برخی از شعب اخذ رأی

پ) دخالت اعضای شعب اخذ رأی در رأی افراد و ترغیب به رأی دادن به فرد خاص

ت) عدم ممهور نمودن تعرفه یا شناسنامه‌ها و اخذ رأی از افراد فاقد شرایط

ث) اجبار افراد به استفاده از خودکارهای موجود در شعب اخذ رأی

ج) تبلیغ در روز رأی‌گیری به نفع نامزدی خاص

چ) انتقال صندوق اخذ رأی سیار به محل دیگر برای اخذ رأی

ح) عدم تمدید زمان رأی‌گیری و بسته بودن شعب اخذ رأی

خ) خرید و فروش رأی

د) استفاده از امکانات دولتی

ذ) پلمب صندوق‌های اخذ رأی بدون حضور نمایندگان نامزدها و عدم نظارت ایشان بر تجمیع آرا

ر) عدم حضور یا نظارت نمایندگان نامزدها در زمان تجمیع آرا

ز) حضور بیش از صد درصد واجدین شرایط در برخی حوزه‌های انتخابیه

پس از بررسی هر یک از موضوعات فوق و اعزام بازرسان شورای نگهبان جهت بررسی شکایت‌ها و استعلام از مراجع ذی‌ربط، نتیجه حاصل از این بررسی‌ها به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

الف) شکایت از کمبود تعرفه در برخی شعب اخذ رأی

الف ـ ۱) از مجموع ٤٥ هزار و ٦٩٢ صندوق اخذ رأی در داخل کشور، بیشترین گزارش‌ها مربوط به نمایندگان آقای میرحسین موسوی است که اعلام نموده‌اند در سراسر کشور تعداد ۵۱ صندوق با کمبود تعرفه مواجه شده است.

عمده این گزارش‌ها نیز فاقد مستندات قانونی است و مشخصات گزارش دهنده در دسترس نبوده، بلکه با چند واسطه و به صورت نقل قول می‌باشد.

الف ـ ۲) صرف نظر از صحت و سقم گزارش نمایندگان نامزدهای محترم، اتمام تعرفه در موارد اعلام شده درصدی جزئی از صندوق‌های کل کشور است که تأثیری در روند کلی انتخابات نداشته و در صورت اتمام تعرفه در تعداد بسیار معدودی از شعب، رأی دهندگان با

تحمل اندکی انتظار و رسیدن تعرفه در همان شعبه رأی داده‌اند و یا به شعب همجوار مراجعه کرده‌اند.

هرچندکه اتمام تعرفه (در صورت رخداد امر) می‌تواند دقایقی موجب توقف عملیات رأی‌گیری شود اما تردیدی نیست که این امر تأثیری در سرنوشت آرای مأخوذه نداشته و موجبی برای خدشه و تقلب در آرای مأخوذه محسوب نمی‌گردد. گزارش‌های متعدد و مستند ناظرین و بازرسین شورای نگهبان از سراسر کشور حاکی است، در هیچ یک از شعب اخذ رأی، به دلیل عدم وجود تعرفه، رأی‌گیری تعطیل نشده است و در شعبه‌هایی که به دلیل استقبال گسترده مردم، با کمبود تعرفه مواجه و اخذ رأی برای دقایقی به تأخیر افتاد، بلافاصله نسبت به ارسال تعرفه و رفع نیاز اقدام گردید. (این اتفاق در بسیاری از انتخابات گذشته نیز سابقه دارد)

الف ـ ۳) در خصوص میزان تعرفه‌های چاپ شده و مسائل مربوط به آن باید گفت: در پی وصول شکایت‌های نامزدهای محترم، شورای نگهبان بازرسین ویژه‌ای به ستاد انتخابات کشور و چاپخانه بانک‌ملی جمهوری اسلامی ایران (محل چاپ تعرفه‌های انتخابات) اعزام نمود. بازرسین اعزامی پس از بررسی همه‌جانبه و اخذ صورتجلسه‌های مختلف، طی نامه شماره ۸۸/۱۱/۳۳۵۸۳ مورخ ۸۸/٤/۹ اعلام نمودند وزارت‌کشور قبل از انتخابات اقدام به چاپ ۵۸ میلیون و ۸۷۵ هزار برگ تعرفه نموده است. همچنین در روز اخذ رأی مورخ ۸۸/۳/۲۲ پس از هماهنگی با این شورا به‌منظور جلوگیری از کمبود احتمالی تعرفه و امکان توزیع مناسب آن در سراسر کشور، تعداد دو میلیون برگ تعرفه دیگر به چاپ رسید.

توضیح این نکته ضروری است در تمامی انتخابات قبلی نیز به دلیل سیال بودن جمعیت رأی دهنده در سطح کشور، وزارت‌کشور اقدام به چاپ تعرفه به میزان قابل توجهی بیش از شمار واجدین شرایط می‌نمود. در این دوره نیز علاوه بر اتخاذ همین تدبیر، تعرفه‌های هر استان با کد خاص چاپ شد تا امکان جابه‌جایی تعرفه‌ها بین استان‌ها وجود نداشته باشد. این امر هرچند که به سلامت و دقت انتخابات کمک نمود مع‌الوصف با عنایت به حضور گسترده مردم و نیاز بسیاری از حوزه‌های اخذ رأی به ارسال دوباره تعرفه، تبادل تعرفه بین استان‌ها را غیرممکن ساخت. به همین دلیل تعرفه‌های چاپ شده در روز اخذ رأی بدون کد استان

به چاپ رسید. (قابل ذکر است کل تعرفه‌های چاپ شده در قبل از انتخابات و روز اخذ رأی دارای شماره سریال می‌باشد.)

لازم به ذکر است مجموعاً در روز ۲۲ خرداد، تعداد ۳۹ میلیون و ۳۷۱ هزار و ٢١٤ برگ تعرفه در سراسر کشور به مصرف رسید و تعداد ٦٥٠ هزار برگ تعرفه نیز در چاپخانه بانک ملی موجود است و صورتجلسه پلمب آن که به امضای نمایندگان ستاد انتخابات کشور، حراست وزارت کشور، حراست چاپخانه بانک ملی، شورای نگهبان و نماینده بانک ملی رسیده است در این شورا موجود می‌باشد. از مجموع تعرفه‌های باقی‌مانده در قرنطینه چاپخانه، استانداری‌ها و فرمانداری‌های تابعه کشور وکسر از تعرفه‌های چاپ شده، تعداد ۲۰ میلیون و ۸۵۳ هزار و ٧٨٦ برگ تعرفه باقی ماند که براساس قانون انتخابات و آیین‌نامه مربوطه، تعرفه‌های باقی‌مانده هر حوزه اخذ رأی به ستاد انتخابات تحویل می‌گردد.

در این راستا از سراسر کشور تعداد ۲۰ میلیون و ۷۱۹ هزار و ١٦٢ برگ تعرفه به هیأت‌های اجرایی در سراسر استان‌ها تحویل و باقی‌مانده آن دسته از تعرفه‌های انتخاباتی که در بسته‌های یکصدتایی بخشی از آن مصرف شده نیز پس از شمارش آرا به همراه آرای مأخوذه در صندوق اخذ رأی قرار داده شده و پلمب گردید. هم اکنون این تعرفه‌ها نیز در صندوق‌ها موجود می‌باشد. لازم به ذکر است که تعداد ۵۷۰ هزار تعرفه نیز برای ایرانیان مقیم خارج از کشور ارسال شده است. (پیوست شماره ٤٩) از این رو و با عنایت به بررسی همه‌جانبه و گسترده کارشناسان و ناظران و بازرسان ویژه شورای نگهبان، چاپ تعرفه‌های اخذ رأی براساس روال معمول بوده و هیچ تعرفه‌ای برخلاف روال قانونی توزیع نشده است. در عین حال در خصوص توزیع نامناسب تعرفه‌ها و عدم اتخاذ تدابیر مناسب جهت رفع این مشکل که منجر به کمبود تعرفه در بعضی شعب و توقف کوتاه مدت اخذ رأی گردید، در روز اخذ رأی وزارت کشور با دریافت تذکر از شورای‌نگهبان در کنار اهتمام احسن به انجام وظایف اجرایی، نسبت به توزیع صحیح و سریع تعرفه‌ها اقدام نمود. هرچند در پی استقبال بی‌سابقه مردم و نیز عدم توزیع مناسب تعرفه‌ها در معدودی از شعب اخذ رأی مشکلاتی پدید آمد، اما با پیگیری‌های شورای‌نگهبان و تلاش وزارت کشور، این مشکل بلافاصله برطرف شد، به گونه‌ای‌که اندک تعلل و قصور پیش آمده

که معمول در هر انتخابات است هیچ‌گونه تأثیری در روند انتخابات از خود به جا ننهاد.

ب) جلوگیری از حضور نماینده نامزدها یا اخراج آنها در برخی شعب اخذ رأی

به‌موجب ماده واحده «قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری در شعب اخذ رأی» مصوب سال ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی، نامزدهای محترم می‌توانند نسبت به معرفی نماینده جهت حضور در شعب اخذ رأی اقدام نمایند. بر همین اساس ستاد انتخابات وزارت کشور با طراحی «سامانه اینترنتی ویژه برای ثبت‌نام از نمایندگان نامزدها» مقدمات این امر را فراهم نمود. هرچند که به تصریح تبصره دو ماده واحده فوق‌الذکر تا پنج روز قبل از روز اخذ رأی، نامزدها فرصت دارند نماینده خود را معرفی نمایند، اما بنا برگزارش وزارت کشور، این تبصره قانونی مورد بی‌توجهی نامزدهای محترم قرار گرفت، به نحوی که بخش قابل توجهی از نمایندگان نامزدها، در روز ۸۸/۳/۱۹ یعنی سه روز قبل از انجام انتخابات به ستاد انتخابات و فرمانداری‌ها معرفی شدند. با این حال و علی‌رغم سپری شدن زمان قانونی، برای نمایندگان معرفی شده کارت شناسایی جهت حضور در حوزه‌های اخذ رأی صادر گردید. در این راستا جناب‌آقای محسن رضایی در ۱۲درصد، جناب آقای مهدی‌کروبی در ۳۰ درصد، جناب آقای احمدی‌نژاد در ۷۲ درصد و جناب آقای میرحسین موسوی در ۸۹ درصد از شعب اخذ رأی نماینده ناظر داشته‌اند. در همین حال در پی بررسی‌های همه‌جانبه شورای نگهبان و اخذ آمار تقاضاهای نامزدهای محترم معلوم شد آقای محسن رضایی ۵۴۲۱ نماینده به وزارت کشور و فرمانداری‌ها معرفی نموده است که برای تمامی ۵۴۲۱ نفرکارت صادر شده است. آقای مهدی‌کروبی ۱۳ هزار و ۵۰۶ نفر به‌عنوان نماینده به وزارت کشور و فرمانداری‌ها معرفی نموده است که برای تمامی ۱۳ هزار و ۵۰۶ نفر کارت صادر شده است، آقای احمدی‌نژاد ۳۳ هزار و ۵۸ نفر به‌عنوان نماینده به وزارت کشور و فرمانداری‌ها معرفی نموده است که برای تمامی ۳۳ هزار و ۵۸ نفر کارت صادر شده است و نیز آقای میرحسین موسوی ۴۵ هزار و ۶۹۲ نفر به‌عنوان نماینده به وزارت کشور و فرمانداری‌ها معرفی نموده است که برای ۴۰ هزار و ۶۹۶ نفر کارت صادر شده و علت کسری صدور کارت برای نمایندگان آقای موسوی کامل نبودن مدارک ارائه شده بوده است. (پیوست‌شماره ۵۰)

در خصوص اخراج نمایندگان نامزدها از شعب اخذ رأی که از دیگر شکایت‌های نامزدهای محترم است، شورای نگهبان نسبت به موضوع بررسی دقیق و گسترده و نیز پیگیری‌های میدانی به عمل آورد. در روز اخذ رأی از مجموع ٤٥ هزار و ٦٩٢ صندوق اخذ رأی جمعاً ۹۰ گزارش حاکی از اخراج نماینده نامزدها یا ممانعت از حضور ایشان در شعب اخذ رأی به شورای نگهبان واصل شد. ستاد انتخاباتی آقای محسن رضایی سه گزارش، ستاد آقای مهدی کروبی چهارده گزارش و ستاد آقای میرحسین موسوی هفتاد و سه گزارش ارائه نمودند. صرف نظر از این که گزارش‌های واصله عموماً به دلیل فقدان هرگونه ضمائم و مدارک استنادی، ناموجه و غیرقابل پذیرش بوده است مع‌الوصف به‌منظور عمل به وظیفه و اعمال نظارت همه جانبه بر روند انتخابات تمامی گزارش‌ها و حتی گزارش‌های ناقص و مبهم در همان روز مورد بررسی دقیق قرار گرفت. متعاقب بررسی‌های به عمل آمده معلوم شد هیچ یک از افرادی که در گزارش‌ها به‌عنوان نمایندگان اخراج شده معرفی شده بودند، واجد عنوان نماینده نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری نبوده و در هیچ شعبه‌ای از شعب اخذ رأی گزارشی از عدم پذیرش هیچ‌یک از نمایندگان معرفی شده نامزدها که از سوی فرمانداری‌ها برای ایشان کارت صادر شده بود واصل نشده است.

در عین حال در سراسر کشور از ٤٥ هزار و ٦٩٢ صندوق اخذ رأی، تعدادی از نمایندگان کاندیداها اقدام به دخالت در امر اخذ رأی یا سایر تخلفات قانونی نمودندکه پس از تذکر اولیه براساس تبصره ۵ ماده واحده قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری در شعب اخذ رأی با ایشان رفتار شد. براساس گزارش‌های مستند، این اقدام نسبت به پنج نفر از نمایندگان انجام پذیرفته است.

پ) دخالت اعضای شعب اخذ رأی در رأی افراد و ترغیب به رأی دادن به فرد خاص

یکی دیگر از شکایت‌هایی که به‌عنوان تخلف انتخاباتی از سوی نامزدها عنوان شده بود، عبارت است از دخالت اعضای شعب اخذ رأی و ترغیب افراد به رأی دادن به نامزد خاص. در این خصوص از تعداد ٤٥ هزار و ٦٩٢ صندوق اخذ رأی مجموعاً یکصد و پنجاه شکایت

با عنوان فوق‌الذکر به شورای نگهبان واصل شده است. از این تعداد سی مورد مربوط به ستاد انتخاباتی آقای محسن رضایی، چهل و شش مورد مربوط به ستاد انتخاباتی آقای مهدی کروبی و هفتاد و چهار مورد مربوط به ستاد انتخاباتی آقای میرحسین موسوی می‌باشد. هر چند افراد رأی دهنده با آگاهی قبلی و پس از انتخاب کاندیدای مورد نظر، به شعبه‌های اخذ رأی مراجعه می‌نمایند و شائبه تأثیر تبلیغ یا ترغیب احتمالی آنان بسیار ناچیز و دامن زدن به این شبهه نوعی بی‌احترامی به انتخاب و شعور رأی دهندگان است، اما صرف نظر از این موضوع میزان شکایت واصله، یعنی تعداد یکصد و پنجاه مورد در مقایسه با ٤٥ هزار و ٦٩٢ صندوق اخذ رأی عدد قابل توجهی به حساب نمی‌آید. مع‌الوصف شورای نگهبان به محض وصول شکایت‌های مذکور با بررسی همه‌جانبه و با بهره‌گیری از بازرسان قانونی به بررسی صحت و سقم گزارش‌ها پرداخت. نتیجه بررسی‌ها حکایت از آن دارد که از مجموع شکایت‌های واصله بعضی از گزارش‌ها واهی و حتی در مواردی گزارش‌هایی برخلاف آن موجود و در چند مورد معدود نیز بلافاصله برخورد قانونی صورت گرفته است.

ت) عدم ممهور نمودن تعرفه یا شناسنامه‌ها و اخذ رأی از افراد فاقد شرایط

همزمان با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ٤٥ هزار و ٦٩٢ صندوق اخذ رأی، مجموعاً چهل و نه گزارش از سراسر کشور مبنی بر ممهور ننمودن شناسنامه‌ها و همچنین اخذ رأی از افراد فاقد شرایط رأی دادن به شورای نگهبان واصل شده است. از مجموع این گزارش‌ها سه مورد از سوی ستاد آقای محسن رضایی، پانزده مورد از سوی ستاد آقای مهدی کروبی و سی‌ویک مورد از سوی ستاد آقای موسوی به شورای نگهبان واصل شده است که بعضی از این شکایت‌ها به‌طور مشترک توسط ستاد داوطلبان تنظیم شده است. شورای نگهبان بلافاصله پس از دریافت این گزارش‌ها با بهره‌گیری از عوامل نظارتی نسبت به احراز صحت و سقم و ارزیابی آنها اقدام نمود. در این مرحله مشاهده شد اکثر این گزارش‌ها براساس تصور نادرستی شکل گرفته و صحت ندارد. به‌عنوان نمونه در گزارش‌های ارسالی از ستاد یکی از کاندیداها گزارشی وجود دارد که در آن آمده است: «مهر را به قسمت مربوط به کوپن ارزاق می‌زنند». بدیهی است با استناد به چنین گزارش‌هایی، نمی‌توان صحت انتخابات را مورد خدشه قرار داد.

ث) الزام رأی دهندگان به استفاده از خودکارهای موجود در شعب اخذ رأی

این موضوع که درگزارش‌ها و شکایت‌های نامزدهای محترم مطرح شده است، در اصل نشأت گرفته از شایعه‌ای است که از چند روز قبل از انتخابات در جامعه مطرح بود. با این که شایعه استفاده از خودکارهای تقلبی به‌طور گسترده‌ای در سطح جامعه منتشر شده بود، مع‌الوصف هیچ قرینه‌ای حاکی از صحت این شایعه و یا مشاهده حتی یک مورد خودکار تقلبی در سراسر کشور به‌دست نیامد. همچنین به رغم شکایت‌هایی که به‌صورت غیرمستند ارائه شده بود، در هیچ یک از شعب اخذ رأی موردی بر اجبار مردم به استفاده از خودکارهای موجود در محل اخذ رأی مشاهده نشد. صرف نظر از این که بر فرض صحت موضوع، معلوم نیست کسی که از خودکار موجود در شعبه استفاده می‌کند، به چه کسی رأی می‌دهد. به هرحال استناد به این امر به‌عنوان تقلب در انتخابات، فاقد وجاهت قانونی است، طرح این قبیل موضوعات پیش از آنکه موردی مستند و مستدل از تقلب انتخاباتی باشد، بیشتر به مناقشه در امر انتخابات شبیه است.

ج) عدم تمدید زمان رأی گیری و بسته بودن شعب اخذ رأی

از مجموع ٤٥ هزار و ٦٩٢ صندوق اخذ رأی در سراسر کشور، هفده مورد شکایت از عدم تمدید زمان اخذ رأی به شورای نگهبان واصل گردیدکه هشت مورد از سوی ستاد آقای محسن رضایی، یک مورد از سوی ستاد آقای مهدی‌کروبی و هشت مورد هم از سوی ستاد آقای میرحسین موسوی اعلام شده است. در این انتخابات نیز به مانند سایر انتخابات برگزار شده، به‌دلیل استقبال گسترده و بی‌نظیر مردم، زمان اخذ رأی چهار مرتبه تمدید شد ضمن این که رأی‌گیری برخلاف دوره گذشته به جای ساعت ۹ صبح از ۸ صبح آغاز گردید.

توضیح این که به تصریح ماده ۲۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری مدت زمان اخذ رأی مقید به ده ساعت می‌باشد. وزارت‌کشور هم نقشی در تعیین این زمان نداشته و قانون، زمان برگزاری انتخابات را به‌صورت قطعی تعیین نموده است، لذا شایعه تعطیلی شعب اخذ رأی ناشی از عدم اطلاع از قانون است. همچنین براساس تبصره یک ماده مذکور، تمدید مدت زمان رأی‌گیری و تشخیص ضرورت آن، بر عهده وزیر محترم کشور است. در انتخابات اخیر، انتخابات از ساعت ۸ صبح روز جمعه ۲۲ خرداد ماه آغاز شد و طبق ماده فوق‌الذکر در

ساعت ۱۸ وقت قانونی آن به پایان رسید. پس از آن و در پی مشاهده حضور گسترده و چشمگیر مردم، وزیر کشور در چهار مرحله پیاپی انتخابات را تا ساعت ۲۲ تمدید نمود. مع‌الوصف درساعات پایانی اخذ رأی ستاد انتخابات وزارت‌کشور طی اطلاعیه‌ای اعلام داشت تا زمانی که رأی‌دهنده‌ای در مقابل شعب اخذ رأی حاضر است، افراد به داخل شعبه هدایت شده و نسبت به اخذ رأی از ایشان اقدام‌گردد. بر این اساس و به استناد گزارش‌های معتبر، تمام شعب اخذ رأی تا هنگام حضور افراد رأی دهنده فعال بوده و هیچ شعبه‌ای در سراسر کشور نبوده است که به رغم حضور افراد از اخذ رأی خودداری نموده و در شعبه بسته شده باشد. قابل توجه این‌که برخی شعبه‌ها در تهران و استان گلستان تا ساعات ۱/۳۰ و حدود ۲ بامداد نیز مشغول اخذ رأی بوده‌اند. (پیوست‌های شماره ۵۱ و ۵۲)

ذکر این نکته ضروری است چنانچه پس از اتمام ساعت اخذ رأی و زمان تمدید شده و در هنگامی‌که رأی دهنده‌ای در شعبه حضور ندارد، عوامل اجرایی می‌توانند اقدام به گشودن صندوق رأی نموده و شمارش آرا را آغاز نمایند.

بدیهی است در این شرایط چنانچه فرد یا افرادی جهت رأی دادن به محل شعبه مراجعه نمایند، اخذ رأی از ایشان ممنوع بوده و خلاف قانون می‌باشد. پس از بررسی‌های به عمل آمده معلوم شد اغلب گزارش‌های ارسالی مبنی بر عدم اقدام شعب به اخذ رأی، مربوط به این زمان بوده که عدم اخذ رأی، دقیقاً منطبق با قانون بوده است.

چ) خرید و فروش آرا

از مجموع ٤٥ هزار و ٦٩٢ صندوق اخذ رأی در سراسرکشور در روز ۲۲ خرداد، تعداد ده مورد گزارش مبنی بر خرید و فروش آرا از سوی ستاد نامزدهای محترم به شورای نگهبان واصل شد. سه مورد از این گزارش‌ها از ستاد آقای محسن رضایی، سه مورد از ستاد آقای کروبی و چهار مورد از ستاد آقای میرحسین موسوی ارائه شده است. قبل از بررسی صحت و سقم موضوع می‌توان به تأثیر مجموعاً ده مورد گزارش از مجموع قریب به ٤٠ میلیون رأی مأخوذه توجه نمود.

مع‌الوصف شورای نگهبان براساس وظیفه ذاتی خود و بدون توجه به تأثیر ناچیز این تعداد

تخلف در سلامت انتخابات، نسبت به بررسی بدون اغماض و قاطع تمامی گزارش‌ها اقدام نمود که در سراسر کشور حتی یک سند برای اثبات این ادعا ارائه نشد و به نظر می‌رسد طرح چنین ادعایی خصوصاً آنگونه که درگزارش ستاد یکی از نامزدها آمده مبنی بر این‌که رأی مردم در قبال ۵ هزار تومان خریداری می‌شود، صرف نظر از نادرستی آن، متضمن توهین به شعور و آگاهی رأی‌دهندگان است.

ح) انتقال صندوق به محل دیگر

در روز اخذ رأی، یازده گزارش از مجموع ٤٥ هزار و ٦٩٢ صندوق اخذ رأی به شورای نگهبان ارسال شد که در آنها ادعا شده بود تعدادی صندوق اخذ رأی از محل خود خارج شده است. از این گزارش‌ها یک مورد توسط ستاد آقای محسن رضایی، سه مورد توسط ستاد آقای کروبی و هفت مورد هم توسط ستاد آقای میرحسین موسوی به شورای نگهبان ارسال شده است. در هر مورد شورای نگهبان نسبت به پیگیری دقیق و موشکافانه گزارش‌های ارسالی اقدام نمودکه نتیجه آن، عدم صحت گزارش‌های مذکور می‌باشد. صرف نظر از بررسی‌های فوق‌الذکر اساساً در روز اخذ رأی در کنار ازدحام بیش از حد مردم در شعب اخذ رأی با حضور ناظران شورای نگهبان و نیز حضور نمایندگان نامزدها، اساساً امکان چنین اقدامی وجود نداشته و طرح و القای چنین شبهاتی از سر بی‌توجهی به فضای پرشور انتخابات و حضور انبوه مردم مشتاق و نیز ترکیب افراد حاضر در شعب اخذ رأی می‌باشد.

خ) تبلیغ در روز اخذ رأی به نفع کاندیدایی خاص

شکایت از تبلیغ غیرقانونی در روز اخذ رأی نیز از جمله مواردی است که نامزدها در شکایت‌های تقدیمی خود به آن پرداخته‌اند. در این خصوص شصت و هفت گزارش بیانگر تخلف تبلیغاتی در شعبات اخذ رأی در سراسر کشور می‌باشد.

بخش قابل توجهی از این گزارش‌ها به گونه‌ای است که با فرض قبول ارتکاب احتمالی آن در محدوده برخی از شعب اخذ رأی، نمی‌توان آن را از مصادیق تخلفات انتخاباتی وزارت کشور به‌عنوان مسوول برگزاری انتخابات دانست. مثلاً گزارش‌های مختلفی از ستاد تبلیغاتی آقایان مهدی کروبی و میرحسین موسوی واصل شدکه در آنها به عبورخودرو با عکس

کاندیدایی خاص اشاره و حتی شماره خودروی مورد نظر هم ارسال شده است. بدیهی است که این تخلف و موارد مشابه بسیاری که در گزارش‌ها آمده در زمره تخلفات مرجع برگزارکننده انتخابات نمی‌باشد. با این وجود براساس همین گزارش‌ها چنانچه تبلیغات انتخاباتی له یا علیه نامزدها در محدوده شعبه‌ای صورت می‌گرفته شورای نگهبان از طریق نمایندگان حاضر در شعبه و با کمک نیروهای انتظامی مستقر در محل با پیگیری اکید و موثر نسبت به رفع تخلف گزارش شده اقدام می‌نمود.

د) استفاده از امکانات دولتی

اگر چه این شکایت نیز همانند بسیاری از شکایت‌های دیگر، فاقد مستندات کافی است و معلوم نیست دقیقاً منظور از استفاده از امکانات دولتی چیست، لیکن با توجه به این‌که در برخی شکایت‌ها استفاده رئیس‌جمهور فعلی از هواپیماهای دولتی مورد ایراد واقع شده است، بررسی لازم نسبت به این موضوع به عمل آمد که در نهایت مشخص شد در این خصوص، مطابق با مصوبه شورای امنیت کشور راجع به حفاظت شخصیت‌ها عمل شده است.

ذ) پلمب صندوق‌های اخذ رأی بدون حضور نمایندگان نامزدها و عدم نظارت ایشان بر تجمیع آرا

وفق ماده ۲۹ قانون انتخابات ریاست جمهوری، بستن و ممهور نمودن صندوق‌های خالی و بدون رأی باید در حضور نمایندگان هیأت نظارت، یعنی نمایندگان شورای نگهبان صورت پذیرد. تعداد صندوق‌ها و خالی بودن آنها در صورتجلسه‌ای که قبل از شروع رأی‌گیری تنظیم می‌گردد، باید توسط ایشان گواهی شود. بدیهی است به لحاظ قانونی حضور نمایندگان شورای نگهبان و هیأت اجرایی در این مرحله الزامی بوده و اساساً هیچ صندوقی بدون حضور ناظرین شورای نگهبان پلمب نمی‌شود. مع‌الوصف و به استناد قانون، نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری در شعب اخذ رأی، می‌توانند حضور پیدا کنند و در تمامی مراحل انتخابات از جمله در مرحله پلمب صندوق‌های اخذ رأی حضور داشته باشند، ولی این حضور الزامی نبوده و عدم حضور ایشان به هیچ وجه نمی‌تواند مانع پلمب نمودن صندوق‌ها و در نتیجه تأخیر در شروع اخذ رأی باشد. بر این اساس طی تحقیقات به‌عمل آمده مشخص شد در بسیاری از شعب اخذ

رأی نمایندگان کاندیداها علی‌رغم علم و اطلاع قبلی، پس از گذشت یک یا چند ساعت از شروع اخذ رأی در محل اخذ رأی حاضر و به انجام وظایف خود پرداخته‌اند.

بدیهی است در چنین شرایطی، نمی‌توان انتخابات را به‌دلیل عدم حضور آنان متوقف نمود و مردم را تا زمان آمدن نماینده مورد نظر به انتظار گذاشت. ثانیاً این تخلف در صورت وقوع در ساعات آغازین اخذ رأی رخ داده و طبیعی است که گزارش آن نیز می‌بایست در کنار ده‌ها گزارش دیگر ستاد انتخاباتی نامزدها، به شورای نگهبان ارسال می‌شد. نامزدهای محترم حتی یک گزارش از مجموع ٤٥ هزار و ٦٩٢ صندوق اخذ رأی ارائه ننموده‌اندکه حاکی از ممانعت از حضور ایشان در هنگام پلمب صندوق‌ها باشد. منطق، حکم می‌کند وقتی ستاد انتخاباتی هر دو نامزد محترم موارد متعددی از عبور خودروها با عکس نامزد خاص را با ذکر شماره آن خودرو به شورای نگهبان اعلام می‌نمایند، از کنار این موضوع مهم عبور نکرده و گزارش دقیقی در خصوص آن به شورا ارائه دهند. همان‌گونه که ذکر شد به گواهی شکایت‌ها و اسناد موجود ـ که عنداللزوم در اختیار رسانه‌ها قرار خواهد گرفت ـ حتی یک مورد گزارش در این خصوص دیده نمی‌شود، حال آنکه هر دو نامزد محترم در تاریخ ۸۸/۳/۲۵ یعنی سه روز پس از برگزاری انتخابات در این خصوص به تقدیم شکایت و اعتراض مبادرت می‌نمایند. البته در همین نامه‌ها نیز حتی از نام یک شعبه اخذ رأی که از حضور نماینده ایشان در هنگام پلمب صندوق جلوگیری شده باشد ذکری به میان نیاورده‌اند. طرح موضوعات کلی و اتکا به شنیده‌ها و حدسیات، تنها قرائن و امارات در تقدیم این بخش از شکایت نامزدها می‌باشد.

ر) عدم حضور یا نظارت نمایندگان نامزدها در زمان تجمیع آرا

به موجب ماده واحده مصوب ۱۳۷۹/۵/۳۰ مجلس شورای اسلامی که حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری در شعب اخذ رأی را مجاز می‌شمارد، دو نامزد محترم با استقرار ٥٤ هزار و ۱۸۲ نماینده در شعب اخذ رأی، فرمانداری‌ها و مراکز تجمیع آرا بر تمامی مراحل اخذ رأی نظارت می‌نمودند. گواه این امر بیش از یکصد نامه نمایندگان نامزدها به شورای نگهبان در حوزه‌های انتخابیه و شهرهای مختلفی است که هر یک در برگیرنده ده‌ها و صدها شعبه اخذ رأی است و همگی حاکی از ابراز رضایت نمایندگان نامزدها از برگزاری با شکوه انتخابات و تأکید و

تشکر از سلامت انتخابات است. متن تمامی نامه‌های فوق‌الذکر در شورای نگهبان موجود است که عنداللزوم در اختیار رسانه‌ها قرار خواهد گرفت. در ستاد مرکزی انتخابات کشور و هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات نیز نمایندگان محترم نامزدها حاضر و ناظر بر تمام مراحل تجمیع و اعلام نتایج بوده و بسیاری از آنها در ساعت ٦ صبح روز شنبه ۸۸/۳/۲۳ محل مأموریت خود را ترک نمودند. از این رو شائبه و شبهه عدم حضور نمایندگان نامزدها در مرحله تجمیع آرا با وجود مستندات متقن و غیرقابل انکار، ادعایی غیرواقعی است. مع‌الوصف و به رغم وجود دلایل متقن، شورای نگهبان برای رفع شبهه‌ها و تنویر افکار عمومی، کراراً از نامزدهای محترم درخواست نمود چنانچه نمونه‌ای و یا حتی قرینه‌ای حاکی از اختلاف آرای شمارش‌شده با آرای تجمیع شده در حوزه‌ای سراغ دارند به شورای نگهبان ارائه نمایند. با وجود تمدید زمان بررسی شکایت‌ها براساس حکم رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) و پیگیری‌های مکرر این شورا هیچ گزارشی در این خصوص ارائه نشد. در عین حال در بازشماری آرای حوزه‌های انتخابیه استان‌های اصفهان، فارس، خوزستان و کرمانشاه که به تقاضای آقای محسن رضایی انجام شد و نیز در بازشماری آرای سایر مناطق کشور که به ابتکار شورای نگهبان و به منظور رفع هرگونه تردید در سلامت انتخابات صورت گرفت، مغایرتی محسوس بین آرای شمارش‌شده و آرای اعلام شده در مرحله تجمیع ملاحظه نشد.

ز) حضور بیش از صد درصد واجدین شرایط در برخی حوزه‌های انتخابیه

تردیدی نیست یکی از آرزوهای هر نظام سیاسی، مشارکت حداکثری مردم در انتخابات است. این مهم در حماسه پرشور و جاوید رفراندوم جمهوری اسلامی با مشارکت ۹۸/۲ درصد مردم غیرتمند ایران اسلامی محقق شد و جهانیان شاهد اتحاد و اعتقاد قلبی مردم ایران به نظام جمهوری اسلامی بودند. مشارکت ۸۵ درصدی مردم سرافراز ایران، در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، آن هم پس از گذشت سی سال از تاسیس نظام اسلامی نشانه عمق پیوند و رابطه مستحکم مردم با نظام و یادآور حماسه جاوید رفراندوم جمهوری اسلامی است. متأسفانه این مهم که به‌حق یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است، مورد بی‌مهری و حتی تخریب برخی افراد قرار گرفت، به نحوی که این حجم وسیع و گسترده از میزان مشارکت ۸۵

درصدی مردم را بر نتافته و آن را نشانه تخلف و یا تقلب در انتخابات قلمداد نموده و به انحای مختلف به تضعیف آن پرداختند. علی رغم فضاسازی‌های گسترده و مسموم که در روزهای اخیر نسبت به این موضوع در داخل و خارج کشور صورت گرفته، خاطر مردم عزیز را مستحضر می‌دارد هیچ یک از نامزدهای محترم یا نمایندگان ایشان، حتی یک برگ شکایت کتبی در این خصوص به شورای نگهبان تسلیم ننموده‌اند و اساساً این موضوع جزء شکایت‌های ایشان قلمداد نمی‌گردد. با این حال با عنایت به فضاسازی‌های غیرمنصفانه اخیر، شورای نگهبان برخود فرض می‌داند نتیجه بررسی این شبهه‌ها را نیز به اطلاع عموم برساند. در این راستا در ابتدای طرح این موضوع در جامعه، از روسای محترم سازمان ثبت احوال و مرکز آمار کشور دعوت و در خصوص آمار واجدین شرایط از ایشان سوال شد و متعاقبا ضمن بررسی گسترده موضوع و مقایسه تطبیقی نتایج اعلامی با نتایج انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری، نتایجی به شرح ذیل حاصل گردید:

آمار واجدین شرایط

پس از جلسه روسای محترم سازمان‌های آمار و ثبت احوال، مشخص شد معیار اعلامی شرکت کنندگان در انتخابات در برخی حوزه‌های انتخابیه بعضاً آخرین سرشماری نفوس در سال ۱۳۸۵ و در مواردی آمار واجدین شرایط اعلامی در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری است. همچنین براساس اظهار مأمورین سازمان ثبت احوال، مدارک آن سازمان در اعلام آمار افراد هر منطقه شناسنامه‌های صادره در آن محل می‌باشد. بدیهی است صدور شناسنامه ملازمه‌ای با حضور افراد در همان محل نداشته و افراد آزادند در هر محلی سکنا گزینند. علاوه بر آن تغییرات به عمل آمده ظرف سنوات اخیر در تقسیمات کشوری که اغلب جابه‌جایی جمعیت‌ها را به همراه دارد در کنار سفرهای تفریحی و ایرانگردی شهروندان در واپسین روزهای فصل بهار از جمله دلایل بروز نوسانات در کاهش و افزایش نصاب آرا در برخی حوزه‌های انتخابیه می‌باشد. معترضین با نادیده گرفتن این شاخص‌ها کم یا زیاد شدن تعداد واجدین شرایط حضور در پای برخی صندوق‌ها را دلیل بر تقلب و دستکاری در صندوق‌ها دانسته‌اند.

امکان تفکیک در تقسیمات کشوری و عدم امکان تفکیک جمعیتی

در بسیاری از استان‌های کشور و به‌خصوص در حاشیه شهرهای بزرگ، مناطق و شهرهایی وجود دارند که به لحاظ تقسیمات کشوری، مناطقی مستقل به شمار آمده، در نظام سیاسی کشور دارای هویتی مستقل بوده و به لحاظ جغرافیایی نیز امکان ترسیم نقشه‌ای مشخص و ممتاز از شهرهای مجاور آن وجود دارد اما در همین مناطق امکان تقسیم جمعیتی وجود نداشته و بخش زیادی از جمعیت شهر اصلی در شهرهای مناطق مجاور سکونت دارند، بدون این‌که جزء آمار آن به حساب بیایند. نمونه بارز این امر شمیرانات در شمال تهران و شهر ری در جنوب تهران است که پذیرنده بخش زیادی از جمعیت میلیونی تهران هستند. تردیدی نیست که بخش زیادی از جمعیت تهران که در مناطق یک و سه زندگی می‌کنند، بدون این‌که در زمره واجدین شرایط شمیرانات باشند، رأی خود را در آن منطقه به صندوق می‌ریزند. همچنین ساکنین منطقه بیست تهران که علی‌الظاهر تهرانی هستند رأیشان در حوزه شهر ری اخذ می‌شود. بی‌تردید در بسیاری از نقاط کشور نیز چنین وضعیتی وجود دارد و هرکس با اندک بررسی می‌تواند به عدم امکان تفکیک جمعیتی بر اساس تقسیمات کشوری در این مناطق پی ببرد.

حوزه انتخابیه‌ای به نام ایران

در انتخابات ریاست جمهوری چون قرار است از سراسر کشور یک نفر برگزیده شود کل کشور یک حوزه انتخابیه تلقی می‌شود. بنابراین مهم این است که کل آرای رأی‌دهندگان در سراسر کشور از آمار کل واجدین شرایط بیشتر نباشد. در این دوره از انتخابات نیز ۸۵ درصد از کل واجدین شرایط در انتخابات شرکت نمودند. هرچند این عدد پس از رفراندوم جمهوری اسلامی پرافتخارترین رکورد انتخاباتی کشور است، مع‌الوصف تا حضور صد درصدی مردم ۱۵ درصد فاصله دارد.

سیال بودن جمعیت

در انتخابات ریاست جمهوری، هیچ منعی برای حضور هر یک از آحاد جامعه در هر یک از شعب اخذ رأی در سراسر کشور و حتی خارج از کشور وجود ندارد، به نحوی که اگر تمام واجدین شرایط رأی دادن در یک محل جمع شوند و بخواهند رأی خود را به صندوق بیندازند، منع قانونی وجود ندارد. تنها موردی که جابه‌جایی جمعیتی رأی‌دهندگان آن بر اساس صراحت

قانون ممنوع است، مرحله دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی، خبرگان رهبری یا شوراها است که در آنجا افرادی که در مرحله اول انتخابات در حوزه‌ای شرکت کرده‌اند، صرفاً می‌توانند در مرحله دوم در همان حوزه رأی بدهند. در انتخابات ریاست جمهوری که قرار است از همه کشور یک نفر برگزیده شود، جابه‌جایی جمعیت، مجاز و عاری از منع قانونی است.

عوامل جابه‌جایی جمعیت

هرچندکه به دلایل ذکر شده، جابه‌جایی جمعیت رأی‌دهندگان در انتخابات ریاست جمهوری به لحاظ قانونی منعی ندارد اما در تشریح علل این جابه‌جایی موارد مختلفی قابل ذکر است که برخی از آنها عبارتند از:

۵/۱) حضور در مناطق ییلاقی و خوش آب و هوا در پایان هفته: امری که برای همه مردم تجربه‌ای ملموس بوده و قطعاً هر یک از آحاد مردم خاطره‌ای از آن دارند؛ مانند حضور مردم تهران در شهر دماوند و یا مردم خراسان در طرقبه و چناران.

۵/۲) جمعیت دانشجویی: بسیاری از شهرها به دلیل دربرگرفتن چندین واحد دانشگاهی (اعم از دولتی، آزاد، غیرانتفاعی، پیام نور و...) جمعیت قابل توجهی دانشجو را در خود جای داده‌اندکه طبعاً بخش زیادی از این جمعیت غیربومی بوده و در شمار واجدین شرایط آن شهر قلمداد نمی‌شوند.

۵/۳) جمعیت نظامی: شهرهای مختلفی در کشور، به دلایل مختلف نظامی و امنیتی کانون استقرار نیروهای نظامی و انتظامی، اعم از کادر و وظیفه می‌باشند.

معمولاً بخش قابل توجهی از این نیروها غیربومی بوده و طبعاً جزء واجدین شرایط رأی دادن آن منطقه قلمداد نمی‌شوند.

۵/۴) جمعیت کارگری: بسیاری از شهرها در مجاورت قطب‌های صنعتی یا کشاورزی کشور قرار دارند، به گونه‌ای که این شهرها پذیرنده نیروی کار از سراسر کشور بوده و به نوعی استراحتگاه نیروی کار می‌باشند. جمعیت این شهرها به‌طور متناوب در نوسان بوده و حتی براساس برخی آمارهای معتبر، جمعیت آنها در روز و در شب به دلیل آمد و شد به محل کارشان تفاوت محسوس و قابل توجهی دارد.

سابقه موضوع

در تأیید مطالب فوق کافی است به آمار شرکت کنندگان در انتخابات قبل توجه شود تا طبیعی و منطقی بودن این امر آشکار شود. به‌عنوان نمونه‌ای نزدیک، آمار انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری، حاکی است که درحوزه‌های بسیاری شمار شرکت کنندگان در انتخابات

به‌مراتب بیش از واجدین شرایط آن محل بوده است که نمونه‌ای از آن شمیرانات است با حدود ۸۰۰درصد مشارکت، یعنی هشت برابر بیش از تعداد واجدین شرایط. ملاحظه این آمار نشان‌دهنده این است که این موضوع به دلایل فوق‌الذکر، امری معمول و بلکه اجتناب ناپذیر است. با عنایت به همه موارد فوق بر هر صاحب عقل سلیمی معلوم می‌شود که این موضوع اساساً نمی‌تواند به‌عنوان یک تخلف انتخاباتی قلمداد شده و به بهانه آن مشارکت افتخار آفرین مردم ایران را زیر سوال برد. البته جای تأسف است که این شبهه از سوی کسانی در سطح جامعه مطرح و گسترده می‌شود که بعضاً خود برگزار کننده انتخابات در کشور بوده و به‌خوبی با این مسائل آشنا هستند و همین موضوع در دوره خود ایشان رخ داده و در عین حال با نادیده گرفتن حضور پرشور و گسترده مردم، این موضوع مسلّم و روشن را به‌عنوان مستمسک خود در امر تخلف انتخاباتی مطرح می‌نمایند.

شکایات مستقل هر یک از نامزدها

علاوه بر شکایت‌های مشترک فوق‌الذکر، شکایت‌های دیگری نیز به‌صورت مستقل توسط هر یک از نامزدهای محترم عنوان شد که بدین شرح است:

الف) شکایت‌های اختصاصی آقای کروبی

۱ـ قطع سیستم پیامک تلفن همراه در روز انتخابات

آقای کروبی در نامه ۸۸/۳/۲۵ خود، قطع سیستم پیامک را از جمله تخلفات روز رأی‌گیری دانسته و با استناد به آن، ابطال انتخابات کل کشور را خواستار شده‌اند. در این خصوص توجه به این نکته ضروری است که قطع سیستم پیامک تأثیری در روند سلامت انتخابات یعنی حضور و رأی دادن مردم ندارد، گواه این امر حضور آگاهانه چهل میلیونی مردم در انتخابات به رغم قطع سیستم پیامک است. علاوه بر آن که این ایراد از اساس ارتباطی به موضوع انتخابات ندارد و در انتخابات ادوار گذشته، فقدان سیستم پیامک موجبی برای تخلف در امر انتخابات تلقی نشده است.

۲ـ فعالیت اداره ثبت احوال در روز جمعه

رئیس ستاد آقای کروبی در تاریخ ۸۸/۳/۲۵ طی نامه شماره ٦٠١٤ به تعدادی از تخلفات انتخاباتی در روز ۲۲ خرداد اشاره نمودکه بخش عمده آنها در قسمت شکایت‌های مشترک پاسخ داده شد. از جمله موارد ذکر شده در این نامه به‌عنوان تخلف انتخاباتی و دلیل بر لزوم ابطال انتخابات کل کشور، فعالیت اداره ثبت احوال شهر دیواندره در روز رأی‌گیری است. در این خصوص به این توضیح اکتفا می‌شود که براساس رویه معمول در تمامی انتخابات‌های

قبلی و به‌منظور ایجاد تسهیلات بیشتر برای کسانی که قصد عکس‌دار نمودن شناسنامه خود را دارند و یا متقاضی دریافت شناسنامه المثنی هستند، سازمان ثبت احوال کشور به تمامی واحدهای تابعه خود دستور فعالیت تمام‌وقت و بدون تعطیلی صادر می‌نماید. از این رو اصل این امر قانونی و براساس وظیفه ذاتی ثبت احوال و به منظور تسهیل شرکت و حضور گسترده‌تر مردم در انتخابات است. صرف نظر از این امر، اساساً فعالیت یک اداره تحت هر عنوان در روز انتخابات در شهر دیواندره دلیلی بر تخلف انتخاباتی تلقی نمی‌شود تا بتوان به استناد آن ابطال انتخابات کل کشور را تقاضا نمود.

ب) شکایت اختصاصی آقای میر حسین موسوی

تعداد صندوق‌های سیار: بر اساس ماده ۵۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری، تشکیل شعب سیار اخذ رأی در مراکز بخش، شهرستان و نیز مناطق صعب‌العبور جزء اختیارات هیأت اجرایی است و این امر در تمامی انتخابات قبلی نیز وجود داشته است. بخشی از صندوق‌های سیار در مناطق دور افتاده و صعب‌العبور به‌کار گرفته می‌شود اما بخش قابل توجه این صندوق‌ها همیشه در شهرها و در اماکنی مثل پادگان‌ها، زندان‌ها، بیمارستان‌ها و... مورد استفاده قرار می‌گیرد. افزون بر این، تعدادی از صندوق‌های سیار به‌عنوان کمک به حوزه‌های اخذ رأی که با تراکم جمعیت ناشی از استقبال رأی‌دهندگان مواجه است، اعزام می‌شوند. این موضوع امری قانونی است که قانون‌گذار در ماده ۵۰ قانون انتخابات بدان تصریح نموده است. براساس همین قانون ضروری است که شورای نگهبان در خصوص تمامی صندوق‌های سیار اظهارنظر نموده و موافقت خود را با اعزام نماینده ناظر اعلام دارد. متأسفانه این موضوع ساده که از جمله نصوص مصرَّح در قانون انتخابات است به هر دلیلی مورد توجه قرار نگرفته و استفاده از صندوق‌های سیار در شهرها و یا نزدیک صندوق‌های ثابت را جزء تخلفات قلمداد نموده‌اند، حال آنکه به دلیل پیش گفته، این موضوع نه تنها تخلف نیست بلکه تکلیفی قانونی برای مجریان انتخابات است.

ج) شکایت اختصاصی آقای محسن رضایی

در ابتدا لازم است در خصوص شکایت و نیز انصراف آقای محسن رضایی از پیگیری شکایت‌های مطروحه مطالبی به استحضار مردم شریف ایران برسد:

آقای محسن رضایی پس از برگزاری انتخابات با ارسال سه نامه، شکایت‌هایی را از روند برگزاری انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری به شورای نگهبان ارائه نمود. دو مورد از این شکایت‌ها در فرجه سه روزه قانونی و یک مورد پس از انقضای مهلت واصل شد. همچنین

ایشان در روز شنبه ۳۰ /۸۸/۳ با حضور در شورای نگهبان تقاضای بازشماری ده درصد آرا تمامی مراکز استان و نیز برخی شهرهای مورد نظر خود را نمودندکه این تقاضا بلافاصله مورد موافقت شورای نگهبان قرار گرفت و مقرر شد آقای محسن رضایی نمایندگان خود را جهت بازشماری معرفی نمایند. هرچند این مهم با تأخیر و کندی صورت پذیرفت اما در هر مرحله و به محض معرفی نماینده آقای محسن رضایی، بازشماری در حوزه مورد نظر آغاز شد. مجموعاً آرای حوزه‌های اصفهان، کرمانشاه، خوزستان و فارس با حضور نمایندگان آقای محسن رضایی، اعضاء هیأت اجرایی و ناظرین شورای نگهبان بازشماری شد.(پیوست‌های شماره ۵۳ و ٥٤)

پس از پایان بازشماری آرا و عدم وجود مغایرت محسوس بین آرای اعلامی و نتایج بازشماری، آقای‌محسن رضایی در تاریخ ۸۸/٤/۲ با ارسال نامه شماره ۱۳۳۲۰/م انصراف خود از پیگیری شکایت‌های مطروحه را اعلام نمود.لذا در این گزارش صرفاً به تعداد شکایت‌ها و گزارش‌های واصله از ستاد ایشان اشاره شده و نظر به انصراف ایشان، از شرح و پاسخ آن خودداری می‌شود.

نظر نهایی شورای نگهبان

در مورد نتیجه کلی و نهایی دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، مورخ جمعه ۱۳۸۸/۳/۲۲، بدین‌وسیله اعلام می‌نماید پس از آگهی عمومی اعلام شکایت‌ها و اعتراض‌ها نسبت به روند رأی‌گیری و برگزاری انتخابات، طبق ماده ۸۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری علاوه بر مهلت قانونی دریافت شکایت‌ها، در دوره تمدید پنج روزه نیز نسبت به دریافت شکایت‌ها اقدام و متعاقب بررسی‌ها و رسیدگی‌های دقیق و همه‌جانبه، از آنجا که بخش عمده‌ای از موارد اعلامی از مصادیق تخلف یا تقلب انتخاباتی خارج و بعضاً تخلفات مختصری بوده که وقوع آن در اغلب انتخابات مشهود و غیرقابل اعتناست، سرانجام شورای نگهبان با بررسی موضوع در جلسات عدیده و با وارد ندانستن شکایت‌ها و اعتراض‌ها، صحت انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری را طبق ماده ۷۹ قانون انتخابات ریاست جمهوری مورد تایید قرارداد. شورای نگهبان فرصت را مغتنم شمرده، ضمن تکریم حضور حماسی و فراگیر مردم در برگزاری شکوهمند دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که با تجلی و ظهور جمهوریت نظام در کنار اسلامیت آن، برگ زرینی در تاریخ مردمسالاری دینی ایران اسلامی از خود به‌جا گذاشت، بر خود فرض می‌داند از تلاش همه جانبه وزارت محترم کشور، عوامل اجرایی، همچنین هیأت‌های نظارت و رسانه‌های گروهی و به‌ویژه از نامزدهای محترم که با حضور خود گرمی و رونق عرصه رقابت را فراهم آورده‌اند، قدردانی نماید.

بمنه و کرمه، ان‌شاءالله

۲۰ــ گزارش کمیته ویژه مجلس برای رسیدگی به حوادث پس از انتخابات (۲۰دی ماه ۱۳۸۸)

با استعانت از ذات لایزال الهی و مبتنی بر اصل هشتاد و چهارم قانون اساسی گزارش کمیته مربوط به بررسی حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری در دو بخش به استحضار همکاران در مجلس شورای اسلامی و همچنین همه ملت شریف ایران می‌رسد.

بخش اول:

چگونگی تشکیل کمیته و اقدامات انجام شده

پس از حوادث انتخابات ریاست جمهوری با تدبیر ریاست محترم مجلس شورای اسلامی جناب آقای دکتر لاریجانی کمیته‌ای جهت پیگیری مسائل مربوط به بازداشت شدگان و التهابات پیش آمده تشکیل شد، این کمیته متشکل از جمعی از اعضای کمیسیون‌های امنیت ملی، قضایی، بهداشت و درمان و آموزش و تحقیقات بوده است.

در فراز نخست این گزارش شایان ذکر است که قبل از تشکیل این کمیته در روز ٢٤ خرداد ماه یعنی دو روز پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری به مناسبت حوادث به وجود آمده در کوی دانشگاه تهران از جانب ریاست محترم مجلس شورای اسلامی کمیته‌ای با مسوولیت جناب آقای ابوترابی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی تشکیل شد.

لذا ارائه گزارش در خصوص حوادث خوابگاه دانشجویان بر عهده آن کمیته می‌باشد و این کمیته ورود در بررسی مسائل مربوطه به کوی نداشته است.

کمیته بررسی مسائل مربوط به حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری رسما در تاریخ پنجم مرداد ماه تشکیل شد، اولین جلسه رسمی کمیته در روز دوشنبه ششم مرداد ماه تشکیل و ضمن بررسی جوانب مختلف حوادث به وجود آمده تقسیم کار شد و مقرر گردید کمیته جلسه‌ای با دادستان وقت عمومی و انقلاب تهران تشکیل دهد.این جلسه در بعدازظهر همان روز تشکیل شد و قاضی مرتضوی در این جلسه گزارشی از روند دستگیری‌ها و بازداشتی‌ها ارائه داد، وی گفت هم اینک حدود ۳۹۰ نفر بازداشت هستند که از این تعداد حدود ۲۵۰ نفر بازداشتی‌های میدانی صحنه اغتشاشات و ۵۰ نفر بازداشتی‌های غیرمیدانی هستند.

از وی در خصوص کشته شدن سه تن از افراد بازداشت شده آقایان روح الامینی، کامرانی و جوادی فر پرسیده شد. وی دلیل این مساله را بنا بر بررسی‌های انجام شده از سوی پزشکی قانونی منتژیت دانست و متذکر شد که با سرعت در بازداشتگاه‌ها عملیات واکسیناسیون منتژیت در حال انجام می‌باشد،هیات از وی پرسید به چه دلیل دستگیرشدگان روز ۱۸ تیرماه

به بازداشتگاه کهریزک منتقل شدند ایشان ضمن مناسب و استاندارد دانستن این بازداشتگاه مساله فقدان ظرفیت زندان اوین را اصلی‌ترین دلیل جهت انتقال این بازداشت‌شدگان به کهریزک دانست.

در این جلسه هیات از دادستان وقت تهران خواست اولا کسانی که دارای اتهام سنگینی نیستند هرچه سریع‌تر آزاد شوند، ثانیا تکلیف همه بازداشت‌شدگان براساس قواعد حقوقی هرچه سریع‌تر تعیین شود، ثالثا اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها با سرعت انجام پذیرد تا التهابات ناشی از نگرانی آنان کاهش یابد، رابعا براساس گزارشات رسیده تخلفاتی از ناحیه برخی از ضابطین خصوصا در کهریزک وجود دارد، لذا هر چه سریع‌تر مسیر برخورد با آنان هموار گردد.هیات روز سه‌شنبه هفتم مردادماه به زندان اوین عزیمت کرد و طی دیدار پنج ساعته با همه زندانیان دستگیر شده میدانی اغتشاشات دیدار و سخنان آنان را استماع کرد.

در وهله نخست هیات به دیدار حدود ٦٠ تن از بازداشت شدگان منتقل شده از کهریزک به اوین رفت و به شکل مفصلی سخنان آنان را شنید. آنان مجموعه آزارهای انجام شده را به اطلاع هیات رساندند که اهم آن آزارها عبارت بود از زندانی شدن ۱٤٧ نفر در یک مساحت کم، عدم وجود تهویه، فقدان آب و غذای مناسب، شنیدن فحش‌های رکیک، کلاغ‌پر رفتن همراه با ضرب و شتم، همجواری با اراذل و اوباش و تحقیر شدن.پس از استماع سخنان آنان در جمع سایر بازداشت شدگان نیز حضور یافته و آنان نیز از روند دستگیری، بازداشت و انتقال به اوین نقطه‌نظرات خود را با هیات در میان گذاشتند. مجموعه سخنان آنان نیز اظهار نارضایتی از روند دستگیری و برخوردهای نامناسب در بازداشتگاه‌ها بود. لیکن هیچ گونه شکایتی از زندان اوین و ماموران و مسوولان آن نداشتند.

پس از دیدار با زندانیان هیات جلسه‌ای نیز با مسوولان زندان اوین و قاضی حداد معاونت وقت امنیت دادستانی تهران داشت. در آن جلسه مسوولان اوین اذعان داشتند که انتقال بازداشت شدگان هجدهم تیر به بهانه فقدان جا و ظرفیت در زندان اوین مطلب صحیحی نیست. زندان اوین کاملا آمادگی پذیرش آن بازداشت‌شدگان را داشته است.در همین روز با همکاری دادستان وقت تهران مقرر شد که حدود ١٤٠ تن از بازداشت‌شدگان که دارای اتهامات سنگینی نبودند، آزاد شوند که این مساله طی روزهای سه‌شنبه هفتم و چهارشنبه هشتم مردادماه محقق شد.

در روز چهارشنبه هشتم مردادماه جمعی از اعضای هیات از بند ٢٠٩ زندان اوین بازدید کردند. در این بازدید امکان تماس مستقیم با زندانیان فراهم نشد و صرفا از بندها و سلول‌ها و

امکانات موجود و همچنین سلول‌های مربوط به بازجویی‌ها بازدید به عمل آمد. در روز شنبه دهم مرداد جمعی از اعضای هیات با آقای علوی قائم مقام وزارت اطلاعات که در فقدان وزیر در اصل مسوولیت وزارتخانه را عهده‌دار بودند جلسه داشته و پس از این جلسه با حضور مجدد در بند ۲۰۹ زندان اوین هیات با دو تن از زندانیان آقایان قوچانی و چوبینه در خصوص وضعیت زندان و نوع تعامل ماموران و ضابطین گفت‌وگوی مفصلی نمود. بیشترین نگرانی آنان در خصوص بلاتکلیفی‌شان در زندان بود. پس از آن این هیات از بند ۲۴۰ زندان اوین بازدید کرد و پس از آن به شکل رندوم با دو تن از زندانیان آقایان امام و آقایی گفت‌وگو کرد. در این گفت‌وگو آنان از وضعیت زندان، ماموران، بازجویان و ضابطین شکایتی نداشتند اما بیان کردند که به دلیل آن‌که زندانی نظامی هستند که خود را متعلق و فدایی آن می‌دانند، شکوه دارند و این موضوع را عذاب روحی شدید برای خود می‌دانستند.

هیات در تاریخ ۲۱ مرداد ماه مجددا از زندان اوین بازدید به عمل آورد و با حضور در بندهای مختلف با بازداشت شدگان گفت‌وگو کردند. در نهایت جمعی از اعضای هیات از بند ۲ الف بازدید و با آقایان ابطحی، عطریانفر و تاج‌زاده نیز گفت‌وگو کردند. شایان ذکر است که با عنایت به نگرانی شدید آقای تاج‌زاده از سلامتی وی تا جایی که حتی شایعاتی مبنی بر کشته‌شدن او منتشر شده بود، هیات اصرار به ملاقات با تاج زاده داشت. خانم الهیان نیز از بند مربوط به نسوان بازدیدی به عمل آورد که در این رابطه گزارشی مبسوط تهیه و به مراجع ذی‌ربط ارسال نمودند. خانم الهیان متذکر شدند که خانم‌های حاضر در بند نسوان شکایتی از وضعیت زندان اوین نداشتند و بیشتر از زندانی بودن خود شاکی بودند.

روز دوشنبه ۱۹ مرداد ماه در پی تقاضای اعضای کمیته منصوب از ناحیه دو تن از کاندیداها که پیگیر مسائل بازداشت شدگان پس از انتخابات بودند با تقاضای قبلی جهت ملاقات با هیات در مجلس حضور یافته و با کمیته ملاقات کردند، در این ملاقات آنها ضمن تشریح دریافت‌های خود و گزارشات رسیده به آنان، مدعی شدند که ٦٩ نفر در حوادث اخیر کشته شده‌اند. این هیات از آنان خواست لیست حاوی اسامی و مشخصات این افراد را ارائه دهند، آنان نیز لیستی را متشکل از نام و فامیل ارائه کردند، پس از آن از آنها خواسته شد مشخصات بیشتری که قابل پیگیری باشد را ارائه دهند و آنان نیز پذیرفتند ولیکن تا زمان تدوین این گزارش جز همان ورقه حاوی نام و فامیل افراد اطلاعات تکمیلی واصل نشده است.در همان روز هیات جلسه‌ای را به تقاضای جمعی از خانواده‌های زندانیان از جمله خانم و خواهر تاج زاده، خانم میردامادی و خانم تاجرنیا با آنها داشت و نقطه نظرات آنها را نیز استماع کرد.

هیات همچنین با برخی از بازداشت شدگان پس از آزادی تماس گرفت و مجددا در شرایط جدید از آنان خواست چنانچه دارای اطلاعاتی هستند که در زمان بازداشت نتوانسته و یا نخواستند بیان نمایند را با کمیته در میان گذارند.پس از انتشار نامه آقای کروبی مبنی بر آزار جنسی برخی از زندانیان، کمیته با ایشان نیز جلسه مفصلی داشته و سخنان وی را استماع کرد. هیات همچنین ضمن دیدار با رئیس قوه قضاییه، آیت‌الله آملی لاریجانی در آغازین روزهای انتصاب ایشان ضمن ارائه گزارشی از مجموعه دریافت‌های خویش، خواهان تسریع در روند بررسی پرونده‌ها و تعیین تکلیف باقی مانده زندانیان شد.

کمیته طی جلسه‌ای با هیات سه نفره منصوب از جانب رئیس قوه قضاییه یعنی آقایان رئیسی، محسنی اژه‌ای و خلفی ضمن ارائه گزارش خود از نتایج اقدامات آنان نیز مطلع شد.همچنین طی جلسه‌ای با رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح در رابطه با مسائل مربوط به برخورد جدی با متخلفین به‌خصوص در بازداشتگاه کهریزک گفت‌وگو نمود و خواستار برخورد جدی و عادلانه با آنها شد.همچنین هیات متذکر شد که در نظام عادلانه اسلامی باید بدون توجه به عناوین، با مقصرین اصلی برخورد شود و افکار عمومی باید جدیت در برخورد را ببینند.

از آنجا که به طور همزمان با تشکیل این کمیته، هیاتی متشکل از نمایندگان قوای سه گانه به دستور رهبر معظم انقلاب در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی جهت بررسی مسائل مربوط به حوادث پس از انتخابات تشکیل شده بود و دو تن از اعضای این هیات آقایان سروری و دهقان نمایندگان تهران و طرقبه جزو هیات بودند، لذا کمیته از طریق آقای سروری که عضو مشترک هر دو کمیته بود، اطلاعات لازم را تبادل نمودند.ضمنا طی این ایام کمیته با هدف دفاع از حقوق شهروندی امکان تماس و ارتباط با بسیاری از شهروندان را جهت ارائه هر گونه شکایت یا نقطه‌نظری چه از طریق تماس تلفنی و یا حضوری فراهم کرده است.

بخش دوم

نتایج و استنتاجات

۱ـ در خصوص بازداشتگاه کهریزک باید اذعان نمود که از ابتدا این بازداشتگاه با کار ویژه نگهداری اراذل و اوباش و فروشندگان کلان مواد مخدر تشکیل شده بود. متاسفانه به مرور زمان سایر زندانیان نیز به دستور مقامات قضایی به آن زندان راه می‌یابند. در خصوص این بازداشتگاه آقای دربین، رئیس دفتر ویژه ریاست وقت قوه قضاییه در تاریخ ۸۶/۱۱/۱۷ طی نامه‌ای محرمانه خطاب به آقایان یساقی، رئیس سازمان زندان‌ها و مرتضوی دادستان وقت عمومی و انقلاب تهران می‌نویسد: در خصوص بازداشتگاه کهریزک موسوم به ۲۱۰ ریاست قوه قضاییه مقرر

فرموده اند لازم است بازداشتگاه کهریزک با نظارت مستقیم سازمان زندان‌ها برای متهمین دادسرای تهران باشد و هیچ متهمی از حوزه‌های دیگر بدون هماهنگی با دادستان تهران به این بازداشتگاه اعزام نشود. از این نامه رونوشتی جهت آقایان آوایی، رئیس کل دادگستری استان تهران جهت اقدامات لازم و سردار سرتیپ احمدی مقدم فرماندهی نیروی انتظامی جهت استحضار ارسال می‌شود.

نتیجه آنکه:اولا کهریزک یک بازداشتگاه رسمی بوده و همه مسوولان قضایی از بالاترین رده از آن مطلع و حتی بازدیدهایی نیز داشته‌اند. لذا این‌که برخی مسوولان قضایی طی مصاحبه‌هایی از خود سلب مسوولیت نموده‌اند به هیچ‌وجه قابل پذیرش نیست و امروز بیش از همه دستگاه قضایی باید پاسخگوی ضعف‌ها و خلل‌های این بازداشتگاه باشد.ثانیا اصلی ترین دلیل ایجاد بازداشتگاه کهریزک، تادیب اراذل و اوباش خطرناک و هتک کنندگان به نوامیس مردم، متجاوزین به عنف و فروشندگان بزرگ مواد مخدر و مجرمین خطرناک بوده؛ لذا فارغ از بحث اغتشاشات پس از انتخابات، انتقال برخی مجرمین با جرم‌های دیگر به این بازداشتگاه فاقد توجیه است و در این خصوص نیز دستگاه قضا باید پاسخگو باشد.

در همین راستا در تاریخ ۸۸/۱/۳۰ فرماندهی انتظامی تهران بزرگ طی نامه‌ای خطاب به دادستان وقت عمومی و انقلاب تهران متذکر می‌شود که در حال حاضر دادسراهای نواحی مختلف تهران بسیاری از متهمان را که میزان کشفیات مواد مخدر آنها فقط چند گرم می‌باشد، به زندان کهریزک معرفی می‌کنند و عملا زندان مذکور محل نگهداری متهمین انواع جرایم شده است.از آنجایی که برابر تدبیر زندان کهریزک جهت نگهداری متهمین اراذل و اوباش و مواد مخدرفروشان ساماندهی گردیده است، مستدعی است مراتب را به کلیه دادسراهای تهران ابلاغ فرمایید و چنانچه صلاح بدانید از اعزام متهمین غیرمربوط خودداری شود.همچنین فرماندهی انتظامی تهران بزرگ در تاریخ ۸۸/۲/۵ طی نامه‌ای خطاب به جانشین ناجا متذکر می‌شود که عطف به هامش نامه شماره ۱۱۱٦ / ۰۷ / ۲۰٤ / ۲ / ۱۷۲٦ مورخ ۸۷/۱۲/۲۱ پلیس آگاهی ناجا در اجرای امریه حضرت‌عالی نامه‌ای به دادستان عمومی و انقلاب تهران جناب آقای مرتضوی تنظیم، مبنی بر این‌که کهریزک برابر تدابیر قبلی محل نگهداری اراذل و اوباش، مواد فروشان و مجرمین خطرناک بوده، لیکن دادسراها هم‌اکنون بی‌رویه هر نوع متهم را اعزام می‌نمایند؛ لذا ابلاغ فرمایید که مانند قبل فقط متهمین مذکور اعزام گردند.

ثالثا با توجه به آنچه گذشت اعزام ۱٤۷ تن از بازداشت‌شدگان اغتشاشات روز ۱۸ تیر ماه به چنین بازداشتگاهی به هیچ‌وجه قابل پذیرش نیست.بر اساس بررسی‌های به عمل آمده در

روز ۱۹ تیر ماه به دستور دادستان وقت تهران این جمع از بازداشت‌شدگان به کهریزک اعزام می‌شوند.اگر چه اعزام این افراد به کهریزک حتی در صورت فقدان ظرفیت زندان اوین هم قابل توجیه نیست، لکن مسوولان زندان اوین در جلسه کمیته با آنان اذعان داشتند که زندان اوین ظرفیت پذیرش آن بازداشت شدگان را داشته است. ضمن آنکه مسوولان بازداشتگاه کهریزک با این عنوان که ظرفیت پذیرش این تعداد از بازداشت شدگان را ندارند در هنگام نخست از پذیرش آنان سر باز زده و بازداشت‌شدگان ساعتی نیز در بیرون از بازداشتگاه معطل بوده اما به دلیل اصرار مقام قضایی دستور دهنده، مجبور به پذیرش می‌شوند و لذا بازداشت شدگان را در سالن کوچک قرنطینه به مساحت ۷۰ متر جا می‌دهند و طی چهار روز حضور این تعداد از بازداشت شدگان در شرایط بسیار سخت و بد آب و هوا در گرمای تابستان بدون وجود تهویه و امکانات بهداشتی، غذایی و آشامیدنی و همچنین ضرب و شتم و توهین و تحقیر توسط ماموران نگهداری آنان در جوار ۳۰ نفر از اراذل و اوباش پرخطر همه و همه موجب شد که دل رهبر معظم انقلاب از آن به درد آید. رهبر معظم انقلاب پس از دریافت اولین گزارشات از ضرب و شتم و رفتارهای غیرانسانی در بازداشتگاه کهریزک به‌سرعت دستور انتقال زندانیان به مکان مناسب، تعطیلی زندان کهریزک، بررسی دقیق و همه‌جانبه مسائل به وجود آمده و نهایتا برخورد با عوامل و مسببان این حوادث را صادر فرمودند و در پی این دستور کمیته‌ای نیز متشکل از نمایندگان سه قوه در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی تشکیل شده است. تاکنون رهبر معظم انقلاب دستورات بسیاری را برای پیگیری و به نتیجه رساندن این مساله با عنایت به گزارشات کمیته تشکیل شده در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی صادر فرموده‌اند که عملا مسیر را جهت به ثمر رساندن کار برای مسوولان فراهم آورده است.

کمیته مجلس بر آن است که در مساله مربوط به بازداشتگاه کهریزک عملا دو ظلم بزرگ انجام شده است.

الف – ظلم آشکار بر بازداشت شدگان ۱۸ تیر ماه که باید از آنان دلجویی درخوری شود.

ب – ظلم بزرگ‌تری بر نظام جمهوری اسلامی رفته و عملا آبروی یک نظام برآمده از خون شهیدان به بازی گرفته شده و موجب وهن نظام اسلامی در منظر جهانیان شده است و باید دستگاه قضایی با ریشه یابی دقیق و برخورد جدی با همه عوامل این حادثه تلخ اعم از قضایی، اداری و انتظامی و بدون رعایت هر گونه ملاحظه‌ای و با تقدم دلسوزی تام نسبت به آبروی نظام جمهوری اسلامی این مساله را به نتیجه برساند و افکار عمومی را از اقدامات خود مطلع و با عوامل اصلی بدون توجه به عناوین آنان برخورد نماید.

۲ـ در خصوص کشته شدن سه تن از بازداشت‌شدگان، آنچه تاکنون قابل توجه است این که عوامل متعدد از جمله کمبود مکان، ضعف امور بهداشتی، تغذیه نامناسب، گرما، فقدان کولر و ... و در نتیجه ضرب و شتم و بی توجهی ماموران و مسوولان بازداشتگاه به وضعیت جسمی آنان[مطرح] بوده و اساسا طرح مساله‌ای با عنوان منتزیت رد شده است.

مرحوم جوادی فر یکی از دستگیرشدگان ۱۸ تیر در بین راه انتقال از کهریزک به اوین جان خود را از دست داده است. ایشان در زمان دستگیری مورد ضرب و شتم قرار گرفته و قبل از انتقال به کهریزک مداوا گردیده ولی با این حال نامبرده از لحاظ جسمی ضعیف شده بود و توان مقاومت در برابر صدمات جسمی و روحی بازداشتگاه کهریزک را نداشته است و در چهار روز حضور در کهریزک یک بار به پزشک وظیفه زندان مراجعه کرده که مداوای خاصی نسبت به ایشان انجام نمی‌پذیرد. به هر حال ایشان با حالت وخیم سوار اتوبوس می‌شود و در همان آغاز حرکت اتوبوس‌ها نامبرده وضعیت بحرانی پیدا نموده و در بیرون از اتوبوس جان می‌دهد.

همچنین مرحوم روح الامینی در مسیر انتقال از کهریزک به اوین وضعیت وخیمی داشته که هر چه بازداشت شدگان به ماموران محافظ در این خصوص متذکر شده‌اند آنان بدون توجه از این مساله گذشتند. انتقال از کهریزک به اوین با اتوبوس‌های نامناسب و با ازدحام بسیار زندانیان آن هم در اوج گرما در ساعت ده صبح تا دو بعد از ظهر انجام شد و در اوین نیز علی‌رغم وخیم بودن وضعیت مرحوم روح الامینی از ساعت ١٤ الی ۱۷ در نوبت قرنطینه بوده و در ساعت ۱۷ پزشک وی را جهت مداوا به بیمارستان اعزام نمود.

مرحوم محمد کامرانی نیز پس از دستگیری بدون بازجویی به زندان کهریزک منتقل می‌شود و در آنجا نیز همچون سایر زندانیان مورد ضرب و شتم و تحقیر قرار می‌گیرد و وی نیز تحمل صدمات وارده را نداشته و پس از بازگشت به زندان اوین به بیمارستان لقمان منتقل می‌شود و در بیمارستان نیز رسیدگی لازم صورت نمی‌گیرد و وضعیت بحرانی نامبرده پس از ۳۰ ساعت از انتقال به بیمارستان به خانواده وی اطلاع داده می‌شود. آنها همان شب فرزند خود را به بیمارستان مهر منتقل نموده، اما انتقال ایشان ثمره‌ای نداشته و وی در بیمارستان مهر جان خود را از دست می‌دهد.

کمیته تاکید می‌کند که بررسی همه جانبه دلایل کشته شدن این سه جوان بازداشت شده بر عهده دستگاه قضایی است و مسوولان قضایی باید در این خصوص با دقت و سرعت بررسی نموده و به خانواده محترم آنان و افکار عمومی پاسخگو باشند.

۳ـ در خصوص طرح مساله آزار جنسی برخی بازداشت شدگان، کمیته بررسی‌های جامعی

انجام داده است. پس از طرح نامه آقای کروبی و انعکاس رسانه‌ای آن هیات با وی ملاقات کرده و خواستار ارائه اسناد و مدارک و شواهد شد.

وی در آن دیدار در پاسخ سوال کمیته مبنی بر این‌که چند نفر به شخص شما مراجعه و مدعی آزار جنسی شده اند پاسخ داد که چهار نفر مراجعه مستقیم داشته‌اند.سوال دیگر کمیته از وی این بود که آیا برای شما وقوع آزار جنسی بر روی این چهار نفر قطعی است؟ وی با برآشفتگی منکر قطعیت شد و قائل بود که به این دلیل نامه‌ای به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال نموده تا بررسی نمایند و در صورت وقوع با این مساله برخورد جدی شود و در صورت عدم وقوع رفع شبهه شود.

آقای کروبی از ارائه هر گونه سند و مدرکی به کمیته استنکاف ورزید و اعلام کرد در صورت تعیین هیاتی از جانب شخص رئیس قوه قضاییه حاضر است اسناد و مدارک خود را ارائه نماید. این خواسته آقای کروبی از طریق کمیته با ریاست مجلس شورای اسلامی جناب آقای دکتر لاریجانی در میان گذاشته شد و نهایتا ریاست قوه قضاییه با تعیین سه نفر نماینده از طرف خود، آنان را مسوول بررسی همه جانبه موضوع نمود که گزارش کار این کمیته به اطلاع همگان رسید.

اما کمیته مجلس شورای اسلامی نیز در این خصوص اقدامات جدی و بررسی‌های همه‌جانبه به عمل آورد تا جایی که از طریقی به اطلاع هیات رسید که فردی که مورد آزار جنسی قرار گرفته آماده است ماجرا را برای هیات بیان کند. ریاست مجلس شورای اسلامی به محض اطلاع از چنین مساله‌ای دستور دادند با تمهیداتی به دفتر خودشان دعوت و هیات با وی گفت‌وگو نمایند. این جلسه با حضور رئیس دفتر ریاست مجلس و حتی دو تن از نمایندگان غیر عضو کمیته، آقایان کاتوزیان و مطهری تشکیل شد و کاملا برای همه حضار در جلسه آشکار شد که مادر آن جوان بر اثر کثرت شایعات دچار نوعی توهم شده و هیچ‌گونه آزار جنسی متوجه آن فرد نشده و خود وی نیز قائل بود که مادرش درگیر یک توهم ذهنی است.همچنین اعضای کمیته بررسی‌های دیگری داشته و هیات دبیرخانه شورای عالی نیز در این خصوص به تفصیل بررسی کرده و نتایج هر سه کمیته مجلس، قوه قضاییه و دبیرخانه شورای عالی دقیقا منطبق بر هم بوده و آن این‌که اعلام می‌شود ضمن بررسی‌های همه جانبه انجام شده به هیچ موردی از آزار جنسی نرسیده و آن را قویا تکذیب می‌نماییم.

٤ ـ در بررسی‌های به عمل آمده از زندان اوین طی بازدیدهای هیات از بندهای مختلف چه زندانیان میدانی اغتشاشات و چه زندانیان غیرمیدانی هیچ گونه شواهدی دال بر شکنجه و

آزارهای جسمی دیده نشده است، اما همان‌گونه که در همه ملاقات‌ها با مسوولان قضایی از جانب هیات تبیین شد، ضروری است در خصوص زندانیان باقی‌مانده هرچه سریع‌تر تعیین تکلیف شود و آنان در روند دادرسی از همه حقوق خود مبتنی بر قانون برخوردار باشند.

۵ـ کمیته ضمن دفاع از کلیت نیروی انتظامی و قدرشناسی از زحمات پرسنل پرتلاش نیرو در صیانت از امنیت شهروندان، گزارش‌هایی از برخوردهای نامناسب برخی از افراد نیروی انتظامی دریافت نموده است. در این خصوص لازم است سیستم‌های نظارت و بازرسی در این نیرو تقویت شود و از رفتارهای غیرمسوولانه جلوگیری شود. همچنین لازم است نیروی انتظامی از ابزارهای مناسب جهت برخورد با اغتشاشات برخوردار شود که سبب کاهش خسارت‌های جانی و مالی گردد که در این خصوص نیاز است دولت و مجلس تمهیداتی را جهت تامین بودجه و تقویت نیروی انتظامی بیندیشند.

٦ـ کمیته تاکید می‌کند تمامی بازداشتگاه‌ها باید زیرنظر سازمان زندان‌ها اداره شود و این سازمان موظف است در تمامی زمینه‌ها پاسخگوی شرایط زندان‌ها باشد، لذا در این خصوص مدیریت دستگاه قضایی ضمن بررسی همه جانبه باید دستورات قاطعی صادر نماید. لذا کمیته یادآور می‌شود که هنوز هم برخی دیگر از بازداشتگاه‌ها وجود دارد که هرچه سریع‌تر باید نسبت به نظارت بر آنها و استاندارد سازی آنها اقدام شود.

۷ـ کمیته قائل است متاسفانه عدم اطلاع‌رسانی به‌موقع به خانواده‌ها در خصوص دستگیری‌ها موجب سردرگمی، گسترش شایعات و ناامنی روانی جامعه شده بود، لذا لازم است اطلاع‌رسانی به خانواده زندانیان توسط نیروی انتظامی، امنیتی و قضایی در اسرع وقت صورت پذیرد. همچنین دستگیری افراد باید در ساعات مناسب که موجب سلب امنیت روانی خانواده‌ها نشود، صورت پذیرد.

۸ـ کمیته معتقد است یکی از نکات مهم برای پیشگیری چنین حوادثی، اتخاذ سازوکارهای واقع‌بینانه و طراحی روندهایی است که موجب تکرار چنین وقایعی نشود و به عنوان پیشنهاد مشخص باید زیر نظر بالاترین مقامات دستگاه‌های ذی‌ربط به شکل نوبه‌ای و مرتب از بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها بازدید به عمل آمده و اشکالات گوشزد شود. همچنین لازم است ضوابطی یکسان برای همه زندان‌ها تدوین شود، چنانچه امور نیازمند قانون‌گذاری باشد، بی‌تردید مجلس شورای اسلامی آمادگی همکاری کامل را دارد.

کلام آخر آنکه کمیته مجلس شورای اسلامی با هدف دفاع از حقوق مردم ضمن بررسی همه‌جانبه حوادث پس از انتخابات وقت خود را صرفا به تهیه و ارائه یک گزارش سپری ننمود،

بلکه از نخستین روز ماموریت یافتن از ناحیه ریاست محترم مجلس شورای اسلامی با جلسات مستمر و ملاقات با مسوولین، بازداشت شدگان و خانواده‌های آنان به اصلاح مسیر پرداخت و در این خصوص برخی از اعضای کمیته ده‌ها ساعت وقت جهت پیگیری امور مربوط به پاسخگویی به مردم و خانواده‌ها صرف نمودند، و از طرف دیگری در حالی که استراتژی اطلاع‌رسانی دقیقی جهت ارائه اطلاعات دقیق و شفاف و به‌موقع برای مردم عزیزمان وجود نداشت این کمیته تلاش کرد تا حدودی این خلا را نیز جبران نماید.

اما در فراز آخر این گزارش باید بر این دو نکته تاکید نمود که ماموریت این کمیته بررسی از نوع معلول بود، بدان مفهوم که حوادثی پس از انتخابات اتفاق افتاد و این کمیته در خصوص بدرفتاری‌ها و کژی‌های پدید آمده در ذیل این حوادث در راستای وظایف نمایندگی و به عنوان دفاع از حقوق شهروندی وارد عمل شده است و طبیعتا دستورات، بیانات و تاکیدات مقام معظم رهبری، مسیر این پیگیری‌ها را هموار و انگیزه این کمیته را در استمرار جدی اقدامات خود مضاعف نمود اما آنچه باید مورد توجه قرار گیرد آن است که از علل اصلی پدید آمدن این حوادث نباید غافل ماند و از جمله القای یک دروغ بزرگ به نام تقلب در انتخابات ریاست جمهوری و رفتارهای غیرقانونی که سبب ایجاد این حوادث شد و اگر همگان براساس چارچوب‌های قانونی مسیر خود را طی می‌نمودند و اگر دو کاندیدای ریاست جمهوری به قانون شکنی، تحریک احساسات و عواطف مردم نمی‌پرداختند امروز شاهد این گونه حوادث تلخ نبودیم که سبب هتک حرمت نظام مقدس جمهوری اسلامی و تضییع فرصت گران سنگ حضور چهل میلیونی مردم در پای صندوق‌های رای شود. بی تردید آنان باید پاسخگو باشند و دستگاه قضایی در خصوص این گونه رفتارهای مجرمانه نباید بی‌اعتنا باشد.

۲۱ـ گزیده‌ای از گزارش انستیتو سابان* درباره سناریوهای دولت آمریکا در برابر ایران

کدام راه به سمت ایران (منتشره در ژوئن ۲۰۰۹)

تهیه کنندگان: کنت ام پولاک مدیر سابان، مارتین ایندیک، سفیر اسبق آمریکا در اسرائیل، دانیل ال بای من، سوزان مالونی، مایکل ای اُهانلون و بوروس ریدل

خلاصه فصل ششم گزارش ۱۶۰صفحه‌ای «گزینه‌های استراتژی جدید آمریکا در قبال ایران»:

هدف اصلی این گزینه براندازی حکومت ایران و ایجاد حکومتی است که بیشترین همراهی را با منافع آمریکا داشته باشد.

تعامل با اپوزیسیون داخلی جمهوری اسلامی، برگ برنده‌ای در دست آمریکاست که از طریق آن به ایران فشار وارد ساخته و رفتار حکومت ایران را تغییر دهد.

انقلاب مخملی نیازمند وجود رهبران محلی در صحنه است و لذا چارچوب زمانی آن منوط به شرایط حادث شده و پیدایش این رهبران محلی، در آن شرایط خاص است که ممکن است در چند هفته یا چند سال پدید آید.

این سیاست‌ها عبارتند از:

این که چگونه می‌توان جرقه‌ای زد تا انقلاب مخملی صورت بگیرد، هنوز مبهم است زیرا انقلاب‌های مخملی بسیار پیچیده‌اند.

گفته می‌شود که مخالفان جمهوری اسلامی، علاقه‌مند به آمریکا هستند، لذا می‌توانند انقلابی را رقم زنند که به منافع آمریکا کمک کند.

ممکن است برخی رهبران پراگماتیست درون جمهوری اسلامی، متوجه اصلاح درونی سیستم شوند و اتفاقی مشابه پرسترویکا و گلاس‌نوست شوروی در ایران پدید آید که طی آن ابعاد رفرم با مبانی آن حکومت در تعارض قرار گیرد و موجب فروپاشی و تحقق انقلاب مخملی شود.

همچنین ممکن است آشوب‌های خیابانی مانند آنچه در عصر چائوشسکو در رومانی و فردیناند مارکوس در فیلیپین اتفاق افتاد، جمهوری اسلامی را متزلزل ساخته و فرو بپاشاند.

آمریکا باید چند نقش متفاوت را در تحقق انقلاب مخملی در ایران ایفا کند، از جمله واگذاری کمک‌های مالی و حمایت از رهبران محلی انقلاب مخملی.

ریموند تانتر از کمیته سیاست ایران می‌گوید که ما باید از دانشجویان و سایر گروه‌ها، برای

انقلاب مخملی حمایت مخفی کنیم: اینان پول، فکس، اینترنت و حمایت نیاز دارند.

آمریکا از طریق رسانه‌هایی که تحت حمایت او هستند مانند VOA و رادیو فردا، باید افراد منتقد کم‌تر شناخته شده را به جامعه ایران معرفی کند.

لایحه حمایت از ایران آزاد که در سال ۲۰۰۶ تصویب شد، به حمایت مالی و سیاسی از انجمن‌های جامعه مدنی و حقوق بشری مطبوعات ضد حکومت می‌پردازد. دولت آمریکا برنامه‌هایی تصویب نموده که از طرح‌های تغییر حکومت در ایران حمایت می‌کند.

همچنین استراتژیست‌های موسسه آمریکایی بروکینگز حمایت آمریکا از اپوزیسیون ایرانی، حمایت آمریکا از رهبران محلی اپوزیسیون، خنثی کردن توانایی دستگاه‌های امنیتی ایران در مقابله با انقلاب مخملی و نیازمندی به اطلاعات بی‌نظیر و دقیق و همچنین پول قابل توجه را از الزامات جدی انقلاب مخملی خود ذکر کرده‌اند.

در ادامه این گزارش دو گونه رهبر به شرح ذیل برای اجرای این سناریو در نظر گرفته‌اند:

یافتن رهبران محلی مناسب که شریک‌های بومی خوبی برای آمریکا در ایجاد آشوب و اغتشاش باشند.

طیف‌شناسی عناصر اپوزیسیون که می‌توانند انقلاب مخملی را برای آمریکا تولید کنند:

۱ ـ اصلاح طلبان. شواهد نشان می‌دهد که رفرمیست‌ها درصدد ایجاد یک حکومت سکولار در ایران هستند.

۲ ـ روشنفکران. این روشنفکران در دوره رئیس‌جمهوری خاتمی مشروعیت دینی نظام ایران را زیر سوال می‌بردند و اکنون نیز می‌برند، اما با سانسور روبه‌رو شده‌اند.

۳ ـ سازمان‌های دانشجویی، کارگری و جامعه مدنی. دانشجویان و کارگران پیاده نظام انقلاب مخملی هستند که در واقعه ۱۸ تیر ۱۳۷۸ در حمایت از خاتمی به صحنه آمدند، دفتر تحکیم وحدت، اکنون خود بر سر اتخاذ استراتژی درگیر کشمکش‌های درونی است.

۴ـ رضا پهلوی. وی به عنوان فرزند شاه سابق، خود را کاتالیزوری (تسریع کننده) می‌شناسد که سلطنت مشروطه را در تقابل با جمهوری اسلامی دنبال می‌کند اما هواداری در ایران ندارد.

بسیاری از رهبران اپوزیسیون علیه یکدیگر عمل می‌کنند. اکبر گنجی از ژورنالیست‌های اپوزیسیون می‌گوید که اپوزیسیون سازمان یافته نیست و ما رهبر نداریم و تاکنون رهبر کاریزماتیکی برای اپوزیسیون ایران پیدا نشده است.

برنامه‌ریزی برای حمایت از انقلاب مخملی در ایران خیلی بیش از آن که تاکنون واشنگتن کمک کرده، برای ارتباطات و هزینه‌های سفرها و...، پول نیاز دارد، آمریکا باید واقعیت فساد مالی در اپوزیسیون و هدر رفت بخشی از این پول‌ها را بپذیرد.

مداخله در امور داخلی یک کشور دیگر برای موفقیت نیازمند اطلاعات دقیق است، آمریکا باید از رهبرانی در انقلاب مخملی حمایت کند که توانمند باشند و توسط دستگاه امنیتی ایران خریداری نشوند، متاسفانه ما (آمریکا) در ایران سفارت‌خانه نداریم و امکان سازماندهی رهبران و اپوزیسیون را نداشته و ائتلاف‌های درون ایران را متوجه نمی‌شویم.

جامعه اطلاعاتی آمریکا (شامل ١٦ سازمان اطلاعاتی) باید برای کسب اطلاعات از درون ایران به جستجوی خود شتاب دهد.

برای تحقق یک انقلاب مخملی، حکومت ایران باید اراده خود را برای برخورد و سرکوب انتظامی آن از دست بدهد، بعید به نظر می‌رسد که حکومت ایران توانایی برخورد قهرآمیز با انقلاب مخملی را نداشته باشد. اگر تجمعاتی در ایران صورت گیرد و ارتش و سپاه پاسداران و بسیج و پلیس، آن گونه تضعیف نشده باشند که کنار بنشینند، در آن صورت آمریکا باید برای مداخله نظامی و دفاع از آن تجمع کننده‌ها آماده شود.

تغییر حکومت، از بین رفتن یکی از اصلی ترین دشمنان آمریکا با هزینه بسیار پایین و بدون تهاجم تمام عیار با انقلاب مخملی، تضعیف حکومت ایران و تغییر رفتار آن در صورت عدم تحقق انقلاب مخملی، قوی‌تر کردن نفوذ اطلاعاتی آمریکا در ایران و رهایی آمریکا از عدم تعهد به تغییر رژیم‌های خاورمیانه و تحقق شعار دموکراسی با تغییر حکومت در ایران، از جمله محاسن این سناریو است ولی معایب آن نیز چنین‌اند:

ایران برای ممانعت از انقلاب مخملی، به خوبی سنگرسازی کرده است، سوزان ملانی معتقد است جمهوری اسلامی همه نوع فاجعه‌ای غیر از طاعون را سپری کرده است: جنگ، ایزوله شدن، بی‌ثباتی، حملات تروریستی، انتقال رهبری، خشکسالی، زلزله‌های عجیب، و... لذا حکومت بسیار مستحکم است.

نتایج رژیم چنج و تغییر حکومت مشخص نیست، از کجا معلوم که حکومت جایگزین، به نفع آمریکا کار کند، امیدواری در این است که میزان تنفر کمتر از دوره جمهوری اسلامی باشد.

حمایت آمریکا، موجب نفرت بیشتر ایرانیان می‌شود و از آن به «بوسه مرگ» یاد می گردد. دکتر عباس میلانی می گوید که حتی اصلاح طلبان نیز از آمریکا می خواهند که کمتر به آنها پول

بدهد، زیرا در چشم مردم بد می‌شوند. نظام جمهوری اسلامی در برابر انقلاب مخملی، حاضر است به خاطر ایدئولوژی خود مقاومت کند.

در کل این سناریو در ۹ فصل شامل تحذیر ایران، وسوسه کردن تهران، یک راه را تا انتها رفتن، گزینه اسیراک، واگذاری به نتانیاهو، انقلاب مخملی، الهام بخشیدن به شورش، کودتا و پذیرش غیرقابل قبول‌ها طراحی شده است.

*** مهندسی سیاست یکپارچه ایران: تجمیع گزینه‌ها**

هیچ کدام از سیاست‌ها در قبال ایران، حتی در صورت تعیین موفقیت توسط مقامات مسوول، شانس موفقیت بالایی را ندارند. هیچ گزینه‌ای تمامی منافع ملی آمریکا را با هزینه کم و حداقل ریسک تأمین نمی‌کند.به بیان دیگر، کلیه سیاست‌ها، پتانسیل بالایی در نقش‌آفرینی با یکدیگر را دارند.در واقع، مشکل ایران به قدری بزرگ است که هر سیاست واقع‌مدارانه در قبال ایران حداقل باید از دو گزینه یا بیشتر تشکیل شده باشد.حکومت اوباما متوجه این واقعیت شده است.

از این گذشته، تمامی این سناریوها می‌تواند به عنوان تهدیدات ضمنی در رویکرد اقناعی مطرح باشد که در این صورت از به‌کارگیری هر کدامشان بهتر خواهد بود. به بیان دیگر، ایالات متحده می‌تواند عدم تمایل ایران بر سر مذاکرات را به عنوان سخت‌تر شدن گزینه‌های خود اعلام کند که در آن صورت گزینه نظامی مقبولیتی بیش از آنچه اکنون دارد پیدا خواهد کرد. استنباط بر این است که اگر تهران تمایل به سازش ندارد، پس خودش را در جنگی قرار داده‌است که تمایلش را ندارد. این تهدیدات قابلیت این را دارند که به عنوان جایگزین در سیاست ایالات متحده در قبال عدم پذیرش سازش از سوی ایران مطرح شوند، همچنان که اوباما مرتباً عدم دور کردن گزینه نظامی در تصمیم‌گیری را تکرار می‌کند.

در صورت رد مذاکرات ایران در سیاست اقناعی، تمامی رویکردهای تغییر رژیم همچنان به عنوان روش‌های جذاب‌تر مطرح خواهند بود و مطمئناً روش‌های تغییر رژیم، تبعات دیپلماتیک کمتری از سوی منطقه و دولت‌های اروپایی علیه آمریکا خواهد داشت.

*** تغییر رژیم**

اگرچه مطالعه هر سیاست در تلفیق با گزینه‌های دیگر کاری غیرعملی می‌نماید اما در مطالعه تطبیقی و ارائه استراتژی‌های متفاوت همه‌جانبه‌ای که دولت اوباما بتواند در قالب آن گزینه‌های متفاوت را یکپارچه کند، سودمند خواهدبود. تغییر رژیم، استراتژی دیگری است که نقش بسیاری از متغیرها را در برخواهد گرفت تا جایی که امکان بهره‌گیری از هر سه روش تغییر رژیم ـ انقلاب مخملین، شورش و کودتا ـ وجود دارد، دولت آمریکا پیگیری هر سه مورد

را با هم در دستورکار خود قرار می‌دهد تا شانس موفقیت بیشتر از پیگیری هر مورد به تنهایی باشد. انتخاب هر سه روش به دلیل اثر هم‌افزایی و سینرژی نیز بهتر خواهد بود. به علاوه، این فشار چند جانبه بر تهران، سبب خسته‌شدن توانایی‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم در روند تصمیم‌گیری شده و احتمال انجام خطا را بیشتر کرده تا سایر روش‌ها موفق شوند.

سیاست براندازنده حکومت ایران باید شامل طرح تهاجم تمام عیار باشد تا بتواند در صورت بروز اتفاقات افراطی مورد استفاده قرار گیرد. مطمئناً در صورت شکست حمایت‌های آشکار و پنهان، در سیاست تغییر رژیم، رئیس‌جمهور باید آماده تنها راه حل باقی‌مانده یعنی تهاجم باشد.

در نهایت باید اذعان داشت که کلیه راه‌های تغییر رژیم نیازمند موافقت دولت آمریکاست به جهت آن‌که در صورت مقابله به مثل ایران، بتواند از پشیبانی نظامی (حداقل به صورت حمله هوایی) برخوردار باشد. انقلابات مردمی تنها زمانی به نتیجه می‌رسند که دولت‌ها نخواهند و یا نتوانند از نیروهای نظامی خود علیه مردم استفاده کنند، دفع شورش‌ها نیز نیاز به مداخله نظامی مستقیم دارد، چه هنگام رخداد یک فاجعه، مانند آنچه در خلیج خوک‌ها رخ داد، و چه هنگام نزدیک شدن به پیروزی نهایی، مانند افغانستان در سال ۲۰۰۱. کودتا نیز اغلب اوقات نیاز به خنثی‌کردن واحدها و تأسیسات ویژه‌ای دارند که به آنها اجازه می‌دهد تا گسترش یابند.

به‌علاوه، تغییر رژیم نیازمند پیگیری همزمان با گزینه تحدید می‌باشد. در صورتی که آمریکا اقدام به براندازی حکومت ایران کند، شرارت ایران در خارج سبب گسترده شدن منازعه به بحران اقتصادی، سیاسی و نظامی می‌شود. ایالات متحده می‌خواهد با انکار ایران، به تهدید علیه همسایگانی دست بزند که به گروه‌های مخالف و شورش‌ها کمک می‌کنند. جریمه، بازدارندگی نظامی، انزوا و مبارزه اقتصادی عناصر کلیدی تحدید را به تصویر می‌کشند تا به این عنوان بتوان به سیاست تغییر رژیم کمک کرد.

همان‌طور که در بخش‌های قبلی بیان شد، دلیل بسیار مهم یکپارچه کردن سیاست‌های متفاوت در قبال ایران، همان است که بتوان تغییرات را در صورت شکست یک یا چند گزینه پیش برد. توجه به پیامدهای غیرمنتظره سیاست جدید، بسیار حائز اهمیت است چرا که طبیعت چندگانه و دینامیک خاورمیانه مستعد پیامدهای غیرمنتظره و تصادفی است. پیچیدگی و تناوب سیاست در قبال ایران، نتیجه بازه وسیع تغییرات و حساسیت بالای آنهاست.

ظهور یک رهبر کاریزماتیک اپوزیسیون در ایران می‌تواند تمامی معادلات آمریکا در خصوص

ایران را چینش مجدد کند اما اگر ایران شکست خورده و یک نفر سربربیاورد و محبوبیت عام یافته و برتری جوید، آن گاه تفکر آمریکایی با ظهور یک ماندلا، هاول، بولیوار و یا یک لخ والسای ایران ـ کسی که بتواند وحدت اپوزیسیون ایرانی و اجماع توده را به وجود آورد- تغییر شکل می‌یابد. اولا ظهور این مرد یا زن، می‌تواند گزینه تغییر رژیم را محتمل‌تر از زمان حال کند. (وما پشتیبانی آمریکا از انقلاب مردمی را در بروز حتمی یک رهبر رد نخواهیم کرد.) و دوم آن‌که برای ایالات متحده خوشایند نخواهد بود که به شخصی خیانت کند که توانسته است یک اپوزیسیون دموکراتیک را از طریق گالوانیزه کردن مردم سازماندهی کند. ممکن است دولت آمریکا متقاعد گردد با پشتیبانی از شورش‌ها و حمله هوایی، ایران را تحت فشار قرار دهد تا از کشتن و زندانی کردن آن رهبر کاریزماتیک توسط ایران ممانعت به‌عمل آورد و اگر ایران دست به چنین کاری بزند، آن‌گاه حمایت سیاسی داخلی آمریکا و حمایت دیپلماتیک بین‌المللی، برای سیاست‌های بیشتر تهاجمی آمریکا از جمله تهاجم زمینی فراهم می‌شود و اگر این رهبر از ایالات متحده درخواست عدم تحریک قومیت‌ها و عدم حمله نظامی را بنماید تا این‌که تلاش‌هایش خراب نشود، آن‌گاه آمریکا قطعاً گزینه‌های تهاجمی را کنار خواهد گذاشت.

آخرین نکته، برجستگی سیاست‌های ایران در میان کلیه مسائل پیش‌روی آمریکاست. واضح‌ترین موضوع این است که دولت اوباما در شرایطی باید تصمیم خود مبنی بر اولویت‌بندی در سیاست ایران را بگیرد که در میانه بدترین بحران اقتصادی در ۸۰سال اخیر قرار گرفته است. در این شرایط رقابتی بر سر مهم‌تر بودن، بین سیاست‌های مطرح شده در قبال ایران و نیازهای اقتصادی آمریکا صورت می گیرد.

* مرکز سابان توسط میلیاردر یهودی، حیم سابان (Haim Saban) راه‌اندازی شده و وابسته به انستیتو بروکینگز است.

متن کامل گزارش:

http://www.brookings.edu/events/2009/0623_iran_strategy.aspx

*Kenneth Pollack، Suzanne Maloney، Bruce Riedel، Michael O'Hanlon، Daniel Byman، Martin Indyk، Which Path to Persia? Options for a New American Strategy Toward Iran ، Brookings Institute، June 23، 2009

۲۲ ـ تعالیم صدونودوهشت گانه جین شارپ برای براندازی نرم (پیوست کتاب از دیکتاتوری تا دموکراسی)

روش‌های اقدام غیر خشونت‌آمیز

روش‌های اعتراض و استدلال غیر خشونت آمیز

اعلام بیانیه‌های رسمی

۱ـ سخنرانی‌های عمومی

۲ـ نامه‌های اعلام مخالفت یا اعلام حمایت

۳ـ بیانیه‌های سازمان‌ها و موسسات

٤ـ بیانیه‌های امضا شده گروهی

۵ـ اعلامیه‌های کیفرخواست (دادخواست)

٦ـ تهیه طومارهای امضا شده گروهی و همگانی

ایجاد ارتباط با مخاطبین گسترده‌تر

۷ـ استفاده از شعارها، کاریکاتورها و نمادها

۸ـ پرچم ها، پوسترها و ارتباطات بصری

۹ـ جزوه ها، رسانه‌های چاپی و کتاب‌ها

۱۰ ـ روزنامه‌ها و مجله ها

۱۱ ـ نوارهای صوتی، رادیو و تلویزیون

۱۲ ـ آسمان نویسی (با استفاده از دود رنگی که از هواپیما خارج می‌شود)، زمین نویسی [و دیوار نویسی]

اقدامات گروهی

۱۳ ـ اعزام هیأت‌های نمایندگی

۱٤ ـ اعطای جایزه‌های غیرواقعی و ظاهری

۱۵ ـ انجام لابی‌های گروهی (هر تلاشی از طرف گروه‌های مستقل یا افراد برای تاثیرگذاری بر تصمیمات دولتی)

۱٦ ـ تشویق کارگران و کارمندان به اعتصاب و دست کشیدن از کار

۱۷ ـ انجام انتخابات غیرواقعی و ظاهری

اقدامات گروهی نمادین

۱۸ ـ استفاده از پرچم‌ها و رنگ‌های نمادین

۱۹ ـ پوشش‌های نمادین
۲۰ ـ اجرای نماز و دعا
۲۱ ـ حمل اشیای نمادین
۲۲ ـ درآوردن لباس و لخت شدن به نشانه اعتراض
۲۳ ـ تخریب اموال شخصی [و نه عمومی]
۲٤ ـ استفاده از نورهای نمادین
۲۵ ـ نمایش تصاویر افراد و شخصیت‌ها
۲٦ ـ استفاده از شکلک‌های نقاشی شده [افراد و شخصیت ها] به نشانه اعتراض
۲۷ ـ استفاده از علامت‌ها و نام‌های جدید
۲۸ ـ ایجاد صداهای نمادین
۲۹ ـ اعلام نیازها و درخواست‌های عمومی نمادین
۳۰ ـ انجام ادا و اطوار گستاخانه (برای جلب توجه افراد)

اعمال فشار بر افراد

۳۱ ـ بازخواست از شخصیت‌ها و ماموران
۳۲ ـ تمسخر و اهانت به شخصیت‌ها
۳۳ ـ ملاقات و مذاکره با مسوولان
۳٤ ـ تعقیب و مراقبت مسوولان

اجرای تئاتر و موسیقی

۳۵ ـ استفاده از میان پرده‌های طنز و تمسخر آمیز
۳٦ ـ اجرای تئاتر و موسیقی
۳۷ ـ آوازخوانی (سرودخوانی)

راهپیمایی و تظاهرات مردمی

۳۸ ـ انجام تظاهرات همگانی
۳۹ ـ رژه‌های منظم مردمی
٤۰ ـ راهپیمایی و تظاهرات مذهبی
٤۱ ـ انجام سفرهای زیارتی
٤۲ ـ تظاهرات خودرویی (حرکت جمعی وسایل نقلیه در خیابان‌ها)

تشییع جنازه

۴۳ـ انجام مراسم سوگواری سیاسی
۴۴ـ تشییع جنازه‌های غیرواقعی و ظاهری
۴۵ـ تشییع جنازه‌های همراه با تظاهرات
۴۶ـ تجمع و تظاهرات در محل‌های خاکسپاری افراد و شخصیت‌ها

اجتماعات عمومی

۴۷ـ اجتماعات اعتراضی یا حمایتی
۴۸ـ تظاهرات اعتراضی
۴۹ـ استفاده از تظاهرات غیرمستقیم با استفاده از رنگ‌ها، نمادها و اشکال متنوع
۵۰ـ آموزش‌های درون‌گروهی [به منظور افزایش آگاهی‌های سیاسی ـ اجتماعی]

خودداری و انکار

۵۱ـ دست کشیدن و خودداری از کار
۵۲ـ سکوت
۵۳ـ انکار و نفی شخصیت‌های شناخته شده
۵۴ـ کنار گذاشتن افراد و شخصیت‌ها[ی سیاسی ـ اجتماعی]

روش‌های عدم همکاری اجتماعی

طرد افراد و انزوای افراد و شخصیت ها

۵۵ـ تحریم اجتماعی عمومی
۵۶ـ تحریم اجتماعی گزینشی
۵۷ـ Lysistratic nonaction
۵۸ـ طرد و تکفیر شخصیت‌ها
۵۹ـ تحریم

عدم همکاری با روندهای اجتماعی، رسوم و نهادها

۶۰ـ تعلیق فعالیت‌های اجتماعی و ورزشی
۶۱ـ تحریم امور اجتماعی
۶۲ـ اعتصاب‌های دانشجویی
۶۳ـ نافرمانی اجتماعی
۶۴ـ کناره‌گیری از موسسات اجتماعی

کناره‌گیری از نظام اجتماعی

۶۵ـ در خانه ماندن

۶۶ـ عدم همکاری شخصی به‌طور کلی

۶۷ـ گریز از کار کارگران

۶۸ـ تحصن

۶۹ـ مخفی شدن دسته جمعی

۷۰ـ مهاجرت اعتراضی (هجرت)

روش‌های عدم همکاری اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی

اقدام از سوی مصرف کنندگان

۷۱ـ تحریم از سوی مصرف کنندگان

۷۲ـ عدم مصرف کالاهای تحریم شده

۷۳ـ سیاست ریاضت (اقتصادی)

۷۴ـ خودداری از اجاره دادن (مکان ها، تجهیزات، ابزارآلات، وسایل و...)

۷۵ـ خودداری از اجاره کردن (مکان ها، تجهیزات، ابزارآلات و وسایل دولتی)

۷۶ـ تحریم ملی مصرف کنندگان (کالا، خدمت،...)

۷۷ـ تحریم بین‌المللی مصرف کنندگان

اقدام از سوی کارگران و تولید کنندگان

۷۸ـ تحریم از سوی کارگران

۷۹ـ تحریم از سوی تولیدکنندگان

اقدام از سوی واسطه‌ها

۸۰ـ تحریم از سوی تدارک‌کنندگان کالاها و کارپردازان

اقدام از سوی مالکین و مدیران

۸۱ـ تحریم از سوی تجار و بازرگانان

۸۲ـ خودداری از تحویل یا فروش کالاها

۸۳ـ تعطیل کارخانجات از سوی کارفرمایان

۸۴ـ خودداری از کمک‌های صنعتی

۸۵ـ «اعتصاب سراسری» از سوی تجار

اقدام از سوی صاحبان منابع مالی

۸٦ـ بیرون کشیدن سپرده‌های بانکی

۸۷ـ خودداری از پرداخت هزینه‌ها، دستمزدها، بدهی‌ها و مالیات‌ها

۸۸ـ امتناع از بازپرداخت وام یا بهره آن

۸۹ـ قطع وام‌ها و اعتبارات مالی

۹۰ـ خودداری از خرج درآمدها

۹۱ـ امتناع از دریافت پول‌ها و کمک‌های دولتی

اقدام از سوی دولت‌ها

۹۲ـ تحریم داخلی

۹۳ـ تهیه فهرست سیاه بازرگانان

۹٤ـ تحریم فروشندگان بین‌المللی

۹۵ـ تحریم خریداران بین‌المللی

۹٦ـ تحریم تجارت بین‌المللی

روش‌های عدم همکاری اقتصادی

اعتصاب

اعتصاب‌های نمادین

۹۷ـ اعتصاب کوتاه مدت اعتراضی

۹۸ـ اعتصاب یکباره (برق‌آسا و بدون اطلاع قبلی)

اعتصاب‌های کشاورزی

۹۹ـ اعتصاب کشاورزان

۱۰۰ـ اعتصاب کارگران مزرعه

اعتصاب از سوی گروه‌های خاص

۱۰۱ـ خودداری از انجام کارهای طاقت فرسا (تحت فشار)

۱۰۲ـ اعتصاب زندانیان

۱۰۳ـ اعتصاب پیشه وران

۱۰٤ـ اعتصاب کارشناسان و متخصصین

اعتصاب‌های صنعتی عمومی

۱۰۵ـ اعتصاب تشکیلاتی (سازمان یافته)

۱۰٦ـ اعتصاب صنعتی

۱۰۷ ـ اعتصاب برای ابراز همدردی با سایر گروه‌های اعتصاب کننده

اعتصاب‌های محدود

۱۰۸ ـ اعتصاب همراه با اعلام هدف‌ها و خواسته‌های خاص

۱۰۹ ـ اعتصاب همه‌گیر و گسترده

۱۱۰ ـ اعتصاب کندکاری

۱۱۱ ـ اعتصاب خواهان اعمال قانون کار (کارگری یا کارمندی)

۱۱۲ ـ تظاهر به بیماری

۱۱۳ ـ اعتصاب همراه با طریق استعفا

۱۱٤ ـ اعتصاب محدود (در برابر اعتصاب نامحدود)

۱۱۵ ـ اعتصاب گزینشی

اعتصاب‌های چند صنعتی (چند بعدی)

۱۱٦ ـ اعتصاب عمومی و سرتاسری سازمان یافته

۱۱۷ ـ اعتصاب کلی (غیرسازمان یافته)

ترکیب اعتصاب‌ها و تعطیلی‌های اقتصادی

۱۱۸ ـ اعتصاب عمومی سرتاسری (هارتال)، به زبان سیلانی (سری لانکایی) به معنای اعتصاب عمومی است که سال ۱۹۵۳ از سوی احزاب مارکسیست به منظور نشان دادن نارضایتی عمومی از بالا رفتن هزینه‌های زندگی (به‌خصوص قیمت برنج) ترتیب داده شد.

۱۱۹ ـ تعطیل کردن موقت فعالیت‌های اقتصادی

شیوه‌های عدم همکاری سیاسی

نفی مشروعیت

۱۲۰ ـ خودداری یا بازپس‌گیری بیعت سیاسی (با رهبران سیاسی جامعه)

۱۲۱ ـ خودداری از اعلام حمایت عمومی (از دستورات و مشروعیت حکومت)

۱۲۲ ـ انتشار متون چاپی و انجام سخنرانی‌های مبتنی بر تشویق مقاومت (مردم در برابر حکومت)

عدم همکاری شهروندان با حکومت

۱۲۳ ـ تحریم عناصر و بدنه‌های قانون‌گذاری

۱۲٤ ـ تحریم انتخابات

۱۲۵ ـ تحریم مسوولیت‌ها و مشاغل دولتی
۱۲٦ ـ تحریم اداره‌ها، موسسه‌ها و سایر عناصر دولتی
۱۲۷ ـ خروج از مدرسه‌های آموزشی دولتی
۱۲۸ ـ تحریم سازمان‌های تحت پوشش و حمایت دولت
۱۲۹ ـ خودداری از کمک به ماموران و کارگزاران اجرایی [دولت]
۱۳۰ ـ جابه‌جایی علائم و مکان‌نماهای شخصی
۱۳۱ ـ خودداری از قبول (و همکاری با) ماموران انتصابی [دولت]
۱۳۲ ـ خودداری از انحلال سازمان‌ها و موسسه‌های موجود

گزینه‌های نوع اطاعت شهروندان

۱۳۳ ـ ابراز عدم تمایل (بی‌میلی) و پذیرش کند (با تاخیر)
۱۳٤ ـ نافرمانی در زمان نبود نظارت مستقیم
۱۳۵ ـ نافرمانی همگانی
۱۳٦ ـ نافرمانی پنهان (غیرآشکار)
۱۳۷ ـ خودداری از شرکت در یک تجمع یا اجلاس به منظور انشقاق
۱۳۸ ـ تحصن
۱۳۹ ـ عدم همکاری به هنگام خدمت اجباری (تحت فشار) و تبعید
۱٤۰ ـ مخفی شدن، فرار کردن و استفاده از هویت‌های جعلی «غیرمشروع»
۱٤۱ ـ نافرمانی مدنی در برابر قوانین

اقدام از سوی کارمندان دولت

۱٤۲ ـ خودداری گزینشی در مورد کمک به تحقق هدف‌های دولتی
۱٤۳ ـ مسدود کردن خطوط فرماندهی و انتقال اطلاعات
۱٤٤ ـ به تعویق انداختن و ایجاد مانع در کارها
۱٤۵ ـ عدم همکاری‌های اداری و اجرایی عمومی
۱٤٦ ـ عدم همکاری قضایی
۱٤۷ ـ عدم کارآیی آگاهانه و نیز عدم همکاری با عناصر و کارگزاران اجرایی
۱٤۸ ـ تمرد و شورش

اقدامات دولت در سطح داخلی

۱٤۹ ـ طفره رفتن و تاخیرهای شبه قانونی

۱۵۰ ـ عدم همکاری با واحدهای متشکل دولتی

اقدامات دولت در سطح بین‌المللی

۱۵۱ ـ انجام تغییرات در کادر دیپلماتیک و سایر نمایندگی‌ها[ی سیاسی و اقتصادی]

۱۵۲ ـ تاخیر انداختن و لغو اقدامات و رخدادهای دیپلماتیک

۱۵۳ ـ خودداری از شناسایی دیپلماتیک [کشورها، نهادها و...]

۱۵٤ ـ قطع روابط دیپلماتیک

۱۵۵ ـ لغو عضویت در سازمان‌های بین‌المللی

۱۵٦ ـ خودداری از عضویت در نهادهای بین‌المللی

۱۵۷ ـ اخراج [یک عضو] از سازمان‌های بین‌المللی

روش‌های تهاجم غیرخشونت‌آمیز

تهاجم روانی

۱۵۸ ـ سخن گفتن و ابراز نظر شخصی و بی پرده و صریح در برابر دیگران

۱۵۹ ـ روزه گرفتن

الف) روزه فشار اخلاقی (روزه سیاسی)

ب) اعتصاب غذا

ج) روزه مقاومت منفی (ساتیاگراها)

۱٦۰ ـ محکمه نمایشی

۱٦۱ ـ تحمل مصیبت و آزار غیرخشونت آمیز (نظیر خود را به زنجیر کشیدن، چسب بر دهان زدن، دوختن دهان و...)

تهاجم فیزیکی

۱٦۲ ـ تحصن نشسته (بست نشستن)

۱٦۳ ـ تحصن ایستاده

۱٦٤ ـ ابراز اعتراض سواره (با استفاده از اتوموبیل، دوچرخه، اسب،...)

۱٦۵ ـ هجوم آوردن به سوی افراد و شخصیت‌ها

۱٦٦ ـ خرد کردن اعصاب (با روش‌های گوناگون)

۱٦۷ ـ اجرای دعا و نیایش برای تحقق اهداف

۱۶۸ ـ حملات غیر خشونت‌آمیز
۱۶۹ ـ پرتاب‌های غیر خشونت‌آمیز (نظیر تخم‌مرغ، گوجه فرنگی،...)
۱۷۰ ـ تهاجم و پیشروی فیزیکی غیر خشونت آمیز
۱۷۱ ـ تولید صداهای غیر خشونت آمیز (همچون سوت، هو کردن و...)
۱۷۲ ـ کارشکنی و اختلال غیر خشونت آمیز در روند جلسات گوناگون (سخنرانی‌ها، پارلمان‌ها،...) و از رسمیت انداختن آنها
۱۷۳ ـ اشغال غیرخشونت‌آمیز (مکان‌های عمومی و دولتی، وزار تخانه‌ها، سفارتخانه‌ها و...)

تهاجم اجتماعی

۱۷۴ ـ ایجاد الگوهای جدید اجتماعی
۱۷۵ ـ ترتیب استفاده بیش از حد مجاز و ظرفیت از تجهیزات و امکانات موجود برای مختل کردن عملکرد آنها
۱۷۶ ـ استفاده از روش سکوت و بی‌اعتنایی (نسبت به وقایع)
۱۷۷ ـ صحبت و اظهار نظر فعال در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی
۱۷۸ ـ نمایش‌های چریکی
۱۷۹ ـ ایجاد نهادهای اجتماعی جایگزین
۱۸۰ ـ ایجاد سیستم‌های ارتباطی جایگزین

تهاجم اقتصادی

۱۸۱ ـ اعتصاب تمدیدی (از نظر مدت)
۱۸۲ ـ اعتصاب نشسته (در محل کار)
۱۸۳ ـ تصرف غیر خشونت آمیز یک زمین
۱۸۴ ـ ایجاد راه‌بندان در خیابان و جاده ها
۱۸۵ ـ جعل و تقلب با انگیزه‌های سیاسی
۱۸۶ ـ جلوگیری و محدود کردن معاملات اقتصادی
۱۸۷ ـ تصرف دارایی‌ها
۱۸۸ ـ دامپینگ (فروختن یک کالا به میزان زیاد با قیمت کمتر از حد معمول) برای رقابت با یک شخص یا نهاد
۱۸۹ ـ حمایت گزینشی (از یک کالا یا خدمت)

۱۹۰ ـ انتخاب بازارهای جایگزین
۱۹۱ ـ انتخاب وسایل نقلیه جایگزین [برای وسایل نقلیه عمومی و دولتی]
۱۹۲ ـ انتخاب نهادهای اقتصادی جایگزین

تهاجم سیاسی

۱۹۳ ـ ترتیب استفاده بیش از توان و ظرفیت سازمان‌های اداری موجود
۱۹۴ ـ افشای هویت ماموران و سازمان‌های مخفی (اطلاعاتی)
۱۹۵ ـ تلاش برای زندانی شدن (به وسیله دولت)
۱۹۶ ـ نافرمانی مدنی در برابر قوانین «خنثی»
۱۹۷ ـ انجام یک اقدام بدون همکار و همدست
۱۹۸ ـ ایجاد حاکمیت دوگانه و دولت موازی

۲۳ـ روزشمار اخبار مربوط به انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و حوادث بعد از آن(مهر ۱۳۸۷ تا بهمن ۱۳۸۸)

مهر ۱۳۸۷

● طهماسب مظاهری با ارسال نامه‌ای انتقادی به رئیس‌جمهور، عملا از ریاست بانک مرکزی خداحافظی کرد.(ایسنا، ٤مهر)

● سیدمحمد خاتمی: برای نامزدی در انتخابات تردید دارم. (جام‌جم، ۷مهر)

● علی مطهری نماینده تهران: با کنار رفتن علی کردان از سمت وزارت کشور، سلامت انتخابات پیش رو بیمه خواهد شد. (آفتاب نیوز، ۱۷مهر)

● مهدی کروبی ۷۱ساله، رسما نامزدی خود را در انتخابات آینده اعلام کرد.(خبرگزاری‌ها، ۲۱مهر)

● کامران دانشجو، معاون سیاسی وزیر کشور: مهم‌ترین برنامه در برگزاری انتخابات، اجرای اصول اخلاق اسلامی در کل مسیر انتخابات و صیانت از آرای مردم است و این‌که چه کسی انتخاب شود، برای من مهم نیست. (فارس، ۷مهر)

● ابطحی، معاون پارلمانی دولت خاتمی: کاندیداتوری کروبی برای انتخابات ریاست جمهوری دهم تاثیری در تصمیم خاتمی ندارد. (فارس، ۲۱مهر)

آبان ۱۳۸۷

● حمله شدید حسن روحانی به دولت: مگر می‌شود همیشه با آزمون و خطا کشور را اداره کرد؟ (شهروند امروز، ۵ آبان)

● احزاب اصلاح طلب ضمن قبول طرح حکمیت، هیات موسس ائتلاف اصلاح طلبان را تشکیل دادند. (٦ آبان)

● رهبر معظم انقلاب: فعالیت زودهنگام انتخاباتی به ضرر کشور است. (جام‌جم، ۸آبان)

● حیدرپور، نماینده شهرضا به عمل عباسی مدیر کل پارلمانی دولت در ارائه چک پنج میلیون تومانی کمک به مساجد در ازای پس گرفتن امضای استیضاح کردان به شدت واکنش نشان داد. (جهان نیوز، ۸ آبان)

● حجاریان در دیدار با اعضای ادوار تحکیم وحدت: خاتمی با حفظ خط قرمزهایش بیاید، خاتمی این بار برای آمدن نباید اذن بگیرد و باید برای همه مشخص کند که اگر رد صلاحیت شد چه کار خواهد کرد. (شهروند امروز،۱۲آبان)

● اصلاح طلبان، ۲۲ بهمن کاندیدای نهایی خود را معرفی می‌کنند. (شهروند امروز،

۱۲آبان)

● مجلس هشتم سه ماه پس از رای اعتماد به علی کردان، وی را استیضاح و از وزارت کشور خلع کرد. (خبرگزاری‌ها، ١٤ آبان)

● همایش موج سوم به همت پویش دعوت از خاتمی با سخنرانی چهره‌های دوم خردادی از جمله ابطحی، ملکیان، اشرفی اصفهانی، سعید فائقی و پیام سعید حجاریان با اجرای شهلا ناظریان و حضور تعدادی از هنرمندان برگزار شد. (ایسنا، ١٦ آبان)

● خاتمی: مشغول فکر کردن هستم. (ایسنا، ١٨ آبان)

● خاتمی: با نیامدنم انتخابات دو قطبی نمی‌شود. (جام‌جم، ۲۲ آبان)

● میرحسین موسوی: اگر خاتمی کاندیدا نشود، در این مورد فکر می‌کنم. (جام‌جم، ۲۸ آبان)

آذر ۱۳۸۷

● عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران: مردم باید برای خاتمی شرط بگذارند، نه خاتمی برای مردم. (ایرنا، ۳ آذر)

● انتقاد دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) از احمدی‌نژاد در جلسه پرسش و پاسخ با سخنگوی دولت (اعتماد، ٤ آذر)

● اصلاح طلبان راهی جز اجماع ندارند. (اعتماد،٦ آذر)

● علی لاریجانی: تئوری وحدت ملی به معنی نامزدی علی لاریجانی یا عبور از احمدی‌نژاد نیست. (فارس، ۹ آذر)

● دولت لایحه اصلاح قانون انتخابات را از مجلس پس گرفت. (جام‌جم، ۱۰ آذر)

● همایش ۳۰ سال قانون‌گذاری و نظارت با حضور روسای مجالس بعد از انقلاب و نمایندگانی منتخب از همه احزاب و تشکل‌های سیاسی در مجلس برگزار شد. (خبرگزاری‌ها، ۱۲آذر)

● توکلی: دولت ائتلافی نه مقدور است، نه مطلوب و مبنای آن سهم خواهی است. (فارس، ۱۷ آذر)

● عماد افروغ: پیشنهاد دولت وحدت ملی با عقلانیت سیاسی و تحزب مغایرت دارد و یک عوامفریبی است. (فارس، ۱۸ آذر)

● هاشمی رفسنجانی: طرح وحدت ملی را اول آقای ناطق و بعد آقای لاریجانی مطرح کردند و به این معنی است که رئیس‌جمهور اصول‌گرا و کابینه مشترک باشد. فقط وقتی آقای

کرباسچی آن را قبول کرد، موج برگشت و گفتند اصلاح طلبان این را مطرح کرده‌اند. (ایلنا، ۲۰ آذر)

● دبیر کل حزب موتلفه اسلامی: طرح دولت وحدت ملی، بازی کردن با رای مردم است. (خبرگزاری مهر، ۲۰ آذر)

● حسین شریعتمداری: دولت وحدت ملی هنگامی مطرح می‌شود که خطری کشور را تهدید نکند و این مساله در حال حاضر در کشور ما مفهومی ندارد. (خبرگزاری مهر، ۲۲ آذر)

● محسن رضایی با ارسال نامه‌ای به سران قوا و احزاب، مانیفست دولت ائتلافی را ارائه کرد. (خبرگزاری مهر، ۲۳ آذر)

● کارگزاران: خاتمی نیاید، با کروبی هستیم. (جام‌جم، ۲٤ آذر)

● عبدالله نوری: اگر شرایط ایجاب کند، می‌آیم. (اعتماد، ۲٤ آذر)

● هاشمی رفسنجانی: هر طرح انتخاباتی که به وحدت ملی بی‌توجه باشد، صحیح نیست. (خبرگزاری مهر، ۲۵ آذر)

● دبیر کل حزب موتلفه: منتقد دولت هستیم اما شیپور دوم خردادی‌ها برای تخریب نمی‌شویم. (ایسنا، ۲۸ آذر)

دی ۱۳۸۷

● محمدرضا عارف رسماً آمادگی خود را برای کاندیداتوری در انتخابات اعلام کرد. (خبرگزاری مهر، اول دی)

● هاشمی رفسنجانی: قطعا در انتخابات ریاست‌جمهوری کاندیدا نخواهم شد. (خبرگزاری‌ها، اول دی)

● حبیبی دبیر کل حزب موتلفه: اگر خاتمی نامزد شود، اصول‌گرایان در برابر وی متحد خواهند بود. (ایرنا، ٤ دی)

● رئیس‌جمهور در پاسخ به سوالی که از وی درباره کاندیداتوری اش در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری مطرح شد: شما می‌خواهید سوال انتخاباتی بپرسید و من به سوالات انتخاباتی جواب نمی‌دهم. (خبرگزاری‌ها، ۱۰دی)

● سجادی سخنگوی جبهه پیروان خط امام و رهبری: خط قرمز اصول‌گرایان، جلوگیری از پیروزی دوم خردادی‌هاست. (فارس، ۱۰دی)

● کرباسچی در واکنش به تعلل خاتمی برای کاندیداتوری: بالاخره دیگران هم می‌خواهند برنامه‌ریزی کنند که کاندیدا بشوند؛ نباید اینقدر فردمحور بود و به دیگران اهمیتی نداد. این

نوع سیاست‌ورزی مورد قبول جهان مدرن نیست. (اعتماد ملی، ١٤دی)

●ناطق نوری: یک جناح به تنهایی نمی‌تواند کشور را اداره کند. (اعتماد، ۲۱دی)

●خاتمی در ملاقات با میر حسین موسوی، ضمن اعلام قطعی عدم کاندیداتوری از وی دعوت کرد، حضور خود را هرچه سریع‌تر اعلام کند. (خبرگزاری مهر، ٢٤دی)

● خاتمی: من یا میرحسین برای انتخابات ریاست جمهوری می‌آییم. (خبرگزاری ها، ٢٤دی)

●عزت‌الله سبحانی با استقبال از حضور موسوی در انتخابات آتی، به خاتمی توصیه کرد کاندیدا نشود. (ایلنا، ٢٤دی)

●حدادعادل: برای کاندیداتوری احساس تکلیف نمی‌کنم. (فارس، ٢٤دی)

●رهبر انقلاب در پیامی به اسماعیل هنیه از مقاومت حماس در برابر حملات همه جانبه رژیم صهیونیستی تجلیل کردند. (خبرگزاری ها، ٢٦دی)

●سید محمد خاتمی: نسبت به کاندیداتوری‌ام در مورد تردیدهایی که دارم، مشغول فکر کردن هستم و ان‌شاءالله این تردیدها هم مرتفع شود. (خبرگزاری‌ها، ۲۷دی)

●سخنگوی حزب کارگزاران: شانس خاتمی از موسوی بیشتر است. برای کروبی احترام قائلیم اما به اجماع می‌اندیشیم. (خبرگزاری مهر، ۲۷دی)

● سخنگوی جمعیت ایثارگران: موفقیت اصول‌گرایان منوط به وفاق جمعی است. در معرفی مصداق‌ها نباید عجله کنیم. (خبرگزاری مهر، ۲۹دی)

●فرشاد مومنی: تمایلات دولت سالارانه میرحسین موسوی کذب است. (ایلنا، ۲۹ دی)

● منتجب‌نیا قائم مقام حزب اعتماد ملی: گروه‌های اصلاح‌طلب پس از تصویب طرح شورای حکمیت به آن عمل نکردند.

● ما در حال حاضر هیچ طرحی برای متحد کردن این گروه‌ها نداریم، ولی انتظارمان این است که این گروه‌ها بر سر کاندیداتوری آقای کروبی اتفاق نظر پیدا کرده و از وی حمایت کنند. (فارس، ۲۹دی)

●خاتمی: از بین من یا میرحسین موسوی حتما یکی در انتخابات ریاست جمهوری دهم حضور پیدا می‌کند. (فارس، ۳۰دی)

بهمن ۱۳۸۷

●علی لاریجانی: نامزد نخواهم شد. به دنبال اصول گرایان اصلاح طلب باشیم. (خبرگزاری مهر، اول بهمن)

● دبیر کل جبهه مشارکت: نوع نگاه میرحسین اصلاح طلبانه است. (آفتاب یزد، اول بهمن)
● احمدی‌نژاد در یک گفت‌وگوی تلویزیونی: من مدعی هستم که این دولت پاک است. (جام‌جم، ۲ بهمن)
● قوامی: مردم در زمان مسوولیت میرحسین موسوی در رفاه نسبی بودند. (ایلنا، ۲ بهمن)
● زاکانی: قالیباف در صورت نامزدی خاتمی کاندید نمی‌شود. (فارس، ۳ بهمن)
● قائم مقام جامعه اسلامی مهندسین: اصول‌گرایان برای انتخاب کاندیدای اصلی و سایه طرحی دارند. (خبرگزاری مهر، ۵ بهمن)
● ناطق نوری: طرح وحدت ملی فراتر از عبور از احمدی‌نژاد است. (آفتاب یزد، ۵ بهمن)
● موسوی: در اوایل انقلاب هیچ‌کس فکر تطمیع پنج میلیونی برخی نمایندگان نبود. (آفتاب یزد، ۵ بهمن)
● منتجب نیا، قائم مقام اعتماد ملی: میرحسین به کابینه کروبی دعوت خواهد شد. (اعتماد، ۶ بهمن)
● باهنر دبیر کل جامعه اسلامی مهندسین و نایب رئیس مجلس: اصول‌گرایان با دو نامزد می‌آیند. (ایرنا، ۶ بهمن)
● محمدرضا خباز عضو شورای مرکزی اعتماد ملی: کروبی تنها نامزد اصلاح طلبان است، خاتمی و میرحسین مرددند. (خبرگزاری مهر، ۶ بهمن)
● حبیبی دبیر کل حزب موتلفه: از احمدی‌نژاد عبور نکرده‌ایم اما وی هنوز نامزد نهایی موتلفه نیست. (خبرگزاری مهر، ۷بهمن)
● دکتر فیروز آبادی: رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ریاست جمهوری مناسب افراد مسن نیست. (آفتاب یزد، ۸ بهمن)
● در جلسه شورای مرکزی جبهه مشارکت مطرح شد: استقبال از نامزدی موسوی در صورت حضور نیافتن خاتمی (ایسنا، ۸ بهمن)
● حملات لفظی میرحسین موسوی علیه دولت شدت گرفت. (جام‌جم، ۹ بهمن)
● سید محمد خاتمی: ترجیح می‌دهم آقای مهندس موسوی بیاید. اگر موسوی نیاید، دل به خدا سپرده و به عرصه می‌آیم. (ایسنا، ۱۲ بهمن)
● در جلسه دیروز خاتمی - موسوی، میرحسین مهلت یکماهه خواست، خاتمی رد کرد. (خبرگزاری مهر، ۱۲ بهمن)
● ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی به عنوان کاندیدای شورای هماهنگی جبهه اصلاحات،

فعالیت خود را آغاز کرد. (ایلنا، ۱۲ بهمن)

● کروبی: خاتمی و موسوی راضی نیستند من کنار بروم. (فارس، ۱٤ بهمن)

● نخستین ماهواره ایرانی به نام ماهواره امید با فناوری داخلی به فضا پرتاب شد و در مدار زمین قرار گرفت. (خبرگزاری‌ها، ۱٤ بهمن)

● علیرضا محجوب: خصوصی‌سازی در دوران میرحسین موسوی بیش از دولت‌های دیگر بود. (ایلنا، ۱۵ بهمن)

● کروبی: با شعار تغییر می‌آیم. (اعتماد، ۱۵ بهمن)

● ناطق نوری: اصول‌گرا هستم و از اصول‌گرایان حمایت می‌کنم. با آقای خاتمی وارد بحث‌های انتخاباتی نشده‌ام. (خبرگزاری‌ها، ۱۵ بهمن)

● خاتمی در استان گلستان: دغدغه آبرو و نگرانی از شکست ندارم. مهندس موسوی از سرمایه‌های انقلاب است. ما بانی طرح تحول اقتصادی بودیم. (ایلنا، ۱٦ بهمن)

● کروبی: تا آخر صحنه در انتخابات خواهم ماند. (اعتماد،۱۷ بهمن)

● انور خامه‌ای: مردم از دولت موسوی راضی بودند. میرحسین نمی‌تواند با شکل سابق اقتصاد را اداره کند. (ایلنا، ۱۹ بهمن)

● رئیس ستاد اجرایی انتخاباتی اعتماد ملی: خاتمی با آمدن ـ نیامدن‌هایش همه را سردرگم کرده است. (خبرگزاری مهر، ۲۰ بهمن)

● معاون مدیر عامل بنیاد باران: میرحسین به تصمیم نهایی نرسید، کاندیداتوری خاتمی تا سه روز آینده اعلام می‌شود. (خبرگزاری مهر، ۲۰بهمن)

● خاتمی رسما نامزدی خود را برای انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد. (ایسنا، ۲۰ بهمن)

● مرعشی: خاتمی در خصوص یا من می‌آیم یا میرحسین، عجله کرد. (فارس، ۲۲ بهمن)

● سید محمد خاتمی: اپوزیسیون نظام نبوده و نیستم. علی رغم میل باطنی و با احتمال مشکلات پیش رو کاندیدا شدم. (ایسنا، ۲۳ بهمن)

● سخنگوی شورای نگهبان: اصلاح قانون انتخابات ضرورت دارد. (جام‌جم، ۲۵ بهمن)

● کامران دانشجو رئیس ستاد انتخابات کشور: تبلیغات انتخاباتی داوطلبان ریاست جمهوری آزاد است. (جام‌جم، ۲۷ بهمن)

● محمدرضا عارف رئیس و محسن امین زاده قائم مقام ستاد انتخاباتی شدند. (ایسنا،

۲۸ بهمن)

● احمدی‌نژاد: زیر سوال بردن آمارهای ارائه شده از سوی دولت بی‌انضباطی است. (ایسنا، ۲۹ بهمن)

اسفند ۱۳۸۷

● حسن روحانی در استقبال از حضور موسوی: شکستن سکوت موسوی مبارک است. (آفتاب یزد، اول اسفند)

● مدل انتخابی اصول‌گرایان تحول خواه برای اجماع اصول‌گرایان ارائه می‌شود. (خبرگزاری مهر، اول اسفند)

● کروبی: با خاتمی رفاقت و رقابت دارم. بحث شورای حکمیت دیگر تمام شده است. (ایسنا، ۲ اسفند)

● کرباسچی: شایعه سازی علیه کروبی از سوی جناح اصول‌گرا نیست. (فارس، ٤ اسفند)

● دستور رئیس‌جمهور برای زمینه‌سازی افزایش حقوق و مزایای کارکنان دولت (فارس، ٤ اسفند)

● حزب اعتماد ملی اعلام کرد: برخی برای کناره‌گیری کروبی به تحریف رو آورده‌اند. (فارس، ۵اسفند)

● کروبی پیشنهاد کرد: سنجش مقبولیت برای اجماع نهایی اصلاح طلبان (اعتماد، ۵ اسفند)

● دیدار انتخاباتی میرحسین موسوی با سید حسن خمینی؛ موسوی تا آخر هفته تصمیم می‌گیرد. (خبرگزاری مهر، ۵اسفند)

● در دیدار خاتمی و عارف تاکید شد: خبرهای مربوط به ستاد خاتمی تنها از سوی سخنگوی ستاد اعلام خواهد شد. (فارس، ٦اسفند)

● کرباسچی رسما رئیس ستاد انتخاباتی کروبی شد. (خبرگزاری‌ها، ۷ اسفند)

● دومین همایش پویش دعوت از خاتمی با سخنرانی مجید انصاری در اریکه ایرانیان برگزار شد. (ایلنا، ۹ اسفند)

● مرتضی الویری: میرحسین موسوی در صورت حضور خاتمی در صحنه انتخابات وارد نمی‌شود. (ایلنا، ۹ اسفند)

● میرحسین موسوی: درباره احتمال کاندیداتوری در انتخابات در حال فکر هستم.

(فارس، ۱۰ اسفند)

● کروبی در بندرگز: من و خاتمی در دیدگاه‌ها تفاوت داریم. اجماع دیگرمفهوم ندارد و عملی نیست. (ایسنا، ۱۲ اسفند)

●روزنامه کلمه سبز به صاحب امتیازی میرحسین موسوی مجوز انتشار گرفت. (خبرگزاری مهر، ۱۲ اسفند)

●خاتمی در شیراز: جمهوری اسلامی یک درخت تناور است که باید از آن مراقبت شود. (ایسنا، ١٤ اسفند)

●موسوی: تقسیم بندی اصلاح طلب ـ اصول گرا، اصرار نیروهای سیاسی به سرایت دادن تفرقه خویش به جامعه است. (فارس، ١٦ اسفند)

●خاتمی در شیراز: عدالت اجتماعی به معنای پول اندک توجیبی و منت گذاری بر محرومان نیست. (آفتاب یزد، ۱۷ اسفند)

●ناطق نوری: به دلیل عدم استقبال گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی پیگیری طرح وحدت ملی را رها کرده‌ام. (ایلنا، ۱۷ اسفند)

●خاتمی: ترور را جدی نمی‌گیرم. اگر شد، فدای سر مردم. (آفتاب یزد، ۱۸ اسفند)

●خاتمی در بوشهر: مصمم به ماندن در صحنه انتخابات هستم. (اعتماد، ۱۸ اسفند)

●بیانیه ستاد کروبی: سهام شرکت‌های گاز و پخش فرآورده‌های نفتی را بدون حق انتقال و خرید و فروش، به طور مساوی میان همه افراد کشور از ۱۸ سال به بالا توزیع می‌کنیم. (۱۹ اسفند)

●عطریانفر، رئیس کمیته تبلیغات ستاد خاتمی: خاتمی با اراده غیرشخصی در انتخابات حضور یافته است. (ایسنا، ۲۰ اسفند)

●میرحسین موسوی با صدور بیانیه‌ای رسما کاندیداتوری خود را در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد. (خبرگزاری‌ها، ۲۰ اسفند)

●اکبر اعلمی نامزد انتخابات ریاست جمهوری شد. (ایلنا، ۲۰ اسفند)

●روابط عمومی شورای نگهبان با صدور اطلاعیه‌ای از تخریب این شورا توسط نامزدها و هوادارانشان انتقاد کرد. (خبرگزاری مهر، ۲۰ اسفند)

●محمد علی نجفی رئیس کمیته تلفیق برنامه‌های ستاد انتخاباتی خاتمی شد. (خبرگزاری مهر، ۲۱ اسفند)

●یک عضو شورای مرکزی فراکسیون اصول گرایان مجلس: حضور میرحسین در انتخابات

برای اصول‌گرایان یک بازی برد – برد است. (خبرگزاری مهر، ۲۱ اسفند)

● نتایج نظرسنجی از مراکز استان‌های سراسر کشور به طور غیررسمی اعلام شد. احمدی‌نژاد ٤٦ درصد، خاتمی ۳۳ درصد، قالیباف ٤/۲ درصد، موسوی ۱/۷ درصد، کروبی ۱/۹ درصد، پورمحمدی ٤/۰درصد. (۲۲اسفند)

● اولین همایش ستاد جوانان حامی خاتمی(ستاد ۸۸) برگزار شد. (ایسنا، ۲۲ اسفند)

● محمدرضا عارف: اگر قرار بود خاتمی کناره‌گیری کند، هرگز کاندیدا نمی‌شد. (فارس، ۲۲ اسفند)

● محسن رضایی: دولت ائتلافی با مردم سالاری سازگار است، اصول‌گرایان ائتلاف کنند. (فارس، ۲۳ اسفند)

● مجید انصاری: القای عدم سلامت انتخابات هدف دشمنان است. (فارس، ۲۳ اسفند)

● خاتمی: اگر من در رقابت‌ها نباشم می‌توانم تکثر را به وحدت تبدیل کنم. رفتن به دور دوم برای من شکست ولی برای میرحسین موسوی پیروزی است. (فارس، ۲٤اسفند)

● الیاس حضرتی رئیس ستاد انتخاباتی کروبی در تهران شد. (ایلنا، ۲٤ اسفند)

● خاتمی در حاشیه مراسم میلاد پیامبر اکرم (ص) در جماران، تلویحا کناره‌گیری خود را از رقابت‌های انتخاباتی اعلام کرد. (۲٤اسفند)

● موسوی: در عرصه خارجی شاید سیاست‌های احمدی‌نژاد را دنبال کنم. (جام‌جم، ۲٤ اسفند)

● میرحسین موسوی با کروبی دیدار کرد. (ایلنا، ۲۵ اسفند)

● میرحسین موسوی با سخنرانی در جشن میلاد پیامبر (ص) در حسینیه حجت نازی آباد، برای اولین بار پس از اعلام نامزدی در یک مراسم عمومی حضور یافت. (ایسنا، ۲۵ اسفند)

● علیرضا محجوب: کسانی که امام را پیشوای خود می‌دانند، کاندیدایی جز موسوی نخواهند داشت. (ایلنا، ۲۵ اسفند)

● طی حکمی از طرف وزیر کشور، کامران دانشجو رئیس ستاد انتخابات کشور شد. (خبرگزاری‌ها، ۲٦ اسفند)

● آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها برای ماندن خاتمی (اعتماد، ۲٦ اسفند)

● سید محمد خاتمی از نامزدی انتخابات ریاست جمهوری، انصراف داد. (جام جم، ۲٦ اسفند)

● هشدار وزیر کشور به مجریان انتخابات: از حاشیه‌ها دوری کنید. در دام حاشیه سازها

نیفتید. (خبرگزاری مهر، ٢٦اسفند)

● پیام موسوی به خاتمی به مناسبت انصراف وی: راه درست، اصلاحات همراه بازگشت به اصول است. (خبرگزاری مهر، ۲۷ اسفند)

● بیانیه انصراف خاتمی صادر شد: به حکم اخلاق کنار می‌کشم، میرحسین موسوی مدیری شایسته است. (خبرگزاری مهر، ۲۷ اسفند)

● شعار هر شهروند یک ستاد و هر ایرانی یک همراه به عنوان سیاست اصلی، رسانه‌ای و تبلیغاتی میرحسین موسوی معرفی شد. (ایسنا، ۲۷ اسفند)

● خاتمی در بیانیه انصراف از نامزدی: کروبی و موسوی صحنه انتخابات را مدیریت کنند. (آفتاب یزد، ۲۸ اسفند)

● نامه میر حسین موسوی به خاتمی (جام جم ، ۲۸ اسفند)

● در آخرین جلسه هیات دولت در سال ۸۷ وزیر اطلاعات: انتخابات ریاست جمهوری در امنیت و آرامش برگزار خواهد شد. (خبرگزاری‌ها، ۲۸ اسفند)

● خاتمی در دیدار با تعدادی از روزنامه نگاران، از نقض عهد موسوی گلایه کرد. (تابناک، ۲۸ اسفند)

فروردین ۱۳۸۸

● خاتمی موسوی را به نقض عهد متهم کرد. (فارس، اول فروردین)

● رهبر معظم انقلاب: به هیچ‌کس نمی‌گویم به چه کسی رای دهد یا ندهد. (آفتاب نیوز، اول فروردین)

● رهبر انقلاب در جمع مردم مشهد و زایران حرم رضوی تلویحا پاسخ پیام تبریک اوباما را دادند: ملت ایران را نه می‌شود فریب داد و نه می‌شود ترساند. (خبرگزاری ها، اول فروردین)

● عطریانفر: خاتمی اصلاح طلبان را دچار ابهام کرد. (تابناک، ۲فروردین)

● خاتمی: با هدف شرکت در اجلاس گفت‌وگوی تمدن‌ها به استرالیا رفت. (آفتاب نیوز، ۲ فروردین)

● کروبی پیشنهاد کرد: سنجش مقبولیت برای اجماع نهایی اصلاح طلبان (اعتماد، ۵ فروردین)

● هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا: آمریکا همچنان دستان خود را به سوی ایران دراز می کند. (خبرگزاری‌ها،٦ فروردین)

● هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه: سخنان تاریخی رهبر انقلاب در مشهد بر

همگان واجب الاتباع است. (خبرگزاری مهر، ۷فروردین)

● ستاد انتخاباتی دانشجویان میرحسین موسوی در دانشگاه‌های سراسر کشور تشکیل شد. (فارس، ۸ فروردین)

● مدیر مسوول روزنامه اعتماد ملی: هم کروبی و هم میرحسین از خاتمی دلخورند. (فارس، ۱۰ فروردین)

● رئیس‌جمهور در بازدید نوروزی از وزارت خارجه در جمع کارکنان این وزارتخانه سخنرانی کرد و به کارمندان حاضر نفری یک برگ تراول چک صد هزار تومانی عیدی داد. دولت این خبر را تکذیب نکرد. (الف، ۱۱فروردین)

● موسوی: دقت در پیام نوروزی رهبر انقلاب بسیاری از مشکلات کشور را حل می‌کند. (خبرگزاری مهر، ۱۴ فروردین)

● کوهکن: از چهارده نفر عضو جبهه پیروان خط امام و رهبری تا به حال به کاندیدایی غیر از احمدی‌نژاد نرسیده‌اند. (فارس، ۱۵ فروردین)

● رهبر انقلاب: به هیچ‌کس نمی‌گویم به چه کسی رای دهد یا ندهد. (اعتماد، ۱۵ فروردین)

● فرج الله سلحشور: ساخت سریال یوسف پیامبر ربطی به سفرهای استانی رئیس‌جمهور ندارد. (فارس، ۱۵ فروردین)

● حزب مشارکت تصویب کرد که به صورت مشروط از موسوی حمایت کند. (فارس، ۱۶ فروردین)

● کروبی: در مقطع فعلی کنار رفتن من و میرحسین موسوی به صلاح نیست. تا آخر در صحنه انتخابات باقی خواهم ماند. (فارس، ۱۶فروردین)

● اولین کنفرانس خبری موسوی با حضور ۲۰۰ خبرنگار داخلی و خارجی در محل موسسه اطلاعات برگزار شد. محورهای سخنان موسوی در این کنفرانس: اصلاح طلبی هستم که به اصول رجوع می‌کنم اگر کسی اعتقاد خود را به نظام از دست داده حق نداریم حقوق شهروندی او را نادیده بگیریم، لحن اوباما با بوش فرق دارد، گشت ارشاد را جمع می‌کنم، با گونی سیب‌زمینی و پول تو جیبی درشب انتخابات نمی‌توان رای جمع کرد. (خبرگزاری ها، ۱۷فروردین)

● موسوی: نباید به دنبال مافیای نفتی خیالی باشیم، من به مشاوره با خاتمی و هاشمی افتخار می‌کنم. (آفتاب یزد، ۱۸ فروردین)

●سلیمی نمین: میرحسین موسوی انگیزه و توانایی مقابله با مفاسد سازمان یافته را ندارد. (فارس، ۱۸ فروردین)

● موسوی از فعالان ستاد خود درخواست کرد که اگر در معرض توهین قرار گرفتم، واکنشی بیش از سکوت نشان ندهید.(ایسنا، ۱۹فروردین)

● با حضور رئیس‌جمهور در کارخانه سوخت هسته‌ای اصفهان، آخرین حلقه چرخه سوخت هسته‌ای ایران کامل شد. (۲۰ فروردین،خبرگزاری‌ها)

● دومین سفر استانی هیات دولت به اصفهان با استقبال فوق‌العاده مردمی از احمدی‌نژاد روبه‌رو شد. (۲۰فروردین، خبرگزاری‌ها)

●ابطحی مشاور انتخاباتی کروبی شد. (ایسنا، ۲۱ فروردین)

●حسین شریعتمداری با انتشار یادداشتی در روزنامه کیهان از تلاش برای آزادی شهرام جزایری خبر داد و به شدت به برخی مسوولان قوه قضاییه حمله کرد. با دستور حجت‌الاسلام رئیسی معاون قوه قضاییه، حکم آزادی شهرام جزایری لغو شد. (۲۲ فروردین)

● ابطحی: با حضور موسوی در انتخابات کار برای اصلاح‌طلبان سخت شد. (جام‌جم، ۲۲ فروردین)

● سخنگوی شورای نگهبان: تشکیل کمیته صیانت از آرا غیرقانونی است. (خبرگزاری مهر، ۲۲فروردین)

● عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان: بی‌طرفی و عمل غیرجانبدارانه در انتخابات در شورای نگهبان اصل است.(ایلنا، ۲۲ فروردین)

●محسن آرمین: منتظر میرحسین اصلاح طلب باشید. (اعتماد، ۲۳ فروردین)

● جبهه مشارکت: با پیروزی میرحسین شاهد تغییرات سازنده در کشور خواهیم بود. (آفتاب یزد، ۲۳ فروردین)

●احمدی‌نژاد: کسی حق جلوگیری از سخنرانی نامزدها را ندارد. (جام‌جم، ۲۳ فروردین)

●عطاءالله مهاجرانی مشاور کروبی شد. (ایسنا، ۲۴ فروردین)

● میرحسین موسوی در ایلام اصول چهارگانه شعار انتخاباتی خود را تبیین کرد: ایران پیشرفته همراه با قانون، عدالت و آزادی (ایلنا، ۲۴ فروردین)

● سید مرتضی نبوی: احمدی‌نژاد در بین اصول‌گرایان رقیب جدی ندارد. (فارس، ۲۵ فروردین)

●میرحسین موسوی: متعلق به جنبش دانشجویی و مدافع انجمن اسلامی هستم. نه عقاید

سوسیالیستی دارم، نه لیبرالیستی. (ایلنا، ٢٦ فروردین)

● دبیر کل جامعه اسلامی اصناف: کمیته صیانت از آرا پروژه اصلاح طلبان برای توجیه شکست در انتخابات است. (فارس، ٢٦ فروردین)

● سخنگوی قوه قضاییه: چند شعبه ویژه جرایم انتخاباتی تعیین می‌شود. (اعتماد، ٢٦ فروردین)

● هاشمی ثمره مشاور ارشد احمدی‌نژاد استعفا داد تا رئیس ستاد انتخاباتی وی بشود. (اعتماد، ٢٧ فروردین)

● محسن رضایی: مساله فرهنگ با برقراری گشت ارشاد و یا حذف آن حل نمی‌شود. (جام‌جم، ٢٧ فروردین)

● محسن رضایی: ترجیح می‌دهم دیگران کاندیدا شوند. نتیجه را تا اجماع رسانه‌ای نمی‌کنیم. (خبرگزاری مهر، ٢٨ فروردین)

● سخنگوی حزب کارگزاران: فقط حامی موسوی هستیم. (جام‌جم، ٢٨ فروردین)

● معصومه ابتکار: در حال بررسی برای کاندیداتوری در انتخابات هستم. (ایلنا، ٢٨ فروردین)

● کروبی: اگر اطرافم را خالی کنند،این‌بار تا آخر در عرصه انتخابات می‌مانم. (فارس، ٢٩ فروردین)

● علی مطهری: هیچ یک از نامزدهای موجود اصلح نیستند. ولایتی برای حضور در انتخابات پاسخ منفی نداده است. (خبرگزاری مهر، ٢٩ فروردین)

● جامعه اسلامی دانشجویان رسما از احمدی‌نژاد حمایت کرد. (خبرگزاری مهر، ٢٩ فروردین)

● جوانفکر، مشاور مطبوعاتی رئیس‌جمهور: احمدی‌نژاد ستاد انتخابات رسمی ندارد، هر چند تعدادی از حامیان وی به طور داوطلبانه و با هزینه خود اقدام به برپایی ستاد انتخاباتی کرده‌اند. (خبرگزاری مهر، ٣٠ فروردین)

● آیت الله کعبی عضو حقوقدان شورای نگهبان: سفرهای استانی رئیس‌جمهور تخلف انتخاباتی محسوب نمی‌شود و طبق قانون اساسی افراد در معرض کاندیداتوری که در کشور دارای مسوولیت رسمی هستند، می‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند. (فارس، ٣٠ فروردین)

● موسوی: آرا بالای ٢٤ میلیون باشد، پیروزم. (خبرگزاری مهر، ٣٠ فروردین)

● نتایج نظرسنجی ایسپا در ٢٠ و ٢١ فروردین در تهران اعلام شد: احمدی‌نژاد ٤٦/٩ درصد،

موسوی ۱۵/۷درصد، قالیباف ۱۲/۹درصد، ولایتی ۲/۱درصد، لاریجانی ٤/٤درصد، کروبی ۱/٤درصد، رضایی ۰/۹درصد، هیچ‌کدام ۱۰/۹درصد، نمی‌دانم ۵/۱ درصد (۳۰ فروردین)

● موسوی در نشستی با کمیته دانشجویی: ملی مذهبی‌ها دوستان قدیمی من هستند اما اختلاف‌هایی داریم. (جهان‌نیوز، ۳۰ فروردین)

● موسوی: جامعه آماده یک موج است. (جام‌جم، ۳۰ فروردین)

● سخنرانی ضد صهیونیستی احمدی‌نژاد در اجلاس ضد نژاد پرستی در ژنو با تشویق شدید نمایندگان سازمان‌های غیردولتی روبه‌رو شد و رئیس‌جمهور ایران را مرد اول و خبرسازترین چهره اجلاس ژنو کرد. یکی از حامیان صهیونیست‌ها در ابتدای سخنرانی احمدی‌نژاد، شیئی قرمز رنگ به‌طرف وی پرتاب کرد و توسط پلیس دستگیر شد. (واحدمرکزی خبر، ۳۱فروردین)

● موسوی: نباید تفاهم زیبای دفاع مقدس را از دست بدهیم. (فارس، ۳۱ فروردین)

● جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی رسما از احمدی‌نژاد حمایت کرد. (خبرگزاری مهر، ۳۱ فروردین)

● مرعشی: همه امکانات حزب کارگزاران در اختیار میرحسین است. (خبرگزاری مهر، ۳۱ فروردین)

اردیبهشت ۸۸

● موسوی: با جرات می‌گویم به خاطر برخی نظریات نهضت آزادی در خصوص ولایت فقیه، از همان اول راه من از آنها جدا بوده است. (خبرگزاری مهر، اول اردیبهشت)

● انجمن اسلامی معلمان ایران در حمایت از میرحسین موسوی بیانیه صادر کرد. (ایسنا، اول اردیبهشت)

● کروبی: متاسفم که دانشجوها بارها از من درباره پول شهرام جزایری سوال می‌کنند. (فارس، اول اردیبهشت)

● رئیس‌جمهور در جمع مردم اسلامشهر با انتقاد از مجلس درباره تاخیر در تصویب لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، گفت: ما پیش‌بینی کرده بودیم به ۷۰ درصد از جمعیت کشور، نفری ٦۰ هزار تومان یارانه مستقیم بدهیم. این جمله با متن لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها تناقض داشت و اعتراض محافل اقتصادی را برانگیخت. (الف، ۲اردیبهشت)

● کروبی و موسوی طی نامه‌ای مشترک به شورای نگهبان درخواست کردند در گزینش و

دعوت از ناظران شورای نگهبان و معتمدان اجرایی، آنها از چهره‌های مستقل و موجه باشند. (ایسنا، ۲ اردیبهشت)

● موسوی: طرح سهام عدالت را در صورت پیروزی ادامه خواهم داد. (ایسنا، ۳ اردیبهشت)

● نامه مشترک موسوی و کروبی به شورای نگهبان و وزارت کشور با تاکید بر رعایت بیطرفی. (ایسنا، ۳ اردیبهشت)

● موسوی: ولایت فقیه همواره کشور را از کودتاها نجات داده است. (فارس، ۳ اردیبهشت)

● کروبی: ابطحی و کرباسچی زیر پای من را خالی نمی‌کنند. (خبرگزاری مهر، ٤ اردیبهشت)

● جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی با انتشار بیانیه‌ای تحلیلی رسما از احمدی‌نژاد در انتخابات آتی حمایت کرد. (فارس، ٤ اردیبهشت)

● ثبت‌نام داوطلبان دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری از ۱۵ اردیبهشت به مدت پنج روز و به طور اینترنتی انجام می‌شود. (خبرگزاری‌ها، ٤ اردیبهشت)

● احمد توکلی سخنگوی دولت موسوی: موسوی نمی‌تواند فرد مناسبی برای ریاست قوه مجریه در چهار سال آتی باشد. (فارس، ٤ اردیبهشت)

● موسوی: فعلا نام وزرایم را اعلام نمی‌کنم. (آفتاب نیوز ٤ اردیبهشت)

● عسکر اولادی: از احمدی‌نژاد حمایت می‌کنیم ولی انتخابات را رقابت بین حق و باطل نمی‌دانیم. (ایلنا، ۵ اردیبهشت)

● جبهه پیروان خط امام و رهبری شامل ١٤ حزب و تشکل از جمله حزب موتلفه اسلامی و جامعه اسلامی مهندسین، رسما از احمدی‌نژاد حمایت کرد. (فارس، ۵ اردیبهشت)

● وزیر کشور: آماده رای گیری از پانزده ساله‌ها هستیم. (خبرگزاری مهر، ۵ اردیبهشت)

● جمعیت رهپویان انقلاب با انتشار بیانیه‌ای رسما از نامزدی احمدی‌نژاد حمایت کرد. (خبرگزاری‌ها، ۵ اردیبهشت)

● در اولین روز ثبت‌نام برای کاندیداتوری انتخابات دهم ریاست جمهوری ۵۹ نفر ثبت‌نام کردند. خبرگزاری‌ها از حاشیه‌های خنده دار در اولین روز ثبت‌نام خبر و عکس منتشر می‌کنند. (خبرگزاری‌ها، ۵ اردیبهشت)

● وزیر اطلاعات: یک تیم تروریستی وابسته به صهیونیست‌ها که قصد بمب‌گذاری در

تهران را داشتند، دستگیر شدند. (خبرگزاری‌ها، ٦ اردیبهشت)

●لایحه دو فوریتی کاهش سن رای دهندگان از ۱۸ سال به ۱۵ سال، تنها ۵۷ رای موافق کسب کرد و رد شد. (خبرگزاری مهر، ٦ اردیبهشت)

●رئیس ستاد انتخابات کشور: ٤٦ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر واجد شرایط رای دادن هستند. (جام‌جم، ٦ اردیبهشت)

●اقدام دولت در الحاق سازمان حج و زیارت به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با اعتراض مراجع قم و نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت مواجه شد و دخالت رهبر انقلاب را برای تجدید نظر دولت در این تصمیم به دنبال داشت. (خبرگزاری‌ها، ٦ اردیبهشت)

●نشست هم اندیشی اصول‌گرایان با عنوان گامی دیگر به دعوت جمعیت ایثارگران و جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی با حضور و سخنرانی چهره‌هایی نظیر عسکراولادی، حداد عادل و آقاتهرانی در حمایت از احمدی‌نژاد برگزار شد. (فارس، ۷ اردیبهشت)

●مهدی کروبی در دانشگاه شریف: حکم حکومتی را قبول دارم و در صورت پیروزی مطیع کامل رهبری خواهم بود. (فارس، ۷ اردیبهشت)

●محسن رضایی با مراجع تقلید و علما در قم دیدار کرد. (ایسنا، ۷ اردیبهشت)

●بیانیه مجمع روحانیون مبارز: متاسفانه صدا و سیما به ستاد تبلیغات انتخاباتی کاندیدای خاص تبدیل شده است. (ایسنا، ۷ اردیبهشت)

●کروبی در جمع دانشجویان دانشگاه شریف: بنده حکم حکومتی را همواره قبول داشته و خواهم داشت. (ایسنا، ۷ اردیبهشت)

●استاندار تهران: برای تامین امنیت تجمعات انتخاباتی تمهید لازم اندیشیده شده است (ایسنا، ۹ اردیبهشت)

●محسن رضایی با صدور بیانیه‌ای رسما کاندیداتوری خود را اعلام کرد.(خبرگزاری‌ها، ۹ اردیبهشت)

●رهبر انقلاب در دیدار معلمان و کارگران و پرستاران: حضور پر شور ملت انتخاباتی می‌آفرینند که دشمن را خشمگین می‌کند. (خبرگزاری‌ها، ۹ اردیبهشت)

●بیانیه بسیج دانشجویی دانشگاه‌های کشور: کاندیداها مرزبندی خود را با جریانات افراطی و التقاطی مشخص کنند. (فارس، ۱۱ اردیبهشت)

●خاتمی: ماندن در عرصه انتخابات، خیانت به ذهنیت جامعه بود. (خبرگزاری مهر، ۱۱ اردیبهشت)

●خاتمی: مثل روز برایم روشن است که اگر مردم به صحنه بیایند، نتیجه انتخابات مطلوب خواهد بود. (ایسنا، ۱۱ اردیبهشت)

●نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران: راهکار رسیدن به فرد اصلی را برای مخاطبان ارائه می‌کنیم ولی به هیچ عنوان در انتخابات مصداق تعیین نمی‌کنیم. (ایسنا، ۱۲ اردیبهشت)

● محسن رضایی، داوود دانش جعفری را مامور تشکیل دولت سایه کرد. (خبرگزاری مهر، ۱۲ اردیبهشت)

● معاون وزیر کشور: هماهنگی نمایندگان کاندیداها پای صندوق رای ایراد ندارد. (خبرگزاری مهر، ۱۲ اردیبهشت)

●مسیح مهاجری مدیر مسوول روزنامه جمهوری اسلامی: احمدی‌نژاد را رد صلاحیت کنید. (آفتاب نیوز، ۱۲ اردیبهشت)

● ستاد انتخاباتی مرکزی احمدی‌نژاد با عنوان ستاد هماهنگی حمایت‌های مردمی به ریاست ثمره هاشمی آغاز به کار کرد. (فارس، ۱۲ اردیبهشت)

● معاون وزیر کشور: هماهنگی نمایندگان کاندیداها پای صندوق رای، ایراد ندارد. (خبرگزاری مهر، ۱۲اردیبهشت)

● اصول‌گرایان حامی میرحسین موسوی با انتشار بیانیه‌ای اعلام موجودیت کردند. (خبرگزاری ایلنا، ۱۲ اردیبهشت)

●مشاور هنری کروبی: ساسی مانکن (خواننده زیرزمینی پاپ) در ستاد کروبی فعال است. (آفتاب نیوز، ۱۲ اردیبهشت)

●بهزاد نبوی با سکوت خود احتمالا مخالف حمایت سازمان مجاهدین از موسوی است. (آفتاب نیوز، ۱۲ اردیبهشت)

● محسن رضایی: سربازی را یکساله و به نوعی شغل تبدیل خواهم کرد. (فارس، ۱۳ اردیبهشت)

●وزیر کشور: با توجه به آموزش‌های داده شده به مجریان، انتخابات نمونه‌ای خواهیم داشت. (ایلنا، ۱۳ اردیبهشت)

● محسن رضایی: در صورت پیروزی، از احمدی‌نژاد در یکی از وزارتخانه‌ها استفاده می‌کنم. (خبرگزاری مهر، ۱۳ اردیبهشت)

●رئیس ستاد انتخابات کشور: هریک از کاندیداها می‌توانند حدود ٤٨ هزار ناظر به تعداد شعب اخذ رای به وزارت کشور معرفی کنند تا در تمام مراحل برگزاری انتخابات و حتی

جلسات هیأت‌های اجرایی حضور مستمر داشته باشند. (خبرگزاری مهر، ۱٤ اردیبهشت)

● در همایش موج سوم که توسط حامیان مشترک خاتمی و میرحسین موسوی در سالن برج میلاد برگزار شد، هنگام پخش تصاویر مربوط به خبر اعلام ارتحال ملکوتی حضرت امام خمینی توسط مجری خبر، جوانان حاضر در سالن با شنیدن صدای حیاتی، گوینده خبر که گفت: روح بلند پیشوای مسلمانان و رهبر آزادگان جهان، حضرت امام خمینی به ملکوت اعلی پیوست یک صدا شروع به سوت و کف زدن کرده و به شادی و پایکوبی پرداختند. (جهان نیوز، ۱٤اردیبهشت)

● میرحسین موسوی از سکوت رسانه ملی در آستانه انتخابات انتقاد کرد. (خبرگزاری مهر، ۱٤ اردیبهشت)

● رضایی در جمع هوادارانش در اهواز: فرمانداری‌ها را به سی ساله‌ها می‌سپارم. (ایلنا، ۱۵ اردیبهشت)

● حاشیه‌های طنز اولین روزهای انتخابات، توجه خبرنگاران و رسانه‌ها را جلب کرد. (خبرگزاری‌ها، ۱۵ و ۱٦ اردیبهشت)

● حداقل پنج وزیر سابق در ستاد آذری‌زبان‌های موسوی فعال هستند. (خبرگزاری مهر، ۱٦ اردیبهشت)

● محسن رضایی در دانشگاه اهواز: دو بار نزد امام برای ادامه فعالیت موسوی وساطت کردم. (فارس، ۱٦ اردیبهشت)

● فرشاد مومنی: کارگزاران را در تدوین برنامه اقتصادی میرحسین دخالت نمی‌دهم. (فارس، ۱٦ اردیبهشت)

● موسوی در جمع روحانیون مبارز: تا شب انتخابات از دولت انتقاد خواهم کرد. (فارس، ۱۷ اردیبهشت)

● رضایی پس از ثبت‌نام: برای نجات اقتصاد کشور به صحنه آمده‌ام. (جام‌جم، ۱۸ اردیبهشت)

● موسوی: بی‌اعتنایی به قانون، آغاز دیکتاتوری است. (جام‌جم، ۱۸ اردیبهشت)

● موسوی پس از ثبت‌نام در ستاد انتخابات کشور: مستقل آمده‌ام. (جام‌جم، ۱۹ اردیبهشت)

● رئیس میز احزاب در ستاد انتخابات کشور: با وزارت کشور برای نظارت احزاب بر انتخابات توافق کردیم. (خبرگزاری مهر، ۱۹ اردیبهشت)

● تلویزیون اینترنتی موسوی با نام قلم آغاز به‌کار کرد. (الف، ۲۰ اردیبهشت)
● مهلت پنج روزه برای انتخابات ریاست جمهوری با نام نویسی ٤٧٥ نفر به پایان رسید. (جام‌جم، ۲۰ اردیبهشت)
● کروبی: خط قرمز من، نظام، امام و رهبری است. (فارس، ۲۱ اردیبهشت)
● رکسانا صابری خبرنگار ایرانی ـ آمریکایی پس از آنکه به جرم جاسوسی به هشت سال زندان محکوم شده بود، پس از درخواست باراک اوباما و هیلاری کلینتون از مقامات ایرانی، در دادگاه تجدیدنظر به دو سال حبس تعلیقی محکوم و از زندان آزاد شد و بلافاصله به آمریکا برگشت. (تابناک، ۲۱اردیبهشت)
● سخنگوی دولت: در این انتخابات همه آمده‌اند تا مشت به صورت دولت بزنند. دستگاه‌های دولتی شفاف‌سازی کنند. (ایسنا، ۲۲ اردیبهشت)
● رهبر انقلاب در اجتماع عظیم مردم سنندج: کسی را برگزینید که درد مردم را بداند، ساده زیست باشد و خود و خانواده‌اش از فساد و اشرافی‌گری به دور باشند. (فارس، ۲۲اردیبهشت)
● موسوی در دانشگاه شیراز: بنده خود را بسیجی می‌دانم و هنوز لباس بسیجی خود را کنار نگذاشته‌ام. (فارس، ۲۲ اردیبهشت)
● رضایی در دانشگاه شریف: جوانان راه نجات کشور هستند. یک هفته مانده به انتخابات کابینه‌ام را معرفی می‌کنم. (ایسنا، ۲۲ اردیبهشت)
● رهبر انقلاب در کردستان: نسبت به اشخاص (نامزدهای احتمالی) نظری ابراز نمی‌کنم کسانی را برگزینید که درد کشور را بفهمند. (جام‌جم، ۲۳ اردیبهشت)
● جبهه اصول‌گرایان حامی موسوی به ریاست سید رضا اکرمی عضو جامعه روحانیت مبارز و نماینده مجلس هشتم، آغاز به‌کار کرد. (قلم نیوز، ۲۳اردیبهشت)
● محسن رضایی در دانشگاه آزاد رودهن: برای شکستن رای کسی نیامده‌ام. (ایسنا، ۲۳ اردیبهشت)
● احمدی‌نژاد: مدعیان حتی نتوانستند یک تصمیم در سفرهای استانی را از نظر کارشناسی زیر سوال ببرند. (فارس، ۲۳ اردیبهشت)
● عسکراولادی: هر سه ضلع جبهه متحد اصول‌گرایان به احمدی‌نژاد رسیده‌اند. (ایسنا، ۲٤ اردیبهشت)
● ضرغامی: ٧٦هزار دقیقه و شش مناظره جذاب برای گرم کردن انتخابات تدارک دیده‌ایم.

(فارس، ۲٤ اردیبهشت)

● احمدی‌نژاد در پاسخ به رقبای انتخاباتی: افشاگری می‌کنم. (۲٤ اردیبهشت)

● منشور اخلاقی انتخابات با حضور وزیر کشور رونمایی شد. (خبرگزاری‌ها، ۲٤ اردیبهشت)

● کروبی در اصفهان: شکست اصلاحات به دلیل کارهای نسنجیده خودمان بود. (فارس، ۲۵ اردیبهشت)

● غلامحسین کرباسچی رئیس ستاد کروبی، شعار انتخاباتی وی را اعلام کرد: با هم برای تغییر، تنها برای ایران (۲۵اردیبهشت)

● احمدی‌نژاد: کسی حق ندارد به بهانه طرفداری از من علیه نامزدها حرف بزند. (رسالت، ۲٦ اردیبهشت)

● محمد علی رامین: رقیب اصلی احمدی‌نژاد، همان رقیب سال ۸٤ است. (خبرگزاری مهر، ۲٦ اردیبهشت)

● آیت الله یزدی: اکثریت جامعه مدرسین از احمدی‌نژاد حمایت کرده‌اند. (جام‌جم، ۲٦ اردیبهشت)

● رهبر معظم انقلاب در اجتماع مردم مریوان: تکرار حرف غربی‌ها در دوران انتخابات مخالف با تفکر اسلامی – ایرانی است. (سایت رهبری ، ۲٦ اردیبهشت)

● نتایج نظرسنجی سراسری در ٦۳ شهر با حجم نمونه ۲٤ هزار نفر شامل ۳۱ مرکز استان و یک شهر از هر استان به طور غیر رسمی اعلام شد: احمدی‌نژاد ۵۵درصد، موسوی ۲٤درصد، کروبی ۳درصد و رضایی ۰/۹درصد. نتیجه این نظر سنجی در تهران: احمدی‌نژاد ۳۸ درصد و موسوی ۲۷ درصد (الف، ۲٦ اردیبهشت)

● اوباما در مصاحبه با نیوزویک: تلاش می‌کنیم الگوی تعامل ۳۰ سال گذشته با ایران را تغییر دهیم. (فارس، ۲۷ اردیبهشت)

● آیت‌الله محمد تقی بهجت به ملکوت اعلی پیوست. (خبرگزاری‌ها، ۲۷ اردیبهشت)

● بیش از ۳۰ نفر از ٥٤ عضو جامعه مدرسین از احمدی‌نژاد حمایت کرده‌اند. (فارس، ۲۷ اردیبهشت)

● رضایی در بندرعباس: از موسوی و خاتمی در کابینه‌ام استفاده خواهم کرد. (فارس، ۲۸ اردیبهشت)

● حمله احمدی‌نژاد به طرح نفتی کروبی؛ رئیس جمهور در جمع مدیران صنعت نفت: دولت

اوراق مشارکتی نفتی منتشر می‌کند تا سود نفت میان ملت توزیع شود. (الف، ۲۸اردیبهشت)

● رهبر انقلاب در اجتماع مردم کردستان: کسانی را روی کار بیاورید که راه امام را ادامه دهند. (اعتماد، ۲۹ اردیبهشت)

● دیوان محاسبات: هیچ پول نفتی در سال ۸۵ گم نشده است. نگران اخلال سیاسیون در کار حرفه‌ای‌مان هستیم. (خبرگزاری‌ها، ۲۹ اردیبهشت)

● وزارت کشور در اطلاعیه‌ای نام چهار نامزد نهایی انتخابات را که صلاحیت آنها از طرف شورای نگهبان تایید شده، اعلام کرد. تبلیغات رسمی انتخاباتی از امروز رسما آغاز شد. (خبرگزاری‌ها، ۳۰اردیبهشت)

● حسین کمالی: بعضی سعی دارند با کم کردن حضور مردم، انتخابات را به نفع خود تمام کنند. (ایسنا، ۳۰ اردیبهشت)

● موسوی در جمع نمایندگان اقوام ایرانی: دولت من از تمام توان خود برای تعامل با رهبر معظم انقلاب استفاده خواهد کرد. (فارس، ۳۰ اردیبهشت)

● قرعه کشی برنامه نامزدها برای مناظره تلویزیونی با حضور ضرغامی و نمایندگان کاندیداها انجام شد. هر کاندیدا ۱۷ ساعت فرصت تبلیغات در رسانه ملی دارد. (جام‌جم، ۳۰ اردیبهشت)

● تبلیغات رسمی چهار کاندیدای انتخابات آغاز شد. (خبرگزاری‌ها، ۳۰ اردیبهشت)

● احمد زیدآبادی: از طرف ادوار تحکیم وحدت از موسوی وقت ملاقات خواستیم، دوستانشان گفتند وقت ندارند. (خبر آنلاین، ۳۱ اردیبهشت)

● سفرهای استانی دولت نهم ۱۲ هزار مصوبه داشت. (فارس، ۳۱ اردیبهشت)

خرداد ۱۳۸۸

● دانش جعفری: آمده‌ایم که اگر اصول‌گرایان خواستند رای خود را تغییر دهند، تکلیفمان را انجام دهیم. (ایسنا، اول خرداد)

● هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران: همه سلیقه‌ها به طور مطلق یا نسبی نماینده‌ای در انتخابات دارند. (ایسنا، اول خرداد)

● میرحسین موسوی در اولین نطق تلویزیونی: خودم را مدیون خون شهدا و خانواده آنها می‌دانم. (فارس، اول خرداد)

● احمدی‌نژاد: حکم ترور و کشتن من را صادر کرده‌اند. (آفتاب نیوز، اول خرداد)

● سید محمد خاتمی با نیوزویک: در انتخابات ایران تقلب وجود ندارد. (کیهان، ۲

خرداد)

● خاتمی: من تصور نمی‌کنم در انتخابات ایران تقلب نتیجه را تغییر دهد. (هفته‌نامه نیوزویک، ۲ خرداد ـ ۲۳ می ۲۰۰۹)

● مهدی کروبی یکی از تجار مشهور ایرانی را رئیس ستاد انتخاباتی خود در امارات کرد. (ایلنا، ۳ خرداد)

● محسن رضایی: نمی‌خواهم با عقاید نظامی گری کشور را اداره کنم. (رسالت، ۳ خرداد)

● توهین‌های مکرر سخنرانان و حاضران در مراسم سالگرد دوم خرداد در ورزشگاه آزادی با حضور خاتمی (فارس، ۳ خرداد)

● ناطق نوری: به صراحت می‌گویم جامعه روحانیت از کسی حمایت نکرده است. (آفتاب، ۳ خرداد)

● فراکسیون اکثریت (اصول گرایان) مجلس با اکثریت ضعیف ۸۰ به ۷۵ رای تصمیم گرفت در بیانیه انتخاباتی خود از احمدی‌نژاد نام ببرد. (الف، ۳خرداد)

● احمد زیدآبادی: کروبی و موسوی به دور دوم می‌رسند. تمایل به برگزاری انتخابات سالم وجود دارد. (ایلنا، ۳ خرداد)

● سخنگوی اقلیت مجلس: رای موسوی افزایش چشمگیر دارد (آفتاب، ۵ خرداد)

● ستاد انتخابات کشور: راه اندازی کاروان تبلیغاتی ممنوع است. (جام‌جم، ۵ خرداد)

● دراویش اهل حق: به کروبی رای می‌دهیم (آفتاب، ۵ خرداد)

● تاج زاده: رادیو تلویزیون مناظره نمایندگان نامزدها را حذف کرد زیرا هیچ‌کدام از چهره‌های اصول گرا حاضر به دفاع از احمدی‌نژاد نیستند. (آفتاب، ٦ خرداد)

● احمدی‌نژاد در اجتماع عزاداران فاطمی در میدان ولی عصر: سینه‌های خود را برای نیزه‌ها آماده کرده‌ایم. (جام‌جم، ۷ خرداد)

● جنبش عدالتخواه دانشجویی با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد با حفظ مطالبات، انتقادات و مرزبندی‌ها از احمدی‌نژاد حمایت می‌کند. (فارس، ۸خرداد)

● میرحسین موسوی: با تعامل تنش‌ها را کم می‌کنم. (جام‌جم، ۸ خرداد)

● امام جمعه مشهد: تبلیغات انتخابات نباید با رواج بی‌بندوباری و بی‌حجابی برگزار شود. (ایسنا، ۸ خرداد)

● حمله افراد مسلح به ستاد احمدی‌نژاد در زاهدان (جام‌جم، ۸ خرداد)

●محسن رضایی: سهام مولد را جایگزین سهام عدالت می کنم. (آفتاب، ۸ خرداد)

●به دنبال ممانعت حراست دانشگاه امیرکبیر از ورود کروبی به این دانشگاه، هواداران وی درهای دانشگاه را شکسته و وی را برای سخنرانی به داخل دانشگاه بردند. (ایلنا، ۹خرداد)

●خاتمی سفرهای انتخاباتی خود را در حمایت از موسوی از اهواز شروع کرد. (خبرگزاری مهر، ۹خرداد)

●احمدی‌نژاد در وبلاگش با انتقاد از انکار دستاوردهای کشور تاکید کرد: امکانات مالی برای هزینه‌های تبلیغات انتخاباتی ندارم. (فارس، ۹خرداد)

●هواپیمایی کیش ایر ۱۵دقیقه پس از ترک فرودگاه اهواز به دلیل کشف بمب در آن، به فرودگاه اهواز بازگشت. بمب لحظاتی پس از بیرون بردن از هواپیما منفجر شد. قرار بود خاتمی با این هواپیما به تهران برگردد. (خبرگزاری‌ها، ۹خرداد)

●احمدی‌نژاد در جمع فرهنگیان حامی خود: این دولت سه برابر دوره‌های مشابه کار انجام داده است. (ایسنا، ۱۰ خرداد)

●محسن رضایی: این زندگی شایسته ملت ایران نیست. (جام‌جم، ۱۰ خرداد)

●احمدی‌نژاد: در یکی از برنامه‌های تلویزیون نام مفسدان اقتصادی را می گویم. (آفتاب، ۱۰ خرداد)

●محسن رضایی: انتقاد به معنی تخریب دولت نهم نیست. شیرینی کمک نقدی با یک موج تورم تلخ می‌شود. (ایسنا، ۱۱ خرداد)

●موسوی طی درخواستی از حامیان خود خواست که از خشونت و خشونت طلبان کناره‌گیری کنند. (اعتماد، ۱۱ خرداد)

●جدول مناظره ها اعلام شد

۸۸/۳/۱۲(رضایی - کروبی)

۸۸/۳/۱۳ (احمدی نژاد- موسوی)

۸۸/۳/۱۴ (رضایی - موسوی)

۸۸/۳/۱۶ (کروبی - احمدی نژاد)

۸۸/۳/۱۷ (موسوی - کروبی)

۸۸/۳/۱۸(رضایی - احمدی نژاد)

● مهدی کروبی در زاهدان: اگر رئیس‌جمهور شدم؛ دروغ نمی‌گویم. (اعتماد، ۱۲ خرداد)

● احمدی‌نژاد در جمع مردم مشهد: ۲۳۰ هزار تهمت و افترا علیه خادم ملت (رسالت، ۱۲ خرداد)

● محسن رضایی در گفت‌وگو با الجزیره: انتخابات دو مرحله‌ای خواهد شد. (ایسنا، ۱۳ خرداد)

● مهدی کروبی در جمع دانشجویان بابل: برای تغییر در انتخابات شرکت کنید. (اعتماد، ۱۳ خرداد)

● مناظره تلویزیونی موسوی و احمدی نژاد برگزار شد. (۱۳ خرداد)

● هاشمی رفسنجانی در حرم امام خمینی(ره): شورای نگهبان قصد دارد انتخابات را در سلامت و صحت کامل برگزار کند. (ایسنا، ۱۳ خرداد)

● حضور پررنگ وزرا و مدیران دولتی در همایش انتخاباتی احمدی‌نژاد (ایلنا، ۱۳ خرداد)

● محسن رضایی: پیروز مرحله دوم هستم. (ایلنا، ۱۳ خرداد)

● هاشمی رفسنجانی با ارسال نامه‌ای به ضرغامی، خواستار فرصت برای پاسخگویی به تهمت‌های احمدی‌نژاد شد. (خبرگزاری‌ها، ۱٤ خرداد)

● واکنش‌های خیابانی هواداران پس از مناظره احمدی‌نژاد و موسوی (خبرگزاری‌ها، ۱٤ خرداد)

● میرحسین موسوی: آمده‌ام ایران را از درد و رنج نجات دهم. (جام‌جم، ۱۵خرداد)

● مسوولان ستاد انتخاباتی موسوی در پی لغو همایش موج سبز آزادی در ورزشگاه آزادی، از فرمانداری تهران خواستند در میدان آزادی همایش انتخاباتی برگزار کنند. (خبرگزاری مهر، ۱۵خرداد)

● کامران دانشجو رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور: برای پرهیز از شبهه درباره اعضای هیأت‌های اجرایی، آقایان رئیسی، نیری، دعایی، مظفر و شیبانی را در این هیأت‌ها عضو کرده‌ایم. (ایسنا، ۱٦خرداد)

● احمدی‌نژاد در گفت‌وگوی ویژه خبری سیما: آن افرادی که امروز به گشت ارشاد ایراد می‌گیرند، فراموش کرده‌اند که وزارت کشور موتور سوارها را سازماندهی می‌کرد تا در همین خیابان ولیعصر موی دختران و پسران را قیچی و کفش‌ها و لباس‌ها راپاره می‌کردند و به ادارات بخشنامه می‌کردند که باید کارمندان از رنگ‌های تیره استفاده کنند و اسم آنها را گذاشته بودند رنگ اسلامی. (جهان نیوز، ۱٦خرداد)

● آیت‌الله نوری همدانی مراجع عظام از کاندیدای خاصی حمایت نمی‌کنند. (رسالت، ۱٦ خرداد)

● مناظره تلویزیونی احمدی نژاد و کروبی (۱٦ خرداد)

● دویست میلیون نفر ناظر مناظره موسوی و احمدی‌نژاد بودند (اعتماد، ۱٦ خرداد)

● دری نجف آبادی دادستان کل کشور: طرح اسامی مسوولان عالی نظام به عنوان مفاسد اقتصادی از سوی احمدی‌نژاد، خلاف اخلاق است. (ایلنا، ۱۸ خرداد)

● موسوی در یافت آباد: دولت در خدمت میلیاردرهاست. با بخشنامه و سوار کردن افراد در اتوبوس آنان را به مراسم می‌آورند. کسانی که با تهدید و تطمیع برای شما هورا بکشند، برایتان ارزشی ندارند. (ایلنا، ۱۸ خرداد)

● محسن هاشمی رفسنجانی در نامه سرگشاده به احمدی‌نژاد: آیا شما زمانی که در کنار پدرم حکم استانداری گرفتید، اشرافی گری را حس نمی‌کردید و اکنون پیدا شده است؟ چطور آن موقع به مجیز گویی می‌پرداختید و می‌گفتید نام هاشمی در تاریخ ایران می‌درخشد و اکنون هتاکی می‌کنید؟ اگر مرا به عنوان مفسد می‌شناختید، چرا در دو سالی که شهردار تهران بودید و من مدیرعامل مترو بودم، با من برخورد نکردید؟ (تابناک، ۱۸ خرداد)

● رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح: دستگیری حسن عباسی به دلیل ورود به مسائل انتخاباتی در سخنرانی‌هایش به عنوان یک نظامی بود. (ایلنا، ۱۸ خرداد)

● کروبی: اگر مردم خوب پای صندوق رای حضور یابند، مطمئن باشید محمود احمدی‌نژاد رای نخواهد آورد. چنانچه تا ساعت یازده صبح خبرهایی از تقلب در آرا بدهند، آن وقت اجازه نخواهیم داد کار به ظهر کشیده شود. (آفتاب نیوز، ۱۸خرداد)

● زنجیر سبز انسانی در حمایت از موسوی از تجریش تا میدان راه‌آهن تهران تشکیل شد. (جام‌جم، ۱۸ خرداد)

● نامه سرگشاده هاشمی رفسنجانی به رهبر معظم انقلاب درباره تهمت‌های احمدی‌نژاد (خبرگزاری‌ها، ۱۹ خرداد)

● محسن رضایی: تخریب دولتمردان امنیت ملی را به خطر می‌اندازد. (جام‌جم، ۱۹ خرداد)

● یک نظرسنجی سراسری می‌گوید، موسوی با ٥٤ درصد در دور اول پیروز انتخابات خواهد بود. (ایلنا، ۱۹ خرداد)

● هیات مرکزی نظارت بر انتخابات در شورای نگهبان: ناظران همه تلاش خود را در جهت

جلوگیری از هر نوع تخلف در برگزاری انتخابات به‌کار خواهند برد. عده‌ای در تلاش برای زیرسوال بردن سلامت انتخابات هستند. (خبرگزاری‌ها، ۱۹ خرداد)

● میرحسین موسوی در گفت‌وگوی ویژه خبری: پرداخت سهام عدالت را ادامه می‌دهم. (فارس، ۱۹ خرداد)

● احمدی‌نژاد در اجتماع هوادارانش در خیابان آزادی: رقبا به‌شدت نگران شده‌اند و صحنه را از دست داده‌اند و خبر داریم به دنبال تشنج در جامعه هستند. (فارس، ۲۰ خرداد)

● صفدر حسینی از فعالان ستاد موسوی: راهپیمایی سراسری امروز سبزپوشان کار انتخابات را یکسره می‌کند. (ایلنا، ۲۰ خرداد)

● هیات مرکزی نظارت بر انتخابات در شورای نگهبان، آمادگی خود را برای دریافت گزارش‌های مردمی اعلام کرد. (خبرگزاری مهر، ۲۰خرداد)

● مهدی کروبی با انتشار نامه‌ای گلایه آمیز خطاب به هاشمی نوشت: متاسفانه برخی از نزدیکان و بستگان شما با شایعه پراکنی قصد دارند یکی از دو صدای اصلاح طلبان در انتخابات را خاموش کنند و با پخش خبرهای کذب و شایعات ناروا درباره انصراف اینجانب از رقابت‌های انتخاباتی، آب به آسیاب مخالفان اصلاحات بریزند. سهم برخی نهادهای عمومی مانند دانشگاه آزاد اسلامی را نمی‌توان در ترویج نامزد مورد نظر شما نادیده گرفت. (تابناک، ۲۰ خرداد)

● دری نجف آبادی دادستان کل کشور: جلسه اخیر کمیسیون تبلیغات صدا و سیما بدون حضور نماینده دادستان برگزار شده و مصوبات آن از درجه اعتبار ساقط است. اختصاص وقت به نامزدها به صورت نابرابر، غیرقانونی است. (ایلنا، ۲۰ خرداد)

● رئیس کل بانک مرکزی با تکذیب اتهام ستادهای موسوی و کروبی درباره آمارسازی توسط بانک مرکزی تاکید کرد افرادی که آمارهای دولت فعلی را محاسبه و استخراج می‌کنند، همان کسانی هستند که در دولت‌های قبلی این کار را انجام می‌دادند. (روزنامه ایران، ۲۰ خرداد)

● راهپیمایی حامیان موسوی از میدان انقلاب تا میدان آزادی (خبرگزاری‌ها، ۲۰خرداد)

● آیت‌الله یزدی در واکنش به نامه آیت‌الله رفسنجانی، تشدید التهابات در جامعه مخالفت با نظام است. (رسالت، ۲۱ خرداد)

● مهدی کلهر، نماینده احمدی‌نژاد در تبلیغات انتخاباتی صدا و سیما: طبق محاسبات ما حق پاسخگویی احمدی‌نژاد به اتهامات مطرح شده سایر کاندیداها در غیاب وی ۶۳ دقیقه بود

ولی صدا و سیما تنها با ۱۹ دقیقه موافقت کرد. (فارس، ۲۱ خرداد)

● آیت‌الله منتظری پس از ۲۰ سال در انتخابات شرکت می‌کند و به مهدی کروبی رای می‌دهد. (سحام نیوز، ۲۱ خرداد)

● خبر انتصاب ناطق نوری به عنوان نماینده ویژه رهبر انقلاب برای نظارت بر انتخابات تکذیب شد. (تابناک، ۲۱ خرداد)

● نمایندگان کاندیداها در هیات مرکزی نظارت بر انتخابات مستقر شده‌اند. (خبرگزاری مهر، ۲۲خرداد)

● رهبر انقلاب پس از انداختن رای به صندوق: از مردم می‌خواهم از اول وقت همه به پای صندوق بروند و سهم خود را در اداره کشور به عهده گیرند و تلاش بدخواهان برای ایجاد تشنج را ناکام بگذارند و طبق تشخیص خود بهترین و شایسته‌ترین فرد را برای چهار سال به ریاست قوه اجرایی انتخاب کنند. (خبرگزاری‌ها، ۲۲ خرداد)

● موسوی پس از انداختن رای به صندوق در مسجد جامع ارشاد شهر ری: قطع پیامک خلاف قانون است. من از همه ملت می‌خواهم با حضور سبز خود به اطلاع‌رسانی مردمی در حوزه انتخابات ادامه دهند. (خبرگزاری‌ها، ۲۲ خرداد)

● محسن رضایی پس از انداختن رای به صندوق در حسینیه جماران: انتخابات دو مرحله‌ای می‌شود. (خبرگزاری‌ها، ۲۲ خرداد)

● کروبی پس از انداختن رای خود به صندوق: هر کس رئیس‌جمهور شود از او حمایت می‌کنیم. بنده به آینده خودم خشنود هستم. بازهم کار حزبی را ادامه می‌دهم. (خبرگزاری‌ها، ۲۲ خرداد)

● محمدرضا عارف: در مورد سلامت انتخابات نگرانی هایی بوده اما با هوشیاری مسوولان این نگرانی ها رفع شده است. (خبرگزاری مهر، ۲۲خرداد)

● عفت مرعشی همسر هاشمی رفسنجانی: اگر تقلب شود از مردم می‌خواهم با حضور در خیابان‌ها واکنش نشان دهند اما در صورتی که تقلب انجام نشود مطمئن هستم که میرحسین موسوی رای خواهد آورد. (آفتاب نیوز، ۲۲خرداد)

● اوباش برای تجمعات غیرقانونی و ایجاد ناامنی در پایان انتخابات سازماندهی شده‌اند. تعدادی از ۶۰۰ خبرنگار خارجی که برای پوشش انتخابات به تهران آمده‌اند، سرپل ارتباط سران آنها سرویس‌های اطلاعاتی خارجی هستند. (الف، ۲۲ خرداد)

● غلامحسین کرباسچی (رئیس ستاد انتخابات کروبی) با حضور در حوزه رای گیری

دانشگاه امیرکبیر، نام موسوی را روی برگه رای خود نوشت و تعمدا رای خود را به حاضران نشان داد. (جهان نیوز، ۲۲ خرداد)

● مردم افغانستان امیدوارند با پیروزی موسوی، تنش میان ایران و آمریکا کاهش یابد و وضع افغانستان هم بهتر شود. (آفتاب نیوز به نقل از رویترز، ۲۲ خرداد)

● کمیته صیانت از آرا در ستاد موسوی با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: قطع سیستم پیامک شائبه تخلفات گسترده و برنامه‌ریزی شده و تقلب و تزویر دولت در انتخابات را تقویت می‌کند. (قلم نیوز، ۲۲ خرداد)

● میرحسین موسوی خود را پیروز انتخابات اعلام کرد. (آفتاب نیوز، ۲۲ خرداد)

● وزارت کشور: احمدی‌نژاد با ۲٤ میلیون و ۵۲۷ هزار رای برنده انتخابات شد. (خبرگزاری‌ها، ۲۳ خرداد)

● کروبی با انتشار بیانیه‌ای تاکید کرد: نتایج اعلام شده مضحک است. این تازه اول داستان است. (آفتاب نیوز، ۲۳ خرداد)

● بیانیه رضایی: حامی رئیس‌جمهور منتخب خواهم بود. (خبرگزاری مهر، ۲۳ خرداد)

● وزیر کشور: شایعات را به هیچ وجه نمی‌پذیریم. هیچ گزارشی مبنی بر تخلف اثرگذار در انتخابات نداشتیم. (ایسنا، ۲۳ خرداد)

● دبیرکل و تعدادی از اعضای جبهه مشارکت بازداشت شدند. (آفتاب نیوز، ۲۳ خرداد)

● مجمع روحانیون مبارز با صدور بیانیه‌ای خواستار ابطال انتخابات و تجدید آن شد. (آفتاب نیوز، ۲۳ خرداد)

● محسن رضایی با ارسال نامه‌ای به ضرغامی از پخش ناقص پیام خود در صدا و سیما انتقاد کرد. (تابناک، ۲٤ خرداد)

● رئیس شورای تامین استان تهران: تجمع هواداران موسوی در میدان انقلاب غیرقانونی است. (فارس، ۲٤ خرداد)

● کدخدایی دبیر اجرایی شورای نگهبان: موسوی و رضایی عصر امروز شکایت کتبی خود را تقدیم شورای نگهبان کردند. شکایت موسوی هفت بند دارد و به مناظره‌ها، توزیع تعرفه‌ها، تیتر سایت‌های حامی احمدی‌نژاد و استفاده از نظامیان در میتینگ‌های تبلیغاتی احمدی‌نژاد اختصاص دارد. رضایی هم بر این اعتقاد است که بین ۳/۵ تا ۷/۵ میلیون رای آورده است. (خبرگزاری فارس، ۲٤ خرداد)

● رضایی با ارسال نامه‌ای خطاب به وزیر کشور از وی خواست همه اطلاعات درباره

شمارش آرا به تفکیک شعب اخذ رای و حوزه‌های انتخابیه در هر شعبه در اسرع وقت در اختیار وی قرار گیرد. (تابناک، ٢٤ خرداد)

●زهرا رهنورد در دانشگاه تهران: با سر دادن شعار الله اکبر به اعتراضات خود ادامه می‌دهیم. (ایلنا، ۲۵ خرداد)

●زاکانی: اغتشاشات اخیر تهران کاملا سازماندهی شده بود. (فارس، ۲۵ خرداد)

●رهبر انقلاب خطاب به موسوی در ملاقات خصوصی: مسائل را از طریق قانون پیگیری کنید. (خبرگزاری‌ها، ۲۵خرداد)

●باراک اوباما: پیگیری گفت‌وگوی مستقیم با ایران ادامه خواهد یافت، با این حال درباره تخلفات احتمالا صورت گرفته در انتخابات ایران باید تحقیقات صورت گیرد. (خبرگزاری‌ها، ۲۵ خرداد)

●جنتی در نامه‌ای خطاب به نامزدهای انتخابات: شکایات مستند خود را هر چه زودتر به شورای نگهبان ارسال کنید. (ایسنا، ۲۵ خرداد)

● گروهی با حمله به کوی دانشگاه به ضرب و شتم دانشجویان پرداختند. (۲۵ خرداد)

● به دنبال اظهارات گستاخانه مقامات فرانسه در مورد انتخابات ایران، سفیر فرانسه در تهران به وزارت امور خارجه احضار شد. (ایسنا، ٢٦ خرداد)

●دیدار نمایندگان چهار نامزد انتخابات با رهبر انقلاب. (٢٦ خرداد)

● دستور رهبر معظم انقلاب به شورای نگهبان برای پیگیری نامه مهندس موسوی (اعتماد، ٢٦ خرداد)

● فائزه هاشمی در تجمع غیرقانونی هواداران موسوی مقابل مسجد بلال از معترضان خواست به تجمع خیابانی ادامه دهند. فیلم بخش‌هایی از سخنرانی آتشین فائزه هاشمی در اخبار سیما پخش شد. (فارس، ٢٦ خرداد)

● جلسه نمایندگان سه نامزد معترض با سخنگوی شورای نگهبان برای ارائه مستندات اعتراض برگزار شد. (خبرگزاری‌ها، ٢٦ خرداد)

● سخنگوی کاخ سفید: آمریکا اوضاع ایران را با نگرانی زیر نظر دارد. (خبرگزاری‌ها، ٢٦ خرداد)

●احمد توکلی در گفت‌وگو با شبکه ۵ سیما با انتقاد از بیانیه‌های موسوی، از احمدی‌نژاد خواست لحن خود را عوض کند و از صدا و سیما هم خواست با تقویت اطلاع‌رسانی و اقناع معترضان از کاندیداهای معترض هم دعوت کند. (الف، ٢٦خرداد)

● کاتوزیان نماینده تهران: بخشی از آشوبگران از خارج ساماندهی شده‌اند. (فارس،۲٦ خرداد)

● سردار رادان جانشین فرمانده نیروی انتظامی: تعدادی از عناصر ضد انقلاب به همراه مقادیری بمب و سلاح دستگیر شدند. (فارس، ۲٦ خرداد)

● رهبر انقلاب دستور بازشماری برخی صندوق ها را با حضور نمایندگان صادر کردند. (جام‌جم ، ۲۷ خرداد)

● حداد عادل: آماده‌ام در برنامه زنده تلویزیونی با موسوی مناظره کنم. (خبرگزاری‌ها، ۲۷ خرداد)

● محسن رضایی با ارسال نامه‌ای به وزیر کشور از تعلل وزارت کشور در ارائه آمار صندوق‌ها به وی شدیدا گلایه کرد و نوشت: تاخیر کم سابقه پنج روزه ستاد انتخابات کشور در ارائه نتایج صندوق‌ها، موجب ایجاد شائبه عدد سازی و از بین رفتن حق کاندیداها برای شکایت قانونی شده است. (خبرگزاری مهر، ۲۷ خرداد)

● وزیر کشور به استاندار تهران دستور داد در اسرع وقت نسبت به شناسایی ماهیت و چگونگی ورود افراد غیر مسوول به کوی دانشگاه و میزان خسارات وارده، شکایت دانشجویان ساکن کوی و راه‌های ترمیم مشکلات مادی و معنوی به‌وجود آمده و جبران خسارات مالی اقدام کند. (ایرنا، ۲۷ خرداد)

● در جریان دیدار هیات ویژه مجلس با ۳ نامزد ریاست جمهوری، مشخص شد جریان آشوبگر هیچ یک از نامزدها را قبول ندارد و از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای هدایت می‌شود. (فارس، ۲۷ خرداد)

●نیروی انتظامی لباس شخصی‌های حمله کننده به تجمع هواداران موسوی در میدان ونک را بازداشت کرد. (خبرگزاری مهر، ۲۷ خرداد)

●منصور پورحیدری سرپرست تیم ملی: بستن مچ بند سبز توسط برخی بازیکنان در نیمه اول دیدار حساس با کره شمالی در پیونگ یانگ، نذر آنها برای پیروزی تیم ملی و صعود به جام جهانی بوده است. (خبرگزاری مهر، ۲۷خرداد)

● میرحسین موسوی با انتشار بیانیه‌ای ضمن تسلیت به خانواده مقتولین و مصدومین حوادث اخیر، از همگان درخواست کرد روز پنجشنبه ۲۸ خرداد با تجمع در مساجد و تکایا و راهپیمایی‌های مسالمت آمیز، نمادهای سوگواری و همدردی با خانواده‌های عزادار حمل کنند. (سایت کلمه، ۲۷ خرداد)

● مرکز جرایم سازمان یافته سایبری سپاه با انتشار بیانیه‌ای به سایت‌های اینترنتی هماهنگ‌کننده آشوبگران هشدار داد. (ایرنا، ۲۷ خرداد)

● سایت آینده نزدیک به خانواده هاشمی از مخاطبان خود خواست، مدارک خود از تقلب و تخلف در انتخابات را برای این سایت ارسال کنند. (آینده نیوز، ۲۷ خرداد)

● در پی اظهارات مداخله جویانه مقامات آمریکایی درباره انتخابات ایران، سفیر سوئیس به عنوان حافظ منافع آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه احضار شد. (ایلنا، ۲۷ خرداد)

● طلایی نیک: حامیان رضایی در هیچ تجمعی شرکت نکرده‌اند. (خبرگزاری مهر، ۲۷ خرداد)

● نامه اعتراض آمیز رضایی به وزیر کشور: چرا آمار صندوق‌ها بعد از پنج روز اعلام نمی‌شود. این تاخیر حق نامزدها برای شکایت قانونی را از بین می‌برد. (تابناک، ۲۷خرداد)

● آیت‌الله مکارم شیرازی منافقان با اغتشاش به دنبال بر هم زدن وحدت مردم هستند. (رسالت، ۲۷ خرداد)

● در پی اظهارات مداخله جویانه مقامات کانادایی درباره انتخابات، کاردار سفارت کانادا به وزارت امور خارجه احضار شد. (ایسنا، ۲۷ خرداد)

● فائزه و مهدی هاشمی ممنوع الخروج شدند. (فارس، ۲۸ خرداد)

● وزارت خارجه آمریکا رسما اعلام کرد وارد بحث ایرانیان درباره انتخابات نمی‌شود و این موضوع ربطی به ایالات متحده ندارد. (خبرگزاری ریانوستی، ۲۸ خرداد)

● محسن هاشمی در نامه‌ای به احمدی‌نژاد: چرا به جای رقابت با موسوی، انتخابات را هاشمی - احمدی‌نژادی می‌کنید؟ (ایلنا، ۲۸ خرداد)

● رضایی با ارسال نامه‌ای به رهبر انقلاب نوشت: ملت ایران جناب‌عالی را فصل الخطاب خویش در حوادث می‌داند و به تاسی از رهنمودهای حضرتعالی در رابطه با حوادث اخیر، هیچ‌گاه سرنوشت سیاسی خود را با اراده دشمنان قسم خورده گره نمی‌زند. (فارس، ۲۸ خرداد)

● در دیدار کمیته حقیقت یاب مجلس با هاشمی رفسنجانی و محسن رضایی، اغتشاشات و فضای ملتهب پس از انتخابات بررسی شد. (ایسنا، ۲۹ خرداد)

● اظهارات گستاخانه نخست وزیر انگلستان درباره انتخابات (فارس، ۲۹ خرداد)

● رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران: راه قانون و محبت و صفا باز است. اگر کسانی بخواهند راه دیگری بروند، با مردم صریح صحبت خواهیم کرد. (خبرگزاری‌ها،

۲۹ خرداد)

● کلیه امتحانات دانشگاه صنعتی شریف لغو و به شهریور ماه موکول شد. (ایلنا، ۲۸ خرداد)

● مجمع روحانیون مبارز در نامه‌ای به فرمانداری تهران برای راهپیمایی روز شنبه ۳۰ خرداد از میدان انقلاب تا آزادی از ساعت ۱۶ تا ۱۹ درخواست مجوز کرد. (قلم نیوز، ۲۹ خرداد)

● رضایی در گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو سیما: صدا و سیما از سایر کاندیداها هم دعوت کند و به آنها فرصت بدهد تا از رسانه ملی حرف‌هایشان را بگویند. ۱۵ میلیون نفری که به کاندیداهای دیگر رای دادند نباید مورد اهانت قرار گیرند.

● باید از راه قانونی کار را پیش برد. فرمایشات رهبری فصل الخطاب است. (واحد مرکزی خبر، ۲۹ خرداد)

● کشته شدن ندا آقا سلطان در خیابان امیرآباد تهران.(۳۰ خرداد)

● خاتمی و موسوی در نامه مشترکی به هاشمی شاهرودی با تاکید بر دعوت مردم به قانون و نظم و آرامش، از رئیس قوه قضاییه خواستند برای جلوگیری از برخورد خشونت آمیز با مردم و آزادی دستگیر شدگان، اقدام و مساعدت کند. (ایسنا، ۳۰خرداد)

● موسوی با ارسال نامه‌ای خطاب به شورای نگهبان، مجددا خواستار ابطال انتخابات ۲۲ خرداد شد. (تابناک، ۳۰ خرداد)

● وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی: میرحسین موسوی روح جدیدی به آزادی بخشید. (فارس، ۳۰ خرداد)

● قلم نیوز، سایت نزدیک به موسوی خبر تلویزیون بی‌بی‌سی درباره اعلام غسل شهادت موسوی و شرکت وی در تظاهرات خیابان جیحون را تکذیب کرد. (تابناک، ۳۱ خرداد)

● جان لاین خبرنگار بی‌بی سی به دلیل ارائه گزارش‌های دروغ و یکطرفه از حوادث و آشوب‌های تهران، از ایران اخراج شد. (فارس، ۳۱ خرداد)

● اوباما با صدور بیانیه‌ای خواستار توقف خشونت در ایران شد. (خبرگزاری مهر، ۳۱ خرداد)

● گروهی از عوامل مسلح گروه منافقین (مجاهدین خلق) در آشوب‌های دیشب تهران بازداشت شدند (فارس، ۳۱ خرداد)

● ناجا طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: ٤٥٧ نفر در آشوب‌های دیروز دستگیر شدند. پلیس در

مقابله با آشوبگران، سلاح گرم به‌کار نبرد. (خبرگزاری مهر، ۳۱ خرداد)

● ناطق نوری با ارسال نامه‌ای به رهبر انقلاب از اظهار لطف رهبری به وی در خطبه‌های نماز جمعه تشکر کرد. (خبرگزاری مهر، ۳۱ خرداد)

● گروهی از هنرمندان کشور با صدور بیانیه‌ای، خواستار پایان تجمعات و درگیری‌های خیابانی شدند. (خبرگزاری‌مهر، ۳۱ خرداد)

● روزنامه جمهوری از روزنامه‌های حامی موسوی در سرمقاله خود با انتقاد شدید از موسوی نوشت: مفهوم اعتقاد و التزام به ولایت فقیه این نیست که هر جا نظر ولی فقیه مطابق نظر ما بود، آن را بپذیریم و به آن عمل کنیم و هر جا مطابق نظر ما نبود، آن را کنار بگذاریم. (جمهوری اسلامی، ۳۱ خرداد)

● مرتضی الویری رئیس ستاد صیانت از آرای کروبی: از آنجا که از رسیدگی عادلانه به شکایت‌های مطرح شده ناامید هستیم، کروبی به دعوت شورای نگهبان برای بررسی شکایت پاسخ نداد و در این شورا حضور نیافت. (ایلنا، ۳۱ خرداد)

● در پی رد دعوت شورای نگهبان توسط کروبی و موسوی و عدم حضور آنها در جلسه ویژه شورای نگهبان برای بررسی دلایل و مستندات اعتراضات، شورای نگهبان برای برگزاری نشست مجدد با کاندیداهای معترض اعلام آمادگی کرد. (ایسنا، ۳۱ خرداد)

تیر ۸۸

● وزارت خارجه انگلستان با انتشار بیانیه‌ای دخالت این کشور در ناآرامی‌های تهران را رد کرد. (خبرگزاری مهر، اول تیر)

● بیش از ۶۰۰ هنرمند کشور با صدور اطلاعیه‌ای خواستار پایان تجمعات و درگیری‌های خیابانی شدند. (ایسنا، اول تیر)

● سران آمریکا، آلمان و رژیم صهیونیستی با تمجید از عوامل آشوب‌های اخیر، خواستار ادامه این اغتشاشات شدند. (فارس، اول تیر)

● لاریجانی رئیس مجلس: نامزدها به تحرکات دشمنان موضع‌گیری کنند. (رسالت، اول تیر)

● اعلام جرم جمعی از حقوقدانان و دانشجویان امام صادق(ع) علیه موسوی (فارس، اول تیر)

● توکلی: موسوی قصد خودزنی سیاسی دارد. (جام جم، ۲ تیر)

● رهبر معظم انقلاب با تمدید مهلت رسیدگی به شکایات مربوطه به انتخابات موافقت

کردند. (خبرگزاری‌ها، ۲تیر)

●دبیر دوم و دبیر سوم سفارت انگلستان از ایران اخراج شدند. (فارس، ۲ تیر)

●در آستانه برگزاری کنکور سراسری، استاندار تهران از همگان خواست شرایط آرامش را برای داوطلبان فراهم آورند. (فارس، ۲ تیر)

●جواد لاریجانی با انتقاد شدید از موسوی گفت کسی که شورای نگهبان را صالح نمی‌داند و به قوانین پایبند نیست، چرا وارد انتخابات می‌شود؟ (واحد مرکزی خبر، ۲ تیر)

●در پی مخالفت وزارت کشور با صدور مجوز تجمع دانشجویان مقابل سفارت انگلستان، این تجمع لغو شد. (ایسنا، ۲ تیر)

● ۱٦ نماینده مجلس با امضای سوالی رسما خواستار احضار وزیر کشور به مجلس و پاسخگویی به سوالات نمایندگان درباره حوادث پس از انتخابات شدند. (خبرگزاری مهر، ۲ تیر)

●جواد لاریجانی در گفت‌وگو با شبکه ۳ سیما: مناظره‌ها نشان داد که مردم ظرفیت دارند اما برخی سیاسیون نه. (خبرگزاری مهر، ۲ تیر)

● رهبر انقلاب با درخواست کتبی دبیر شورای نگهبان برای تمدید مهلت قانونی برای رسیدگی به شکایات کاندیداها در مورد انتخابات موافقت کردند. (خبرگزاری‌ها، ۲ تیر)

●قالیباف در گفت‌وگوی ویژه خبری سیما: کاندیداهای معترض باید بدانند که با فشارهای غیرقانونی نمی‌توانند کار را پیش ببرند. اطلاع‌رسانی جریان بعد از انتخابات یکی از ضعف‌های عمده بود. (واحد مرکزی خبر، ۳ تیر)

●محسن رضایی در نامه‌ای به شورای نگهبان از پیگیری شکایت انتخاباتی خود انصراف داد. (خبرگزاری‌ها، ۳ تیر)

●میرحسین موسوی دعوت صدا و سیما برای مناظره یا مصاحبه را رد کرد. (الف، ۳ تیر)

●پل ولفوویتس نومحافظه کار تند رو و وزیر جنگ دولت بوش: دولت آمریکا با موسوی تماس بگیرد. (شبکه تلویزیونی سی ان ان، ۳تیر)

● حبیبی دبیر کل موتلفه: آقای موسوی! به اردوگاه مردم و قانون برگرد. (رسالت، ۳ تیر)

● در صندوق‌هایی که با حضور نمایندگان رضایی بازشماری شد، مغایرتی دیده نشد. (فارس، ۳ تیر)

●دستگیری ۷۰ نفر از اساتید دانشگاه به علت دیدار با موسوی تکذیب شد. (فارس، ٤ تیر)

● کمیته صیانت از آرای موسوی از شورای نگهبان خواست تمامی ته برگ‌های مصرف

شده در شعب اخذ رای با اطلاعات پایگاه جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور تطبیق داده شود. (قلم نیوز، ٤ تیر)

● در پی اظهارات نماینده محسن رضایی درباره خودداری وزارت کشور از فراهم کردن امکان بازشمارش آرا، وزارت کشور صورتجلسه بازشماری ٤ استان را حاوی امضای نماینده محسن رضایی منتشر کرد. (خبرگزاری مهر، ٤ تیر)

● پلیس اطلاعات و امنیت تهران: مرکز سازماندهی تجمعات غیرقانونی و ایجاد جنگ روانی در ساختمانی در میدان ۷ تیر تهران کشف و پلمب شد. (فارس، ٤ تیر)

● مهدی کروبی به احمدی‌نژاد پیشنهاد کرد، همزمان اجازه برگزاری دو تجمع در دو نقطه تهران بدهد. آن وقت معلوم شود مردم از کدام یک استقبال می کنند. (اعتمادملی، ٤ تیر)

● وزیر اطلاعات در جمع خبرنگاران: با دو گونه ناامنی روبه‌رو هستیم. یک سری به صورت برنامه‌ریزی شده و نرم که از دو سال پیش شروع شده و در راستای انقلاب نرم مخملی است و دیگری فعالیت عوامل ضد انقلاب تابلودار. در هفته‌های منتهی به انتخابات چندین گروه بمب گذار که قصد خرابکاری در تجمعات انتخاباتی را داشتند، در شهرهای مختلف دستگیر شدند. (خبرگزاری‌ها، ٤ تیر)

● سردار علی فضلی فرمانده سپاه سیدالشهدای استان تهران: ۸ بسیجی در آشوب‌های اخیر شهید و ۳۰۰ بسیجی دیگر نیز زخمی شده‌اند. عقبه‌های فتنه اخیر در خانه‌های تیمی کشف شده است. (ایسنا، ٤ تیر)

● آیت‌الله سید احمد خاتمی در نماز جمعه تهران: اغتشاش و آتش زدن اموال عمومی و ایجاد وحشت، مصداق محاربه است. قوه قضاییه با سران اغتشاش قاطعانه برخورد کند. (خبرگزاری‌ها، ۵ تیر)

● در پی تجمع هواداران ضد انقلاب در مقابل ساختمان سفارت ایران در استکهلم سوئد، تعدادی از اجتماع کنندگان ضمن ورود به سفارتخانه، اموال آن‌را تخریب و کارمندان را مضروب کردند. (خبرگزاری مهر، ۵ تیر)

● دبیر کل موتلفه: موسوی راه بنی‌صدر را شروع کرده است. (فارس، ۵ تیر)

● کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد: هیات ویژه بازشماری ده درصد صندوق‌ها تشکیل شد. (جام‌جم، ۵ تیر)

● امیر حسین مهدوی عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب با حضور در خبرگزاری ایسنا از سناریوی از پیش طراحی شده این سازمان با ستاد موسوی برای عدم پذیرش

نتایج آرا، القای تقلب و برگزاری تجمعات غیرقانونی خبر داد. (ایسنا، ٦ تیر)

●سخنگوی وزارت امور خارجه به بیانیه مداخله‌آمیز هشت کشور علیه سلامت انتخابات ایران واکنش نشان داد. (خبرگزاری مهر، ٦ تیر)

● میرحسین موسوی با انتشار نامه‌ای خطاب به شورای نگهبان، ضمن اشاره به تعدد و تنوع تخلفات در برگزاری انتخابات و تبلیغات آن، اعلام کرد بازشماری ده درصد صندوق‌ها نمی‌تواند به جلب اطمینان و اعتماد مردم کمک کند. به همین دلیل نماینده‌ای را برای نظارت بر بازشماری آرا معرفی نمی‌کند و انتخابات باید باطل شود. (سایت کلمه، ٦ تیر)

●جبهه مشارکت با انتشار بیانیه‌ای محدود کردن فضای رسانه‌ای و دستگیری اعضای خود را کودتا دانست و نوشت: جریان حاکم به در دست گرفتن قدرت به هر نحو ممکن رضایت نداده و هدف شوم دیگری را با هدف تسویه حساب گسترده داخلی با مخالفان سیاسی قانونی در سر دارد. (قلم نیوز، ٦ تیر)

● هاشمی رفسنجانی در دیدار گروهی از نمایندگان مجلس: دلبستگی‌ام به رهبر معظم انقلاب پایان‌ناپذیر است. (خبرگزاری مهر، ٦ تیر)

● آیت‌الله موسوی اردبیلی: اعتراض از سطح خیابان باید به مجاری طبیعی بازگردانده شود. (فارس، ٦ تیر)

●مهدوی عضو ستاد انتخاباتی موسوی: اعلام پیروزی قطعی قبل از شمارش آرا جو عدم پذیرش نتیجه و عدم اعتنا به روند قانونی را در بین اعضای ستاد وی به‌وجود آورد. (ایسنا، ٦ تیر)

● وزیر اطلاعات: نیروهای دستگیر شده سفارت انگلیس در اغتشاشات اخیر دست داشتند. (فارس، ۷تیر)

●باهنر: در به روی کسانی که اعتراض قانونی دارند باز است و مقوله اغتشاشگران از معترضان قانونی جداست. (خبرگزاری مهر، ۷ تیر)

●مراسم بزرگداشت شهدای هفتم تیر با حضور کروبی و معترضان به نتیجه انتخابات در مسجد قبای تهران برگزار شد. (ایسنا، ۷ تیر)

● مهدی کروبی با ارسال نامه‌ای به شورای نگهبان نوشت: با واگذاری بار مسوولیت به رهبری و بر حسب مصلحت انتخابات را تایید کنید و نگذارید جایگاه شورای نگهبان تنزل یابد. (سحام نیوز، ۷ تیر)

● وزیر اطلاعات: نیروهای دستگیر شده سفارت انگلیس در اغتشاشات اخیر دست

داشته‌اند. (فارس، ۷تیر)

●محمود کاشانی، نایب رئیس کانون وکلا و حقوقدان: موسوی مسوول مستقیم پیامدهای خشونت آمیز تجمعات بدون مجوز است. (فارس، ۷ تیر)

●کروبی در نامه‌ای به شورای نگهبان ضمن استقبال از تعیین هیات نظارت بر باز شماری آرا اعلام کرد اگر ترکیب هیات معتدل‌تر شود، نمایندگان خود را معرفی خواهد کرد. (خبرگزاری مهر، ۷ تیر)

● هاشمی رفسنجانی در دیدار خانواده شهدای هفتم تیر: تدبیر رهبر انقلاب در تمدید مهلت شورای نگهبان برای بررسی بیشتر مسائل و ادای توضیحات قانع کننده و ابهام زدایی از انتخابات بسیار ارزشمند بود. (خبرگزاری‌ها، ۷ تیر)

●عامل انفجار در حرم امام خمینی، رئیس ستاد انتخاباتی موسوی در پلدختر بوده که برای دریافت مطالبات خود به تهران آمده بود. (جهان‌نیوز، ۸ تیر)

●رئیس‌جمهور در نامه‌ای به رئیس قوه قضاییه ضمن مشکوک خواندن قتل ندا آقا سلطان، خواستار رسیدگی جدی به این قتل و شناسایی عوامل این جنایت شد. (خبرگزاری‌ها، ۸ تیر)

● محسنی اژه‌ای وزیر اطلاعات در اظهاراتی روشنگر و منطقی، ضمن تشریح عملیات جریانات نفوذی و عاملان انقلاب نرم و مخملی تاکید کرد: ما بین نامزدهای معترض و هوادارانشان با ضد انقلاب و عناصر نفوذی و اغتشاشگران تفکیک قائل می‌شویم و به هیچ وجه آنها را یکی نمی‌پنداریم. (تابناک، ۸تیر)

● حجت‌الاسلام طائب، فرمانده نیروی مقاومت بسیج از دستگیری افرادی خبر داد که در جریان آشوب‌ها برای انجام خرابکاری لباس پلیس یا بسیج پوشیده بودند. وی همچنین گفت: ۸ بسیجی در جریان درگیری‌ها پس از انتخابات توسط اوباش به شهادت رسیده‌اند. (رجانیوز، ۸ تیر)

● به دستور رئیس قوه قضاییه هیات ویژه‌ای برای تعیین تکلیف بازداشت شدگان اخیر تشکیل شد. (خبرگزاری مهر، ۸ تیر)

● طائب، فرمانده نیروی مقاومت بسیج: گروهی از اغتشاشگران با لباس پلیس و بسیج دستگیر شدند. (فارس، ۸ تیر)

● دبیر شورای نگهبان طی نامه‌ای خطاب به وزیر کشور، صحت انتخابات را تایید کرد. (خبرگزاری‌ها، ۸ تیر)

●شورای نگهبان قانون اساسی صحت انتخابات دهمین دوره را تایید کرد.

(خبرگزاری‌ها، ۸تیر)

● مازیار بهاری، خبرنگار دستگیر شده نیوزویک در یک نشست خبری: تجمعات غیرقانونی، ابزار انقلاب‌های رنگین است. (فارس، ۹ تیر)

●فرهاد رهبر رئیس دانشگاه تهران: درخواست یا مجوز برای ورود نیروی انتظامی به کوی صادر نکردم. (خبرگزاری مهر، ۹ تیر)

● ابوترابی نایب رئیس مجلس، خواستار اعمال رافت اسلامی درباره بازداشت شدگان آشوب‌های اخیر شد. (خبرگزاری مهر، ۹ تیر)

●سیستم پیامک تلفن همراه پس از ۲۰ روز، وصل شد. (ایسنا، ۱۰تیر)

●رئیس‌جمهور: براندازی در ایران شکست خورد. (رسالت، ۱۰تیر)

●فرمانده نیروی انتظامی: ۱۰۳۲ نفر در اغتشاشات اخیر تهران دستگیر شدند که بسیاری از آنها پس از مدت کوتاهی آزاد شدند. ۵۰۰ پلیس در جریان آشوب‌ها مجروح شده‌اند قتل ندا آقا سلطان سناریو است. (خبرگزاری‌ها، ۱۰ تیر)

●آیت‌الله جنتی در نماز جمعه تهران: پس از انتخابات، دشمن نتوانست خوشحالی مردم را ببیند و تلاش کرد زهری در کام مردم بریزد. این‌ها پیش از انتخابات، انقلاب مخملی را طراحی کرده بودند و حتی در سایتی که در وزارت خارجه انگلستان کشف شد، از اسفند ماه اعلام کرده بودند که در انتخابات ایران ممکن است اغتشاشاتی شود. (خبرگزاری‌ها، ۱۲تیر)

● آیت‌الله امینی امام جمعه قم: حوادث پس از انتخابات به واسطه توطئه دشمنان صورت گرفته است. (فارس، ۱۲ تیر)

●سخنگوی دولت: انتخابات دهم ریاست جمهوری سالم‌ترین و پاک‌ترین انتخابات بود. (ایسنا، ۱۳تیر)

● سردار عبدالله عراقی فرمانده سپاه محمد رسول‌الله تهران: تنها ۳۰ درصد از توان بسیج تهران در مهار اغتشاشات به کار گرفته شد. (فارس، ۱٤تیر)

●توکلی خواستار رفع فیلتر سایت خبری فراکسیون اقلیت مجلس شد. (ایسنا، ۱۵ تیر)

●استاندار تهران: هیچ مجوزی برای تجمع و راهپیمایی در روز ۱۸ تیر نه درخواست شده و نه صادر شده. (فارس، ۱۷تیر)

●رئیس صدا و سیما: مناظره‌های زنده ابتکار مهم برای پرشور کردن انتخابات بود. (ایسنا، ۱۷تیر)

●محسن مخملباف، یکی از سخنگویان میر حسین موسوی در جمع خبرنگاران در حاشیه

پارلمان اروپا از کشورهای عضو اتحادیه اروپا خواست تا از به رسمیت شناختن انتخاب دوباره محمود احمدی‌نژاد به عنوان رئیس جمهور ایران خودداری کنند. (رادیو فردا، ۱۷تیر)

● حدود ۳ هزار نفر از معترضان به روند انتخابات در نقاط مختلف شهر تهران تجمع کردند که به علت اغتشاش حدود ۲۰ نفر از آنها دستگیر شدند. (اعتماد، ۱۸ تیر)

● احمدی مقدم: هیچ بازداشتی از اغتشاشات اخیر در اختیار نیروی انتظامی نیست. (فارس، ۱۸تیر)

● رئیس اطلاع‌رسانی ناجا: تعداد اندکی که در ناآرامی‌های روز ۱۸ تیر دستگیر شدند، همگی جزو تخریب کنندگان اموال عمومی بودند. (فارس، ۲۰ تیر)

● مهدی کروبی با نگارش نامه‌ای به هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضاییه، همه معترضان به نتیجه انتخابات اخیر را مدافعان نظام جمهوری اسلامی ایران دانست و خواستار تبدیل قرار و آزادی بازداشت شدگان اخیر شد. (خبرگزاری مهر، ۲۰تیر)

● سرلشکر فیروزآبادی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در قالب یک رنج‌نامه، خطاب به امام زمان (عج) نوشت:... تصادفی نبود که در ۳۰ خرداد ۸۸، ۳۰ خرداد سال ٦۰ را بازسازی کردند. با تخریب، کشتار و آشوب به پایگاه‌های بسیج و مسجد خدا یورش آوردند. (خبرگزاری‌ها، ۲۱ تیر)

● حسین فدایی دبیرکل جمعیت ایثارگران: یکی از دستاوردهای این انتخابات، مشخص کردن اصول‌گرایان واقعی از اصول‌گرایان مدعی بود؛ برخی از افراد که مدعی اصول‌گرایی بودند، در این انتخابات رفتاری غیر از اصول‌گرایی داشتند. (خبرگزاری مهر، ۲۱تیر)

● هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه: در انتخاباتی که انجام شد ما خیلی خوب شروع کردیم و رقابت خوبی شکل گرفت. چهار نفری که از نظر شورای نگهبان صالح معرفی شدند رقابت کردند و مردم هم به آزادی انتخابات امیدوار شدند و حضور بی‌سابقه‌ای داشتند. در این شرایط همه چیز آماده ایجاد افتخاری بزرگ بود که ما باید این افتخار را مربوط به مردم بدانیم و باید از همه آنها تشکر کنیم که آزادانه آمدند و در انتخابات شرکت کردند ولی ای کاش همان شرایط تا امروز ادامه داشت و امروز ما سربلندترین شرایط را می‌توانستیم در جهان داشته باشیم ولی آن‌طور که می‌خواستیم، نشد. (خبرگزاری ها، ۲٦تیر)

● محمود احمدی‌نژاد طی حکمی اسفندیار رحیم مشایی را به عنوان معاون اول خود منصوب کرد. (خبرگزاری‌ها، ۲٦ تیر)

● فرمانده انتظامی تهران بزرگ: تعدادی از آشوبگران پس از نماز جمعه دیروز دستگیر

شدند. (فارس، ۲۷ تیر)

● رهبر انقلاب با ارسال یادداشتی کتبی خطاب به رئیس‌جمهور، دستور دادند انتصاب اسفندیار رحیم مشایی به معاونت اولی ملغی اعلام شود (سایت رهبری ، ۲۷ تیر)

● واکنش آیت‌الله یزدی به خطبه‌های نماز جمعه هاشمی: آقای هاشمی شما چه کاره‌اید؟ (اعتماد، ۲۸ تیر)

● تشکل‌های اصلی دانشجویی با ارسال نامه‌های اعتراض‌آمیز به رئیس‌جمهور تاکید کردند، درباره انتصاب مشایی به معاونت اولی سکوت نخواهند کرد. (ایسنا، ۲۸ تیر)

● مجمع روحانیون مبارز با صدور بیانیه‌ای با القای بی‌اعتمادی نسبت به انتخابات نوشت: جا دارد از بیانات سنجیده و خیرخواهانه آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه سپاسگزاری کرد. (کیهان، ۳۰تیر)

● جانشین ناجا: پلیس با تجمعات غیرقانونی قاطعانه برخورد می‌کند. (فارس، ۳۰تیر)

● احمدی‌نژاد در گفت‌وگو با خبرنگاران با تعریف از توانایی‌های رحیم مشایی اعلام کرد، ایشان معاون اول خواهند ماند. (خبرگزاری‌مهر، ۳۱ تیر)

● اخبار تلویزیون مصاحبه رئیس‌جمهور درباره رحیم مشایی را پخش نکرد. (جهان نیوز، ۳۱ تیر)

● باهنر: موافق پیشنهاد رفسنجانی برای آزادی زندانیان هستم. (اعتماد، ۳۱ تیر)

● کمیته پیگیری امور زندانیان انتخابات از سوی ۳ کاندیدای معترض دایر شده است. (آفتاب، ۳۱تیر)

مرداد ۱۳۸۸

● موسوی: افکار عمومی اعترافات را نمی‌پذیرد. (اعتماد، اول مرداد)

● در پی تعلل چند روزه احمدی‌نژاد در اجرای حکم رهبر انقلاب در عزل مشایی و تشکیک برخی اطرافیان رئیس‌جمهور در وجود چنین حکمی، سیمای جمهوری اسلامی ایران متن این حکم را منتشر کرد. (خبرگزاری‌ها، ۲ مرداد ۸۸)

● انتشار خبر کشته شدن محسن روح الامینی در بازداشتگاه .(۲ مرداد)

● مهدی کروبی در اولین گردهمایی روسای استانی حزب اعتماد ملی پس از انتخابات: هرچند که ما در عرصه انتخابات شکست خوردیم ولی به آنچه مدنظرمان بود یعنی تغییر در اندیشه و تفکر جامعه دست یافتیم. بنابراین نباید خود را سرزنش کنیم بلکه باید به حرکت خود ادامه دهیم. (ایسنا، ۳مرداد)

●اسفندیار رحیم مشایی با نگارش نامه‌ای به احمدی‌نژاد از معاونت اولی ریاست جمهوری استعفاکرد. احمدی‌نژاد هم در نامه کوتاهی با استناد به اصل ۵۷ قانون اساسی، اجرای دستور رهبری را به اطلاع ایشان رساند. (خبرگزاری‌ها، ۲ مرداد)

● به دستور رئیس‌جمهور، محسنی‌اژه‌ای وزیر اطلاعات و صفار هرندی وزیر ارشاد به دلیل اعتراض به تعلل در عزل مشایی از معاونت اولی، عزل و از هیات دولت اخراج شدند. (خبرگزاری‌ها، ٤ مرداد)

● توکلی: اقدام احمدی‌نژاد در عزل وزرای مخالف مشایی و معترض به تعلل در اجرای فرمان رهبری، بدترین رفتار ممکن است. (فارس، ٤ مرداد)

●در اعتراض به بازداشت‌ها و اعتراف گیری‌ها نوشته شد: نامه کروبی، موسوی و خاتمی به مراجع تقلید (اعتماد، ٤ مرداد)

● سنای آمریکا برای حمایت از آشوبگران ۵۰ میلیون دلار دیگر اختصاص داد (کیهان، ۵ مرداد)

● رهبر انقلاب در دیدار با سپاه ولی امر با اشاره به نقش عماریاسر در روشنگری در فتنه صفین، داشتن بصیرت را برای تشخیص حق و باطل در فتنه‌ها ضروری دانستند. (سایت رهبری ، ۵ مرداد)

●هاشمی رفسنجانی: اختلافات انتخابات حل شود، نزاع تمام می‌شود. (اعتماد، ۵ مرداد)

● کاظم جلالی مخبر کمیته ویژه مجلس برای پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان اخیر: بازداشتگاه غیر استاندارد کهریزک به دستور رهبر انقلاب تعطیل شد. (فارس، ٦مرداد)

● دکتر ولایتی در گفت‌وگو با الجزیره: رهبری مقابل خواسته‌های غیرقانونی با قدرت ایستاده. (کیهان، ٦ مرداد)

●کروبی: بحث انقلاب مخملی به زیان کشور است. (جام‌جم، ۷ مرداد)

●شرکت میرحسین و کروبی در مراسم چهلم ندا آقاسلطان. (اعتماد، ۸ مرداد)

●آیت‌الله جنتی در خطبه‌های نماز جمعه: اتفاقات جدیدی در این انتخابات نیفتاده است که عده‌ای می گویند باید باطل شود. اگر این انتخابات باطل باشد یعنی تمام انتخابات‌های این سی سال باطل است. (ایسنا، ۹مرداد)

● جنتی در خطبه نماز جمعه تهران: این انتخابات سالم‌ترین انتخابات بود. (جام‌جم، ۹ مرداد)

●هزار نفر از اغتشاشگران در مراسمی که ادعا کردند برای چهلمین روز درگذشت بعضی

از کشته‌شدگان حوادث اخیر برگزار شده است، خیابان‌های نزدیک مصلای تهران را ناامن کردند. (کیهان، ۱۰ مرداد)

● محمد علی ابطحی در دادگاه: تقلب دروغ بود تا آشوب‌ها شکل گیرد. (رسالت، ۱۱ مرداد)

● رهبر انقلاب در مراسم تنفیذ: حوادث انتخابات جدا به ما هشدار می‌دهد که دشمن همیشه در کمین است و غفلت از ضربات احتمالی او حتی در بهترین شرایط، بسیار خطرناک است. دشمنان در این خیال نباشند که با تقلید مغلوط از حضور عظیم مردم در انقلاب پرشکوه ۱۳۵۷ و در یک کاریکاتور از آن حرکت عظیم، می‌توانند به نظام اسلامی ضربه بزنند؛ چرا که این نظام مقتدر و ریشه‌دار با این کارها شکست نخواهد خورد. این انتخابات برخی خواص را مردود کرد. (سایت رهبری ، ۱۲ مرداد)

● غیبت هاشمی، میرحسین، کروبی و خاتمی در مراسم تنفیذ احمدی‌نژاد. (اعتماد، ۱۳ مرداد)

● حسین رسام کارمند سفارت انگلیس در دادگاه: دبیر اول سیاسی سفارت انگلیس در تهران به ستاد آقای موسوی می‌رفت و با مسوولان تبلیغاتی و مشاورین وی جلسه داشت. ما ملاقات‌هایی را نیز با اعضای حزب اعتماد ملی داشتیم که این تماس‌ها در مراحل بعد و دوران اغتشاشات نیز ادامه پیدا کرد. (خبرگزاری ها، ۱۷مرداد)

● وزیر امور خارجه آمریکا: از حرکت اصلاح طلبان ایران به وجد آمدیم. (کیهان، ۱۷ مرداد)

● حسن عباسی: در حادثه‌ای که با قتل یک سیاه پوست از سوی پلیس آمریکا در سال ۷۰ رقم خورد و سیاه‌پوستان را به خیابان‌ها کشاند، پلیس ایالتی، FBI، گارد ملی و نیروی زرهی یکی پس از دیگری آنقدر در مانده شدند که کار به حضور تفنگداران دریایی و نیروی زمینی و ارتش ۸۲ هوابرد آمریکا با توپ و تانک وسط خیابان‌های لس‌آنجلس کشید، در حالی که ابعاد آن حادثه به هیچ وجه قابل مقایسه با رخدادهای اخیر ایران نبود و آنجا تلویزیون بی.بی.سی فارسی و فیس بوک و توییتر وظیفه سازماندهی اجتماعی یک انقلاب مخملی را بر عهده نداشتند. (ایلنا، ۱۸مرداد)

● تحقیق و تفحص مجلس درباره بازداشتگاه‌ها: اگر کمیته حقیقت‌یاب با ممانعت روبه‌رو شود، نمایندگان گام دوم را بر خواهند داشت. (اعتماد، ۱۹ مرداد)

● رئیس مجلس شورای اسلامی با تاکید بر این که اگر سیاستمداری بدسلیقگی کرد و حرفی

زد که به نفع بیگانه شد، خبرنگاران نباید آن را دنبال کنند، گفت: امروز رسانه‌ها باید آب روی آتش بریزند، نه بنزین. (خبرگزاری مهر، ۱۹مرداد)

●احمدی‌مقدم: کشته‌شدگان کهریزک بیماری ویروسی داشتند. (اعتماد، ۱۹مرداد)

●علیرضا بهشتی: لیست جان باختگان حوادث اخیر به کمیته مجلس ارائه شد. (اعتماد، ۲۰مرداد)

●سخنگوی قوه قضاییه: ٤ هزار نفر در ناآرامی‌های پس از انتخابات بازداشت شدند که از این تعداد، ۳۷۰۰ نفر در هفته نخست آزاد شده‌اند (ایلنا، ۲۰مرداد)

●اعتراض صریح وزیر امور خارجه آمریکا در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان؛ کلینتون: برای حمایت از آشوب‌ها کارهای زیادی کردیم. (کیهان، ۲۰مرداد)

● شورای شهر تهران پیشنهاد کرد: کمک شهرداری به آسیب‌دیدگان حوادث بعد از انتخابات. (اعتماد، ۲۱مرداد)

● قائم مقام مدیرعامل بنیاد باران: برخی اظهارنظرها در شرایط فعلی نه‌تنها آب پاشیدن روی آتش نیست، بلکه ریختن بنزین روی آتش است. (ایلنا، ۲۱مرداد)

●بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس: تنها استنادهای کروبی درباره مصادیق نامه اش به هاشمی، تماس‌های تلفنی با دفتر روزنامه اعتماد ملی بوده است. (فارس، ۲۱مرداد)

● تجری، عضو کمیته ویژه مجلس برای بررسی وضعیت بازداشت شدگان: از بین ۲۵۰ نفر بازداشت شدگان کهریزک کسی را نیافتیم که ادعای تعدی و تجاوز به وی شده باشد و در عین حال حتی اگر به دلیل حفظ آبرو بود، اشخاص ثالثی که از ماجرا خبر داشتند، با وجود تضمین امنیتی رئیس قوه قضاییه می‌توانستند آن را با ما در میان بگذارند که این اتفاق هم نیفتاد. (خبرگزاری مهر، ۲۲مرداد)

● تکذیب آزار جنسی در بازداشتگاه‌ها نتیجه بررسی بیش از صد ادعا بود. رئیس مجلس شورای اسلامی در واکنش به اظهارات اخیر مهدی کروبی که رد آزار جنسی در بازداشتگاه‌ها توسط وی را شتابزده خوانده است، تاکید کرد: اعلام نتیجه کار کمیته ویژه در این زمینه شتابزده نبوده است. (خبرگزاری ها، ۲۳مرداد)

●محمد هاشمی: رفسنجانی روزهای سختی را می‌گذراند. (جام‌جم، ۲۳ مرداد)

●سروری عضو کمیته ویژه مجلس: ۱۲ مامور انتظامی و قاضی متخلف در موضوع کهریزک برکنار شدند. (خبرگزاری مهر، ۲٤مرداد)

● تاج‌زاده در دادگاه: شایعه تقلب ساخته و پرداخته ستاد موسوی بود. (کیهان، ۲۴ مرداد)

● سیداحمد خاتمی: در فقه اگر کسی به یک فرد تهمت جنسی بزند و نتواند آن را اثبات کند، حد قذف یعنی ۸۰ ضربه تازیانه برای او تعیین شده است. حال جناب آقای کروبی این اتهام بزرگ را نسبت به نظام مطرح کردند و مستند دروغ بودنش در حقیقت تکذیب دو قوه از سه قوه کشور است. (ایسنا، ۲۵مرداد)

● مجمع روحانیون مبارز با صدور بیانیه‌ای نسبت به واکنش‌های صورت گرفته در برابر نامه و اظهارات اخیر مهدی کروبی انتقاد کرد. (ایسنا، ۲۶مرداد)

● ارگان جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از طرفین دعوای پس از انتخابات خواست ضمن احترام به قانون، از تحریک طرف مقابل بپرهیزند. (الف، ۲۴ مرداد)

● حداد عادل در نشست اتحادیه دانشجویان مستقل: اگر تقلب شده بود، یقینا انتخابات را باطل می‌کردیم. (ایسنا، ۲۵مرداد)

● فرماندار تهران: دولت برای دلجویی از خانواده‌های حادثه دیده بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری آماده است به آن دسته از اشخاص حقیقی که در جریان حوادث بعد از انتخابات دچار آسیب شده‌اند، خسارت بپردازد. (ایسنا، ۲۷مرداد)

● تشکر سارکوزی از بشار اسد؛ آزادی کلوئید ریس در مثلث پاریس، دمشق، تهران. (اعتماد، ۲۷مرداد)

● سید حمید روحانی: آقای کروبی! برای استکبار خوراک تهیه نکنید. (کیهان، ۲۷مرداد)

● متن نامه برادر همسر ترانه موسوی به کروبی: آقای کروبی متاسفم، آنچه گفته‌ام، نگفته‌اید. (جام‌جم، ۲۸مرداد)

● آیت‌الله جوادی آملی در دیدار دانشجویان: با گفتار و رفتار خود آتش اختلاف را روشن نکنیم. (فارس، ۳۰مرداد)

● آیت‌الله امینی در نماز جمعه قم: به چه زبانی بگویم تفرقه را کنار بگذارید؟ (ایسنا، ۳۰مرداد)

● توکلی با انتشار نامه‌ای سرگشاده برای مهدی کروبی از وی خواست، اعتراض خود را از مسیر صحیح و قانونی پیگیری کند. (خبرگزاری مهر، ۳۰ مرداد)

● سرلشکر جعفری فرمانده کل سپاه: ماجرای ایجاد شبهه در انتخابات، اجرای دستورالعمل‌هایی بود که در مراکز جاسوسی و ضدانقلابی در خارج از کشور طراحی شده بود و عده‌ای هم در داخل کشور اجرای آن را به عهده داشته‌اند. (ایلنا، ۳۱مرداد)

●آیت‌الله جنتی در خطبه‌های نماز جمعه تهران: سران فتنه چرا دستگیر نمی‌شوند؟ (کیهان، ۳۱مرداد)

●ماجرای ایجاد شبهه در انتخابات در مراکز جاسوسی خارج از کشور طراحی شده بود. (ایلنا، ۳۱مرداد)

شهریور ۱۳۸۸

●در ابتدای چهارمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات متهمان حوادث پس از انتخابات، قاضی صلواتی برای اولین بار متهمان را از بیان اسامی که نامشان در پرونده نیست، منع کرد. (ایلنا، ۳شهریور)

●در حاشیه چهارمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات متهمان حوادث پس از انتخابات سعید شریعتی، هدایت آقایی و کیان تاج بخش در یک کنفرانس خبری حاضر شده و به سوالات خبرنگاران پاسخ دادند. (ایلنا، ۳شهریور)

●به دنبال انتشار متن اعترافات یکی از متهمان حوادث پس از انتخابات در دادگاه، دفتر سید محمد خاتمی با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن تأکید مجدد بر بی اعتبار بودن این قبیل اعترافات، مطالبی را که دیروز در دادگاه در مورد ایشان عنوان شده، قویاً تکذیب کرد. (ایلنا، ٤شهریور)

●مجلس، شایعات بهشت زهرا را بررسی می‌کند. (اعتماد، ٤ شهریور)

●اعتراف صریح نظریه‌پرداز اصلاحات در دادگاه: خطای بزرگی کردیم. از ملت پوزش می‌خواهیم. (کیهان، ٤ شهریور)

●جواد لاریجانی با انتقاد از ادبیات بیانیه‌های موسوی، آنها را «دعوت به قیام علیه نظام به جای حق اعتراض به نتیجه انتخابات» دانست اما کروبی را فردی با صفا خواند. (خبرگزاری مهر، ۵شهریور)

●توکلی در پاسخ به نامه مهدی کروبی، بار دیگر خواستار خودداری از زمینه سازی برای جنجال آفرینی بیگانگان برسر مسائل پس از انتخابات شد و برای پیگیری مستندات وی اعلام آمادگی کرد. (خبرگزاری ها، ۷شهریور)

●با حکم رئیس قوه قضاییه، اعضای هیات نظارت بر رسیدگی به حوادث و اغتشاشات اخیر منصوب شدند. (فارس، ۷شهریور)

●عبدالحسین روح الامینی، پدر مرحوم محسن روح الامینی از کشته‌شدگان کهریزک در دیدار اساتید دانشگاه با رهبر انقلاب ضمن تجدید بیعت با انقلاب از سوء استفاده دشمنان نظام از مرگ پسرش ابراز برائت کرد. (خبرگزاری‌ها، ۸ شهریور)

●احمدی‌نژاد در دفاع از کامران دانشجو به عنوان وزیر پیشنهادی علوم و در پاسخ به انتقاد توکلی از این انتخاب: عزیزی آمد و گفت دانشگاهیان ناراحتند و سرخورده شده‌اند. من نمی‌دانم چطور ایشان چنین حرفی می‌زنند. من هم دانشگاهی هستم و بسیاری از وزرا نیز همین طور و ما چنین چیزی را حس نمی‌کنیم. (خبرگزاری‌ها، ۸شهریور)

●مهدی هاشمی به انگلیس رفت. (فارس، ۹شهریور)

●نظر پزشک قانونی درباره دلیل مرگ محسن روح‌الامینی: اصابت جسم سخت بر سر و شرایط جسمانی در کهریزک علت مرگ اعلام شد. (اعتماد، ۱۰شهریور)

●در پی پخش مصاحبه قاضی مقدمی در خصوص ادعاهای کروبی در بخش‌های مختلف خبری صدا و سیما، وی با ارسال نامه‌ای به ضرغامی، خواستار حضور در رسانه ملی برای توضیح و پاسخگویی به ابهامات مطروحه شد. (خبرگزاری مهر، ۱۰شهریور)

●نامه انتقاد آمیز کروبی به ضرغامی: حق سخن گفتن بامردم را برای ما فراهم کنید. (اعتماد، ۱۱شهریور)

●سردار سرلشکر محمد علی جعفری، فرمانده کل سپاه در جمع پیشکسوتان دفاع مقدس: آقای موسوی خوئینی‌ها در بهمن ۸۷ این گونه می‌گوید: ما باید بیاییم و توان بگذاریم تا به هر قیمتی، رهبری را از تخت پایین بکشیم. (فارس، ۱۱شهریور)

●ادعای کروبی در مورد وضعیت بازداشتگاه‌ها صدای حجاریان را هم درآورد. (فارس، ۱۲ شهریور)

● حجاریان: شایعات درباره شکنجه و وخامت حال من کاملا کذب است. (کیهان، ١٤ شهریور)

●رهبر انقلاب در دیدار هیات دولت: انتخابات ریاست جمهوری دهم صفحه تازه‌ای در حیات انقلاب و نظام گشود، البته واکنش برخی نسبت به این حرکت عظیم مردمی، نجیبانه، جوانمردانه و اخلاقی نبود. (سایت رهبری ، ١٦شهریور)

●احمدی‌نژاد با اشاره به حوادث کوی دانشگاه: پس از انتخابات حوادث بسیار زشتی اتفاق افتاد که من اسناد قطعی دارم برخی از این کارها را عناصر آشوبگر انجام دادند ولی نظام و ملت را متهم به انجام آن کردند. (ایلنا، ١٦شهریور)

●پرویز سروری، سخنگوی کمیته شورای عالی امنیت ملی: برای بررسی حوادث بعد از انتخابات، آمار دقیقی از تعداد کشته شدگان، آزادشدگان و بازداشتی‌های حوادث اخیر داریم و درحال بررسی فهرست ٦٩ نفره ارائه شده از سوی کمیته ویژه موسوی و کروبی هستیم.

(خبرگزاری مهر، ۱۷شهریور)

● مهدی کروبی در نامه‌ای به رئیس قوه قضاییه به شرح نشست‌های خود با کمیته ویژه این قوه پرداخت و از لاریجانی خواستار دستور پیگیری جدی اسناد ارائه شده خود شد. (خبرگزاری مهر، ۲۰ شهریور)

● گرامی مقدم سخنگوی حزب اعتماد ملی: کروبی هم در نامه خود ادعای مدعیان تجاوز را بعید خوانده و نسبت به حقیقی نبودن این ادعاها ابراز امیدواری کرده بود. (خبرگزاری مهر، ۲۱شهریور)

● ادعای کروبی دروغ از آب درآمد. (کیهان، ۲۲ شهریور)

● علی مطهری برای رفع بحران سیاسی موجود پیشنهاد داد: آیت‌الله مهدوی کنی میانجیگری کنند. (اعتماد، ۲۲ شهریور)

● هاشمی: ان‌شاءالله حضور غیورانه در راهپیمایی روز قدس، بیدار باشی جاودانه به غفلت‌زدگان باشد. (ایسنا، ۲۳ شهریور)

● مهدی کروبی با حضور در مجلس دو ساعت با لاریجانی گفت‌وگو کرد. (خبرگزاری مهر، ۲۳شهریور)

● هاشمی، کروبی، خاتمی و موسوی مردم را به راهپیمایی روز قدس دعوت کردند. (اعتماد، ۲۶ شهریور)

● تلاش آشوبگران برای ایجاد ناآرامی در حاشیه تظاهرات عظیم روز قدس (فارس، ۲۷ شهریور)

● رهبر انقلاب در خطبه‌های عیدفطر با انتقاد از ذکر نام متهمان در تلویزیون در جریان پخش محاکمه متهمان حوادث اخیر، خواستار جلوگیری از اتهام زنی در فضای سیاسی کشور شدند (خبرگزاری‌ها، ۲۹ شهریور)

● نامه سرگشاده احمد توکلی به موسوی و خاتمی: معارضه خیانت به امام و انقلاب است. تصمیم به بازگشت بگیرید. (فارس، ۲۹ شهریور)

● گرامی مقدم سخنگوی حزب اعتماد ملی: اجرای طرح میانجی‌گری بین فعالان و گروه‌های سیاسی می‌تواند فضای کشور را به سمت آرامش، عمران و آبادانی سوق دهد. (ایسنا، ۳۰شهریور)

● نظرسنجی موسسه افکار عمومی جهان در آمریکا که به‌صورت تلفنی با جامعه آماری شهر و روستایی ایران انجام شد، نشان می‌دهد اکثر مردم ایران احمدی‌نژاد را رئیس‌جمهور

مشروع می‌دانند و در صورت تجدید انتخابات، عده کمتری به موسوی رای می‌دهند. (الف، ۳۰شهریور)

●در میزگرد تلویزیونی (حجاریان، عطریانفر، شریعتی) عنوان شد: دوستان بیرون از زندان گرفتار هیجانات سیاسی هستند. (فارس، ۳۱شهریور)

●حبیبی دبیر کل حزب موتلفه با اشاره به شرارت‌ها در حاشیه مراسم روز قدس: هر کس که کمترین بهره هوشی داشته باشد، می‌فهمد خط آمریکا در ایران خط التهاب و تشنج آفرینی است. (خبرگزاری مهر، ۳۱شهریور)

●دفتر سید محمد خاتمی با انتشار اطلاعیه‌ای، اخبار منتشره درباره دیدار وی با جورج سوروس را تکذیب کرد. (ایلنا، ۳۱شهریور)

مهر ۱۳۸۸

● هاشمی رفسنجانی: یک جریان مرموز، دوستی میان مسوولان رده بالای نظام را مانع منافع خود می‌بیند. (خبرگزاری مهر، اول مهر)

●رئیسی: سازمان قضایی نیروهای مسلح پیگیر پرونده کهریزک است. (ایسنا، اول مهر)

●رئیس دفتر تدیوس مک کوتر (سناتوری که با بردن عکس ترانه موسوی به کنگره، داستان دروغین قتل وی را در کنگره آمریکا بازگو کرده بود): نمی‌دانیم سناتور اطلاعات ترانه موسوی را از کجا آورده بود. (الف، ۲ مهر)

● توکلی با ارسال نامه‌ای به صادق لاریجانی رئیس جدید قوه قضاییه توقیف روزنامه اعتماد ملی را غیرقانونی دانست. (خبرگزاری مهر، ۳ مهر)

●سرلشکر رحیم صفوی دستیار و مشاور فرمانده کل قوا در مراسم نماز جمعه: برخی از خودی‌ها به جای این‌که خود را سپر رهبر معظم انقلاب قرار دهند، در پشت سر ایشان قرار گرفته و سنگر گرفتند. (ایلنا، ۳مهر)

●محسن رضایی: باید کمیسیون ملی انتخابات تشکیل شود تا دولت از مداخله در امور انتخابات منع گردد. با این کار اعتماد مردم بیشتر جلب خواهد شد. (خبرگزاری مهر، ٤مهر)

●محسن رضایی در جمع دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان با ارائه پیشنهاد تشکیل «کمیسیون ملی انتخابات» گفت: در این طرح به دنبال اصلاح قانون انتخابات هستیم. (ایسنا، ٤مهر)

●رئیس سازمان پدافند غیرعامل: در اولین شب پخش مناظرات انتخاباتی در نتیجه اقدامات صورت گرفته که ریشه در سازمان بیگانه داشت، در ۱۳ استان برنامه مناظره قطع شد اما در

شب‌های بعدی توانستیم این موضوع را کنترل کنیم. (ایلنا، ٤مهر)

● محمدجواد لاریجانی با تشبیه موسوی به رجوی و آیت‌الله منتظری، سیدحسن خمینی را هم هدف حمله شدید قرار داد. (اعتماد، ٦ مهر)

● دبیر کل حزب موتلفه: هدف جنبش سبز، کمرنگ کردن ارزش‌های انقلاب است. (خبرگزاری‌مهر، ۷ مهر)

● استعفای محسن هاشمی از سرپرستی دفتر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام (ایسنا، ۷ مهر)

● یک روز پس از شکست هواداران موسوی در تعطیل کردن کلاس‌های دانشگاه تهران، موسوی با انتشار اطلاعیه‌ای از طرفداران خود خواست جشن تولد جعلی وی در۷ مهر را لغو کنند. (الف، ۷ مهر)

● تعدادی از طرفداران موسوی در دانشگاه آزاد واحد تهران که قصد داشتند برای موسوی جشن تولد بگیرند، پس از مواجهه با بی‌اعتنایی دانشجویان این دانشگاه‌ها، برنامه خود را نیمه‌کاره رها کرده و پراکنده شدند. (فارس، ۷مهر)

● فرمانده نیروی زمینی سپاه، مسائل پس از انتخابات ریاست جمهوری را نمونه‌ای از تهدید نرم دشمنان علیه نظام خواند و گفت: در فتنه انتخابات، تمام حملات آنها متوجه ستون خیمه انقلاب اسلامی یعنی ولایت فقیه بود. (ایلنا، ۸مهر)

● پس از یکصد و ده روز حجاریان آزاد شد. (اعتماد، ۹ مهر)

● آیت‌الله مکارم شیرازی: واقعیت‌های تلخ را بپذیریم و به دنبال راه حل باشیم. متاسفانه در فضای عمومی کشور ذهنیتی به‌وجود آمده که هر کس انتقادی داشته باشد به او اتهام مخالفت با نظام و انقلاب می‌زنند. (خبرگزاری‌مهر، ۱۰ مهر)

● تلویزیون بی.بی.سی فارسی با تحریف شعار اعتراض آمیز تماشاگران شهرآورد استقلال پرسپولیس به تکرار نتیجه مساوی یک یک، مدعی شد تماشاگران به طرفداری از موج سبز شعار داده‌اند. (الف، ۱۱ مهر)

● لس‌آنجلس تایمز گزارش داد: غرب با استفاده از اعتراضات داخلی ایران برای فشار در مسالِه هسته‌ای بهره‌برداری می‌کند. (الف، ۱۲مهر)

● جواد لاریجانی در دانشگاه شریف: کسانی که ساعت ۱۱ شب ۲۲ خرداد خود را رئیس‌جمهور مملکت نامیدند، به دنبال کودتا بودند، اما کودتای آنها شکست خورد. (فارس، ۱۲مهر)

● انتقاد شدید رئیس مجلس از سکوت سران اصلاحات در مقابل شعارهای انحرافی روز قدس (کیهان، ۱۸مهر)

●دوستان و یاران سید محمد خاتمی امروز به همراه ٦٦ شاخه گل رز و کیک تولدی که از سوی سیدمحمود دعایی تدارک دیده شده بود، سالروز تولد خاتمی را به وی تبریک گفتند. (ایلنا، ۲۰مهر)

●جنتی: اغتشاشگران برای ۱۳ آبان برنامه و نقشه دارند. (خبرگزاری مهر، ٢٤مهر)

●استقبال کروبی از حضور در دادگاه (اعتماد، ۲۵مهر)

●عسکراولادی، دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری موسوی: کروبی و خاتمی را از خود می‌دانیم. فتنه‌گری کار دشمن بود. (خبرگزاری مهر، ٢٦مهر)

●محمدنبی حبیبی دبیرکل حزب موتلفه: ممکن است برخی خطا هم کرده باشند و احتمال خطا برای همه وجود دارد ولی این دلیل نمی‌شود که آنها را از خود طرد کنیم. (خبرگزاری ایسنا، ۲۷مهر)

آبان ۱۳۸۸

●بازدید مهدی کروبی، دبیر کل حزب اعتماد ملی، از نمایشگاه مطبوعات، دقایقی موجب متشنج شدن فضای نمایشگاه و درگیری میان حامیان و منتقدان وی شد. محافظان کروبی وی را به زحمت و با شلیک تیر هوایی از نمایشگاه خارج کردند. (خبرگزاری ها، اول آبان)

● تمدن، استاندار تهران درباره پیگیری استانداری در دلجویی از آسیب‌دیدگان حوادث اخیر گفت: استانداری به مسائل آسیب‌دیدگان از حوادث پس از انتخابات رسیدگی کرده است. (ایسنا، ٤آبان)

● رهبر انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از نخبگان علمی زیر سوال بردن اصل انتخابات را بزرگ‌ترین جرم خواندند و با انتقاد از بی‌توجهی برخی به این جرم افزودند: همان فردای انتخابات عده‌ای بدون دلیل و استدلال، آن انتخابات عظیم را دروغ خواندند؛ آیا این جرم کمی است؟ (سایت رهبری ، ٦آبان)

● محمد نبی حبیبی دبیرکل حزب موتلفه با انتقاد از بیانیه موسوی به مناسبت ۱۳ آبان: مگر می‌شود از ۱۳ آبان سخن گفت و یک کلمه از «آمریکا» و «استکبار جهانی» در بیانیه به آن اشاره نکرد؟ (فارس، ۱۲آبان)

●رهبر انقلاب با اشاره به اظهار تمایل آمریکا برای مذاکره: لبخند تاکتیکی، فقط کودکان را فریب می‌دهد (سایت رهبری ، ۱۲ آبان)

● کواکبیان: خس و خاشاک خواندن مردم، فضای پس از انتخابات را تند کرد. (ایلنا، ۱۲آبان)

● راهپیمایی ضدآمریکایی ۱۳آبان امسال باشکوه‌تر و پرجمعیت‌تر از همیشه در خیابان طالقانی برگزار شد. در میدان هفت تیر و خیابان کریمخان زند عده‌ای از طرفداران موسوی تجمع کردند که با شدت عمل نیروهای بسیجی متفرق شدند. (خبرگزاری‌ها، ۱۳آبان)

● در حاشیه تجمع هواداران موسوی در خیابان مطهری عده‌ای با سر دادن شعارهای «یاحسین، میرحسین» با قمه و چاقو به اتومبیل علیرضا مرندی نماینده مجلس شورای اسلامی حمله‌ور شدند. (فارس، ۱۳آبان)

●معترضان در انتخابات ۱۳ آبان از اوباما خواستند آنها را به دولت ایران نفروشند. (هفته‌نامه نیوزویک، ٦دسامبر ۲۰۰۹ـ ١٦آبان۸۸)

● بادامچیان قائم مقام حزب موتلفه اسلامی با اشاره به حضور با شکوه مردم در روز ۱۳ آبان: ریزش حامیان موسوی به حدی است که گویا تنها منافقین، سلطنت طلبان و مارکسیست‌ها باقی‌مانده‌اند. (فارس، ۱۹آبان)

●ضرغامی در کنفرانس خبری به مناسبت تمدید حکم ریاستش بر صدا و سیما: از موسوی برای گفت‌وگو یا مناظره دعوت کردیم، قبول نکرد. (خبرگزاری‌ها، ۲۰ آبان)

● سه تشکل اصلی دانشجویی با انتشار نامه سرگشاده‌ای به احمدی‌نژاد درباره اشتیاق مذاکره و رابطه با آمریکا هشدار دادند. (خبرگزاری‌ها، ۲۱ آبان)

● جلایی‌پور: جنبش سبز توسط هاشمی و ناطق‌نوری رهبری می‌شود. (فارس، ۲۵آبان)

● دادگستری کل استان تهران با صدور اطلاعیه‌ای، روند نتایج رسیدگی به پرونده‌های حوادث پس از انتخابات و مستندات قانونی اتهامات دستگیر شدگان را ارائه داد. (ایلنا، ٢٦آبان)

●لس آنجلس تایمز با انتشار گزارشی از اختلاف نظر در کاخ سفید درباره ادامه حمایت از جنبش سبز و یا تماس با تهران و از سرگیری تلاش‌ها برای بهبود روابط خبر داد. (الف، ۲۷ آبان)

آذر ۱۳۸۸

●علی مزروعی در مناظره مکتوب با مسعود رضایی اعتراف کرد که موسوی بایستی قانون را می‌پذیرفت و دلایلی که برای ابطال انتخابات عرضه می‌کند، بی‌مبناست. (فارس، اول آذر)

●شبکه‌های لس آنجلس به طور مکرر و هماهنگ، فیلم‌های آموزشی انقلاب نرم را پخش

می‌کنند. (الف، ۲ آذر)

● حسین شریعتمداری در سرمقاله کیهان با انتقاد از قهر احمدی‌نژاد و هاشمی، خواستار شرکت احمدی‌نژاد در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام شد. (کیهان، ۳آذر)

● رهبر انقلاب در دیدار بسیجیان سراسر کشور: اولویت اصلی کشور مقابله با جنگ نرم است. (جام جم، ۵ آذر)

● حبیب‌الله عسکراولادی: پس از انتخابات با آقای کروبی دیدار کردیم و او قول داد در آن زمان با آیت‌الله مهدوی تماس بگیرد، اما فردای آن ملاقات وی بیانیه‌ای تندتر از قبل صادر کرد و قبلا نیز گفته‌ام که آقای کروبی گم شده و از حجت خدا دور شده است. (ایسنا، ۷آذر)

● حدادعادل در نطق میان دستور مجلس: در حوادث بعد از انتخابات ۳۷ نفر کشته شدند که از این تعداد ۲۰ نفر بسیجی بودند. در روز جهانی قدس عده‌ای با بطری آب در دست و سیگار بر لب ،شعار «نه غزه، نه لبنان» سر دادند. (ایلنا، ۸آذر)

● با وجود پخش تراکت‌های گسترده از سوی حامیان موسوی برای دعوت دانشجویان به اعتصاب غذا، ۳ درصد از دانشجویان پردیس فنی دانشگاه تهران در اعتصاب غذا شرکت کردند. (فارس، ۹آذر)

● وزیر اطلاعات با حضور در کمیسیون امنیت ملی مجلس از عدم همکاری قوه قضاییه در احضار و محاکمه مهدی هاشمی رفسنجانی انتقاد کرد. (الف، ۱۰ آذر)

● جمعی از دانشجویان با تجمع مقابل سفارت انگلستان، ضمن بازسازی نمایشی صحنه قتل ندا آقا سلطان خواستار استرداد آرش حجازی شدند. (ایسنا، ۱۲آذر)

● رئیس مجلس خبرگان رهبری با تاکید بر این‌که امروز غیر از رهبری کسی نمی‌تواند راه وحدت را هموار کند، گفت: باید به رهبری کمک کنیم و فضای ملایم، همکاری و همدلی و اتحاد را ایجاد کنیم. (فارس، ۱۵آذر)

● مراسم روز دانشجو در دانشگاه تهران با حضور دوگروه موافق و مخالف موسوی در مقابل دانشکده فنی برگزار شد. در سایر دانشگاه‌ها هم تجمعات مشابهی برگزار شد و طرفین علیه هم شعار دادند. در دانشگاه‌های آزاد اسلامی واحدعلوم و تحقیقات و فردوسی مشهد کار به درگیری میان دانشجویان کشید. در خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران ده‌ها نفر سبز پوش تجمع و سطل‌های زباله را به آتش کشیدند. (خبرگزاری‌ها، ۱٦ و ۱۷ آذر)

● تصویر امام خمینی در تجمع ۱٦ آذر به آتش کشیده شد.(۱٦ آذر)

● هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام با

صدور اطلاعیه‌ای اهانت به تمثال حضرت امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب را محکوم کرد. (فارس، ۲۲آذر)

● علیخانی عضو فراکسیون اقلیت مجلس: سوء استفاده رسانه‌های خارجی ربطی به سران اصلاحات ندارد. (فارس، ۲۵آذر)

● دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین از تلاش یک گروه شش نفره در مجمع تشخیص مصلحت نظام و یک گروه هشت نفره در جای دیگر برای وحدت خبر داد. (خبرگزاری مهر، ۲٦آذر)

دی ۱۳۸۸

● میرحسین موسوی با رأی اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی از ریاست فرهنگستان هنر برکنار شد. (خبرگزاری‌ها، اول دی)

● عده زیادی آشوبگر صبح روز عاشورا با حضور در خیابان‌های مرکزی تهران، به اموال عمومی و علائم عزاداری آسیب وارد کردند و شعارهای ساختارشکن سردادند. (خبرگزاری‌ها، ٦دی)

● جمعی از افراد فریب خورده و اراذل و اوباش حامی موسوی و خاتمی در پی فراخوان رسانه‌های اجنبی، با به آتش کشیدن اموال عمومی، بانک و خودروهای شخصی و خانه‌های مردم و ایراد خسارت به برخی وزارتخانه‌ها حرمت روز عاشورای حسینی و مراسم عزا را شکسته و جشن عاشورا برگزار کردند. (فارس، ٦دی)

● سردار رادان جانشین فرمانده نیروی انتظامی: چیزی که امروز بسیار مورد توجه بود، آمادگی سازماندهی شده اغتشاشگران برای درگیری و ایجاد تنش در سطح شهر بود و این در حالی است که مأموران نیروی انتظامی در طول این مدت با سعه صدر و بدون استفاده از سلاح و تنها با استفاده از تجهیزات معمولی ضدشورش قصد ایجاد آرامش و متفرق کردن این افراد را داشتند. متأسفانه چهار نفر در اغتشاشات امروز تهران کشته شدند؛ یکی از این افراد در میان جمعیت روی یکی از پل‌ها از میان جمعیت به پایین پرتاب شد. دو نفر دیگر نیز بر اثر حادثه تصادف با یک خودروی شخصی جان خود را از دست دادند.یک نفر نیز به طرز مشکوکی بر اثر شلیک گلوله کشته شده و این در حالی است که هیچ یک از نیروهای انتظامی حاضر در خیابان‌ها، از سلاح استفاده نکردند. در جریان اغتشاشات امروز در تهران، سردار رجب‌زاده فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ نیز که با حضور در میدان به دنبال آرام کردن فضا بود، به دلیل پرتاب اشیا توسط اغتشاشگران مجروح شد. (واحد مرکزی خبر، ٦دی)

● وزارت اطلاعات: تعدادی از عناصر گروهک تروریستی منافقین در اغتشاشات چندساعته امروز در تهران دستگیر شدند. (واحد مرکزی خبر، ٦دی)

● نمایندگان مجلس از جمله اعضای فراکسیون اقلیت با برگزاری راهپیمایی در خارج از صحن مجلس، حرمت شکنی و آشوب در روز عاشورا را محکوم کردند. (خبرگزاری‌ها، ۸ دی)

● مردم بسیاری از مراکز استان‌ها و شهرهای مختلف کشور با شرکت در تظاهرات، آشوب‌های تهران در روز عاشورا و حرمت شکنی در این روز را به‌شدت محکوم کردند. (خبرگزاری‌ها، ۷ و ۸ دی)

●سیدعلی موسوی خواهر زاده میرحسین موسوی که در روز عاشورا به صورت مشکوکی توسط عوامل ناشناس کشته شد، با حضور خانواده وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد. (خبرگزاری ها، ۹دی)

●سردار رادان جانشین فرمانده نیروی انتظامی: خواهرزاده موسوی قطعا ترور شده است. (خبرگزاری ها، ۹دی)

● تهران امروز شاهد راهپیمایی بی سابقه‌ای در محکومیت آشوب‌ها و هتک حرمت روز عاشورا بود. (خبرگزاری‌ها، ۹دی)

●عسکراولادی، دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری با انتقاد از شعارهای سرداده شده علیه هاشمی در راهپیمایی روز گذشته تاکید کرد: کسانی که به حسینیه جماران حمله کردند، ضد نظام هستند. (خبرگزاری مهر، ۱۰دی)

● محسن رضایی: نامه خود به رهبر معظم انقلاب را قبل از بیانیه موسوی آماده کرده بودم. وحدت بدون محوریت ولایت فقیه و رهبر معظم انقلاب بی‌معناست. (خبرگزاری ها، ۱۲دی)

●نمایندگان پنج اتحادیه دانشجویی نسبت به نامه اخیر محسن رضایی به رهبر انقلاب ـ که پس از بیانیه هفدهم موسوی منتشر شد ـ اعتراض کرده و آن را ناشی از بی‌بصیرتی و عدم تحلیل درست از وضعیت کشور دانستند. (فارس، ۱۳دی)

● حبیبی دبیرکل حزب موتلفه: حتی اگر احتمال یک درصد هم به بازگشت موسوی و کروبی بود، باید با آنها ارتباط برقرار می‌کردیم اما امروز از این آقایان مایوس شده‌ایم. با آنها اتمام حجت کرده بودیم و نتیجه‌ای هم نگرفته‌ایم. (فارس، ١٤ دی)

● گزارش کمیته ویژه بررسی حوادث پس از انتخابات در مجلس قرائت شد. این گزارش

اتهام آزار جنسی بازداشت شدگان را قویا رد کرد ولی دادستان سابق تهران(مر تضوی) را به خاطر اعزام بازداشت شدگان به بازداشتگاه غیر استاندارد کهریزک، مقصر قلمداد کرد و افزود: باید دستگاه قضایی با همه عوامل این حادثه تلخ، اعم از قضایی، اداری و انتظامی برخورد جدی کند و بدون رعایت هر گونه ملاحظه‌ای نسبت به آبروی نظام جمهوری اسلامی این مساله را به نتیجه برساند. (خبرگزاری‌ها، ١٦دی)

●وزیر اطلاعات در جمع طلاب مدرسه فیضیه: در دفتر یکی از این آقازاده‌ها که از همراهان یکی از سران فتنه است، جزوه‌ای پیدا کردیم که در آن به صراحت طرح براندازی نظام دنبال می‌شد. (خبرگزاری فارس، ۱۹دی)

● عباس جعفری دولت‌آبادی دادستان عمومی و انقلاب تهران: کاردار سفارت سوئد در تهران که در جریان حوادث روز عاشورا توسط ماموران دستگیر شده بود، پس از احراز هویت آزاد شده است. (فارس، ۲۰دی)

● معاون وزیر اطلاعات با حضور در کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی اعلام کرد، ٦٠ درصد دستگیرشدگان روز عاشورا اهل تهران نبوده‌اند. (خبرگزاری مهر، ۲۰ دی)

● مایکل مولن، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا در اندیشکده مطالعات خاور نزدیک واشنگتن: ناآرامی‌ها در تهران ادامه خواهد داشت. (الف، ۲۲دی)

● آیت‌الله آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه: بسیاری از حوادث و رویدادهای بعد از انتخابات ناشی از بی‌تدبیری و سکوت برخی خواص و شیطنت اطرافیان بود. (ایلنا، ٢٦دی)

● قاضی مرتضوی ،دادستان سابق تهران با ارسال نامه‌ای به علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی موارد منتسب به خود را که در گزارش مجلس از فجایع کهریزک مطرح شده بود، رد کرد. (جام‌جم، ۲۷دی)

بهمن ۸۸

● مجید انصاری سخنگوی مجمع روحانیون مبارز: تنها شعار اصلاح طلبان در ۲۲ بهمن استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی است. (خبرگزاری مهر، ۵بهمن)

● سرلشکر فیروزآبادی: کسانی که طی این هفت، هشت ماه دچار خطاهایی شده‌اند و جرم‌هایی مرتکب شدند، باید به سوی ملت برگردند و شعار ملت را بدهند و همسو و هم‌پای با ملت باشند. ان‌شاءالله بعد از ۲۲ بهمن به حال و هوای قبل از انتخابات برگردیم. (ایلنا، ۷بهمن)

●جریان فتنه برای حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن برنامه ریزی می کند (خبرگزاری‌ها)

● وزارت اطلاعات در اطلاعیه‌ای تاکید کرد: با توجه به اطلاعات موثقی که از ارتباطات برخی از فتنه‌گران با بیگانگان و گروهک‌های ضدانقلاب داریم، مجددا و به‌عنوان اتمام حجت، هشدار می‌دهیم تا فریب‌خوردگان بیش از این بازیچه دست بیگانگان که دنبال سلطه مجدد بر کشور هستند و مردم شریف ایران خاطرات تلخی از آنها دارند، نشده و در فرصت محدود باقی‌مانده، راه خود را از آنها جدا کنند. در غیر این صورت بدون هیچ‌گونه مماشاتی، برخورد قانونی با آنان صورت خواهد گرفت. (ایلنا، ۱۰بهمن)

● جعفر شجونی، عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز: ناطق نوری، حسن روحانی و امامی کاشانی بعد از انتخابات در جلسات جامعه روحانیت شرکت نمی‌کنند. (ایلنا، ۱۰بهمن)

● حزب موتلفه: ۲۲ بهمن فرصتی برای بازگشت قانون شکنان است. (فارس، ۱۴بهمن)

● سردار جوانی، رئیس اداره سیاسی سپاه پاسداران: با سفر خاتمی به چند شهر مشخص شد، وی رای نمی‌آورد. پس کنار رفت و قرار شد میر حسین موسوی بیاید و به گونه‌ای ظاهر شود که از هر طرف رای جمع کند. (ایلنا، ۱۶بهمن)

● باهنر، نایب رئیس مجلس: پاسخ مردم به فتنه گران در راهپیمایی ۲۲ بهمن، دندان‌شکن‌تر از ۹ دی خواهد بود. (فارس، ۱۹بهمن)

● رهبر انقلاب: آن کسانی که در مقابل عظمت ملت ایران در مقابل کار بزرگ ملت ایران در انتخابات ایستادند. آنها بخشی از ملت نیستند، افرادی هستند یا ضدانقلاب صریح یا براثر جهالت و لجاجت خود، کار ضدانقلاب را می‌کنند و ربطی به توده مردم ندارد. (سایت رهبری ، ۱۹بهمن)

● محمدرضا تاجیک، مشاور خاتمی در دوران اصلاحات در گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو سیما: ادامه جریانات پس از انتخابات نه تنها توجیه دینی و شرعی بلکه هیچ توجیه عقلی، مدنی و مردمی هم نداشت. عبور از ولایت و قانون، محصول توهم پیروزی در انتخابات بود. (واحدمرکزی خبر، ۲۱بهمن)

● راهپیمایی سالگرد پیروزی انقلاب با حضور ده‌ها میلیونی مردم در سراسر ایران برگزار شد. (خبرگزاری‌ها، ۲۲ بهمن ۱۳۸۸)

● جنبش سبز ، شکست و رویگردانی مردم از خود را در روز ۲۲ بهمن شاهد بود .

● پیام تشکر رهبر انقلاب از مردم به مناسبت راهپیمایی ۲۲ بهمن : خسته مباد گام‌های استوارتان ، سربلند باد پرچم همت و آزادگی تان ...و سپاسی از ژرفای دل و جان ، آفریننده هستی را که دست قدرت خود را در عزم و ایمان و بصیرت شما نمایان ساخت. (۲۲ بهمن ۸۸)

جدول مقایسه‌ای نظرسنجی‌های انتخاباتی مرکز تحقیقات صدا و سیما (ارقام بر حسب درصد)

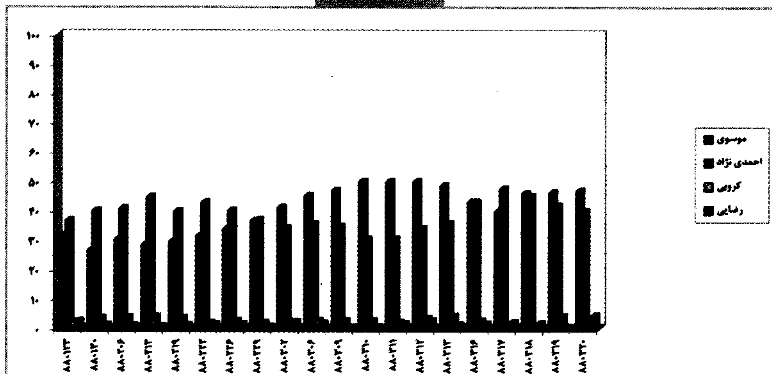
محل نظرسنجی	شهر تهران			
نامزدها / تاریخ نظرسنجی	موسوی	احمدی‌نژاد	کروبی	رضایی
۸۸/۱/۲۳	۳۱/۹	۳۶/۸	۲/۵	۲/۷
۸۸/۱/۲۴				
۸۸/۱/۳۰	۲۶/۸	۴۰/۲	۳/۷	۱/۴
۸۸/۲/۶	۳۰/۵	۴۱	۴/۱	۱/۱
۸۸/۲/۱۳	۲۸/۷	۴۴/۸	۴/۲	۱
۸۸/۲/۱۹	۲۹/۷	۳۹/۹	۳/۷	۱/۳
۸۸/۲/۲۰				
۸۸/۲/۲۲	۳۱/۷	۴۳	۲/۱	۱/۷
۸۸/۲/۲۶	۳۴/۱	۴۰/۳	۲/۸	۱/۷
۸۸/۲/۲۸				
۸۸/۲/۲۹	۳۶/۷	۳۷/۱	۲/۲	۰/۹
۸۸/۳/۲	۴۱/۳	۳۴/۴	۲/۴	۲/۵
۸۸/۳/۳				
۸۸/۳/۶	۴۵/۳	۳۵/۷	۲/۹	۱/۹
۸۸/۳/۹	۴۷	۳۴/۸	۲/۸	۰/۱
۸۸/۳/۱۰	۵۰/۱	۳۰/۴	۲/۸	۰/۶
۸۸/۳/۱۱	۵۰		۲/۲	۱/۸
۸۸/۳/۱۲	۵۰	۳۴	۳/۶	۲/۷
۸۸/۳/۱۳	۴۸/۶	۳۵/۸	۴/۳	۱/۳
۸۸/۳/۱۶	۴۳/۱		۲/۶	۱/۶
۸۸/۳/۱۷	۳۹/۹	۴۷/۵	۱/۶	۲/۲
۸۸/۳/۱۸	۴۶	۴۵	۱/۲	۱/۹
۸۸/۳/۱۹	۴۶/۳	۴۱/۸	۴/۲	۰/۴
۸۸/۳/۲۰	۴۶/۹	۴۰	۱/۴	۴/۵

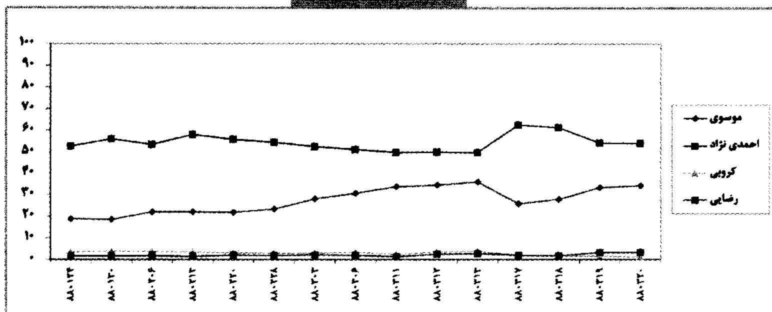
جدول مقایسه‌ای نظرسنجی‌های انتخاباتی مرکز تحقیقات صدا و سیما (ارقام بر حسب درصد)

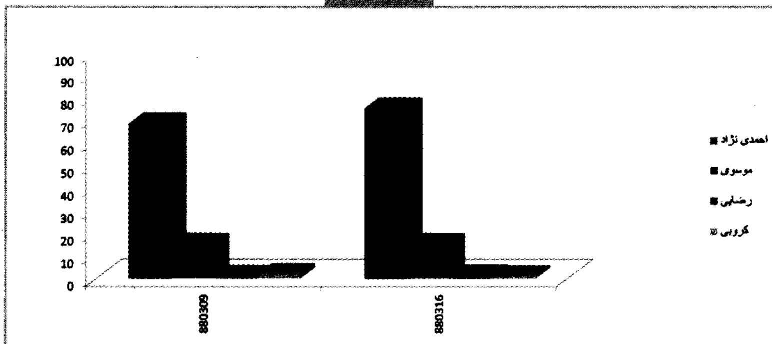
محل نظرسنجی	سراسری - ملی			
نامزدها / تاریخ نظرسنجی	موسوی	احمدی‌نژاد	کروبی	رضایی
۸۸/۱/۲۳				
۸۸/۱/۲٤	۱۸/۷	۵۲/۸	۳/٦	۱/٦
۸۸/۱/۳۰	۱۸/٤	۵٦/۲	٤	۱/٦
۸۸/۲/٦	۲۱/۹	۵۳/٦	۳/۸	۱/۷
۸۸/۲/۱۳	۲۱/۹	۵۸/۲	۳/٦	۱/٤
۸۸/۲/۱۹				
۸۸/۲/۲۰	۲۱/۷	۵۵/۹	۳/۲	۲
۸۸/۲/۲۲				
۸۸/۲/۲٦				
۸۸/۲/۲۸	۲۳/۲	۵٤/٦	۳	۱/۸
۸۸/۲/۲۹				
۸۸/۳/۲				
۸۸/۳/۳	۲۸	۵۲/٦	۳/۱	۲/۱
۸۸/۳/٦	۳۰/٦	۵۱/۲	۳/۵	۱/۹
۸۸/۳/۹				
۸۸/۳/۱۰				
۸۸/۳/۱۱	۳۳/۷	٤۹/۹	۲/۵	۱/۳
۸۸/۳/۱۲	۳٤/٤	۵۰	۳/٦	۲/٤
۸۸/۳/۱۳	۳۵/۹	٤۹/۸	۳/۹	۲/۷
۸۸/۳/۱٦				
۸۸/۳/۱۷	۲۵/۷	٦۲/۷	۲/۱	۱/۹
۸۸/۳/۱۸	۲۷/۷	٦۱/۵	۱/۷	۱/۷
۸۸/۳/۱۹	۳۳/۳	۵٤/۳	۱/٦	۳/۲
۸۸/۳/۲۰	۳٤/۲	۵٤/۱	۱/۳	۳/۲

جدول مقایسه‌ای نظرسنجی‌های انتخاباتی مرکز تحقیقات صدا و سیما (ارقام بر حسب درصد)

محل نظرسنجی	روستایی			
نامزدها / تاریخ نظرسنجی	احمدی‌نژاد	موسوی	رضایی	کروبی
۸۸/۱/۲۳				
۸۸/۱/۲٤				
۸۸/۱/۳۰				
۸۸/۲/٦				
۸۸/۲/۱۳				
۸۸/۲/۱۹				
۸۸/۲/۲۰				
۸۸/۲/۲۲				
۸۸/۲/۲٦				
۸۸/۲/۲۸				
۸۸/۲/۲۹				
۸۸/۳/۲				
۸۸/۳/۳				
۸۸/۳/٦				
۸۸/۳/۹	٦۸/۳	۱۵	۱	۲
۸۸/۳/۱۰				
۸۸/۳/۱۱				
۸۸/۳/۱۲				
۸۸/۳/۱۳				
۸۸/۳/۱٦	۷۵/۱	۱۵	۱/۲	۱/۱
۸۸/۳/۱۷				
۸۸/۳/۱۸				
۸۸/۳/۱۹				
۸۸/۳/۲۰				


موسوی
احمدی نژاد
کروبی
رضایی


موسوی
احمدی نژاد
کروبی
رضایی


احمدی نژاد
موسوی
رضایی
کروبی
880309
880316